



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



تَوْهَمُ سُلْطَه

أول مرة في العالم، مصر تحت إيداد الله العظيم، طاعتها من (بغداد)
والعرب منظم التسلط، إسرائيل، روسيا، سوريا، العراق، ليبيا، تونس، الجزائر، المغرب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توهم سلطه

نویسنده:

آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۵	توهم سلطه: گزیده بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون صهیونیسم
۳۵	مشخصات کتاب
۳۵	اشاره
۴۲	مقدمه
۴۳	مقدمه
۴۳	اشاره
۴۳	الف. مراحل تدوین
۴۵	ب. وجه تمایز با آثار مشابه
۴۹	بخش اول: صهیونیسم؛ شجره ی خبیثه
۴۹	اشاره
۵۱	فصل اول: بصیرت و دشمن شناسی
۵۱	اشاره
۵۱	لزوم روشنگری در عرصه ی دیپلماتیک، برای تفهیم دشمنی صهیونیسم با جهان اسلام
۵۱	صهیونیسم؛ دشمن بشریت
۵۲	خطرِ نداشتن بصیرت و تفهیمِ نقشه ی دشمن
۵۲	لزوم بصیرت داشتن هر مسلمان
۵۳	صهیونیستهای دشمن؛ درصدد تضعیف ملت ایران
۵۳	دولت غاصب صهیونیست؛ بزرگ ترین خطر برای جهان اسلام
۵۳	نکوهش رفتار ذلت بار دولتهای عربی در برابر دشمن عنود مسلمان و اعراب
۵۴	به رسمیت شناختن صهیونیست ها؛ یعنی پایان مبارزه
۵۴	توصیه ی قرآن کریم؛ بیداری و بصیرت نسبت به دشمن
۵۵	هوشیاری امام راحل (رحمه الله) در شناخت و معرفی دشمن
۵۶	مجتهز بودن به انواع ابزارها و توانمندی ها و احتیاسیت به بیداری اسلامی؛ دو خصوصیت اصلی دشمن
۵۷	صهیونیست ها و امریکا؛ مصادیق بارز جبهه ی باطل
۵۸	اتحاد شوم امریکا و صهیونیسم؛ در رأس دشمنان اسلام
۵۸	صهیونیسم؛ عامل فساد و اخلال در روند رشد ملتها

- ۵۹ صهیونیسم و استکبار؛ دشمن اصلی جمهوری اسلامی
- ۶۰ ایالات متّحده ی امریکا؛ بازیچه ی دست صهیونیستها
- ۶۱ برائت از استکبار و صهیونیسم؛ از مسائل مسلّم حج
- ۶۱ رژیم اشغالگر قدس؛ خطر و تهدیدی برای امنیت منطقه
- ۶۲ بصیرت مّلت ایران در شناخت دشمن اصلی
- ۶۲ صهیونیستها و امریکا؛ دو روی سکه ی دشمنی با مّلت ایران
- ۶۲ سردمداران دولت امریکا؛ عامل شیاطین صهیونیست
- ۶۳ اشغالگران فلسطین؛ شریکترین دشمنان مّلت ایران
- ۶۴ پای بندی به اسلام و حفظ استقلال؛ علّت دشمنی دشمنان جمهوری اسلامی
- ۶۴ امریکا، صهیونیستهای دنیا و حکومت صهیونیستی؛ در رأس دشمنان ما
- ۶۵ فواید حج؛ وحدت، دشمن شناسی و اعلام برائت از دشمنان
- ۶۵ استکبار و صهیونیسم؛ دشمن مشترک همه ی گروه های اسلامی
- ۶۶ امریکا و صهیونیستها؛ بزرگ ترین و لجوج ترین دشمنان مّلت ایران
- ۶۶ لزوم هوشیاری در شناخت دشمن
- ۶۶ صهیونیستها؛ دشمن خطرناک دنیای اسلام
- ۶۸ میانی دشمنی ما با امریکا و صهیونیسم
- ۶۸ لزوم تمایز بین یهود؛ صهیونیسم
- ۶۸ لزوم هوشیاری نسبت به امپراتوری عظیم خبری صهیونیستی
- ۶۸ بدیل سازی شعارها و آرمانها؛ یکی از روشهای دشمنی دشمنان
- ۶۸ تسلیم شدن مّلت و دولت؛ نتیجه ی نشناختن درست دشمن
- ۶۹ معرفی و تبیین مراتب و درجات دشمن
- ۶۹ هوای نفس؛ دشمنی خطرناک تر از صهیونیسم
- ۷۰ دشمن دنیای اسلام؛ صهیونیستها و سرمایه داران گرداننده ی نظام امریکا
- ۷۰ تبیین علّت هشدارهای عمومی نسبت به دشمن بیرونی
- ۷۱ دشمن بیرونی؛ عامل تشدید کننده ی اشکالات و لغزشهای درونی
- ۷۱ ریشه ی وحشت صهیونیسم از اسلام
- ۷۲ دلیل پرهیز دشمن از رویارویی نظامی با ایران اسلامی
- ۷۲ القای ناکارآمدی نظام و ایجاد اختلاف؛ دو نقطه ی امید صهیونیستها و استکبار

- ۷۴ نقش دشمن در تبدیل اختلاف سلیقه به تضادهای بنیانی
- ۷۴ خط دشمن؛ جداکردن مردم از نظام و ایجاد فضای هرج و مرج در جامعه
- ۷۴ صهیونیسم و امریکا؛ مخالف ظهور چهره ی اسلام ناب
- ۷۴ دوگانه ی اسلام طالبانی و اسلام التقاطی؛ دو برداشت مورد حمایت دشمنان
- ۷۵ ترس دشمنان از مطرح شدن اسلام زندگی ساز
- ۷۵ دشمن شناسی؛ مهمترین کار
- ۷۵ امریکا و صهیونیسم؛ بتهای بزرگی که باید شکست
- ۷۵ نتیجه ی اشتباه در دشمن شناسی؛ هدر دادن سالها از عمر دنیای اسلام
- ۷۵ امریکا و صهیونیستها؛ دشمن درجه ی اول ملت ایران
- ۷۶ شایعه پراکنی شبکه های تبلیغاتی؛ یکی از روشهای دشمنی صهیونیسم
- ۷۶ حمله به عراق؛ پروژه بی امریکایی - صهیونیستی
- ۷۷ امریکا و صهیونیستها در تدارک جنگ صلیبی
- ۷۸ هوشیاری در شناخت عوامل پشت پرده ی اظهار نظر پاپ علیه اسلام
- ۷۸ صهیونیسم جهانی و استکبار امریکایی؛ دشمنان صف بسته ی در مقابل ملت ایران
- ۷۹ مظهر دشمن بیرونی؛ شبکه ی صهیونیسم جهانی و دولت امریکا
- ۷۹ ناکامی دشمن در تضعیف ملت ایران
- ۷۹ شبکه ی صهیونیستی، رژیم صهیونیستی و رژیم منفور امریکا؛ دشمنان اصلی ملت ایران
- ۸۰ سران صهیونیسم و استکبار؛ شمرها و یزیدهای زمانه
- ۸۰ راز دشمنی گردانندگان رژیم امریکا و رژیم صهیونیستی با اسلام
- ۸۱ امریکا و صهیونیستها؛ هم دشمن شیعه و هم دشمن سنی
- ۸۲ مظهر استکبار جهانی؛ امریکا و صهیونیسم
- ۸۲ مردم اسرائیل؛ سپاهی لشکر صهیونیسم
- ۸۳ دلایل سلبی دشمنی استکبار با جمهوری اسلامی
- ۸۳ دلایل ایجابی دشمنی استکبار با جمهوری اسلامی
- ۸۳ اقتدار همه جانبه ی کشور؛ مانع توطئه های استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی
- ۸۴ سرمایه داران صهیونیسم؛ مهم ترین تصمیم گیران نظام استکبار
- ۸۵ تبیین عناصر دستگاه استکبار
- ۸۵ استکبار جهانی و صهیونیستها؛ دشمنان خونی اسلام و جمهوری اسلامی

- ۸۶ امریکا، رژیم صهیونیستی و صهیونیستهای دنیا؛ دشمن ترین دشمنان ملت ایران
- ۸۷ صهیونیستها و رژیم ایالات متّحده ی امریکا؛ دشمنان حقیقی و اصلی منطقه ی خاورمیانه
- ۸۷ سرمایه دارهای صهیونیست؛ از جمله دشمنان نظام جمهوری اسلامی
- ۸۸ تقابل دو قطب مستضعفین با مستکبرین به رهبری امریکا و صهیونیسم
- ۸۹ فصل دوم: صهیونیسم؛ بلای بشریت
- ۸۹ اشاره
- ۸۹ صهیونیسم؛ مسلکی فاشیستی و غیرمذهبی
- ۸۹ ترویج فساد و فحشا؛ برنامه ی صهیونیسم جهانی برای به سلطه کشیدن ملتها
- ۸۹ تزریق فساد و تباهی در تمام ملتها، از اصول اساسی صهیونیسم
- ۹۰ صهیونیسم؛ دشمن بشریت
- ۹۰ صهیونیستها و آموزش فساد از طریق رسانه ها
- ۹۰ صهیونیسم؛ بلای بزرگ بشریت
- ۹۱ صهیونیستها؛ عامل اغلب فسادها و انحطاطها
- ۹۱ سرگرم کردن جوانان به شهوت؛ توطئه ی بلندمدت صهیونیستی
- ۹۱ دولت غاصب صهیونیست؛ بخشی از مجموعه ی جهانی صهیونیستها
- ۹۲ صهیونیستها؛ تخریبگر دنیا و طبیعت
- ۹۳ همت صهیونیستهای عالم برای فاسدکردن نسل جوان
- ۹۳ افکار عمومی در جهت میل صهیونیستها
- ۹۴ اشاعه ی فحشا؛ برنامه ی مراکز اقتصادی صهیونیستی
- ۹۴ علل اشاعه ی فحشا توسط مراکز صهیونیستی
- ۹۵ ایجاد نفرت نسبت به اسلام؛ توطئه ی تبلیغاتی صهیونیسم
- ۹۵ حذف هویت دینی از انسانها؛ هدف صهیونیستها
- ۹۶ اختلاف افکنی میان مسلمانان؛ برنامه ی صهیونیسم و استکبار
- ۹۶ دخالت صهیونیستها در همه ی حوادث گوشه و کنار دنیای اسلام
- ۹۷ اهانت به نبی مکرم اسلام (ص)؛ توطئه ی عمیق صهیونیستی
- ۹۷ رودر رو قرار دادن مسلمانان و مسیحیان؛ توطئه ی عمیق صهیونیستی
- ۹۸ عکس العمل مسلمانان علیه دستهای پنهان صهیونیسم در قضیه ی اهانت به پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم)
- ۱۰۰ صهیونیستها؛ سررشته ی تحولات منفی جهانی

- ۱۰۱ - نقش صهیونیسم در انقلاب رنگی گرجستان
- ۱۰۱ - توطئه و نقش سرمایه داران صهیونیستی در ورشکستگی برخی کشورهای آسیای شرقی
- ۱۰۱ - بانک جهانی و صندوق بین المللی پول؛ نهادهایی در خدمت صهیونیسم جهانی
- ۱۰۲ - باز داشتن جوانان از نگاه جدی به زندگی؛ از سیاستهای رایج شبکه ی خطرناک صهیونیستی
- ۱۰۳ - منشأ صهیونیستی فساد در دنیای غرب
- ۱۰۳ - شبکه ی مفسد صهیونیستی؛ مظهر فساد اخلاقی و تباه کردن نسلهای بشری
- ۱۰۴ - تحقیر شخصیت زن تحت تأثیر دستهای صهیونیستی در دنیای فاسد غرب
- ۱۰۴ - خشم جامعه ی امریکا از حضور لابی صهیونیستی در مرکز تحرک صهیونیستها
- ۱۰۴ - اتاقهای فکر صهیونیستی؛ طراح اهانت به قرآن
- ۱۰۶ - گرفتاریهای متعدد اروپا و امریکا؛ ناشی از سلطه ی اختاپوسی صهیونیسم
- ۱۰۷ - حمایت یک درصد مردم آمریکا از غده ی سرطانی اسرائیل
- ۱۰۸ - حاکمیت سیاستهای شبکه ی خبیث صهیونیستی بر دولتهای اروپا و امریکا
- ۱۰۸ - الگوسازی های رسانه های غربی؛ برگرفته از پروتکل های صهیونیستی
- ۱۰۹ - ضایع کردن شخصیت زن از مواد پروتکل های صهیونیستی
- ۱۱۱ - قیام کشورهای اسلامی علیه دیکتاتورهای وابسته؛ مقدمه ی قیام علیه دیکتاتوری شبکه ی فاسد صهیونیستی
- ۱۱۲ - نهضت عظیم اجتماعی در اروپا به خاطر دخالت امریکا و دخالت شبکه ی صهیونیستی جهانی
- ۱۱۳ - فصل سوم: نفوذ و سلطه ی رسانه یی صهیونیسم
- ۱۱۳ - اشاره
- ۱۱۳ - اکثر خبرگزاریهای بزرگ دنیا در قبضه ی صهیونیستها
- ۱۱۳ - لزوم تلاش دو برابر در قبال سیطره ی رسانه یی صهیونیسم
- ۱۱۴ - شبکه های رادیو - تلویزیونی مهم امریکا در دست یهودیهای صهیونیست
- ۱۱۵ - ریشه ی معارضة ی شبکه ی تبلیغاتی و خبری صهیونیستی جهان علیه انقلاب اسلامی
- ۱۱۵ - سیطره و نفوذ صهیونیسم بر رسانه ها و دستگاه های تعلیم و تربیت امریکا
- ۱۱۵ - روزنامه ها و دستگاه های رادیو و تلویزیون در تصرف صهیونیستها
- ۱۱۶ - سیطره ی شبکه ی صهیونیستی بر روزنامه های امریکایی
- ۱۱۶ - دستگاه های تبلیغاتی امریکا، درست در اختیار صهیونیستها
- ۱۱۷ - دروغگویی؛ ذات خبرگزاریهای صهیونیستی
- ۱۱۷ - رسانه های گروهی؛ ابزار صهیونیستها برای تحمیق ملتها و تحریف حقایق

- ۱۱۷ دستگاه تبلیغاتی صهیونیستها؛ زمینه ساز ایجاد دولت غاصب
- ۱۱۷ کوتاهی مسلمانان در تبیین حقانیت مردم فلسطین
- ۱۱۸ استخدام کارشناس خبری برای تأمین اهداف صهیونیسم
- ۱۱۸ عمده ی تبلیغات دشمن در دست صهیونیستها
- ۱۱۸ تلاش رسانه بی جبهه ی استکبار و صهیونیسم
- ۱۱۹ انفعال رسانه های داخلی در برابر خبرگزاریهای صهیونیستی
- ۱۱۹ سانسور پیام حج امام در روزنامه های امریکایی
- ۱۲۱ صهیونیستها؛ تصمیم گیرندگان سیاستهای فرادولتی و فراکشوری
- ۱۲۱ مبارزه ی دائمی خبری بین جمهوری اسلامی و خبرگزاریهای جبهه ی استکبار
- ۱۲۲ صهیونیستها؛ خبیث ترین دست اندرکاران تبلیغات جهانی
- ۱۲۲ امپراتوری خبری صهیونیسم علیه جمهوری اسلامی
- ۱۲۳ هدف رسانه های صهیونیستی؛ تأثیر گذاری بر افکار عمومی علیه جمهوری اسلامی
- ۱۲۳ رسانه های صهیونیستی؛ مظهر جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی
- ۱۲۴ تبلیغ ماهرانه ی مبلّغین استکبار و صهیونیسم بر ضدّ اسلام
- ۱۲۵ صهیونیسم و اسرائیل؛ جزء مقدّسات مطبوعات بیگانه
- ۱۲۵ مهارت رسانه بی صهیونیسم در مظلوم نمایی
- ۱۲۶ نقش تبلیغات امریکایی در وارونه جلوه دادن حقایق فلسطین
- ۱۲۶ رسانه های تبلیغاتی مهمّ دنیا در انحصار صهیونیستها
- ۱۲۶ امپراتوری خبری دشمنان دنیای اسلام در کنترل صهیونیستها
- ۱۲۷ سیاست صهیونیستها؛ در دست گرفتن رسانه های خبری و تبلیغی دنیا
- ۱۲۷ اتصال بند ناف رسانه های متنوع دنیا به صهیونیستها
- ۱۲۸ نقش رسانه های استکباری در انحراف افکار عمومی در ماجرای غصب فلسطین
- ۱۲۸ سلطه ی رسانه بی صهیونیسم در خدمت دیکتاتوری پول و شهوت
- ۱۲۹ ترندهای تبلیغاتی امپراتوری خبری صهیونیسم علیه نظام جمهوری اسلامی
- ۱۳۰ فصل چهارم: مظلوم نمایی صهیونیسم
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۰ هدف تبلیغات امریکایی و صهیونیستی؛ ارائه ی چهره ی مظلوم از یهودیان صهیونیستی و چهره ی خشن از فلسطینیها
- ۱۳۱ مظلوم نمایی یهود و زمینه سازی ظلم

- فیلم سازی صهیونیستها درباره ی مظلومیت یهودیها ۱۳۲
- مطبوعات امریکایی؛ تصویرگر مظلوم نمایی های اسرائیل ۱۳۲
- مهارت مطبوعات امریکایی در جلب احساس ترحم مردم دنیا نسبت به صهیونیستها ۱۳۲
- تأثیر دروغ پردازی های رسانه های صهیونیستی بر نخبگان و افکار عمومی ۱۳۳
- اشغال فلسطین؛ طرحی راهبردی برای جلوگیری از اتحاد، پیوستگی و قدرتمندی مسلمانان ۱۳۴
- مظلوم نمایی در افکار عمومی برای زمینه سازی اشغال فلسطین ۱۳۴
- مظلوم نمایی؛ مهم ترین کار همیشگی صهیونیستها در دنیای تبلیغات ۱۳۵
- روشهای تبلیغی صهیونیستها در امر مظلوم نمایی ۱۳۶
- ساخت هزاران فیلم برای نشان دادن مظلومیت یهود و دیگر اهداف استعماری ۱۳۶
- بخش دوم: غده ی سرطانی ۱۳۸
- اشاره ۱۳۸
- فصل اول: تاریخچه و شیوه ی غصب ۱۴۰
- اشاره ۱۴۰
- سیر تاریخی غصب فلسطین ۱۴۰
- ادعای صلح؛ ترفندی برای ادامه ی اشغالگری ۱۴۱
- زورگویی، خشونت و قساوت؛ پایه های اساسی رژیم صهیونیستی ۱۴۲
- مذاکرات به اصطلاح صلح؛ ترفند صهیونیستها در راستای اشغال کامل ۱۴۳
- نقش خیانت عرفات و گروهش در تکمیل اشغالگری صهیونیستها ۱۴۴
- شرایط فلسطین در آغاز غصب توسط صهیونیستها ۱۴۵
- فصل دوم: علل اصلی تشکیل رژیم صهیونیستی ۱۴۶
- اشاره ۱۴۶
- علت واقعی اشغال فلسطین ۱۴۶
- رژیم صهیونیستی؛ استانی از استکبار جهانی غرب در وسط ملت‌های عربی و اسلامی ۱۴۶
- رژیم صهیونیستی؛ اهرم فشار قدرتمندان جهانی در قلب ملت‌های اسلامی ۱۴۷
- هدف تشکیل رژیم صهیونیستی؛ ایجاد تفرقه، تشنج و فتنه و جلوگیری از رشد نهضت‌های آزادببخش ۱۴۷
- حضور اسرائیل در قلب کشورهای اسلامی؛ یعنی سیطره ی استکبار بر دنیای اسلام ۱۴۸
- اشغال فلسطین؛ هدف اولیه ی صهیونیستها و حامیان بین المللی آنها و نه هدف نهایی ۱۴۸
- رژیم صهیونیستی؛ پایگاهی برای استکبار در قلب جهان اسلام ۱۴۹

- ۱۵۰ رژیم صهیونیستی؛ پایگاهی برای سلطه بر دنیای اسلام
- ۱۵۰ تأسیس کشور اسرائیل؛ توطئه ی مشترک استعمار و یهود
- ۱۵۱ تشکیل رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از اتحاد دنیای اسلام
- ۱۵۱ غصب فلسطین برای تداوم سلطه ی استعمارگران بر دنیای اسلام
- ۱۵۱ تشکیل دولت صهیونیستی در فلسطین؛ خواست استعماری دولت انگلیس
- ۱۵۲ هدف از اشغال فلسطین؛ جلوگیری از اتحاد و پیوستگی مسلمانان
- ۱۵۳ رژیم غاصب اسرائیل؛ ابزار کنترل و تسلط غرب بر منطقه ی خاورمیانه
- ۱۵۴ فصل سوم: ملت جعلی
- ۱۵۴ اشاره
- ۱۵۴ اسرائیل؛ دولتی بی اصل و نسب و جعلی، با ملتی دروغی
- ۱۵۴ اشغالگران؛ مجموعه یی از انسانهای خبیث، شریر، طماع، دزد و آدمکش
- ۱۵۵ مردم بومی فلسطین؛ شهروندان حقیقی فلسطین
- ۱۵۵ اداره کنندگان دولت اشغالگر صهیونیستی؛ بیگانگانی از کشورهای مختلف دنیا
- ۱۵۶ ملت اسرائیل؛ یک موجودیت دروغین، تصنعی و فرمایشی
- ۱۵۶ متکی نبودن دولت غاصب صهیونیستی بر یک ملت
- ۱۵۶ اسرائیل با ملتی جعلی، دروغین و بی هویت
- ۱۵۷ ملت کنونی صهیونیست اشغالگر؛ ملتی ساختگی و دروغین
- ۱۵۷ اسرائیل؛ یک وجود جعلی و یک ملت دروغین
- ۱۵۸ اسرائیل؛ ملتی جعلی به جای ملت با فرهنگ و تاریخ و سابقه ی فلسطین
- ۱۵۸ ملت سازی برای رژیم صهیونیستی
- ۱۵۹ مردم اسرائیل؛ سیاهی لشکر عناصر صهیونیسم
- ۱۵۹ غاصب دانستن صهیونیستهای اسرائیلی؛ موضع نظام، انقلاب و مردم درباره ی مردم اسرائیل
- ۱۶۱ فصل چهارم: رؤیای نیل تا فرات
- ۱۶۱ اشاره
- ۱۶۱ رژیم صهیونیستی و رؤیای نیل تا فرات
- ۱۶۱ محدوده ی جغرافیایی نیل تا فرات در افکار رهبران صهیونیستی
- ۱۶۲ پای بندی صهیونیستها به هدف نیل تا فرات
- ۱۶۴ توسعه طلبی و تجاوزگری رژیم صهیونیستی

۱۶۵	ایجاد اسرائیل بزرگ؛ هدف اساسی صهیونیسم
۱۶۶	از نیل تا فرات؛ سرزمین موعود صهیونیستها
۱۶۶	نقشه ی اسرائیل بزرگ؛ هدیه ی رئیس جمهور جنگ طلب امریکا به نخست وزیر رژیم صهیونیستی
۱۶۷	طرح خاورمیانه ی بزرگ امریکا؛ نقشه یی برای سیطره ی کامل بر دنیای اسلام
۱۶۸	فصل پنجم: جنایتها
۱۶۸	اشاره
۱۶۸	فتنه انگیزی میان مسلمانان؛ جنایتی بزرگ تر از فاجعه ی صبرا و شتیلا
۱۶۹	جنایت آشکار صهیونیستها و دورویی مدعیان حقوق بشر
۱۶۹	سرکوب خشونت بار مبارزان فلسطینی و سکوت مدعیان حقوق بشر
۱۶۹	تروریسم و آدم ربایی مزدوران صهیونی
۱۷۰	حقوق بشر؛ ترفند سردمداران امریکا
۱۷۰	عدم پای بندی رژیم صهیونیستی به هیچ اصل انسانی و قانون بین المللی
۱۷۱	نژادپرستی خشونت بار صهیونیستها
۱۷۲	سکوت جانبدارانه ی سازمانهای حقوق بشر در برابر جنایتهای رژیم صهیونیستی
۱۷۳	سکوت مدعیان مبارزه با تروریسم در مقابل تروریسم دولتی آشکار رژیم صهیونیستی
۱۷۳	عدم واکنش طرفداران حقوق بشر در برابر تجاوزگری اسرائیل
۱۷۴	اشغال جنایتبار فلسطین
۱۷۴	وقایع دیرپاسین و کفرقاسم؛ نمونه هایی از جنایتهای رژیم صهیونیستی
۱۷۵	استفاده ی ابزاری از واژه ی تروریسم برای مبارزه ی حق طلبانه ی ملت فلسطین
۱۷۶	خونسردی سازمانهای مدعی حقوق بشر در برابر جنایتهای آشکار رژیم صهیونیستی
۱۷۶	ترفند و دروغ خبثت آمیز مدعیان حقوق بشر در برابر فجایع فلسطین و بوسنی هرزگوین
۱۷۷	خفقان سازمانهای حقوق بشر در برابر فاجعه ی حرم شریف ابراهیمی
۱۷۸	تعصب و سنگدلی مطبوعات امریکا و غرب در برابر فجایع انسانی
۱۷۸	رژیم غاصب صهیونیستی؛ واضح ترین نمونه ی دولت تروریست
۱۷۹	دولت غاصب اسرائیل؛ نمونه ی کامل و همیشگی تروریسم دولتی
۱۷۹	دروغگوی هفت دولت صنعتی در ادعای حمایت از حقوق بشر
۱۸۰	حکومت غاصب صهیونیستی؛ مظهر تروریسم دولتی
۱۸۱	خون دل خوردن همه ی انسانهای غیرتمند از قضایای فلسطین

- ۱۸۲ جنایات دولت غاصب و جعلی اسرائیل در مقابل چشم بشریت
- ۱۸۲ رژیم صهیونیستی؛ دولتی ظالم و بی‌اعتنای به همه‌ی مقررات بشری و انسانی
- ۱۸۳ رژیم صهیونیستی؛ مظهر کامل تروریسم
- ۱۸۳ خونسردی مدعیان حقوق بشر در برابر جنایات گسترده‌ی رژیم صهیونیستی
- ۱۸۴ فاجعه‌ی سهمگین فانا؛ نشانگر معنای حقوق بشر امریکایی
- ۱۸۴ جنایت رژیم نژادپرست، متجاوز و سفاک صهیونیستی علیه بشریت
- ۱۸۴ فجایع لبنان و فلسطین؛ مایه‌ی عبرت امت اسلامی
- ۱۸۶ جهاد مظلومانه‌ی حزب الله؛ نشان دهنده‌ی چهره‌ی کریمه و منفور رژیم صهیونیستی
- ۱۸۶ بی‌تفاوتی مدعیان حقوق بشر در برابر جنایتهای رژیم صهیونیستی در غزه
- ۱۸۷ اقرار مسئولین صهیونیستی به تبعیض نژادی در فلسطین اشغالی
- ۱۸۷ حوادث خونین غزه؛ غمی سنگین برای امت بزرگ اسلام
- ۱۸۸ وظیفه‌ی مسلمانان در رساندن ندای مظلومیت فلسطینیان به سراسر جهان
- ۱۸۸ نمایش چهره‌ی خونخوار گرگهای صهیونیست در غزه
- ۱۸۸ سکوت تشویق‌آمیز برخی دولتهای عربی؛ مصیبتی بزرگ‌تر از حادثه‌ی هولناک غزه
- ۱۸۹ فاجعه‌ی صهیونیستها در غزه؛ یک فاجعه‌ی کم‌نظیر
- ۱۸۹ رسوا شدن داعیه‌های طرفداری از حقوق بشر در جنایت غزه
- ۱۹۰ گسترش غریزه‌ی وحشیگری و جنایت در سران دولت جعلی صهیونیستی
- ۱۹۰ تداوم خوی تجاوزگری و بی‌شرمی از جنایت در گردانندگان رژیم صهیونیستی
- ۱۹۱ رسوایی امریکا، غرب، سازمانهای حقوق بشر و سازمان ملل در ماجرای فاجعه‌ی غزه
- ۱۹۲ حمله به کاروان دریایی آزادی؛ حلقه‌ی دیگری از زنجیره‌ی جنایتهای رژیم صهیونیستی
- ۱۹۲ صهیونیسم؛ چهره‌ی جدید و خشن‌تری از فاشیسم
- ۱۹۳ محاصره‌ی سه‌ساله‌ی ظالمانه‌ی غزه؛ اقدامی سبعانه، قساوت‌آمیز، وحشیانه و مورد حمایت غرب
- ۱۹۳ تهاجم به کاروان امداد؛ ناشی از خوی توخس صهیونیستها
- ۱۹۴ قتل عام ملت بی‌پناه فلسطین در سکوت رسانه‌های تصویری
- ۱۹۵ فصل ششم: امریکا؛ حامی رژیم صهیونیستی
- ۱۹۵ اشاره
- ۱۹۵ اسرائیل؛ پایگاه تجاوز امریکا در منطقه
- ۱۹۵ جدانبودن مسئله‌ی اسرائیل از مسئله‌ی امریکا

- ۱۹۶-----کمکهای همه جانبه ی امریکا به اسرائیل
- ۱۹۶-----امریکا؛ پشتیبان غاصبان صهیونیست خبیث
- ۱۹۶-----ادامه ی حیات رژیم صهیونیستی با پشتیبانی امریکا
- ۱۹۷-----عدم پشتیبانی از دولت صهیونیستی؛ از شروط برقراری رابطه ی ما با امریکا
- ۱۹۸-----وابستگی امریکا به سرمایه داران صهیونیست بین المللی
- ۱۹۸-----رؤسای جمهور امریکا؛ تسلیم سیاستهای صهیونیسم
- ۱۹۸-----امریکا؛ شریک جنایات شرم آور صهیونیستها در فلسطین
- ۱۹۹-----شکنجه و کشتار مردم فلسطین، با پشتیبانی امریکا و هم پیمانانش
- ۲۰۰-----شعار ضدیت با اسرائیل با تکیه بر پشتیبانان دولت غاصب؛ حرکتی انحرافی و غلطی بزرگ
- ۲۰۰-----رژیم غاصب اسرائیل؛ اهرم فشار استکبار جهانی
- ۲۰۰-----اسرائیل؛ سگ دست آموز امریکا
- ۲۰۱-----ادعای حقوق بشر امریکا در کنار همدستی و حمایت از اسرائیل
- ۲۰۲-----هدف امریکا از تثبیت رژیم اشغالگر؛ در دست گرفتن همه ی سررشته های زندگی در خاورمیانه
- ۲۰۲-----دولت اسرائیل؛ قائم مقام حضور استکبار در این منطقه
- ۲۰۳-----حمایت امریکا از رژیم وحشی و گستاخ صهیونیستی
- ۲۰۳-----افزایش پشتیبانی امریکا از رژیم غاصب صهیونیستی
- ۲۰۴-----حمایت امریکا از رژیم صهیونیستی؛ مانع رابطه ی ما با امریکا
- ۲۰۴-----بزرگ ترین حمایت از تروریسم؛ حمایت امریکا از رژیم صهیونیستی
- ۲۰۵-----امریکا؛ در رأس حامیان دولت غاصب صهیونیستی
- ۲۰۵-----امریکا؛ شریک جرم جنایتهای اسرائیل
- ۲۰۷-----شروع انقلاب محتمل در کشور امریکا؛ انقلاب علیه صهیونیستها
- ۲۰۷-----علت اصلی دشمنی امریکا با ایران
- ۲۰۸-----ایالات متحده ی امریکا؛ بازیچه ی دست صهیونیستها
- ۲۰۹-----وتوی قطعنامه های ضد رژیم صهیونیستی در شورای امنیت توسط امریکای ظالم
- ۲۱۰-----طرفداری امریکا از اسرائیل، در ازای تأمین منافع استکبار در روز مبادا
- ۲۱۱-----حمایت صریح امریکا از تروریست ترین کشور
- ۲۱۲-----وتوی قطعنامه های ضد رژیم صهیونیستی توسط امریکا
- ۲۱۲-----چشم بستن غرب بر جنایات وحشت آور حکومت غاصب صهیونیست

- ۲۱۲----- تزویر و دروغ‌گویی غرب در موضوع حقوق بشر
- ۲۱۳----- امریکا در خدمت سازمان صهیونیست‌های این کشور
- ۲۱۳----- سازماندهی حمله ی امریکا به عراق برای تقویت رژیم صهیونیستی
- ۲۱۳----- تناقض بزرگ غرب در ضدیت با نژادپرستی
- ۲۱۴----- پیامد قطع حمایت امریکا از اسرائیل؛ سقوط این ولیده ی استعمار
- ۲۱۶----- شکنجه شیخ احمد یاسین؛ نمونه ای از شکنجه های صهیونیستی
- ۲۱۶----- طرفداری امریکا از صهیونیست‌های تروریست
- ۲۱۷----- امریکا در مسئله ی فلسطین، طرف قضیه است، نه واسطه و میانجی
- ۲۱۷----- تمسک به اسلام و دفاع از فلسطین؛ عوامل اصلی دشمنی امریکا با ایران اسلامی
- ۲۱۷----- ریشه ی اصلی مخالفت امریکا با ایران
- ۲۱۷----- صهیونیست‌ها؛ گردانندگان اصلی سیاست امریکا
- ۲۱۸----- وتوی همه ی قطعنامه های ضد اسرائیلی توسط امریکا
- ۲۱۹----- امریکا در قضیه ی فلسطین؛ مجرم درجه ی یک
- ۲۱۹----- همّ اول امریکا در منطقه؛ حفظ منافع اسرائیل
- ۲۱۹----- اسرائیل؛ شریک درجه ی اول امریکا در منطقه
- ۲۲۰----- آینده ی فلسطین؛ نمایانگر چهره ی زشت سیاست‌های امریکایی و فجایع صهیونیستی
- ۲۲۰----- حمایت از فلسطین؛ علت اصلی فشارهای امریکا بر ایران
- ۲۲۱----- تروریسم از منظر امریکا
- ۲۲۲----- اتهام تروریست به ملت فلسطین؛ یکی از ظلم‌های بزرگ تاریخی
- ۲۲۲----- تعامل دوجانبه ی غرب و اسرائیل از آغاز پیدایش صهیونیسم
- ۲۲۳----- علت حمایت بی قید و شرط امریکا از رژیم صهیونیستی
- ۲۲۳----- نیاز امریکا به وجود اسرائیل جهت تسلط به منطقه ی خاورمیانه
- ۲۲۴----- آینده ی اقتصاد و تمدن آمریکا؛ وابسته به سرنوشت اسرائیل
- ۲۲۴----- حمایت امریکا از اسرائیل؛ اشتباه جبران ناپذیر
- ۲۲۴----- اشغال عراق توسط امریکا؛ در راستای اهداف صهیونیستی
- ۲۲۵----- حمایت امریکا از تروریسم صهیونیستی
- ۲۲۶----- حمایت از تجاوزهای اسرائیلی و افشای چهره ی امریکا
- ۲۲۶----- امریکا؛ حامی همیشگی دولت صهیونیستی

- ۲۲۶ مسئله‌ی حقوق بشر و دموکراسی؛ ترفند غرب در مقابل ملت‌ها و دولتهای مستقل
- ۲۲۷ امریکا؛ از شعار مبارزه با تروریسم تا حمایت از رژیم صهیونیستی
- ۲۲۹ حمایت بی دریغ امریکا از شارون جنایتکار و ادعای دروغ دموکراسی
- ۲۲۹ سر کار آمدن رئیس جمهور امریکا؛ محصول پول کمپانیهای غارتگر صهیونیستی
- ۲۳۰ نقش مهم پول سرمایه داران صهیونیست، در دموکراسی امریکایی
- ۲۳۱ داعیه‌ی مبارزه با تروریسم و تحسین تروریسم صهیونیستی از سوی سلطه‌گران!
- ۲۳۲ رژیم استکباری امریکا؛ بازیچه‌ی صهیونیستها
- ۲۳۲ رفتارهای دوگانه‌ی امریکا در قضیه‌ی فلسطین
- ۲۳۳ رژیم غاصب اسرائیل؛ ابزار غرب برای کنترل و سیطره بر منطقه‌ی خاورمیانه
- ۲۳۴ قضیه‌ی ۱۱ سپتامبر؛ بهانه‌ی طرح خاورمیانه‌ی جدید
- ۲۳۴ خاورمیانه‌ی جدید امریکاییها؛ خاورمیانه‌ی بی بر محور منافع اسرائیل
- ۲۳۴ سکوت فرهنگ و تمدن غربی در برابر تبعیض نژادی آشکار رژیم صهیونیستی
- ۲۳۴ جنایتهای نابخشودنی صهیونیستها با پشتیبانی دولت مستکبر امریکا
- ۲۳۵ زمامداران امریکا و قربانی کردن همه‌ی حرمت‌های بشری در پیش پای صهیونیستها
- ۲۳۵ دخالت امریکا به نفع رژیم صهیونیستی در مسئله‌ی فلسطین
- ۲۳۵ حمایت وقیحانه‌ی امریکا و کوتاهی دولتهای عربی؛ عوامل بقای رژیم صهیونیستی
- ۲۳۶ حمایت وقیحانه‌ی آمریکا و عدم حمایت دولتهای عربی و اسلامی از مردم فلسطین؛ دو عامل سرپا ماندن اسرائیل
- ۲۳۶ اسرائیل؛ عامل استکبار جهانی در منطقه
- ۲۳۷ تسلط استکبار و ذلت دولتهای عربی؛ نتیجه‌ی نفوذ بیشتر اسرائیل در منطقه
- ۲۳۸ حمایت بی قید و شرط امریکا از رژیم صهیونیستی
- ۲۳۸ حمایت صددرصدی امریکا از رژیم غاصب
- ۲۳۹ حفظ غده‌ی سرطانی رژیم صهیونیستی؛ همه‌ی سعی استکبار
- ۲۴۰ بخش سوم: پاره‌ی تن جهان اسلام
- ۲۴۰ اشاره
- ۲۴۲ فصل اول: بزرگ‌ترین فاجعه‌ی طول تاریخ بشر
- ۲۴۲ اشاره
- ۲۴۲ توجه ویژه‌ی مسلمین به آوارگی ملت فلسطین
- ۲۴۲ فاجعه‌ی فلسطین؛ بزرگ‌ترین فاجعه‌ی طول تاریخ بشر

- ۲۴۲----- مسئله ی فلسطین؛ مسئله بی اسلامی و انسانی
- ۲۴۳----- ظلم به ملت فلسطین؛ ظلمی بی سابقه در قرنهای اخیر
- ۲۴۴----- مسئله ی فلسطین؛ بزرگ ترین ظلم زمان و تاریخ معاصر ما
- ۲۴۵----- فاجعه ی فضاحتبار در فلسطین اشغالی
- ۲۴۵----- مسئله ی فلسطین؛ مهم ترین مسئله ی جهان اسلام و بشریت در دوران معاصر
- ۲۴۵----- قضیه ی فلسطین؛ از بزرگ ترین مصائب دنیای اسلام
- ۲۴۶----- پیامد غصب فلسطین؛ دربه دری مستمر و ابدی یک ملت و جداسازی پاره ی تن جهان اسلام
- ۲۴۶----- مصیبت فلسطین؛ جزو قضایای کم نظیر تاریخ
- ۲۴۷----- وجود همه ی مصائب انسانی در قضیه ی فلسطین
- ۲۴۷----- بی نظیر بودن قضیه ی فلسطین در تاریخ
- ۲۴۸----- فاجعه ی فلسطین؛ بزرگ ترین نمونه ی نقض حقوق بشر
- ۲۴۸----- کهنه نشدن مسئله ی غصب فلسطین
- ۲۴۸----- حقیقت ماجرای فلسطین
- ۲۴۹----- اشغال فلسطین؛ بزرگ ترین ظلم در عرصه ی بین المللی
- ۲۵۰----- غصب فلسطین؛ غیرقابل قبول ترین حرف در دنیا
- ۲۵۰----- قضیه ی فلسطین؛ لکه ی ننگ قرن بیستم
- ۲۵۱----- غیرمنطقی بودن تشکیل رژیم صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی
- ۲۵۱----- مسئله ی فلسطین در ردیف اول مسائل مهم جهانی
- ۲۵۲----- وضعیت فلسطین؛ جراحت بزرگ امت اسلامی
- ۲۵۲----- نکوهش بی توجهی امت اسلامی به غصب فلسطین
- ۲۵۳----- فصل دوم: کوتاهی دولتهای اسلامی و عربی
- ۲۵۳----- اشاره
- ۲۵۳----- نکوهش جواب ندادن دولتهای عرب به ندای «بالللمسلمین» برادران فلسطینی
- ۲۵۴----- افشای داعیه های ضد اسرائیلی سران خائن عرب
- ۲۵۵----- نکوهش استخدام ناسیونالیسم عربی در برابر اسلام، نه در برابر ناسیونالیسم صهیونیستی!
- ۲۵۶----- عقب نشینی کشورهای عربی در مقابل مصر، پس از امضای کمپ دیوید
- ۲۵۶----- از بین رفتن قبح مذاکره با اسرائیل
- ۲۵۷----- وقاحت دولت غاصب صهیونیستی؛ نتیجه ی سکوت و سازش خیانت آلود دولتهای عربی

- ۲۵۸ مصیبت امروز فلسطین؛ نتیجه ی عدم مقاومت مسلمانان در ابتدای ماجرای غضب
- ۲۵۹ خیانت دولتهای عربی در کنفرانس مادرید
- ۲۶۰ سرنوشت شوم فلسطین؛ نتیجه ی شکسته شدن قبح مذاکره
- ۲۶۰ قدرت رژیم صهیونیستی؛ نتیجه ی ضعف کشورهای عربی
- ۲۶۲ خودباختگی کشورهای عربی در اثر فشار استکبار
- ۲۶۲ انفعال کشورهای عربی در برابر فشار دستگاه های متمرکز استکبار
- ۲۶۳ نكوهش از بین رفتن قبح مذاکره ی دولتهای عرب با اسرائیل
- ۲۶۳ نكوهش کوتاهی و تقصیر کشورهای اسلامی و عربی در قضیه ی فلسطین
- ۲۶۴ حمایت امریکا و کوتاهی دولتهای عربی؛ دو عامل بقای رژیم صهیونیستی
- ۲۶۵ سکوت تشویق آمیز برخی دولتهای عربی در قبال فاجعه ی غزه
- ۲۶۵ امتحان بسیار بد دولتهای عربی در قضیه ی غزه
- ۲۶۶ قطع روابط دولتهای اسلامی با رژیم صهیونیستی؛ شاخص سند صداقت آنها در دفاع از فلسطین
- ۲۶۶ همکاری با صهیونیستها و خیانت به فلسطین؛ از خصوصیات رژیمهای عربی
- ۲۶۷ تضمین بقای رژیم صهیونیستی؛ از اهداف رژیمهای وابسته ی عرب
- ۲۶۸ خیانت رژیم طاغوتی مصر به آرمانهای فلسطین
- ۲۶۹ فصل سوم: مسئله ی فلسطین؛ مسئله یی انسانی و اسلامی
- ۲۶۹ اشاره
- ۲۶۹ تبیین انسانی و اسلامی بودن مسئله ی فلسطین
- ۲۷۰ فلسطین؛ مسئله یی اسلامی و نه فقط عربی
- ۲۷۰ احقاق حق مردم فلسطین؛ وظیفه ی همه ی ملت های مسلمان و باوجدان
- ۲۷۱ مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی درجه ی یک جهان اسلام
- ۲۷۱ نجات فلسطین؛ وظیفه ی همه ی مسلمانها
- ۲۷۱ دلایل حساسیت مضاعف جمهوری اسلامی ایران به مسئله ی فلسطین
- ۲۷۲ مسئله ی فلسطین، مربوط به همه ی جهان اسلام
- ۲۷۳ علت بی تفاوت نبودن جمهوری اسلامی به غضب فلسطین
- ۲۷۴ مسئله ی فلسطین؛ مسأله یی اسلامی، نه یک مسئله ی ناسیونالیستی عربی
- ۲۷۵ آثار اسلامی دانستن قضیه ی فلسطین
- ۲۷۵ مسئولیت تمام مسلمین عالم نسبت به قضیه ی فلسطین

- ۲۷۵ فلسطین؛ مهمترین مسئله ی جهان اسلام
- ۲۷۶ مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی دنیای اسلام و تکلیف اسلامی
- ۲۷۷ فلسطین؛ مسئله ی اول جهان اسلام
- ۲۷۷ تبیین علل اسلامی بودن مسئله ی فلسطین
- ۲۷۹ وابستگی مسئله ی فلسطین به سرنوشت غیرفلسطینیها در سرتاسر دنیای اسلام
- ۲۸۰ مسئله ی فلسطین مایه ی غم و آزار پیامبر اکرم (ص)
- ۲۸۰ موقفتت فلسطین؛ موقفتت همه ی دنیای اسلام
- ۲۸۰ ارتباط مستقیم فلسطین به سرنوشت کشورهای اسلامی
- ۲۸۱ مسئله ی فلسطین مهم ترین مسئله ی دنیای اسلام
- ۲۸۱ فلسطین؛ مسئله ی محوری دنیای اسلام
- ۲۸۱ تلاش آمریکاییها در حذف مسئله ی اساسی فلسطین
- ۲۸۱ فلسطین؛ مسئله ی اول بین المللی دنیای اسلام
- ۲۸۲ مصیبت غزه؛ متعلق به همه ی ملتها
- ۲۸۲ انتقاد از عربی دانستن مسئله ی فلسطین
- ۲۸۳ فلسطین؛ مهم ترین مسئله ی حقوق بشری جهان معاصر
- ۲۸۳ مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی اول دنیای اسلام
- ۲۸۴ فلسطین؛ مسئله ی اول در میان موضوعات مشترک کشورهای اسلامی
- ۲۸۴ تبیین خصوصیات منحصر به فرد مسئله ی فلسطین
- ۲۸۷ فصل چهارم: توطئه ی فراموشی
- ۲۸۷ اشاره
- ۲۸۷ ماجرای ننگین کمپ دیوید؛ اولین گام توطئه ی فراموشی مسئله ی فلسطین
- ۲۸۹ فراموش نشدن مسئله ی فلسطین؛ پیامد نهضت و مقاومت اسلامی
- ۲۸۹ پاک کردن اسم فلسطین از تاریخ و حافظه ی مردم؛ سیاست امریکا و اسرائیل
- ۲۹۰ فراموشی مسئله ی فلسطین؛ سیاست امریکا و صهیونیستها
- ۲۹۰ محو فلسطین از روی نقشه ی عالم؛ خواسته ی صهیونیستها
- ۲۹۰ هدف بسیار مهم امریکا؛ حذف مسئله ی فلسطین از مسائل دنیای اسلام و خاورمیانه
- ۲۹۱ روز قدس؛ تبری به قلب توطئه ی فراموشی قدس
- ۲۹۲ سعی اسرائیلیها بر انکار ملت فلسطین

- ۲۹۲-----ترفند رژیم صهیونیستی برای انکار هویت ملت فلسطین
- ۲۹۳-----مذاکرات به اصطلاح صلح؛ توطئه بی در راستای فراموشی فلسطین
- ۲۹۳-----روز جهانی قدس؛ تدبیر امام (رحمه الله) در مقابل توطئه ی فراموشی
- ۲۹۳-----شکست استکبار در توطئه ی فراموشی؛ نتیجه ی سست نشدن مجاهدین فلسطین
- ۲۹۴-----فراموشی نام و یاد فلسطین؛ خواسته ی اشغالگران
- ۲۹۶-----بخش چهارم: جراحی غده ی سرطانی
- ۲۹۶-----اشاره
- ۲۹۸-----فصل اول: وظیفه ی شرعی مسلمانان در برابر اشغال فلسطین
- ۲۹۸-----اشاره
- ۲۹۸-----وجوب دفاع از سرزمینهای مسلمان نشین
- ۲۹۸-----دفاع از سرزمین اسلامی؛ دستور اسلام
- ۲۹۹-----وظیفه ی شرعی در قبال اشغال فلسطین
- ۲۹۹-----مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی اعتقادی
- ۲۹۹-----عدم اختلاف میان فقهای اسلام در مبارزه با اشغالگران و اخراج آنها
- ۳۰۰-----وجوب عینی جهاد دفاعی در قضیه ی غضب فلسطین
- ۳۰۱-----دفاع از سرزمین اسلام و مردم مسلمان؛ وظیفه ی همگانی مسلمین
- ۳۰۲-----عدم اختلاف بین مذاهب رایج اسلامی در آزادی سرزمین اسلامی
- ۳۰۲-----وجوب دفاع از فلسطین بر همه ی مسلمانان همه ی مذاهب اسلامی
- ۳۰۳-----فصل دوم: حذف اسرائیل از نقشه ی جغرافیایی جهان
- ۳۰۳-----اشاره
- ۳۰۳-----ضرورت و امکان حذف اسرائیل از نقشه ی جغرافیایی جهان
- ۳۰۳-----محو دوباره ی اسرائیل، در گرو ایمان و انگیزه ی اسلامی
- ۳۰۴-----محو اسرائیل؛ شعار جمهوری اسلامی و ملت ایران
- ۳۰۴-----لزوم جراحی غده ی سرطانی رژیم صهیونیستی از جسم منطقه
- ۳۰۵-----توهم وجود کشوری به نام اسرائیل روی نقشه ی جغرافیا
- ۳۰۵-----موجودیت نامشروع اسرائیل از دیدگاه جمهوری اسلامی
- ۳۰۶-----نابودی دولت غاصب؛ هدف مبارزه ی واقعی در فلسطین
- ۳۰۶-----قلع غده ی سرطانی اسرائیل؛ علاج زخم فلسطین

- ۳۰۶ لزوم عمومی شدن شعار محو غده ی سرطانی اسرائیل در حج
- ۳۰۷ استنفاذ فلسطین؛ یعنی محو دولت اسرائیل
- ۳۰۷ محال نبودن از بین رفتن اسرائیل
- ۳۰۸ از بین رفتن دولت غاصب؛ راه حل مسئله ی فلسطین
- ۳۰۸ راه حل مسئله ی فلسطین؛ تشکیل دولت در تمام سرزمین فلسطین
- ۳۰۹ نابودی حتمی شجره ی خبیثه ی صهیونیسم
- ۳۰۹ ضرورت اعتقاد به زوال اسرائیل
- ۳۱۰ نیاز پیروزی حتمی مردم فلسطین به همت ملت‌های مسلمان
- ۳۱۱ پیروزی حتمی ملت بیدار فلسطین در آینده ی نزدیک
- ۳۱۲ سقوط قریب الوقوع اسرائیل
- ۳۱۲ امکان تشکیل دولت فلسطینی فراگیر
- ۳۱۳ نابودی حتمی حکومت یهود و صهیونیسم در فلسطین اشغالی
- ۳۱۴ فنای دولت غاصب صهیونیستی با بیداری مردم فلسطین
- ۳۱۵ پایان قطعی تسلط صهیونیستها بر فلسطین
- ۳۱۵ فلسطین؛ متعلق به فلسطینیها
- ۳۱۶ لزوم بازگشت مالکیت سرزمینهای اشغالی به مردم فلسطین
- ۳۱۶ انحلال و زوال دولت صهیونیستی؛ تنها راه حل مسئله ی خاورمیانه
- ۳۱۷ بازگشت سرزمین فلسطین به صاحبان اصلی آن
- ۳۱۷ محو قطعی اسرائیل؛ نتیجه ی مبارزه ی ملت مظلوم فلسطین
- ۳۱۸ متلاشی شدن قطعی دولت صهیونیستی
- ۳۱۸ بیداری فلسطین در مورد امکان شکست اسرائیل
- ۳۱۹ بازگشت حتمی سرزمین فلسطین به فلسطینیها
- ۳۱۹ کیان اسرائیلی؛ کیان زائد و مزاحم در منطقه
- ۳۲۰ نابودی رژیم صهیونیستی؛ در گرو به کارگیری امکانات جهان اسلام
- ۳۲۱ سرنگونی رژیم صهیونیستی؛ پیامد عزم و مبارزه ی ملت فلسطین
- ۳۲۱ قطع غده ی سرطانی؛ تنها علاج غده ی سرطانی اسرائیل
- ۳۲۲ حذف واحد جعلی و تحمیلی رژیم صهیونیستی؛ منطقی ترین حرف در این باب
- ۳۲۳ آزادی کل فلسطین؛ مدّعی ما

- ۳۲۳ فلسطین، فلسطین از نهر تا بحر
- ۳۲۴ حتمیت قطع غده ی سرطانی
- ۳۲۵ فصل سوم: ایستادگی و مبارزه
- ۳۲۵ اشاره
- ۳۲۵ حلّ مسئله ی فلسطین در میدانهای جنگ، نه در محافل سیاسی
- ۳۲۵ روشهای صلح آمیز برای آزادی فلسطین؛ القای خود صهیونیستها
- ۳۲۶ آزادی کامل سرزمین قدس؛ در گرو مبارزه ی مسلحانه ی تمام عیار
- ۳۲۷ مبارزه از درون سرزمینهای اشغالی؛ خطر عمده و اساسی برای اسرائیل
- ۳۲۷ مبارزه؛ فلسفه ی وجودی سازمانهای فلسطینی
- ۳۲۸ مبارزه در داخل سرزمینهای اشغالی؛ عنصر فراموش شده در دوره های قبل
- ۳۲۸ بی فایده بودن جستجوی آزادی فلسطین در گردهماییهای سران عرب
- ۳۲۹ پیروزی بر صهیونیستها؛ تنها با مبارزه و زبان زور
- ۳۳۰ مبارزه ی فلسطینیان و پشتیبانی عمومی دنیای اسلام؛ راه حلّ مشکل فلسطین
- ۳۳۰ جنگ با رژیم صهیونیستی؛ تنها راه احقاق حقّ ملت فلسطین
- ۳۳۱ مبارزه ی ملت فلسطین؛ خطری عظیم برای دشمن
- ۳۳۱ علاج توطئه ی امریکا در دستان نیرومند مبارزان فلسطینی
- ۳۳۲ تحقّق واقعی صلح
- ۳۳۲ پیروزی بر اسرائیل؛ در گرو زبان زور و قدرت ملت فلسطین و امت اسلامی
- ۳۳۲ مبارزه در داخل سرزمینهای فلسطین؛ تنها راه نجات فلسطین
- ۳۳۳ ایستادگی؛ شرط تحقّق خواسته های مردم
- ۳۳۳ ایستادگی ملت و دولت ایران؛ الگوی جوانان فلسطین
- ۳۳۴ در راه حق بودن و جهاد؛ دو شرط پیروزی
- ۳۳۴ انتفاضه؛ یعنی قیام در سرزمین مغضوب
- ۳۳۵ کوبنده بودن انتفاضه و مبارزات مردم فلسطین در داخل سرزمینهای اشغالی
- ۳۳۵ مقاومت و مبارزه ی مردمی؛ عامل شکست اسرائیل و پیروزی لبنان
- ۳۳۶ لزوم توجه و درس آموزی از تجربه ی پیروزی لبنان در فلسطین
- ۳۳۷ اراده، ایمان، عزم، مقاومت و ایثار؛ از عوامل مؤثر در پیروزی
- ۳۳۸ پیروزی فلسطین؛ نتیجه ی قطعی مقاومت و مبارزه

- ۳۳۸ ایستادگی و مبارزه؛ تنها راه بازیابی شرف، هویت و استقلال
- ۳۳۹ تأثیر مبارزات مردم فلسطین در به چالش کشیدن امنیت اسرائیل
- ۳۴۰ نقش جهاد در پیروزی غیرقابل تردید ملت بیدار فلسطین
- ۳۴۰ پیروزی حتمی مردم فلسطین؛ نتیجه ی مجاهدت امروز فلسطینیها
- ۳۴۱ انتفاضه ی برگرفته از درس حسینی؛ تنها راه گره گشا در مسئله ی فلسطین
- ۳۴۲ انتفاضه؛ چالش امنیتی اسرائیل
- ۳۴۳ عملیات استشهادی؛ اوج ایستادگی و شجاعت
- ۳۴۴ حضور ملت فلسطین در صحنه؛ ضامن پیروزی
- ۳۴۴ مذاکرات نامشروع و ناپایدار با رژیم صهیونیستی
- ۳۴۴ مبارزه ی نابرابر جوانان فلسطینی با اشغالگران
- ۳۴۵ سنت الهی؛ پیروزی در سایه ی مقاومت
- ۳۴۶ درماندگی اسرائیل در برابر عملیات استشهادی
- ۳۴۷ مستأصل شدن دولت اسرائیل در مقابل مجاهدت فلسطینیها
- ۳۴۸ مبارزه؛ تنها راه نجات از دست دشمن اشغالگر
- ۳۴۸ عقب نشینی مدعیان مبارزه، به بهانه ی نوگرایی و تغییر تاکتیک
- ۳۴۹ آزادی غزه؛ نتیجه ی مقاومت فلسطینیها
- ۳۵۱ مقاومت؛ تنها راه توصیه شده ی عقل و شرع
- ۳۵۲ احیای روح مقاومت در دنیای اسلام؛ پیامد رفتار تجاوزگرانه ی امریکا و اسرائیل
- ۳۵۲ مقاومت فداکارانه؛ تنها راه مقابله با گرگ وحشی صهیونیسم
- ۳۵۲ مجاهدت دلیرانه ی حزب الله؛ یک نمونه از ایستادگی اسلامی
- ۳۵۳ مقاومت و ایستادگی؛ تنها راه پیروزی
- ۳۵۴ شکست اسرائیل؛ با ایستادگی و همت والا
- ۳۵۵ نجات فلسطین با مقاومت و ایستادگی
- ۳۵۵ جمهوری اسلامی؛ مرکز و الهام بخش مقاومت
- ۳۵۶ ایستادگی؛ موجب تحسین و تجلیل هر انسان منصف
- ۳۵۷ مذاکره با رژیم صهیونیستی؛ مغالطه ی بزرگ
- ۳۵۸ عدم نجات فلسطین با دربوزگی از سازمان ملل و قدرتهای مسلط
- ۳۵۸ مقاومت، توحید کلمه ی فلسطینیان و کلمه ی توحید؛ راه نجات فلسطین

- مقاومت ۲۲ روزه ی مردم غزه؛ تجربه ی امکان مقاومت ملت‌ها در مقابل زورگویان ۳۵۹
- مردم فلسطین و غزه؛ مقاوم ترین ملت‌ها - ۳۵۹
- حفظ روحیه ی مردم؛ بزرگ ترین وظیفه ی سازمانهای فلسطین - ۳۶۰
- امکان بازگشت فلسطین به فلسطینیها؛ به شرط ایستادگی و مقاومت ۳۶۰
- مقاومت؛ تنها راه نجات فلسطین ۳۶۱
- استقامت ملت مقاوم فلسطین ۳۶۱
- انصراف گروه های فلسطینی از مقاومت؛ همه ی سعی دشمن ۳۶۲
- رسمیت مقاومت در همه ی میثاقهای بین المللی ۳۶۳
- فصل چهارم: بیداری اسلامی ۳۶۵
- اشاره ۳۶۵
- محو دوباره ی اسرائیل؛ در گرو ایمان و انگیزه ی اسلامی ۳۶۵
- اسلام؛ محور مبارزات علیه صهیونیسم ۳۶۶
- گسترش بیداری مسلمانها در میان کشورهای اسلامی ۳۶۷
- تأثیر حزب الله در اسلامی کردن مبارزه ی ضد صهیونیستی ۳۶۸
- اهمیت بُعد اسلامی در امر مبارزه با اسرائیل ۳۶۸
- مبارزه با اتکا به خدا و ایمان اسلامی؛ تنها راه نجات فلسطین ۳۶۹
- تلاش دشمن در انکار وجه اسلامی مسئله ی فلسطین ۳۶۹
- نقش عنصر اسلام در نهضت فلسطین ۳۷۰
- از یاد بردن هویت اسلامی فلسطین و خیانت سران عرب؛ علت اصلی ناکامیها ۳۷۱
- بیداری اسلامی؛ تهدید واقعی صهیونیستها ۳۷۱
- نجات فلسطین، در گرو تمسک به دین اسلام ۳۷۱
- وقوع بیداری اسلامی بر خلاف میل استکبار و صهیونیسم ۳۷۲
- اعتقاد دینی؛ ضامن پایداری حماسه و شور ۳۷۳
- مبارزه ی نسل جدید فلسطینی با تکیه بر اسلام و شعار اسلامی ۳۷۳
- تبدیل نهضت غیردینی فلسطین به یک نهضت اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی ایران ۳۷۴
- پیروزی بزرگ جوانان مؤمن در لبنان؛ در سایه ی عمل کردن به احکام اسلام ۳۷۵
- مقاومت در سایه ی اسلام؛ علاج زخم عمیق دنیای اسلام ۳۷۵
- مقاومت مردم و تمسک به اسلام؛ بر هم زنده ی نقشه ی جعلی و دروغین اسرائیل ۳۷۶

- ۳۷۶ نقش روح دینی در جوانان مبارز فلسطینی
- ۳۷۷ در نظر نگرفتن دین و سیاسی کاری؛ بزرگ ترین آسیب گروه عرفات
- ۳۷۷ نهضت بیداری فلسطینیان
- ۳۷۸ لزوم اسلامی بودن نهضت فلسطین
- ۳۷۸ سرچشمه گرفتن انتفاضه از اسلام
- ۳۷۹ احساس خطر دشمنان از اسلامی شدن نهضت فلسطین
- ۳۷۹ معنای صدور انقلاب اسلامی
- ۳۸۰ بیداری امروز فلسطینیها؛ نتیجه ی پیام اسلام و صدور انقلاب
- ۳۸۲ احساس خطر رژیم صهیونیستی از اسلامی شدن و مردمی شدن مبارزه ی فلسطینیان
- ۳۸۳ موج بیداری اسلامی؛ یک واقعیت جدی و یک حقیقت غیرقابل انکار
- ۳۸۳ انتفاضه ی مسجدالاقصی؛ تبلور بیداری اسلامی
- ۳۸۴ گرایش و تمسک مردم فلسطین به اسلام؛ خطّ بطلان بر روند سازش
- ۳۸۴ انتفاضه ی فلسطین؛ امتداد انقلاب اسلامی ایران
- ۳۸۵ ترس صهیونیسم از قدرت بیداری اسلامی
- ۳۸۵ قیام اسلامی در ایران؛ سرآغاز بیداری امت اسلامی
- ۳۸۷ بیداری دنیای اسلام؛ واقعیتی غیرقابل انکار
- ۳۸۷ حرکت عظیم ملت فلسطین؛ نتیجه ی گرایش آنها به اسلام
- ۳۸۷ بیداری اسلامی؛ یک حقیقت روشن
- ۳۸۸ قدرتهای استکباری؛ دشمن شماره ی یک بیداری اسلامی
- ۳۸۸ تلاش استکبار برای معزفی گروه های متحجر و دهشت افکن؛ به عنوان نماد بیداری اسلامی
- ۳۹۰ فراگیر شدن امواج بیداری در سراسر دنیای اسلام
- ۳۹۱ فلسطین؛ کانون بیداری اسلامی
- ۳۹۱ رسیدن نسل نو فلسطین به قلّه ی بیداری و آزادگی؛ محصول تجارب تلخ گذشته
- ۳۹۴ ایستادگی ملت لبنان؛ نماد بیداری اسلامی
- ۳۹۴ ناکارآمدی سلاحهای مدرن و مرگبار در برابر ایمان و اخلاص
- ۳۹۵ نقطه ی اوج بیداری اسلامی؛ سر برآوردن جمهوری اسلامی در ایران
- ۳۹۶ اعتراف صهیونیستها به عدم کارایی سلاح و قدرت نظامی در برابر بیداری اسلامی
- ۳۹۷ بیداری دنیای اسلام؛ خطری برای جهان استکبار

- ۳۹۷ احساس خطر شبکه ی صهیونیسم جهانی از بیداری دنیای اسلام
- ۳۹۷ حساس تر شدن دنیای اسلام نسبت به مسئله ی فلسطین؛ نتیجه ی بیداری دنیای اسلام
- ۳۹۸ ناکامی خفت آور رژیم صهیونیستی در برابر موج نیرومند بیداری اسلامی
- ۳۹۸ عنصر معنویت در مبارزه
- ۳۹۹ علت اساسی ناکامی سازمان آزادیبخش فلسطین
- ۴۰۱ فصل پنجم: وحدت کلمه
- ۴۰۱ اشاره
- ۴۰۱ وحدت کلمه؛ وادار کننده ی اسرائیل به ترک سرزمین فلسطین
- ۴۰۱ سیاست امریکا در تبدیل اتحاد مسلمانان به عامل اختلاف
- ۴۰۲ اختلاف بین مسلمانان؛ عامل حدوث و بقای اسرائیل
- ۴۰۳ القای ایران هراسی در دولتهای خلیج فارس؛ برنامه ی رسانه های خبیث صهیونیستی
- ۴۰۳ ضرورت توجه دولتهای منطقه به دشمنان مشترک و اقدام علیه صهیونیسم
- ۴۰۳ مفهوم وحدت اسلامی
- ۴۰۳ قیام دشمنان علیه اسلام، نه علیه تستن یا تشیع
- ۴۰۴ توطئه ی اختلاف بین کشورهای اسلامی، برای انحراف مبارزه ی دنیای اسلام با صهیونیستها
- ۴۰۵ تلاش دشمن برای تفرقه در دنیای اسلام
- ۴۰۶ بهره های استکبار از ایجاد اختلاف بین کشورهای منطقه: بر هم زدن وحدت دنیای اسلام، فروش اسلحه، حضور نظامی دشمنان در منطقه، مسابقه برای ایجاد رابطه با دولت صهیونیستی
- ۴۰۶ مقابله با صهیونیستها؛ شعار وحدت آفرین بین ملت‌های اسلامی
- ۴۰۷ پراکندگی جبهه ی اسلامی؛ مایه ی دلگرمی استکبار
- ۴۰۸ لزوم وحدت مسلمانان با وجود صهیونیست‌های غاصب در قلب کشورهای اسلامی
- ۴۰۸ اختلاف افکنی در دنیای اسلام؛ برنامه ی عوامل صهیونیستی
- ۴۰۹ دشمنی با اسرائیل؛ عامل وحدت مسلمانان
- ۴۰۹ سرکوب ملت فلسطین؛ نتیجه ی تفرق دنیای اسلام
- ۴۱۰ مظلومیت ملت فلسطین؛ پیامد متحد نبودن دنیای اسلام
- ۴۱۰ پیروان اهل بیت؛ منادی وحدت امت اسلامی
- ۴۱۰ تفرق و اختلاف؛ بزرگ ترین بیماری و درد امت اسلامی
- ۴۱۰ پرچم مبارزه با اشغالگران فلسطین در دست شیعیان
- ۴۱۱ اختلاف کلمه ی مسلمین؛ علت وضعیت فعلی فلسطین

- ۴۱۱----- وحدت امت اسلامی؛ بزرگ ترین سد در مقابل دشمنان
- ۴۱۲----- تبلیغات دستگاه های استکباری در راستای ایجاد اختلاف بین دولتهای اسلامی
- ۴۱۲----- وظیفه ی مسلمانان در توجّه به موارد اتحاد و وحدت خودشان
- ۴۱۳----- نقش ایادی صهیونیسم در اختلاف افکنی
- ۴۱۳----- اتحاد کلمه بر محور اسلام و نفی اهداف استکبار جهانی؛ تنها راه نجات دنیای اسلام
- ۴۱۴----- لزوم از خود دانستن قضیه ی فلسطین توسط دنیای اسلام
- ۴۱۴----- غفلت از دشمن اصلی دنیای اسلام؛ نتیجه ی سرمایه گذاری دشمنان برای ایجاد اختلاف
- ۴۱۵----- ضرورت حمایت یکصدای دنیای اسلام از ملت و مسئولان فلسطینی
- ۴۱۵----- اختلاف شیعه و سنی؛ یکی از ابزارهای دشمن علیه امت اسلامی
- ۴۱۶----- تفرقه؛ سم مهلک دنیای اسلام
- ۴۱۷----- تلاش استکبار جهانی و صهیونیستهای سفاک، برای از بین بردن هویت و عزت اسلامی در همه ی مسلمانان
- ۴۱۸----- ضرورت و چگونگی اعتصام به حبل الله
- ۴۱۹----- اتحاد؛ مهمترین مسئله ی کنونی دنیای اسلام
- ۴۲۰----- ضرورت اتحاد ملت‌های مسلمان و اتحاد گروه های فلسطینی
- ۴۲۰----- پرهیز مسلمانان از نگاه قومی و مذهبی و توجّه به دشمن مشترک
- ۴۲۰----- تبیین معنای انسجام اسلامی
- ۴۲۱----- اختلاف بین مسلمانها؛ گزینه ی ایده آل رژیم صهیونیستی
- ۴۲۲----- نجات فلسطین با وحدت مردم فلسطین و پشتیبانی امت اسلامی
- ۴۲۳----- دخالت‌های امریکا در امور منطقه؛ نتیجه ی عدم اتحاد مسلمانان
- ۴۲۴----- جمعیت کفر از پریشانی ماست
- ۴۲۴----- شعله ور کردن آتش تعصبات مذهبی؛ خواسته ی سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل
- ۴۲۴----- جلوگیری از ستم بر مردم فلسطین؛ نتیجه ی وحدت در دنیای اسلام
- ۴۲۵----- نقش انقلاب اسلامی در اهتزاز پرچم وحدت اسلامی
- ۴۲۶----- اختلاف‌های مذهبی؛ سبب جدایی دل‌های دنیای اسلام از جمهوری اسلامی
- ۴۲۶----- دشمنی بین مسلمانان؛ خواسته ی امریکا و صهیونیستها
- ۴۲۸----- دشمن به دنبال اختلاف افکنی بین فرق و مذاهب اسلامی
- ۴۲۹----- اختلاف جوامع اسلامی؛ موجب قدرت رژیم صهیونیستی
- ۴۲۹----- وضعیت امروز فلسطین؛ نتیجه ی عدم وحدت امت اسلامی

- ۴۳۱ ضرورت اتحاد در امت اسلامی
- ۴۳۳ اختلاف دولتهای اسلامی در مسئله ی واضح فلسطین
- ۴۳۵ مخالفت با غده ی سرطانی اسرائیل؛ از مشترکات کشورهای اسلامی
- ۴۳۶ بخش پنجم: تقابل ایدئولوژیک
- ۴۳۶ اشاره
- ۴۳۸ فصل اول: رژیم طاغوت؛ حامی اسرائیل
- ۴۳۸ اشاره
- ۴۳۸ جلوگیری رژیم پهلوی از فکر کردن مردم درباره ی مسئله ی فلسطین
- ۴۳۹ حساسیت رژیم نسبت به افشاگریهای حضرت امام (رحمه الله) درباره ی اسرائیل
- ۴۳۹ ارتباطات حسنه با اسرائیل؛ یکی از جرایم بزرگ شاه
- ۴۴۰ فعالیت فوق العاده ی دفتر اسرائیل در ایران زمان طاغوت
- ۴۴۰ صادرات نفت ایران به اسرائیل در اوج مبارزات ملت‌های عرب با صهیونیستها
- ۴۴۱ خفقان در رژیم گذشته نسبت به اسرائیل
- ۴۴۱ تهران پیش از پیروزی انقلاب؛ محلّ تفریح صهیونیستها
- ۴۴۲ شکستن اعتصاب عظیم نفتی به نفع امریکا و اسرائیل توسط رژیم طاغوت
- ۴۴۳ اختناق عجیب در دوران پهلوی
- ۴۴۳ ایران قبل از انقلاب؛ پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی
- ۴۴۴ حافظه ی تاریخی ملت ایران و لزوم فراموش نکردن وضعیت پیش از انقلاب
- ۴۴۵ پشتیبانی ایران قبل از انقلاب از رژیم صهیونیستی
- ۴۴۶ فصل دوم: معارضه ی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی
- ۴۴۶ اشاره
- ۴۴۶ مبارزه ی ما با صهیونیسم؛ مبارزه یی استراتژیک و راهبردی
- ۴۴۶ مبارزه و معارضه با اسرائیل؛ سرلوحه ی سیاست خارجی ما
- ۴۴۷ اداره ی کشور فلسطین توسط خود فلسطینیها؛ پیشنهاد منطقی ایران به سازمان ملل
- ۴۴۷ پیشنهاد ایران مبنی بر اخراج اسرائیل از سازمان ملل
- ۴۴۸ دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی در مقیاس تجاوزاتش به حقوق انسانها
- ۴۴۸ نامشروع بودن موجودیت رژیم صهیونیستی؛ از دیدگاه جمهوری اسلامی
- ۴۴۸ جنجال تأمین اسلحه ی ایران از اسرائیل

- ۴۴۹ اتهام قاچاق سلاح از رژیم صهیونیستی به ایران
- ۴۴۹ اتهام تأمین اسلحه از رژیم صهیونیستی؛ یک دشنام به جمهوری اسلامی
- ۴۵۰ خصومت با اسرائیل، از مسائل درجه ی اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی
- ۴۵۰ مبارزه ی جمهوری اسلامی با حضور غاصبانه ی دولت صهیونیستی
- ۴۵۰ نظر منطقی جمهوری اسلامی در باب مسئله ی فلسطین
- ۴۵۲ برگرداندن محموله ی اسرائیلی در عین نیاز به آن
- ۴۵۲ نظام جمهوری اسلامی؛ جدی ترین مخالف رژیم صهیونیستی
- ۴۵۲ از بین بردن رژیم صهیونیستی؛ استراتژی جمهوری اسلامی
- ۴۵۲ نامشروع و غاصب بودن اسرائیل؛ علت عدم ارتباط با رژیم صهیونیستی
- ۴۵۳ دفاع از فلسطین؛ فریضه یی دینی برای ملت ایران
- ۴۵۳ حمایت انقلاب اسلامی و ملت ایران از مسلمانان مظلوم فلسطینی
- ۴۵۴ اتهام ارتباط با اسرائیل؛ نشانه ی ترس استکبار از نفوذ جمهوری اسلامی
- ۴۵۵ مقابله با دشمن صهیونیستی و دفاع از ملت فلسطین؛ جزء معتقدات انقلاب اسلامی
- ۴۵۵ مسئله ی بیت المقدس و ملت مظلوم فلسطین؛ جزو مسائل ملت و نظام جمهوری اسلامی
- ۴۵۶ علت واقعی دشمنی مستکبرین با جمهوری اسلامی
- ۴۵۶ تعلق حکومت فلسطین به فلسطینیها؛ نظر قطعی جمهوری اسلامی
- ۴۵۷ نابودی اسرائیل؛ موضع مقتدرانه و همیشگی جمهوری اسلامی
- ۴۵۸ دفاع از حق ملت فلسطین؛ خصوصیت حکومت اسلامی
- ۴۵۹ نامشروع بودن دولت صهیونیستی؛ سخن قاطع ملت و دولت ایران
- ۴۶۰ محو اسرائیل؛ موضع جمهوری اسلامی
- ۴۶۰ اعتقاد ملت ایران درباره ی رژیم غاصب قدس و ملت جعلی اسرائیل
- ۴۶۱ بیان صریح حرف حق جمهوری اسلامی در قضیه ی فلسطین؛ گناه جمهوری اسلامی
- ۴۶۲ دعوای اصلی استکبار با نظام جمهوری اسلامی
- ۴۶۳ سیاست جمهوری اسلامی در قبال فلسطین
- ۴۶۴ عدم تأیید اسرائیل؛ بزرگ ترین عیب جمهوری اسلامی در نگاه امریکاییها
- ۴۶۴ عدم تجدیدنظر در سیاست جمهوری اسلامی نسبت به رژیم صهیونیستی
- ۴۶۵ اعتقاد صریح به نامشروع بودن اصل دولت اسرائیل
- ۴۶۵ موضع جمهوری اسلامی در قضیه ی فلسطین؛ از علل اصلی تقابل امریکا با ایران

- ۴۶۶ انحلال دولت اسرائیل؛ دیدگاه جمهوری اسلامی
- ۴۶۶ قبول نکردن حکومت غاصب در سرزمین فلسطین؛ حتی برای یک ساعت
- ۴۶۷ دفاع از کلیت دنیای اسلام؛ لازمه ی اسلامی بودن نظام
- ۴۶۷ ایده ی روشن جمهوری اسلامی درباره ی مسئله ی فلسطین
- ۴۶۸ مواضع ملت ایران در مورد مسأله ی فلسطین؛ همانند مواضع ملت فلسطین
- ۴۶۸ ریشه کنی غده ی سرطانی اسرائیل؛ موضع روشن جمهوری اسلامی
- ۴۶۹ راه حلّ جمهوری اسلامی برای مسئله ی فلسطین
- ۴۷۲ ایستادگی ایران اسلامی بر موضع حقّ در جریان قرارداد «سلو»
- ۴۷۳ تنها راه حلّ مسئله ی فلسطین؛ راه اعلام شده توسط جمهوری اسلامی
- ۴۷۳ حرف منطقی ما در باب مسئله ی فلسطین
- ۴۷۵ نقش نام فلسطین بر روی پرچم انقلاب اسلامی
- ۴۷۵ جدّی ترین دفاع از فلسطین از سوی انقلاب اسلامی
- ۴۷۶ دفاع امام (رحمه الله) از حقوق ملت فلسطین، بدون ملاحظه ی زورگویان عالم
- ۴۷۷ موضع نظام، انقلاب و مردم درباره ی مردم اسرائیل
- ۴۷۸ راهکار پیشنهادی جمهوری اسلامی درباره ی مسئله ی فلسطین؛ کاملاً منطبق بر مردم سالاری
- ۴۷۸ عقیدتی بودن مسئله ی فلسطین برای جمهوری اسلامی
- ۴۷۹ مسئله ی فلسطین؛ از اهداف اصلی جمهوری اسلامی
- ۴۸۰ موضع جمهوری اسلامی درباره ی فلسطین
- ۴۸۱ ضدّیت با صهیونیسم؛ یکی از ملاکهای مقبولیت قیامهای منطقه در نظر انقلاب اسلامی ایران
- ۴۸۱ طرح جمهوری اسلامی؛ منطق بر معارف سیاسی پذیرفته شده ی افکار عمومی جهانی
- ۴۸۲ صراحت جمهوری اسلامی در ضدّیت با اسرائیل
- ۴۸۳ فصل سوم: الهام بخشی انقلاب اسلامی ایران در نهضت فلسطین
- ۴۸۳ اشاره
- ۴۸۳ انقلاب اسلامی؛ مایه ی امید مسلمانان مظلوم فلسطینی
- ۴۸۴ تبدیل نهضت غیر دینی فلسطین به نهضت اسلامی؛ بعد از انقلاب اسلامی
- ۴۸۴ ایران؛ الگوی فلسطین
- ۴۸۴ مقاومت ملت ایران؛ عامل بیداری ملت فلسطین
- ۴۸۵ بیداری امروز فلسطینیها؛ معنای صدور انقلاب

- ۴۸۵ ثبت فضیلتها؛ با پایداری ملت ایران
- ۴۸۵ معنویت؛ عامل پیروزی ملت فلسطین
- ۴۸۶ تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی فلسطین
- ۴۸۶ مجاهدت ملت ایران؛ سرمشق مبارزان فلسطینی
- ۴۸۷ نقش انقلاب اسلامی ایران در تحزک و پویایی منطقه و فلسطین
- ۴۸۸ تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری ملت فلسطین
- ۴۸۹ انقلاب اسلامی؛ سرچشمه ی بیداری اسلامی
- ۴۸۹ علت تبلیغات منفی صهیونیستها علیه ایران؛ خروج مسلمانان از حالت انفعال پس از انقلاب اسلامی
- ۴۹۰ حضور جوانان در صحنه های پر خطر فلسطین با الگوگیری از بسیج
- ۴۹۰ قیام ملت ایران؛ موجب بیداری و توجه مسلمانان و کشورهای اسلامی
- ۴۹۱ ملت فلسطین و لبنان و سایر ملتها؛ تحت تأثیر ایستادگی و صلابت از پولاد محکم تر امام راحل (رحمه الله)
- ۴۹۲ جمهوری اسلامی؛ مایه ی امید جوانان ستی فلسطین و جوانان شیعه ی لبنان
- ۴۹۲ انقلاب اسلامی ایران؛ الهام بخش دنیای اسلام
- ۴۹۳ بیداری ملت بزرگ ایران؛ تأثیرگذار در بیداری ملت فلسطین
- ۴۹۴ ملت ایران؛ الگوی ملت فلسطین و سایر ملتهای اسلامی
- ۴۹۴ جمهوری اسلامی؛ اصل و مرکز مقاومت
- ۴۹۵ بیداری دنیای اسلام؛ تحت تأثیر نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران
- ۴۹۵ جان گرفتن ملت فلسطین بعد از ده ها سال ناکامی؛ نتیجه ی انقلاب اسلامی ایران
- ۴۹۶ خیانت نکردن به فلسطین؛ جرم بزرگ جمهوری اسلامی
- ۴۹۸ فصل چهارم؛ روز جهانی قدس؛ لیلة القدر تاریخ اسلام
- ۴۹۸ اشاره
- ۴۹۸ روز قدس؛ روز تجمع آرمانهای مسلمانان جهان
- ۴۹۸ روز قدس؛ مربوط به همه ی ملتهای مسلمان
- ۴۹۹ روز قدس؛ از مهمترین روزها در جهان اسلام
- ۴۹۹ روز قدس؛ مشت کوبنده یی علیه امریکا و صهیونیسم
- ۴۹۹ روز جهانی قدس؛ تریبون ملتهای مسلمان در برابر سلطه ی رسانه یی صهیونیستها
- ۵۰۰ روز قدس؛ لیلة القدر تاریخ اسلام
- ۵۰۰ نقش و تأثیر روز جهانی قدس

- ۵۰۱ - اراده و خواست ملت‌ها؛ سلاحی بی جواب
- ۵۰۱ - اهمیت روز قدس
- ۵۰۲ - روز قدس؛ تیری به قلب توطئه‌ی فراموشی
- ۵۰۲ - روز قدس؛ روز آزمایش بزرگ ملت‌های مسلمان
- ۵۰۳ - حضور در راهپیمایی روز جهانی قدس؛ زنده کننده‌ی مسئله‌ی قدس در فضای جهان
- ۵۰۳ - نقش راهپیمایی روز قدس در زنده نگه داشتن نام و یاد فلسطین
- ۵۰۴ - روحیه دادن به ملت تنها و مظلوم فلسطین؛ نتیجه‌ی شعار عظیم ملت‌های مسلمان در روز قدس
- ۵۰۴ - لزوم برگزاری پرشکوه تر روز قدس در دنیای اسلام
- ۵۰۵ - روز قدس؛ جلوه‌ی حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام
- ۵۰۶ - روز قدس؛ یکی از برجسته ترین یادگارهای امام عزیز
- ۵۰۶ - روز قدس؛ روز زنده کردن یاد و نام فلسطین
- ۵۰۶ - روز قدس؛ نماد صف بندی حق در مقابل باطل
- ۵۰۷ - روز قدس؛ روز امت اسلامی
- ۵۰۷ - روز قدس؛ روز فریاد رسای مسلمانها علیه سرطان صهیونیسم
- ۵۰۷ - روز قدس؛ روز بین المللی اسلامی
- ۵۰۸ - راهپیمایی روز قدس؛ پشتوانه‌ی امنیت ملی
- ۵۱۰ - «اصطلاح نامه»
- ۵۱۰ - اجلاس شرم الشیخ
- ۵۱۰ - پیمان سایکس - پیکو (Sikes - Piko Accords)
- ۵۱۰ - توافق نامه‌ی وای ریور ۲
- ۵۱۱ - جنگ کرامه
- ۵۱۲ - حاج امین الحسینی
- ۵۱۲ - سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO ، ساف)
- ۵۱۳ - سید عباس موسوی
- ۵۱۴ - شیخ احمد یاسین (رهبر و بنیانگذار جنبش مقاومت اسلامی حماس)
- ۵۱۴ - شهید رنتیسی
- ۵۱۶ - شیخ عزالدین قسام
- ۵۱۷ - شیخ محمد حسین کاشف الغطاء

۵۱۷	صلح ژنو (Geneva Accords)
۵۱۸	فاجعه ی دیر یاسین
۵۱۸	فاجعه ی صبرا و شتیلا
۵۱۸	فاجعه ی قانا
۵۱۸	فتحی شقاقی
۵۱۹	قرارداد اسلو (Oslo Accords)
۵۱۹	قرارداد کمپ دیوید (Camp David Accords)
۵۲۰	مذاکرات کمپ دیوید ۲
۵۲۰	هولوکاست (Holocaust)
۵۲۰	یاسر عرفات
۵۲۳	«فهرست تفصیلی»
۵۷۴	درباره مرکز

توهم سلطه: گزیده بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون

صهیونیسم

مشخصات کتاب

سرشناسه: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -

عنوان و نام پدیدآور: توهم سلطه: گزیده بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون صهیونیسم/ به کوشش موسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم.

مشخصات نشر: تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات انقلاب اسلامی، 1392.

مشخصات ظاهری: 511ص.

شابک: 170000ریال: 1-58-2951-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - -- نظریه درباره صهیونیسم

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - -- پیام ها و سخنرانی ها

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم

شناسه افزوده: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مد ظله العالی". انتشارات انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1692 /ص 9 ت 9 1392

رده بندی دیویی: 955/0844

شماره کتابشناسی ملی: 3029248

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

گزیده بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون صهیونیسم

به کوشش موسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم.

موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات انقلاب اسلامی، 1392.

گزیده بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون صهیونیسم

به کوشش موسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم.

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیر رسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از تعمت های بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پر افتخار این نهضت و شکل گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای، رهبرانقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان میدهد. مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه ها و رهنمودهای معظم له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می نماید.

کتاب حاضر شامل گزیده ای از نظرات معظم له درباره ی صهیونیسم و مباحث مرتبط با آن است که مطالب آن از «مطالعه ی کل گفتارها و نوشتارهای مرتبط با موضوع از سال 1348 تا اواخر سال 1390» گرد آوری و تنظیم شده است.

مروری بر عناوین و مطالب مندرج در فهرست تفصیلی کتاب، تلاش صورت گرفته برای تهیه مجموعه ای جامع از نظرات رهبر معظم انقلاب درباره ی موضوع کتاب رانشان می دهد که در پنج بخش و بیست و سه فصل ارائه شده است و شامل محورهای اصلی «صهیونیسم شجره خبیثه»، «غده ی سرطانی»، «پاره تن جهان اسلام»، «جراحی غده ی سرطانی» و «تقابل ایدئولوژیک» بوده و منعکس کننده ی بینش عمیق و آگاهی کامل رهبر معظم انقلاب و نظام اسلامی در دوره های قبل و بعد از پیروزی انقلاب به ماهیت، خطرات و تهدیدات دشمن بزرگ اسلام، امت اسلامی و جامعه بشری است.

ومن الله التوفیق

خداوند حکیم در قرآن میفرماید:

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا (1)

«بطور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت»

چنانچه بخواهیم مصداقی واقعی و عینی برای این مفهوم (یهود) در عصر حاضر بیابیم، بدون هیچ حاشیه و اما و آگری، باید به سراغ جبهه ی شیطانی صهیونیسم و مولود آن، یعنی رژیم صهیونیستی برویم.

ضرورت مقابله ی صحیح و اصولی با این دشمن تاریخی بشریت و مؤمنان، ما را بر آن داشت تا سخنان کارشناسانه ی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای «مدظله العالی» را درباره ی این موضوع مورد دقت قرار دهیم؛ بدون شك، مجموعه بیانات ایشان راهگشای ارزشمندی برای دلسوزان نظام، انقلاب و اسلام در زمینه ی دشمن شناسی - که امروز دشمن جریان حق کیست؟ - و دشمنی ها و چگونگی اعمال خباثت این جریان علیه جبهه ی حق، همچنین در زمینه ی روشها و کم و کیف مبارزه و مقابله با این دشمن خواهد بود.

مراحل تدوین مجموعه ی حاضر و وجه تمایز این اثر با کارهای مشابه آن که پیشتر به چاپ رسیده اند، دو مطلبی هستند که لازم است در این مقدمه به آنها اشاره شود.

الف. مراحل تدوین

در ابتدای این تلاش پژوهشی به منظور استخراج متنهای مرتبط با موضوع، جستجوی رایانه ای نسبتاً کاملی با کلیدواژه های صهیونیسم، صهیونیست، رژیم صهیونیستی، رژیم غاصب، رژیم اشغالگر، دشمن شناسی، یهود، اسرائیل، بنی اسرائیل، بیت المقدس، قدس، فلسطین،

(1). سوره ی مائده، آیه ی 82.

مسجدالاقصی و خاورمیانه در سخنان رهبری معظم، از سال 1348 تا اواخر سال 1390 صورت گرفت.

پس از استخراج مطالب و همزمان با مطالعه ی دقیق و کامل متنها، نمایه های مناسب هر متن نیز تهیه شد. سپس با توجه به نمایه های به دست آمده، فهرستی برای این اثر تهیه گردید که در ابتدای کتاب درج گردیده است. تذکر این نکته لازم است که تلاش گردیده تا فهرست مذکور از کلمات معظّمه استفاده شود و به هیچ وجه، تحمیلی نسبت به محتوای بیانات صورت نپذیرد. به همین دلیل و به منظور رعایت در امانت و با توجه به اقتضای طبیعی پراکندگی زمانی بیانات در طول بیش از چهار دهه، ممکن است فهرست مطالب، گاه متضمّن برخی کاستی ها باشد که این مختصر، در مقایسه با غنای بالای مباحث پوشش داده شده، قابل اغماض است. در پایان مراحل تدوینی اثر، هر متن به ذیل موضوع متناسب خود ارجاع داده شد.

نکته ی دیگر این است که هر چند بعضی از متنها به لحاظ محتوایی تکراری بوده اند، اما به دلیل برخی از ضرورتها در متن اثر حفظ شدند. یکی از این ضرورتها، نشان دادن اهمّیت بحث مورد نظر در اندیشه ی رهبر معظم انقلاب و یا عدم تغییر نظرات معظّم له نسبت به آن موضوع است.

در کنار این فرآیند تدوینی، بعضی از اصطلاحات فنی و خاص و همچنین شخصیتهایی که نیاز به توضیح داشتند، تعیین و تحقیق شدند و حاصل این تلاش، در انتهای کتاب به صورت مستقل و در قالب اصطلاح نامه درج گردیده است.

در این بخش، از اصطلاح نامه ی پایگاه اینترنتی رصد به نشانی www.Rasad.ir و بعضی از کتابهای مربوط به این حوزه، خصوصاً کتاب «جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین»⁽¹⁾ استفاده شده است. در همین راستا، برخی از رویدادهای تاریخی مورد اشاره ی رهبری، تحقیق و در پاصفحه نگارش یافته اند، همچنین نشانی و ترجمه ی آیات مورد استفاده ی رهبری در پاصفحه آمده و در ترجمه ی آیات، از ترجمه ی قرآن کریم حضرت آیت الله مکارم شیرازی (حفظ الله تعالی)⁽²⁾ استفاده شده است.

(1). جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین، دکتر علی اکبر ولایتی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، 1387 هـ - ش.

(2). قرآن کریم، ترجمه ی آیت الله مکارم شیرازی، قم، انتشارات مدرسه ی امام علی بن ابی طالب (علیهما السلام). چاپ اول.

طبق بررسی های انجام شده، پیش از این تلاش، سه اثر مستقل در مورد بیانات مقام معظم رهبری «مدظله العالی» درباره ی موضوع فلسطین چاپ شده است، که دو کتاب «پاره ی تن اسلام در آئینه ی حقیقت» (1) و «فلسطین از منظر حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای» (2) به زبان فارسی هستند و کتاب «فلسطین فی خطاب القائد الخامنئی» (3) به زبان عربی است. نکته ای که لازم است بیان شود، وجه یا وجوه تمایز اثر حاضر با تلاشهای پیش از آن است. البتّه واضح و مسلّم است که آثار قبلی، ویژگی ها، محسّنات و برجستگیهای خاصّ خود را دارند و تلاش تدوین کنندگان آنها هم إنّ شاءالله مشکور و مورد رضای خداوند است.

نکته ی اوّل در وجه تمایز، این است که اثر حاضر از مجموعه ی وسیعی از بیانات مقام معظم رهبری (حفظ الله تعالی) برداشت شده است. همان طور که پیش از این گذشت، زمینه ی این تلاش پژوهشی و مرحله ی آغازین آن، مطالعه ی کلّ گفتارها و نوشتارهای مرتبط با موضوع از سال 1348 تا اواخر سال 1390 بود؛ یعنی تحقیقات این پروژه، محدود به مواضع رهبر معظم انقلاب پس از رهبری نشده است، بلکه مواضع ایشان در زمان ریاست جمهوری و حتّی پیش از آن نیز مورد بررسی قرار گرفته، که جدای از جامعیت این اثر، دغدغه و احساس مسئولیت حضرت آیت الله خامنه ای «مدظله العالی» را از اوایل نهضت اسلامی بخوبی نشان میدهد و همچنین بیانگر این حقیقت است که مواضع عمیق و دقیق ایشان درباره ی این موضوع در زمان رهبری، مسبوق به سابقه ی ورود کارشناسانه ایشان به این موضوعات در دوره پیش از زعامت معظمّله است.

نکته ی دوّم، تبیین برخی از مطالبی است که نیاز به توضیح داشتند. با این توضیح که در فرمایش های معظمّله، بعضاً از اصطلاحات و اسامی شخصیتهایی استفاده شده است که احتمالاً برای مخاطب روشن نیست و یا بیانات و پیامهای ایشان با توجّه به رویداد خاصّ تاریخی صادر شده اند و آن رویداد، احتیاج به توضیح و تذکر دارد. از این رو، برخی از موارد این چنینی

(1). پاره ی تن اسلام در آئینه ی حقیقت، تدوین مؤسسه ی فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اوّل، 1383 هـ - ش.

(2). فلسطین از منظر حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، سعید صلح میرزایی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اوّل، 1390 هـ - ش.

(3). فلسطین فی خطاب القائد الخامنئی، شیخ علی ضاهر، بیروت، دارالمحجّة البیضاء، چاپ اوّل، 1425 هـ - ق.

در پا صفحه و بعضی در انتهای کتاب در قالب اصطلاح نامه شرح داده شدند، تا ابهامات احتمالی مذکور مرتفع گردند.

نکته ی سوم، مربوط به نوع دسته بندی و فهرست این اثر است که با کارهای گذشته تفاوت دارد. کتابهای پیشین، همچنان که از عنوان آنها پیداست، محور مباحث را مسئله فلسطین قرار داده و مطالب خود را پیرامون این موضوع متمرکز نموده اند. اما در این اثر و با استفاده از جهت گیری اساسی سخنان رهبری، نقطه ی آغازین کار، موضوع صهیونیسم و نه رژیم صهیونیستی، به عنوان دشمن اصلی مسلمانان و حتی بشریت، قرار داده شده و سیر کلی کتاب با توجه به این جهت گیری تنظیم گردیده است.

از این رو، در يك دسته بندی کلی، مطالب کتاب به دو قسمت اساسی تقسیم میشود: قسمت اول، دشمن شناسی و بصیرت مسلمانان دنیا در قبال شناخت دشمن و شناخت سیاستها و راهبردها و تاکتیکهای این جبهه در مقابل جریان حق است، که بخشهای اول و دوم و سوم به این مطالب اختصاص دارد؛ و قسمت دوم که راه مقابله و دفاع در مقابل این شجره ی خبیثه است و در بخشهای چهارم و پنجم بحث شده است؛ بنابراین خواننده ی این اثر پس از مطالعه ی آن، تنها متوجه يك موضوع (فلسطین) نمیشود، بلکه بینشی صحیح و عمیق درباره ی موضوعات فوق نیز به دست می آورد.

نکته ی چهارم و پایانی هم این است که مطالب کتاب در قالب پنج بخش و هر بخش شامل چهار تا شش فصل تنظیم شده است و در هر فصل، مواضع و دیدگاه های رهبر معظّم انقلاب بر طبق سیر زمانی بیان مطالب آمده است، که خالی از فایده نیست و بزرگ ترین فایده ی آن هم این است که خواننده به سیر تفکر و جایگاه بحث به لحاظ اتفاقات و رویدادهای تاریخی آگاه میشود.

در پایان، ضمن قدردانی از پژوهشگران این اثر؛ حجج الاسلام والمسلمین سید مجید حسینی، غلامحسین حقّانی و ویراستار آن آقای محمّدحسن استادی مقدّم این نکته را متذکر میشودیم که مجموعه ی حاضر، شامل بیانات رهبری معظّم تا اواخر سال 1390 میشود. از این رو، با استعانت از درگاه خداوند و حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خوانندگان محترم این اثر، تکمیل آن را در مراحل آتی پژوهشی وعده میدهیم و امیدواریم که در گامهای بعدی، این کتاب مزین به پیام تبریک رهبر فرزانه ی انقلاب به مناسبت آزادی قدس شریف و فلسطین اسلامی شود، که البتّه با توجه به بیانات ایشان «زیدعزّه» وعده یی دست نیافتنی نیست؛ آنجا که فرمودند:

«... اگر به توفیق خدا دولت صهیونیستی متلاشی شود، که این روز یقیناً در پیش است؛ حالا کی، نمیتوانم بگویم؛ اما یقین دارم که چنین روزی پیش خواهد آمد - آن وقت را شما جوانها إن شاء الله حتماً خواهید دید؛ ما ممکن است ببینیم - اکثریت این جمعیتی که امروز در اسرائیل هستند، از آنجا به مناطق خودشان خواهند رفت.» (1)

به امید آن روز و به امید اقامه ی نماز آزاد در مسجد الأقصی.

(1). در دیدار گروه زیادی از جوانان استان اردبیل، 1379/5/5.

ص: 13

دشمن را باید شناخت. دشمن شناسی، یکی از مهمترین کارهاست. امروز دشمن بزرگ دنیای اسلام، امریکا و صهیونیسم هستند؛ شیطانهای بزرگ دنیای اسلام، امریکا و صهیونیسم هستند؛ شیطانهای بزرگ اینها هستند. از همه ی شیطانها بدتر و نحس تر و خطرناک تر، امریکا و صهیونیسم هستند که امروز دستشان به طور کامل و واضح در دست هم است. هیچ وقت مثل امروز اینها با همدیگر رفیق و همراه نبوده اند! دشمن اصلی اینهاست. بت بزرگی که باید شکست، اینهاست. این دشمن را باید شناخت و به همه ی آحاد مردم و زیدگان و نخبگان جوامع اسلامی معرفی کرد. (1382/10/2)

بخش اول: صهیونیسم؛ شجره ی خبیثه

اشاره

فصل اول: بصیرت و دشمن شناسی

فصل دوم: صهیونیسم؛ بلای بشریت

فصل سوم: نفوذ و سلطه ی رسانه یی صهیونیسم

فصل چهارم: مظلوم نمایی

ص: 15

1364/3/1

لزوم روشنگری در عرصه ی دیپلماتیک، برای تفهیم دشمنی صهیونیسم با جهان اسلام

چنانچه بتوانیم به این کشورهای همسایه مان درست تفهیم کنیم که حراست از منطقه ی خلیج فارس - که منطقه ی حسّاسی است - به عهده ی خود ماست، یا بتوانیم تفهیم کنیم که در مقابل خطر بزرگی که نسبت به اسلام و نسبت به کشورهای اسلامی و نسبت به وحدت این کشورها وجود دارد، باید نیروها را تا حدّ ممکن هماهنگ و بسیج کنیم و خطر صهیونیست ها و رژیم صهیونیستی را به عنوان يك مسئله ی اصلی جهان اسلام مطرح کنیم، طبعاً برد زیادی کردیم. (1)

1364/6/15

صهیونیسم؛ دشمن بشریت

از حدود صد سال قبل، يك هسته ی صهیونیستی در اروپا به وجود آمد که با انگیزه ی انتقام گیری از نوع بشر شروع کردند به گسترش و رشد یافتن؛ اینها با يك ملت خاص دشمن نبودند، با بشریت دشمن بودند. علت هم این بود که در طول قرنهای متمادی، یهودی ها دائماً در معرض سرکوفت و تعقیب و تحقیر ملتها و دولتها قرار داشتند. (2)

1364/7/2

در آن روزی که امام این فریاد را بلند کرد - در سال 1341 - خیلی ها باور نمیکردند که این نهضت، نهضتی است برای قرآن و برای احیای

(1). مصاحبه با روزنامه ی اطلاعات.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 17

اسلام؛ وقتی که به آنها گفته میشد دشمنها میخواهند اسلام را از بین ببرند و صهیونیست ها میخواهند مملکت را نابود کنند، تعجب میکردند. من خودم یادم است که سال 42، چند روز قبل از حادثه ی پانزدهم خرداد، از طرف امام پیغامی برای علمای مشهد بردم. سه تا پیغام بود برای چند نفر از علمای معروف مشهد آن روز. یکی از این آقایان، وقتی من پیغام امام را به او دادم و گفتم ایشان میفرمایند که امروز ما به وسیله ی اسرائیل داریم تهدید میشویم و باید قیام کنیم و مقاومت کنیم و باید اسلام را حفظ کنیم و این وظیفه ی علماست، با يك وضع جدی گفت: نه، ما هیچ احساس نمیکنیم که اسلام به وسیله ی اسرائیلی ها یا یهودی ها یا دیگران تهدید میشود! هر چه من خواستم برای این آقا ثابت کنم که ما از کجا داریم ضربه میخوریم و ممکن است بخوریم، نشد. نقشه را نمیفهمند، اشتباه میکنند؛ و این يك خطر بسیار بزرگ است، و ما باید مواظب باشیم. هر آن باید حواسمان جمع باشد که نقشه را اشتباه نکنیم. از اول انقلاب تا امروز، ما شاهد مواردی بودیم که کسانی نقشه ی میدان نبرد را اشتباه کردند. يك روز به ما اعتراض کردند که چرا شما با امریکا در می افتید؛ چرا میگویید مرگ بر امریکا؟ يك روز اعتراض کردند که چرا در مقابل عراق بیش از این مقاومت میکنید؟

لزوم بصیرت داشتن هر مسلمان

در حقیقت، یعنی چرا تسلیم نمیشوید؟! يك روز اعتراض کردند که چرا این قدر دم از فقاقت میزنید؟ يك روز اعتراض کردند که چرا «ولایت فقیه» را در قانون اساسی وارد میکنید؟ يك روز اعتراض کردند که چرا روحانیون در کارهای اجرایی هستند؟ در هر برهه یی از زمان، شما يك دسته ای را ملاحظه میکنید که اعتراضی کردند. البته من عقیده ندارم که همه ی آن کسانی که اعتراض کردند، آدمهای مشتبهی بودند؛ نه، معمولاً يك عده اشتباه میکنند، چند نفر آن اشتباه کننده ها را میچرخانند. برای همین، بصیرت و آگاهی برای مسلمان لازم است، که سرانگشت دیگران نتواند او را حرکت بدهد. (1)

(1). در مراسم صبحگاه سپاه پاسداران در پادگان قصر فیروزه.

صهیونیستهای دشمن؛ در صدد تضعیف ملت ایران

دشمنان، چه کسانی هستند؟ صهیونیستها؛ همینهایی که خبرگزاری‌ها و بسیاری از رادیوهای دنیا در اختیارشان است. اینها دنبال چیزی هستند که این پیروزی (1) را خراب کنند، قوت و قدرت ملت ایران را به ضعف تبدیل کنند و به دنیا وانمود نمایند: آن طوری هم که خیال میکنید، عزم ملت ایران راسخ نیست و در راهش استوار نمیشود. ما کار خودمان را میکنیم. این ملت بزرگ، دنبال کار و راه خودش حرکت میکند؛ اما دشمن در بیرون آن طور حرف میزند و دنبال شاهد و بهانه بی میگردد. (2)

1370/3/26

دولت غاصب صهیونیست؛ بزرگ‌ترین خطر برای جهان اسلام

امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگ‌ترین خطر برای حال و آینده‌ی جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، در صدد علاج و چاره باشند. متأسفانه رفتار و گفتار اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره‌ی را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ - که چیزی جز محور رژیم صهیونیست نژادپرست نیست - نشان نمیدهد؛ بلکه به عکس، نشانه‌هایی از گسترش کمپ دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم میخورد؛ و من نمیدانم این دولتها با این رفتار ذلت‌بار و تسلیم‌نگ آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملتهای خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده‌اند؟ (3)

نکوهش رفتار ذلت‌بار دولتهای عربی در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب

1372/1/4

امروز قدرتهای بزرگ وارد مذاکره شده‌اند و دولتهای منطقه و عناصر دست‌نشانده‌ی خودشان را با تطمیع، با تهدید، با فریب و با پول، وادار به سکوت کرده‌اند. اول، ماجرای «کمپ دیوید» را میان مصر و اسرائیل راه انداختند و حالا هم کمپ دیوید را عمومی میکنند و پای

(1). مراد از این پیروزی، پیروزی بازگشت آزادگان به میهن اسلامی و پذیرفته شدن شرایط جمهوری اسلامی در ماجرای جنگ تحمیلی است.

(2). در دیدار گروهی از آزادگان و اقشار مختلف مردم در اولین روز از هفته‌ی وحدت.

(3). پیام به حجّاج بیت الله الحرام.

به رسمیت شناختن صهیونیست ها؛ یعنی پایان مبارزه

کشورهای دیگر را پیش کشیده اند. متأسفانه، همه هم تقریباً قبول کرده اند؛ بعضی صددرد قبول کرده اند، بعضی يك «اِما» و «اگر» ی وسطش گذاشته اند، اِما در حال مذاکره اند. این مذاکره بر سر چیست؟ مذاکره بر سر این است که همه ی کسانی که تا امروز با اشغالگران فلسطین مبارزه میکردند، اشغالگران را به رسمیت بشناسند. یعنی چه؟ یعنی مبارزه تمام! وقتی صهیونیست ها را به رسمیت شناختند، مبارزه تمام شده است!

حالا اگر همه قبول کردند، ما هم قبول کنیم؟! دیگران لابد مجبور بوده اند؛ دیگران لابد ترسیده اند؛ دیگران لابد رشوه گرفته اند؛ دیگران لابد وجدانشان بیدار نبوده است؛ دیگران لابد پشتوانه ی مقابله با خواست امریکا را نداشته اند. جمهوری اسلامی چرا باید قبول کند؟! ملت ایران چرا باید قبول کند؟! هر کدام از این دولتهای غربی و اروپایی، در هر جای دنیا با مأمورین ما مذاکره میکنند، یکی از حرفهای اولی شان این است که «آقا! شما بیخود با این قضیه ی مذاکرات با اسرائیل مخالفت میکنید. امریکا به خاطر مخالفت شما، روی شما حساس است!» دشمنی، این طور درست میشود!

میگویند شما مخالفت نکنید؛ بگذارید يك ظلم بزرگ انجام گیرد و شما حرف نزنید. ما که به فلسطین لشکرکشی نکرده ایم، ما که نیرو نبرده ایم؛ ما مثل هر ملت آزاد و مستقل، موضع خودمان را اعلام میکنیم. این طور میشود که يك نظام اسلامی، يك نظام مستقل، يك نظام آزاد، يك ملت مبارز، يك ملت که از قدرتی نمیترسد، دشمن پیدا میکند! قرآن میگوید: «ای افرادِ مسلمانِ بیدار دل؛ این دشمن را هرگز فراموش نکنید. یادتان نرود که دشمن دارید؛ یادتان نرود که دشمن در کمین است؛ یادتان نرود که اگر کوتاه بیایید، اگر سستی کنید، دشمن ضربه خواهد زد.»

توصیه ی قرآن کریم؛ بیداری و بصیرت نسبت به دشمن

دشمن میخواهد از همه ی راه ها برای ضربه زدن وارد شود؛ از راه اقتصاد، از راه فرهنگ، از راه سیاست و از راه های امنیتی. ملت مسلمان باید بیدار باشد:

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ! (1)

تسلیم دشمن نشوید؛ دشمن را فراموش نکنید؛ به یاد داشته باشید که دشمن هست. اما راجع به همین شیطان، با این همه تأکید، خدای متعال میفرماید:

إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ (2)

همین شیطانی که باید مواظبش باشید - و اگر مواظب نباشید، از او ضربه خواهید خورد - اگر شما بیدار باشید، هوشیار باشید، متحد باشید، متوجه باشید و به وظیفه تان عمل کنید؛ کید و مکرش بسیار ضعیف است و نمیتواند کاری انجام دهد. (3)

1373/3/4

هوشیاری امام راحل (رحمه الله) در شناخت و معرفی دشمن

بعضی اشخاص نمیتوانند حوادث جهانی را درک کنند. قبل از انقلاب، يك وقت بنده از طرف امام «رضوان الله علیه»، پیغامی برای جمعی از علمای شهر خودمان مشهد بردم. بخشی از پیغام این بود که «امروز اسرائیل بر همه ی اوضاع مسلط شده است.» یکی از علمای معروف مشهد - خدا رحمتش کند - در جواب من گفت: «ایشان خیال میکنند که اسرائیل بر همه ی اوضاع مسلط شده است! اگر واقعاً اسرائیل بر امور ما مسلط باشد، باید هم مبارزه کنیم؛ اما امروز چنین چیزی نیست و ایشان خیال میکنند!»

منظورم این است که امام در سال 42 میتوانستند سلطه ی اسرائیل را در امور مملکت ما ببینند. اگر حالا شما مدارک و اسناد بازمانده از آن وقت را نگاه کنید، این مسئله برایتان واضح و روشن میشود. امام آن وقت میتوانستند چنان واقعیتی را ببینند؛ اما آن آقای عالم مدعی، اصلاً

(1) 1. سوره ی یس، آیه ی 60. ترجمه: «آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید.»

(2) . سوره ی نساء، آیه ی 76.

(3) . در اجتماع مردم در آستان قدس رضوی.

ص: 21

قدرت تشخیص چنین واقعیتی را نداشت. مسلماً وقتی نتوانست چنان واقعیتی را ببیند، قدم بعدی را هم نمیتواند بفهمد. (1)

1374/5/24

مجّهز بودن به انواع ابزارها و توانمندی ها و حساسیت به بیداری اسلامی؛ دو خصوصیت اصلی دشمن

امروز دشمن اسلام و مسلمین، دو خصوصیت دارد که در طول تاریخ این دو خصوصیت را نداشته است. یکی اینکه بشدت به مال، به سیاست، به تبلیغات، به انواع و اقسام ابزارهای اثرگذاری و نفوذ و ضربه زدن، مجّهز است. دشمن اسلام کیست؟ جبهه ی استکبار، از صهیونیسم تا امریکا، تا کمپانی های نفتی، تا قلم به مزدان و روشنفکرانی که برای آنها کار میکنند، در سرتاسر جهان مجّهزند. هیچ وقت جبهه ی مقابل اسلام، این قدر به همه ی ابزارها مجّهز نبوده است.

خصوصیت دیگر این است که همین جبهه ی مجّهز، امروز نسبت به خطری که اسلام برای آن دارد و بیداری اسلامی برای آن به وجود می آورد، بشدت حساس است و این حساسیت، ناشی از این است که می بیند اسلام میتواند از مرز يك توصیه ی اخلاقی فراتر برود و در موضع فکری که نظامی را به وجود می آورد، ظاهر شود. دشمنان اسلام دیدند که اسلام توانست يك انقلاب به وجود بیاورد؛ دیدند که اسلام توانست يك نظام مستقر و پایدار به وجود بیاورد؛ دیدند که اسلام توانست يك ملت را به خودآگاهی برساند؛ آنها را از حالت هزیمت روحی، به استقرار و اتکا به نفس و اعتزاز به خود و دین خود تبدیل کند و برساند؛ دیدند که اسلام میتواند يك ملت را آن قدر مقتدر و قوی کند که همه ی آن ابزارهایی که گفتیم، در مورد این ملت بی اثر و کند شود. (2)

(1). در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

(2). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام و میهمانان خارجی شرکت کننده در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی.

هزار و چهارصد سال تاریخ اسلامی مدون در اختیار ماست. جبهه ی حق، گاهی قوی و گاهی ضعیف بوده است؛ گاهی حکومت را در دست داشته و گاهی نداشته است. جبهه ی باطل - در مقابل آن - گاهی فشار بسیار شدیدی را علیه جبهه ی حق به کار برده و گاهی نمیبوده است. اما آنچه در طول این هزار و چهارصد سال ادامه داشته و هرگز قطع نشده، مقابله ی جبهه ی حق با باطل بوده است.

جبهه ی حق میخواهد دنیا را بسازد، انسان را از اخلاق انسانی و محیط زندگی مناسب برخوردار کند و انسانها در هر جا و در هر قشری که هستند، عزت داشته باشند. جبهه ی حق، فرقی بین نژادها و انسانها نمیگذارد. جبهه ی حق اجازه نمیدهد که عده یی از انسانهای زورگو، پرتوقع و فرصت طلب، زندگی جمع دیگری از انسانها را قبضه کنند، و با زور و ستم و تحکم بر آنها حکمرانی کنند. جبهه ی حق، بنده ی خدا و تابع فرمان اوست؛ برای خدا کار و در خدمت انسانیت حرکت میکند. اگر جبهه ی حق، میدان را در مقابل خود باز ببیند، نه فقط زندگی انسان، بلکه همه ی حیات و محیط روی زمین را زیبا و آباد میکند. این، جبهه ی حق است.

صهیونیست ها و امریکا؛ مصادیق بارز جبهه ی باطل

در مقابل، جبهه ی باطل قرار دارد؛ جبهه ی زورگویی، تبعیض و فشار بر عده یی از انسانها به نفع انسانهای دیگر. امروز جبهه ی صهیونیستهای متعزز که به خاطر راحتی خود، ملتی را از کشورش آواره کرده اند؛ جبهه ی تبلیغاتچی های دروغگو و فریبکار استکبار و صهیونیسم؛ جبهه ی امریکا، که جبهه ی زورگویی در همه ی دنیا، فشار بر ملتها، دخالت نظامی در کشورها و تسلط بر منافع حیاتی کشورهاست؛ و جبهه ی کمپانی ها و آدمهای پولداری که حاضرند برای منافع خود، زندگی هزاران انسان را به خاک سیاه بشانند، جبهه ی باطل است.

جبهه ی باطل، خدا را قبول ندارد؛ در مقابل خدا بندگی نمیکند، خودش را جای خدا میگذارد و میخواهد انسانها از او اطاعت کنند. جبهه ی باطل، ابوجهل است. اگر دانش همه ی عالم را به او بدهند، باز

هم رفتارش جهالت آمیز و سفاهت آمیز است و از روی عقل و حکمت نیست. امروز قدرتهای استکباری، جبهه ی باطل و ابوجهل های زمانند. (1)

1374/12/1

درباره ی مسلمانان جهان، آنچه که حقیقتاً مایه ی رنج و تأسف و درد است، این است که مسلمانان، امروز به آن چیزی که بیش از همه احتیاج دارند، کمتر توجه میکنند و آن عبارت از بازگشت به اسلام و اتکا به قدرت اسلامی و استحکام پیوند بین مسلمانان و وحدت مسلمین است. علت این است که امروز، دشمنان اسلام در مقابل این دین، موضع خشن تر و حتی صریح تری اتخاذ کرده اند. در گذشته هم با اسلام، خیلی دشمنی و ستیزه شده است؛ اما امروز بیش از همیشه، این دشمنی، خشن تر و صریح تر و ستیزه جویانه تر است.

اتحاد شوم امریکا و صهیونیسم؛ در رأس دشمنان اسلام

در رأس این دشمنان هم، اتحاد شوم امریکا و صهیونیسم است. امریکا به عنوان رأس قدرت استکباری عالم، و صهیونیسم به عنوان عامل فساد سیاسی و اخلال در روابط مسلمین با یکدیگر و اخلال در روند حرکت رشد ملت‌ها و کشورهای اسلامی، عمل میکنند. این دو، با هم متحدند.

صهیونیسم؛ عامل فساد و اخلال در روند رشد ملت‌ها

متأسفانه وضعی که بسیاری از سران کشورهای منطقه ی عربی به خود گرفته اند - و توقع میرفت نسبت به غاصبان فلسطین و در مقابل این تجاوز فاضح و واضح و وقیحانه، موضع صحیحی اتخاذ کنند - وضعی است که مسلمانان را روزبه روز در مقابل آن اتحاد شوم، ضعیف تر و خود آن دولت‌ها را هم ضعیف تر و بی پشتوانه تر میکند. چه خوب بود رؤسای کشورهای اسلامی، قدر اسلام را که به آنها قدرت و شخصیت و استقلال و توانایی ایستادگی در مقابل زورگویان را میدهد، می شناختند و میدانستند. متأسفانه، بسیاری از سران مسلمان، قدر این نعمت بزرگ را نمیدانند. (2)

(1) 1. در اجتماع مردم بابل.

(2) 1. در خطبه های نماز عید فطر.

ص: 24

صهیونیسم و استکبار؛ دشمن اصلی جمهوری اسلامی

دشمن اصلی برای جمهوری اسلامی کیست؟ امروز دشمن اصلی ما در دنیا، صهیونیسم و استکبار است. اصل قضیه در دشمنی با اسلام و نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، صهیونیسم و استکبار است.

اگر بخواهیم استکبار را درست ترجمه کنیم، امروز با دولت متجاوز و مستکبر و یاغی و گردنکش امریکا تطبیق میکند. امروز عمده‌ی مستکبرین عالم، آنها هستند. داستان استکبار برای همه‌ی ملتها، داستان تلخی است. استکبار، یعنی در دنیا قدرتی هست که به منافع ملتها و به خواست انسانها، توجهی نمیکند؛ به مفاهیم ارزشی انسانی هیچ اعتنایی نمیکند. برای او فقط يك چیز اهميت دارد و آن خود اوست؛ آن هم با روحیه‌ی تکبر، افزون خواهی و زورگویی! آن هم با زبان زور، با خشونت، با شدت، با بی رحمی و سفاکی! امروز امریکا چنین وضعی دارد.

البته پلیدتر از امریکا، دولت صهیونیست، در فلسطین اشغالی است. چرا؟ چون بالاخره دولت امریکا، يك دولت و متكى به يك ملت است؛ در صورتی که اساساً دولت غاصب صهیونیستی، متكى بر يك ملت نیست! ملت ساکن آن مناطق، ملتی است که امروز آواره است! اسرائیل، از اول با ظلم و آدمکشی، با دروغ و فریب به وجود آمده است. در آن روز يك عده افراد زورگو و متجاوز، با پشتیبانی دولت انگلیس، به منطقه‌ی فلسطین آمدند؛ اهالی آن منطقه را بیرون کردند و فرزندان و بازماندگان آنها - بیش از يك میلیون نفر - هنوز هم در زیر چادرها و در شرایط اردوگاهی زندگی میکنند! زیر چادر، یا چیزی شبیه چادر، در کوخها زندگی میکنند! مردم فلسطین، در خارج از فلسطین، با حال کوخ نشینی و اردوگاه نشینی زندگی میکنند. خانه‌های آنها و وطن آنها در اختیار کسانی است که از اروپا، از استرالیا، از امریکا، از آسیا و از آفریقا به آنجا رفته اند و يك ملت جعلی و دروغین به وجود آورده اند و در آنجا به نام يك ملت، زندگی میکنند و دولتی هم دارند! اساساً چنین ملتی، وجود و هویتی ندارد.

امروز در رأس دشمنان خارجی این ملّت - که مبارزه ی اصلی سیاسی خارجی ما در دنیا با اوست - رژیم فاسد غاصب خبیث صهیونیست حاکم بر فلسطین اشغالی و پشت سر او، رژیم ایالات متّحده ی امریکا است. ایالات متّحده ی امریکا، با آن عرض و طول و با آن پیشرفتهای علمی و یک کشور و ملّت بزرگ، بازیچه ی دست صهیونیستها شده است؛ مثل غولی که افسارش دست یک سگ است و هر جا میخواهد، او را میبرد! امروز، دولت امریکا، با آن حجم ثروت و سابقه و اهمّیتی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی برای خودش در دنیا قائل شده است، بازیچه ی دست صهیونیستها و دولت اسرائیل شده است. وقتی رئیس جمهور امریکا، علیه جمهوری اسلامی، تصمیمی اتخاذ میکند، به مجمع صهیونیستهای امریکا میرود و در آنجا گزارشش را میدهد و در دنیا پخش میشود. این، برای ملّت امریکا ننگ است.

اینها دشمنان اصلی ما هستند. البتّه در گوشه و کنار دنیا، باز هم علیه ما دشمنی و خباثت میشود، اما اینها اهمّیت چندانی ندارد و مسئله ی اصلی نیست. همین قضایای اخیر دستگاه قضایی آلمان (1) که یک حرکت بسیار زشت و نفرت انگیزی را به خاطر صهیونیستها انجام دادند، از این نوع است. البتّه دولت آلمان خودش را کنار میکشد و میگوید به دستگاه قضایی کشورش مربوط است. هم ما میدانیم و هم آنها میدانند که این طور نیست که دولت آلمان، تسلّطی بر دستگاه قضایی کشورش نداشته باشد. جاهایی را خود ما مطلعیم که اعمال نفوذ کرده اند. در حقیقت، فشار صهیونیستها به دولت آلمان و دستگاه قضایی آن کشور است. اما اهمّیتی ندارد. اینها کارهایی است که باید دولت ما و وزارت امور خارجه ی خود ما حلّوفصل کنند، که بحمدالله بخوبی مشغول خدمت اند و کار میکنند و حلّوفصل هم خواهند کرد. اینها چیزی نیست که به عنوان یک مسئله برای ملّت

(1). اشاره به دادگاه میکونوس.

محسوب شود. آنچه که برای ملت مهم است، همان نکته بی است که اشاره کردم؛ یعنی مسئله ی امریکا و اسرائیل. اساس مسئله این است. (1)

1375/1/15

برائت از استکبار و صهیونیسم؛ از مسائل مسلم حج

حج، مظهر توحید الهی است. توحید دو جزء دارد که يك جزش برائت است؛ برائت از «اندادالله» و کفار و از عبده اوئان و اصنام. در این، تردیدی نیست. اوئان و اصنام هم، که فقط «لات» و «عزى» و «هبل» نیستند. سران استکبار و طاغوت و کفر و فتنه انگیزان عالم، بزرگ ترین بتهای زمانند. کفر به اینها که اوجب از کفر به بتهای بی جان و بی روح و بی توان است. در اینکه شکی نیست؛ بنابراین امروز برائت از استکبار و صهیونیسم و کفر و الحاد جهانی و برنامه های اینها و فعالیتی که علیه اسلام و مسلمین میکنند، جزو مسائل مسلم حج است. (2)

1375/3/3

رژیم اشغالگر قدس؛ خطر و تهدیدی برای امنیت منطقه

امروز در منطقه ی ما، خطری که امنیت منطقه و تمامیت ارضی کشورهای منطقه و همسایه ی خود را تهدید میکند، خطر رژیم اشغالگر قدس است. ملتها و دولتهای منطقه باید این حقیقت را با تمام وجود، احساس و ادراک کنند. بدیهی است، هر کس که آن رژیم متجاوز و متعزز و غیرقانونی را پشتیبانی میکند، در جرایم آن، سهیم و شریک است. (3)

1375/8/30

طبیعت این حرکت (4)، که ملت ایران را مستقل میخواد، دخالت بیگانگان را اجازه نمیدهد، دستهای دخالتگر را قطع میکند، در سیاستها مستقل می اندیشد، کمپانیها را - که همه چیز دنیا، در دست

(1) 1. در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) در صحن حضرت امام خمینی (رحمه الله).

(2) . در دیدار نماینده ی ولیّ فقیه و سرپرست حجّاج ایرانی و مسئولان بعثه و جمعی از دست اندرکاران سازمان حج.

(3) . در جمع نیروهای شرکت کننده در «مانور بزرگ ولایت».

(4) . مراد تشکیل و ساماندهی بسیج در راستای اهداف انقلاب اسلامی است.

آنهاست - ندیده میگیرد و شبکه‌ی سرطانی جهنمی صهیونیسم را دشمن میدارد، بدیهی است که علیه دشمنی زیاد است.

بصیرت ملت ایران در شناخت دشمن اصلی

البته ملت ایران، در شناخت دشمن اصلی، اشتباه نخواهد کرد. این را همه‌ی مردم دنیا بدانند. دشمن اصلی، در مقابل نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، اولاً صهیونیستها هستند که میدانند از نظر ملت ایران، رژیم غاصب آنها در فلسطین، یک رژیم غیرمقبول و شناخته نشده و غیررسمی و رو به اضمحلال است. بیشتر دشمنیها هم از طرف آنهاست. سرمایه داران صهیونیست، در اطراف دنیا، مخصوصاً در امریکا و اروپا، مشغول فعالیت اند. رادیوها، روزنامه‌ها، وسایل ارتباط جمعی و بسیاری از امکانات، در اختیار آنهاست و علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت ایران، فعالیت میکنند. دشمن دیگر هم، رژیم امریکاست، که در واقع، روی دیگر این سکه است. آن دشمنی هم به خاطر این است که پایگاه عظیم اقتصادی و سیاسی و نظامی امریکا در ایران - که آن را پیش بینی کرده و ترتیب داده بود - از دستش رفته است.

صهیونیستها و امریکا؛ دو روی سکه‌ی دشمنی با ملت ایران

هر نظامی، با هر فکر و منطق و ممشایی که در ایران بر سر کار می‌آمد و جلوی زیاده‌طلبی امریکا را در این کشور نمیگرفت، این قدر مورد دشمنی نبود؛ بنابراین دشمن اصلی، این دو عنصر پلید و خبیث - یعنی شیطان بزرگ و صهیونیستها - هستند. ملت ایران، دچار اشتباه نخواهد شد. هر جایی هم، هر دشمنی بی‌مشاهده شود، از طرف این دو دشمن است. اگر هر اسم و گروه و بلندگو و شخص و دولت دیگری، وارد این میدان شود، درجه‌ی دو و فرعی است. دشمن اصلی، صهیونیستها و نیز دولت و رژیم امریکاست، که تحت تأثیر کمپانیها و فروشندگان و صادرکنندگان اسلحه و چپاولگران بین‌المللی قرار دارد و به دست آنها، اداره و پشتیبانی میشود. این، اساس مسئله است.

*

سردمداران دولت امریکا؛ عامل شیاطین صهیونیست

آنطوری که من احساس میکنم، شیاطین صهیونیست، حتی سردمداران دولت امریکا را هم وسوسه میکنند و به یک معنا، آنها هم در بعضی از موارد، عامل اینها هستند. امروز احساس میشود برای تعرض و مقابله و خباثت و دشمنی علیه ملت ایران و جمهوری اسلامی، وسوسه‌ی تند و شدیدی، از طرف شیاطین صهیونیست،

اشغالگران فلسطین؛ شریرترین دشمنان ملت ایران

دشمن اصلی ما، سردمداران استکبار جهانی، در رأسشان هم رژیم امریکا و شریرترینشان عناصر صهیونیست اشغالگر فلسطین هستند. آنها هنوز هم مشغول مقابله با این انقلابند. از آن روزی که این انقلاب، هیچ چیز جز شخص امام نبود و حتی به قدر یک مدرسه ی آن روز رفاه هم تشکیلات حکومتی نداشت، آنها با این انقلاب شروع به مبارزه کردند و تا امروز که انقلاب، به قدرت یک حکومت مقتدر در همه جای دنیا اثر گذاشته است - اثر سیاسی، اقتصادی، انسانی و فکری - و در داخل هم امروز به فضل پروردگار، حکومت ما یکی از مقتدرترین حکومتهایی است که در طول این قرون، در این کشور حکم رانده اند، هنوز که هنوز است، این مبارزه ادامه دارد و مبارزه میکنند.

ظاهراً مبارزه ی استکبار، به ضرر ما هم نیست؛ چون هر چه آنها مبارزه شان را شدت میدهند، ظاهراً حرکت ملت ما قوی تر و پیشرفت ما سریع تر است. طبق تجربه، ظاهراً برای ملت ایران خوب است که شیطانها با او مبارزه کنند. چون الحمدلله هجده سال است که آنها با ما مبارزه میکنند و ضربه میزنند؛ ولی ملت ایران با قدرت پیش میرود و حرکت میکند!

بحث من بر سر این نکته ی قضیه است: همه ی پیغمبران که مبعوث شدند، در مقابلشان مستکبرینی داشتند. قرآن را ملاحظه کنید؛ یکی از بخشهای بسیار جالب و پرجاذبه ی قرآن، بخش مبارزه ی پیغمبران با مستکبرین است. (2)

(1). در دیدار بسیجیان سراسر کشور.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

پای بندی به اسلام و حفظ استقلال؛ علت دشمنی دشمنان جمهوری اسلامی

رفتار جمهوری اسلامی، بی آنکه قصد دشمن تراشی هم داشته باشد و بخواهد در سطح عالم برای خود دشمن درست کند، به خاطر پای بندی به اسلام و استقلال خود، لامحاله، دشمن تراش است. پس دشمنی با این نظام وجود دارد.

من عرض نمیکنم که این دشمنی، ابدی است و همیشه خواهد بود؛ نه. میتوان زمانی را فرض کرد که وضع جمهوری اسلامی، از لحاظ اقتدار سیاسی و استقلال اقتصادی و فعالیت‌های گسترده بی که در این کشور خواهد شد، به جایی برسد که برای دشمنی کنندگان، دشمنی کردن با جمهوری اسلامی، مقرون به صرفه نباشد. میشود این را فرض کرد و خیلی هم دور نیست.

امریکا، صهیونیستهای دنیا و حکومت صهیونیستی؛ در رأس دشمنان ما

لکن به هر حال، امروز دشمنی زیادی با جمهوری اسلامی وجود دارد و از ناحیه ی دشمنها هم، انواع و اقسام کارهای خصمانه - از کارهای نظامی؛ که البته احتمالش ضعیف است گرفته، تا دشمنی های سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اطلاعاتی، نفوذ اطلاعاتی، وادار کردن دشمنان در داخل به کارهای گوناگون، ایجاد تفرقه، ایجاد شایعه، ایجاد انشعاب در مجموعه های متحد و وادار کردن آنها به خصومت‌های علنی برای مسائل کوچک - متصور است؛ یعنی ما در شرایطی قرار داریم که نهایت کیاست و دقت، از سوی همه ی کسانی که فعل و ترکشان در این نظام، ادنی اثری دارد، باید به کار گرفته شود؛ زیرا دشمن، ما را احاطه کرده است. البته رأس دشمنی ها مربوط به امریکا و صهیونیستهای دنیا و حکومت صهیونیستی است؛ اما مخصوص آنها نیست. (1)

1375/12/16

دشمن، با اسلام به مخالفت پرداخته و بخصوص روی تفرقه بین مسلمین سرمایه گذاری می کند، مسئولیت حج چیست؟ ببینید حج در چنین شرایطی چقدر میتواند معنی دار، آن چنان رسا، پرسود، دست رد

(1). در دیدار اعضای مجلس خبرگان.

کوبنده به تمام ترندهای دشمن و خنثی کننده ی نقشه های استکبار و صهیونیسم باشد! حج، این گونه است. چرا بعضی نمیخواهند از این نعمت الهی، آن چنان که خدا اراده کرده است، استفاده شود؟! چرا نمیخواهند دلها به هم نزدیک شود، ذهنها روشن گردد، دشمنان اسلام معرفی شوند و مسلمین نسبت به دشمنان اسلام ابراز نفرت و انزجار کنند و از آنها بیزارى و برائت جویند؟! حج، فرصت عظیم و ذی قیمتی است که استفاده از آن، صرفاً به نفع يك گروه مسلمان یا يك ملت خاص هم نیست؛ فایده اش برای همه ی مسلمانان است و به همه بر میگردد و همه از آن سود میبرند. دشمن وقتی میخواهد علیه ما فعالیت کند، مگر ملاحظه ی ما را میکند که بدمان نیاید؟!!

چرا ما باید ملاحظه ی دشمن را بکنیم که بدش نیاید؟! استکبار، وقتی میخواهد ما را به جان یکدیگر بیندازد، وقتی میخواهد اسلام را خرافی و زشت جلوه دهد، مگر ملاحظه ی خوش آمدن و بد آمدن مسلمانان را میکند؟! ما وقتی که میخواهیم بگوییم «استکبار، دشمن اسلام و مسلمین است»، چرا باید ملاحظه ی او را بکنیم؟! یکی از بی نهایت افتخارات امام بزرگوار ما، احیای حج ابراهیم و اسلامی است. افتخار مردم مسلمان ما نیز چنین حجی است. (1)

1376/5/1

استکبار و صهیونیسم؛ دشمن مشترك همه ی گروه های اسلامی

وقت آن رسیده است که دنیای اسلام به خود آید و اسلام را به عنوان

صراط المستقیم الهی و راه نجات انتخاب کند و در آن، با استحکام قدم بردارد. وقت آن رسیده است که دنیای اسلام، اتحاد خود را حفظ کند و در مقابل دشمن مشترکی که همه ی گروه های اسلامی، آسیب آن دشمن را دیده اند - یعنی استکبار و صهیونیسم - به طور متحد بایستند، شعارهای واحدی بدهد، تبلیغ واحدی بکند و راه واحدی را بییماید. ان شاء الله مورد تأیید پروردگار و مورد حمایت قوانین و سنن الهی هم خواهد بود و پیش خواهد رفت. (2)

(1). در دیدار کارگزاران و مسئولان حج.

(2). در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی.

امریکا و صهیونیستها؛ بزرگ ترین و لجوج ترین دشمنان ملت ایران

امروز، دشمنان این ملت - یعنی امریکایی ها و صهیونیست ها، که بزرگ ترین و لجوج ترین دشمنان ملت ایران، رژیم ایالات متحده ی امریکا، و زیر بال او رژیم غاصب و غیر مشروع صهیونیستی در فلسطین است - حاضرند از هر تلاشی استفاده کنند، برای اینکه به ملت ایران ضربه بزنند. (1)

1376/9/5

لزوم هوشیاری در شناخت دشمن

باید هوشیار بود. من امیدوارم که ملت ایران در شناخت دشمن، اشتباه نکند و دشمن را بشناسد. دشمن، استکبار جهانی و امریکاست. دشمن، صهیونیستها هستند. دشمن برای مبارزه با انقلاب، انواع و اقسام روشها را تجربه کرده است. (2)

1376/9/20

صهیونیستها؛ دشمن خطرناک دنیای اسلام

ما حقیقتاً معتقدیم دنیای اسلام امکانات فراوانی دارد که از آن به نفع مجموعه، درست بهره برداری نمیشود. در کنار امکانات فراوان، دشمنیهای بزرگی نیز با دنیای اسلام وجود دارد که از سوی دشمنهای خطرناک ابراز میشود. ما حقیقتاً صهیونیستها را دشمن دنیای اسلام میدانیم. باید بر حذر بود. این کنفرانس (3)، این همفکریها، این تبادل نظرها و این همکاریهای از سوی کشورها، میتواند به این معانی کمک کند. (4)

1377/1/31

ما در جمهوری اسلامی بر اصول منطقی خود پای فشرده ایم. ما اسلام را انتخاب کرده ایم و بر اساس آن، زندگی خود و کشورمان را میسازیم. کمک نکردن به ستمگر، یکی از مبانی اسلامی است که ما

(1). در اجتماع مردم کرج.

(2). در جمع بسیجیان.

(3). کنفرانس سران کشورهای اسلامی در ایران.

(4). در دیدار نخست وزیر مغرب.

به آن معتقدیم؛ و دشمنی ما با امریکا و صهیونیسم بر اساس همین دیدگاه است؛ والا هیچ تعصب نژادی و مذهبی در مبارزه ی ما حاکم نیست. اگر امریکا مستکبر نبود و اگر صهیونیستها دست به این جنایات نمیزدند، ما این مواضع را در مقابل آنها نداشتیم. اعتقاد ما هم این است که در این مبارزه، کسانی که طرفدار حق هستند، پیروز میشوند.

لزوم تمایز بین یهود؛ صهیونیسم

ما نسبت به یهود، هیچ گونه تعصب و نگاه بدبینانه یی نداریم. یهودیها در کشور ما با راحتی و آسایش زندگی میکنند و اصولاً در طول تاریخ، اسلام همواره با اینها برخوردی خوب و مهربانانه - مثل بقیه ی ادیان و مذاهب - داشته است. (1)

1378/6/27

لزوم هوشیاری نسبت به امپراتوری عظیم خبری صهیونیستی

نباید این دشمن را فراموش کرد. این دشمن، دشمن ماست و امروز تجسم این دشمن، در امپراتوری عظیم خبری صهیونیستی یا شبه صهیونیستی است، که او هم به نوبه ی خود، متکی به کارتلهای بزرگ نفتی و سرمایه داران عظیم است، که البته يك شاخه ی آن هم دستگاه حاکمه ی امریکاست. دستگاه حاکمه ی امریکا، قلب این مسئله نیست؛ او جزو شاخه های این قضیه است. قلبش در آن مرکز عظیم مالی و اقتصادی است، که همه ی دنیا را در مشت گرفته و همه ی دنیا را خاضع کرده است. (2)

1378/8/12

بدیل سازی شعارها و آرمانها؛ یکی از روشهای دشمنی دشمنان

شناختن دشمن از همه مهم تر است. دشمن سعی میکند خود را دوست جلوه دهد و شعارهای ملتها را عوض کند؛ کما اینکه شعار ضدیت با صهیونیسم را در میان بعضی از دولتمردان عرب، تبدیل به يك شعار انحرافی کردند! یکی از کارهایشان تبدیل کردن شعارهاست. ملت و دولتی تسلیم میشود که دشمن را درست نشناسد، یا دچار فساد و بدبختی باشد؛ اما اگر دشمن شناسی بود - که من این توصیه را به جوانان دارم - آن وقت شعارها، شعارهای روشن و

تسلیم شدن ملت و دولت؛ نتیجه ی شناختن درست دشمن

(1). در دیدار روزه گارودی.

(2). در دیدار دانشجویان و مسئولان دانشگاه تبریز.

آگاهانه بی خواهد بود و آنچه که دشمن میخواهد، به فضل پروردگار، آن را در میان ملت ایران به دست نمی آورد. (1)

1379/10/19

هنر ملت ایران تا امروز این بوده که پاتک دشمن را در همه جا خنثی کرده است. نه اینکه دشمن نمیخواسته پاتک کند؛ دشمن همیشه درصدد ضربه زدن به ما بوده است.

معرفی و تبیین مراتب و درجات دشمن

دشمن کیست؟ هر کس که با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی مخالف است، دشمن است. طمع ورزان، غارتگران، سودجویان، زراندوزان، زورگویان، وابستگان، مایلین به فساد و کسانی که از حاکمیت فرهنگ دینی زیان شخصی می بینند، دشمن اند. البته در رأس اینها، دشمنان خارجی هستند که بیش از همه ضرر دیده اند. امریکا بیش از همه از تشکیل حکومت اسلامی خسارت دید و هنوز هم می بیند - آنها جلوتر از همه اند - صهیونیستها همین طور، کمپانیهای بزرگ جهانی همین طور، بی بندوبارهای گوناگون در بخشهای مختلف همین طور، کیسه دوخته های برای ثروت ملی همین طور. همه ی اینها دشمن اند.

درجات دشمن، مختلف است؛ ولی در مجموع، يك جبهه ی دشمن به وجود آمده است. این جبهه، مرتب از اول انقلاب سعی کرده این قلعه را پس بگیرد. (2)

1380/6/5

هوای نفس؛ دشمنی خطرناک تر از صهیونیسم

اشتباه، این است که ما خیال کنیم دشمن فقط صهیونیستها یا امریکایی ها هستند. نه! ما يك دشمن خطرناک تر از صهیونیسم و استکبار جهانی و سرمایه داران مافیاهای گوناگون اقتصادی و مالی داریم و آن، هواهای نفسانی است که در درون ما پنهان شده است؛ همان چیزی که ما را به مصلحت جویی های نادرست، اقدامهای

(1). در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه ی جاسوسی امریکا (روز ملی مبارزه با استکبار جهانی).

(2). در دیدار مردم قم.

ص: 34

نادرست، تبلی های ضایع کننده، حرکات ناپسند و غفلت از مأموریت بزرگ، وادار میکنند. دشمن اصلی، اینجاست. (1)

1381/9/15

دشمن دنیای اسلام؛ صهیونیستها و سرمایه داران گرداننده ی نظام امریکا

استکبار برای اینکه مانع یکپارچگی و اتحاد ملت‌های مسلمان شود، برای آنها دشمنان خیالی و فرضی جعل میکند و اختلافات گوناگون به وجود می آورد. نه؛ خطاست اگر کسی فریب این ترفند استکبار را بخورد. امروز، دشمن دنیای اسلام، صهیونیستها و سرمایه دارانی هستند که نظام امریکا در مشیت آنهاست و با اراده ی آنها حرکت میکند و میچرخد. امروز، حضور امریکا در این منطقه به زیان مسلمانان و ملت‌های این منطقه است. (2)

1381/10/19

تبیین علت هشدارهای عمومی نسبت به دشمن بیرونی

در هر جای دنیا که ملتی بیدار شود، حکومتی خودآگاهی پیدا کند، مردمی به فکر تأمین منافع خود و قطع دست زورگویان باشند؛ دستگاه مرکزی قدرت طلب جهانی - که مجموعه بی از همین سرمایه داران بزرگ و صهیونیستها هستند - مشغول میشود تا آن مرکز، آن کانون و آن حرکت را از سر راه خود دور کند. خیلی اوقات موفق میشوند؛ در مواردی هم موفق نمیشوند؛ کما اینکه در مورد ملت ایران و انقلاب اسلامی، با اراده و ایمان مردم و با الگوهای ماندگاری که ملت ما از جوانان مبارز و پارسای خود نشان داد، موفق نشدند و تا امروز شکست خورده اند.

بعضی ناخشنود میشوند از اینکه ما در هشدارهای عمومی، مردم را به دشمن بیرونی متوجه کنیم. این ناخشنودی ناشی از سطحی نگری است. وقتی ما میگوییم دشمن بیرونی داریم، معنایش این نیست که ضعفها، اشتباهات، لغزشها و کوتاهیهای ما در ناکامیهای نظام اسلامی بی تأثیر بوده است. نخیر؛ این طور نیست. قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم:

(1). در دیدار مسئولان وزارت اطلاعات.

(2). در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران.

ص: 35

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا. (1)

دشمن بیرونی؛ عامل تشدید کننده ی اشکالات و لغزشهای درونی

نباید اسراف، زیاده روی، کوتاهیها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آنها باشیم. اما این نباید ما را از عامل تشدیدکننده ی اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند.

در همین آیه ی شریفه که به ما تعلیم میدهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله میفرماید:

و تَبَّتْ أَعْدَامُنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ (2)

یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید؛ اوست که از اشتباهات شما حدّا کثر بهره را میبرد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید میکند. (3)

1382/1/1

ریشه ی وحشت صهیونیسم از اسلام

امروز صهیونیسم و امریکا بشدت از اسلام شما مردم وحشت دارند. دشمنی آنها با اسلام به خاطر نماز و روزه نیست، بلکه با اسلام از آن جهت دشمن اند که ملت خود را با عزّت، با قدرت و برخوردار از استقلال میکند. این موضع، آنها را آزار میدهد. آنها ملتها را توسری خور میخوانند. آنها از استقلال ملتها میترسند و میخواهند ملتها به استکبار وابسته باشند. آنها میخواهند منافع ملتها را چپاول کنند. اسلام نمیگذارد؛ با اسلام به این دلیل دشمن اند. در غیر این صورت، اگر کسانی با نام اسلام در خدمت آنها باشند و منافع خود را در خطر نبینند، خیلی هم با اسلام دشمنی نمیکنند. آنها از اسلام میترسند، چون اسلام مانع از سوءاستفاده های آنها میشود و جلوی چپاولشان را میگیرد.

*

(1). سوره ی آل عمران، آیه ی 147؛ ترجمه: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش؛ و از تندیهای ما در کارها، چشم پوشی کن.»

(2). سوره ی آل عمران، آیه ی 147؛ ترجمه: «قدمهای ما را استوار بدار؛ و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.»

(3). در دیدار مردم قم.

ببینید برادران و خواهران عزیز من! دشمن نسبت به ایران اسلامی گزینه ی جنگ را انتخاب نمیکنند. جنگ برای او در کشوری مثل ایران با شرایطی که کشور ما دارد، هیچ صرفه یی ندارد. چرا؟ چون وقتی يك ملت فقط با نیروی نظامی خود نجنگید، بلکه با همه ی ملت خود جنگید، بزرگ ترین قدرتهای دنیا را به زانو درمی آورد. ملت ما این طور است. ملت ما ملتی پیر، از کارافتاده، بی حال و بی جان نیست؛ ملتی جوان است. هفتاد درصد از ملت ما سنینی زیر سی و پنج سال دارند و مردمی جوان و با نیرو و نشاط هستند. جنگ نظامی با چنین ملتی برای امریکا و غیر امریکا صرفه یی ندارد. ما را در میدان جنگ آزمایش کرده اند و میدانند که چطور مبارزه میکنیم. روح فداکاری، شهادت طلبی و نترسیدن از مرگ را در ما شاهد بوده اند. این ویژگیها مخصوص قشرهایی خاص از مردم نیست، بلکه مسئولین، بزرگ، کوچک، پیر مرد هفتاد ساله و جوان نارس با اعتقاداتی اسلامی این طورند. ویژگی نترسیدن از مرگ، در محاسبات امریکایی مثل انداختن يك قلوه سنگ در يك دستگاه است. يك قلوه سنگ بزرگ را در ماشینی بیندازید و ببینید چطور از کار می افتد! صخره یی در مقابل يك مشت است. با ملتی که مردم آن از مرگ نمیترسند و در مقابل آن شجاعت دارند، نمیتوان درافتاد. پس گزینه ی جنگ نسبت به ایران، گزینه ی بسیار دوری است.

القای ناکارآمدی نظام و ایجاد اختلاف؛ دو نقطه ی امید صهیونیستها و استکبار

آنها میتوانند دو کار انجام دهند - خواهش میکنم مسئولین کشور، مدیران گوناگون بخشها و آحاد مردم به این نکته توجه کنند - دشمنان ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، فقط به دو موضوع میتوانند امید داشته باشند. یکی اینکه ناکارآمدی نظام را به مردم القا کنند؛ یعنی بگویند این نظام نمیتواند خواسته های مردم را برآورده کند و با القای آن به مردم، ارتباط مستحکم مردم با نظام اسلامی را از بین ببرند. دوم، دسته بندی و اختلاف ایجاد کنند. این دو نقطه ی امید برای صهیونیستها، امریکاییها، استکبار و دشمنان نظام اسلامی وجود دارد. همه متوجه این دو نقطه باشند.

القای ناکارآمدی نظام، متوجه مسئولین کشور است. در قوای مجریه، قضاییه، مقننه، در نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی و همه ی مؤسّساتی که کاری از کشور را برعهده دارند، مدیران باید خود را برای مدیریت کارآمد و لایق، آماده و مجهّز کرده و برای مردم کار کنند. وقتی از نهضت خدمت رسانی حرف میزنم، به این جهت است. وقتی میگویم برای خدمت به مردم مسابقه بگذارید، به این دلیل است. تأکید من بر مبارزه ی با فساد هم به همین علّت است؛ زیرا اگر مدیری خدای نخواستہ فاسد شد، دیگر نمیتواند به مردم خدمت کند و برای آنها مفید باشد. پس اوّل باید کارآمدی نظام را نشان داد.

منابع، امکانات و افراد لایق کشور، کفایت لازم را برای این کار دارند. کشور ما از لحاظ انسانهای خدوم و کارآمد فقیر نیست. ما افراد کارآمد بسیاری داریم. در بین مدیرانی که امروز در رأس کار هستند، آدمهای کارآمد، لایق و خوبی خدمت میکنند. در بین افراد دیگری نیز که جزو مدیران نیستند، انسانهای لایقی وجود دارند. آنها باید کار، همّت و تلاش کنند و خدمت به مردم را به عنوان یکی از عواملی که میتواند امنیت کلی کشور را تأمین کند، تلقّی نمایند؛ لذا باید در خدمت رسانی به مردم با هم رقابت کنند.

شهرداریها و شوراهای شهر که بعد از این انتخابات بر سر کار آمدند، باید جزو کسانی باشند که خدمت به مردم را سرلوحه ی کار خود قرار دهند. از اینجا آغاز کنند. برنامه های زائد و منحرف کننده و حرفهای غیرمرتبط به کار را که عده یی به آنها مبتلا بودند و هستند، کنار بگذارند و فقط برای مردم کار کنند.

مسئله ی دیگر، دسته بندی های سیاسی، مبارزات و پنجه افکنی های جناحی و خطّی است. این مسئله بسیار مضرّ است و دشمن آن را تقویت میکند. اختلاف سلیقه در کشور وجود دارد؛ امّا تبدیل آن به تضادّ بنیانی، از کارهایی است که دشمن به آن میپردازد و در شکل دهی آن مؤثر است. باید مواظب باشیم. مسئولین و جناحهای سیاسی مواظب باشند اختلاف سلیقه را به تضادهای بنیانی تبدیل نکنند. چرا شعارهای دشمن را تکرار میکنید؟! دشمن با هر دو جناح

نقش دشمن در تبدیل اختلاف سلیقه به تضادهای بنیانی

عداوت دارد. خیال نکنید یک جناح را دوست دارد و از جناح دیگر بدش می آید؛ با هر دو جناح دشمن است. گاهی از جناحی حمایت میکند تا دیگری را تضعیف نماید؛ بعد که یک جناح ضعیف و یا از صحنه خارج و زایل شد، به تضعیف دیگری میپردازد.

خط دشمن؛ جداکردن مردم از نظام و ایجاد فضای هرج و مرج در جامعه

مردم، مسئولین، سیاسی ها و جوانان عزیز ما خیلی مواظب باشند. دشمن، خواهان دسته بندی های سیاسی و جدایی بین صفوف مردم است. خط دشمن در کشور ما عبارت است از جداکردن مردم از نظام و ایجاد فضای هرج و مرج در جامعه. شاهد بودید که در سال هفتاد و هشت این مسائل را به جنجالهای خیابانی هم کشاندند که قدرت بسیج مردمی جلوی تجاوزات آنها را گرفت. جوانان عزیز هوشیار باشند و بدانند که نقشه های دشمن در این کشور چیست و چه میخواهد.

علاج و پیشگیری از نفوذ دشمن از این دو نقطه، خدمت رسانی به مردم و وحدت کلمه ی مسئولین و مردم است. (1)

1382/10/2

صهیونیسم و امریکا؛ مخالف ظهور چهره ی اسلام ناب

بشر، تشنه ی کرامت و عدالت و انسانیت واقعی است. اسلام روی اینها تکیه کرده است. امروز وقت آن است که اسلام با همان شکل ناب و حقیقی خود در دنیا مطرح شود و روشنفکران و سیاسیون مسلمان این را به صورت یک پرچم در دنیا بلند کنند و در مقابل چشم همه ی مردم دنیا نگه دارند. جاذبه ی اسلام ناب خیلی زیاد است. دشمنان اسلام - و امروز در رأس همه ی آنها، صهیونیسم و امریکا - مایل نیستند اسلام ناب چهره نشان دهد. آنها میخواهند اسلام را در دو شکل منحصر کنند:

دوگانه ی اسلام طالبانی و اسلام التقاطی؛ دو برداشت مورد حمایت دشمنان

یکی شکل متحجر، شبیه آنچه در اسلام طالبان دیده شد؛ سر تا پا تعصب خشک و بدون منطق و علم و معرفت، تا همه ی چشمها متفرد شود و صورتها از اسلام برگردد. یکی هم اسلامی که هویت خود را در مقابل غرب به طور کامل از دست بدهد؛ یعنی اسلام التقاطی؛ اسلامی که هرچه غریبها میگویند، از آنها

(1). در اجتماع مردم مشهد در صحن حرم مقدس امام رضا (علیه السلام).

بپذیرد و فرهنگ غرب را در پوشش اسلام ترویج کند و خودش هیچ حرفی برای گفتن نداشته باشد.

توس دشمنان از مطرح شدن اسلام زندگی ساز

امروز دشمنان اسلام میخواهند اسلام به یکی از این دو صورت جلوه کند؛ اما حاضر نیستند اسلامی که به طور جدی وارد صحنه میشود و برای امت اسلامی عزت و عظمت و اقتدار و عدالت و مردم سالاری و پیشرفت علمی میخواهد - یعنی اسلام زندگی ساز - مطرح شود.

دشمن شناسی؛ مهمترین کار

دشمن را باید شناخت. دشمن شناسی یکی از مهم ترین کارهاست. امروز دشمن بزرگ دنیای اسلام، امریکا و صهیونیسم هستند؛ شیطانهای بزرگ اینها هستند. از همه ی شیطانها بدتر و نحس تر و خطرناک تر، امریکا و صهیونیسم اند، که امروز دستشان به طور کامل و واضح در دست هم است. هیچ وقت مثل امروز اینها با همدیگر رفیق و همراه نبوده اند! دشمن اصلی اینها هستند.

امریکا و صهیونیسم؛ بتهای بزرگی که باید شکست

بت بزرگی که باید شکست، اینها هستند. این دشمن را باید شناخت و به همه ی آحاد مردم و زیدگان و نخبگان جوامع اسلامی معرفی کرد. نباید در شناخت دشمن اشتباه کرد.

نتیجه ی اشتباه در دشمن شناسی؛ هدر دادن سالها از عمر دنیای اسلام

بعضی ها دشمن واقعی و اصلی را ندیده میگیرند و چیزهای فرعی را به عنوان دشمن به حساب می آورند. این خطای بزرگی است و ممکن است سالها عمر دنیای اسلام را هدر دهد. ما به فضل پروردگار، در شناخت دشمنان اشتباه نکردیم و اشتباه نخواهیم کرد. با ما انواع و اقسام دشمنی ها میشود؛ ولی ما هرگز این دشمنی ها را به جای دشمنی اصلی و بزرگ عوضی نمیگیریم. (1)

1385/1/6

امریکا و صهیونیستها؛ دشمن درجه ی اول ملت ایران

امروز دشمن ملت ایران در درجه ی اول، امریکا و صهیونیستها هستند؛ البته انگلیس هم آتش بیار معرکه است. در مقابل منافع ملت ایران، آنها قرار دارند؛ اما اسمش را میگذارند اجماع جهانی؛ اجماع جهانی یی وجود ندارد! اجماع جهانی، علیه استکبار امریکاست، علیه دخالتها و اشغال امریکاست، علیه جنگ افروزی ها و فتنه انگیزی های امریکا در سرتاسر دنیا است؛ این اجماع جهانی است. «مرگ بر امریکا» این است

(1). در دیدار شرکت کنندگان در همایش جهان اسلام.

که ملت ایران و شما جوانان در این راه، محکم بایستید و پیش بروید. خوشبختانه مسئولین کشور، همه با گام محکم به پیش میروند و در این راه استقامت می ورزند.

شایعه پراکنی شبکه های تبلیغاتی؛ یکی از روشهای دشمنی صهیونیسم

حالا- امروز قضیه ی فناوری هسته یی مطرح است و تبلیغات دشمن و جنگ روانی شبکه های تبلیغاتی صهیونیستی در دنیا شایعه میپراکنند که: ایران دارد بمب اتم درست میکند، ایران حاضر نیست با کشورهای اروپایی و غیراروپایی مذاکره کند. خُب، اینها حرفهایی است که میزنند؛ کاری است که میتوانند بکنند و میکنند؛ و دشمنی یی است که میتوانند به خرج دهند و به خرج میدهند. اما حقیقت قضیه غیر از اینهاست؛ ما هم میدانیم، آنها هم میدانند. حقیقت قضیه این است که با پیشرفت ملت ایران مخالف اند؛ چون این پیشرفت جلوی منافع نامشروع آنها را برای همیشه در این کشور خواهد گرفت؛ لذا مخالف اند. من در مشهد گفتم؛ حرف دل امریکایی ها این است که ما در این مملکت، یک روزی بر همه چیز این کشور مسلط بودیم، انقلاب شما مردم آمده، دست ما را کوتاه کرده؛ بگذارید دوباره مسلط شویم؛ این حرف دل امریکاییهاست. (1)

1385/6/27

حمله به عراق؛ پروژه یی امریکایی - صهیونیستی

چند سال قبل یکی از رؤسای اروپایی آمده بود تهران و در ملاقات با من، با یک تعبیری، اشاره یی کرد به جنگ مسیحی و مسلمان. من در مخاطبه ی با او اظهار تعجب کردم و گفتم مگر بناست جنگی بین مسلمانان و مسیحی ها بشود! گفتم مسلمانها انگیزه ی جنگیدن با مسیحیان را ندارند. در این صدسال اخیر هم - شاید هم بیشتر - هر چه جنگ در دنیا - جنگهای بزرگ - اتفاق افتاده است، جنگ بین خود مسیحیها بوده است؛ جنگ اول جهانی، جنگ دوم جهانی، جنگهای فرانسه و آلمان؛ اسم آوردم و به او گفتم که این جنگها بین دولتهای مسیحی بوده و بین مسیحیان و مسلمانان نبوده است. آن وقت، تعجب کردم از اینکه چرا این

(1). در دیدار عمومی بسیجیان.

ص: 41

حرف را مطرح کرد. بعد از چندی این ماجرای برجهای نیویورک (1) اتفاق افتاد و اظهار نظر رئیس جمهور امریکا که: جنگ صلیبی شروع شده است! این شخصی که مورد بحث ماست - که با من صحبت میکرد - یکی از کسان اصلی یی بود که پس از بیانات جورج بوش در پروژه ی امریکایی - صهیونیستی حمله به عراق، دخالت مستقیم داشت. من آنجا توجه کردم که این حرفی که با من در اینجا مطرح شده بود، مسبوق به يك مذاکره، به يك گفتگو، به يك قرار در بین سران استکبار جهانی بوده است؛ آن کسانی که حلقه ی توطئه ی امریکایی - صهیونیستی را در مورد خاورمیانه تشکیل داده بودند، که قدم اولشان هم حمله به عراق بود. آنجا معنای آن حرف برای من آشکار شد؛ جنگ صلیبی! جنگ مسلمانان و مسیحیان! البته موفق نشدند.

امریکا و صهیونیستها در تدارك جنگ صلیبی

از آن روز تا امروز تلاشهای زیادی کردند. ماجرای کاریکاتورهای اهانت آمیز در همین سلسله است. ماجرای اظهارات اهانت آمیز بعضی از سیاستمداران و مطبوعاتی ها نسبت به اسلام و مسلمین در امریکا و اروپا از همین مقوله است. این هم آخرین حلقه ی این سلسله است تا امروز، که متأسفانه این دفعه از زبان پاپ، از زبان يك روحانی مسیحی، صادر میشود. از بوش، ما خلاف توقعمان نمیشود؛ چون بوش همین است. رئیس جمهور امریکا یعنی عنصری که برای قدرتها، کارتل ها و تراست های غارتگر جهانی کار میکند و به وسیله ی آنها انتخاب شده است و دستش در کارهای آنهاست. انسان از او تعجب نمیکند؛ اما از يك مقام روحانی خیلی تعجب آور است؛ خیلی مایه ی تأسف است که يك مقام روحانی ارشد در عالم مسیحیت، وسیله یی بشود برای آن چیزی که سیاست عمده ی مستکبران و قدرتمندان و تجار زر و زور در سطح دنیاست! وسیله یی بشود برای سیاست عمده ی به غارت بردگان ثروتهای ملی و بحران سازها و برای آن چیزی که هدف آنهاست. مسلمانها باید به این توجه کنند.

(1). اشاره ی رهبری معظم به توطئه ی از پیش طراحی شده ی بیستم شهریور 1380 یا همان یازدهم سپتامبر است، که مقدمه یی برای حمله و تجاوز جبهه ی طاغوت و استکبار به سرکردگی امریکا به کشورهای اسلامی - همچون عراق و افغانستان - شد.

آن کسانی که در قبال این اظهار نظر غیر منصفانه موضع میگیرند، توجه کنند که جهت حمله و حرکت آنها چه کسی باید باشد. آن کسی که این حرکت را در دنیا راه می اندازد و انگیزه دارد و منتفع و ذی نفع در این حرکت هست، پاپ و امثال پاپ نیستند؛ آنها قدرتهای جهانی و صهیونیستها و امریکا هستند. در این قضیه هم شیطان بزرگ است که در پشت پرده نقش آفرینی میکند. (1)

1385/8/17

صهیونیسم جهانی و استکبار امریکایی؛ دشمنان صف بسته ی در مقابل ملت ایران

ما در سطح بین المللی دشمنانی داریم؛ در این شکی نیست. چرا دشمن اند؟ چه کسانی هستند؟ اینها حرفهای توضیح داده شده است و همه میدانیم دشمنها چه کسی هستند؟ همان کسانی که مایلند ملتها در پنجه ی اقتدار آنها زندگی کنند؛ نفتشان مال آنها باشد، مسشان مال آنها باشد، اورانیومشان مال آنها باشد، نیروی انسانی شان مال آنها باشد و بازارشان در اختیار آنها باشد. قدرتهایی در دنیا هستند که نسبت به هر کشوری يك چنین طمع و امیدی دارند؛ اینها وقتی می بینند ملتی خودش پنجه بر روی موجودی خود می اندازد و سرنوشت خود را خود به دست میگیرد، بدیهی است که تحمّلشان دشوار میشود و میشوند دشمن؛ پس علت دشمنی آنها معلوم است و اینکه چه کسانی هم هستند، معلوم است. از اول انقلاب، دشمنان صف بسته ی در مقابل انقلاب اسلامی و ملت ایران، صهیونیسم جهانی و استکبار امریکایی بوده اند و هر کسی که دور و بر اینها میچرخیده و برای آنها کار میکرده است. (2)

1386/1/1

دشمن بیرونی این هدف ما، عبارت است از نظام سلطه ی بین المللی؛ یعنی همان چیزی که به او میگوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه گران و سلطه پذیران تقسیم میکند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه گران از منافع خود دفاع کند، سلطه گران

(1). در دیدار دست اندرکاران ستاد اقامه ی نماز.

(2). در دیدار مردم استان سمنان.

مظهر دشمن بیرونی؛ شبکه ی صهیونیسیم جهانی و دولت امریکا

با آن ملت دشمنی میکنند؛ روی او فشار می آورند و سعی میکنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن يك ملتی است که میخواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی، عبارت است از شبکه ی صهیونیسیم جهانی و دولت کنونی ایالات متّحده ی امریکا.

ناکامی دشمن در تضعیف ملت ایران

البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر می کند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته اند، فشار وارد آورده اند، اما عبث؛ فشارهای آنها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادی شان، نه تهدید نظامی شان، نه فشار سیاسی شان، نه جنگ روانی شان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قوی تر هستیم؛ این نشان دهنده ی این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست. (1)

1386/5/6

شبکه ی صهیونیستی، رژیم صهیونیستی و رژیم منفور امریکا؛ دشمنان اصلی ملت ایران

دشمنان اصلی ملت ایران - شبکه ی صهیونیستی و رژیم صهیونیستی و رژیم امریکا، بخصوص این مجموعه یی که امروز در امریکا بر سر کار هستند، دشمنان اصلی ملت ایران و راه ملت ایران هستند - روز به روز در دنیا بدنام تر و از عواطف ملت های مسلمان منزوی تر شده اند؛ بلکه حتی در بین ملت های غیر مسلمان هم منزوی ترند. (2)

1386/10/19

مرحوم شهید مطهری سالها قبل از انقلاب در این حسینیه ی ارشاد فریاد میکشید که: واللّه - قریب به این مضمون - بدانید شمر، امروز - اسم نخست وزیر آن روز اسرائیل (صهیونیست) را می آورد - اوست. واقع قضیه هم همین است. ما شمر را لعنت میکنیم، برای اینکه

(1). در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی.

(2). در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد مسعود علی بن ابیطالب (علیهما السلام).

ص: 44

ریشه‌ی شمر شدن و شمیری عمل کردن را در دنیا بکنیم؛ ما یزید و عبیدالله را لعنت میکنیم، برای اینکه با حاکمیت طاغوت، حاکمیت یزیدی، حاکمیت عیش و نوش، حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم. حسین بن علی (علیه السلام) قیامش برای این بود که بینی حاکمیت‌های علیه ارزشهای اسلامی و انسانی و الهی را به خاک بمالد و نابود کند؛ و همین کار را هم امام حسین (علیه السلام) با قیام خود کرد.

مجالس ما؛ مجالس حسینی، یعنی مجالس ضدّ ظلم، مجالس ضدّ سلطه، مجالس ضدّ شمرها و یزیدها و ابن‌یزیدهای زمان موجود، زمان حاضر، معنایش این است. این استمرار ماجرای امام حسین (علیه السلام) است.

و امروز دنیا پر از ظلم و جور است. شما ببینید چه میکنند؛ در فلسطین چه میکنند، در عراق چه میکنند، در کشورهای گوناگون چه میکنند، با ملت‌های دنیا چه میکنند، با فقرا چه میکنند، با ثروتهای ملی کشورها چه میکنند. ابعاد عظیم حرکت حسین بن علی (علیه السلام) شامل همه‌ی این میدان وسیع میشود. امام حسین (علیه السلام) نه فقط برای شیعه، نه فقط برای مسلمانها، بلکه برای احرار عالم درس دارد. (1)

1386/12/22

راز دشمنی گردانندگان رژیم امریکا و رژیم صهیونیستی با اسلام

اسم حقوق بشر را می‌آورند، اسم دموکراسی را می‌آورند، اسم انرژی هسته‌یی را در یک برهه می‌آورند؛ اینها را بهانه‌ی دشمنی قرار میدهند، لکن واقع قضیه چیز دیگری است؛ واقع قضیه این است که اینها میدانند اسلام میتواند امت اسلامی را به یک قدرت عظیم تبدیل کند. با این مخالف اند. میدانند که نام پیغمبر، یاد پیغمبر، زندگی پیغمبر، سیره‌ی پیغمبر و تعالیم پیغمبر میتواند امت اسلامی را از رخوت خارج کند، به او نشاط بدهد، او را در صحنه‌ی بین‌المللی تبدیل به یک عنصر اثرگذار و متنفذ کند، عزت به او ببخشد؛ این را نمیخواهند؛ با این دشمنی میکنند و مخالف اند؛ والا کیست که نداند امریکایی‌ها اولین دشمن حقوق بشرند. منظورم از امریکایی‌ها، مردم امریکا نیستند؛ سیاستمداران، سردمداران، متنفذین، گردانندگان رژیم امریکا و

(1). در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم.

رژیم صهیونیستی، که اولین دشمنان بشریت اند. ببینید چه میکنند در غزه! ببینید چه میکنند در منطقه ی فلسطین! ببینید با ملت‌های مسلمان چگونه رفتار میکنند. (1)

1387/1/1

امریکا و صهیونیستها؛ هم دشمن شیعه و هم دشمن سنتی

امریکا و صهیونیستها و مستکبران عالم، نه به شیعه علاقه مندند و نه به اهل سنت؛ با هر دو دشمن اند؛ آنجایی که مسلمان - با نام خدا و با ایمان اسلامی - در مقابل زورگویی آنها می ایستد، دشمنی میکنند. شما ببینید در لبنان با حزب الله شیعه همان قدر دشمن اند که در فلسطین با حماس و جهاد سنتی؛ در ایران زمان طاغوت با دستگاه سلطنت وابسته ی مزدور فاسد پهلوی - که اسماً شیعه بود - همان قدر همراه بودند که با اشباه و نظایر او در کشورهایی که اسمشان سنتی بود! آنها با اسلامی که در مقابل زور بایستد، در مقابل استکبار بایستد، در مقابل غارت منابع طبیعی ملت‌ها بایستد و حق خود را مطالبه کند، مخالف اند؛ برای آنها شیعه و سنتی معنا ندارد؛ منتها برای اینکه امت اسلام قدرت نگیرد و نتواند حرف قاطعی بزند، سیاستشان این است که در بین برادران مسلمان، در بین شیعه و سنتی، در بین فرقه های خود شیعه و در بین فرقه های خود اهل تسنن اختلاف بیندازند. کار آنها اختلاف افکنی است؛ این را باید ما و نخبگان ما و مردم ما بفهمند.

ما افتخار میکنیم که پیرو مکتب اهل بیت (علیهم السلام) هستیم، شیعه هستیم، پیرو امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و خلافت بلافصل او هستیم؛ به این افتخار میکنیم، اما جای اثبات این مطلب، کوچه و خیابان نیست؛ جای اثبات این گونه مطالب در میان اهل فن، در میان متخصصین و در میان نخبگان است. تازه بحث در این گونه موارد باید بحث کلامی و بحث منطقی باشد؛ بدگویی و عیب جویی و فحاشی و شمشیر بر روی هم کشیدن، کمک کردن به دشمنان اسلام است، که هم دشمن شیعه و هم دشمن سنتی هستند. ما این را به عنوان پرچم وحدت اسلامی در انقلاب اسلامی بلند کردیم. ملت ایران این را میخواهد، این را میگوید. (2)

(1). در دیدار افشار مختلف مردم.

(2). در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی.

ص: 46

مظهر استکبار جهانی؛ امریکا و صهیونیسم

معنای استکبارستیزی، دشمنی کردن با دولتهای دنیا نیست؛ معنایش دشمنی کردن با استکبار است. استکبار - از هر دولتی و از هر نظامی سر بزند - آفت برای بشریت است. البته امروز امریکا و صهیونیسم مظهر استکبارند؛ لیکن هر جا، هر کس، هر دولتی و هر مجموعه‌ی بی که نسبت به دیگران استکبار بورزند، آفتی در جامعه‌ی بشری و در نظام زندگی انسان به وجود می‌آورند. ستیزه‌ی با این حالت هم یک حالت مطلوب اسلامی است. این هم یکی از خصوصیات این مجموعه است که خوشبختانه برجسته است. (1)

1387/6/29

مردم اسرائیل؛ سیاهی لشکر صهیونیسم

یک نفر پیدا میشود درباره‌ی مردمی که در اسرائیل زندگی میکنند، اظهار نظری میکند. البته این اظهار نظر، اظهار نظر غلطی است. اینی که گفته شود ما با مردم اسرائیل هم مثل مردم دیگر دنیا دوستیم! این حرف درستی نیست؛ حرف غیرمنطقی بی است. مگر مردم اسرائیل کی هایند؟ همان کسانی هستند که غصب خانه، غصب سرزمین، غصب مزرعه، غصب تجارت به وسیله‌ی همینها دارد انجام میگیرد. سیاهی لشکر عناصر صهیونیسم، همینها هستند. نمیشود ملت مسلمان نسبت به افرادی که این جور عامل دست دشمنان اساسی دنیای اسلام هستند، بی تفاوت باشد. نه، ما با یهودیها هیچ مشکلی نداریم، با مسیحیها هیچ مشکلی نداریم، با اصحاب ادیان در دنیا هیچ مشکلی نداریم؛ اما با غاصبان سرزمین فلسطین چرا؛ مشکل داریم. غاصب هم فقط رژیم صهیونیستی نیست. این موضع نظام است، این موضع انقلاب است، موضع مردم است. حالا کسی حرف اشتباهی میزند، عکس العمل‌هایی هم در مقابل آن نشان داده میشود. خوب، مسئله را باید تمام کرد. (2)

(1). در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت.

(2). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، هجدهم رمضان 1429.

این نکته را هم عرض کنیم: علت دشمنی عمیق و آشتی ناپذیر استکبار و در رأس آنها امریکا و شبکه ی صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرفهایی که گاهی گوشه و کنار گفته میشود - چه چیزهایی که آنها شعارش را میدهند، چه تصوّراتی که بعضی در داخل میکنند - نیست. مسئله این است که جمهوری اسلامی يك «نفی» با خود دارد، يك «اثبات».

دلایل سلبی دشمنی استکبار با جمهوری اسلامی

نفی استعمار، نفی سلطه پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله ی قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی، اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی میکند.

دلایل ایجابی دشمنی استکبار با جمهوری اسلامی

يك چیزهایی را هم اثبات میکند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قلّه های دانش؛ نه فقط دنباله روی در مسئله ی دانش، و فتح قلّه های دانش؛ اینها جزو چیزهایی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری میکند.

این نفی و این اثبات؛ اینها دلیل دشمنی امریکا و دشمنی شبکه ی صهیونیستی دنیاست. اگر نفوذ امریکا را قبول کنیم، دشمنیها کم خواهد شد؛ اگر راضی شویم که ملت ما به وسیله ی بیگانگان به طرق مختلف تحقیر شود، دفاع از هویت ملی یا دفاع از ارزشهای اسلامی را کنار بگذاریم، مطمئناً دشمنیها به همین نسبت کم خواهد شد. اینکه میگویند جمهوری اسلامی رفتار خود را عوض کند، یعنی این. شنیده اید گاهی مسئولین سیاسی کشورهای مستکبر از قبیل امریکا، درباره ی ایران که صحبت میکنند، میگویند: ما نمیگوییم جمهوری اسلامی از بین برود؛ میگوییم جمهوری اسلامی رفتارش را عوض کند. رفتارش را عوض کند، یعنی این؛ یعنی از این نفی و از این اثبات دست بردارد. این را میخواهند.

*

اقتدار همه جانبه ی کشور؛ مانع توطئه های استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی

سیاستهای استکبار، سیاستهای امریکا، سیاستهای شبکه ی صهیونیستی عالم که آماج اولش برای دشمنی، به دلایل روشن، جمهوری اسلامی است، نمیتواند جمهوری اسلامی را از پا دریاورند. نه فقط نمیتوانند

از پا دریاورند، نمیتوانند کند کنند. ما میتوانیم با سرعت حرکت خودمان را پیش ببریم. البته منتظر توطئه ی دشمن هستیم. این توطئه ها ادامه پیدا خواهد کرد، تا يك مقطعی؛ آن مقطع عبارت است از اقتدار همه جانبه ی کشور که این، کار شما دانشجویها، کار شما نسل جوان است. آن وقتی که توانستید کشور را به اقتدار علمی و به اقتدار اقتصادی برسانید، و آن وقتی که توانستید عزت علمی را برای کشور فراهم کنید، آن روز البته توطئه ها کم خواهد شد؛ مأیوس خواهند شد. تا وقتی به آن نقطه نرسیده ایم، منتظر توطئه ها باید بود و آماده ی مقابله ی با این توطئه ها باید بود. (1)

1388/2/23

شما اگر در خیابان به یکی يك تلنگر بزنید، حداکثر این است که خشمگینانه نگاهی به شما بکند؛ رد میشود می رود. اگر يك مشت بزنید، برمیگردد دو تا به شما حرف درشت میزند. اما اگر يك ضربه ی کاری بزنید، یقه ی شما را میگیرد و رهایتان نمیکند. اینکه می بینید یقه ی جمهوری اسلامی و نظام اسلامی را میگیرند و رها نمیکنند، نشانه ی این است که ضربه ای که جمهوری اسلامی بر پیکر استکبار وارد کرده است، خیلی عمیق بوده.

سرمایه داران صهیونیسم؛ مهم ترین تصمیم گیران نظام استکبار

دشمن ما فلان گروهک منزوی با چهار تا آدم کوچک یا بزرگ نیست. دشمن ما فلان دولت منطقه یی عاجز و ناتوان نیست که در ملت خودش هم پایگاهی ندارد. دشمن ما دستگاه عظیم استکبار است که مهمترین تصمیم گیرهایش سرمایه داران صهیونیست و کمپانی دارها و تراست دارها و کارتل دارهای گردن کلفت دنیایند. این، در مقابل نظام اسلامی ایستاده است و البته از همه ی شیوه ها هم استفاده میکند. ضربه به او خورده است که این جور می بینید از همه ی امکانات استفاده میکند، از همه ی وسایل استفاده میکند. حالا از ایجاد واگرایی نسبت به عقاید اسلامی، سوق دادن جوان به مواد مخدر، به فساد، به استفاده ی از غفلت بعضی از دستگاه ها، جوانها را آسیب پذیر کردن؛

(1) 1. در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت.

ص: 49

تا اختلافات مذهبی، تا اختلاف شیعه و سنی، تا فلان گروهک؛ و اگر دستش برسد، در متن مسئولین بالا و نیمه بالای جمهوری اسلامی هم نفوذ بکند، این کار را هم میکند. همه ی تلاش را دارند میکنند. با همه ی این تلاشها مؤمنین ایستاده اند: «كالجبل الراسخ لا تحركه العواصف» (1).

این تندبادهای نمیتواند جمهوری اسلامی را تکان بدهد. (2)

1388/6/4

تبیین عناصر دستگاه استکبار

دستگاه استکبار فقط ایالات متحده ی امریکا نیست، یا فلان رئیس جمهور و فلان دولت امریکا یا فلان کشور اروپایی نیست؛ دستگاه استکبار يك شبکه ی عظیم تری است که شامل اینهاست؛ شبکه ی صهیونیستی هست، شبکه ی تجار اساسی بین المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست؛ اینها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی میکنند؛ دولتها را اینها می آورند، اینها میبرند. (3)

1388/7/15

استکبار جهانی و صهیونیستها؛ دشمنان خونی اسلام و جمهوری اسلامی

امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قلّه ی اسلام طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته اند؛ استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیست در قلب آن صفوف است. اینها به طور صریح، دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامی اند. این شد يك معیار. اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار بشویم، بدانیم که داریم راه غلط میرویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین میکند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن؛ از پیشرفت ملت ایران خشمگین میشود، از موفقیتهای شما خشمگین میشود، از استحکام نظام اسلامی خشمگین میشود. شما ببینید از

(1). صحیفه ی سجادیه، دعای پنجم.

(2). در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان.

(3). در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی.

ص: 50

كدام يك از كارهاى ما، دشمن خشمگين ميشود؛ آن چيزى كه دشمن را خشمگين ميكند، اين همان خطّ درست است. آن چيزى كه دشمن را مشعوف ميكند، ذوق زده ميكند، سعى ميكند بر روى او هى تكيه كند؛ در تبليغات، در سياست ورزى، اين آن خطّ كج است؛ اين همان زاويه دارى است. اين معيارها را در نظر داشته باشيد. اين معيارها حقايق را روشن خواهد كرد. (1)

1388/11/6

امريكا، رژيم صهيونيستى و صهيونيستهاى دنيا؛ دشمن ترين دشمنان ملت ايران

كى با اين مردم در طول اين سى سال دشمن بوده است؟ در درجه ي اول، امريكا و صهيونيسم. از اينها دشمن تر ما سراغ داريم براى جمهورى اسلامى؟ از روز اول، دولت امريكا و رژيم صهيونيستى و صهيونيستهاى دنيا در مقابل نظام جمهورى اسلامى ايستادند. امروز هم حقا و انصافاً دشمن ترين دشمنان، اينها هستند. بنده كه نگاه ميكنم، مى بينم بعضى از دولتهاى غربى گاهى يك حرفهاى بى ربطى معنايى ميزند؛ اما محرّك، صهيونيستهايند؛ عامل، همان طبقه ي مسلّطى هستند كه بر حكومت امريكا و دولت امريكا و انتخابات امريكا هم مسلّطند؛ اينهايند كه دارند صحنه گردانى ميكند. خوب، پس اينها شدند دشمن ترين دشمنان ملت ايران. (2)

1388/11/30

اين مجموعه ي خليج فارس ميتواند با يك سياست خردمندانه و عاقلانه ي جمعى و به سود همه ي كشورهاى حاشيه ي خليج فارس، بخوبى اداره شود. عنصرى كه اين حركت درست را، اين حركت معقول را تهديد ميكند، حضور بيگانه و به طور ويژه حضور امريكا در منطقه است. امنيت اين منطقه به وسيله ي امريكا مخدوش ميشود، نه به وسيله ي كشورهاى منطقه؛ آنها هستند كه بر اين منطقه و بر اين كشورها دارند ناامنى تحميل ميكند؛ اختلافات بين اين كشورها را

(1). در ديدار عمومى مردم چالوس و نوشهر.

(2). در ديدار مردم آمل، به مناسبت سالگرد ششم بهمن 1360.

ص: 51

آرزو میکنند. هرچه هم بتوانند، در این زمینه کار میکنند. البته گاهی شده حيله های آنها گرفته، ترفندهایشان گرفته؛ بسیاری از مواقع هم ناکام مانده اند، بعد از این هم إن شاءالله ناکام خواهند بود. اینها میخواهند چشم کشورهای منطقه ی خاورمیانه و خلیج فارس و این مراکز حسّاس را از دشمن اصلی و حقیقی منصرف کنند. دشمن حقیقی و اصلی این منطقه، صهیونیستها و رژیم ایالات متّحده ی امریکا است؛ آنها به دلیلی، و اینها به دلیل دیگری. میخواهند نظرها را غافل کنند، چشمها را از دشمن اصلی برگردانند؛ لذا یاوه گویی میکنند. (1)

1389/1/1

سرمایه دارهای صهیونیست؛ از جمله دشمنان نظام جمهوری اسلامی

نظام جمهوری اسلامی هم دشمن دارد. دشمن نظام جمهوری اسلامی کیست؟ دولتهای مستکبر، سرمایه دارهای صهیونیست، دشمنان بشر، دستگاه های جاسوسی غدار و سفاک؛ بنابراین دشمن هست؛ این دشمنان فعالیت میکنند، تلاش میکنند.

ملت و مسئولان کشور باید هوشیار باشند؛ محاسبه ی این دشمنیها را بکنند؛ در مقابله ی با این دشمنیها، با تدبیر و با شجاعت عمل کنند. هم تدبیر لازم است، هم شجاعت لازم است.

اگر شجاعت وجود نداشته باشد، در مقابل ابهت و هیبت و چهره ی عبوس دولتهای مستکبر، کسی دل خود را بیازد، قطعاً شکست خورده است. دولتهای مستکبر، یکی از کارهایشان همین تشر زدن است؛ چهره ی عبوس گرفتن است؛ حق را ناحق کردن است. در مقابل اینها اگر شجاعتی وجود نداشته باشد، مسئولان کشور اگر نتوانند در مقابله ی با این حرکتها نمایشی خصمانه و مستکبرانه روی پای خودشان بایستند، قطعاً کلاهشان پس معرکه است؛ هم خود شکست میخورند، هم ملت را به شکست میکشانند. بنابراین، شجاعت لازم است.

تدبیر هم لازم است. تدبیر یعنی آگاهی از آنچه که در برنامه ی دشمن است، و تصمیم درست و بجا در مقابله ی با آن. دشمن به شکلهای

(1). در دیدار فرماندهان نیروهای مسلح و دست اندرکاران ساخت ناوشکن جماران.

مختلفی ظاهر میشود. شما امروز ملاحظه کنید؛ در مقابل ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، صهیونیستها هستند، دولت امریکا قرار دارد؛ گاهی لباس گرگ میپوشند، گاهی لباس روباه میپوشند؛ گاهی چهره ی خشن و خصمانه ی خودشان را نشان میدهند، گاهی چهره ی فریگرانه نشان میدهند؛ باید متوجه بود. (1)

1390/11/14

تقابل دو قطب مستضعفین با مستکبرین به رهبری امریکا و صهیونیسم

إن ما كان عليه العالم من انقسام إلى قطبين متصارعين حول القوة والثروة وهما الرأسمالية و الشيوعية قد انتهى، و اليوم فإن الاستقطاب بين مستضعفی العالم بقيادة النهضة الإسلامية و بین المستکبرین بقيادة امریکا و التاتو و الصهیوتیة.

لقد برز إلى الساحة معسكران ولا معسكر ثالثاً لهما. (2)

(1). در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی.

(2). ترجمه از سایت www.khamenei.ir : دوقطبی سرمایه داری و کمونیسم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دوقطبی میان مستضعفان جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری امریکا و ناتو و صهیونیسم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سومی وجود ندارد. (در خطبه های نماز جمعه ی تهران).

ص: 53

1359/5/17

صهیونیسم؛ مسلکی فاشیستی و غیر مذهبی

ما صهیونیسم را به حساب یک مرام و یک مذهب نمیگذاریم، به حساب یهودیگری نمیگذاریم؛ بسیاری در دنیا یهودیان آزاده و پاکنهادی که از صهیونیسم بیزارند؛ این یک مسلک فاشیستی سیاسی متجاوز است که جز با ستم و ظلم و تصرف سرزمینهای متعلق به مسلمانان مستضعف و محروم، امکان ادامه ی حیات ندارد. (1)

1364/1/30

ترویج فساد و فحشا؛ برنامه ی صهیونیسم جهانی برای به سلطه کشیدن ملت‌ها

ترویج فساد و فحشا، برای آینده و سرنوشت هر ملتی و برای نظم اجتماعی هر ملتی یک خطر به حساب می آید؛ یک خطر جدی، منهای اینکه حکم دین چیست. یکی از راه هایی که صهیونیسم جهانی برای به سلطه کشیدن و به زنجیر کشیدن ملت‌ها به کار برده، همین است؛ ترویج فساد و فحشا، مخلوط کردن دخترها و پسرها، آزاد کردن روابط جنسی، مسخره کردن اخلاق جنسی نجیبانه؛ این یکی از چیزهایی است که استکبار جهانی در سطح دنیا از آن به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده میکند، برای از بین بردن و نابود کردن ملت‌ها. (2)

1364/6/15

تزریق فساد و تباهی در تمام ملت‌ها، از اصول اساسی صهیونیسم

مسئله ی اینها فقط در تشکیل کشور اسرائیل خلاصه نمیشود. وقتی انسان آن اصول اساسی و پروتکل‌های بنیانگذاران صهیونیسم را

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ملاحظه میکند، می بیند اینها بنا بر این دارند که فساد و تباهی و بد اخلاقی و جنگ و فتنه و ضعف نسلها و دوری از فرهنگ انسانی را در تمام ملتها تزریق کنند. هیچ جا از قلمرو این خبثات آنها مصون نیست. از همان اوایلی که رسانه های جمعی نقش اساسی خودشان را پیدا کردند و در دنیا ظاهر شدند، در امریکا سرمایه دارهای اینها مشغول فعالیت شدند و بیشترین روزنامه ها و دستگاه های رادیو و تلویزیون را تصرف کردند.

*

صهیونیسم؛ دشمن بشریت

از حدود صد سال قبل، يك هسته ی صهیونیستی در اروپا به وجود آمد که با انگیزه ی انتقام گیری از نوع بشر، شروع کردند به گسترش و رشد یافتن؛ اینها با يك ملت خاص دشمن نبودند، با بشریت دشمن بودند. علت هم این بود که در طول قرنهای متمادی، یهودی ها دائماً در معرض سرکوفت و تعقیب و تحقیر ملتها و دولتها قرار داشتند. (1)

1368/9/15

صهیونیستها و آموزش فساد از طریق رسانه ها

رادیو و تلویزیون، يك دستگاه سرگرم کننده نیست؛ يك دستگاه آموزنده است. امروز، دنیا با فکر و تدبیر از رادیو و تلویزیون برای آموزش - در همه ی شکل های آن - استفاده میکند. همین صهیونیستها، با پولهای گزاف و با میلیاردها دلار در سال، از طریق رادیو و تلویزیون به آموزش فساد میپردازند. (2)

1375/7/16

صهیونیسم؛ بالای بزرگ بشریت

امروز شما ملاحظه کنید، ببینید تبلیغات جهانی علیه جمهوری اسلامی، تا چه حدّ است. اگر چه از اوّل انقلاب تا به حال این گونه بوده است. چه وقت بوده که تبلیغات علیه ما نباشد؟! دستگاه های تبلیغاتی دنیا که عمدتاً هم وابسته به صهیونیستها هستند، چه ها که نمیکنند! لعنت خدا بر این صهیونیستها که حقّاً و انصافاً بالای بزرگی

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار افشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور.

ص: 55

برای بشریت اند؛ نه برای ما، زیرا تیغ آنها به فضل پروردگار به این ملت کارگر نیست؛ اما برای بشریت بلائی بزرگی هستند. این فسادها و انحطاطها و این لجنزارهایی که سر راه مردم درست شده است، غالباً کار صهیونیستهاست. این تبلیغات صهیونیستی و تبلیغات روزنامه‌یی و مطبوعات جهانی، يك لحظه این کشور و این ملت را رها نمیکنند. (1)

2/3/1376

سرگرم کردن جوانان به شهوت؛ توطئه‌ی بلندمدت صهیونیستی

در دورانی که توطئه‌های صهیونیستی بلندمدت، تصمیم گرفته بودند نسل جوان کشورها را به مسائل حقیر و به شهوات و آلودگی‌ها دچار کنند و سرگرم نگه دارند و متأسفانه در بسیاری از کشورها موفق هم شده‌اند، جوانان این ملت، این فرزندان مؤمن مخلص باصفا، این کسانی که استعدادهای گوناگون بشری در آنها به صورت جوشانی هم وجود دارد و این را در همه جا ثابت کرده‌اند و نشان داده‌اند، توانسته‌اند خود را از این توطئه‌ی بزرگ صهیونیستی تاریخ معاصر و پیش از دوران معاصر ما حفظ کنند و نگه دارند. این، يك پدیده‌ی بسیار شگفت آور و پرشکوه و افتخارآمیز است. (2)

1376/10/3

دولت غاصب صهیونیست؛ بخشی از مجموعه‌ی جهانی صهیونیستها

امروز اگر شما نگاه کنید، می‌بینید که همه‌ی دستگاه‌های تبلیغی دشمن، دست به دست هم داده‌اند و تبلیغات خود را بر روی چند نقطه متمرکز کرده‌اند. در رأس آنها هم تبلیغات صهیونیستهاست. صهیونیستها که عرض میکنیم، فقط مراد ما دولت صهیونیست غاصب نیست؛ او بخشی از مجموعه‌ی صهیونیستهاست؛ مجموعه‌ی صهیونیستهایی که سرمایه‌داران بزرگ کشورهایی از جمله امریکا را تشکیل میدهند و بر سیاست آن کشور مسلطند. امروز متأسفانه کشور امریکا، دولت امریکا، کنگره‌ی امریکا؛ در زمینه‌های گوناگون مالی، تبلیغاتی، فرهنگی و غیره، اسیر طلسم صهیونیست‌اند. تبلیغات

(1). در دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور.

(2). در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق القدس.

رسانه‌ی دنیا هم غالباً در اختیار اینهاست. این خبرگزاریهای معروفی که شما می‌بینید، عمده‌شان در اختیار همین مجموعه‌اند. بعضیها هم که متعلق به آنها نیستند، با آنها هم جهت‌اند. (1)

1378/12/16

صهیونیستها؛ تخریبگر دنیا و طبیعت

امروز دانش جدید در دنیا چه کار میکند؟ به جای **وَإِنَّ تَعْمَرَ كُمْ (2)**، «واستخر بکم فیها»؛ تخریب میکند! این همان حرفی است که حالا بیایند در کشور فلان و در شهر فلان، کنفرانس درست کنند، دور هم بنشینند و ریش بجنبانند که دریاها از بین رفت، جنگلها از بین رفت، صحراها از بین رفت! بله؛ خیلی از چیزهای دیگر هم از بین رفته است؛ منتها چون سوزشش هنوز جسم نسل فعلی را نمی‌آزرد، نمی‌فهمند! این از سرناهایی است که صدایش فردا به گوش خواهد رسید؛ ولی تخریب میکنند، نابود میکنند.

اسلام میخواهد جلوی این را بگیرد؛ اسلام هدایت میکند؛ میگوید باید آباد کنید. امروز دنیا به نفت، به دریا، به جنگل، به کوه، به مواد انسانی، به همه چیز - معدنی و غیره - به چشم چیز قابل تبدیل به پول نگاه میکند! دنیا که میگوییم، مراد، این ملتها و انبوه توده‌های مردم نیستند که اصلاً خبر هم ندارند در دنیا چه میگذرد! مراد، کسانی هستند که سیاستهای دنیا را تعیین میکنند، آنها را اجرا میکنند و پیش میبرند؛ که مظهرش هم دولت‌های بزرگند. البته مظهرش دولت‌های بزرگند، نه اینکه آن مرکز، عبارت از دولت‌های بزرگ است؛ نه. دولت‌های بزرگ، نمای خارجی آن مراکز قدرتمند. کمپانیها، سرمایه دارها، سرویسهای جاسوسی، سیاستمدارهای تشنه‌ی قدرت، بخصوص صهیونیستها؛ آنها جماعتی هستند که دنیا را به این شکل، ویران و تخریب میکنند! به جای عمران کردن، تخریب میکنند؛ به شکل چیزی که قابل تبدیل به پول است! وقتی که به دست دوم، سومها می‌رسد، دیگر بکلی همه چیز نابود میشود. (3)

(1). در دیدار علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان.

(2). سوره‌ی هود، آیه‌ی 61

(3). در دیدار فرماندهان ارشد سپاه پاسداران.

ص: 57

همت صهیونیستهای عالم برای فاسد کردن نسل جوان

این همه اراده ی جوان، شاداب و متکی به دل‌های نورانی و روشن، در هر مدّتی که وجود داشته باشد، ذخیره ی بسیار باارزشی است. کسانی که در سطح جهان و نه فقط جهان اسلام، بر فاسد کردن نسل جوان همت گماشته اند - یعنی صهیونیستهای عالم - میدانند که چه ذخیره ی ارزشمندی از بشریت را مورد تهاجم خودشان قرار داده اند. برای هر کشوری که نسل جوان آن مظهر شور و نشاط و صفا و پاکدلی است، دشمنان بشریت، این مرداب و باتلاق را به وجود آورند، يك بلیّه است که متأسفانه بسیاری از کشورها گرفتار آن هستند.

*

افکار عمومی در جهت میل صهیونیستها

بسیاری از مردم دنیا، انتخابهایشان در همه ی زمینه ها مانند جنس، سیاست، آدم و... بر اساس تبلیغات است. تبلیغات یعنی چه؟ تبلیغات، یعنی تبیین يك واقعیت؟! ابدأً ابدأً! تبلیغات یعنی ایجاد يك تصویر دروغین یا آمیخته ای از دروغ و راست، برای فروش يك جنس، رایج شدن يك سیاست و محبوب شدن يك شخصیت! امروز در دنیا تبلیغات این است و غریبها - بخصوص امریکاییها - راه کار را فهمیده اند. منظور، رژیم امریکا نیست؛ در امریکا صاحبان سرمایه و صنایع و گردانندگان سیاست و دیگران، راه این کار را فهمیده اند. فهمیده اند که باید در تبلیغات استاد شوند و کارشان را در دنیا این طور پیش می برند. يك حق را به آسانی، ناحق جلوه می دهند؛ يك دروغ را به آسانی، راست جلوه می دهند و يك حقیقت را به آسانی کتمان می کنند. افکار عمومی را طبق میل و اراده ی يك گروه خاص که همان صاحبان سرمایه ها و صنایع و تیولداران مالی صهیونیستها هستند، به این سمت و آن سمت میکشاند.

فکر میکنید در این شرایط چه لازم است؟ چشم نافذ و بصیرت، که انسان فریب نخورد. (1)

(1). در دیدار اعضای انجمنهای اسلامی دانش آموزان.

اشاعه ی فحشا؛ برنامه ی مراکز اقتصادی صهیونیستی

امروز سیاست مشترکی در همه ی دنیا، به وسیله ی مراکز معینی دنبال میشود. این سیاست عبارت است از اینکه جوانان را تا خرخره در شهوات و غرایز جنسی و فساد اخلاقی غرق کنند. این یک سیاست رایج در دنیا است و شامل شرق و غرب میشود؛ هر منطقه یی آن را با هدفی خاص دنبال میکند. مرکزی که این سیاستها را طراحی میکنند، وسایل و ابزار آن را هم به طور فراوان فراهم میکنند.

علل اشاعه ی فحشا توسط مراکز صهیونیستی

این مراکز، به طور عمده شامل مراکز اقتصادی صهیونیستی و قدرت طلبان بین المللی است، که چشم به سرچشمه های ثروت در کشورهایی دوخته اند که غالباً عقب افتاده و فقیر و ضعیف اند و منابع ثروت بسیاری دارند. برای به چنگ آوردن این منابع ثروت، مهمترین مانع، اراده ی ملت‌هایی است که این منابع متعلق به آنهاست. برای فلج کردن ملت‌ها، بهترین راه، فلج کردن جوانان است؛ چون جوانان نیروی فعال هر کشورند. برای فلج کردن جوانان، بهترین راه، آلوده و زمینگیر کردن آنها به وسیله ی سکس، فحشا، مستی و مواد مخدر است. در کشورهای غربی، این سیاست به این دلیل دنبال میشود که جوانان مزاحم صهیونیستها نشوند.

داستان تسلط شبکه ی بین المللی صهیونیسم بر مجلس، پارلمان، دولت، مسئولان و به طور عمده سیاستهای بسیاری از کشورها - بویژه کشورهای غربی - بسیار شگفت آور و عجیب است. اگر در کشوری، یک فرد با انگیزه های ضد صهیونیستی برای مسئولیتی سیاسی انتخاب شود، آن قدر شبکه های صهیونیستی به شکل‌های گوناگون بر او و افکار جامعه فشار می آورند که وی نمیتواند به مسئولیت خود ادامه دهد و مجبور به استعفا و کناره گیری میشود.

در امریکا فعال ترین شبکه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، شبکه های صهیونیستی اند. این خطر وجود دارد که جوانان این کشورها، علت این همه تسلط و فشار و نفوذ شبکه های صهیونیستی را جویا شوند و این خود مزاحمتی برای صهیونیستها فراهم می آورد. راه جلوگیری از مزاحمت جوانان، این است که آنها را سرگرم کنند. جوان در طول هفته به فکر شب یکشنبه و فرو نشاندن شعله ی شهوات جنسی و عیاشی و

لذتهای دیگر است. ماجرا در کشورهای عقب افتاده به مراتب دردناک تر است. (1)

1382/1/1

ایجاد نفرت نسبت به اسلام؛ توطئه ی تبلیغاتی صهیونیسم

در حال حاضر تمام دستگاه های تبلیغاتی وابسته به صهیونیسم با تهیه ی مطلب، فیلم و تولید وسایل و ابزارهای فرهنگی در همه ی دنیا، سعی دارند که اسلام را در چشم مردم دنیا مبعوض و مورد نفرت قرار دهند. هدف آنان این است که مردم دنیا از اسلام و مسلمانان تفر پیدا کنند. (2)

1383/7/14

حذف هویت دینی از انسانها؛ هدف صهیونیستها

وقتی يك قهرمان کشور ما جلوی چشم میلیونها و شاید صدها میلیون جمعیت دنیا، بعد از پیروزی خودش، خدا را شکر میکند و دستش را به آسمان بلند میکند یا سجده میکند، این را دست کم نگیرید؛ این پیام معنویت را در دنیا پخش میکند؛ دنیایی که با میلیاردها دلار سعی شده که معنویت در آن بی فروغ شود و چراغ معنویت آن خاموش شود. میدانید صهیونیستها در این صد سال اخیر و بخصوص در این ده ها سال اخیر، چه خرجی کرده اند تا انسانها را بدون هویت معنوی بار بیاورند و به بی بندوباری و بی اعتقادی و لاابالگیری در عقیده و ایمان دینی بکشانند؟ شما وقتی بعد از پیروزی روی تشک کشتی یا محلّ وزنه برداری یا در هر نقطه ی دیگری، دستتان را بلند میکنید، خدا را شکر میکنید، به سجده می افتید یا نام بزرگان دین را بر زبان می آورید، در واقع دارید همه ی سرمایه یی را که آنها خرج کرده اند، با يك حرکت ساده دور میکنید؛ خدای متعال به شماها کمک و الهام میکند که این کار را انجام بدهید. (3)

(1). در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان.

(2). در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدّس رضوی.

(3). در دیدار ورزشکاران شرکت کننده در المپیک و پارالمپیک.

ص: 60

اختلاف افکنی میان مسلمانان؛ برنامه ی صهیونیسم و استکبار

امروز، روز اتحاد و همدلی ملت‌ها و دولتهای اسلامی است. من از همین جا می‌خواهم به ملت خودمان و ملت عراق و ملت پاکستان و دیگر ملت‌های مسلمان هشدار بدهم؛ اختلافات مذهبی و اختلافات شیعه و سنی را مهار کنند. من امروز دست‌هایی را می‌بینم که با برنامه، به عنوان شیعه و سنی، میان مسلمانان جنگ ایجاد میکنند. کشتارهایی که اتفاق می‌افتد و انفجارهایی که در مساجد، حسینیه‌ها، نمازهای جماعت و نمازهای جمعه به وجود می‌آید، یقیناً دست خبیث صهیونیسم و استکبار در آنها وجود دارد؛ این کار خود مسلمانها نیست. هم در عراق، هم در ایران، هم در افغانستان، هم در پاکستان و هم در همه ی کشورهای دیگر، امروز مسلمانان وظیفه دارند به موارد اتحاد و وحدت خودشان پردازند. توحید، یکی؛ خدا، یکی؛ نبوت، یکی؛ معاد، یکی؛ قرآن، یکی؛ بیشترین احکام شریعت اسلامی، یکی؛ همه مشترک، اما دشمن می‌آید روی نقاط افتراق انگشت می‌گذارد و دلها را پُر از کینه ی به یکدیگر میکند؛ برای اینکه بتواند به هدفهای خود برسد. امام بزرگوار ما که این همه روی وحدت مسلمین تأکید میکرد، به خاطر این بود که این خطر را میدید و میشناخت.

دخالت صهیونیستها در همه ی حوادث گوشه و کنار دنیای اسلام

در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی، انگلیسیها و دستگاه جاسوسی انگلیس، میان شیعه و سنی اختلاف ایجاد کردند؛ آنها تجربه ی زیادی در این کار دارند؛ همه باید مراقب باشند. امروز ایادی صهیونیسم هم در این کارها دخالت میکنند. اطلاعات ما خبر از این میدهد که دستهای خبیث صهیونیستها و عوامل دشمنان اسلام، در همه ی حوادثی که انسان در گوشه و کنار دنیای اسلام می‌بیند، با واسطه یا بی واسطه دخالت دارند. (1)

(1). در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه الله).

اهانت به نبی مکرم اسلام (ص)؛ توطئه ی عمیق صهیونیستی

... مسئله ی مهم تر، مسئله ی رسواکننده ی تمدن غربی در زمینه ی آزادی بیان است. این حرکت زشت اهانت به نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)، از همه مهم تر است. این قضیه، لیبرال دمکراسی بی که غرب، پرچم آن را سر دست گرفته است و به آن افتخار میکنند، رسوا میکند. آزادی بیان - که آنها دم از آن میزنند - به آنها اجازه نمیدهد که در باب افسانه ی کشتار یهودیان - معروف به هولوکاست - کسی تردید نکند. در آن قضیه، جای آزادی بیان نیست! در کشورهای اروپایی، افراد زیادی - از دانشمند و محقق و مورخ و مطبوعاتی و غیره - از ترس جرأت نمیکنند تردیدی را که نسبت به این قضیه در دلشان هست، ابراز کنند. بعضی ها هم معتقدند قضیه از اصل دروغ است، اما جرأت نمیکنند بگویند؛ چون دیده اند هر کس بگوید، مجازات خواهد شد؛ زندان می اندازند، تعقیب میکنند، از حقوق محروم می کنند؛ اما اهانت به مقدسات يك میلیارد و نیم مسلمان - آن هم بی دلیل، بدون اینکه دعوی در بین باشد؛ بدون اینکه این طرف اهانتی به آنها کرده باشد - مجاز است و مشمول آزادی بیان!

مسئله بر سر آن مطبوعات یا کاریکاتورستی نیست که صهیونیستها پولی به او داده اند که کاریکاتوری بکشد - با اهداف پلیدی که صهیونیستها دارند - و او هم کشیده، بلکه مسئله بر سر زمامداران اروپایی است که از این کار دفاع میکنند و پشت سر این عمل پست و سخیف قرار میگیرند و به عنوان آزادی بیان، آن را مجاز می شمردند! من حدس میزنم که اصل قضیه، توطئه ی عمیق صهیونیستی است. مسئله، مسئله ی رودر رو قرار دادن مسلمانان و مسیحیان است؛ چون برای صهیونیستها این مسئله، بسیار حائز اهمیت و لازم است که جامعه ی عظیم اسلامی را در سرتاسر عالم در مقابل مسیحیها و مسیحیها را در مقابل مسلمانها قرار بدهند.

رودر رو قرار دادن مسلمانان و مسیحیان؛ توطئه ی عمیق صهیونیستی

آن روزی که رئیس جمهور امریکا از دهنش پرید - بعد از قضیه ی یازده سپتامبر - و گفت جنگ صلیبی شروع شده و بعد که فهمیدند اشتباه کرده اند و نباید میگفتند و بنا کردند به زُفو کردن، آن روز کسی به «نکته» ی قضیه توجه نکرد، که این «جنگ صلیبی» چیست. جنگ

صلیبی، جنگ ملت‌های مسیحی و ملت‌های مسلمان است. آنها می‌خواهند مقدمات آن را فراهم کنند، که ملت‌ها را به جان هم بیندازند. هم مسلمانان عالم، هم مسیحیان عالم، باید خیلی هوشیار باشند، تا بازیچه‌ی دست این سیاستمداران خبیث نشوند.

چند سال قبل، یکی از سران اروپا در ملاقات با من، صحبت از جنگ مسیحی و مسلمان کرد! من حسّاس شدم؛ با اینکه آن شخص، آدم چندان وزینی نبود و نیست، لیکن چون مرتبط و متّصل با امریکا و پیرو آن کشور بود، این حرف، من را حسّاس کرد؛ و امروز می‌بینم که دست‌های صهیونیستی در دنیای مسیحی و در اروپا، این کار را زمینه‌سازی میکنند. به چه دلیل باید اهانتی که در یک ماه و نیم یا دو ماه پیش در روزنامه‌ی و در یک کشوری درج شده، بعد از گذشت مدّتی، باز مجدداً همان اهانت در کشورهای اروپای مرکزی و اروپای غربی، پی در پی چاپ شود؟! انگیزه‌ی این کار چیست؟ چه دستی در کار است؟

عکس العمل مسلمانان علیه دست‌های پنهان صهیونیسم در قضیه‌ی اهانت به پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم)

ملت‌های مسلمان، بجا و بموقع عکس العمل نشان دادند و باید هم نشان بدهند. وجود مقدّس خاتم الانبیا (صلی الله علیه وآله وسلم)، کانون همه‌ی عشق‌ها و محبّت‌های دنیای اسلام است؛ محور و مرکز اتّحاد و اتّفاق و هماهنگی همه‌ی مذاهب اسلامی است و جا دارد که مسلمانها از خودشان، حمیّت و غیرت و عکس العمل نشان بدهند؛ اما همه بدانند که این تظاهرات، این خشم بجا و مقدّسی که مسلمانها دارند، علیه مسیحیان دنیا نیست، بلکه علیه دست‌های پنهان و خبیث صهیونیست‌هاست، که سیاستمداران دنیای سلطه را بازیچه‌ی خود دارند و مطبوعات و رسانه‌های فراوانی هم در اختیار آنهاست؛ همانهایی که امروز بر دولت کنونی امریکا بکلی حاکم اند و در اروپا هم فعالیت میکنند. آنها وقتی در فلسطین ضربه خوردند و پیروزی حماس بر آنها سخت‌ترین شوک را وارد کرد، می‌خواهند آن شکست را این طوری علیه مسلمانها جبران کنند، تا بلکه بتوانند آبروی ریخته‌ی در فلسطین را طور دیگری جبران کنند.

امریکاییها رسماً اعلان کردند که هر گروهی در فلسطین مقابل حماس قرار بگیرد، حاضرند به آنها پول بدهند؛ و دادند و امکان تبلیغاتی هم به آنها دادند؛ اما علی‌رغم آنها و به کوری چشم امریکا و

صهیونیستهای غاصب فلسطین، مبارزان حماس پیروز شدند. اگر امروز در هر جای دنیای اسلامی، یک انتخابات آزاد برگزار شود، همین قضیه اتفاق خواهد افتاد و گروه مخالف امریکا رأی خواهند آورد؛ چون دل و عواطف مردم و میل سیاسی آنها، امروز این است.

امروز امریکا یک چهره ی بشدت زشت و منفور است؛ و نفرت از امریکا مخصوص ملت ما نیست. امروز امریکا در دلها و در عواطف و در اراده ی مردم این منطقه صددرصد شکست خورده است؛ هر چند حالا هارت و هورتی بکنند، جنجالی راه بیندازند؛ اما وقتی پای عمل به میان بیاید و نوبت حضور ملتها برسد، آن وقت معلوم خواهد شد که امریکا در اینجا چه کاره است. اینها دچار تناقض هم هستند؛ از طرفی میگویند دموکراسی، از طرفی هر دموکراسی بی به وجود بیاید، به ضرر آنهاست؛ لذا با دموکراسی ها و با نتایج آن مخالفت میکنند و هر جا بتوانند، دست میبرند؛ هر جا هم نتوانند، از دور سمپاشی میکنند. (1)

1385/8/18

بعضیها در زمان جوانی ما - آن زمان که نهضت معماری غربی بر کشور ما تازه حاکم شده بود - میخواستند ساختمانهای قدیمی را خراب کنند و آنها را به ساختمانهای با سبک نو تبدیل کنند. همین ساختمانهای با پنجره و شیشه های بزرگ از آن زمان شروع شد. بیشتر اینها خانه ی محکم قدیمی را خراب میکردند، که من تعجب میکردم. در مشهد ما این طور بود. یک خانه ی محکم و خوب، اما قدیمی - اتفاقاً حالا معمارها، مهندسان، آرشیتکت ها و مطلعان ما میگویند برای کشور ما همان روش قدیمی درست است و این شیشه ها و پنجره های بزرگ و آفتابگیرهای آن چنانی، اروپایی است؛ چون آنها آفتاب را آرزو میبرند و نمی بینند، ولی کشور ما کشور پُرافتاب است؛ بخصوص بعضی از مناطقی؛ بنابراین چه لزومی دارد؛ همان پنجره های کوچک و درهای چوبی خوب بود - را خراب میکردند و از تیر آهن و سیمان

(1). در دیدار پرسنل نیروی هوایی.

ص: 64

و در آهنی و شیشه های بزرگ و... استفاده میکردند. اینها کار هجو و غلطی است؛ کار عاقلانه بی نیست. ما در تحولات بنیانی اساسی جامعه، ممکن است گاهی این طوری عمل کنیم؛ به جای اینکه بنیانها را حفظ کنیم و بر آنچه که نیاز داریم، پافشاری کنیم و آنچه را که نداریم، برای خودمان فراهم کنیم، هویت مستقل ملی خودمان را فراموش کنیم! که متأسفانه این مسئله در کشور ما و خیلی از کشورهای اسلامی، داستان و سرگذشت بسیار غمباری دارد، که حالا بعد ممکن است اشاره بی بکنم.

صهیونیستها؛ سررشته ی تحولات منفی جهانی

از این خطرناک تر، این است که سررشته ی همین تحولات منفی در سطح بین المللی، در دست کسانی باشد که آنها به وسیله ی این تحولات میخواهند اهداف خودشان را - که یا زر است یا زور - تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویت ملتها اصلاً ارزش ندارد؛ که متأسفانه این در صد سال، صدوپنجاه سال اخیر، در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی تحولات کشورهای آسیایی و آفریقایی و امریکای لاتین در دام طراحی باندهای قدرت بین المللی افتاده است و طراح اینها صهیونیستها و سرمایه داران بین المللی بوده اند. برای اینها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولتهای اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانیها، سرمایه های عظیم، کارتلها و تراستها را به وجود آورند. هدف این بوده است؛ آن وقت اگر اقتضا می کرده است که اخلاق جنسی ملتها را خراب کنند، راحت میکردند؛ مصرف گرایی را در بین آنها ترویج کنند، به راحتی این کار را انجام میدادند؛ بی اعتنایی به هویتهای ملی و مبانی فرهنگی را در آنها ترویج کنند، این کار را میکردند.

اینها، اهداف کلان آنها بوده است که تصویر میکردند. آن وقت همیشه لشکری هم از امکانات فرهنگی و رسانه بی و روزنامه های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت اینها بوده است، که اینها امروز یواش یواش دارد پخش میشود و من پیروز در روزنامه - البته سه، چهار ماه قبل از این، من مقاله اش را دیده بودم - گزارشی از تشکیل «ناتوی فرهنگی» را خواندم. یعنی در مقابل پیمان ناتو که امریکاییها

در اروپا به عنوان مقابله ی با شوروی سابق يك مجموعه ی مقتدر نظامی به وجود آوردند؛ اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه ی خاورمیانه و آسیا و غیره از آن استفاده میکردند، حالا يك ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده اند. این، بسیار چیز خطرناکی است. البته حالا- هم نیست؛ سالهاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه ی زنجیره ی به هم پیوسته ی رسانه های گوناگون - که حالا اینترنت هم داخلش شده است و ماهواره ها و تلویزیونها و رادیوها - در جهت مشخصی حرکت میکنند تا سررشته ی تحولات جوامع را به عهده بگیرند؛ حالا که دیگر خیلی هم آسان و روراست شده است. در گرجستان که يك تحوّل سیاسی اتفاق افتاد و جابه جایی قدرت انجام گرفت، يك سرمایه دار امریکایی و صهیونیست یهودی - البته اسمش معروف است، من نمیخواهم اسمش را بیاورم - اعلام کرد که من ده میلیون دلار در کشور گرجستان خرج کردم و تحوّل سیاسی ایجاد کردم؛ خیلی راحت. ده میلیون دلار خرج میکنند، يك حکومت را کنار میگذارند، يك حکومت دیگر را سر کار می آورند! اینها باید روی مردم اثر بگذارند؛ باید اجتماعات درست کنند. در اوکراین هم همین کار را کردند؛ در جاهای دیگر هم همین کار را کردند.

توطئه و نقش سرمایه داران صهیونیستی در ورشکستگی برخی کشورهای آسیای شرقی

گاهی اوقات تأثیراتشان به شکل دیگری است و تعیین کننده است؛ شاید این را در يك جمع دانشجویی دیگر گفته باشم که ماهاتیر محمّد، نخست وزیر سابق مالزی - که بسیار هم آدم پُرکار و دقیق و جدّی و پای بندی بود - به تهران آمد، به دیدن من هم آمد؛ همان اوقات بود که تحولات گوناگونی در آسیای شرقی اتفاق افتاده بود؛ در مالزی، اندونزی و تایلند، و زلزله ی اقتصادی به وجود آمده بود. همین سرمایه دار صهیونیستی و بعد سرمایه دارهای دیگر، با بازیهای بانکی و پولی، توانستند چند تا کشور را به ورشکستگی بکشانند. در آن وقت، ماهاتیر محمّد به من گفت: من فقط همین قدر به شما بگویم که ما يك شبه گدا شدیم!

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول؛ نهادهایی در خدمت صهیونیسم جهانی

البته وقتی کشوری وابستگی اقتصادی پیدا کرد و خواست نسخه های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را عمل بکند، همین طور هم خواهد شد. خود این بانک جهانی و صندوق بین المللی

هم یکی از بخشها و قطعه های این پازل بزرگند. این خیلی خطرناک است که سررشته ی تحولات جهانی دست باندهای قدرت بین المللی باشد؛ که امروز هست. اینها صهیونیستها و سرمایه دارهایند و عمدتاً هم در امریکا و در اروپا زندگی میکنند. (1)

1386/4/9

باز داشتن جوانان از نگاه جدی به زندگی؛ از سیاستهای رایج شبکه ی خطرناک صهیونیستی

امروز یکی از سیاستهای رایج و متداول در دست و بال شبکه ی خطرناک صهیونیستی دنیا و عوامل دولتی شان در کشورهای مختلف، این است که جوانان را، بخصوص در کشورهای اسلامی و بخصوص در کشورهایی که ممکن است در مقابل آنها به عنوان یک رقیب علمی یا رقیب سیاسی قد علم کنند و منافع آنها را به خطر بیندازند، از نگاه جدی به زندگی باز بدارند. آنها میخواهند این جوانان را ضایع کنند؛ آنها برای این کار برنامه ریزی کرده اند. مقابله ی با این برنامه ریزی، علاوه بر اینکه یک وظیفه است، یک حرکت شجاعانه ی سیاسی است؛ لذا بخشهای مربوط به امور دینی، وزارت ارشاد، کارهای علمی، بخشهای وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی و آموزش پزشکی، جزو بخشهای بسیار حساس در برنامه ریزی های کلان دولت محسوب میشوند و وظایف بزرگی را بر دوش دارند. همین مسئله ی امنیت اخلاقی که این روزها نیروی انتظامی و وزارت کشور دنبالش هستند، بسیار مسئله ی مهمی است. بله، جنجال میکنند - مثل همان قضیه ی بنزین و مثل خیلی از قضایای دیگر - ولی به این جنجالها نباید توجه بکنند؛ باید ببینند تکلیف چیست، آن را انجام بدهند. (2)

1386/4/13

الان مسئله ی همجنس گرایی در دنیای غرب یکی از ابتلائات است. البته به رونمی آورند؛ اما حقیقت قضیه این است که امروز برای اندیشمندان و آنها یکی از دردهای بزرگ و غیرقابل علاج شده است؛ چاره یی هم ندارند. آن طور حرکت کردن، آن طور ادبیات پرده درانه و

(1). در دیدار دانشجویان سمنان.

(2). در دیدار رئیس جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام.

ص: 67

عریان در زمینه‌ی مسائل جنسی و ارتباط زن و مردم را به میان آوردن، آن طور جنس زن را - یعنی همان بخش زیبا و لطیف و مستور و در پرده‌ی وجود بشر را - برای شغل، برای تبلیغات، برای کار، به میدان کشاندن؛ از لبخند او، از زیباییهای او، از جسم او، از چهره‌ی او برای ترویج فلان جنس بی ارزش و پست، برای به دست آوردن پول استفاده کردن، این چیزها را هم دنبال خودش دارد؛ طبیعی است. این کارها را دنیای غرب کرده، این کارها را سیاستهای غربی کرده اند؛ مربوط به ادیان هم نیست، مربوط به مسیحیت و یهودیت هم نیست؛ مربوط به سیاستهای جدیدی است که از حدود صد و پنجاه سال پیش - حالا دقیق نمیتوانم عرض کنم - در دنیا رایج شده.

منشأ صهیونیستی فساد در دنیای غرب

شما ادبیات کشورهای اروپایی را در قرون هجده و نوزده و نگاهشان به زن را ببینید؛ مطلقاً تفاوت دارد با آنچه که در قرن بیستم و در نوشته‌ها و ادبیات قرن بیستم، انسان می بیند نسبت به زن، آنها پیگیری کرده اند. آن روز نگاهشان، نگاه نجیبانه تر، شرم آلودتر و متناسب تر با طبیعت زن و مرد بود. معلوم میشود این کار سیاسی حالا از طرف صهیونیستها بوده، از طرف دستگاه های استعمارگر بوده؛ اینها احتیاج به تحقیق و کار دارد. این همین طور بتدریج روزه به روز شدت پیدا کرده، تا به وضعی که امروز ملاحظه میکنید، رسیده. بنابراین، دنیای غرب باید پاسخگو باشد؛ چون به زن ضربه زده اند؛ به حقوق زن تجاوز کرده اند؛ ارزش زن را تنزل داده اند؛ به اسم طرفداری، به او خیانت کرده اند. این مطلبی است که ما داریم. (1)

1386/5/6

شبکه‌ی مفسد صهیونیستی؛ مظهر فساد اخلاقی و تباه کردن نسلهای بشری

امروز امریکا - منظورم حکومت امریکاست - مظهر ظلم علیه بشریت است و به خود مردم امریکا هم امروز دارد ظلم میشود. نظام طاغوتی و شبکه‌ی مفسد صهیونیستی در دنیا، امروز مظهر فساد اخلاقی و تباه کردن نسلهای بشری است؛ ضلالت و گمراهی. (2)

(1). در دیدار گروه زیادی از زنان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (علیها السلام).

(2). در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد مسعود علی بن ابیطالب (علیهما السلام).

ص: 68

تحقیر شخصیت زن تحت تأثیر دستهای صهیونیستی در دنیای فاسد غرب

دنیای فاسد غرب خواستند بروز زن را، شخصیت زن را در روشهای غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به زور به ذهن دنیا فرو کنند: زن برای اینکه شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم نواز باشد. این شد شخصیت برای يك زن؟! بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه گری کند، تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ این غربِ مستِ دیوانه ی از همه جایی خبر، تحت تأثیر دستهای صهیونیستی، این را به عنوان تجلیل از زن علم کرد؛ يك عده هم باور کردند. عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای يك زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است. (1)

1389/4/2

خشم جامعه ی امریکا از حضور لابی صهیونیستی در مرکز تحرک صهیونیستها

امروز در جامعه ی امریکا، خشم عمیق از حضور قدرتمند لابی صهیونیستی بتدریج دارد توسعه پیدا میکند. این نارضایی در بین مردم امریکا - که مرکز تحرک صهیونیستها و قدرتمندان صهیونیستی و سرمایه داران صهیونیست است - بتدریج دارد به وجود می آید؛ البته رژیم حاکم در امریکا بر مردم بسیار سخت میگیرند - يك نوع خاص سخت گیری - و آن چنان اینها را مشغول زندگی و گرفتار زندگی میکنند که فرصت سر خاراندن ندارند؛ در عین حال این حالت دارد به وجود می آید. این اطلاعات موثق ماست. (2)

1389/6/22

اتاقهای فکر صهیونیستی؛ طراح اهانت به قرآن

مطالعه ی این روند شرارت که در این سالها با عملیات جنایتبار در افغانستان و عراق و فلسطین و لبنان و پاکستان همراه بود، تردیدی باقی نمیگذارد که طراح و اتاق فرمان آن در دستان سران نظام سلطه

(1). در دیدار گروه زیادی از پرستاران نمونه ی کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری (علیها السلام).

(2). در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه ها.

و اتاق فکرهای صهیونیستی است، که از بیشترین نفوذ بر دولت امریکا و سازمانهای امنیتی و نظامی آن و نیز بر دولت انگلیس و برخی دولت‌های اروپایی برخوردارند. اینها همان کسانی اند که پژوهشهای حقیقت یاب مستقل، روز به روز بیشتر انگشت اتهام در ماجرای حمله به برجها در 11 سپتامبر را به سوی آنان متوجه میکنند. آن ماجرا، بهانه‌ی حمله به افغانستان و عراق را به رئیس جمهور جنایتکار وقت امریکا داد و او اعلان جنگ صلیبی کرد و همان شخص، بنابر گزارشها، دیروز اعلام کرده است که این جنگ صلیبی با ورود کلیسا به صحنه، کامل شد.

هدف از اقدام نفرت انگیز اخیر، آن است که از سویی مقابله با اسلام و مسلمانان در جامعه‌ی مسیحی به سطوح همگانی مردم کشیده شود و با دخالت کلیسا و کشیش، رنگ مذهبی گرفته و پشتوانه‌ی بی از تعصبات و تعلقات دینی بیابد؛ و از سوی دیگر، ملت‌های مسلمان را که از این جسارت بزرگ به خشم آمده و جریحه دار میشوند، از مسائل و تحولات دنیای اسلام و خاورمیانه غافل سازد.

این اقدام کینه توزانه، نه آغاز یک جریان، بلکه یک مرحله از روند طولانی مدّت اسلام ستیزی به سرکردگی صهیونیسم و رژیم امریکا است. اینک همه‌ی سران استکبار و ائمه‌الکفر در برابر اسلام قرار گرفته اند. اسلام، دین آزادی و معنویت انسان، و قرآن، کتاب رحمت و حکمت و عدالت است؛ وظیفه‌ی همه‌ی آزادی خواهان جهان و همه‌ی ادیان ابراهیمی است که در کنار مسلمانان، با سیاست پلید اسلام ستیزی با این شیوه‌های نفرت بار مقابله کنند.

سران رژیم امریکا نمیتوانند با سخنان فریبنده و میان تهی، خود را از اتهام همراهی با این پدیده‌ی زشت تبرئه کنند. سالهاست که مقدّسات و همه‌ی حقوق و حرمت میلیون‌ها مسلمان مظلوم در افغانستان و پاکستان، در عراق و لبنان و فلسطین زیر پا گذاشته شده است. صدها هزار کشته، ده‌ها هزار زن و مرد اسیر و زیر شکنجه، هزاران کودک و زن ربوده شده و میلیون‌ها معلول و آواره و بی خانمان، قربانی چه چیزی شده اند؟ و با همه‌ی این مظلومیتهای، چرا در رسانه‌های جهانی غرب، مسلمانان را مظهر خشونت و قرآن و اسلام را خطری برای بشریت وانمود میکنند؟ چه کسی باور میکند که این توطئه‌ی گسترده،

گرفتاریهای متعدد اروپا و امریکا؛ ناشی از سلطه ی اختاپوسی صهیونیسم

در این میان، کشورهای غربی نیز شایسته است صحنه را با نگاهی واقع بینانه بنگرند. غرب، امروز بر سر دوراهی است؛ یا باید دست از زورگویی طولانی مدت خود بردارد و حق ملت فلسطین را بشناسد و بیش از این از نقشه ی صهیونیستهای زورگو و ضد بشر پیروی نکند، و یا در انتظار ضربه های سخت تر در آینده ی نه چندان دور باشد. این ضربه های فلج کننده فقط سقوط پی در پی حکومتهای گوش به فرمان آنان در منطقه ی اسلامی نیست، بلکه آن روزی که ملتهای اروپا و امریکا دریابند که بیشترین گرفتاریهای اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی آنان، منشأ گرفته از سلطه ی اختاپوسی صهیونیسم بین الملل بر دولتهای آنهاست، و دولتمردان آنان به خاطر منافع شخصی و حزبی خود، مطیع و تسلیم در برابر زورگوییهای کمپانی داران زالوصفت صهیونیست در امریکا و اروپا، آن چنان جهنمی برای آنان به وجود خواهند آورد که هیچ راه خلاصی از آن متصور نیست.

رئیس جمهور امریکا میگوید که امنیت اسرائیل خط قرمز اوست. این خط قرمز را چه عاملی ترسیم کرده است؟ منافع ملت امریکا، یا نیاز شخص او یا ما به پول و پشتیبانی کمپانیهای صهیونیستی برای به دست آوردن کرسی دومین دوره ی ریاست جمهوری؟ تا کی شماها خواهید توانست ملتهای خود را فریب دهید؟ آن روزی که ملت امریکا بدرستی دریابد که شماها برای چند صباح بیشتر باقی ماندن در قدرت، تن به ذلت و تبعیت و خاکساری در برابر زرسالاران صهیونیست داده اید و مصالح ملت بزرگی را در پای آنان قربانی کرده اید، با شما چه خواهند کرد؟ (2)

(1). پیام مهم ولی امر مسلمین جهان در پی اهانت نفرت انگیز به قرآن شریف در امریکا.

(2). در کنفرانس حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

حمایت يك درصد مردم آمریکا از غده ی سرطانی اسرائیل

مردم در این اجتماعات و تظاهرات چندین هزار نفری نیویورک، يك تابلوی بلند کردند که رویش نوشته بود: «ما 99 درصدیم». یعنی 99 درصد ملت آمریکا - اکثریت ملت آمریکا - محکوم يك درصدند. جنگ عراق و افغانستان را آن يك درصد راه می اندازد، اما کشته و غرامتش را آن 99 درصد میدهد. این آن چیزی است که مردم را بیدار کرده، وادار به اعتراض کرده. البته شیوه های تبلیغاتی و جنگ روانی مسئولان امریکایی و سازمان سیا و دیگران، شیوه های بسیار قهار و جباری است؛ ممکن است بر اینها فائق بیایند؛ اما بالاخره حقیقت قضیه روشن شد و بیشتر روشن خواهد شد. با این همه ادعا، رژیم سرمایه داری این است؛ لیبرال دموکراسی غرب این است.

حمایت از اسرائیل را همین يك درصد میکنند. مردم آمریکا انگیزه و علاقه یی به حمایت از اسرائیل ندارند، که پول بدهند، مالیات بدهند، خرج کنند، برای اینکه بتوانند غده ی سرطانی اسرائیل، دولت جعلی اسرائیل را در منطقه ای سر پا نگه دارند. (1)

1390/7/24

يك جمله هم اشاره بکنم به این سناریوی اخیر آمریکائی ها. این مسئله ی ترور و جنجال تبلیغاتی اخیر (2)، يك سناریو است. امریکاییها يك حرفی بزنند، از آن طرف هم آنهایی که در اروپا هستند، به کمکشان بیایند - مثل اینکه آن پاس بدهد، این بزند - يك بازی سیاسی را در دنیا راه بیندازند؛ عوامل گوناگون خودشان، از وابستگانشان در منطقه و خارج منطقه را هم به کار بگیرند و يك جنجال درست کنند؛ این يك سناریوی امریکایی است. البته ما با دقت رصد میکنیم. ما مراقبت میکنیم ببینیم پشت صحنه ی این سناریو چیست. و بدانند جمهوری اسلامی با هر توطئه یی، با هر حرکت

(1). در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه.

(2). آمریکا، ایران را متهم کرد که قصد داشته "عادل الجبیر" سفیر عربستان در آمریکا را ترور کند.

ص: 72

مخرب و مزاحمی، با همه ی توان مقابله خواهد کرد. قطعاً نیت شیطانی بی وجود دارد. ما این نیت را تا حدودی شناسایی کردیم؛ بیشتر هم شناسایی خواهیم کرد. ما نگاه میکنیم ببینیم اینها چه کار میخواهند بکنند.

البته یکی از هدفهای ابتدایی شان احتمالاً این است که مسائل امریکا را تحت الشعاع قرار بدهند. در هشتاد کشور، از این حرکت عظیمی که امروز به وجود آمده، مردم دارند دفاع میکنند؛ از این جنبش فتح «وال استریت» دارند حمایت میکنند؛ این چیز کوچکی نیست، خیلی چیز مهمی است. مطمئناً ملت‌های اروپا آن روزی که بفهمند مشکلاتشان ناشی از سلطه ی صهیونیسم است، این حرکتها تشدید هم خواهد شد.

حاکمیت سیاستهای شبکه ی خبیث صهیونیستی بر دولتهای اروپا و امریکا

امروز بسیاری از مشکلاتی که در کشورهای اروپایی - مثل انگلیس، مثل فرانسه، مثل آلمان، مثل ایتالیا - وجود دارد، ناشی از این است که سیاستهای شبکه ی خبیث صهیونیستی بر دولتهای این کشورها حاکم است. اینها از سرمایه داران و کمپانی داران صهیونیست که در دنیا زیادند، چشم میزنند و حساب میبرند. در امریکا هم همین جور است. تملق گویی به صهیونیستها، یک شیوه ی معمول در بین قدرتمندان امریکاست. در اروپا هم کم و بیش همین جور است. وقتی ملت‌ها - چه ملت امریکا، چه ملت‌های اروپا - بدانند که خیلی از این بدبختیها ناشی از سلطه ی شیطانی و اهریمنی این شبکه است، یقیناً انگیزه شان بیشتر خواهد شد، حرکتشان شدیدتر خواهد شد. (1)

1390/7/26

الگوسازی های رسانه های غربی؛ برگرفته از پروتکل‌های صهیونیستی

وقتی شما می بینید فرضاً يك موجود منحرف دوجنسی، بدون اینکه يك هنر فوق العاده برجسته بی داشته باشد، يکهو اول در تمام رسانه های امریکایی و بعد غربی، اسم و رسم پیدا میکند و مجلات معتبر و پرتیراژ غربی؛ عکسهای او را، زندگینامه ی او را، سنین مختلف او را، شکل‌های گوناگون زنانه و مردانه ی او را منعکس میکنند، این را نمیشود حمل بر يك امر تصادفی کرد؛ این، فکر شده است. اینها

(1). در دیدار دانشجویان کرمانشاه.

ص: 73

الگوسازی هایی است برای منحرف کردن نسلهای بشری. آماج حمله هم فقط ایران نیست. با مشاهده ی این چیزها، در ذهن انسان تأیید میشود آن چیزی که سالها قبل به عنوان پروتکل های صهیونیستی در دنیا منتشر شد و به زبانهای مختلف ترجمه شد؛ که یکی از مواد آن پروتکلها، این بود که باید نسلهای بشری از رویه ها و روشهای انسانی متعارف دور بشوند؛ دچار انحرافات اخلاقی بشوند.

حالا هدف چیست، جای بحث فراوانی دارد. یکی از اصول کارهای فراهم کنندگان این تفکر انحرافی و خطرناک صهیونیستی، همین بوده. انسان روزهای اول شاید باور نمیکرد، اما بتدریج انسان باور میکند. میخواهند الگوسازی کنند؛ حالا این نوع بدترش است، اما شکل های گوناگون دیگری هم دارد. (1)

1390/10/14

ضایع کردن شخصیت زن از مواد پروتکل های صهیونیستی

البته من امشب، از اولین سخنران که مطالبی را بیان کردند، تا آخر، این روح را دیدم؛ دیدم نگاه، نگاه انتقادی است به وضعی که در غرب در مورد زن و بخصوص در مورد خانواده وجود دارد. البته انتقادهایی که شما به غرب کردید، بیشتر در زمینه ی خانواده بود؛ اما عقیده ی من این است که بیشترین جریمه ی غرب در مسئله ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است؛ و این را با يك جمله و دو جمله نمیشود توصیف کرد.

بزرگ ترین ضربه و اهانت به کرامت زن را همین سیاست غربی دارد انجام میدهد. همین فمینیست های افراطی هم - که خب، لایه های متعددی دارند - من حیث لایشعر دارند به زن ضربه میزنند. حالا من حیث لایشعر که میگوییم، نگاه خوش بینانه است - یعنی اینهایی که دست اندرکارند، ظاهراً نمی فهمند چه کار دارند میکنند - احتمال دارد سیاست گذارانی، برنامه ریزانی در پشت صحنه هستند که آنها می فهمند دارند چه کار میکنند؛ کما اینکه این احتمال در همان پروتکل های صهیونیسم کاملاً پیش بینی شده؛ یعنی ضایع کردن جنس زن و او را

(1). در دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه.

ص: 74

مظهري برای استفاده ی شهوانی مرد قرار دادن، در مواد آن پروتکلها هست.

حالا ممکن است کسی در اعتبار و صحت سند آن پروتکل خدشه کند، لیکن وقتی آدم دستگاه صهیونیسم و شبکه ی تبلیغاتی صهیونیسم را ملاحظه میکند، می بیند عملاً همین کار را میکنند؛ حالا اگر هم برایشان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام میدهند؛ ملتزمند این کار را بکنند، و دارند میکنند. زن را ضایع میکنند؛ یعنی آن چنان رسم و عرف و عادت لایتخلف شده که کسانی جرأت نمیکند بر خلاف آن رفتار کنند. در يك مجلس رسمی، يك مرد باید با لباس رسمی بیاید؛ پاپیون بزند، یقه اش بسته باشد، آستینش هم تا سر میچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارك بپوشد، نه اجازه دارد تی شرت بپوشد؛ اما يك خانم در همان جلسه ی رسمی، حتماً بایستی بخشهای مهمی از بدنش عریان باشد؛ اگر پوشیده ی کامل بیاید، محلّ اشکال است؛ اگر بدون جدّابیتها بیاید، محلّ اشکال است؛ اگر آرایش نکرده بیاید، محلّ اشکال است! این شده عرف. افتخار هم میکنند. در غرب، بخصوص در امریکا و در شمال اروپا - کشورهای اسکاندیناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضه ی جنسی زن در مقابل مرد است؛ در روزنامه ها و مجلات هم تبلیغ میشود، هیچ کس هم اعتراض نمیکند! این شده عرف؛ این شده عادت.

چه ضربه یی برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنان خودشان را میگویم، و کشورهای که دنباله رو آنهايند، نه زنان ما را - یکی از بزرگ ترین ضربه هایی است که دارند میزنند. بنابراین، نباید در مقابل این فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیّه ی زن و خانواده، در يك گمراهی و ضلالت عمیقی به سر میرسد. فقط خانواده نیست؛ بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در يك گمراهی عجیبی است. (1)

(1). در سومین نشست اندیشه های راهبردی.

قیام کشورهای اسلامی علیه دیکتاتوریهای وابسته؛ مقدمه ی قیام علیه دیکتاتوری شبکه ی فاسد صهیونیستی

امروز در کشورهای اسلامی علیه دیکتاتوریهای وابسته قیام شده است؛ این مقدمه یی است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین المللی، که عبارت است از دیکتاتوری شبکه ی فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرتهای استکباری. امروز استبداد بین المللی و دیکتاتوری بین المللی متجسم است در دیکتاتوری امریکا و پیروان امریکا و شبکه ی شیطنی و خطرناک صهیونیستی.

امروز اینها با روشهای مختلف و با ابزارهای گوناگون در همه ی دنیا دارند دیکتاتوری میکنند. آنچه شما در مصر انجام دادید، در تونس انجام دادید، در لیبی انجام دادید، در یمن دارید انجام میدهید، در بحرین دارید انجام میدهید، در کشورهای دیگر انگیزه ی آن شدت به وجود آمده است، جزئی از مبارزه ی با این دیکتاتوری خطرناک و مضرّی است که دو قرن است دارد بشریت را فشار میدهد. این پیچ تاریخی یی که گفتم، عبارت است از تحوّل از سیطره ی چنین دیکتاتوری یی به آزادی ملتّها و حاکمیت ارزشهای معنوی و الهی؛ این پیش خواهد آمد؛ استبعاد نکنید.

این وعده ی الهی است که: **وَ لَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ. (1)**

خدای متعال تأکید میکند که اگر او را نصرت کردید، شما را نصرت خواهد کرد. ممکن است در نگاه عادی و مبتنی بر محاسبات مادی، بعید به نظر بیاید؛ اما خیلی از چیزها بعید به نظر می آمد و اتفاق افتاد. شما در يك سال و دو سه ماه قبل از این، آیا فکر میکردید که طاغوت مصر این جور ذلیل شود و از بین برود؟ اگر آن روز به کسانی گفته میشد که رژیم وابسته ی فاسد مبارك ساقط خواهد شد، بسیاری استبعاد میکردند؛ اما اتفاق افتاد. اگر کسی دو سال قبل از این ادعا میکرد که در شمال آفریقا این حوادث عجیب به وقوع خواهد پیوست، اکثر باور نمیکردند. اگر کسی میگفت که در کشوری مثل لبنان، يك گروه جوان مؤمن خواهند توانست رژیم صهیونیستی و

(1) سوره ی حج، آیه ی 40

ص: 76

ارتش مجهز صهیونیستی را شکست بدهند، کسی باور نمی‌کرد؛ اما اینها اتفاق افتاد. اگر کسی میگفت که نظام جمهوری اسلامی با این همه دشمنی که از شرق و غرب علیه او اعمال میشد، خواهد توانست سی و دو سال مقاومت کند و روزه روز قوی تر شود و جلوتر برود، کسی باور نمی‌کرد؛ اما اتفاق افتاد.

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا. (1)

این پیروزیها آیت الهی است؛ اینها نشانه هایی از قدرت فائقه ی حق است که خدای متعال دارد به ما نشان میدهد. آن وقتی که مردم به میدان بیایند، آن وقتی که ما موجودی خودمان را وارد میدان کنیم، نصرت الهی قطعی است. خدای متعال راه را هم به ما نشان میدهد:

وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا. (2)

خدا، هم هدایت میکند، هم کمک میکند، هم به اهداف عالی میرساند؛ شرطش این است که ما در میدان باشیم. (3)

1390/11/14

نهضت عظیم اجتماعی در اروپا به خاطر دخالت امریکا و دخالت شبکه ی صهیونیستی جهانی

اروپا دچار مشکلات لاینحل اقتصادی است. مردم در اروپا خشمگین اند، به مسائل اقتصادی معترضند. من قبلاً هم این را گفته ام؛ آن روزی که ملت‌های اروپا بدانند که این وضعیّت ضعفی که دچارش شده اند، به خاطر دخالت امریکا و دخالت شبکه ی صهیونیستی جهانی است، این اعتراض‌های به خاطر اهداف اقتصادی، تبدیل خواهد شد به يك نهضت عظیم اجتماعی؛ آن وقت است که دیگر باید منتظر دنیای جدیدی بود و دنیای جدیدی به وجود خواهد آمد. (4)

(1) سوره ی فتح، آیه ی 20

(2) سوره ی عنکبوت، آیه ی 69

(3) . در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی».

(4) . در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 77

1362/3/21

اکثر خبرگزاریهای بزرگ دنیا در قبضه ی صهیونیستها

امروز شما ببینید در دنیا قلم تبلیغات به دست کیست؟ این مقالات مجله ها و روزنامه های دنیا را چه کسانی مینویسند؟ یا این قلمها در اختیار قدرتمندان کشورهایی است که این مطبوعات از آنجا صادر میشود، یا در اختیار شبکه ی تبلیغات عظیم جهانی استکبار است که عمدتاً به وسیله ی صهیونیستها اداره میشود. امروز خبرگزاریهای عمده ی دنیا - این چهار پنج خبرگزاری معروف - در قبضه ی صهیونیستهاست. نوشته ها به وسیله ی نویسندگان همین خبرگزاریها تنظیم میشود، آرایش داده میشود، زرق و برق داده میشود و در روزنامه ها و مجلات نوشته میشود و در رادیوها و بوقهای بزرگ جهانی تکرار میشود. (1)

1363/10/22

لزوم تلاش دو برابر در قبال سیطره ی رسانه ی صهیونیسم

ما رادیوی آن چنان قوی بی نداریم، ما ایستگاه های پخش خبری در دنیا نداریم؛ از این جهت خیلی ضعیف هستیم؛ لذاست که بدون هیچ گونه حفاظ و مانعی، شبکه ی خبری صهیونیستی در سراسر جهان علیه ما دارد فعالیت میکند. ما باید به این مسئله توجه داشته باشیم. خب، این

(1). در دیدار اعضای ستاد برگزاری نماز جمعه ی تهران.

ص: 78

توجه باید در ما چه به وجود بیاورد؟ من به شما صریح بگویم: این توجه باید در ما يك تلاش دو برابر به وجود بیاورد. هرچه در بخشهای خبری تلاش میکنید، باید مضاعفش کنید. این تلاش دو برابر، به پول خرج کردن هم نیست. نباید گفته شود که اگر بودجه بدهند، اگر پول بدهند، چنین و چنان خواهیم کرد. در این خصوص، بیش از آنچه که به پول و به مجهز شدن به ادوات مدرن نیاز داشته باشیم، به تلاش دلسوزانه و حفظ حالت تهاجم و احساس اینکه دستگاه های خبری دنیا میخواهند انقلاب ما را در اذهان مردم جهان محکوم کنند و ما را دفن کنند، نیاز داریم؛ ما باید با این احساس به میدان بیاییم؛ یعنی تلاشی مضاعف. باید تحقیقاً دو برابر تلاش کرد، نه يك خرده بیشتر از تلاش معمولی. من می بینم گاهی اوقات ما از خبرهای دنیا عقبیم؛ یا دستگاه خبری ما، ما را بهنگام در جریان حوادث جهان قرار نمیدهد.

(1)

1363/10/24

شبکه های رادیو - تلویزیونی مهم آمریکا در دست یهودیهای صهیونیست

تمام شبکه های تلویزیونی مهم آمریکا و شبکه های رادیویی بسیار وسیع آمریکا دست یهودیهاست. این سلسله اعصاب خبری و تبلیغاتی به مغزی متصل میشود که آن مغز متعلق به صهیونیستها و یهودیهاست. معروف ترین روزنامه های آمریکا - همین نیویورک تایمز و واشنگتن پست و اینهایی که هست - مال یهودیهاست. خب، آن انقلابی که از اول بروزش، نه از اول پیروزی اش - از پانزده سال قبل از پیروزی، از اولی که این نهضت شروع شد - ضد صهیونیست بوده، شما میخواهید این شبکه های تبلیغاتی خبری با آن دلشان خوش باشد؟ دلشان صاف باشد؟ علاوه بر اینها، این خبرگزاریهای معروف دنیا - این چهار پنج تا خبرگزاری معروفی که در دنیا هست - یا همه اش یا ظاهراً به جز یکی اش، مال یهودیها و صهیونیستهاست. سی، چهل، پنجاه سال است که اینها رفتند در خط اینکه خبر را در دنیا بخرند. اینکه می بینید رادیوها و خبرگزاریهای بیگانه - رادیو فرانسه،

(1). در دیدار نمایندگان خبرگزاری جمهوری اسلامی در خارج از کشور.

ص: 79

ریشه‌ی معارضه‌ی شبکه‌ی تبلیغاتی و خبری صهیونیستی جهان علیه انقلاب اسلامی

رادیو امریکا، رادیوی بی. بی. سی، خبرگزاری آسوشیتدپرس، خبرگزاری یونایتدپرس، چه، چه - هرچه خبر میدهند، مرتب علیه انقلاب و علیه ایران است و جنگ را از زبان عراق نقل میکنند، اینها تصادفی نیست. تصادفی نیست که همه یکپاره علیه ایران مثلاً به طور اتفاق حرف زدند! نه، این برنامه ریزی شده است. اینها برنامه ریزی کردند، چون دست یهودیهاست، چون مال یهودیهاست؛ چون انقلاب ما انقلاب ضد صهیونیستی است، ضد نژادپرستی است، ضد غصب سرزمینهای اشغالی فلسطینی است. (1)

1364/3/3

سیطره و نفوذ صهیونیسم بر رسانه‌ها و دستگاه‌های تعلیم و تربیت امریکا

رسانه‌های جمعی، یعنی روزنامه‌ها، رادیوها، تلویزیونها و این وسایل گوناگون که در کشوری مثل امریکا خیلی هم زیاد است و چندین برابر کشور ماست، به وسیله‌ی مستی از همین سرمایه داران اداره میشود و دست صهیونیستها در بیشتر دستگاه‌های آموزش و پرورش عمومی و تعلیم و تربیت عام مردم دخالت دارد و آنها را میگرداند. (2)

1364/6/15

روزنامه‌ها و دستگاه‌های رادیو و تلویزیون در تصرف صهیونیستها

مسئله‌ی اینها فقط در تشکیل کشور اسرائیل خلاصه نمیشود. وقتی انسان آن اصول اساسی و پروتکل‌های بنیانگذاران صهیونیسم را ملاحظه میکند، می‌بیند اینها بنا بر این دارند که فساد و تباهی و بداخلاقی و جنگ و فتنه و ضعف نسلها و دوری از فرهنگ انسانی را در تمام ملت‌ها تزریق کنند. هیچ‌جا از قلمرو این خباثت آنها مصون نیست. از همان اوایلی که رسانه‌های جمعی نقش اساسی خودشان را پیدا کردند و در دنیا ظاهر شدند، در امریکا سرمایه دارهای اینها مشغول فعالیت شدند و بیشترین روزنامه‌ها و دستگاه‌های رادیو و تلویزیون را تصرف کردند. این روزنامه‌های معروفی که شما می‌شناسید و در امریکا منتشر میشود و در دنیا پخش میشود و در

(1). در دیدار گروهی از اعضای نهادها و ارگانهای بندر امام خمینی (رحمه الله).

(2). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

ص: 80

رادیوهای امریکایی مقالات آنها خوانده میشود و دائماً خط میدهند و میدانید هم که اینها با انقلاب ما چقدر دشمن اند، غالباً از این قبیل اند؛ از جمله روزنامه ی «نیویورک تایمز»، که چند تا مجله و رادیو و تلویزیون هم با خودش دارد و مال یهودیه است؛ از جمله روزنامه ی «واشنگتن پست»، که مجله ی معروف «نیوزویک» هم مربوط به همان است و چند مجله و رادیو و تلویزیون دیگر هم دارد؛ همچنین روزنامه ی «وال استریت ژورنال»، که روزنامه ی سرمایه دارها و بانکدارهای امریکایی است؛ این هم یکی از روزنامه های دشمن با انقلاب و جمهوری اسلامی است که زیر نفوذ یهودیه است.

*

سیطره ی شبکه ی صهیونیستی بر روزنامه های امریکایی

حالا شما ببینید این 62 میلیون شماره روزنامه در امریکا متعلق به کیست. از این مقدار، نیمی - پنجاه درصد - مستقیماً در اختیار شبکه ی صهیونیستهاست؛ سرمایه داران صهیونیستی، یهودیهای خونخوار زالووار که بیشترین مراکز قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی کشورهای استکباری را در دست دارند. اینها در آن پنجاه درصد دیگر هم به طور غیر مستقیم دخالت دارند و تأثیر میگذارند. (1)

1364/8/3

دستگاه های تبلیغاتی امریکا، در بست در اختیار صهیونیستها

روزنامه ها و رادیوها و تلویزیونها نقش فوق العاده مهمی را در حرکت جامعه، حتی در حرکت حکومتها ایفا میکنند. عرض کردم؛ آن روزی که روزنامه در کشورهای سرمایه داری غرب به وجود آمد، کمپانیهای بزرگ، ثروتمندان عمده و کسانی که به آینده به عنوان میدانی برای تلاش مادی خودشان نگاه میکردند، جلو افتادند و روزنامه ها را تأسیس کردند؛ و نتیجه این شد که امروز در کشور امریکا - که یکی از پر قدرت ترین دستگاه های تبلیغاتی دنیا را در اختیار دارد - نظام حکومتی در بست در اختیار سرمایه داران و کمپانیهای بزرگ و چپاولگر است، که بیشتر این دستگاه ها را هم صهیونیستها اداره میکنند. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 81

دروغگویی؛ ذات خبرگزاریهای صهیونیستی

مسلمانها از اطراف کشور انگلیس جمع شدند، يك تظاهرات عظیمی درست کردند، اما آرام. اینکه رسانه های انگلیس و دیگر رسانه های استکباری اعلام کردند که آنها آمدند کتابفروشی را بسوزانند، کتابفروشی را خراب کنند، دروغ اندر دروغ بود. ذات این خبرگزاریهای پلید صهیونیستی، دروغگویی است؛ اصلاً غیر از دروغ که نمیتوانند چیزی بگویند؛ ابزارشان برای تحمیق ملتها و تحریف حقایق، همین رسانه های گروهی است، که صاف صاف دروغ میگویند.

رسانه های گروهی؛ ابزار صهیونیستها برای تحمیق ملتها و تحریف حقایق

بنابراین، قضیه این نبود؛ قضیه این بود که بعد از ماجرای انتشار آن کتاب شیطنی و حکم امام امت، همه ی مسلمانها در همه جای دنیا احساس تکلیف کردند؛ در انگلیس که کانون این فساد بود، احساس تکلیف بیشتری کردند. (1)

1369/9/13

دستگاه تبلیغاتی صهیونیستها؛ زمینه ساز ایجاد دولت غاصب

یکی از چیزهایی که در روز اول، ایجاد دولت غاصب را زمینه سازی کرد و امروز هم ادامه ی آن دولت را زمینه سازی میکنند، تبلیغاتی است که دستگاه تبلیغاتی سراسری صهیونیستها و دوستانشان در همه جای دنیا به راه انداخته اند. برای افکار مردم دنیا، این طور وانمود کرده اند که صاحب خانه، آن کسانی هستند که بر آنجا حکومت میکنند و يك عده دور از فرهنگ هم برای آنها مزاحمت ایجاد میکنند! متأسفانه، این را در دنیا جا انداخته اند.

کوتاهی مسلمانان در تبیین حقایق مردم فلسطین

روی این قضیه، در افکار عمومی و در فرهنگ عام جهانی، کار تبلیغاتی کرده اند؛ ولی ما مسلمین غافل بوده ایم! ما مسلمین، به شیوه های تبلیغاتی دشمن وقوف پیدا نکرده ایم. از بهترین شیوه ها، برای بیان حقایق مردم فلسطین استفاده نکرده ایم. (2)

1370/12/7

صهیونیستها که امروز تقریباً بیشترین رسانه ها و عمده ترین خبرگزاریهای دنیا در دست آنهاست و شبکه های تلویزیونی بزرگی را

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار شرکت کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین.

در امریکا و اروپا اداره میکنند، اینها اهداف مورد نظر خودشان را طرّاحی و طبقه بندی میکنند و برنامه هایی که زیر نظر آنهاست، دقیقاً طبق آن اهداف شکل میگیرد؛ کارشناسهای خبری هم استخدام میکنند، برای اینکه بتوانند آن اهداف را درست اداره کنند. انسان، کاری را که میخواهد بکند، همیشه نمیتواند آن را انجام بدهد؛ یا مطلبی را که در ذهنش هست، همیشه نمیتواند آن را به بهترین وجهی ادا کند؛ این يك کار تخصصی است؛ لذا اینها متخصصان را دعوت و استخدام میکنند که آن اهداف را تأمین نمایند. (1)

1372/3/26

عمده ی تبلیغات دشمن در دست صهیونیستها

تبلیغات دشمن و عمده ی این تبلیغات، دست صهیونیستهاست. خبرگزاریهای معروفی که در دنیا وجود دارند، اغلبشان متعلق به صهیونیستها هستند. بعضی از رادیوهای معروف دنیا هم، متعلق به آنهاست. صهیونیستها هم در این منطقه، مثل سگ زنجیری استکبار عمل میکنند. پارس کردن و پاچه گرفتن و به این و آن پریدن، شأن صهیونیستهاست. از آنها، غیر از این هم انتظاری نیست و البته، کسی هم اهمیتی به آنها نمیدهد. اما اگر کسی به وضع تبلیغات اینها در برهه های مختلف نگاه کند، چیزهای شگفت آوری را احساس میکند. (2)

1372/11/29

تلاش رسانه یی جبهه ی استکبار و صهیونیسم

دشمنان وقتی هم شروع میکنند، همه با هم شروع میکنند؛ چون طرف، يك جبهه است؛ از جمله، همین خبرگزاریهای صهیونیستی و استکباری؛ همین چهار، پنج خبرگزاری معروف که همه ی آنتنهای دنیا، خبرها، تحلیلها و گزارشها را از آنها میگیرند؛ و همین چند رادیویی که سالهاست میلیونها دلار خرج میکنند، برای اینکه بتوانند مثلاً صدایشان را به گوش چند نفری در ایران برسانند. مینویسند؛ مترجمها و گوینده ها استخدام میکنند؛ خرج فنی و خرج تبلیغاتی

(1). در دیدار مدیران مراکز سازمان صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران در استانها.

(2). در جمع علما، طلاب و روحانیان، در آستانه ی ماه محرم.

میکنند؛ خرج مطلب نویسی میکنند؛ سیاست گذاری میکنند و پولها میدهند تا این صدا را به ایران برسانند؛ شاید چند نفری بالاخره در گوشه و کنار، گوش کنند و تحت تأثیر آن حرفها قرار گیرند. (1)

1373/2/24

انفعال رسانه های داخلی در برابر خبرگزاریهای صهیونیستی

یکی از دلایل کم کاری مطبوعات این است که فعّالان در این عرصه به کسب و تولید خبرهای راست و درست نمیپردازند و صرفاً به انتقال خبرهای خبرگزاریها بسنده میکنند؛ یعنی منعکس کننده ی خبرهایی هستند که به وسیله ی خبرگزاریها در سطح جهان منتشر میشود و آن خبرها هم، نه خبر که در واقع تحلیل است. یکی از کارهایی که امروز خبرگزاریهای وابسته به بنگاه های صهیونیستی و استکباری انجام میدهند، این است که تحلیلها و دیدگاه های خودشان را در قالب خبر منعکس میکنند و روی آنتهای دنیا میفرستند. آن وقت، روزنامه یا مجله ی ما، عین همان خبر را که در واقع تحلیل و دیدگاه استکباری است، انعکاس میدهد. این یعنی آلت دست شدن برای کسی که در فلان خبرگزاری نشسته و از روی حساب، خبرها را ساخته و پرداخته است. توقّع از مطبوعات این است که خبر درست و خبر عمیق از طرف آنها فهمیده و شناخته شود و لب و جوهر صحیح خبر از تحلیلی که به وجود آورنده ی آن خبر است، جدا گردد. متأسفانه در مطبوعات ما این هم دیده نمیشود. (2)

1373/4/29

سانسور پیام حجّ امام در روزنامه های امریکایی

میخواهم به مطلبی اشاره کنم که قبلاً آن را گفته ام: يك وقت در زمان امام «رضوان الله تعالی علیه»، کسانِ ایشان درصدد برآمدند تا پیام حجّ امام را، که تازه صادر شده بود، در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار دولت امریکا چاپ کنند. ما هم که در جریان بودیم، تأیید کردیم و گفتیم: «این کار بشود.» آنها پیام را به دفاتر روزنامه های معروف امریکا بردند و گفتند:

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار اعضای جامعه ی مطبوعاتی کشور.

ص: 84

«هرچه پول بخواهید، می‌دهیم، تا این پیام چاپ شود.» همان طور که میدانید، این روزنامه‌ها، همه نوع مطلب، حتی نظرات مخالفان سیاسی و عقیدتی خود را چاپ میکنند. آنها نوکر پول و دلارند. از هر جا پول حاصل شد، حرفی ندارند. اما اینجا، شوخی بردار نیست. آیا کشورهای بزرگ حاضرند بخشی از برنامه‌های تلویزیونی خود را در اختیار افکار انقلاب اسلامی بگذارند؟ به هیچ قیمتی حاضر نیستند! چرا؟ چون میدانند که وقتی این افکار عرضه شود و به دل‌های مردم برسد، آنها را معتقد میکند. عامه‌ی مردم که غرضی ندارند. مردم امریکا چه غرضی با ما دارند؟! مردم اروپا چه دشمنی‌یی با ما دارند؟! اگر کسی حرف حسابی بگوید، می‌شنوند.

بنابراین، میدانند که اگر افکار انقلاب اسلامی در رسانه‌های گروهی غرب منعکس شود، حداقل در تبلیغات گران‌خرجی که امروز دولتهای غربی و دستگاه‌های صهیونیستی متحمل میشوند، اختلال ایجاد میکند. آنها مبالغ زیادی خرج میکنند تا اسلام، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را بد جلوه دهند. اگر فکر ما منتشر شود، همه‌ی اینها را عوض خواهد کرد. ما، چنین فکر و منطق و بیانی داریم! ما در سازمان ملل، در کنفرانسهای بین‌المللی و در سایر مجامع جهانی، حرفمان را می‌زنیم؛ چه آن زمان که بنده برحسب مسئولیت به آن مجامع میرفتم و چه امروز که بحمدالله رئیس‌جمهور فاضل و گرانمایه‌ی ما شرکت میکنند، از بیان حرف خود، کوتاه نیامده ایم و نمی‌آیم. همه‌ی کسانی هم که حرفمان را می‌شنوند، در دلشان تصدیق میکنند و حتی بسیاری این تصدیق را بر زبان می‌آورند. (1)

1373/5/3

امروز در بعضی از کشورهای دنیا، سیاستهای فرادولتی وجود دارد. مثلاً دولتها برای روابط بین‌المللی خود سیاستهایی اتخاذ میکنند، اما در کشورهایی که همان دولتها حاکم‌اند، سیاستهایی وجود دارد که حاکم

(1). در دیدار جمعی از پرسنل نیروی انتظامی، کارکنان سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بهزیستی و اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها.

ص: 85

صهیونیستها؛ تصمیم گیرندگان سیاستهای فرادولتی و فراكشوری

بر سیاستهای آن دولتهاست. به این سیاستها، «سیاستهای فرادولتی» میگویند که غالباً هم مشترکند. در امریکا، تصمیم گیرندگان این سیاستها، کسان مشخصی هستند و گاه، این آقایی که به عنوان رئیس جمهوری بر سر کار است، اصلاً روحش هم خبر ندارد چه میکنند! اگر رئیس جمهور، آدم باهوشی باشد، از کارشان سر در می آورد؛ اما آدمهای گیج - مثل این آقا که فعلاً سر کار است - شاید ملتفت هم نیستند که آنها چه کار میکنند! پس، خبرگزاریها را چنان افرادی میچرخانند. لذا شما می بینید که خبرگزاریهای عمده ی دنیا، در دست صهیونیستها و سرمایه داران عمده است. خبرگزاریهای معمولی اساسی خبرسازِ خبر پراکنِ درجه يك دنیا، در دست چند واحدِ محدود است. سیاستهای فرادولتی و فراكشوری، اینهاست.

«فرادولتی» که میگوییم، یعنی دولتها گاهی اصلاً خبر ندارند و شأن سیاستهای فرادولتی، بالاتر از شأن يك دولت است. فکر میکنید در فلان کشور سرمایه داری غربی که این همه مغزهای اقتصادی و سیاسی حضور دارند، يك نخست وزیر کیست و چه شأنی دارد؟ بین همه ی آنها، او هم يك آدم است. مثلاً در کشور انگلیس، نخست وزیر آن کشور نفر چندم است؟ آیا نفر اول است؟ نفر دهم است؟ نفر صدم است؟ یقیناً کمتر از اینهاست. «فراكشوری» یعنی کسانی که فلان خبرگزاری را میچرخانند، مال يك کشور نیستند. آنها در آن بالاها، دستهایشان در دستهای هم است.

مبارزه ی دائمی خبری بین جمهوری اسلامی و خبرگزاریهای جبهه ی استکبار

با این حساب، می بینید که مبارزه ی خبری چگونه جریان دارد. در این مبارزه، آنها در يك طرف قرار دارند و جمهوری اسلامی، با اصول و ارزشها و مبارزه یی که از آن انفکاک ناپذیر است، در طرف دیگر ایستاده است. این را هم به شما عرض میکنم که خیال نکنید روزی خواهد رسید که این مبارزه وجود نخواهد داشت؛ نه. این مبارزه، همیشه هم تلخ و همراه با ناکامی و دچار شکست نیست؛ همان طور که تمام شدنی هم نیست و همیشه هست. اگر من و شما هم به این مبارزه تن در ندهیم، باز هم وجود خواهد داشت. البته در مبارزه ها، يك عدّه همیشه خسته میشوند؛ يك عدّه متفرّق میشوند و يك عدّه

میریزند. در این شکی نیست. اما جریان هست. این جریان باید بشریت را نجات دهد. دست من و شما هم که دست تقدیر، مسئول این کار قرارمان داده است، نیست. (1)

1373/6/8

صهیونیستها؛ خبیث ترین دست اندرکاران تبلیغات جهانی

ما وقتی در تبلیغات جهانی کنکاش میکنیم؛ به رادیوهای دنیا گوش می سپاریم، نوشته های تبلیغی دشمنان را میخوانیم و خبردار میشویم که چه مطالبی را چه کسانی گفته اند؛ به این نتیجه میرسیم که ریشه ی این تبلیغات و القانات، اغلب به صهیونیستها میرسد. امروز خبیث ترین دست اندرکاران تبلیغات در همه ی دنیا صهیونیستهایند. در این موارد، فقط رادیوی فلان دولت بدلی دروغی مؤثر نیست؛ بلکه فعالیت های خبرگزاریهای صهیونیستی که اخبارشان را روی آنتنهای عالم میفرستند، بسیار مؤثر است. (2)

1374/3/17

امپراتوری خبری صهیونیسم علیه جمهوری اسلامی

شما طی شبانه روز، هرگاه رادیوها را باز کنید، می شنوید که هر بار در گوشه یی از دنیا و به شکلی، به جمهوری اسلامی دشنام میدهند. هر روزنامه ی وابسته به دستگاه استکباری و امپراتوری خبری صهیونیستی را بنگرید، مطالبی علیه جمهوری اسلامی در آن هست. خوب، باشد؛ اهمیتی ندارد. این ملت، شانزده سال در این فضا پیش رفته و پیوسته نشان داده است که استحکام و استقامتش به پیروی از امام بزرگوارش «رضوان الله تعالی علیه» - که خود، مظهر این استقامت و ایستادگی بود و این مردم، این درس را خیلی خوب از او یاد گرفته اند - روز به روز بیشتر میشود. (3)

(1). در دیدار مدیرعامل، مسئولان، سردبیران و سرپرستان دفاتر خارجی خبرگزاری جمهوری اسلامی.

(2). در دیدار هیئت دولت به مناسبت هفته ی دولت.

(3). در جمع میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (رحمه الله).

ص: 87

جمهوری اسلامی، دشمنان زیادی دارد، تبلیغات زیادی علیه آن انجام میگیرد و شاید امروز در دنیا کمتر کشوری باشد و شاید هیچ کشوری نباشد که به این اندازه مورد تهاجم سازمان یافته ی صهیونیستها و مستکبران و رسانه های متکی به پول و سیاست و خواست این مجموعه ها باشد. سازماندهی میکنند، فکرهای پیچیده در این زمینه به مرحله ی عمل در می آورند و دو هدف را دنبال میکنند:

هدف رسانه های صهیونیستی؛ تأثیر گذاری بر افکار عمومی علیه جمهوری اسلامی

یکی، تأثیرگذاری بر افکار عمومی ملت ایران است و دیگری، تأثیرگذاری بر افکار عمومی مردم جهان. امروز، خبرگزاریهایی که علیه جمهوری اسلامی، خبرهای جعلی و دروغ پخش میکنند، هدفشان فقط افکار عمومی جهانی است؛ بدین وسیله میخواهند ملتها و برخی دولتها و دستگاه های سیاسی را نیز به دلایلی که روشن است، تحت تأثیر قرار دهند. انقلاب اسلامی ایران، به مقتضای همان که یک پیام نوین بود، کم و بیش بازتاب وسیعی در میان نه فقط ملتهای مسلمان، بلکه همه ی ملتها پیدا کرد. نمیتوانند از تأثیرگذاری درخشندگی هایی که یک نظام مردمی و متکی به ارزشهای معنوی و پاک و پیراسته از فسادهای رایج دستگاه های سیاسی در طول هفده سال داشته، جلوگیری کنند؛ مگر با تبلیغات سازمان یافته و منظم.

البته در این زمینه سخنان زیادی وجود دارد که قابل مطرح شدن و فکرکردن و تحقیق کردن است. با توجه به این خلاصه، میشود نقش مهم صدا و سیما را در جمهوری اسلامی دانست. (1)

1375/10/28

رسانه های صهیونیستی؛ مظهر جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی

امروز جنگ روانی یی علیه جمهوری اسلامی مشاهده میشود، که مظهرش هم همین رسانه های صهیونیستی اند. این خبرگزاریها و این تلویزیونها، غالباً دست صهیونیستهاست و من چون نمیخواهم از خبرگزاری خاصی اسم بیاورم، نام آنها را مطرح نمیکنم؛ والا میگفتم که کدام خبرگزاری دست صهیونیستها و سرمایه داران یهودی

(1). در مسجد بلال سازمان صدا و سیما.

ص: 88

بین‌المللی است. اغلب این سروصداها و جنجالها، کار این صهیونیست‌هایی است که حتی در سیاست‌های هیئت حاکمه‌ی دولت امریکا نیز چنگ انداخته‌اند. البته خود امریکاییها هم انگیزه دارند.

صهیونیست‌ها از صد یا صدوپنجاه سال پیش فهمیدند که باید دنبال پول درآوردن بروند و اگر بخواهند از این ذلتی که در کشورهای اروپایی دارند، بیرون بیایند، باید خودشان بروند پول درآورند، مراکز حساس را بگیرند و خبرگزاریها و مطبوعات و رادیوها را در اختیار داشته باشند. آنها دنبال این کار رفتند. سرمایه داران بزرگی در دنیا هستند که صهیونیست‌اند. (1)

1375/12/16

تبلیغ ماهرانه‌ی مبلغین استکبار و صهیونیسم بر ضد اسلام

بدانید عزیزان من؛ امروز ماهرترین مبلغین، مبلغین استکبار و صهیونیست‌اند. مهارت آنها این است که از امری باطل، کاری خوش ظاهر ارائه میدهند. به عنوان مثال، تلویزیون شما، پایگاه تبلیغ است. دیروز یکی از گزارش‌های خارجی را که در ارتباط با اوضاع چین بود، برای ما گذاشتند و نگاه کردیم. قضیه از این قرار بود که تلویزیون خارجی، راجع به اوضاع چین گزارش میداد و همه‌ی حرفش این بود که «چین، تحت تأثیر اسلام است.» در بین گزارش، ناگهان صحنه‌ی را نشان داد که در آن، جوانی را به پشت خوابانده بودند و بر او شلاق میزدند و او هم از ناراحتی، قیافه اش در هم شده بود. لحظه‌ی بعد، دوربین روی پیرمرد بدقیافه‌ی کریه المنظری - که آدم واقعاً میبایست اگر به قیافه‌ی او با محبت نگاه میکرد، از خدا اجر میخواست - زوم کرد که مشغول گفتن «اللّه اکبر» بود! ببینید! آنها این گونه تبلیغ میکنند. راجع به این صحنه، حتی یک کلمه حرف هم نزده که کسی - فرضاً - اعتراض کند یا اشکال بگیرد. اما هر کس این منظره را از تلویزیون دیده، ذهنیتش این است که «این مجازات اسلام؛ و آن هم عبادتش!» اینها هنرهای تبلیغ علیه ماست. (2)

(1). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

(2). در دیدار کارگزاران حج و مبلغان.

ص: 89

بعضی از این مطبوعات خارجی و امریکایی را که پیش من می آورند، نگاه میکنم، می بینم سرتا پا نسبت به جهت گیری های خاصی تعصب محض است! حالا- در آن دنیایی که اسمش به آزاد اندیشی و آزاد فکری و آزاد خواهی در رفته و مشهور شده است، نسبت به مسائل خاصی کاملاً متعصبانه و جهت گیرانه موضع میگیرند؛ منتها با روشهای قشنگ تبلیغی! آنها انصافاً در زمینه ی کار تبلیغی از ما جلو هستند؛ در کارهای تبلیغی، خیلی واردتر و هوشمندترند! در نوشتن، در انتخاب مطلب، انتخاب تیتر و انتخاب جهت گیری؛ چیزهایی را بشدت مواظب اند و متعصب اند.

صهیونیسم و اسرائیل؛ جزء مقدسات مطبوعات بیگانه

در بسیاری از مطبوعات بیگانه که انسان می بیند - البته در مطبوعاتی که ما دسترسی داشتیم و داریم و مطلعیم - صهیونیسم و اسرائیل جزو مقدسات است! حوادثی که علیه اسرائیل، در منطقه ی عربی لبنان و امثال آن پیدا میشود، جزو امور بین الغی است که اندک حرفی درباره اش نیست.

مهارت رسانه یی صهیونیسم در مظلوم نمایی

یک چهره ی مظلوم فلسطینی در این مطبوعات امریکایی مشاهده نمیشود! مثلاً تصویر کودکی که پدرش کشته شده است و او دارد گریه میکند! اما یک حادثه که در اسرائیل اتفاق می افتد و فردی کشته میشود، چندین عکس از زن و بچه و خانه اش چاپ میکنند! (1)

1377/10/24

من تعدادی از این مطبوعات امریکایی را گاهی نگاه میکنم و غالباً در جریان یک شمای کلی از اینها قرار میگیرم. هر جا اتفاقی بیفتد که در آن، چهار نفر یا دو نفر صهیونیست کشته شوند، مطبوعات امریکایی برای اینکه احساس ترحم مردم را نسبت به آنها جلب کنند؛ عکس بچه هایشان، عکس زنانشان، عکس مادران پیرشان، گریه کردنشان، در تابوت گذاشتن و دفن کردنشان را چاپ میکنند!

(1). در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.

نقش تبلیغات امریکایی در وارونه جلوه دادن حقایق فلسطین

در غرب شبیه این هرگز برای کشتارهای دسته جمعی مسلمانان اتفاق نیفتاده است! در «دیر یاسین» در یک شب، در یک ساعت، چند صد نفر مرد، زن، بچه، بزرگ و کوچک را گلوله باران کردند و از بین بردند، اما انعکاسی در افکار عمومی غرب پیدا نکرد! لذا شما اگر می بینید جوان فرانسوی، یا انگلیسی، یا امریکایی، به طور طبیعی احساس همدردی با عرب فلسطینی نمیکنند، بلکه به عکس، احساس همدردی با صهیونیست غاصب میکند، به خاطر تبلیغات است، و الا چنانچه حقیقت قضیه را آن چنان که اتفاق افتاده، در مقابل هر جوانی قرار دهند، نسبت به آن، احساس موضع دارد. طبیعت جوان این است. جوان با ظلم مخالف است. جوان با زورگویی، با قلدری و با ناحق طلبی های زورگویانه مخالف است. (1)

1379/12/26

رسانه های تبلیغاتی مهم دنیا در انحصار صهیونیستها

دشمن، روشهای تبلیغاتی بسیار فعالی دارد. امروز تقریباً همه ی رسانه های تبلیغاتی مهم دنیا در انحصار دستگاه های زرسالار قدرتمندی است که بر بسیاری از حکومتها تسلط دارند. بسیاری از آنها صهیونیست و یا از همپیمانهای صهیونیستهایند. اینها بی حساب و بی هدف تبلیغ نمیکنند، کسی را مورد تهاجم قرار نمیدهند، یا کسی را بالا نمیکشند؛ یا طمع دارند، یا هدفی دارند؛ بنابراین باید مراقب بود. (2)

1380/11/11

امپراتوری خبری دشمنان دنیای اسلام در کنترل صهیونیستها

به نقش رسانه ها و تبلیغ میرسیم. این صحنه ی مبارزه، یک صحنه ی عمومی است. هر کس به قدر توانایی خود در سرتاسر دنیای اسلام وظیفه بی دارد و باید نقشی ایفا کند. امروز دنیا، دنیای رسانه ها و تبلیغ و تبیین است. امروز در مقابل شما امپراتوری خبری دشمنان دنیای اسلام قرار دارد که غالباً در کنترل صهیونیستهاست. امروز یک اتوبان یکطرفه ی خبر و تحلیل از طرف رسانه های خبری به سمت افکار

(1). در دیدار تشکلهای مختلف دانشجویی دانشگاه های تهران.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

عمومی دنیا - از جمله افکار عمومی کشورهای عربی و اسلامی و خود مسلمانان - جاری است. صهیونیستها از آغاز شروع کار خود، به سمت رسانه های خبری و تبلیغی رفتند. یکی از سیاستهای آنها این بود که رسانه های تبلیغی دنیا را قبضه کنند. امروز این گونه است. (1)

1380/12/27

اتصال بند ناف رسانه های متنوع دنیا به صهیونیستها

واقعیتهای امریکا این است؛ حکومت امریکا این است؛ آن مشخصه و ممیزه یی که نظام امریکایی به دنیا نشان داده، این است؛ نه آزادی انسان، نه برابری انسان. کدام برابری؟! شما هنوز هم بین سیاه و سفید برابری قائل نیستید. همین امروز هم از نظر شما رگه ی سرخ پوستی در یک نفر آدم در هر یک از مراحل گزینش اداری، یک نقطه ضعف برای او محسوب میشود. برابری انسانها؟! آزادی فکر؟! شما حاضرید همین سخنرانی، یا سخنرانی آقای رئیس جمهور را در رسانه هایتان در امریکا پخش کنید؟ اگر آنجا آزادی فکر و آزادی بیان هست، همین سخنرانی نیم ساعته ی آقای خاتمی را بردارید پخش کنید. کدام آزادی فکر؟! رسانه ها متنوع است، اما بند ناف همه متصل به دستگاه سرمایه داری و سرمایه داران بزرگ امریکاست، که اکثریتشان در اختیار صهیونیستهاست! این معنی آزادی رسانه ها در امریکا است؟! چرا به مردم دنیا دروغ میگوید؟ (2)

1381/11/15

شما امروز حادثه یی مثل حادثه ی فلسطین را ببینید، که دیگر در آنجا جبهه ی حق و باطل معلوم است. ملتیی را از سرزمین آبا و اجدادی اش - که استخوانهای اجدادش در این زمین دفن شده و همه ی تاریخ میگوید که اینجا مال اوست - و از خاک و زندگی و خانه و از حق انتخاب در کشور خودش محروم کردند، و یک عده بیگانه را از اروپا و اروپای شرقی و روسیه و امریکا و از جاهای دیگر جمع کرده اند و

(1). در دیدار شرکت کنندگان در همایش بین المللی رسانه های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

(2). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی.

گفته اند شما اینجا را اداره کنید! خ؛ اگر هیچ عامل دیگری هم در این بین نبود، همین اندازه نشان میدهد که حق و باطل کجاست؛ چه برسد به اینکه آن گروه بیگانه‌ی متصرفِ اشغالگر، با انواع و اقسام روشهای خشونت بار و سبع وار، آن جمعی را که صاحب آن سرزمین هستند، نابود میکند؛ یعنی میزند، میکوبد و میکشد. دیگر حق و باطل از این مُنحازتر و متمایزتر؟!

نقش رسانه های استکباری در انحراف افکار عمومی در ماجرای غصب فلسطین

شما ببینید همین را جماعتِ طرفدار حضور اسرائیل در این منطقه - امریکا و خود صهیونیستها و بعضی دولتهای دیگر - چگونه در افکار عمومی دنیا عوض کرده اند! یعنی افکار عمومی را طوری تغییر داده اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا حرکت مهمی انجام نگیرد. والا اگر این تبلیغات نبود، ملت‌های دنیا - ولو هیچ رابطه‌ی هم با فلسطین نداشتند - روزی نبود که تظاهراتی به نفع مردم فلسطین راه نیندازند، اعتراضی نکنند، حکومتها را زیر فشار قرار ندهند و دولتهای خودشان را برای موضع گیری تحت فشار نگذارند. اگر این تبلیغات نبود، اصلاً صحنه‌ی سیاست دنیا عوض میشد. اینها افکار عمومی را همان طور که خودشان میخواستند، تصرف و هدایت کردند - به خاطر رعایت همان ترتیب منطقی کار رسانه‌ی بی - و این دروغ بزرگ را در ذهن مردم جا انداختند.

*

سلطه‌ی رسانه‌ی صهیونیسم در خدمت دیکتاتوری پول و شهوت

یکی دیگر از پیامهایی که باید به ذهن مردم داده شود، حقیقت تلخی در دنیاست که عمداً سعی میشود وجود محسوس آن نادیده گرفته شود و آن، دیکتاتوری پول و شهوت است. امروز پول در دنیا دیکتاتوری میکند و هرچه پول بخواهد و پولدارها بخواهند، تحقق می‌یابد، ولو به دست خود مردم. چون مردم در رأی دادن‌ها و اقدامات عمومی معمولاً تحت تأثیر رسانه‌ها آیند و رسانه‌ها هم معمولاً در اختیار پولدارهاست. چند درصد رسانه‌های دنیا دست غیر صهیونیستها و غیر سرمایه‌دارهای بزرگ است؟ شاید بتوان گفت که همه‌ی این دستگاه‌های مهم و اثرگذار دنیا دست سرمایه‌دارهای مهم و عمدتاً صهیونیستهاست. آنها هستند که خبرگزاریها را اداره میکنند، خبر تولید میکنند و به همه‌ی دنیا میفرستند و تلویزیونها را همان طور که خودشان میخواهند، اداره میکنند.

حالا هم که این روشهای ارتباطی جدید، این سایتهای اینترنتی و فعالیتهای رفت و آمد سریع اطلاعات در اختیار آنهاست. هر کس پول بیشتر دارد، میخواهد در این زمینه ها فعالیت بیشتری کند و مقصود خود را برآورده سازد. بنده بارها گفتم اینکه میگویند رسانه ها و روزنامه ها در دنیا آزادند، درست است؛ اما روزنامه ها مال چه کسانی اند؟ البته صاحبان روزنامه ها آزادند؛ هر چه میخواهند، مینویسند؛ هر چه به صرفشان باشد، مینویسند و هر چه به صرفشان نیست، قطعاً نمی نویسند. (1)

1385/3/14

ترندهای تبلیغاتی امپراتوری خبری صهیونیسم علیه نظام جمهوری اسلامی

این کولی بازی های تبلیغاتی که علیه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در دنیا، عمدتاً امریکاییها و رسانه های صهیونیستی و امپراتوری خبری وابسته ی به صهیونیسم، به راه می اندازند، روی چند نقطه دائم تأکید میکنند و دائم یاوه گویی های خودشان را تکرار میکنند، برای اینکه شاید بتوانند جو دنیا را علیه نظام جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران تحریک کنند. آن چند نقطه: اول، اینکه علیه ایران اجماع جهانی است! دوم، اینکه ایران تهدید جهانی است! سوم، اینکه ایران در صدد ساختن بمب و سلاح هسته یی است! چهارم، اینکه ایران ناقض حقوق بشر است! همه ی حرکت تبلیغاتی دشمن بر روی این چند جمله تکیه دارد و همینها را با زبانهای مختلف، با انواع ترندها، در دنیا تکرار میکنند. (2)

(1). در دیدار مدیران سازمان صدا و سیما.

(2). در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 94

هدف تبلیغات امریکایی و صهیونیستی؛ ارائه ی چهره ی مظلوم از یهودیان صهیونیستی و چهره ی خشن از فلسطینیها

درباره ی مسئله ی فلسطین، آنچه بنا دارم عرض کنم، این مطلب است که در این قضیه، نکته ی بسیار تلخی وجود دارد. اگر چه همه ی مسائل مربوط به سرزمین فلسطین تلخ است، اما این نکته، انصافاً گزنده است که در تبلیغات جهانی، در تمام این چهل و پنج سال که از اشغال فلسطین میگذرد - بخصوص در این يك، دو دهه ی اخیر - سعی شده است نشان داده شود که یهودیانی که آمده اند و فلسطین را گرفته اند، مردمی مظلوم، دارای حق و مورد فشار و تعدی هستند؛ اما اعرابی که تلاش میکنند خانه های خودشان را پس بگیرند، مردمی خشن و زورگویند، که به موازین پای بند نیستند.

در دنیا، تبلیغات امریکایی و صهیونیستی، این دروغ بزرگ و این فریب بی نظیر را باوراندند که خیلی گزنده و تلخ است. آنها حتی در نشان دادن فیلم و عکس هم نکات اغوا کننده را رعایت میکنند. مثلاً وقتی میخواهند اعراب را در مجلات یا روزنامه های خودشان نشان دهند، تصاویری انتخاب میکنند که نشانگر يك عده زن و بچه ی مظلوم آواره ی ستمدیده نیست؛ یا جوانانی را که با ظلم صهیونیستهای ظالم پرپر میشوند و از مواهب دنیا و همه ی خیرات روی زمین محروم شده اند، نشان نمیدهند؛ بلکه يك چهره ی خشن چفیه بسته را نشان میدهند که اسلحه در دست دارد و میگویند: «فلسطینیها اینهایند!»

از آن طرف، وقتی صهیونیستها و یهودیان روسی میخواستند به فلسطین مهاجرت کنند، نمیگفتند اینها غاصبند؛ اینها اهل فلسطین

نیستند که به آنجا میروند؛ اینها اهل روسیه اند، اهل اوکراینند، اهل کشورهای اروپایی و اهل امریکایند که هر کدام در سرزمین خود، جایی، مکانی، خانه بی، ثروتی، پولی و زندگی بی دارند؛ با این حال به فلسطین میروند تا حقّ یک فلسطینی را بگیرند، خانه ی او را صاحب شوند، ثروت و سرزمین او را غصب کنند و امکان تشکیل خانواده را از او بگیرند. این را که نمیگفتند! مضاف بر این، عوامل صهیونیست و امریکایی، در رسانه های خود، تصاویر یک عده زن و بچه ی یهودی را با حال خستگی نشان میدهند که مردم دنیا بگویند: «عجب! چرا این عربها با این بیچاره های مظلوم، چنین رفتار میکنند؟!»

اینها مظاهر استکبار جهانی است. نظام نوینی که امریکاییها میگویند، یعنی این؛ یعنی کاری کنند که همه ی دنیا، آن طور که آنها میخواهند، فکر کنند و حقایق را وارونه بفهمند! (1)

1372/7/14

مظلوم نمایی یهود و زمینه سازی ظلم

باید به استقبال خطر بروند؛ واقعاً باید با تهاجم فرهنگی موجودی که الان ما را محاصره کرده است، مقابله کنند. ولی متأسفانه در این فکرها نیستند. الان ببینید غربیها چه میکنند! یک نمونه اش این صهیونیستها! از بعد از جنگ جهانی دوم تا به حال، مرتّب فیلم ضدّ آلمان ساخته میشود! گور پدر نازیسم و هیتلر؛ اما مگر اینها بهتر از هیتلرند؟! همین مظلومهایی که در روسیه و در آلمان و در هر گوشه ی دنیا، داد مظلومیت بلند کرده اند که علیه ما چه کرده اند، ببینید حالا خودشان چه میکنند! بچه ی چهارده، پانزده ساله را میگیرد و آن قدر بی ملاحظه است که جلوی چشم دوربین که چشم بسیار غمّاز و افشاگری هم هست، با سنگ میزند استخوان دست او را میشکند! دیگر بیشتر از این وحشیگری در دنیا سراغ دارید؟! مگر آلمانها بیشتر از این میکردند؟! این آدمی که دست را جلوی دوربین میشکند، اگر یک وقت لازم باشد، در کوره ی آدم سوزی نمی اندازد، یا کار اجباری از او نمیکشد؟! این همان عنصر است!

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 96

فیلم سازی صهیونیستها درباره ی مظلومیت یهودیها

تقریباً پنجاه سال است که اینها علیه آلمانها و مظلومیت یهودیها، فیلم میسازند. یعنی واقعاً کار میکنند. الان افکار عمومی دنیا، آن قدری که جنایتکارها را قبول دارد، شما را قبول ندارد که يك مسلمان مظلوم ایرانی هستید و سالهای متمادی، پدر کشور را در آوردند. حالا اگر يك كلمه بخواهید حرف بزنید، قبولتان ندارند! آن فلسطینی را قبول ندارند! همینهایی که شما میخواهید برایشان فیلم بسازید، در افکار عمومی دنیا، يك مشت آدم بی فرهنگ بی تربیتِ خشن اند! اما آن صهیونیستِ غاصبِ ظالم، الان در افکار عمومی دنیا، يك فرشته ی مظلوم است!

(1)

1377/10/15

مطبوعات امریکایی؛ تصویرگر مظلوم نمایی های اسرائیل

در بسیاری از مطبوعات بیگانه که انسان می بیند - البته در مطبوعاتی که ما دسترسی داشتیم و داریم و مطلعیم - صهیونیسم و اسرائیل جزو مقدّسات است! حوادثی که علیه اسرائیل، در منطقه ی عربی لبنان و امثال آن پیدا میشود، جزو امور بین الغی است که اندک حرفی درباره اش نیست. يك چهره ی مظلوم فلسطینی در این مطبوعات امریکایی مشاهده نمیشود! مثلاً تصویر کودکی که پدرش کشته شده است و او دارد گریه میکند! اما يك حادثه که در اسرائیل اتفاق می افتد و فردی کشته میشود، چندین عکس از زن و بچه و خانه اش چاپ میکنند! (2)

1377/10/24

مهارت مطبوعات امریکایی در جلب احساس ترحم مردم دنیا نسبت به صهیونیستها

من تعدادی از این مطبوعات امریکایی را گاهی نگاه میکنم و غالباً در جریان يك شمای کلی از اینها قرار میگیرم. هر جا اتفاقی بیفتد که در آن، چهار نفر یا دو نفر صهیونیست کشته شوند، مطبوعات امریکایی برای اینکه احساس ترحم مردم را نسبت به آنها جلب کنند؛ عکس بچه هایشان، عکس زنانشان، عکس مادران پیرشان، گریه کردنشان، در تابوت گذاشتن و دفن کردنشان را چاپ میکنند!

(1). در نقد فیلم «بدوک» در حضور عوامل سازنده ی فیلم.

(2). در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ص: 97

در غرب شبیه این هرگز برای کشتارهای دسته جمعی مسلمانان اتفاق نیفتاده است! در «دیر یاسین» در یک شب، در یک ساعت، چند صد نفر مرد، زن، بچه، بزرگ و کوچک را گلوله باران کردند و از بین بردند، اما انعکاسی در افکار عمومی غرب پیدا نکرد! لذا شما اگر می بینید جوان فرانسوی، یا انگلیسی، یا امریکایی، به طور طبیعی احساس همدردی با عرب فلسطینی نمیکنند، بلکه به عکس، احساس همدردی با صهیونیست غاصب میکند، به خاطر تبلیغات است، و الا چنانچه حقیقت قضیه را آن چنان که اتفاق افتاده، در مقابل هر جوانی قرار دهند، نسبت به آن، احساس موضع دارد. طبیعت جوان این است. (1)

1378/10/10

تأثیر دروغ پردازی های رسانه های صهیونیستی بر نخبگان و افکار عمومی

تسلط غاصبان ی صهیونیست ها بر فلسطین سه رکن داشت: یک رکنش عبارت از قساوت با عربها بود. برخوردشان با صاحبان اصلی، با قساوت و خشونت شدید همراه بود. با اینها هیچ گونه مدارا نمی کردند. رکن دوم، دروغ به افکار عمومی دنیا بود. این دروغ به افکار عمومی دنیا، یکی از آن حرفهای عجیب است. این قدر اینها به وسیله ی رسانه های صهیونیستی که دست یهودیها بود، دروغ گفتند - هم قبل از آن و هم بعد از آن، این دروغها گفته میشد - که به خاطر همین دروغها، بعضی از سرمایه داران یهودی را گرفتند! خیلی ها هم دروغهای آنها را باور کردند. حتی این نویسنده ی فیلسوف اجتماعی فرانسوی - «ژان پل سارتر» - را نیز که خودمان هم در جوانی چندی شیفته ی این آدم و امثال او بودیم، فریب دادند. همین «ژان پل سارتر» کتابی نوشته بود که بنده در سی سال قبل آن را خواندم؛ نوشته بود: «مردمی بی سرزمین؛ سرزمینی بی مردم»! یعنی یهودیها مردمی بودند که سرزمینی نداشتند؛ به فلسطین آمدند که سرزمینی بود و مردم نداشت! یعنی چه مردم نداشت؟ یک ملت در آنجا بود و کار میکرد. شواهد زیادی هم هست. یک نویسنده ی خارجی میگوید در سرتاسر سرزمین

(1). در دیدار تشکلهای مختلف دانشجویی دانشگاه های تهران.

ص: 98

فلسطین، مزارع گندم مثل دریای سبزی بود که تا چشم کار میکرد، دیده میشد. سرزمین بی مردم یعنی چه؟! در دنیا این طور وانمود کردند که فلسطین یک جای متروکه ی مخروبه ی بدبختی بود؛ ما آمدیم اینجا را آباد کردیم! دروغ به افکار عمومی!

همیشه سعی میکردند خودشان را مظلوم جلوه دهند؛ الان هم همین طور است! در این مجلات امریکایی - مثل «تایم» و «نیوزویک» - که بنده گاهی به اینها مراجعه دارم، اگر کوچک ترین حادثه یی علیه یک خانواده ی یهودی اتفاق بیفتد، عکس و تفصیلات و سنّ کشته شده و مظلومیت بیچه هایش را بزرگ میکنند؛ اما صدها و هزارها مورد قساوت نسبت به جوانان فلسطینی، خانواده های فلسطینی، بیچه های فلسطینی، زنهای فلسطینی، در داخل فلسطین اشغال شده و در لبنان اتفاق می افتد، ولی کمترین اشاره یی به آنها نمیکند! (1)

1380/2/4

اشغال فلسطین؛ طرحی راهبردی برای جلوگیری از اتحاد، پیوستگی و قدرتمندی مسلمانان

اشغال این سرزمین بر اساس یک طرح چندجانبه، پیچیده و با هدف جلوگیری از اتحاد و پیوستگی مسلمانان و پیشگیری از تأسیس مجدد حکومتهای قدرتمند مسلمان بود. دلایلی در دست است که نشان میدهد صهیونیستها با نازیهای آلمان روابط نزدیک داشتند و ارائه ی آمارهای اغراق آمیز از کشتار یهودیان، خود وسیله یی برای جلب ترحم افکار عمومی و زمینه سازی برای اشغال فلسطین و توجیه جنایات صهیونیستها بوده است.

مظلوم نمایی در افکار عمومی برای زمینه سازی اشغال فلسطین

حتی دلایلی در دست است که عده یی از اراذل و اوباش غیریهودی شرق اروپا را به نام یهودی به فلسطین کوچانیدند، تا با پوشش حمایت از بازماندگان قربانیان نژادپرستی، یک حکومت معاند اسلام را در قلب جهان اسلام نصب کنند و پس از سیزده قرن، یک گسستگی بین مشرق و مغرب اسلامی ایجاد نمایند. در آغاز، مسلمانان غافلگیر شدند؛ چون از کنه طرح صهیونیستها و حامیان غربی آنها مطلع نبودند. عثمانی شکست خورد؛ قرارداد «سایکس - پیکو» به طور محرمانه برای تقسیم کشورهای اسلامی

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز جهانی قدس.

ص: 99

خاورمیانه بین فاتحین جنگ منعقد شد؛ جامعه ی ملل قیومیت فلسطین را به عهده ی انگلیسیها گذاشت؛ آنها هم به صهیونیستها وعده ی مساعدت دادند و با مجموعه یی از طرحهای حساب شده، یهودیان را به فلسطین آوردند و مسلمانان را از خانه و کاشانه ی خویش آواره کردند. (1)

1380/11/11

امروز دنیا، دنیای رسانه ها و تبلیغ و تبیین است. امروز در مقابل شما امپراتوری خبری دشمنان دنیای اسلام قرار دارد، که غالباً در کنترل صهیونیستهاست. امروز يك اتوبان یکطرفه ی خبر و تحلیل از طرف رسانه های خبری به سمت افکار عمومی دنیا - از جمله افکار عمومی کشورهای عربی و اسلامی و خود مسلمانان - جاری است. صهیونیستها از آغاز شروع کار خود، به سمت رسانه های خبری و تبلیغی رفتند. یکی از سیاستهای آنها این بود که رسانه های تبلیغی دنیا را قبضه کنند. امروز این گونه است. آنها از اول کار، يك شگرد تبلیغی را انتخاب کردند که بسیار مهم و تعیین کننده بود و تا امروز تأثیرگذار بوده است؛ آن شگرد تبلیغی عبارت است از مظلوم نمایی.

مظلوم نمایی؛ مهم ترین کار همیشگی صهیونیستها در دنیای تبلیغات

برای مظلوم نمایی، داستانها و افسانه های فراوانی جعل شد؛ خبرهایی ساخته شد و تلاشهای بی وقفه یی انجام گرفت. امروز هم در نهایت سفاکی، باز همان تبلیغات ادامه دارد؛ یعنی باز هم مهمترین کار صهیونیستها در دنیای تبلیغات، مظلوم نمایی است. اینها مسئله ی نگرانی روانی یهودیان را مطرح کردند و گفتند چون یهودیان در طول قرنهای متمادی زیر فشار بودند، از لحاظ روانی دچار نگرانی اند و به امنیت روانی احتیاج دارند. صهیونیستها در مذاکرات با سران کشورهای غربی و بعدها در گفتگوهای خود با کشورهای اسلامی و عربی، مسئله ی امنیت روانی را مطرح کردند و گفتند ما به امنیت روانی احتیاج داریم و باید امنیت روانی ما تأمین شود. این امنیت روانی یعنی چه؟ هیچ معنای مشخص و هیچ پایانی ندارد. هر اقدامی

(1). در مراسم گشایش کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 100

بخواهد انجام بگیرد، اگر به سودشان نباشد، به بهانه ی امنیت روانی، میتوانند آن را خنثی کنند. بسیاری را در دنیا قانع کردند که به امنیت روانی احتیاج دارند و باید امنیت روانی آنها تأمین شود.

برآوردن نیاز اسرائیل در مورد امنیت روانی، مشکل تر است از چشم پوشیدن از سرزمین. شما وقتی سرزمین را از دست میدهید، میدانید چه چیزی را از دست دادید؛ اما وقتی میخواهید خواسته ی اسرائیل را در مورد امنیت روانی برآورده کنید، نمیدانید تا کجا باید تسلیم شوید و تا کجا باید امتیاز بدهید. این امتیازدهی، پایانی ندارد؛ مرتب باید امتیاز داد. تجربه ی اروپا در این مورد، عبرت آموز است. دولت آلمان صد و پنجاه میلیارد مارک به عنوان خسارت به یهودیان داد، اما خسارت یهودیان از آلمان هنوز تمام نشده است؛ باز هم خسارت طلبکارند و باید به آنها داده شود! آنچه یهودیان با آلمان کردند، کم و بیش با برخی کشورهای اروپایی دیگر - مثل اتریش، سوئیس، فرانسه، حتی تا چند سال قبل با واتیکان - نیز انجام دادند. همه باید خسارت بدهند؛ این خسارت تمام شدنی نیست!

روشهای تبلیغی صهیونیستها در امر مظلوم نمایی

در بعد روانی، اسرائیلیها فعالیت‌های بسیار مهمی دارند. همه ی سیاستمداران، خبرنگاران، روشنفکران، کارگزاران و نخبگان غرب باید در مقابل بنای یادبود کوره ی آدم سوزی سر تعظیم فرود بیاورند؛ یعنی همه، داستانی را که اصل صحت آن معلوم نیست، مورد تأکید قرار دهند و خود را بدهکار آن داستان قلمداد کنند. اینها روشهایی است که در تبلیغ دارند و همه معطوف به «مظلوم نمایی» است. (1)

1382/3/5

ساخت هزاران فیلم برای نشان دادن مظلومیت یهود و دیگر اهداف استعماری

قبل از انقلاب میگفتند هنر برای هنر. یعنی به ما که رسیدند، گفتند هنر برای هنر؛ اما خودشان از فیلمهای هالیوودی و انواع و اقسام فیلمهای دیگر برای پیش بردن اهداف استعماری امریکا استفاده میکردند! یعنی در این صورت، هنر کاملاً در خدمت هدفها و فکرها و ایدئولوژی هاست. شما ببینید برای نشان دادن مظلومیت یهود و برپا

(1). در دیدار شرکت کنندگان در همایش بین المللی رسانه های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 101

نگه داشتن این دولت جعلی و ناماندگار - قطعاً اسرائیل يك دولت ناماندگار است؛ در دنیا ماندنی نیست و بلاشك از بین خواهد رفت - هزارها فیلم ساخته اند.

خب؛ اگر هنر برای هنر است، چرا این کار را کردند؟! هنر برای صاحب هنر، هنر برای خالق هنر و هنر برای آن کسی است که هنر را به ما داد: **إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (1) ؛ إِفْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ (2) ؛** ما باید به نام خدا و برای خدا بخوانیم. هنر باید این جهات را داشته باشد و به نظر من این دو جهت باید رعایت شود. (3)

(1) . سوره ی علق، آیه ی 1.

(2) . سوره ی علق، آیه ی 3.

(3) . در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر.

ص: 102

اشغال این سرزمین [فلسطین] بر اساس یک طرح چندجانبه، پیچیده و با هدف جلوگیری از اتحاد و پیوستگی مسلمانان و پیشگیری از تأسیس مجدد حکومت‌های قدرتمند مسلمان بود. (1380/2/4)

بخش دوم: غده‌ی سرطانی

اشاره

فصل اول: تاریخچه و شیوه‌ی غصب

فصل دوم: علل اصلی تشکیل رژیم صهیونیستی

فصل سوم: ملت جعلی

فصل چهارم: رؤیای نیل تا فرات

فصل پنجم: جنایتها

فصل ششم: امریکا؛ حامی رژیم صهیونیستی

ص: 103

سیر تاریخی غصب فلسطین

جوان، طبیعتش ظلم ستیزی و مقابله با قلدری است. جوان، طبیعتش این است که وقتی ببیند دولتی در صحنه ی بین الملل، در عرصه ی عالم وجود دارد که اساس موجودیتش عبارت است از ظلم - نظام و حکومت صهیونیستی اساسش ظلم است دیگر - با آن مخالف خواهد بود. خوب است شما تاریخچه ی فلسطین را بخوانید. این کتاب «سرگذشت فلسطین» (1) و کتابهای فراوان دیگری را که در باب مسئله ی فلسطین است، بخوانید. ببینید صهیونیستها این نقطه ی بسیار مهم خاورمیانه را با چه ترفندهایی به دست آورده اند! اول رفتند زمینهای فلسطینیها را خریدند - البته عدّه ی یهودی آنجا بودند و انگلیسیها آنجا قیمومیت داشتند - هدف این بود که آنجا را بگیرند. هدف را اول در آن کنگره ی بزرگ صهیونیسم - در سال 1897 - مشخص کردند که باید سرزمین فلسطین گرفته شود. اینجا نکته ی اساسی است. آن وقت هنوز امریکا مطرح نبود؛ برای انگلیسیها هم مهم بود که این نقطه را بگیرند. به یاد بیاورید که آن روز، هنوز کشور عثمانی بود و انگلیسیها در این منطقه، جای پای نداشتند. بعد از جنگ بین الملل اول، کشور عثمانی از هم پاشیده شد. آن وقت اردن و عراق و مصر و حجاز و غیره، در واقع تحت قیمومیت و حمایت انگلیسیها درآمد.

(1). کتاب «سرگذشت فلسطین» اثر اکرم زعیتر فلسطینی با ترجمه ی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، چاپ بوستان کتاب قم.

لبنان و سوریه و اینها هم در اختیار فرانسه قرار گرفت - فاتحین جنگ بین الملل، تقسیم کردند - لیکن آن روزی که بحث گرفتن سرزمین فلسطین و گذاشتن یهودیها و صهیونیستها در آن مطرح شد، هنوز این خبرها نبود. برای انگلیسیها خیلی مهم بود که اینجا يك جا پا داشته باشند.

بعد از آنکه جنگ بین الملل اول تمام شد، تقریباً آغاز حکومت پهلوی در ایران است. آنها در این مدت، مقداری زمینهای فلسطینیها را در داخل فلسطین خریدند و تعدادی از صهیونیستها را وارد کردند. بین صهیونیستها - یعنی یهودیها - و مسلمانان اختلافاتی به وجود می آمد. سربازان انگلیسی برای یهودیها به طور قاچاق، اسلحه وارد کردند و جنگهای داخلی راه انداختند! نهضتهایی را که آگاهانه شروع شده بود - از طرف آنهایی که می فهمیدند اینها چه کار می کنند - سرکوب کردند! بعد هم رسماً در قسمتی از کشور فلسطین - در سال 1948 - يك دولت صهیونیستی درست کردند و آنجا گذاشتند! بعد هم در پی جنگهای مختلف - در سال 1956 و در سال 1974 - بخشهای گوناگون دیگر را از فلسطین گرفتند و این فلسطین کنونی را تبدیل به دولت اسرائیل کردند! یعنی دولتی که بر اساس زور و ظلم و بیرون کردن مسلمانان و صاحبان خانه، در درجه ی اول، تحت کمک مستقیم انگلیسیها به وجود آمد؛ بعد که امریکاییها در صحنه آمدند و فعال شدند، در اختیار آنها و دیگر کشورهای اروپایی و شوروی آن روز قرار گرفت. (1)

1378/10/10

ادعای صلح؛ ترفندی برای ادامه ی اشغالگری

ترفند صهیونیستها و پشتیبانانشان - که دولت امریکا مهم ترین پشتیبان آنهاست - این است که از نام زیبای صلح استفاده میکنند: آقا! صلح کنید؛ این حرفها چیست؟! بله؛ صلح چیز خیلی خوبی است؛ اما صلح کجا و با چه کسی؟! کسی وارد خانه ی شما شده، به زور در را شکسته و شما را کتک زده، به عیال و اولادتان اهانت کرده و از سه اتاقی که

(1). در دیدار تشکلهای مختلف دانشجویی دانشگاه های تهران.

ص: 106

شما دارید، دو تا و نصفش را گرفته نشسته است؛ بعد بگوید شما چرا بی خودی مرتب به این و آن شکایت میکنید؛ مرتب دعوا و معارضه میکنید؛ بیاید با هم صلح کنیم.

آیا این صلح شد؟! صلح این است که شما از خانه بیرون بروید؛ اگر با هم جنگی داشتیم، آن وقت بیایند صلحمان بدهند. شما در خانه ی ما نشسته اید؛ شما در اینجا این همه جنایت کرده اید؛ شما همین حالا هم اگر دستتان برسد، کوتاهی ندارید. همین الان رژیم صهیونیستی تقریباً روزانه به جنوب لبنان حمله میکند؛ نه به مبارزان لبنان، بلکه به روستاهای جنوب لبنان، به مدرسه های جنوب لبنان. همین چند روز قبل از این، به يك مدرسه ی جنوب لبنان حمله کرد و جمعی از بچه های كوچك را كشت! اینها که تجاوزی نکرده بودند؛ اینها که اسلحه یی به دست نگرفته بودند. طبیعت، طبیعت متجاوز است. آن روزی که صهیونیستها وارد لبنان شدند و در دیر یاسین و بقیه ی جاها آن طور قتل عام کردند، کسی با آنها کاری نکرده بود. اقلاً آن عده مردم کاری نکرده بودند؛ البته چرا، يك عده جوانان غیور عرب با آنها می جنگیدند. همان روز هم میگفتند چرا داخل خانه ی ما آمده اید و این کارها را میکنید؛ اما آن مردمی که مورد ستم آنها قرار میگرفتند و از مزارع و روستاهایشان آن طور با قتل عام اخراج میشدند که کاری نکرده بودند.

زورگویی، خشونت و قساوت؛ پایه های اساسی رژیم صهیونیستی

بنابراین، طبیعت این رژیم، تجاوز است. رژیم صهیونیستی، اصلاً بر پایه ی زورگویی و خشونت و قساوت بنا شده است و پیش میرود. بدون این، پیشرفتی نمیداشت و بعد از این هم نخواهد داشت. میگویید با این رژیم صلح کنید؟! چه صلحی؟!!

اگر آنها به حقّ خودشان قانع شوند - یعنی خانه را که فلسطین است، به صاحبان خانه واگذار کنند و سراغ کار خودشان بروند؛ یا از دولت فلسطین اجازه بگیرند و بگویند به ما اجازه دهید تعدادی از ما، یا همه ی ما در این کشور بمانیم - کسی با آنها جنگی نخواهد داشت. جنگ این است که آنها غاصبانه و زورگویانه وارد خانه ی دیگران شده اند، آنها را از خانه بیرون کرده اند و الان هم به آنها ظلم میکنند.

الان هم به همه ی کشورهای منطقه ظلم میکنند و تهدیدی برای همه هستند؛ بنابراین اینها صلح را هم مقدمه یی برای تجاوز بعدی میخواهند! اگر صلحی برقرار شود، مقدمه یی است برای اینکه بعد بتوانند طور دیگری تجاوز و تعدی کنند.

مذاکرات به اصطلاح صلح؛ ترفند صهیونیستها در راستای اشغال کامل

یکی از مسائلی که امروز مطرح میشود، برای اینکه قضیه ی فلسطین به دست فراموشی سپرده شود و از طرح آن در افکار عمومی امت اسلامی جلوگیری کند، همین مذاکرات به اصطلاح صلحی است که بین گروهی از فلسطینیها - یعنی همین عرفات و دارودسته ی او - با اسرائیلیها در جریان است؛ یعنی قضیه ی سازش و حکومت به اصطلاح خودمختار فلسطینی و از این حرفها. این هم یکی از آن زشت ترین فریبها و ترفندهای اسرائیلی هاست که متأسفانه عده یی از مسلمانان و عده یی از خود فلسطینیها به دام آن افتاده اند.

یکی از حرفهایی که امروز مطرح میکنند، همین مسئله ی مذاکرات سازش بین این جماعت و سران اسرائیل است، که یکی از آن زشت ترین ترفندهاست. چرا؟ به خاطر اینکه بر اساس بهترین فرضها در آخرین مذاکراتی که اینها انجام دادند - به قول خودشان «وای ریور 2» - اگر همه ی این تعهداتی که اسرائیلیها کردند، تحقق پیدا کند، آنچه که گیر این جماعت فلسطینی بیچاره می آید، اندکی بیش از چهار درصد سرزمین فلسطین است! یعنی از این کشور فلسطینی که متعلق به فلسطینی هاست و همه اش را مردم فلسطین مالک اند و حق آنهاست، چهار درصدش را به اینها میدهند؛ آن هم چطور چهار درصدی؟! این چهار درصد، در يك جا مجتمع نیست؛ شاید در ده جا تکه تکه شده و متفرق است! به آن کسانی هم که گفتند بیاید شما اینجا حکومت تشکیل دهید - که همین دارودسته ی این روسیاهان باشند - به هیچ وجه اجازه ندادند که مثل يك حکومت عمل کنند. از اینها خواستند به آنجا بروند و مواظب باشند که فلسطینیهای این منطقه علیه دولت اسرائیل اقدامی نکنند! یعنی منطقه ی محدود کوچک متفرق غیرقابل اداره یی را به عنوان يك کشور، به صورت ناقص و نیمه کاره در اختیار اینها قرار دادند! آنچه اینها در مقابل باید انجام

دهند، این است که علاوه بر خود آن دستگاه های امنیتی اسرائیل، اینها هم علیه فلسطینیهای مبارز داخل سرزمین اشغالی، اقداماتی بکنند! خیانت از این بالاتر؟!

نقش خیانت عرفات و گروهش در تکمیل اشغالگری صهیونیستها

خیانت این کسانی که به نام فلسطینیها این کار را انجام میدهند، از همه ی خیانتهایی که تا امروز به فلسطین شده، زشت تر و سهمگین تر و بدتر است! هیچ کاری هم برای آن مردم، نه کردند و نه میتوانند بکنند. يك نویسنده ی فلسطینی عرب ساکن امریکا نوشته است که این دارودسته ی عرفات، هنوز نتوانسته اند زباله های شهر غزه را از خیابانها جمع کنند؛ اما در همین مدت، پنج سازمان امنیتی و اطلاعاتی تشکیل دادند که جاسوسی مردم را میکنند! این شد دولت فلسطین؟! این شد بازگشت مردم فلسطین؟! این شد احقاق حق فلسطین؟! این قدر اینها بی شرمند!

همان وقتی که این شخص، اولین مذاکرات را با اسرائیلیها کرد، من گفتم او، هم خائن است و هم احمق! اگر خائن بود، اما عاقل بود، بهتر از این عمل میکرد! البته بنده درست نمیدانم؛ حدس میزنم که امریکاییها و سازمانهای جاسوسی اسرائیل از نقاط ضعف اینها استفاده کردند. اینها نقاط ضعف زیاد دارند؛ اهل دنیایند. وقتی دین در کار نباشد، همین طور میشود. اینها در طول این چند سالی که مشغول اداره ی سازمان آزادیبخش فلسطین بودند، خدا میداند که از لحاظ مالی و از لحاظ رفتاری و اخلاقی چه مشکلاتی داشتند؛ آنها هم ظاهراً روی همان نقاط تکیه کردند. از طرفی هم خسته شدن و بریدن و از آرمانها چشم پوشیدن، اینها را به این ورطه ی هولناک و این مرداب هلاکت و بدبختی و لعنت ابدی انداخت. شما خیال میکنید هیچ فلسطینی یی ممکن است وجود داشته باشد که اینها را از ته دل لعن نکند؛ مگر اینکه جزو عمله و اکلہ ی خود اینها و در منافع با اینها سهیم باشد؟ بین چهار تا پنج میلیون نفر آواره ی فلسطینی، بیرون از فلسطین اند؛ در حدود سه میلیون نفر فلسطینی در داخل اند. باید دید

اینها درباره ی فلسطین چه نظری دارند. اینها مشت‌هایشان محکم است؛ اینها دل‌هایشان پُر خون است. (1)

1385/1/25

شرایط فلسطین در آغاز غصب توسط صهیونیستها

فلسطین دهه ی 1940 را در نظر بیاورید: سرزمینی در قلب دنیای عرب، کشوری فقیر، حکومتی ضعیف، مردمی بی‌خبر و همسایگانی دست‌نشانده ی استعمار؛ ثروتمندترین و مسلح‌ترین و شریک‌ترین دولت غربی، به تحریک صهیونیستها، آن را از دست مسلمانان بیرون می‌آورد و به یک حزب نژادپرست و جزّار و تروریست می‌سپارد. همه ی دولتهای غربی و هر دو قطب سیاسی متخاصم عالم به آن کمک میکنند؛ دولتهای دست‌نشانده ی منطقه از قبیل ایران پهلوی و بعضی دیگر به اسلام و عربیت پشت کرده، در خدمت آن قرار میگیرند؛ پول و سلاح و علم و صنعت از سوی همه در اختیارش گذاشته میشود؛ امریکا مانند قیّم و وکیل مدافع و کارپرداز او عمل میکند و شوروی هم تنها در این مسئله با امریکا هیچ مخالفتی نمیکند؛ قطعنامه های سازمان ملل در همان حدّ ضعیف و محافظه کارانه اش هم از سوی دولت جعلی و یاغی صهیونیست مورد بی‌اعتنایی کامل قرار میگیرد؛ با پشتگرمی امریکا و اروپا به مصر، به سوریه، به اردن، به لبنان، حمله ی نظامی میکند و بخشهایی را به قصد تصرف دائم اشغال میکند؛ بی‌محابا از ترور و قتل و غارت حرف میزند و تهدید میکند و تروریستهای معروف، یکی پس از دیگری در آن به حکومت میرسند، که آخرین آنها جنایتکار معروف «صبرا و شتیلا» ست. ده ها سال در صحنه ی فلسطین، دولت غاصب با چهره ی بی‌خشن، بی‌انعطاف، طلبکار و شکست‌ناپذیر باقی میماند. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز قدس.

(2). در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین.

ص: 110

علت واقعی اشغال فلسطین

مسئله، مسئله ی خانه دار کردن يك مشت آواره در گوشه و کنار دنیا نبود. امروز آن کسانی که دارند سیاستهای اسرائیلی و صهیونیستی را طراحی میکنند، یهودیان دنیا نیستند؛ پاره های اصلی بدنه ی استکبار جهانی هستند که دارند اسرائیل را میگردانند؛ چه از داخل، چه از خارج. مسئله، مسئله ی یهودیها نیست. یهودی در دنیا زیاد است که اسرائیل را قبول ندارد، با صهیونیسم دشمن است، با روشهای ظالمانه و قساوت آمیزی که جلّادان صهیونیستی و امریکایی در لبنان و فلسطین و سوریه و در جاهای دیگر به وجود آوردند، بشدت بد است. مسئله، مسئله ی اسکان یهودیها نبود؛ اسکان يك ملت آواره نبود. میتوانستند در سرزمینهای دیگر دنیا نقاطی را پیدا کنند، اینها را ببرند آنجا اسکان بدهند. اگر دلشان خیلی میسوخت، میتوانستند منطقه ی کوچکی در اروپا درست کنند، یهودیها را آنجا جمع کنند.

رژیم صهیونیستی؛ استانی از استکبار جهانی غرب در وسط ملتهای عربی و اسلامی

این دولت را از لحاظ تکنولوژی و پیشرفتهای صنعتی در حدّ پیشرفته ترین کشورهای دنیا ساختند، نیروی انسانی متخصص خودشان را در اختیارش گذاشتند، پولشان را در اختیارش گذاشتند، سلاحشان را در اختیارش گذاشتند؛ یعنی در حقیقت يك استانی از استکبار جهانی غرب به نام اسرائیل در وسط ملتهای عربی و اسلامی به وجود آوردند و يك ملت را آواره کردند. مسئله ی فلسطین، يك

چنین مسئله‌ی است؛ لذاست که مسئله‌ی فلسطین بر خلاف تصوّر بسیاری از گویندگان و نویسندگان و زمامداران کشورهای عربی، یک مسئله‌ی صرفاً ملّی یا ناسیونالیستی عربی نیست؛ یک مسئله‌ی اسلامی است.

*

رژیم صهیونیستی؛ اهرم فشار قدرتمندان جهانی در قلب ملت‌های اسلامی

مسئله‌ی فلسطین اشغالی به طور خلاصه عبارت است از اینکه قدرتمندان جهانی چون حدس میزدند که چه خطر بزرگی در این منطقه آنها را تهدید میکند - یعنی امت واحد اسلامی و وحدت اسلامی - خواستند یک اهرم فشاری، درست در قلب ملت‌های اسلامی به وجود آورند؛ لذا رژیم صهیونیستی با هدف ایجاد تفرقه، تشنج، فتنه و جلوگیری از رشد نهضت‌های آزادیبخش، به وجود آمده است. مسئله این نبود که بخواهند برای یک مشت یهودی، یک وطن به وجود بیاورند؛ این حرفی است که در دنیا تبلیغ کردند و هنوز هم در میان ملت‌های اروپایی و امریکایی دارند تبلیغ میکنند؛ میگویند غرض این بود که یک مشت یهودی آواره‌ی سرگردان از اطراف دنیا یک جا جمع شوند، توسری نخورند، با هم زندگی کنند؛ که با گفتن این هدف دروغین و این داستان دروغین، رقت ملت‌ها را جلب میکنند. مردم امریکا، مردم اروپا میگویند خوب، یک مشت آدم بیچاره یک گوشه‌ی جمع شده اند و دارند زندگی میکنند؛ این عرب‌ها چه کارشان دارند؟! (1)

1364/10/26

هدف تشکیل رژیم صهیونیستی؛ ایجاد تفرقه، تشنج و فتنه و جلوگیری از رشد نهضت‌های آزادیبخش

آقای رئیس جمهور! رژیم صهیونیستی و اشغالگر قدس و دشمن اسلام و عرب، با هدف ایجاد تفرقه و تشنج و فتنه و جلوگیری از رشد نهضت‌های آزادیبخش به وجود آمده است و عمر ننگینش با پشتیبانی شیطنی و امپریالیستی بین المللی استمرار یافته و اکنون نیز با حمایت کامل آنان، توطئه‌های حامیان خویش را در منطقه به مورد اجرا میگذارد و به تجاوزات و توسعه طلبی‌های خود روزه روز می‌افزاید. دیدگاه ما در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسئله‌ی

(1). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

ص: 112

رژیم صهیونیستی، محدود به وضعیّت رقت آور میلیونها آواره ی فلسطینی نیست، بلکه این پدیده را در مقیاس تجاوزاتش به حقوق انسانها و پشتیبانیهای شیطانی از آن مینگریم؛ لذا مبارزه با آن را نیز محدود به یافتن مأوا برای فلسطینیان و یا اجبار به عقب نشینی آنان به مرزهای سالهای چند و چند نمیدانیم، بلکه موجودیّت اسرائیل از دیدگاه جمهوری اسلامی مورد سؤال است و بنابراین، معتقد به حلّ ریشه یی مسئله ی رژیم صهیونیستی میباشیم. (1)

1366/6/20

حضور اسرائیل در قلب کشورهای اسلامی؛ یعنی سیطره ی استکبار بر دنیای اسلام

تشکیل حکومت غاصب صهیونیستی و غصب فلسطین، يك مسئله ی عادی در دنیا نبود؛ مثل تصرف سرزمین يك کشور به وسیله ی يك کشور دیگر نبود؛ این يك حرکت کاملاً سیاسی و استراتژیک و بلندمدت برای سلطه بر جهان اسلام بود. به وسیله ی بودن اسرائیل، مسلمانها را تحقیر کردند؛ با ایجاد دولت اسرائیل، دولتهای اسلامی را تضعیف کردند؛ به وسیله ی حضور اسرائیل در منطقه، اتحاد اسلامی را مشکل کردند؛ با روشهایی که استکبار از چهل سال پیش تا امروز پیموده و تعقیب کرده. مسئله ی اسرائیل و حضور اسرائیل در قلب کشورهای اسلامی، یعنی قدرت و سیطره ی استکبار بر دنیای اسلام، و مظهر ضعف مسلمانها؛ که این ضعف را میخواهند به رخ مسلمانها بکشند. (2)

1369/2/7

اشغال فلسطین؛ هدف اولیه ی صهیونیستها و حامیان بین المللی آنها و نه هدف نهایی

از نظر غاصبان سرزمین فلسطین، مسئله ی قدس، يك مسئله ی تمام نشده است. هیچ کس نباید خیال کند که صهیونیستهای غاصب و حامیان بین المللی آنها، میخواستند فلسطین را بگیرند و حکومت تشکیل بدهند؛ گرفتند و حکومت تشکیل دادند و مسئله تمام شد. قضیه این طور نیست. هدفهایی که در تشکیل دولت غاصب صهیونیستی در سرزمین فلسطین وجود داشته است، با این اسرائیل

(1). سخنرانی در تانزانیا در حضور رئیس جمهور این کشور.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 113

کنونی کاملاً تأمین نمیشود. هدف، بالاتر از اینهاست. هدف، ایجاد کشوری است در سرزمینی بزرگ تر و پُرجمعیت تر از آنچه که امروز غصب کرده اند.

دیدید به مجرد اینکه آمارهای دولتی اسرائیل به آنها نشان داد که رشد جمعیت مسلمانان در فلسطین اشغالی، از رشد جمعیت مهاجران صهیونیست به آن کشور بیشتر است، به کمک قدرتها و دولتهای پشتیبانشان، باز نقشه های قدیمی خود در زمینه ی مهاجرت را شدت و شتاب بخشیدند؛ بنابراین مسئله ی اسرائیل از اینها بالاتر است.

تصوّر میشد که دولتهای عربی اسلامی مجاور سرزمین غصب شده، خواهند توانست، یا لاقلاً اراده خواهند کرد که از گسترش این غده ی سرطانی در قلب عالم اسلام و در آنجایی که سه قاره ی آسیا و آفریقا و اروپا به یکدیگر متصل میشود، مانع بشوند. در اوایل، این تصوّر را فلسطینیها و شاید بعضی دیگر میکردند؛ اما امروز ثابت شده است که جز حرکت ملتها و اراده ی مردم مسلمان در سرتاسر آفاق اسلامی، هیچ راه دیگری وجود ندارد. (1)

1376/3/14

رژیم صهیونیستی؛ پایگاهی برای استکبار در قلب جهان اسلام

ملت کُنونی صهیونیست اشغالگر، يك ملت ساختگی است. هیچ عنصری از عناصر اصلی يك ملت در اشغالگران نیست؛ از جاهای مختلف عالم، با دیدگاه های مختلف، با مناشی اجتماعی مختلف و با عقاید گوناگون آمده اند؛ صرفاً از جهت اینکه به نژاد بنی اسرائیل اتصال و ارتباط دارند! قرنها از هم جدا بوده اند، ولی آنها را به عنوان يك ملت تلقی کرده اند. يك ملت تصنعی و دروغین؛ برای اینکه بتوانند در این نقطه ی حسّاس از جهان - یعنی قلب خاورمیانه و قلب جهان اسلام - پایگاهی برای استکبار باشند. روز اول، انگلیسیها آنها را به وجود آوردند؛ امروز هم رژیم امریکا حدّاكثر استفاده را از آن میبرد و اهداف استکباری خود را تأمین میکند. (2)

(1). در خطبه های نماز عید فطر.

(2). در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 114

رژیم صهیونیستی؛ پایگاهی برای سلطه بر دنیای اسلام

امروز دشمنان دنیای اسلام سعی میکنند دنیای اسلام را تگه تگه کنند؛ سعی میکنند رژیم اشغالگر فلسطین را به عنوان پایگاهی برای سلطه بر دنیای اسلام به کار گیرند. امروز بسیاری از مشکلات دنیای اسلام، به وجود صهیونیستها در قلب دنیای اسلام بر میگردد؛ ما نمیتوانیم از این قضیه، آسان صرف نظر کنیم. (1)

1378/10/10

تأسیس کشور اسرائیل؛ توطئه ی مشترک استعمار و یهود

اصل ماجرای فلسطین چیست؟ اصل ماجرا این است که يك عدّه از یهودیان متنفّذ در دنیا به فکر ایجاد يك کشور مستقل برای یهودیها افتادند. از فکر اینها دولت انگلیس استفاده کرد و خواست مشکل خود را حل کند. البتّه آنها قبلاً به فکر بودند به اوگاندا بروند و آنجا را کشور خودشان قرار دهند. مدّتی به فکر افتادند به طرابلس، مرکز کشور لیبی بروند؛ لذا رفتند با ایتالیاییها - که آن وقت طرابلس در دست آنها بود - صحبت کردند؛ اما

ایتالیاییها به اینها جواب رد دادند؛ بالاخره با انگلیسیها کنار آمدند. انگلیسیها آن وقت در خاورمیانه اغراض بسیار مهمّ استعماری داشتند؛ دیدند خوب است که اینها به این منطقه بیایند. اوّل به عنوان يك اقلّیت وارد شوند، بعد بتدریج توسعه پیدا کنند و گوشه یی را، آن هم گوشه ی حسّاسی را بگیرند - چون کشور فلسطین در نقطه ی حسّاسی قرار دارد - و دولت تشکیل دهند و جزو متّحّدين انگلیس باشند و مانع شوند از اینکه دنیای اسلام - بخصوص دنیای عرب - در آن منطقه اتّحادی به وجود آورد. درست است که اگر دیگران هوشیار باشند، دشمن میتواند اتّحاد ایجاد کند؛ اما دشمنی که از بیرون آن طور حمایت میشود، با ترفندهای جاسوسی و با روشهای گوناگون میتواند اختلاف ایجاد کند، که همین کار را هم کرد: به یکی نزدیک شود، یکی را بزند، یکی را بکوبد، با یکی سختی کند. بنابراین، در درجه ی اوّل کمک کشور انگلیس و بعضی کشورهای

(1). در اجتماع مردم شهرستان تربت جام.

ص: 115

غربی دیگر بود. بعد اینها بتدریج از انگلیس جدا و به امریکا متصل شدند. امریکا هم اینها را تا امروز زیر بال خودش گرفته است. (1)

1379/7/29

تشکیل رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از اتحاد دنیای اسلام

رژیم صهیونیستی در سرزمین مغضوب فلسطین، یک رژیم نژادپرست است. مگر از یک رژیم نژادپرست میشود انتظار عدالت داشت؟! رژیم که به وسیله ی قدرتمندان سیاسی و اقتصادی دنیا به وجود آمده است، اصلاً برای این به وجود آمده است که نگذارد دنیای اسلام، اتحادی به خود ببیند، عزتی به خود ببیند، نگذارد مسلمانها یک واحد عظیم تشکیل دهند که مبادا خطر بشوند؛ برای این اصلاً به وجود آمده است. از او میشود انتظار انصاف و عدالت داشت؟! (2)

1379/9/25

غصب فلسطین برای تداوم سلطه ی استعمارگران بر دنیای اسلام

اساساً تشکیل دولت یهودی - یا به تعبیر درست تر، دولت صهیونیست - در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدف بلند مدت استکباری به وجود آمد. اصلاً به وجود آوردن این دولت در این نقطه ی حساس، که تقریباً قلب دنیای اسلام است - یعنی قسمت غرب اسلامی را که آفریقا است، به قسمت شرق اسلامی که همین خاورمیانه و آسیا و مشرق است، متصل میکند و یک سه راهی است بین آسیا و آفریقا و اروپا - برای این بود که در بلند مدت، تداوم سلطه ی استعمارگران آن روز - که در رأسشان دولت انگلیس بود - بر دنیای اسلام باقی بماند و این طور نباشد که اگر یک وقت دولت اسلامی مقتدری - مثل دورانهایی از حکومت عثمانی - به وجود آمد، بتواند جلوی نفوذ استعمارگران و انگلیس و فرانسه و دیگران

را در این منطقه بگیرد؛ لذا یک پایگاه برای خودشان درست کردند.

تشکیل دولت صهیونیستی در فلسطین؛ خواست استعماری دولت انگلیس

بنابراین، طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آنجا، بیش از آنچه که آرزوی مردم یهود باشد، یک خواست استعماری دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان، بسیاری از

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در اجتماع بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی - رزمی یاران امام علی (علیه السلام).

ص: 116

یهودیه‌ها اعتقادشان این بود که احتیاجی به این دولت نیست؛ این دولت به نفعشان نیست؛ لذا گریزان بودند. بنابراین، این یک آرزو و ایده‌ی یهودی نبود؛ بیشتر یک ایده‌ی استعماری و یک ایده‌ی انگلیسی بود. البته بعد که به وسیله‌ی امریکا گوی سیاست دنیا و گوی استکبار از دست انگلیس ربوده شد، این هم جزو همان ابواب جمع موارث استعماری بود که به امریکا رسید و امریکاییها حداکثر استفاده را کردند و الان هم استفاده میکنند. (1)

1380/2/4

هدف از اشغال فلسطین؛ جلوگیری از اتحاد و پیوستگی مسلمانان

اشغال این سرزمین بر اساس یک طرح چندجانبه، پیچیده و با هدف جلوگیری از اتحاد و پیوستگی مسلمانان و پیشگیری از تأسیس مجدد حکومت‌های قدرتمند مسلمان بود. دلایلی در دست است که نشان میدهد صهیونیستها با نازیهای آلمان روابط نزدیک داشتند و ارائه‌ی آمارهای اغراق آمیز از کشتار یهودیان، خود وسیله‌ی بی برای جلب ترحم افکار عمومی و زمینه سازی برای اشغال فلسطین و توجیه جنایات صهیونیستها بوده است. حتی دلایلی در دست است که عده‌ی بی از ارادل و اوباش غیریهودی شرق اروپا را به نام یهودی به فلسطین کوچانیدند، تا با پوشش حمایت از بازماندگان قربانیان نژادپرستی، یک حکومت معاند اسلام را در قلب جهان اسلام نصب کنند و پس از سیزده قرن، یک گسستگی بین مشرق و مغرب اسلامی ایجاد نمایند. در آغاز، مسلمانان غافلگیر شدند؛ چون از گنه طرح صهیونیستها و حامیان غربی آنها مطلع نبودند. عثمانی شکست خورد؛ قرارداد «سایکس پیکو» به طور محرمانه برای تقسیم کشورهای اسلامی خاورمیانه بین فاتحین جنگ منعقد شد؛ جامعه‌ی ملل قیمومیت فلسطین را به عهده‌ی انگلیسیها گذاشت؛ آنها هم به صهیونیستها وعده‌ی مساعدت دادند و با مجموعه‌ی بی از طرحهای حساب شده، یهودیان را به فلسطین آوردند و مسلمانان را از خانه و کاشانه‌ی خویش آواره کردند. (2)

(1). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

(2). در مراسم گشایش کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین.

ص: 117

رژیم غاصب اسرائیل؛ ابزار کنترل و تسلط غرب بر منطقه ی خاورمیانه

از جنگ بین الملل دوم، تقریباً کار تسلط بر منطقه ی خاورمیانه تمام شده بود. از سالها قبل، استعمار شروع کرده بود و در این دوره، کار را تمام شده میدید. عراق يك جور زیر سلطه، ایران جور دیگر، کشورهای عربی - اردن و سوریه و لبنان و مصر و کشورهای دیگر - هر کدام به نحوی زیر سلطه ی سنگین استعمارگران و سلطه گران غربی و اروپایی و سپس امریکایی بودند. برای محکم کردن کار، رژیم غاصب اسرائیل را هم در این منطقه ی حسّاس به وجود آوردند، تا مطمئن باشند که غرب به وسیله ی صهیونیستها، در این منطقه ی حسّاس، وجود محسوس و نظامی و سیاسی و فعّالی دارد و همه چیز را کنترل کند. (1)

(1). در مراسم سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 118

اسرائیل؛ دولتی بی اصل و نسب و جعلی، با ملتی دروغی

در فلان گوشه ی دنیا حادثه یی اتفاق افتاده است؛ فوراً صهیونیستها دهانهای کثیفشان را باز میکنند و اسم جمهوری اسلامی را می آورند. شما چه حق دارید که با آن نفسهای پلیدتان نسبت به جمهوری اسلامی قضاوت کنید؟! جمهوری اسلامی، حکومتی طیب و طاهر و متکی به يك ملت مؤمن و سرافراز و اصیل و ریشه دار است. شما چه هستید؟ دولت بی اصل و نسب؛ دولت جعلی؛ ملت دروغی. از اطراف دنیا آدمهای شریر را گرد آوردند و ملغمه یی به اسم «اسرائیل» درست کردند!

اشغالگران؛ مجموعه یی از انسانهای خبیث، شریر، طماع، دزد و آدمکش

این ملت است؟! هر جا یهودیهای شریر و خبیثی بودند، در آنجا جمع شدند. در اغلب کشورها، یهودیها هستند و زندگی میکنند - در کشور ما هم هستند که زندگی شان را میکنند - کاری به کار کسی ندارند، کسی هم به آنها کاری ندارد؛ کشورشان است و در آن زندگی میکنند. آنهایی که به سرزمینهای اشغالی رفتند، خبیثها، شریرها، طماعها، دزدها و آدمکشها بودند که از همه جای دنیا جمع شدند. این شد يك ملت؟!!

ملت و دولتی که این طور به وجود آمده است و اسم خودش را اسرائیل گذاشته، غیر از راه ترور، راهی ندارد؛ حرف حسابی ندارد. آن وقت، چنین موجوداتی با این دنائت و پستی و پلیدی، میخواهند دولت و ملت نورانی و سربلند و عزیزی مثل ایران را در افکار

عمومی جهان متهم کنند. خود آنها از همه متهم تر، مجرم تر و روسیاه ترند. (1)

1373/7/13

مردم بومی فلسطین؛ شهروندان حقیقی فلسطین

حقایق عالم با بازیهای سیاسی و پیشامدهای فصلی و موسمی، تغییر پذیر نیست. فلسطین متعلق به فلسطینیان است. حکومت صهیونیستی يك دولت غاصب و دروغین است. اسرائیل هیچ شهروند حقیقی جز مردم بومی فلسطین ندارد. آنهایی که از اطراف دنیا جمع شده اند تا خانه ی فلسطینیان را تصاحب کنند، به همت ملت های مسلمان، روزی مجبور خواهند شد که این خانه را به صاحبانش مسترد کنند. آن روز ممکن است زود یا دیر باشد؛ اما حتمی و آمدنی و تخلف ناپذیر است. (2)

1373/8/5

اداره کنندگان دولت اشغالگر صهیونیستی؛ بیگانگانی از کشورهای مختلف دنیا

مگر نه این است که شاید بدون استثنا همه ی کسانی که امروز دولت اشغالگر صهیونیستی را اداره میکنند، بیگانگانی هستند که در طول چند ده سال گذشته، از کشورهای مختلف دنیا در آنجا جمع شده اند؟ مگر این طور نیست؟ کدامشان فلسطینی اند؟ کدامشان فلسطینی بوده اند؟ مگر بیگانه نیستند؟ مدعیان دموکراسی و طرفداری از حقوق بشر که در حقیقت ضد بشرند، چرا يك حقیقت واضح را این طور ندیده میگیرند؟ مگر مردم فلسطین، اهل آن سرزمین نیستند که امروز در حکومت آنجا هیچ نقشی ندارند؟ (3)

1374/11/19

این ملت و دولت، معتقدند که غصب، کار زشتی است. غصب يك خانه، مذموم است. غصب هزار خانه، هزار برابر مذموم است. غصب

(1). در دیدار جمعی از پرسنل نیروی انتظامی، کارکنان سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بهزیستی و اساتید و دانشجویان دانشگاه ها.

(2). در مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان دانشگاه افسری و اعطای سردوشی به دانشجویان جدید.

(3). در صحن حرم حضرت عبدالعظیم الحسنی (علیه السلام).

ص: 120

ملت اسرائیل؛ يك موجودیت دروغین، تصنعی و فرمایشی

چند میلیون خانه - یعنی يك کشور - چند میلیون برابر مذموم است. معتقدند که اسرائیل، وجودش يك وجود دروغین و تصنعی و فرمایشی است، نه يك وجود حقیقی. اصلاً ملتی به نام ملت اسرائیل وجود ندارد. از گوشه و کنار دنیا و از شرق و غرب عالم، بر اساس نژاد - وگرنه به آن دین هم صهیونیستها چندان معتقد نیستند - جماعتی را جمع کردند، يك حکومت نژادپرست تشکیل دادند و صاحبان این خانه - فلسطین - را بیرون کردند. این ممنوع است، این غصب است، این زشت و غیرقابل قبول است. این را هم ملت و هم دولت ایران معتقدند. با چنین اعتقادی، ملت و دولت ما به طور قاطع میگویند: چیزی که امروز به نام صلح در خاورمیانه جریان دارد، صلح به معنای واقعی نیست. این توافق برای ظلم به يك ملت است؛ این يك کار خلاف است. لذا تسلیم نمیشوند. نه ملت ایران قبول دارد و نه دولت قبول دارد. (1)

1375/1/4

متکی نبودن دولت غاصب صهیونیستی بر يك ملت

پلیدتر از امریکا، دولت صهیونیست در فلسطین اشغالی است. چرا؟ چون بالاخره دولت امریکا، يك دولت و متکی به يك ملت است. در صورتی که اساساً دولت غاصب صهیونیستی، متکی بر يك ملت نیست! ملت ساکن آن مناطق، ملتی است که امروز آواره است! اسرائیل، از اول با ظلم و آدمکشی، با دروغ و فریب به وجود آمده است. در آن روز يك عده افراد زورگو و متجاوز، با پشتیبانی دولت انگلیس به منطقه ی فلسطین آمدند، اهالی آن منطقه را بیرون کردند و فرزندان و بازماندگان آنها - بیش از يك میلیون نفر - هنوز هم در زیر چادرها و در شرایط اردوگاهی زندگی میکنند! زیر چادر، یا چیزی شبیه چادر، در کوخها زندگی میکنند! مردم فلسطین، در خارج از فلسطین، با حال کوخ نشینی و اردوگاه نشینی زندگی میکنند.

اسرائیل با ملتی جعلی، دروغین و بی هویت

خانه های آنها و وطن آنها در اختیار کسانی است که از اروپا، از استرالیا، از امریکا، از آسیا و از آفریقا به آنجا رفته اند و يك ملت جعلی و

(1). در دیدار پرسنل نیروی هوایی ارتش.

ص: 121

دروغین به وجود آورده اند و در آنجا به نام يك ملت، زندگی میکنند و دولتی هم دارند! اساساً چنین ملتی، وجود و هویتی ندارد. (1)

1376/3/14

ملت کنونی صهیونیست اشغالگر؛ ملتی ساختگی و دروغین

ملت کنونی صهیونیست اشغالگر، يك ملت ساختگی است. هیچ عنصری از عناصر اصلی يك ملت در اشغالگران نیست. از جاهای مختلف عالم، با دیدگاه های مختلف، با مناشئ (2) اجتماعی مختلف و با عقاید گوناگون آمده اند؛ صرفاً از جهت اینکه به نژاد بنی اسرائیل اتصال و ارتباط دارند! قرنهای از هم جدا بوده اند، ولی آنها را به عنوان يك ملت تلقی کرده اند. يك ملت تصنعی و دروغین؛ برای اینکه بتوانند در این نقطه ی حساس از جهان - یعنی قلب خاورمیانه و قلب جهان اسلام - پایگاهی برای استکبار باشند. روز اول، انگلیسیها آنها را به وجود آوردند؛ امروز هم رژیم امریکا حداکثر استفاده را از آن میبرد و اهداف استکباری خود را تأمین میکند. (3)

1379/5/5

اسرائیل؛ يك وجود جعلی و يك ملت دروغین

دشمن، فقط امریکا نیست؛ اسرائیل هم دشمن اصلی است؛ آن هم دلایل خاص خودش را دارد. اسرائیل - همان طور که من بارها گفته ام - یعنی يك وجود جعلی، يك ملت جعلی و يك ملت دروغین. از روسیه، از اروپای شرقی، از امریکا، از کشورهای اسلامی و از ایران خود ما چند میلیون یهودی را برده اند يك جا اسکان داده اند و اسم آنها را گذاشته اند يك ملت! آنها يك ملت نیستند؛ هر کدام مال يك ملتند. اگر به توفیق خدا دولت صهیونیستی متلاشی شود - که این روز یقیناً در پیش است؛ حالا کی، نمیتوانم بگویم؛ اما یقین دارم که چنین روزی پیش خواهد آمد - آن وقت شما جوانها ان شاءالله حتماً خواهید

(1). در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) در صحن حضرت امام خمینی (رحمه الله).

(2). ریشه ها.

(3). در اجتماع با شکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 122

دید - ما ممکن است ببینیم، ممکن است نبینیم - اکثریت این جمعیتی که امروز در اسرائیل هستند، از آنجا به مناطق خودشان خواهند رفت. (1)

1379/7/29

اسرائیل؛ ملت جعلی به جای ملت با فرهنگ و تاریخ و سابقه ی فلسطین

این خیال خامی است که شما خیال کنید يك ملت را میشود از صفحه ی تاریخ محو کرد و به جای آن يك ملت جعلی به وجود آورد! ملت فلسطین؛ فرهنگ دارد، تاریخ دارد، سابقه دارد، تمدن دارد. هزاران سال این ملت در این کشور زندگی کرده است؛ آن وقت شما بیاید این ملت را از خانه ی خودش، از شهر خودش، از تاریخ خودش جدا کنید و بیرون برانید و بعد يك عده مهاجر را، ولگرد را، آدمهای جورواجور را، سودطلبها را از کشورهای دنیا جمع کنید و يك ملت جعلی به وجود آورید؟! مگر این شدنی است؟! چند صباحی با زور و با فشار کار را انجام میدهید؛ مگر این کارها ممکن است ادامه پیدا کند؟! همچنان که ادامه پیدا خواهد کرد و امروز نشانه هایش بروز کرده است. (2)

1380/2/4

ملت سازی برای رژیم صهیونیستی

دلایلی در دست است که نشان میدهد صهیونیستها با نازیهای آلمان روابط نزدیک داشتند و ارائه ی آمارهای اغراق آمیز از کشتار یهودیان، خود وسیله یی برای جلب ترحم افکار عمومی و زمینه سازی برای اشغال فلسطین و توجیه جنایات صهیونیستها بوده است؛ حتی دلایلی در دست است که عده یی از ارادل و اوپاش غیر یهودی شرق اروپا را به نام یهودی به فلسطین کوچانیدند، تا با پوشش حمایت از بازماندگان قربانیان نژادپرستی، يك حکومت معاند اسلام را در قلب جهان اسلام نصب کنند و پس از سیزده قرن، يك گسستگی بین مشرق و مغرب اسلامی ایجاد نمایند. (3)

(1). در دیدار جوانان استان اردبیل.

(2). در اجتماع بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی - رزمی یاران امام علی (علیه السلام).

(3). در مراسم گشایش کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 123

مردم اسرائیل؛ سیاهی لشکر عناصر صهیونیسم

يك نفر پیدا میشود درباره ی مردمی که در اسرائیل زندگی میکنند، اظهار نظری میکند. البته این اظهار نظر، اظهار نظر غلطی است. اینی که گفته شود ما با مردم اسرائیل هم مثل مردم دیگر دنیا دوستیم! این حرف درستی نیست؛ حرف غیرمنطقی بی است. مگر مردم اسرائیل کی هاینده؟ همان کسانی هستند که غصب خانه، غصب سرزمین، غصب مزرعه، غصب تجارت به وسیله ی همینها دارد انجام میگیرد. سیاهی لشکر عناصر صهیونیسم، همینها هستند. نمیشود ملت مسلمان نسبت به افرادی که این جور عامل دست دشمنان اساسی دنیای اسلام هستند، بی تفاوت باشد. نه، ما با یهودیها هیچ مشکلی نداریم، با مسیحیها هیچ مشکلی نداریم، با اصحاب ادیان در دنیا هیچ مشکلی نداریم؛ اما با غاصبان سرزمین فلسطین چرا؛ مشکل داریم. غاصب هم فقط رژیم صهیونیستی نیست.

غاصب دانستن صهیونیستهای اسرائیلی؛ موضع نظام، انقلاب و مردم درباره ی مردم اسرائیل

این موضع نظام است، این موضع انقلاب است، موضع مردم است. حالا کسی حرف اشتباهی میزند، عکس العمل هایی هم در مقابل آن نشان داده میشود. خوب، مسئله را باید تمام کرد. اینکه يك روز يك نفر از این طرف بگوید، یکی از آن طرف بگوید، یکی این جور استدلال کند، یکی از آن طرف حرف بزند، درست نیست. این التهاب آفرینی است. حرفی بود، گفته شد و اشتباه بود و تمام. موضع دولت جمهوری اسلامی هم این نیست.

این با کشورهای دیگر فرق میکند که مردمش روی سرزمین غصبی بی نشستند. شهرکهای یهودی نشین، امروز به وسیله ی همین مردمی که گفته میشود مردم اسرائیل هستند و به وسیله ی همینها پر شده؛ همینها هستند که دولت جعلی صهیونیست، اینها را مسلح کرده است علیه مردم مسلمان فلسطینی، که فلسطینیها جرأت نکنند نزدیک این شهرکها بشوند.

خب؛ این حرف خطایی بود، حرف درستی نبود. این را نباید وسیله ی التهاب قرار داد. من خواهش میکنم از همه، این جور مسائل کوچک و مسائل جزئی را - حرفی که بر زبان کسی جاری میشود؛ مطلبی گفته

میشود - وسیله‌ی قرار ندهند برای اینکه مدّتی جریان سازی و مسئله آفرینی در سرتاسر کشور بشود؛ یک عدّه مخالف، یک عدّه موافق، سر قضیه‌ی بی‌پوچ. موضع نظام هم معلوم است. تمام شد. (1)

(1). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

ص: 125

رژیم صهیونیستی و رؤیای نیل تا فرات

مسئله‌ی دیگری که باز اگرچه مربوط به گذشته است، اما در وضع کنونی ما تأثیر دارد و ما نسبت به آن شدیداً علاقه مند هستیم، مسئله‌ی فلسطین است. مثل دیروزی، دولت صهیونیستی غاصب و غیرقانونی، به کمک همین استکبار جهانی، در قلب دنیای اسلام - تقریباً در یکی از مهمترین مناطق اسلامی - تشکیل شد. امروز 38 سال از این حادثه‌ی بسیار فاجعه آمیز میگذرد. به نظر من امروز ارزیابی وجود دولت صهیونیستی برای مسلمانهای دنیا واجب است. دولت صهیونیستی در اینجا - همان طور که امام تعبیر کردند - يك غده‌ی سرطانی است؛ خودش وجود دارد، رگ و ریشه اش در اطرافش وجود دارد؛ روزبه روز این غده رو به توسعه است، روزبه روز خطر او بیشتر میشود. ساده لوحانی که در کشورهای عربی دارند راه میروند و میخورند و می آشامند، و مغرضان خبیثی که آنها را به این بی خیالی سوق میدهند، خیال کردند که خطر دولت صهیونیستی با عدم تعرض به او تمام میشود؛ خیال کردند دولت صهیونیستی، دولت اهل صلح و صفاست؛ خیال کردند که آتش بس با صهیونیستها معنا دارد. کدام آتش بس؟ کدام صلح و صفا؟ کدام صلح و صفا با آن خائن غاصبی که به همان اندازه بی هم که غصب کرده، قانع نیست؟

محدوده‌ی جغرافیایی نیل تا فرات در افکار رهبران صهیونیستی

امروز رهبران صهیونیستی از بس ماها گفتیم و تکرار کردیم، جرأت نمیکنند به زبان بیاورند، اما تا همین چند سال قبل هم داعیه‌ی کشور

صهیونیستی از نیل تا فرات را بر زبان جاری میکردند. از نیل تا فرات یعنی چه؟ یعنی غیر از کشور فلسطین غصب شده؛ اردن، لبنان، سوریه، مصر و عراق هم متعلق به آنهاست! صهیونیستهای خبیث دنبال چنین نقشه بی هستند. و قدرتهای جهانی برای اینکه خطر اسلام را از این منطقه برای همیشه از بین ببرند، چاره بی جز این ندارند و تدبیرشان همین است و لا-غیر، که این حکومت صهیونیستی را تقویت کنند، شاید بتواند قدرت و سلطه پیدا کند. تا حالا که اینها راضی و قانع نیستند به آنچه که دارند. دائماً دم از این میزنند که ما از سوی عربها تهدید میشویم، ما ممکن است از طرف آنها مورد حمله و تجاوز قرار بگیریم؛ این را بهانه قرار میدهند؛ به مصر حمله کردند، به سوریه حمله کردند، به اردن حمله کردند، اخیراً به لبنان حمله کردند، باز هم ممکن است حمله کنند. (1)

1371/1/7

پای بندی صهیونیستها به هدف نیل تا فرات

صهیونیستها از اهداف خودشان منصرف نیستند. هدف «از نیل تا فرات» را که بر زبان آورده اند، پس نگرفته اند. هنوز هم قصدشان این است که از نیل تا فرات را بگیرند! منتها، استراتژی صهیونیستها این است که ابتدا با حيله و ترفند، جای پای خودشان را قرص کنند و بعد که جای پا محکم شد، با فشار و حمله و آدمکشی و استفاده از زور و خشونت، تا جایی که میتوانند، پیش بروند! اینها همین که با يك مقابله ی جدی - چه مقابله ی سیاسی و چه نظامی - روبه رو شوند، متوقف میشوند و باز در خط حيله و ترفند میروند، تا بتوانند با مکر، يك قدم دیگر به جلو بردارند! وقتی يك قدم به جلو برداشتند، مجدداً همان فشار و خشونت را اعمال میکنند.

این کاری است که از شصت، هفتاد سال پیش تا به امروز انجام داده اند؛ یعنی بیست و پنج سال قبل از آنکه فلسطین را رسماً اشغال کنند، همین روش را انجام دادند. اینها ابتدا که وارد فلسطین شدند، نگفتند «ما مهاجر به فلسطین می آوریم.» مردم فلسطین تعجب

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 127

میکردند که اینها چه کسانی هستند که می آیند؟! به دروغ گفتند «متخصص می آوریم!»

مطالبی که میگویم، مستند است؛ در اسناد وزارت خارجه ی انگلیس بوده که افشا شده است. بعضی از وزارتخانه های امور خارجه ی دنیا، اسناد قدیمی و کهنه را منتشر میکنند و در اختیار همه قرار میگیرد. اسنادی که عرض میکنم، امروز بعد از شصت، هفتاد سال در اختیار ما قرار گرفته است. در این اسناد، افسر انگلیسی یی که در فلسطین مسئول کاری بوده، در گزارش خود مینویسد: ما به مردم فلسطین گفتیم کسانی که وارد فلسطین میشوند، متخصص و مهندسان؛ دکترند و فلان و بهمانند که می آیند کشور شما را آباد کنند! وقتی هم سرزمین شما را آباد کردند، میروند.

همین افسر انگلیسی در نامه یی نوشته است: ولی ما به این مردم، دروغ میگوییم! یهودیان فاقد تخصص و بی هنر را از اطراف دنیا جمع کردند به فلسطین بردند و امکانات و زمین و همه چیز در اختیارشان گذاشتند؛ چون میخواستند صاحبان اصلی فلسطین را از آن کشور بیرون کنند! از اول، با ترفند وارد شدند و همین که جای پایشان محکم شد، دست به حمله زدند. در سال 1948 میلادی، تشکیل دولت اسرائیل را اعلام کردند و يك سال بعد از آن هم، به مصر و دیگر کشورهای مسلمان حمله ور شدند؛ برای اینکه سرزمین بیشتری را بگیرند. وقتی که توی دهانشان خورد، مدتی صبر کردند. البته زمین زیادی گرفتند، اما چون دیگر نتوانستند پیش بروند، متوقف شدند و باز به حيله گری پرداختند، تا ببینند چگونه می توانند جای پای جدیدی پیدا کنند.

به همین ترتیب، تا امروز پیش آمده اند. امروز حيله گری آنها، همین ایجاد «کنفرانس فلسطین» یعنی کنفرانس برای شناسایی اسرائیل است. همین کنفرانس ژنو و دیگر مجامع جهانی، که امریکا کارگردانی میکند، ترفند اینهاست. به مجرد اینکه اعراب، اینها را به رسمیت بشناسند و این مانع که مانع مهمی است، از سر راه صهیونیستها برداشته شود، باز نوبت زور و خشونت و خباثت آنها میشود. هم اکنون

نیز در لبنان به خباثت و خشونت متوسل شده اند. این، وضع رفتار استکبار خبری با قضیه ی صهیونیسم و غصب فلسطین است. به نظر من، گزنده ترین حوادث فلسطین این است که واقعیتها چنین وارونه شده است و معکوس نشان داده میشود. (1)

1374/12/1

یک روز صهیونیستهای غاصب با پشتیبانی قدرت استعمارگر آن روز دنیا - یعنی انگلیسیها - آمدند در قلب کشورهای اسلامی و در نقطه ی حساس فلسطین، گوشه یی را گرفتند؛ بعد هم ادعای تشکیل دولت کردند و صاحب خانه ها را بیرون راندند. بعد از آن، دائماً به این طرف و آن طرف حمله و تجاوز کردند و زمینها را توسعه دادند، تا تمام سرزمین فلسطین و بخشی از اردن و لبنان و سوریه را تصرف کردند.

توسعه طلبی و تجاوزگری رژیم صهیونیستی

امروز، تصرف غاصبانه ی آنها، مخصوص فلسطین نیست. اگر بتوانند، باز هم این تجاوز و توسعه طلبی را ادامه خواهند داد. امروز، شرایط دنیا برایشان آماده نیست؛ صبر میکنند، آن وقتی که احساس کردند شرایط اطرافشان آماده است و میتوانند، آن وقت باز هم تجاوز را ادامه خواهند داد.

آنها به این چیزهایی که امروز در اختیارشان است، قانع نیستند. آنها معتقدند که از آن طرف تا مدینه و از این طرف تا فرات، متعلق به آنهاست! آنها کشور عظیمی که منابع آبی کافی در اختیار داشته باشند، میخواهند. آنها در صددند بر تمام کشورهای اطراف خود و بر تمام منطقه ی خاورمیانه، سلطه ی اقتصادی و سیاسی و نظامی و اجتماعی داشته باشند. آنها به آنچه که امروز دارند، قانع نیستند.

کسانی که خیال میکنند اگر به زور و فشار امریکا، با صهیونیستهای متجاوز، پشت میز مذاکره نشستند، خود را از درگیری با این متجاوز و غاصب راحت خواهند کرد، اشتباه میکنند. آن رژیم غاصب نمیگذارد آنها راحت بمانند. اگر هم میگذاشت، حق نداشتند به خاطر فشار

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 129

ایجاد اسرائیل بزرگ؛ هدف اساسی صهیونیسم

هدف اسرائیل، توسعه است. دولت صهیونیستی به سرزمین فلسطین فعلی هم قانع نیست. اول يك وجب جا میخواستند، بعد نصف زمین فلسطین را گرفتند، بعد همه ی سرزمین فلسطین را گرفتند، بعد به کشورهای همسایه ی فلسطین - مثل اردن و سوریه و مصر - تجاوز کردند و زمینهای آنها را گرفتند. الان هم هدف اساسی صهیونیسم، ایجاد اسرائیل بزرگ است. البته این روزها کمتر اسم می آورند؛ سعی میکنند کتمان کنند. باز هم به افکار عمومی دروغ میگویند. چرا؟ چون در این مرحله یی که الان هستیم، احتیاج دارند که هدفهای توسعه طلبانه ی خود را کتمان کنند! گرفتاری یی که امروز صهیونیستها دارند، این است که به صلح احتیاج مبرم دارند. چرا؟ چون بعد از سال 1947 تا سال 1967 مبارزه یی نبود و آن بیست سال در حال خوبی نگذشت. بعد هم که مبارزات مسلحانه شروع شد. این مبارزات مسلحانه از بیرون سرزمین فلسطین بود؛ همین سازمان آزادیبخش و بقیه ی گروه ها، مرکزشان در اردن یا در سوریه یا در جاهای دیگر بود. گروه هایی را میفرستادند و حمله یی میکردند و ضربه یی میزدند و عقب میکشیدند. در داخل سرزمین فلسطین، سازمان مبارزی شکل نگرفته بود. در داخل سرزمین، مردم مرعوب بودند و نمیتوانستند هیچ حرکتی بکنند.

اما بعد از انقلاب اسلامی، دو اتفاق مهم افتاد. یکی اینکه نهضت فلسطین - که يك نهضت غیر دینی بود - به يك نهضت اسلامی تبدیل شد و مقاومت اسلامی به وجود آمد و رنگ اسلامی گرفت. همان مبارزانی هم که از بیرون مبارزه میکردند - مثل کسانی که از لبنان یا مناطق دیگر به اسرائیل حمله میکردند و به آنها ضربه میزدند - با انگیزه ی اسلامی، که يك انگیزه ی بسیار قوی است، وارد میدان

(1). در خطبه های نماز عید فطر.

شدند. ثانیاً، «انتفاضه» به وجود آمد. «انتفاضه»، یعنی قیام و شورش در داخل سرزمین و وطن مغضوب. از این قیام میترسند؛ چون برایشان خیلی مهم است. البته سعی میکنند مطلب را آن چنان که هست، منعکس نکنند؛ اما مبارزات مردم فلسطین در داخل سرزمین فلسطین، برای رژیم صهیونیستی شکننده و کوبنده است؛ ستون فقراتشان را میشکافد. چرا؟ به خاطر اینکه اینها به یهودیانی که از سراسر دنیا در این منطقه جمع کرده اند، وعده دادند که در اینجا امنیت و راحتی و زندگی خوش هست و گفتند بیاید در اینجا آقایی کنید؛ اما حالا اینها طاقت برخورد با این نسل نوحاسته و صاحبان اصلی این سرزمین را که امروز بیدار شده اند، ندارند.

از نیل تا فرات؛ سرزمین موعود صهیونیستها

ارکان نظام صهیونیستی متزلزل است؛ لذا اینها الان مجبورند که با دولتهای منطقه هرطور هست، مسئله ی صلح را تمام کنند، تا بتوانند به مسئله ی داخلی خودشان برسند. این قضیه ی به اصطلاح صلح با سازمان آزادیبخش فلسطین و قضیه ی عرفات هم دنباله ی همین است. آنها خواستند يك عنصر فلسطینی را داخل طرح سازش بیاورند؛ شاید بتوانند فلسطینیهای مبارز را در داخل سرزمینهای اشغالی ساکت کنند؛ اما نتوانستند. امروز با این خصوصیات، دیگر دولت غاصب صهیونیست جرأت نمیکند مسئله ی اصلی خودش را - که توسعه ی نیل تا فرات است - مطرح کند. سرزمین موعود صهیونیستها، به گمان باطلشان، از رود نیل تا فرات ادامه دارد. هرچه اش را نگرفتند، باید بعد از این بگیرند؛ برنامه شان این است! الان جرأت نمیکند این را به زبان بیاورند. (1)

1382/5/15

نقشه ی اسرائیل بزرگ؛ هدیه ی رئیس جمهور جنگ طلب امریکا به نخست وزیر رژیم صهیونیستی

در ملاقاتی که هفته ی پیش نخست وزیر صهیونیستی با رئیس جمهور امریکا داشت، آن طور که در خبرها آمده بود، رئیس جمهور امریکا نقشه ی اسرائیل بزرگ - از نیل تا فرات - را به نخست وزیر رژیم صهیونیستی هدیه داد! معنای این کار چیست؟ کشورهای اسلامی

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز جهانی قدس.

ص: 131

چطور میتوانند به حرفهای اینها حسن ظن داشته باشند؟ چطور میتوانند به امریکا به چشم يك حکم در قضیه ی فلسطین نگاه کنند؟ شعار «از نیل تا فرات»، شعار تجاوزگرانه ی زورگویانه ی غاصبانه ی نابحق و باطلی است که خود صهیونیستها این اواخر آن را انکار میکردند و میگفتند این حرفها دروغ است؛ اما الان جنگ طلب ها و جنگ سالارهای امریکایی به این شعار تظاهر میکنند! چهره ی اینها در دنیای اسلام آشکار شده است. گیرم در فلان کشور اسلامی یا عربی سرانشان جرأت نکنند حرف بزنند؛ ملتها که می فهمند و میشنوند. آن که در مقابل آنها خواهد ایستاد، ملتهايند. (1)

1384/1/17

طرح خاورمیانه ی بزرگ امریکا؛ نقشه یی برای سیطره ی کامل بر دنیای اسلام

امروز نقشه ی اساسی استکبار برای دنیای اسلام، سیطره ی کامل است. طرح خاورمیانه ی بزرگی که امریکاییها مطرح میکنند، عبارة اخرای ایجاد کشور بزرگی است به نام خاورمیانه، با مرکزیت رژیم صهیونیستی. همه ی دولتهایی که در این کشورها هستند، باید به دولتهای دست نشانده ی اسرائیل تبدیل شوند. معنای خاورمیانه ی بزرگ این است که ما يك عرصه ی عظیم بشری را در اختیار اسرائیل بگذاریم تا در آن، سرمایه گذاری و تولید ارزان کند و بر فربهی خود بیفزاید؛ و اگر افسانه ی نیل تا فرات را با شیوه ی نظامی نتوانست محقق کند؛ با شیوه ی اقتصادی، سیاسی، پولی و فنی آن را تأمین کند. امریکا - و به يك معنا باید گفت غرب - این را میخواهد. دنیای اسلام چرا باید تسلیم چنین خواسته یی شود؟ (2)

(1). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران.

(2). در دیدار رؤسای بانکهای مرکزی کشورهای اسلامی.

ص: 132

1361/9/19

همان بنی اسرائیلی که در قرآن این همه مورد مذمت پروردگار قرار گرفتند، امروز با دولت غاصب خودشان، میلیونها انسان مسلمان را زیر فشار و تحت امر گرفتند؛ در حقیقت دارند آنها را به هر جوری که خودشان میخواهند، میگردانند. امروز در منطقه، فعال مایشاء اسرائیل است؛ میلیونها مسلمان عرب هم آنجا دور و بر اسرائیل دارند زندگی میکنند. این نمک شناس ها، این کسانی که اسلام این همه به آنها لطف و محبت کرد و در طول این سالیان متمادی و قرنهای اینها با راحتی در جوامع اسلامی زندگی کردند، امروز دارند این جور با مسلمانها بد میکنند؛ حالا فاجعه ی صبرا و شتیلا يك نمونه ی معمولی و كوچك است.

فتنه انگیزی میان مسلمانان؛ جنایتی بزرگ تر از فاجعه ی صبرا و شتیلا

آن چیزهایی که قبلاً انجام دادند، یا چیزهایی که همین حالا دارند انجام میدهند؛ از تفرقه ی بین دولتهای اسلامی، و جدا کردن کشورهای اسلامی از هم، و فتنه انگیزی میان مسلمانها، و پیاده کردن سیاستهای استعماری امریکا در منطقه، و فشار شدید نظامی و سیاسی بر همه ی دولتهای همسایه شان، و کشاندن این دولتها به خط استکبار امریکایی، و چماق امریکا را همیشه روی سر اینها نگه داشتن، اینها جنایت بزرگ تری است که امروز اسرائیل دارد انجام میدهد. (1)

(1). تفسیر سوره ی صف.

ص: 133

جنایت آشکار صهیونیستها و دورویی مدعیان حقوق بشر

این همه فاجعه در دنیا دارد اتفاق می افتد؛ سرباز اسرائیلی جلوی دوربین تلویزیون، ساعد دست يك جوان را با سنگ و آجر میزند خرد میکند؛ حقوق بشر آنجا محکوم نمیشود؛ در ایران اسلامی که انتخاباتش با حضور میلیونی مردم، با آن شور و شوق، زیر موشک برگزار میشود، آزادی نیست و اختناق است و حقوق بشر پامال شده! (1)

1368/9/2

سرکوب خشونت بار مبارزان فلسطینی و سکوت مدعیان حقوق بشر

در فلسطین اشغالی، مسلمانانی که بی اعتنا به سازشکاریهای خائنانه، با دست خالی به مبارزات حق طلبانه ادامه میدهند، با روشهای خشن و غیر انسانی سرکوب میشوند و زن و کودک و پیرشان به دست سربازان دستور گرفته ی صهیونیست شکنجه و تارومار میشوند و از این همه مدعیان حقوق بشر، از دولتهای غربی، صدایی برنمی خیزد و امریکا و انگلیس و برخی دیگر، حمایت عملی و تشویق زبانی هم میکنند!

تروریسم و آدم ربایی مزدوران صهیونی

در لبنان، علاوه بر اردوگاه های آوارگان مظلوم فلسطینی، خانه و کاشانه ی مسلمانان لبنانی به وسیله ی جتهای اسرائیلی بمباران میشود و زن و مرد و پیر و جوان رهگذر و غیر نظامی به خاک و خون کشیده میشوند و روحانی موجه و محترمی، (2) نیمه شب به وسیله ی مزدوران صهیونی از خانه ی خود ربوده میشود، و از میان این همه دولت غربی که سالهاست محکوم کردن تروریسم و آدم ربایی را ترجیح بند همه ی حرفهای خود قرار داده و به قصد کسب وجهه، مدام هر دولت مخالف منافع خود را بدان متهم میدارند، حتی يك نفر هم در برابر این حرکتهای زشت و وحشیانه ی تروریستی، موضعی جدی نمیگیرد و از اینکه دولتی این طور قلدرانه به خانه ی مردم کشوری دیگر بمب بریزد، یا از آن آدم بریاید، متأثر نمیشود! (3)

(1). در جمع روحانیون قم.

(2). شیخ عبدالکریم عیید.

(3). پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج، به مناسبت سالروز انتشار پیام رهبر فقید انقلاب برای تشکیل بسیج مستضعفان و گرامیداشت هفته ی بسیج.

حقوق بشر؛ ترفند سردمداران امریکا

اینکه کسی ادعا کند ما طرفدار حقوق بشریم، قضیه را تمام نمیکند. طرح قضیه ی حقوق بشر از طرف سردمداران امریکا، چه حالا و چه در روزهای قبل، يك دکان و يك وسیله برای استفاده ی بیشتر است. اینها به حقوق بشر اعتقاد ندارند. اینها کسانی هستند که در مقابل چشمشان، حکومت صهیونیستی در کشور فلسطین، مردم فلسطین را به بدترین وجهی زیر فشار و کشتار و اختناق و شکنجه قرار میدهد و آنها حاضر نیستند حتی به زبان، عمل او را محکوم کنند. فلسطینها انسان نیستند؟! حقوق بشر شامل فلسطینها نمیشود؟! (1)

1369/1/24

عدم پای بندی رژیم صهیونیستی به هیچ اصل انسانی و قانون بین المللی

دولت اسرائیل، با اعمال جنایتکارانه ی خود در فلسطین و لبنان و بمباران وحشیانه ی اردوگاه ها و دزدی و آدم ربایی و فساد در داخل و خارج مرزهای فلسطین، نشان داده است که به هیچ اصل انسانی و هیچ قانون بین المللی پای بند نیست. آنها که گذشته ها را فراموش میکنند، چگونه میتوانند جنایات روزمره ی صهیونیستها در فلسطین و لبنان را که بی وقفه ادامه دارد، نادیده بگیرند؟! (2)

1370/7/3

امروز در دنیایی که بر اساس فرهنگ زور و نامردمی بنا شده است، همه ی ملتها باید روح دفاع از مصالحشان را در میان خود تقویت کنند. می بینید که چطور سیاستهای عالم بر اساس زور، ظلم و نادیده گرفتن حقوق انسانها میچرخد و اداره میشود. ملت فلسطین که يك ملت مظلوم است، با ظلم و جور و قساوت و نامردمی و تبعیض نژادی و نژادپرستی يك عده سرمایه دار و سیاستمدار ظالم در فلسطین اشغالی، از خانه ی خود اخراج شد. آنچه که در فلسطین اشغالی از مظاهر نژادپرستی انجام شده است، در کمتر جایی نظیر آن را میشود

(1). در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر حضرت رضا (علیه السلام).

(2). پیام به مناسبت روز جهانی قدس.

ص: 135

مشاهده کرد؛ مثل آفریقای جنوبی. منتها در آفریقای جنوبی، مسئله، مسئله ی رنگ و نژاد سیاه و سفید است؛ ولی در اینجا مسئله ی نژاد یهود و نژاد غیریهود است. در این سرزمینی که متعلق به مردم این سرزمین بوده است، همه چیز از آنها باید سلب شود و در خدمت این حکومت نژادپرست صهیونیست قرار گیرد!

تقریباً پنجاه سال است که صهیونیستها در اوایل کار در بخشهایی از سرزمین فلسطین و بعد در همه ی این سرزمین، با يك نژادپرستی خشونت بار که دیگر وحشیانه تر از آن متصور نیست، حکومت میکنند. جوانان فلسطینی را با بدترین شکنجه ها در زندانها شکنجه کردن، حتی آن طوری که نقل شد، در مواردی خون آنها را گرفتن - که در طول این سالها گفته شد و از این صهیونیستهای دژخیم هیچ بعید نیست - به وجود آوردن مناظری مثل شکستن دست يك پسر بچه جلوی چشم همه، که به وسیله ی مأموران انجام گرفت و اتفاقاً تلویزیون آن را نشان داد و دنیا را به ضجه آورد، کارهای معمولی آنهاست! در این مدت تقریباً پنجاه سال، از این قبیل حوادث مکرر اتفاق افتاده است.

آیا اینها نژادپرست اند یا نه؟ آیا نژادپرستی از این خشن تر و خباثت آلوده تر ممکن است؟ اگر اینها نژادپرست نیستند، پس چه کسی نژادپرست است؟! آن وقت رئیس جمهور امریکا به سازمان ملل میرود - به اصطلاح خانه ی ملتها؛ آنجایی که باید از حق ملتها دفاع بکند - مثل يك قلدر می ایستد و علیه ملت فلسطین حرف میزند و برای این نژادپرستهای دژخیم، شفاعت و وساطت میکند! شما چه میفهمید که حقوق بشر چیست؟! (1)

1370/9/13

الان ببینید اینها در جنوب لبنان چه میکنند. کمتر هفته یی، و شاید گاهی کمتر روزی است که نیابند و منطقه یی را بمباران نکنند و يك عده مردم بیچاره ی روستایی جنوب لبنان را بدون هیچ گونه جرمی،

(1). در دیدار بسیجیان به مناسبت گرامیداشت هفته ی دفاع مقدس و هفته ی وحدت.

ص: 136

بی خود نکشند. این سازمانهای حقوق بشر هم مرده اند. يك کلمه حرف از کسی بیرون نمی آید و کسی نفس نمیکشد؛ ولی اگر چهار نفر یهودی روسی را آن روزها نمیگذاشتند از شوروی خارج بشوند و به اسرائیل بروند، تمام دنیا جنجال میشد که چرا مانع میشوید؛ يك شهروند روسی میخواهد به زیر سایه ی دولت اسرائیل بیاید؛ چرا دولت شوروی مانع میشود! تمام رسانه های دنیا - که البته رسانه ها متعلق به خود صهیونیستهاست - پُر از جنجال میشد! سازمانهای حقوق بشر هم که ادعای حقوق بشر میکنند، با آنها هماهنگ میشدند! پس حالا مرده اید؟! چرا خفه شده اید؟!

ملت فلسطین را قتل عام میکنند، ملت لبنان را قتل عام میکنند؛ اما هیچ کس هیچ حرفی نمیزند! البته ما هم نباید از آنها انتظاری داشته باشیم؛ زیرا دشمن اند. از دشمن چه انتظاری است؟ اینها با اسلام و با ملتهای اسلامی و با هر چه که جلوی زورگوییها را بگیرد، دشمن اند. ما نباید از آنها انتظاری داشته باشیم؛ ما باید از خودمان و از ملتهای اسلامی انتظار داشته باشیم. چرا ملتهای اسلامی بیدار نمیشوند؟ چرا دولتهای اسلامی، و بخصوص بعضی از دولتهای عربی، به خود نمی آیند؟(1)

1370/11/30

این کارهایی که امروز اسرائیل میکند، اگر کمتر از آن را دولتی انجام میداد که در خدمت منافع امریکا نبود، میدانید تبلیغات امریکایی با آن دولت چه میکرد؟! در همین جریان شهادت دبیرکل حزب الله لبنان - مرحوم سیّد عباس موسوی؛ این مجاهد شهید و بااخلاص - هلیکوپترهای صهیونیست وارد فضای کشور دیگری میشوند؛ آزادانه در آن رفت و آمد میکنند؛ نقطه یی را زیر نظر میگیرند و کاروان اتومبیلهای غیرنظامی را با موشک میزنند؛ مرد را میکشند، زن را میکشند، فرزند خردسال را میکشند؛ اما شما ببینید در مقابل این

(1). در دیدار جمعی از خانواده های شهدا و اقشار مختلف مردم، و جمعی از مسئولان، و گروهی از جانبازان.

ص: 137

جنایت واضح - که هیچ کس در جنایت بودن این رفتار نمیتواند کمترین تردیدی بکند - دنیای استکباری چه موضعی میگیرد؟! مگر معنای تروریسم چیست؟! مگر تروریسم غیر از این است؟! به غیر مسلحی حمله کنند؛ به زن و فرزند مردم حمله کنند؛ به خانه ی مردم حمله کنند؛ از داخل خانه، صاحب خانه را بربایند؛ شکنجه کنند و بکشند؛ مگر تروریسم چیست؟!

آیا رژیم ایالات متّحده ی امریکا و سازمانهایی که دم از طرفداری از حقوق بشر و مخالفت با تروریسم میزنند، نمی فهمند که تروریسم یعنی این؟! نمیدانند که تروریسم دولتی، یعنی آن کاری که چهل و چند سال است که رژیم غاصب صهیونیست دارد انجام میدهد؟! یا می فهمند و به رو نمی آورند؟! آیا وقتی ملّتی می بیند که این طور فرهنگها و واژه ها و لغات، در قاموس استکبار امریکایی، نابجا و غلط مصرف میشود، جا دارد که از اینکه امریکا به او تروریست بگوید، تحاشی (1) کند؟ امریکاییها عده یی را در لیست تروریستها قرار دادند؛ غلط کردند! اگر بناست کسانی در لیست تروریستها قرار بگیرند، اول خود رژیم امریکاست که تروریست تر از دیگران است و حامی خبیث ترین رژیمهای دنیا - یعنی رژیم صهیونیست - است. (2)

1370/12/14

عدم واکنش طرفداران حقوق بشر در برابر تجاوزگری اسرائیل

اگر اینها طرفدار حقوق بشر بودند، در مقابل شهادت این شهید عزیز - مرحوم سیّد عباس موسوی - که همراه با زن و بچه اش توسط موشک اسرائیلیها در داخل خاک لبنان به شهادت رسید، يك کلمه اعتراض میکردند؛ اما اعتراضی نکردند! بعضیها آن قدر بی شرمی به خرج دادند که حتّی این حرکت را تأیید کردند! اینها تجاوز اسرائیل به لبنان را محکوم نمیکند؛ تجاوز اسرائیل به مردم مسلمان صاحب فلسطین را محکوم نمیکند؛ قضایای کشمیر را به زبان نمی آورند؛ مسائل مسلمانان میانماری را اصلاً بکلی کأن لم یکن فرض میکنند؛

(1) . انکار کردن و قبول نکردن و نپذیرفتن.

(2) . در اجتماع مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

چرا؟! مگر جرم اینها چیست؟! جرم اینها این است که مسلمانند. آنها با اسلام دشمن اند و از اسلام میترسند. امروز کار به جایی رسیده است که مبارزه ی با اسلام، زیر پوشش انجام نمیگیرد! در الجزایر تصریح میکنند که ما با گرایشهای اسلامی مبارزه میکنیم! الجزایر يك کشور اسلامی است؛ وقتی در آنجا این طور بگویند، شما از دولتهای غیراسلامی و ضداسلامی، دیگر چه انتظاری دارید؟! (1)

1371/1/7

اشغال جنایتبار فلسطین

در اینجا، قدرتمندان عالم به این غصب بزرگ و ظلم بی نظیر کمک کردند. آنها به این حرکتی که شبیه آن در دنیای معاصر و حتی در گذشته هم اتفاق نیفتاده است، کمک کردند. تلخ تر اینکه، بیرون راندن مردم فلسطین از سرزمین خودشان، به حالت عادی هم انجام نگرفت. يك وقت است که می آیند زمینهایشان را میخرند؛ پولش را میدهند و میگویند «باید بروید.» البته این هم ظلم است، این هم غصب است؛ اما این طور هم عمل نکردند. شبانه رفتند و يك ده را با اهلش سوزاندند! هر که توانست خودش را نجات دهد، نجات داد و هر که ماند، سوخت که سوخت! قضیه ی «دیر یاسین» راست است؛ قضیه ی «کفر قاسم» راست است؛ روستاهایی را که صهیونیستها آتش زدند، حقیقت دارد. همین کار را کردند. نخست وزیر اسبق صهیونیست که همین روزها و همین اواخر به درك واصل شد و امریکاییها به خاطر مرگ او اظهار تأسف کردند، یکی از کسانی بود که در نابود کردن و آتش زدن روستاها و خانه های مردم فلسطین، دخالت داشت.

وقایع دیر یاسین و کفر قاسم؛ نمونه هایی از جنایتهای رژیم صهیونیستی

تبلیغات جهانی، گنگ شدند و این حادثه ی تلخ را نگفتند، تا مردم دنیا پی نبرند که در این گوشه ی دنیا چه اتفاقی افتاده است. يك ملت بی پناه و مظلوم، مواجه با زور و قلدری و دروغ و فریب شد و این دروغ و فریب و زور و قلدری، تا امروز هم ادامه دارد.

*

(1). در دیدار جمعی از روحانیون، ائمه ی جماعات و وعّاظ نقاط مختلف کشور در آستانه ی ماه مبارک رمضان.

ص: 139

به نظر من، گزنده ترین حوادث فلسطین این است که واقعیتها چنین وارونه شده است و معکوس نشان داده میشود.

استفاده ی ابزاری از واژه ی تروریسم برای مبارزه ی حق طلبانه ی ملت فلسطین

حقیقت قضیه این است که ملتی را از خانه و زندگی خود آواره کرده اند و این ملت حق دارد برگردد و خانه ی خودش را پس بگیرد. این مبارزه، مبارزه یی حق طلبانه است. امریکا، این مبارزه را «تروریسم» مینامد؛ اما خباث صهیونیستها نسبت به مبارزین فلسطینی را تروریسم نمی دانند! ببینید در ذهن و عمل کسانی که امروز مدعی شبانی بشریت و رهبری دنیا هستند، چقدر حقایق، وارونه شده است! ببینید چقدر از حقیقت و انسانیت دورند! ببینید این سیاست، چه اندازه غیر انسانی است! صهیونیستها وارد کشور لبنان میشوند و انسان والا و شایسته یی مثل سید عباس موسوی را به شهادت میرسانند؛ تنها خود او را هم نمیکشند، بلکه زن و کودک او را هم میکشند، بی آنکه آنها در میدان جنگ بوده باشند؛ آنها در اتومبیل بودند و در جاده یی تردد میکردند. امریکاییها این جنایت را محکوم نمیکند! پس معلوم میشود که شما طرفدار ظلمید. چرا این را انکار میکنید؟ شما طرفدار خباثتید، طرفدار تجاوزید، طرفدار ترورید. ترور از این بالاتر و واضح تر نیست.

از آن طرف، هنگامی که چند جوان فلسطینی که فلسطین خانه ی آنهاست، برمی خیزند و با فداکاری، اقدامی علیه دولت غاصب صهیونیستی انجام میدهند، میگویند «حرکتی تروریستی است!» شما به چه حقی اسم گذاری وارونه میکنید و خودتان را محق میدانید؟!

این را ملتها باید بفهمند! خود امریکاییها - یعنی سردمداران رژیم امریکا - خوب می فهمند چه میکنند؛ ولی من گمان میکنم حتی ملت امریکا هم نمیدانند که امریکاییها، امروز در سطح عالم چه خباثتی انجام میدهند. (1)

1371/3/4

تهاجم سبعانه ی صهیونیستهای متجاوز به مردم غیرنظامی جنوب لبنان و قتل عام مردم بی گناه و بی پناه، نشان دهنده ی ناتوانی آنان در مقابله با

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 140

خونسردی سازمانهای مدعی حقوق بشر در برابر جنایتهای آشکار رژیم صهیونیستی

نیروهای مؤمن و شجاع و فداکار حزب الله است. دشمن تا دندان مسلح و متکی به کمکهای همه جانبه ی امریکا، به طور آشکار از ضربات کوبنده ی جوانان حزب الله، که بیش از هر چیز به سلاح ایمان و فداکاری مجهزند، به ستوه آمده و خشم دیوانه وار خود را بر سر زنان و کودکان فرو میریزد. صهیونیستهای غاصب، در برابر چشم مردم دنیا به قتل و جنایت دست میزنند؛ مرتکب ترور و آدم ربایی و بمباران مناطق مسکونی میشوند؛ روستاها را تخریب و مردم را بی خانمان میکنند و دولتها و سازمانهای مدعی طرفداری حقوق بشر، این همه را با خونسردی تماشا میکنند. (1)

1371/10/19

آیا فلسطینیهایی که در این سرمای زمستان به وسیله ی صهیونیستهای خیث، از خانه و کاشانه ی خود آواره شده اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟ حقوق بشر درباره ی اینها صادق نیست؟ مگر برجسته ترین ماده ی منشور عمومی حقوق بشر - که این آقایان از آن دم میزنند - این نیست که هر کس در خانه ی خود آزاد است و حق انتخاب مسکن خود را دارد؟ پس چرا در خانه ی اینها وارد شدند و صاحبان آن را از درون خانه ی خودشان بیرون کردند؟! مگر فلسطین، خانه ی فلسطینیها نیست؟ این حقوق بشر است؟ فلسطینیها بشر نیستند؟ این جوانان مؤمن که جریشان طرفداری از اسلام است، بشر نیستند؟

ترفند و دروغ خباث آمیز مدعیان حقوق بشر در برابر فجایع فلسطین و بوسنی هرزگوین

این مسلمانانی که در کشور بوسنی هرزگوین، از جانیشان، از خانه شان، از میهنشان و از استقلالشان دفاع میکنند و این طور زیر فشار قرار گرفته اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟ کیست که امروز ترفند و دروغ خباث آمیز مدعیان حقوق بشر را تشخیص ندهد و درك نکند؟ (2)

(1). پیام به مناسبت تهاجم صهیونیستها به مردم جنوب لبنان.

(2). در دیدار قشرهای مختلف مردم قم.

ص: 141

فاجعه‌ی تهاجم دشمن صهیونیست به حرم شریف ابراهیمی، آن قدر بزرگ و دردناک است که با چند جمله نمیشود درباره‌ی آن سخن گفت و حقیقتش را ادا کرد. به نظر ما، دولت غاصب، مستقیماً مسئول این فاجعه است و حامیان دولت غاصب هم، در این قضیه مسئولند. در رأس حامیان دولت غاصب، امریکا قرار دارد که در طول سالهای متمادی، همیشه و در همه جا از صهیونیستها دفاع کرده است. هر جا مشکلی برای صهیونیستها پیدا شد، فوراً امریکا سینه سپر کرد. یهودیان امریکایی و سرمایه داران بزرگ، هر کاری خواستند؛ به وسیله‌ی قدرت، پول و نفوذ سیاسی امریکا، در دنیا برای این غده‌ی سرطانی که در دل ملت‌های اسلامی به وجود آمده است، انجام دادند.

خفقان سازمانهای حقوق بشر در برابر فاجعه‌ی حرم شریف ابراهیمی

در قضیه‌ی اخیر، آیا اینها مقصّر و مسئول نیستند؟ بی شک، هستند. چنان که دیگر همپیمانان اسرائیل و کمک کارهای او نیز در این قضیه مسئولند. رسانه‌های عمومی جهانی هم که حق این مسئله را ادا نکردند، مسئولند. سازمانهای حقوق بشر، به ویژه «کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل»، نیز مسئولند.

سازمانهای کوچک و بزرگی که با عناوین گوناگون در دنیا وجود دارند و کمین کرده اند تا اگر در گوشه‌ی بی از جهان، در کشوری که با امریکا میانه‌ی مناسبی ندارد، مسئله‌ی پیدا شد، فوراً در بوقهایشان بدمند که «نقض حقوق بشر شد»، چرا خفقان گرفته اند؟!

دولت غاصب خبیث و صهیونیستهای دشمن بشر، صدها فلسطینی را در حال سجده و با دهان روزه به خاک و خون میکشند؛ ده ها نفر را میکشند و صدها نفر را مجروح میکنند. بعد هم که مردم عصبانی و داغدار که دلشان سوخته است، در خیابان‌ها مشت‌ها را گره میکنند، سربازان اسرائیلی، یکی یکی فرزندان مردم را هدف میگیرند و نابود میکنند. اما سازمانهایی که حافظ حقوق بشرند، خفقان گرفته اند و هیچ نمیگویند! حداکثر این است که گفته میشود: فلان سازمان محکوم کرده است! «محکوم کرده است» یعنی چه؟! اینکه کلمه‌ی بی در محکومیت گفته اند، به چه درد فلسطینیها میخورد؟! سازمانهایی که مدعی حقوق بشرند، اگر

راست میگفتند، بایستی همه قیام میکردند؛ بایستی در دنیا غوغا میکردند؛ بایستی دولت اسرائیل را محاصره میکردند؛ بایستی به حامیان اسرائیل، اولتیماتوم میدادند و تهدیدشان میکردند که «حق ندارید به این دولت خونریز فاسق جنایتکار کمک کنید.» اما هیچ يك از این کارها انجام نگرفت. دولتهای عرب هم متأسفانه کوتاه آمدند. مذاکرات را کاملاً و باطناً که قطع نکردند، هیچ؛ حتی عزای عمومی هم اعلام نکردند! واقعاً که خیلی کوتاهی و تقصیر کردند!

البته، وجدان امت اسلامی توفانی شد. حداکثر کوتاهی و تقصیر را در این قضیه، مطبوعات غربی کردند. از رادیوی اسرائیل و مطبوعات رژیم صهیونیستی که انتظاری نیست. آنها خودشان قاتلند. از قاتل، توقع نیست که خودش را محکوم کند. اما مطبوعات دنیای به اصطلاح آزاد، چرا باید این قدر حق کشی کنند؟! چرا باید این قدر سکوت کنند و حادثه را کوچک بشمارند؟!

تعصب و سنگدلی مطبوعات امریکا و غرب در برابر فجایع انسانی

اخیراً يك فرد عرب در امریکا، اسلحه به دست گرفت و به چند نفر حمله کرد و ظاهراً خسارت چندانی هم وارد نیاورد. شما ببینید مطبوعات امریکا، طی چند روز گذشته چه غوغایی به پا کردند! همه ی روزنامه ها و جراید و دیگر رسانه های گروهی غرب، خبر حمله ی يك عرب مسلمان را به سراسر دنیا منعکس و مخابره کردند؛ اما در مقابل آن حادثه ی تلخ، سکوت پیشه کرده اند و اگر هم بیان کنند، کاملاً تحریف شده است. آنها چنین فاجعه آفرینی بی را به يك نفر نسبت میدهند. اینها همه ظلم است. واقعاً کارکنان و گردانندگان مطبوعات در امریکا و دنیای غرب، چقدر باید متعصب و سنگدل و دور از آزادی بی باشند که ادعایش را میکنند، تا این طور نسبت به این قضیه، بد و بی اعتنا عمل کنند! (1)

1373/4/29

رژیم غاصب صهیونیستی؛ واضح ترین نمونه ی دولت تروریست

دولت تروریست هم داریم که به کارش «تروریسم دولتی» اطلاق میشود. امروز واضح ترین نمونه ی دولت تروریست، رژیم غاصب

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 143

صهیونیست است. در واقع، از روزی که دست‌پلید و سیاست‌ضداسلامی، ضد‌مردمی و ضدشرفی انگلیس، در کشور فلسطین اسلامی به صهیونیستها حکومت داد - یعنی از سال 1948 میلادی و قبل از آن - تروریسم دولتی هم شکل گرفت و به ترور پرداخت. صهیونیستها کارهایشان را با ترور پیش میبردند و میبرند.

به عنوان مثال، قتل عام در «دیر یاسین» که قضیه اش را شنیده اید، از مظاهر تروریسم است. وقتی به یک روستا حمله کنند، مردها، زنها و بچه ها را به رگبار ببندند و یا مردها را بکشند و زنهای تنها و بی پناه را در بیابان رها کنند و به آنها بگویند «هر جا می خواهید، بروید» و سپس همه ی خانه ها را آتش بزنند، یکی از بارزترین مظاهر تروریسم رخ مینماید.

دولت غاصب اسرائیل؛ نمونه ی کامل و همیشگی تروریسم دولتی

دولت غاصب اسرائیل، از بدو تشکیل تا امروز - به عبارتی، در تمام طول تقریباً نیم قرن که این غده ی سرطانی در پیکره ی اسلامی پیدا شده است - همیشه کارش را با ترور پیش برده و مظهر کامل تروریسم دولتی است. حتماً شنیده اید که اخیراً این دولت غاصب، در یک هجوم شبانه، چند فرزند چرخبال و هواپیما، همراه با کماندو و اسلحه به لبنان فرستاد، تا روستایی را به محاصره درآورد و مردی را از خانه اش برابند و به زندان منتقل کنند! آیا تروریسم دولتی از این واضح تر وجود دارد؟!

دروغگوی هفت دولت صنعتی در ادعای حمایت از حقوق بشر

جالب اینجاست که چندی پیش، رؤسای هفت دولت صنعتی جهان، نشستند، ریش جنبانند و راجع به تروریسم حرف زدند. آیا شما نمیدانید که امروز مظهر تروریسم کیست؟! آیا شما انصاف دارید؟! آیا شما از افکار عمومی جهان، اندکی ملاحظه دارید؟! آیا شما که این قدر مدعی حقوق بشر هستید، انسانها را دارای عقل و تشخیص میدانید؟! امروز مظهر تروریسم دولتی و دولت تروریست در دنیا کیست؟ آن دولتی که هر روز به لبنان حمله میکند و به کشتار و آدم ربایی میپردازد، کیست؟ کیست که دولتش، از اول بر اساس ترور، ایجاد وحشت و کشتار و قتل عام به وجود آمده است؟ آیا غیر از دولت اسرائیل، دولت دیگری هم هست که از این ویژگیها برخوردار باشد؟

دنبال تروریسم دولتی میگردید؟ بفرمایید: اسرائیل! چرا در مقابل اقدامات تروریستی این دولت ساکت میمانید و حتی از آن حمایت میکنید؟! چرا دروغ میگویید؟! دولت غاصب اسرائیل، بلایی جهانی است. (1)

1376/10/26

حکومت صهیونیستی، بدترین دولتها و مجموعه های سیاسی دنیاست؛ چون يك ملت را از مملکت خودش بیرون کرده است. شما چنین چیزی را در دنیا سراغ دارید؟ در تاریخ سراغ دارید؟ آخر، يك خانواده را، يك فامیل را، يك شهر را، يك میلیون آدم را از مملکت خودش بیرون کنند، يك مطلب است؛ کسی بیاید يك ملت را از کشور خودش بیرون کند، آنهایی را هم که در داخل کشور هستند، در نهایت ضعف و شدت و فشار قرار دهد و خودش بر آنها حکومت کند، چیز واقعاً عجیبی است! حکومت از این بدتر و زشت تر؟! بعد هم با ملت با نهایت قساوت رفتار میکنند.

حکومت غاصب صهیونیستی؛ مظهر تروریسم دولتی

تروریسم دولتی که در همان مصاحبه گفته شد (2) - که حرف بسیار درستی هم هست - امروز مظهرش حکومت غاصب صهیونیستی است. این حرف، خیلی هم به صهیونیستها برخورده است! این حرف کاملاً درستی است. شما دیدید با مردمشان چه میکنند! دیدید با فلسطینیها چه میکنند! دیدید با مردم لبنان چه میکنند! با هلیکوپتر به روستاهای لبنان می آیند و آدمها را از خانه هایشان میدزدند و میبرند! کجا دیگر چنین چیزی در دنیا هست؟ امریکاییها بزرگ ترین و جدی ترین حامی صهیونیستها هستند. این جرم، بزرگ نیست؟ این جرم، کافی نیست؟ این بس نیست برای اینکه ملت حق طلبی مثل ملت ایران بگوید من با شما کاری ندارم، من شما را رد میکنم، من رفتار شما را محکوم میکنم؟ ملت ایران به امریکا همین را میگوید. (3)

(1). در دیدار جمعی از پرسنل نیروی انتظامی و کارکنان سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بهزیستی و اساتید و دانشجویان دانشگاه ها.

(2). مصاحبه ی آقای سید محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت، با شبکه ی CNN.

(3). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 145

خون دل خوردن همه ی انسانهای غیرتمند از قضایای فلسطین

قضایای فلسطین دل هر انسان غیرتمندی را - ولو زیاد تدین هم نداشته باشد - خون میکند و راحت و آرام را از او میگیرد. کیست که منظره ی حمل پُراحساس کودک یکی دو ساله یی را که کشته شده است، ببیند و بتواند راحت بخوابد؟ کیست که محاصره ی مردم را در خانه ها و کوچه ها و خیابانها و شهرهایی که متعلق به آنهاست و زمینی که استخوان اجداد آنها قرنهاست در آن دفن است، ببیند و متأثر نشود؟ امروز مردم بیت المقدس و الخلیل و غزه و بقیه ی مناطق سرزمین مغصوب را محبوس کرده اند؛ آنها را در خانه ی خودشان میکشند؛ در خانه ی خودشان پدران و مادران را به داغ فرزندانشان می نشانند؛ به آنها گرسنگی میدهند و آنها را محاصره ی اقتصادی میکنند. اگر امت اسلامی متحد بود، مگر چنین چیزی ممکن بود؟ امروز هم واجب ترین فرایض ما ملتها و دولتهای مسلمان، این است که در این قضیه با هم وحدت کلمه پیدا کنیم.

آلام مردم فلسطین، آلام و دردها و رنجهای ماست. امروز فریاد ملت فلسطین بلند است که یاللمسلمین! جواب این فریاد، بر تک تک مسئولان دولتهای اسلامی واجب و لازم است؛ خدای متعال آنها را مؤاخذه خواهد کرد. همه ی ما وظیفه داریم. (1)

1381/2/11

مهم ترین مسئله در مسائل خارجی ما - که به مسئله ی کنونی کشور ما هم ارتباط مستقیم دارد - فلسطین است. مسئله ی فلسطین فقط مسئله ی يك ملت نیست؛ مسئله ی حاکمیت دیکتاتوری بین المللی و حاکمیت زور است. شما ببینید امروز در اراضی فلسطین چه میگذرد! امروز ما فاجعه بارترین حوادث خونین را در فلسطین شاهدیم. دولت غاصب و جعلی اسرائیل با نیروی نظامی خود، با تانک و هواپیما و آتش بی رحمی و ظلم خود، شهرهای فلسطین را محاصره کرده است و یکی پس از دیگری وارد این شهرها میشود؛ مردم را قتل عام و

(1). در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر.

خانه ها را ویران میکند؛ يك روز رام الله، يك روز نابلس، يك روز جنین و امروز الخلیل و شهرهای دیگر. فاجعه هایی که در این شهرها به وجود آمده است، قابل وصف نیست. نیروی نظامی وارد شهری شود، زن و مرد و کودک را دستگیر کند و بکشد و یا زخمی کند! ده هزار مجروح و هزاران شهید در این شهرها امروز وجود دارد. هزاران جوان را از خانه هایشان ربودند و به نقاط نامعلوم بردند و خانه های بی شماری را ویران کردند. شنیدم در شهر جنین، هفتاد درصد خانه ها ویران شده است! هفتاد درصد خانه های يك شهر را تانکها بیابند ویران کنند! این جنایات، مقابل چشم بشریت است.

رژیم صهیونیستی؛ دولتی ظالم و بی اعتنای به همه ی مقررات بشری و انسانی

معنای این کارها چیست؟ معنای این کارها این است که يك دولت ظالم بی اعتنای به همه ی مقررات بشری، انسانی، دینی و خدایی، به خاطر طمعها و ادامه ی ظلم چندین ده ساله ی خود، این فاجعه ها را به بار می آورد؛ دولتی هم مثل امریکا به طور کامل و صددرصد از او حمایت میکند و همه ی شعارهای حقوق بشر و دفاع از ملتها و دموکراسی و آزادی و همه و همه فراموش میشود. وجدان جهانی به حرکت درآمد، اما وجدان سران امریکا و کاخ سفید اندک تأثیری هم پیدا نکرد!

اینها میخواهند دو چیز را برای دنیا مشخص کنند: یکی اینکه این غده ی سرطانی به هر قیمتی باید بماند؛ دوم اینکه میخواهند به دنیا بگویند و تفهیم کنند که امروز سرو کار شما با اعمال زور است و میخواهیم زور بگوییم؛ هر کس هم هر چه میخواهد بگوید، بگوید؛ یعنی مردم دنیا را قانع کنند که هیچ حرف و هیچ اقدامی در مقابل زور سرنیزه و زور نظامی امریکا قادر به هیچ کاری نیست.

البته تا الان شکست خورده اند و علی رغم همه ی این تظاهرات قدرتمند، به هدفهای خود نرسیده اند. چرا؟ چون فلسطین تسلیم نشده است. آنها میخواهند با فشار و کشتار و بی رحمی و لگدکوب کردن همه ی نشانه های انسانی، ملت فلسطین را وادار به تسلیم کنند و این ملت در بست زیر بار آنها برود و از خواسته های بحق خود دست بردارد؛ اما تاکنون نتوانسته اند. برخلاف تصوّر امریکا و اسرائیل، این

قدرت زور نیست که پیش می‌رود؛ قدرت اراده و ایمان انسانهاست که حرف آخر را در همه‌ی مسائل می‌زند؛ در این مسئله هم همین طور است. (1)

1382/3/14

رژیم صهیونیستی؛ مظهر کامل تروریسم

اگر منظور از تروریست، کسی است که برای اغراض خود، جان بی‌گناهان را هدف قرار می‌دهد، پس امروز بزرگ‌ترین تروریست‌ها زیر دامان امریکا فعالیت می‌کنند. امروز رژیم صهیونیستی مظهر کامل تروریسم است. شما ملاحظه کنید؛ هر روز که می‌گذرد، عناصر تروریست رژیم صهیونیستی، انسانهایی را که در خانه‌ی خود، روی خاک خود و در سرزمین خود زندگی میکنند، مورد تهاجم قرار می‌دهد. (2)

1385/5/11

بسم الله الرحمن الرحيم.

خونسردی مدعیان حقوق بشر در برابر جنایات گسترده‌ی رژیم صهیونیستی

فاجعه‌ی سهمگین قانا، دل‌های ما را لبریز از درد و اندوه کرده و ما و دیگر ملت‌های مسلمان و همه‌ی آزادگان جهان را سوگوار و خشمگین ساخته است. آن کودکان معصوم، آن تنهای ضعیف و رنجور، آن دل‌های وحشت زده و کوچک به چه گناهی کشته شدند؟! دل آتش گرفته‌ی مادران و پدران آنان چرا باید به دست صهیونیست‌های خونخوار و حامیان مست و مغرور امریکایی این چنین کباب میشد؟! بیست روز بمباران بی‌وقفه‌ی لبنان، بیست روز جنایت در حجم انبوه، ویران‌سازی یک کشور و قتل عام غیرنظامیان در آن و فاجعه‌ی بی‌همچون کشتار قانا، از کدام پشتوانه‌ی منطق و استدلال برخوردار است که دنیای مدعی تمدن و سازمان ملل و دولتها و سازمان‌های مدعی حقوق بشر، این‌گونه در برابر آن خونسرد و بی‌تفاوتند؟! *

(1). در دیدار گروه زیادی از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم.

(2). در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 148

دنیای اسلام تا کی باید وجود سراپا فتنه و شرّ رژیم صهیونیستی را تحمّل کند؟ دولتهای اسلامی تا کی باید دست امریکای جنگ افروز و مستکبر را در این منطقه ی حسّاس باز بگذارند؟ آنچه در لبنان اتفاق افتاد، حقوق بشر امریکایی را برای همه معنا کرد و خاورمیانه یی را که دولت امریکا در پی آن است، نشان داد.

فاجعه ی سهمگین قانا؛ نشانگر معنای حقوق بشر امریکایی

امروز برای همه روشن شده است که تهاجم به لبنان، نقشه یی از پیش طراحی شده و اقدامی امریکایی - صهیونیستی به عنوان گامی اساسی در راه تسلط بر خاورمیانه و جهان اسلام بوده است.

بوش و همکاران امریکایی وی به همان اندازه در فجایع لبنان گنهکارند که سران خبیث و روسیاه رژیم صهیونیستی و سکوت سازمان ملل و بیشتر دولتهای غربی و حمایت برخی از دولتها همچون دولت بدسابقه و بدنام انگلیس، آنان را نیز به اندازه های مختلف در قضاوت امروز و فردای بشریت و در مواخذه و عقوبت عظیم الهی مسئول و شریک جرم میسازد.

جنایت رژیم نژادپرست، متجاوز و سفاک صهیونیستی علیه بشریت

برای دشمن صهیونیستی، دین و آیین و مسجد و کلیسا و شیعه و سنی فرق نمیکند؛ رژیمی است نژادپرست و متجاوز و سفاک، اگر مانعی در راه خود نبیند، از هیچ جنایتی به هر گروه و هر ملت روگردان نیست. (1)

1385/5/17

فجایع لبنان و فلسطین؛ مایه ی عبرت امت اسلامی

در همین روزها، دو پدیده ی تلخ در امت اسلامی ظاهر شد، که هر کدام از این دو، جا دارد که مسلمان را به فکر فرو ببرد؛ امت اسلامی بایستی خود را ملامت کند و توبه کند. یکی از دو پدیده، همین فجایعی است که در لبنان و در فلسطین پی در پی انجام میدهند. الان نزدیک یک ماه است که گرگ درنده ی وحشی آدمیخوار صهیونیست به جان مردم لبنان افتاده است؛ از «حزب الله»، مجاهدی سیل الله، تودهنی میخورد؛ ولی بر روی سر کودک مسلمان در «قانا» و در بقیه ی

(1). پیام در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان.

ص: 149

نقاط لبنان بمب میریزد؛ بارزندگان مجاهد فی سبیل اللّٰه نمیتواند مقابله کند، شکست میخورد؛ تلافی اش را سر مردم بی گناه، انسانهای مظلوم، کودکان، خانه های مردم، زیربنای کشور در می آورد. این، يك مصیبت بزرگ است. مثل همین، در «غزه» و در بقیه ی مناطق فلسطینی نشین در جریان است. این، آن چیزی است که باید همه ی مسلمانها را هوشیار کند و به خود بیاورد.

دنیای استکبار و کفر هم نه فقط ساکتند، بلکه رفتاری و گفتاری از آنها سر میزند که متجاوز و ظالم را تشویق میکند؛ امریکا يك جور، انگلیس خبیث يك جور، برخی از قدرتهای دیگر، هر کدام به يك نحوی؛ سازمان ملل هم با ناتوانی و بی عرضگی کامل ایستاده است و تماشا میکند! آن وقت ادعای حقوق بشر و ادعای مدیّت و ادعای مبارزه ی با تروریسم هم میکنند این منافقین دوروی سیاهدل، و خجالت هم نمیکشند! این، یکی از آن چیزهای عبرت انگیز است.

این قضیه یی که برای لبنان و به طور خاص برای شیعیان آن پیش آورده اند، برای همه ی ملتها و کشورها و فرق اسلامی ممکن است پیش بیاید؛ نمیشود به قدرتها چشم دوخت. امت اسلامی باید بتواند از خودش دفاع کند؛ باید بتواند موجودیّت خود را حفظ کند.

بارها دیده شده است، امروز هم مکرراً دیده میشود، که قدرتهای مستکبر عالم، آن وقتی که پای مسلمانها در میان است، چشم بر روی هر جنایتی که علیه مسلمانها انجام شود، میندند. این مسئله در بوسنی دیده شد، در کوزوو هم دیده شد، در افغانستان هم دیده شد، در عراق هم دیده شد؛ امروز هم نوبت لبنان است. فلسطین هم سالهاست که در همین وضعیّت است. برای آنها شیعه و سنی و عرب و عجم تفاوت نمیکند؛ هر جا زورشان برسد، هر جا مانعی در مقابل خود نبینند، هر جا مستی به دهان آنها نخورد، جلو می آیند. امت اسلامی و ملت‌های اسلامی باید این را درک کنند و بفهمند؛ باید خود را قوی

کنند. این، يك پدیده از دو پدیده است، که حقیقتاً عبرت انگیز است و ذهن مسلمان نمیتواند از آن غافل بماند و به آن مشغول نباشد. (1)

1385/5/26

جهاد مظلومانه ی حزب الله؛ نشان دهنده ی چهره ی کریمه و منفور رژیم صهیونیستی

جهاد مظلومانه ی شما، دشمن را افشا کرد و چهره ی حقیقی او را به نمایش گذاشت. کشتار بی رحمانه ی مردم غیرنظامی، به خاک و خون کشیدن کودکان بی گناه و زنان بی دفاع، حادثه ی قانا و نظایر متعدّد آن، ویران سازی هزاران خانه و کاشانه و آواره کردن هزاران خانواده، نابود کردن زیرساختهای بخش مهمی از لبنان، و فجایعی از این قبیل، چهره ی حقیقی زمامداران امریکا و برخی دولتهای اروپایی را در کنار چهره ی کریمه و منفور رژیم صهیونیستی به همه نشان داد. نشان داد که شعارهای منافقانه ی آنان در باب حقوق بشر و آزادی و دموکراسی، چقدر آلوده به دروغ و فریب و رذالت است. نشان داد که وقتی زمامداران کشورها از رحم و شفقت و منطق و صداقت بیگانه باشند، چه فجایعی ممکن است برای جامعه ی انسانیت پیش بیاید. (2)

1385/8/21

بی تفاوتی مدعیان حقوق بشر در برابر جنایتهای رژیم صهیونیستی در غزه

الان چندین روز است، یا شاید چند هفته است، که غزه مورد تهاجم دائمی صهیونیستهاست؛ و خود همین تهاجم بی امان و ظالمانه ی به غزه - که به ظاهر در ذیل يك قراردادی آنها را به دست فلسطینیها برگرداندند و حالا دارند این طور با آنها رفتار میکنند - باید نشان بدهد که آخر و عاقبت مذاکره ی با اسرائیل غاصب و صهیونیستها چیست. بعضیها میگویند با مذاکره، مشکلاتمان را با صهیونیستها حل کنیم؛ بفرمایید این هم مذاکره! این ستم بزرگ امروز دارد انجام میگیرد؛ طرفداران حقوق بشر، مدعیان حقوق بشر، حضراتی که در هر نقطه ی دنیا سر چیز کوچکی دولتهایی را که مطیع آنها نیستند، به نقض حقوق بشر متهم میکنند - در اروپا و غرب - نشسته اند، دست روی

(1). در دیدار گروه های مختلف مردم به مناسبت میلاد باسعادت علی بن ابی طالب (علیهما السلام).

(2). پیام تبریک به حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله، به مناسبت پیروزی مقاومت اسلامی.

ص: 151

دست هم گذاشته اند؛ فارغ البال و بی خیال دارند به این کشتار روزانه نگاه میکنند. اگر کسی يك گوسفند را هم در یکی از خیابانهای يك پایتخت اروپایی سر ببرد، این قدر فراغت بال به وجود نخواهد آمد. برای کشتن ده ها و صدها انسان و برای نابود شدن کودکان، زنان و مردان بی دفاع، کسانی که در هیچ کار مسلحانه بی شرکت نداشته اند و همین طور چشم بسته به قتل میرسند، ارزشی به قدر ریختن خون يك گوسفند ندارند؛ امروز وضع عدالت در دنیا این است. (1)

1386/9/14

اقرار مسئولین صهیونیستی به تبعیض نژادی در فلسطین اشغالی

امروز دنیا تشنه ی عدالت است، تشنه ی امنیّت است، تشنه ی عدم تبعیض است. اینها را اسلام میتواند تأمین بکند. فرهنگ غربی و تمدن غربی نشان داد که قادر به تأمین عدالت برای بشریّت نیست. وضعیّت امروز را نگاه کنید، وضعیّت فلسطین را نگاه کنید. مسئولین صهیونیستی صریحاً ابراز میکنند که اگر بین ما و فلسطینیها - بین صهیونیستها و فلسطینیها - در سرزمین مغضوب فلسطین تساوی برقرار بشود، همان سرنوشت آفریقای جنوبی در اختیار ماست؛ یعنی اقرار میکنند به آپارتاید؛ به این تبعیض نژادی اعتراف میکنند. دنیا این را دارد می شنود؛ دنیای محکوم مدنیّت غرب و فرهنگ غرب دارد این را می شنود، در عین حال وظیفه ی خودش را انجام نمیدهد.

این، آن وضعیّتی است که به ما هشدار میدهد؛ به ما مسلمانها میگوید ما باید اعتماد به نفس پیدا کنیم و توکل به خدا کنیم و بدانیم که اگر بر طبق عقیده ی خودمان؛ با فکر، با تدبیر، با نقشه، با اتحاد حرکت بکنیم، خدای متعال به ما پیروزی خواهد داد. (2)

1386/12/12

حوادث خونین غزه؛ غمی سنگین برای امت بزرگ اسلام

امت بزرگ اسلام، ملت عزیز ایران، حوادث خونین غزه در این روزها چنان فجیع و دردناک است که نمیتوان غم سنگین ناشی از آن را با زبان و قلم، بیان کرد. کودکان بی گناه و زنان و مردان مظلوم پس از

(1). در دیدار مردم گرمسار.

(2). در دیدار رؤسای قضایی کشورهای اسلامی.

ص: 152

ماه‌ها محاصره‌ی کامل، اکنون با قساوت و شقاوت صهیونیستها، در خانه و کاشانه‌ی خود به خاک و خون کشیده میشوند؛ غنچه‌های نارس در برابر چشم پدر و مادر، و پدران و مادران در برابر کودکان معصوم، در آتش کینه‌ی جلّادان غاصب میسوزند. مدّعیان تمدّن و انسان دوستی، با وقاحت تمام، این فاجعه‌ی عظیم انسانی را خون‌سردانه و بی تفاوت تماشا میکنند و حتّی برخی با بی شرمی از آن ابراز خشنودی مینمایند. سکوت دنیای اسلام در برابر این تعدّی کم نظیر به هیچ رو پذیرفته نیست.

وظیفه‌ی مسلمانان در رساندن ندای مظلومیت فلسطینیان به سراسر جهان

امّت اسلامی باید به خروش آید و سران اسلامی باید خشم ملت‌های خود را به رخ رژیم غاصب بکوبند. دست دولت امریکا نیز به خون ملت مظلوم فلسطین آغشته است. به پشتیبانی آن دولت مستکبر و طغیانگر است که صهیونیستها با گستاخی مرتکب این جنایتهای نابخشودنی میشوند. ملت‌ها و دولت‌های اسلامی ندای مظلومیت فلسطینیان مظلوم را به سراسر جهان برسانند و وجدانهای خفته را بیدار کنند. آیا ملت امریکا میدانند که زمامدارانش این گونه همه‌ی حرمت‌های بشری را در پیش پای صهیونیستها قربانی کرده‌اند؟ آیا ملت‌های اروپایی باخبرند که تسلّط سرمایه داران صهیونیست بر کشورهای آنان، کار سیاستمداران‌شان را به کجا کشانده است؟ (1)

1387/10/8

نمایش چهره‌ی خونخوار گرگ‌های صهیونیست در غزه

بسم الله الرحمن الرحيم. انا لله و انا اليه راجعون.

جنایت هولناک رژیم صهیونیستی در غزه و قتل عام صدها مرد و زن و کودک مظلوم، بار دیگر چهره‌ی خونخوار گرگ‌های صهیونیست را از پشت پرده‌ی تزویر سال‌های اخیر بیرون آورد و خطر حضور این کافر حربی را در قلب سرزمین‌های امّت اسلام، به غافلان و مسامحه کاران گوشزد کرد.

سکوت تشویق آمیز برخی دولتهای عربی؛ مصیبتی بزرگ تر از حادثه‌ی هولناک غزه

مصیبت این حادثه‌ی هولناک برای هر مسلمان، بلکه هر انسان باوجدان و باشرف در هر نقطه‌ی جهان، بسی گران و کوبنده است،

(1). پیام خطاب به امّت بزرگ اسلام، در پی حملات وحشیانه‌ی رژیم صهیونیستی به غزه.

ص: 153

ولی مصیبت بزرگ تر، سکوت تشویق آمیز برخی دولتهای عربی و مدّعی مسلمانی است. چه مصیبتی از این بالاتر که دولتهای مسلمان که باید در برابر رژیم غاصب و کافر و محارب، از مردم مظلوم غزه حمایت میکردند، رفتاری پیشه کنند که مقامات جنایتکار صهیونیست، گستاخانه آنها را هماهنگ و موافق با این فاجعه آفرینی بزرگ معرفی کنند؟

سران این کشورها چه جوابی در برابر رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) خواهند داشت؟ چه جوابی به ملت‌های خود که یقیناً عزادار این فاجعه اند، خواهند داد؟ به یقین امروز دل مردم مصر و اردن و سایر کشورهای اسلامی، از این کشتار، پس از آن محاصره ی طولانی غذایی و دارویی، لبالب از خون است. (1)

1387/10/19

فاجعه ی صهیونیستها در غزه؛ يك فاجعه ی كم نظير

امروز شما ببینید فاجعه یی که در این منطقه به دست صهیونیستها دارد اتفاق می افتد، يك فاجعه ی كم نظير است. يك نفر آدم در يك گوشه یی از دنیا بر اثر يك حادثه یی زمین می افتد، جنجال دستگاه های حقوق بشر بلند میشود؛ به دروغ، به ریا، به تظاهر و فریبگری، طرفداری از حقوق انسان را ادعا میکنند، آن وقت این جور بیچّه های كوچك، زنهای مظلوم مثل برگ خزان در غزه روی زمین میریزند، نفس از اینها در نمی آید.

رسوا شدن داعیه های طرفداری از حقوق بشر در جنایت غزه

خداوند متعال این داعیه های طرفداری از حقوق بشر را رسوا کرد؛ چه در سازمان ملل، چه در سازمانهای به اصطلاح مدّعی حقوق بشر و چه در دولتهای مدّعی اینها. آن دولتهای اروپایی لقلقه ی لسانشان شده حقوق بشر! کدام حقوق بشر؟! شماها به حقوق انسان اعتقاد ندارید؛ شماها دروغ میگویید؛ ریاکارانه اسم حقوق بشر را می آورید. و الاّ چطور ممکن است فلان رئیس دولت اروپایی این حوادث را ببیند و به اسرائیل هجوم نیاورد. (2)

(1). پیام درباره ی مصیبت هولناك قتل عام مردم مظلوم غزه.

(2). در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی.

ص: 154

اکنون رژیم غاصب که چند دهه با ارتش و تسلیحات خود و با پشتیبانی نظامی و سیاسی امریکا، چهره بی مهیب و شکست ناپذیر نشان میداد، دو بار از نیروهای مقاومت که با اتکا به خدا و مردم، بیش از اتکا به سلاح و تجهیزات می جنگیدند، شکست خورده و با وجود تمرینها و آماده سازی های نظامی و سازمانهای عریض و طویل اطلاعاتی و حمایت بی دریغ امریکا و بعضی دولتهای غربی و همدستی برخی منافقان جهان اسلام، انحلال و شیب تند سقوط، و عدم کفایت خود در برابر موج نیرومند بیداری اسلامی را ظاهر ساخته است.

گسترش غریزه ی وحشیگری و جنایت در سران دولت جعلی صهیونیستی

از سویی دیگر، جنایاتی که در حادثه ی تاریخی غزه از مجرمان صهیونیست سر زد؛ کشتار وسیع مردم غیرنظامی، ویران کردن خانه های بی دفاع، سوراخ کردن سینه ی کودکان شیرخوار، بمباران دبستان و مسجد، به کارگیری بمبهای فسفوری و برخی سلاحهای ممنوع دیگر، بستن راه غذا و دارو و سوخت و دیگر نیازهای اولیه ی مردم در مدتی نزدیک به دو سال، و بسی جنایات دیگر، ثابت کرد که غریزه ی وحشیگری و جنایت در سران دولت جعلی صهیونیست، با دهه های آغازین فاجعه ی فلسطین هیچ تفاوتی نیافته و همان سیاست و همان خوی درندگی و بی رحمی که فاجعه های دیرپاسین و صبرا و شتیلا را پدید آورد، امروز هم به عینه بر ذهن و دل ظلمانی این طاغوتهای زمان حاکم است، که البته امروز با بهره گیری از پیشرفت فناوری، دایره ی جنایت، بسی گسترده تر و فاجعه بارتر میباشد.

تداوم خوی تجاوزگری و بی شرمی از جنایت در گردانندگان رژیم صهیونیستی

چه آنان که با توهم شکست ناپذیری رژیم صهیونیست، شعار «واقع بینی» سر داده، دست سازش و تسلیم در برابر غاصبان دراز کردند، و چه کسانی که به خیال باطل خود، نسل دوم و سوم سیاستمداران صهیونیست را میرا از جنایات نسل اول دانسته، امید همزیستی سالم در کنار آنان را در دل پروراندند، اکنون باید به خطای خود پی برده باشند. اولاً، با موج بیداری امت مسلمان و بالیدن نهال مقاومت اسلامی، آن هیبت دروغین فروریخته و نشانه های ناتوانی و

در ماندگی در رژیم غاصب آشکار گشته است، و ثانیاً، خوی تجاوزگری و بی شرمی از جنایت در گردانندگان آن رژیم همان است که در دهه های اول بود و هرگاه بتوانند یا گمان ببرند که میتوانند، از هیچ جنایتی روی گردان نیستند. (1)

1388/12/8

رسوایی امریکا، غرب، سازمانهای حقوق بشر و سازمان ملل در ماجرای فاجعه ی غزه

امروز امریکا و غرب در قضیه ی فلسطین و در بسیاری از قضایای دیگر، صریحاً دارند دروغ میگویند؛ صریحاً دروغ میگویند. فاجعه ی عظیمی مثل فاجعه ی غزه را در جنگ 22 روزه وارونه وانمود میکنند. باید به این توجه کنیم. این را میخواهم یادآوری کنم. امروز غزه و فلسطین عرصه ی رسوایی غرب است. غرب با ادعای حقوق بشر، بزرگ ترین و فجیع ترین نقض حقوق بشر را در غزه ندیده گرفته. تا روزهای متمادی غریبها در سال گذشته يك کلمه حرف به نفع مردم غزه و در دفاع از آنها نزدند. روزهای متمادی پشت سر هم میگذشت، ما هی گوشمان بود بینیم آیا از اروپا - از امریکا که هیچ - از سازمانهای حقوق بشر، از سازمانهای به اصطلاح مدافع آزادی، يك کلمه حرف به نفع مردم غزه صادر میشود؟ نمیشد.

بعد از آنی که سر و صدای مردم بلند شد، مردم در کشورهای مختلف سر و صدا کردند، راهپیمایی کردند، تظاهرات کردند، حرف زدند، رسوایی بالا-گرفت؛ شروع کردند به حرف زدن؛ فقط حرف! غرب هیچ گونه حمایتی از مردم غزه نکرد؛ در مقابل يك چنین فاجعه ی عظیمی که جلوی چشم همه داشت اتفاق می افتاد. تا امروز هم باز غرب در همان مواضع است. سازمان ملل خودش را رسوا کرد. امریکا رسوا بود و رسواتر شد. با اینکه این گزارش گلدستون درآمده است و همه از او مطلع شدند. امروز بایستی سران جانی و مجرم رژیم صهیونیستی بیایند پای محاکمه و باید مجازات بشوند؛ ولی هیچ خبری نیست، هیچ اقدامی انجام نمیگیرد؛ بلکه حمایتها از دولت غاصب و دولت جعلی صهیونیستی باز هم بیشتر میشود! اینها غرب را

(1). در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین.

ص: 156

رسوا کرد. امریکا با این دولت جدید و رئیس جمهور جدید، ادعا کرد می‌خواهد تغییر به وجود بیاورد. شعار تغییر برای این بود که بی‌آبرویی و بدنامی امریکا در این منطقه‌ی اسلامی، یک مقداری بلکه ترمیم بشود؛ اما نتوانستند ترمیم کنند و بدانند که تا آخر نخواهند توانست ترمیم کنند؛ چون دروغ می‌گویند؛ چون صریحاً به مردم دارند دروغ می‌گویند. آنها در خیلی از قضایا دروغ می‌گویند.

حالا- ما که در جمهوری اسلامی هستیم، دائماً داریم دروغ‌های اینها را می‌بینیم و می‌شنویم. واژگونه کردن حقایق و وارونه نشان دادن واقعیات، سی سال است که جلوی چشم ماست و ما به این عادت کردیم؛ لکن دنیا قضاوت خواهد کرد، تاریخ قضاوت خواهد کرد. امروز تمدن غرب - من به شما عرض بکنم - در مقابل قضیه‌ی فلسطین به چالش کشیده شده. امروز دعوی لیبرال دموکراسی غرب زیر سؤال رفته. یعنی شما در فلسطین به خاطر مقاومتتان، یک ادعای چندصد ساله‌ی غرب را، که به وسیله‌ی او به دنیا تحکم میکرد، به زیر کشیدید و این ادعا را باطل کردید. مقاومت این قدر مهم است و عظیم است؛ این مقاومتی که شما دارید انجام می‌دهید. (1)

1389/3/11

حمله به کاروان دریایی آزادی؛ حلقه‌ی دیگری از زنجیره‌ی جنایتهای رژیم صهیونیستی

حمله‌ی جنایتکارانه و قساوت‌آمیز رژیم صهیونیست به کاروان دریایی امدادی و بشردوستانه، حلقه‌ی دیگری از زنجیره‌ی جنایتهای بزرگی است که آن حکومت شریر و خبیث، هفتمین دهه‌ی حیات ننگین خود را با آن انباشته است. این نمونه‌ی است از رفتار گستاخانه و بی‌رحمانه‌ی بی‌که مسلمانان در این منطقه و بخصوص در سرزمین مظلوم فلسطین، ده‌ها سال است که با آن دست و پنجه نرم میکنند. این بار این کاروان، اسلامی یا عربی نبود، بلکه افکار عمومی و وجدانهای بشری از سراسر جهان را نمایندگی میکرد.

صهیونیسم؛ چهره‌ی جدید و خشن تری از فاشیسم

این حمله‌ی جنایتبار باید برای همه مدلل کرده باشد که صهیونیسم، چهره‌ی جدید و خشن تری از فاشیسم است که این بار از سوی دولتهای مدعی

(1). در دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه.

ص: 157

محاصره ی سه ساله ی ظالمانه ی غزّه؛ اقدامی سبعانه، قساوت آمیز، وحشیانه و مورد حمایت غرب

یکی هم محاصره ی ظالمانه ی غزّه است که این محاصره سه سال شد؛ يك حرکت بسیار سبعانه، قساوت آمیز، وحشیانه، و با شگفتی فراوان مورد تأیید و تصدیق و حمایت امریکا و انگلیس و قدرتهای غربی که داعیه ی دفاع از حقوق بشر را هم دائم تکرار میکنند. سه سال است که يك ونیم میلیون جمعیت را محاصره کرده اند؛ نه میگذازند دارو برود، نه میگذازند غذا برود، در آب آشامیدنی شان اخلال میکنند، در نیروی برقشان اخلال میکنند، در رسیدن سیمان و مصالح ساختمانی برای اینکه ویرانیهای جنگ را از بین ببرند، اخلال میکنند - این کاروانی که میرفت، بخش عمده یی از محموله ی آن سیمان بود، برای اینکه مردم بتوانند خانه های خراب خودشان را تعمیر کنند - علاوه ی بر اینکه به طور متناوب گلوله باران هم میکنند، آدمکشی هم میکنند، کودکان مظلوم و زن و مرد را به قتل هم میرسانند. این، حرکت رژیم صهیونیستی است.

سازمانهای مدّعی حقوق بشر ایستاده اند، تماشا میکنند. قدرتهای غربی نه فقط تماشا، بلکه حمایت میکنند. متأسّفانه بسیاری از کشورهایی که باید دفاع کنند - یعنی برخی کشورهای عربی، برخی کشورهای اسلامی - سکوت محض کرده اند؛ اگر نگوییم حتی رفتارهای خائنانه در پشت سر. خیلی وضع عجیبی است.

تهاجم به کاروان امداد؛ ناشی از خوی توّخّش صهیونیستها

این حرکت اخیری که صهیونیستها کردند - یعنی مورد تهاجم قرار دادند این چند کشتی یی را که وسایل می برد طرف غزّه، برای اینکه بشکنند این محاصره را در دریای آزاد، نه در ساحلهای خودشان و محیط دریایی متعلّق به خودشان - از دو بعد باید مورد توّجه قرار بگیرد:

یکی خوی توّخّش صهیونیستهاست که این را دنیا دیگر فهمید. دنیا باید بفهمد. صهیونیستها ادّعا میکنند که ما برای بازرسی یا برای اینکه

(1). پیام در پی جنایت دریایی رژیم صهیونیستی در حمله به کاروان دریایی آزادی غزّه.

بگوئیم به سمت غزه نیایید، وارد کشتیهای اینها شدیم - که البته مثل سگ دروغ میگویند! برای حمله رفتند، نقشه ی حمله کشیدند، اهدافشان هم مشخص است - اینها ولو برای اندرزگویی هم رفته باشند، باز برخلاف همه ی مقررات بین المللی رفتار کردند. يك کشتی دارد در دریای آزاد حرکت میکند؛ شما حداکثر کاری که میتوانستید بکنید، این بود که نگذارید آنها وارد بنادر شما بشوند. چرا وسط دریا رفتید، به اینها حمله کردید، کشتار کردید، عده ی زیادی را کشتید، عده ی بیشتری را مجروح کردید، عده ی بیشتری را اسیر کردید؟ چرا؟ خوی توحش. این همان چیزی است که جمهوری اسلامی سی سال است آن را فریاد میزند و غریبهای دورو و دروغگو و ریاکار این را ندیده و نشنیده میگیرند. امروز همه ی دنیا به چشم دید که اینها چقدر خوی توحش دارند. (1)

1390/7/9

قتل عام ملت بی پناه فلسطین در سکوت رسانه های تصویری

بیش از شش دهه از فاجعه ی غصب فلسطین میگذرد. عوامل اصلی این فاجعه ی خونین، همه شناخته شده اند و دولت استعمارگر انگلیس در رأس آنهاست، که سیاست و سلاح و نیروی نظامی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی آن و سپس دیگر دولتهای مستکبر غربی و شرقی، در خدمت این ظلم بزرگ به کار افتاد. ملت بی پناه فلسطین در زیر چنگال بی رحم اشغالگران، قتل عام و از خانه و کاشانه ی خود رانده شد. تا امروز هنوز يك صدم فاجعه ی انسانی و مدنی یی که به دست مدعیان تمدن و اخلاق، در آن روزگار اتفاق افتاد، به تصویر کشیده نشده و بهره یی از هنرهای رسانه یی و تصویری نیافته است. اربابان عمده ی هنرهای تصویری و سینما و تلویزیون و مافیاهای فیلم سازی غربی، این را نخواسته و اجازه ی آن را نداده اند. يك ملت در سکوت، قتل عام و آواره و بی خانمان شد. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در حرم حضرت امام خمینی (رحمه الله) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

(2). در کنفرانس حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 159

اسرائیل؛ پایگاه تجاوز امریکا در منطقه

امروز سالهای درازی است که امریکا در قلب سرزمینهای اسلامی، يك جمع دزدِ غارتگرِ جلاّ دِ آدمکش را در رأس یکی دو میلیون جمعیت به عنوان صهیونیست - که يك اندیشه ی نژادپرستانه است - به کار گماشته و آنجا را پایگاه تجاوزات خود قرار داده است. سالیان درازی است که امریکا به مردم این منطقه و به مردم جهان ستم میکند؛ چرا؟ چون ارزش حاکم بر ذهن دولتمردان امریکا و رژیم امپریالیست امریکا، جز ارزشهای مادی و پوچ، چیز دیگری نیست. اما اسلام این جور نیست. ما برای هر انسانی در هر نقطه یی از جهان، به خاطر انسان بودن، احترام قائلیم؛ لذا ما از قیام مردانه ی سیاهان امریکا - مسلمانان نشان و غیر مسلمانان نشان - حمایت میکنیم و برای آنها دعا میکنیم. (1)

جدان بودن مسئله ی اسرائیل از مسئله ی امریکا

مسئله یی که ما در این سفر (2) به آن کمال توجه را داشتیم، این بود که مسئله ی اسرائیل از مسئله ی امریکا جدا نیست. ما هرگز دچار این اشتباه نشده ایم که يك دولت میتواند با امریکا خوب باشد و با اسرائیل بجنگد؛ این را ما قبول نداریم. امکان ندارد که کسی با امریکا

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). مراد، سفر ایشان در زمان ریاست جمهوری به سه کشور سوریه، لیبی و الجزایر است.

کمکهای همه جانبه ی امریکا به اسرائیل

دوست باشد، صمیمی باشد، خوب باشد، اما با اسرائیل در حال جنگ و جدال و ستیزه گری باشد؛ چنین چیزی ممکن نیست؛ زیرا اسرائیل از امریکا جدا نیست؛ اسرائیل دست آموز امریکاست؛ اسرائیل پایگاه حقیقی و سیاسی - نظامی امریکا در منطقه است؛ اسرائیل به پشتیبانی امریکا نفس میکشد. اگر امریکا حمایت خودش را از اسرائیل بردارد، کشورهای اسلامی - همان کشورهای احاطه کننده ی اسرائیل - در فاصله ی بسیار کوتاهی خواهند توانست فلسطین را برگردانند و مسئله ی اسرائیل را بکلی حل کنند. این کمک امریکاست، ناوگان امریکایی است، تجهیزات و پول و سلاح و طراحان سیاسی و نفوذ بین المللی امریکاست که توانسته این ملت التقاطی و بی ریشه و غیر اصیل را در این سرزمین غصبی باز هم نگهداری کند. ما در سفر، به این مسئله توجه داشتیم و همه جا بر آن تأکید کردیم. (1)

1368/3/28

امریکا؛ پشتیبان غاصبان صهیونیست خبیث

چه دولتهایی از اختناق چند ده ساله ی رژیم پهلوی در ایران حمایت میکردند؟ آیا غیر از امریکا و انگلیس، دولتهایی مطرح بودند؟ آن وقت این دو کشور ادعا میکنند که طرفدار حقوق بشر و آزادی بیانند! امروز آفریقای جنوبی و بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی و نیز سرزمینهای اشغالی مقهور سلطه ی غاصبان صهیونیست خبیث - که سیاه ترین رژیمها را دارند - با پشتیبانی کدام کشورها حکومت خود را حفظ کرده اند و بزرگ ترین اختناقها را اعمال میکنند؟! اسرائیل که جنوب لبنان را بمباران میکند و مرکز تجمع کودکان را ویران میسازد و جنایتبارترین حرکت را از خود نشان میدهد، با پشتیبانی کدام کشور این فجایع را مرتکب میشود؟! قطعاً اگر پشتیبانی امریکا از اسرائیل نبود، این کشور امکان ادامه ی حیات نداشت. در حقیقت، امریکاست که دارد جنوب لبنان را بمباران میکند.

ادامه ی حیات رژیم صهیونیستی با پشتیبانی امریکا

چقدر وقیح است که امریکا و انگلیس و دولتهایی مانند آنها، ادعای طرفداری از حقوق بشر و احترام به آزادی انسان را میکنند! پیداست

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 161

که دروغ میگویند. اگر احترام واقعی به انسان ملاک است، تحقق آن جز در سایه ی اسلام امکان پذیر نیست. شکل کامل و مظهر اعلای این احترام و ارزش، زندگی و برخورد همین بزرگمردی بود که دست قدرتمند او، همه ی دنیا را متوجه اسلام و انقلاب و ایران کرده است.

(1)

1368/5/31

مکرر گفته ام که سیاست خارجی ما نسبت به گذشته هیچ تفاوتی نکرده و نمیکند. ما در گذشته هم تصریح کرده ایم و الان هم میگوییم که برای ایجاد ارتباط سالم و دور از تکلف و تحمیل، آماده ایم با هر کشوری - به جز چند استثنا که دلایل خاص و واضح خودش را دارد - ارتباط داشته باشیم. دولتهای استثنا شده، مثل دولت نامشروع صهیونیستی است که در این مراد، اصولاً در طرف مقابل، کسی وجود ندارد و اینکه هست، غیرقانونی است. انسان، توپ را برای گرفتن پرتاب میکند و این واقعیت که بر اساس اعتباری غلط، تحقق پیدا کرده است، مثل لاواقعیت است و وجود غیرقانونی او کالعدم و نامشروع میباشد. آفریقای جنوبی و آمریکا هم همین وضعیّت را دارند.

عدم پشتیبانی از دولت صهیونیستی؛ از شروط برقراری رابطه ی ما با آمریکا

البته، آمریکا از مصادیق و مواردی است که ما ارتباط با او را قبول نداریم و رد میکنیم. سؤال میشود تا کی؟ پاسخ این پرسش را، هم امام؛ و هم همه ی کسانی که در این باره صحبت کرده اند، گفته اند: تا وقتی که سیاستهای مبنی بر زور و ظلم و فشار و خصومت با جمهوری اسلامی و حمایت از دشمنان جمهوری اسلامی و پشتیبانی بی قید و شرط از دولت صهیونیستی خاتمه پیدا کند. امام فرمودند: «تا وقتی که آدم بشود». یعنی این روشهای غلط را اصلاح بکند. البته، حقیقتاً ما در جبین آن کشتی، نور رستگاری هم نمی بینیم و هیاهوی رابطه و مذاکره هم، حرف مفتی است و هیچ کس هم نگفته است. (2)

(1). در مراسم بیعت فرماندهان، نمایندگان ولیفقیه و مسئولان عقیدتی - سیاسی ژاندارمری و شهربانی، و رئیس و پرسنل سازمان پلیس قضایی کشور.

(2). در دیدار وزیر، معاونان و مدیران کلّ وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگیهای سیاسی خارج از کشور.

ص: 162

وابستگی امریکا به سرمایه داران صهیونیست بین المللی

ما استقلال را درست معنا میکنیم. استقلال، یعنی جمهوری اسلامی و وضعیتی که ما امروز داریم. هیچ ابرقدرت و قدرتی در طول این یازده سال، در هیچ یک از امور و شئون، نتوانسته کوچک ترین چیزی را بر ما تحمیل کند. این، مفهوم استقلال است. هیچ کشوری این استقلال را ندارد. من میخواهم بگویم حتی کشورهای مثل امریکا هم این استقلال را ندارند. لابد بعضی تعجب خواهند کرد. نه، تعجب ندارد. دولت امریکا هم به سرمایه دارهای صهیونیست بین المللی وابسته است. اگرچه ممکن است از لحاظ ملیت، خود آن سرمایه دارها هم امریکایی باشند، اما دولت، وابسته است. اگر یک رئیس جمهور در امریکا، آنجایی که منافع سرمایه دارها ایجاب نمیکند، یک قدم کج بردارد - مثل کندی و امثال او - پایش را از دایره بیرون میکنند و پدرش را درمی آورند. (1)

1368/12/5

رؤسای جمهور امریکا؛ تسلیم سیاستهای صهیونیسم

به ظاهر رؤسای جمهور امریکا و داد و فریادهای توخالی آنها نگاه نکنید. اینها، در مقابل سیاستهای القا شده از طرف همین کارتل دارهای عظیم جهانی - که عده بی از آنها امریکایی و عده بی دیگر صهیونیست اند - از خودشان هیچ اراده بی ندارند و اگر یکی را دو کردند، سرشان را زیر آب میکنند - مانند مواردی که شما در عمر خود دیده اید. به همین اندازه که من و شما یادمان است، از رؤسای جمهور امریکا، یکی کشته شد و دیگری با افتضاحی کنار رفت. اینها عادی نیست؛ همه اش دست کسانی است که در پشت پرده کار را اداره میکنند. (2)

1369/8/13

امریکا؛ شریک جنایات شرم آور صهیونیستها در فلسطین

امروز، قدرت و عظمت جمهوری اسلامی که محصول خون شهیدان و فداکاری ملت و زحمات توصیف ناپذیر مسئولان صالح و دلسوز و

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار فرماندهان یگانهای عمده ی عملیاتی نیروی زمینی و هوانیروز.

ص: 163

کارآمد است، حتی سردمداران استکبار را نیز وادار میکند که نقاب دوستی به چهره بزنند و منافقانه ادعای دوستی کنند؛ بدون اینکه حتی قدمی در راه دوستی بی که ادعا میکنند، بردارند. کیست که امروز در پشت پرده ی جنایات شرم آور صهیونیستها در فلسطین که خونخواری توأم با وقاحت را به حدّ اعلی رسانده اند، دست امریکا را نبیند و سردمداران امریکا را در کشتار بی رحمانه ی فلسطینیها مقصّر شناسد؟! (1)

1369/9/7

شکنجه و کشتار مردم فلسطین، با پشتیبانی امریکا و هم پیمانانش

امروز ملت ایران باید هوشیار باشد؛ چون دشمن با اسمهای مختلف - از جمله به نام حقوق بشر - در فکر دشمنی کردن و ضربه زدن به انقلاب و اسلام است. دفاع امثال امریکا از حقوق بشر، برای ملّتها و مظلومان دنیا، هم خنده آور و هم گریه آور است. از طرفی، خنده آور و مضحکه است؛ چون خود نقض کنندگان درجه ی اوّل حقوق بشر، سنگ حقوق بشر را به سینه میزنند! چه کسانی داعیه ی حقوق بشر دارند؟ کسانی که همین امروز از پنجه هایشان، خون مردم فلسطین میچکد. حالا هرچه در سالهای گذشته، در شرق و غرب عالم - در آفریقا و آسیا و در جاهای گوناگون - ملّتها را نابود کردند و کشتند و بشر و حقوق بشر را به مسخره گرفتند، به جای خود محفوظ؛ همین امروز رژیم صهیونیستی، به پشتیبانی امریکا و همپیمانانش، ملت فلسطین را با بدترین و فجیع ترین وضعی، زیر فشار و شکنجه قرار داده و خون مردم و شهدای فلسطین، به گردن اوست. چنین انسانهایی، دم از حقوق بشر میزنند! این، مضحکه و تمسخر نیست؟! (2)

13/1369/9

غالباً دو نکته از نظر شعاردهندگان به نام اسرائیل، دور میماند. ما این دو نکته را اجمالاً عرض میکنیم. یکی از این دو نکته این است که دشمنی با غاصبان اسرائیل، با دوستی با کسانی که پشتیبان همه جانبه ی

(1). پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی.

(2). در دیدار جمع زیادی از نیروهای مقاومت بسیج، گروهی از پرستاران و جمعی از پرسنل نیروی دریایی ارتش.

ص: 164

شعار ضدیت با اسرائیل با تکیه بر پشتیبانان دولت غاصب؛ حرکتی انحرافی و غلطی بزرگ

غاصبان اسرائیل هستند، نمیسازد. این، ممکن نیست. آن کسانی که خیال میکنند از راه امریکا و همپیمانانش میتوانند فلسطین را نجات بدهند، در اشتباه تأسّف انگیزی به سر میبرند. همچنان که از راه دولت اسرائیل نمیشود فلسطین را نجات داد، از راه دولت امریکا و همپیمانانش هم نمیشود فلسطین را نجات داد. هر حرکتی که به تکیه بر پشتیبانان دولت غاصب منتهی بشود، قطعاً یک حرکت انحرافی و یک غلط بزرگ است. اگر کسی شعار ضدیت با اسرائیل را میدهد، اما با همپیمانان اسرائیل در این مسئله همصحبتی میکند و به آنها اتکا مینماید، باید دانست که دروغ میگوید. چنین چیزی ممکن نیست.

آن کسانی که اسرائیل را تغذیه میکنند، در جبهه ی اسرائیل هستند. آن کسانی که به هر نحوی از انحاء به اسرائیل کمک میکنند، در جبهه ی اسرائیل هستند. آن کسانی که با صهیونیستها مذاکره میکنند، در جبهه ی اسرائیل هستند. مبارزه برای استنقاذ سرزمین فلسطین، باید معنای حقیقی، مبارزه را داشته باشد. مبارزه، نقطه ی مقابل سازش است. در این مسئله؛ سازش، خیانت و مبارزه، وظیفه است. هیچ کس سازش را به حساب مبارزه نگذارد. (1)

1370/3/26

رژیم غاصب اسرائیل؛ اهرم فشار استکبار جهانی

استکبار جهانی و دولتهای استعمارگر، از آغاز تا امروز، رژیم غاصب اسرائیل را به عنوان اهرم فشاری بر روی دولتهای عربی و سپس اسلامی منطقه پدید آورده و ذخیره کرده اند و برآند که این خنجر مسموم را همواره در پهلوی جهان اسلام نگاه دارند؛ و امروز شیطان بزرگ، سررشته ی این سگ دست آموز را در دست دارد.

اسرائیل؛ سگ دست آموز امریکا

پس، تعجّبی نیست که نقض مکرّر قوانین بین المللی، نقض مداوم حقوق بشر - آن هم به فجیع ترین شکل - تجاوز مکرّر به کشورهای همسایه، عملیات تروریستی و آدم ربایی به گونه ی آشکار، تهیّه ی روزافزون سلاحهای اتمی و امثال آنها - که هر یک در هر یک از کشورهای جهان که با امریکا و دیگر دولتهای بزرگ رابطه ی ارباب رعیتی نداشته باشد،

(1). در دیدار شرکت کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین.

ص: 165

حادثه بی عظیم تلقی میشود - از صهیونیستها قابل قبول باشد و هیچ اعتراض جدی را از سوی شبکه ی استکباری جهان، مخصوصاً شیطان بزرگ برننگیزد. (1)

1370/7/3

ادعای حقوق بشر امریکا در کنار همدستی و حمایت از اسرائیل

آیا این آدمها و این سیاستمدارها میتوانند ادعا کنند که اصلاً حقوق بشر را فهمیده اند؛ چه رسد به طرفداری از حقوق بشر؟! اینهایی که وقتی میخواهند راجع به دولتهای مخالف خودشان حرف بزنند، مثل نقل و نبات همین طور کلمه ی حقوق بشر از دست و رویشان میریزد! هر کس را بخواهند متهم کنند، به نفی حقوق بشر یا به عدم مراعات حقوق بشر متهم میکنند؛ مثل اینکه آنها بانی حقوق بشرند! شما چه می فهمید که حقوق بشر چیست؟! شما که علیه ملت فلسطین چنین خیانتی را روا میدارید و با صهیونیستهای نژادپرست این گونه همدست و همراه و حمایت کننده ی آنها هستید، چه می فهمید که حقوق بشر چیست؟! شما چه حق دارید که درباره ی حقوق بشر حرف بزنید؟! رئیس جمهور امریکا با این کار، نفرت عمیق ملتهای مسلمان، بلکه ملتهای آزادی خواه و عدالت طلب دنیا را نسبت به خود عمیق تر کرد.

نخیر، ما اعلام میکنیم که رژیم صهیونیستی، یک رژیم نژادپرست و ظالم و خشن و وحشی است. حق با ملت فلسطین است که تشخیص داده است باید با این رژیم به معنای واقعی کلمه بجنگد. با آن چنان آدمهایی، با زبان خوش و با زبان منطق نمیشود حرف زد و طرف شد. آنها خشن اند؛ باید با خشونت با آنها برخورد کرد. این، وضع ملتها در جهان است. این، وضع سیاستهای حاکم بر عالم است. ملتها خودشان باید بیدار باشند و دفاع کنند. (2)

1370/7/25

دشمن درصدد است فلسطین را یکبارہ از پیکر دنیای اسلام جدا کند و شجره ی ملعونه ی صهیونیسم را در خانه ی مسلمین ماندگار سازد.

(1). پیام به حجّاج بیت الله الحرام.

(2). در دیدار پرسنل و مسئولان نیروهای مسلح، جمعی از بسیجیان و خانواده های شهدا و جانبازان و آزادگان، به مناسبت گرامیداشت هفته ی دفاع مقدّس و هفته ی وحدت.

ص: 166

هدف امریکا از تثبیت رژیم اشغالگر؛ در دست گرفتن همه ی سررشته های زندگی در خاورمیانه

امریکا درصدد است با تثبیت رژیم اشغالگر، همه ی سررشته های زندگی در این منطقه ی حسّاس را به دست گیرد و خود را از نگرانی خیزش اسلامی در خاورمیانه و آفریقا نجات دهد. دشمنان اسلام میخواهند همه ی کینه ی دیرین خود با اسلام و شکستهایی را که در سالهای اخیر بر اثر بیداری مسلمین تحمّل کرده اند، در اینجا جبران کنند. این حادثه با هیچ يك از توطئه های چند سال اخیر درباره ی خاورمیانه قابل مقایسه نیست؛ اینجا سخن از غصب يك کشور و دربه دری مستمر و ابدی يك ملت و جداسازی نهایی پاره ی تن جهان اسلام و مرکز جغرافیایی وطن بزرگ اسلامی و قبله ی اولای مسلمین است. (1)

1370/7/27

آیا شما با تغییر اسم میتوانید يك ملت را از اولی ترین حَقّش - یعنی حَقّ داشتن سرزمین خود - محروم کنید؟ آیا با تبلیغات میتوانید يك ملت دروغین به نام ملت اسرائیلی به وجود بیاورید؟ آیا چنین چیزی مقبول است؟ آیا چنین چیزی مطابق با انصاف است؟ آیا چنین چیزی عادلانه است؟ مسئله غیر از اینهاست؛ مسئله این است که دنیای استکباری، به سرزمین فلسطین به عنوان قلب جغرافیایی جهان اسلام احتیاج دارد؛ تا اسلام را بکوبد، ملت های اسلامی را زیر فشار قرار بدهد و از حرکت اسلامی مانع بشود.

دولت اسرائیل؛ قائم مقام حضور استکبار در این منطقه

دولت اسرائیل در این نقطه، قائم مقام حضور استکباری است، تا منافع استکبار را در این منطقه تأمین کند؛ قضیه این است. آیا انسانهای سالم و بی غرض حاضرند گول تبلیغات دروغین و خباثت آلود استکبار را نسبت به فلسطین بخورند؟ امروز اردوگاه استکبار ایستاده است تا حَقّ بزرگ ملت فلسطین و ملت های اسلامی را تضییع کند. آیا ملت های اسلامی حق دارند بنشینند و تضییع حَقّ يك مسلمان و تضییع حقوق خود را تماشا کنند؟! (2)

(1). پیام به ملت های مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه های خباثت آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید.

(2). در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس بین المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین.

ص: 167

خاصیت قدرت استکباری این است که به همه ی دنیا مثل منطقه بی که متعلق به خود اوست، یا او حق استفاده ی از آن را دارد، نگاه میکند؛ اگر بناست يك نقطه را تقویت کند، چون به نفع اوست، بدون هیچ ملاحظه بی تقویت میکند. امروز شما ببینید اسرائیل چقدر مورد حمایت امریکاست؛ اسرائیلی که بعد از آنکه حقوق ملت فلسطین را تضييع کرده است، هیچ حقی برای ملت های همسایه ی خود قائل نیست؛ هر وقت فرصت پیدا کند، تجاوز میکند؛ امروز چون میتواند به لبنان تجاوز کند، تجاوز میکند؛ ولی روزی اگر لازم بدانند، به اردن یا به سوریه هم حمله میکند؛ چه چیزی مانع او خواهد شد؟!

حمایت امریکا از رژیم وحشی و گستاخ صهیونیستی

اسرائیل، رژیمی است که در داخل سرزمین های اشغالی فلسطین، برای مردم این سرزمین، کمترین حق حیات و حیثیت زندگی بی قائل نیست؛ به آنها اجازه ی زندگی در خانه ی خودشان هم نمیدهد؛ آن کسانی که در مقابل فشار نیروهای صهیونیستی فریادی بکشند، آن طور خشن آنها را خفه و سرکوب میکند؛ به هیچ يك از قراردادهای بین المللی که در عرف دولتهای جهانی مورد قبول است، اگر نخواهد، عمل نمیکند؛ هر کدام که برای او اندک مشکلی داشته باشد، آن را خیلی راحت کناری میگذارد! امریکا از چنین رژیم وحشی و گستاخ و بی اعتنای به قوانین انسانی و مقررات بین المللی حمایت میکند! (1)

1371/2/16

افزایش پشتیبانی امریکا از رژیم غاصب صهیونیستی

مسائل فلسطین اشغالی را ببینید! قریب چهل و چهار، چهل و پنج سال است که سرزمین فلسطین را با این سرکوب و حشیانه، از مسلمین غصب کرده اند. با این همه حرکات ضد بشری که از سوی رژیم غاصب صهیونیستی انجام میگیرد، با این همه گناهان و خلاف های بین که هر انسانی را دچار انزجار میکند، امریکا از پشتیبانی خود از این رژیم دست برنمیدارد. روز به روز پشتیبانی خودش را از آن بیشتر میکند. این، به چه معناست؟! کدام تضييع حقوق انسان، از این بالاتر

(1). در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

است؟! آن وقت، امریکاییها ادّعی طرفداری از حقوق بشر میکنند؛ درباره ی حقوق بشر سخنرانی میکنند؛ حرف میزنند؛ سیاست گذاری میکنند و موضعشان را نسبت به رژیمها معین میکنند. فلاّن رژیم در لیست سیاه آنهاست، چون به قول آنها «مراعات حقوق بشر را نمیکند!» فلاّن رژیم امروز از لیست سیاه خارج شد! فلاّن رژیم امروز وارد لیست سیاه شد! اینها، دنیایی را بازی میدهند. افکار عمومی عالم را با این ملعبه به تمسخر میگیرند و بشریت را استهزا میکنند. برای انسانها بلایی از این بالاتر؟!

درباره ی جمهوری اسلامی حرف میزنند و گاهی در خلال حرفهایشان میگویند که شرط رابطه ی ما با جمهوری اسلامی این است که حقوق بشر را رعایت کند! خیلی فرق است بین آن حرفی که ما میزنیم و آن حرفی که امریکاییها میزنند! ما میگوییم آن کسی که باید برای روابط شرط معین کند، شما نیستید. ملت ایران با شما دشمن است. از شما به سبب گناهان بزرگی که بر دوش رژیمتان است، متنفر است.

حمایت امریکا از رژیم صهیونیستی؛ مانع رابطه ی ما با امریکا

حالا- میگویند که «اگر چنین شود و چنان شود، ما رابطه برقرار میکنیم!» ما رابطه برقرار نمیکنیم! ما تا وقتی که شما این همه در دنیا ظلم میکنید؛ تا وقتی که از رژیم غاصب اسرائیل حمایت میکنید؛ تا وقتی رژیمهای فاسد را در دنیا پشتیبانی میکنید؛ تا وقتی با رژیمهای طرفدار مردم و طرفدار استقلال، دشمنی میکنید، حاضر نیستیم به طرف شما نگاه کنیم. این شما نیستید که شرط معین میکنید!

میگویند «ما طرفدار حقوق بشریم!» ما میگوییم: اصلاً شما حقوق بشر را قبول ندارید؛ شما معتقد به حقوق بشر نیستید؛ شما معتقد به حقوق کمپانیها و سرمایه داران بزرگ امریکایی هستید. (1)

1372/3/14

بزرگ ترین حمایت از تروریسم؛ حمایت امریکا از رژیم صهیونیستی

جمهوری اسلامی را به حمایت از تروریسم متهم میکنند. این هم خلاف واقع است؛ خودشان هم میدانند که خلاف واقع است. واقعیت این است که نظامی که امروز در دنیا حامی تروریسم است، رژیم

(1). در دیدار اعضای برگزار کننده ی کنگره ی حج.

ص: 169

ایالات متّحده ی امریکاست. حمایت از رژیم تروریست صهیونیستی در کشور غصب شده ی فلسطین، بزرگ ترین حمایت از تروریسم است.(1)

1372/12/13

امریکا؛ در رأس حامیان دولت غاصب صهیونیستی

فاجعه ی تهاجم دشمن صهیونیست به حرم شریف ابراهیمی (2)، آن قدر بزرگ و دردناک است که با چند جمله نمیشود درباره ی آن سخن گفت و حقش را ادا کرد. به نظر ما، دولت غاصب، مستقیماً مسئول این فاجعه است و حامیان دولت غاصب هم در این قضیه مسئولند. در رأس حامیان دولت غاصب، امریکا قرار دارد که در طول سالهای متمادی، همیشه و در همه جا از صهیونیستها دفاع کرده است. هر جا مشکلی برای صهیونیستها پیدا شد، فوراً امریکا سینه سپر کرد. یهودیان امریکایی و سرمایه داران بزرگ، هر کاری خواستند، به وسیله ی قدرت، پول و نفوذ سیاسی امریکا، در دنیا برای این غده ی سرطانی که در دل ملت‌های اسلامی به وجود آمده است، انجام دادند. در قضیه ی اخیر، آیا اینها مقصّر و مسئول نیستند؟ بی شک، هستند؛ چنان که دیگر همپیمانان اسرائیل و کمک کارهای او نیز در این قضیه مسئولند. رسانه های عمومی جهانی هم که حق این مسئله را ادا نکردند، مسئولند. سازمانهای حقوق بشر، به ویژه «کمیته ی حقوق بشر سازمان ملل» نیز مسئولند.(3)

1373/8/5

امریکا؛ شریک جرم جنایتهای اسرائیل

اصل حضور افراطی امریکا - در درجه ی اوّل - و بعد هم، بقیه ی کشورهای بیگانه در خلیج فارس، يك عمل نادرست و غلط و تشنج آفرین است. میگویند: ما میخواهیم در منطقه ی خاورمیانه، صلح برقرار کنیم. منظورشان سازش اعراب و اسرائیل است که به آن صلح هم

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). اشاره ی رهبری به جنایت صهیونیستها در مسجد حضرت ابراهیم (علیه السلام) در شهر الخلیل است. این جنایت که به سرکردگی «باروش کوچ» - عضو جنبش صهیونیستی کاخ - و با حمایت نیروهای نظامی اسرائیل صورت گرفت، منجر به شهادت حدود صد نفر از نمازگزاران روزه دار فلسطینی و مجروح شدن صدها تن دیگر شد.

(3). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 170

اطلاق نمیشود؛ چون ظلم است، نه صلح. يك سازشِ ظالمانه است. من به ضرسِ قاطع عرض میکنم و تاریخ، این را حکم خواهد کرد. هر جوان فلسطینی که به خاک و خون میغلند؛ هر مادر فلسطینی که داغدار میشود؛ هر خانواده ی فلسطینی که سرپرستش را از دست میدهد یا از کار معطل میماند، رئیس جمهور و مسئولین دولت امریکا به صورت مستقیم در این جرم شريك و سهیم اند. چرا فکر نکرده و بررسی نکرده و وجدان انسانی را به قضاوت نطلبیده، حرف میزنند و عمل میکنند؟(1)

1374/8/17

من به ملت‌هایی که تحت تأثیر تبلیغات رسانه های صهیونیستی هستند، کاری ندارم؛ آنها ممکن است اشتباه کنند. افکار عمومی را رسانه های عمومی تغییر میدهند. اما در بین سردمداران سیاست‌های جهانی، کسی نیست که نداند «فتحی شقاقی»، شهید راه يك ارزش انسانی بود. امروز کیست که سربازی را که برای برگرداندن خانه ی خود از دست اشغالگران می جنگد، تحسین و ستایش نکند؟ چرا سرداران جنگها و سربازان فداکارِ معلولِ جنگهای آزادیبخش، در همه جای دنیا مورد احترامند؟ چرا مقبره ی سرباز گمنام به عنوان يك حرکت نمادین در همه جای دنیا مورد احترام است؟ این سرباز مگر چه کار کرده است؟ این سرباز یا آن سردار و یا آن معلول جنگی در آفریقا، در اروپا، در هر جای دنیا که شما نگاه کنید، همان کاری را کرده است که امروز فلسطینیهای مظلوم میکنند؛ سرداران فداکارشان میکنند و شهدای غریبان انجام میدهند. هر کس که به ارزشهای انسانی پای بند باشد، اینها را از اعماق جان تحسین میکند؛ اما در شهادت شهید فتحی شقاقی، هیچ چشمی از چشمهای استکباری نگریست. يك قطره اشک از چشمهای دوخته به مطامع حیوانی شان فرو نریخت؛ آن وقت برای قاتل او و برای يك تروریستِ سابقه دار، اشک میریزند!

وای بر ملت‌هایی که رهبرانشان چنین کسانی هستند! دل انسان بر حال ملتی مثل ملت امریکا که از چنین رهبران حقیر و ضعیف و فاقد

(1). در صحن حرم حضرت عبدالعظیم الحسنی (علیه السلام).

ص: 171

ارزشهای انسانی برخوردار است، میسوزد. حالا- از «شاه حسین» و امثال او که نوکِ صفتی شان در طول سالهای طولانی، مشهود همه است، نمیخواهم یادی بکنم و اسمی بیاورم.

این، صحنه ی دنیاست. اینها آن دستهایی هستند که حرکتهای جهانی را به سمت هدفهای مشخصی شکل میدهند. این است ردّ پنجه ی خونینِ ننگینِ صهیونیسم بر صحنه ی سیاست دنیا که مظهرش هم امریکا است.

شروع انقلابِ محتمل در کشور امریکا؛ انقلاب علیه صهیونیستها

البته بدانید که این گونه نخواهد ماند. اگر در آینده انقلابی در کشور ایالات متّحده ی امریکا فرض و تصوّر شود، شروع این انقلاب این گونه خواهد بود که مردم امریکا میریزند و صهیونیستهای امریکا را - که امروز بر سراسر وجود آن کشور مسلّطند - تگّه تگّه میکنند. إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ. (1) این گونه نمیماند؛ اما فعلاً همین است. چون می بینند که در این گوشه ی دنیا، تَلَأَلُو حَقَّ فِضَا را روشن میکند، مجبورند که حرکت باطل کنند، تیراندازی کنند و حمله کنند. (2)

1375/1/4

اشخاص بسیاری در سطح دنیا - کسانی که با ما در ارتباط تجاری یا سیاسی هستند - محرمانه به مأموران و کسان ما میگویند: علّت دشمنی امریکا با شما، عبارت از همین مسئله ی خاورمیانه و قضیه ی اسرائیل است. میگویند چرا شما مخالفت میکنید؟ صریحاً میگویند که این قضیه ی حقوق بشر و محاکمات آن چنانی و حقوق زن و از این حرفهایی که علیه جمهوری اسلامی، در رسانه های امریکایی و صهیونیستی گفته میشود، همه اش حرف است. ما خودمان میدانستیم که این حرف است؛ اما حالا آنها هم این را اقرار میکنند.

علّت اصلی دشمنی امریکا با ایران

من همیشه به کسانی که احساس ضعف میکردند، میگفتم: چرا شما باید فریب تبلیغات را بخورید؟ چرا باید خیال کنید که وقتی امریکا از حقوق بشر میگوید، واقعاً نگران ضایع شدن حقوق بشر در ایران است؟ آنها برای بشر دل نمیسوزانند؛ آنها خودشان بزرگ ترین نقض

(1). سوره ی فجر، آیه ی 14؛ ترجمه: «به یقین پروردگار تو در کمینگاه است.»

(2). در میدان صبحگاه دانشگاه امام حسین (علیه السلام).

ص: 172

کنندگانِ حقوق بشرند. آنها کسانی هستند که در روز روشن، هشتاد نفر آدم را در یکی از شهرهای امریکا، زنده زنده، در يك خانه سوزاندند و خم به ابروشان نیامد. آنها به بشر و حقوق بشر چه کار دارند؟ حقوق بشر را چه می شناسند؟

مسئله ی آنها در جای دیگر است. دردشان از جای دیگر است. آنها میگویند شما چرا با اسرائیل کنار نمی آید و مثل دیگران، حکم قتل ملت فلسطین را امضا نمیکنید؟! حرفشان این است. من همیشه این موضوع را به همه میگفتم. حالا- خود آنها اعتراف میکنند و به ما میگویند که فشارهای امریکا و محاصره ی اقتصادی و تبلیغات خصمانه و رذالت آمیزِ عناصری از دستگاه قانون گذاری و اجرایی امریکا علیه جمهوری اسلامی، همه و همه به قضیه ی اسرائیل مربوط است. میگویند شما چرا صلح خاورمیانه را قبول ندارید؟ چرا میگویید این صلح نیست و سازش گرگ و میش است؟ چرا نمی آید این سازش را امضا کنید؟ آنها حکم قتل فلسطینیها را از ما میخواهند! قضیه این است.

ایالات متّحده ی امریکا؛ بازیچه ی دست صهیونیستها

پس، امروز در رأس دشمنان خارجی این ملت - که مبارزه ی اصلی سیاسی خارجی ما در دنیا با اوست - رژیم فاسدِ غاصبِ خبیثِ صهیونیستِ حاکم بر فلسطین اشغالی و پشت سر او، رژیم ایالات متّحده ی امریکاست. ایالات متّحده ی امریکا، با آن عرض و طول و با آن پیشرفتهای علمی و يك کشور و ملت بزرگ، بازیچه ی دست صهیونیستها شده است؛ مثل گولی که افسارش دست يك سگ است و هر جا میخواهد، او را میرد! امروز، دولت امریکا با آن حجم ثروت و سابقه و اهمّیتی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی برای خودش در دنیا قائل شده است، بازیچه ی دست صهیونیستها و دولت اسرائیل شده است. وقتی رئیس جمهور امریکا، علیه جمهوری اسلامی، تصمیمی اتخاذ میکند، به مجمع صهیونیستهای امریکا میرود و در آنجا

به دنیای امروز نگاه کنید! ملتی مثل ملت فلسطین، در عین مظلومیت، در دنیا صدایش به جایی نمیرسد؛ اما دولتی مثل دولت غاصب صهیونیستی و ملت غاصب صهیونیستی و ملت جعلی و دروغینی مثل صهیونیسم، در اراضی فلسطین، در دنیا و در مجامع جهانی حرف میزند. دیگران، حرف آن ظالم غاصب خونخوار را می شنوند؛ اما حرف آن صاحبخانه ی مظلوم را نمی شنوند و رد میکنند! دنیای استکبار و دنیای مادی امروز، این است. حکومت صهیونیستی با بولدوزر، خانه های مردم را در بیت المقدس ویران میکند و زن و مرد و بچه ی کوچک و نوجوس و خانواده ی تازه ازدواج کرده و خانواده هایی را که چند قرن در این سرزمین زندگی کرده اند، آواره میکند، تا شهرک یهودی نشین بسازد!

ونوی قطعنامه های ضد رژیم صهیونیستی در شورای امنیت توسط امریکای ظالم

دنیا در مقابل این فاجعه، به هر حال فریادی بلند میکند، اعتراضهایی میکند؛ اما تا میخواهند در شورای امنیت، علیه این حادثه ظالمانه ی واضح - که هیچ انسان باانصافی نمیتواند بگوید چقدر این ظلم، بزرگ است - قطعنامه یی بگذرانند، رژیم ایالات متحده ی امریکا، این قطعنامه را وتو میکند! قطعنامه یی که یقیناً یکی از معدود قطعنامه های عادلانه ی شورای امنیت است، به وسیله ی امریکای ظالم زورگوی هیچ نفهم قلدر، وتو ورد میشود! وضعیت سیاست بین المللی این است. (2)

عزیزان من! اینکه هجده سال است ما این رژیم زورگوی قلدر را مورد نفرت قرار دادیم و اگر خدای نکرده صدو هشتاد سال دیگر هم

(1). در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) در صحن امام خمینی (رحمه الله).

(2). از سال 1982 تا این اواخر، ایالات متحده، 32 قطعنامه ی شورای امنیت سازمان ملل متحد را که موضوع آن انتقاد از اسرائیل بوده، وتو کرده است، که این تعداد از مجموع موارد استفاده از وتو توسط دیگر اعضای شورای امنیت بیشتر بوده است. (کتاب لابی صهیونیسم و سیاست خارجی ایالات متحده، ترجمه ی لطف الله میثمی، نشر صمدیه).

همین استکبار بر سر کار باشد، باز بر او لعن و نفرت خواهیم فرستاد، به خاطر این است. اگر برای یکی از همین متجاوزان، حادثه‌یی در فلسطین اشغالی - آنجایی که غصباً وارد شده اند - پیش آید، فوراً مطبوعات امریکا با عکس و تفصیلات، نوحه سرایی میکنند که فرضاً این شخص کشته شده، مادر و زن و بچه داشته است! آیا این کسانی که از خانه‌ها آواره میشوند، زن و بچه ندارند؟ اینها مظلوم نیستند؟ اینها در خور ترحم و عطوفت انسانی نیستند؟ آن وقت مطبوعات و رادیوهای دنیا، خفه خون میگیرند و یک کلمه حرف و سخن درست و حسابی و افشاگر علیه این ظلم بزرگ بر زبان جاری نمیکنند! این است دنیای استکبار. این است معنای تبلیغات مغرضانه‌ی غرب که فریاد مصلحان و دلسوزان دنیا را بلند کرده است و ما همیشه آن را تکرار میکنیم. (1)

1375/12/25

طرفداری امریکا از اسرائیل، در ازای تأمین منافع استکبار در روز مبادا

یک چشمه از کارهای امریکا، طرفداری از اسرائیل است. آیا امریکا به خاطر جنبه‌ی انسان دوستی و علاقه مندی به یهودیها از اسرائیل طرفداری میکند؟ هرگز چنین نیست! اصلاً نظامی چون نظام امریکا، به هیچ انسانی، به خاطر انسانیت علاقه ندارد. طرفداری او از اسرائیل به خاطر این است که حضور حکومت صهیونیستی در قلب کشورهای اسلامی و در منطقه‌ی حساس خاورمیانه، تأمین کننده‌ی منافع استکبار در روز مبادا و هنگام خطر است.

وجود اسرائیل، واقعاً باید کشورهای عربی را با هم متحد میکرد؛ چون اسرائیل دشمنی است که در خانه‌ی آنها حضور دارد. اما کاری کرده اند که وجود اسرائیل، موجب تشتت کشورهای عربی شده است. امریکا و جبهه‌ی متحد او، همین را میخواهند. آنها از اسرائیل طرفداری و حمایت میکنند؛ اما از فلسطین بیچاره‌یی که خانه‌اش به وسیله‌ی اسرائیلیها غارت شده و از بین رفته است، یک صدم آن هم حمایت نمیکنند. هر اندازه که بتوانند، علیه فلسطینیها به اقدام دست

(1). در اجتماع مردم آبادان.

ص: 175

میزند؛ چنان که هر اندازه بتوانند، از آن رژیم غاصب، حمایت میکنند. (1)

1376/1/1

مردم در دنیا بشدت تشنه ی عدالتند. امروز در کشورهایی که دم از دموکراسی میزنند، بی عدالتی از همه جا بیشتر است. در همین کشور آمریکا، با اینکه سالهای متمادی میگذرد که رسماً برابری حقوقی سیاه و سفید را روی کاغذ اعلان کرده اند، هنوز که هنوز است، میان سیاهان و سفیدان تبعیض حاکم است. در بعضی از کشورهای اروپایی، تبعیض هست. مسئله ی نژادی هنوز در آنجاها مطرح است. هنوز که هنوز است، قدرتمندان این کشورها - از جمله در امریکا - اگر در داخل ملاحظه کنند که کسی، چیزی و جماعتی، با اقتدار مطلق سرمایه داری آنها معارضه یی دارد، بی رحمانه میکوبندش!

حمایت صریح امریکا از تروریست ترین کشور

کسانی که اهل خبر و مطبوعاتند، به یاد دارند که چند سال قبل در ایالات متّحده، جماعتی را زنده زنده در آتش سوزاندند! هفتاد، هشتاد مرد و زن و کودک را در امریکا - در همان جایی که به خیال خودشان سگها و حیوانات حقوق دارند و اگر کسی به گربه یا سگ خود در خانه ظلم کند، ادّعا میکنند که علیه اش اعلام جرم خواهد شد - در روز روشن و جلوی چشم مردم دنیا در آتش سوزاندند!

همین کشور، از تروریست ترین کشورها و دولتهای دنیا - یعنی صهیونیستها - صریحاً حمایت میکند. امروز در دنیا، هیچ نظام و رژیمی از لحاظ گرایش به تبعیض و ظلم و فاشیسم و تروریسم، زشت عمل تر و سیاه‌تر از رژیم صهیونیستی نیست. رژیم صهیونیستی، تروریست و غاصب و نژادپرست و ظالم و متقلّب و خدعه گر و حيله گر و اخلاّلگر در امور دولتها و کشورها و ملتهاست، که اگر کسی اسناد افشا شده ی امنیتی آنها را ملاحظه کند، همه ی اینها را خواهد دید. چنین کشوری، در مقابل چشم مردم دنیا، بزرگ ترین ظلمها را به اعراب مسلمان صاحب آن سرزمین - نه فقط ساکن آن

(1). در جمع نیروهای لشکر ولیّ عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خوزستان.

ص: 176

سرزمین؛ مالک آن سرزمین - میکند. از صد مورد ظلم آنها، یکی هم مورد تعرض قدرتهای جهانی قرار نمیگیرد و تازه اگر يك مورد از ظلمشان - مانند مورد اخیر - در شورای امنیت مورد تعرض قرار گیرد و قطعنامه بی علیه رژیم صهیونیستی صادر شود، امریکا آن را وتو میکند! شما ببینید چقدر اینها بدکردارند؛ چقدر اینها طرفدار سیاهی و ظلم و زشتی اند. (1)

1376/5/29

چشم بستن غرب بر جنایات وحشت آور حکومت غاصب صهیونیست

هنوز مسئله ی تبعیض نژادی در آن کشوری که مدعی آزادی و حقوق بشر است، حل نشده است. هنوز انسانی به جرم پوست سیاه، تأمین ندارد که در آن جامعه زندگی کند! يك وقت اگر لازم باشد، به جرم سیاه پوست بودن، پلیسی او را تا حد کشتن کتک میزند! اینها ادعای حقوق بشر میکنند! اینها چشم خود را بر جنایات وحشت آور حکومت غاصب صهیونیست میبندند. ببینید در همین چند روز گذشته، صهیونیستها با مردم بی پناه شهرهای لبنان - صیدا و غیره - چه کردند! این بمبارانها، این آدم ربایی ها، این کشتارها؛ اینها همه جنایت است. همه ی اینها - به اصطلاح آقایان - حرکات ضد حقوق بشر است. طرفداران حقوق بشر، هیچ احساس نمیکنند که ضد حقوق بشر در آنجا انجام میگیرد. اگر يك فلسطینی از جان گذشته و ستمدیده فریادی بزند و حرکت خشم آگینی بکند، دستگاه های تبلیغاتی و سیاسی شان به راه می افتند؛ اما این همه جنایت علیه ملت فلسطین و ملت لبنان از طرف آنها نادیده گرفته میشود!

تزویر و دروغگویی غرب در موضوع حقوق بشر

امروز پرچم حقوق بشر را چنین کسانی بر دوش گرفته اند! این، دنیای فریب نیست؟ دنیای دروغ نیست؟! دنیای تزویر نیست؟! قبلاً میگفتند که سیاست، تزویر است؛ اما اینها ادعای حقوق بشرشان تزویر است؛ اساس کار بین المللی شان بر تزویر است؛ فقط مسئله ی سیاست نیست. چنین حکومتهایی مدعی اند که رهبری بشریت باید به دست اینها باشد! دولتها باید تسلیم اینها باشند! (2)

(1). در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی؛ مشهد مقدس رضوی.

(2). در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی.

شما هر مسئله از مسائلی را که امریکا در آن دخالت دارد، جلو بکشید و مورد مذاقه قرار دهید، همین را خواهید دید: دخالت‌های سیاسی در کشورها، دخالت در کودتاها، دخالت در مسئله ی خاورمیانه، دخالت در قضیه ی نفت، دخالت در انحصارات جهانی، دخالت در معاملات گوناگونی که شرکت‌های دیگر با کسانی میکنند.

امریکا در خدمت سازمان صهیونیست‌های این کشور

در همه ی این قضایا، حضور این رژیم مثل قلدرها و لات‌ها و داش‌ها و بزین بهادرهای محله است! در سطح بین المللی، این قلدر میخواهد تمام این مسائل را بر اساس منافع تنگ نظرانه بی که منطبق بر خواستها و مقاصد گروه خاصی است - یعنی سازمان صهیونیست‌های امریکا، سازمان سرمایه گذاران بزرگ امریکا، کارتلها و امثال اینها - حلّ و فصل کند. این، بالای بسیار بزرگی است. (1)

1376/11/28

سازماندهی حمله ی امریکا به عراق برای تقویت رژیم صهیونیستی

حضور امریکا در خلیج فارس و حمله ی امریکا به عراق یا به هر نقطه ی دیگر در این منطقه، اولاً، موجب ناامنی و موجب فتنه است؛ ثانیاً، موجب به هم انداختن دولت‌های منطقه است؛ ثالثاً، برای تقویت صهیونیست‌ها و رژیم صهیونیستی، این اقدامات سازماندهی میشود. میخواهند جا پای عامل خودشان - نظام صهیونیستی - را در منطقه محکم کنند. (2)

1377/1/31

تناقض بزرگ غرب در ضدیت با نژادپرستی

امروز در رفتار اروپا و امریکا - یعنی در حقیقت تمدن مادی - تناقضی وجود دارد. امروز با دیدگاه ضد نژادپرستانه، اعمال نازیها علیه یهودیها تقبیح میشود - البته باید هم تقبیح شود - اما در همین جا اروپا و امریکا دچار تناقض هستند؛ زیرا صهیونیست‌ها هم امروز همان موضعی را دارند که یک روز نازیها داشتند؛ و اروپا و امریکا

(1). در دیدار گروه زیادی از دانش آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت یوم الله سیزده آبان.

(2). در اجتماع بزرگ مردم بندرعباس.

ص: 178

برخوردی را که با نازیها داشتند، با صهیونیستها ندارند؛ حتی می‌خواهم بگویم موضع آنان حمایت از صهیونیستهاست. این يك تناقض بزرگ است. زشتی حمایت از صهیونیستها، کمتر از حمایت از آلمان نازی و هیتلر نیست؛ این تناقضی است که در تمدن مادی - که در امریکا و اروپا رایج است - پاسخی برای آن وجود ندارد. ما رفتار نازیها و همچنین رفتار صهیونیستهای امروز را عملی زشت و ناپسند میدانیم. (1)

1377/2/12

بالاخره وجدانهای مردم مسلمان در دنیای اسلام و بخصوص دنیای عرب، بیدار خواهد شد. امروز دولت صهیونیستی با تضادهای فراوانی مواجه است و در درون خودش دچار مشکلات زیادی است. قطعاً اگر حمایت امریکا از این ولیده‌ی استعمار برداشته شود، سقوط خواهد کرد و ما دور نمیدانیم که این حمایت، بالاخره روزی در زیر فشارهای فراوان جهانی برداشته شود.

پیامد قطع حمایت امریکا از اسرائیل؛ سقوط این ولیده‌ی استعمار

البته بعضی پدیده‌ها هست که به نظر انسان خیلی دور می‌آید. امروز شاید کسی به آسانی باور نکند که ممکن است در سرزمین فلسطین، روزی دولت صهیونیستی نباشد و دولت فلسطینی برقرار شود؛ لکن ما دیدیم آرمانهایی که به همین اندازه مستبعد بود، تحقق پیدا کرد. یکی از آنها، وجود ما در ایران - وجود این حکومت اسلامی در این مملکت و در این نقطه - است؛ با وجود آن اهمیاتی که امریکا به رژیم پهلوی داشت. ما سالها در این راه مبارزه کردیم و بنده بارها به زندان افتادم؛ اما همیشه هم امیدوار بودیم. در عین حال، چنانچه آن روز به ما گفته میشد که «این حکومت، در آینده‌ی نزدیک، با این خصوصیات تحقق پیدا خواهد کرد»، به طور قاطع و جازم میگفتیم «نمیشود». این قدر بعید بود! اما همین امر بعید، تحقق پیدا کرد: **إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً (2)**.

(1). در دیدار با روزه‌گاردی.

(2). سوره‌ی معارج، آیات 6-7. ترجمه: «زیرا آنها آن روز را دور می‌بینند و ما آن را نزدیک می‌بینیم.»

ص: 179

حکومت فلسطینی، ان شاءالله امری است ممکن و واقع. تا وقتی این روحیه هست، این امید، قطعی است. باید این را دنبال کرد. (1)

1377/2/18

سالهای متمادی گفتند که ایران از تروریسم حمایت میکند؛ ما میگفتیم که مقصود آنها که میگویند «دولت ایران از تروریسم حمایت میکند»، این است که ما از مبارزان فلسطینی حمایت میکنیم. این را میگویند «حمایت از تروریسم»!

مبارز فلسطینی را تروریست و حمایت از او را حمایت از تروریسم مینامند! ما در سابق این را بارها میگفتیم؛ حالا خودشان تصریح میکنند و همین را میگویند! این نشان میدهد که استکبار جهانی و دستگاه امپراتوری خبری آن، وقتی که ناچار باشد، آن حقایقی را که يك وقت مجبور بود پنهان کند، با وقاحت تمام آشکار میکند و شرمی ندارد!

دشمنی رفته مدّتی را از خانه اش بیرون کرده، کشوری را غصب نموده، حکومت ظالمانه بی تشکیل داده، مردم آن سرزمین را با انواع مصیبتها مواجه کرده و انواع محنتها را بر سر آنها وارد آورده است؛ وقتی آن مردم يك فریاد میکشند و يك عکس العمل کوچک نشان میدهند، به این میگویند تروریست!

بله؛ اگر معنای تروریسم این است، ما افتخار میکنیم که از مبارزان فلسطینی حمایت کنیم؛ وظیفه ی ماست. ما از حق دفاع میکنیم، با باطل مقابله میکنیم؛ حالا انسانهای بانصاف عالم، خودشان قضاوت کنند.

يك صاحبخانه و يك غاصب داریم. صاحبخانه، فلسطینیها هستند؛ و غاصب، صهیونیستهایی که از اطراف دنیا - از امریکا، از اروپا، از روسیه و از جاهای دیگر - رفتند در آنجا ساکن شدند. آن غاصبان نسبت به این صاحبخانه ها صد جنایت انجام داده اند؛ صاحبخانه ها هم مواردی مقاومت کرده اند و به آنها ضربه زده اند. کدام تروریست اند؟! آیا آن کسی که به خانه ی مردم رفته، زنان را کشته، بچه ها را کشته و

(1). در دیدار شیخ احمد یاسین، رهبر حماس.

ص: 180

در «دیر یاسین» فاجعه آفریده و هزار مشکل برای مردم درست کرده است، در خانه های آنها دیگران را اسکان کرده و شهرهای فلسطینی را به دیگران داده است، الان هم اگر کسی نفس بکشد، او را به زندانهای سخت می اندازد؛ این تروریست است، یا آن کسی که حقّ خودش را مطالبه میکند؟!

شکنجه شیخ احمد یاسین؛ نمونه ای از شکنجه های صهیونیستی

این شیخ شجاع فلسطینی (1) که به ایران آمد و سر تا پا فلج است - دستش فلج، پایش فلج و قطع نخاعی است - سالهاست که شجاعانه مبارزه میکند. با وجودی که قطع نخاع دارد، او را به زندان بردند و شکنجه کردند! احتمال دادند اگر به بدنش ضربه بزنند، حس نکند؛ لذا به صورتش شلاق زدند و به او بی خوابی دادند! اینها تروریست نیستند؟!

به داخل لبنان می آیند و مبارزان لبنان را که با آنها مخالف اند، میدزدند و میبرند. اینها تروریست نیستند؟! آن وقت آن کسی که فریاد میزند، دو نسل زیر چادر، در داخل خیمه ها و در اردوگاه ها، داخل خانه های محقر، در خارج از شهر و کشور خودشان زندگی کردند و غربت دنیا را تحمّل نمودند و حالا يك کلمه حرف زدند، یا اقدامی کردند، اینها تروریست اند!

طرفداری امریکا از صهیونیستهای تروریست

امریکا طرفدار صهیونیستهاست و ما طرفدار فلسطینیها؛ کدام طرفدار تروریست هستیم؟! باانصافهای دنیا بگویند. این را میگویند «طرفداری ایران و دولت ایران و ملت ایران از تروریسم»! (2)

1377/4/21

اگر حمایتهای استکبار و در رأس آنها امریکا از اشغالگران فلسطین و تروریستهای بین المللی، که در قلب کشورهای اسلامی متمرکز شده اند - یعنی همین حاکمان فعلی دولت جعلی اسرائیل - نبود، قدرتِ ماندن نداشتند. الان هم همین طور است.

(1). شیخ احمد یاسین.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 181

امریکا در مسئله ی فلسطین، طرف قضیه است، نه واسطه و میانجی

امریکاییها در قضیه ی فلسطین نمیتوانند میانجی باشند، نمیتوانند واسطه باشند. آنها طرف قضیه اند؛ مقابل دولتهای اسلامی و ملت‌های اسلامی اند. در همین قضایای چند سال اخیر هم نشان داده شد. همین حالا در مقابل این فاجعه ی عظیمی که صهیونیستها راه می اندازند - یعنی در حقیقت غصب دوباره ی بیت المقدس، غصب دوباره ی قبله ی مسلمانان - همین حمایت‌های امریکاست که اینها را جری کرده است، والاّ اینها جرأت نمیکردند. اگر حمایت امریکا نبود، دولتهای اسلامی این زمره ی طاغیه را کفایت میکردند. الان هم اگر کشورهای اسلامی و دولتهای اسلامی متحد باشند، کفایت میکنند.

تمسک به اسلام و دفاع از فلسطین؛ عوامل اصلی دشمنی امریکا با ایران اسلامی

عمده ی دشمنی امریکا با ایران اسلامی، به خاطر دو چیز است: یکی تمسک به اسلام، دیگری موضع گیری قاطع در مقابل قضیه ی فلسطین.

این را همه ی شما بدانید، همه در دنیا بدانند. علت اینکه امریکا در مقابل ایران اسلامی، این طور گستاخ، جری، خشمگین و عنود قرار میگیرد، این دو مسئله است: اسلام و موضع در مقابل قضیه ی فلسطین؛ موضع صریح و قاطع، که از روز اول انقلاب تا امروز تغییر نکرده است و روزبه روز روشن تر و واضح تر هم شده است. تمام فشارها بر ایران اسلامی، برای این دو چیز است: دست برداشتن از اسلام و انصراف از حاکمیت احکام مقدس اسلامی و تغییر موضع در مقابل قضیه ی فلسطین. تا این مواضع ما هست، امریکا دلش با ما صاف نخواهد شد. (1)

1378/8/12

ریشه ی اصلی مخالفت امریکا با ایران

معلوم است که میخواهند (2) ارتباط داشته باشند؛ اما هدف آنها از این ارتباط چیست؟ این را پوشیده نگه میداشتند؛ تا این اواخر که یکی از دولتمردانشان - حالا- دولتمردان که چه عرض کنم؛ طرف، خانم بود! - ساده لوحی به خرج داد و چیزی را که آنها نمیگفتند، او در کلماتش افشا کرد! گفت ما با ایران رابطه برقرار میکنیم؛ لیکن شرط این رابطه

صهیونیستها؛ گردانندگان اصلی سیاست امریکا

(1). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام جعفر صادق (علیه السلام).

(2). دولت آمریکا.

این است که ایران اول باید مسئله اش را با اسرائیل حل کند! بله؛ اصلاً قضیه همین است. این را همیشه ما میگفتیم، اما بعضیها ملتفت نبودند!

مسئله ی اصلی امریکا در رابطه با هر کشوری و بخصوص در رابطه با ایران اسلامی - که امروز بلندترین پایگاه مبارزه با اسرائیل اینجاست - همین مسئله است. صهیونیستها، گردانندگان سیاست امریکایند. دیدید که همین چند روز قبل، باز آن شخص دیگرشان در محفل صهیونیستها رفت و برای دلخوشی آنها، یا به تعبیر وزارت خارجه ی ما - که تعبیر خوبی است - برای خوش رقصی، در مقابل آنها از ایران بدگویی کرد! مسئله، مسئله ی صهیونیستهاست؛ مسئله ی حضور نیروی غاصب اسرائیل - مثل يك غده ی سرطانی - در قلب ملت های اسلامی است که بزرگ ترین بدبختیها برای ملت های اسلامی از این ناحیه آمده است. بنابراین، مسئله ی ارتباطی که مطرح میکنند، مسئله ی صادقانه یی نیست. ارتباط برای این است که بتوانند به طور مرتب خواسته های خودشان را تکرار و دیکته کنند و ما را تهدید نمایند! (1)

1378/10/10

وتوی همه ی قطعنامه های ضدّ اسرائیلی توسط امریکا

از جهت امنیتی، مسئله ی اسرائیل، يك خطر امنیتی، نه فقط برای مردم خودش، بلکه برای کلّ منطقه است؛ برای اینکه اینها الان زرادخانه ی اتمی دارند و باز هم تولید میکنند! سازمان ملل هم چند بار هشدار داده، اما اعتنا نکرده اند؛ البته عمده اش هم به خاطر پشتیبانی امریکاست؛ یعنی گناه کارهای صهیونیستها و دولت غاصب، به میزان زیادی به گردن رژیم امریکاست. شما این را بدانید؛ در طول این پنجاه سالی که اینها سر کارند، در شورای امنیت سازمان ملل، بیست و نه قطعنامه علیه اسرائیل صادر شده، که امریکا هر بیست و نه مورد را «وتو» کرده است! الان هم حدود ده سالی است - از بعد از فروپاشی شوروی سابق تاکنون - که دیگر اصلاً اجازه نمیدهد که در شورای امنیت، قطعنامه یی علیه اسرائیل مطرح شود!

(1). در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه ی جاسوسی امریکا (روز ملی مبارزه با استکبار جهانی).

ص: 183

امریکا در قضیه ی فلسطین؛ مجرم درجه ی يك

پس، گناه این جرایم به گردن امریکا است. امریکا که این قدر چهره ی صلح طلبانه به خودش میگیرد و گاهی هم لبخندهای زهرآگینی را به همه ی ملتها - از جمله به ملت شریف و مظلوم ما - نشان میدهد، در قضیه ی فلسطین، مجرم درجه ی يك است؛ یکی از گناهاش این است. امروز دست امریکا تا مرفق در خون فلسطینیها فرو رفته است. (1)

1379/1/30

همّ اوّل امریکا در منطقه؛ حفظ منافع اسرائیل

امنیت منطقه را هم خود دنیای اسلام باید تأمین کند. امروز عوامل صهیونیستی در دنیا، سعی میکنند بین دولتهای اسلامی، به انواع طرق و شیوه های مختلف، اختلاف ایجاد کنند، تا ناامنی ایجاد شود. آن وقت امریکا از آن طرف دنیا بیاید، ایجاد امنیت کند! به امریکا چه که ایجاد امنیت کند؟ ما خوشحال خواهیم شد که ناامنی برایمان ایجاد نکند! آنها میتوانند امنیت ایجاد کنند؟! امریکا امروز در این منطقه، همّ اوّلش حفظ منافع اسرائیل است. ارتباط با دولتهای عربی، برای امریکا يك جنبه ی ابزاری دارد و این کشور، هیچ دلسوزی و علاقه مندی نسبت به مصالح دنیای عرب و دنیای اسلام ندارد. خود ما - چه دنیای عرب و چه دنیای اسلام که جامع تر است - باید به فکر ارتباط و اتصال و حفظ مصالح خودمان باشیم. (2)

1379/4/28

اسرائیل؛ شريك درجه ی اوّل امریکا در منطقه

تجربه و مطالعه ی تاریخی نشان میدهد که اصولاً غریبها خیلی بی وفا هستند! فقط دنبال این هستند که منفعتی را بگیرند و بروند. در این منطقه هم روشن شده که دنیای اسلام و دنیای عربی، در نظر امریکا، در درجه ی دوم است. درجه ی اوّل در نظر آنها، اسرائیل است! اسرائیل را با هیچ چیز دیگری عوض نمیکنند. البته این، علل تاریخی و سیاسی مشخصی دارد و اینها همه اش برای شما معلوم است. آنچه که من مورد نظر هست، این است که ما باید از این موانع عبور کنیم. (3)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار رئیس جمهوری یمن.

(3). در دیدار امیر قطر.

ص: 184

در این ماه رمضان هم صهیونیستها حداکثر فاجعه آفرینی را کردند. شما می بینید که از بچه ی کوچک شاید یکساله و دو ساله تا نوجوان و جوان و پیرمرد و مریض، جزو قربانیان این حوادثند. این، ضدیت دشمن اسلام و مسلمین - یعنی گروه حاکم بر این بخش از میهن اسلامی - را با موازین بشری و با حقوق بشر نشان میدهد.

آینه ی فلسطین؛ نمایانگر چهره ی زشت سیاستهای امریکایی و فجایع صهیونیستی

در عین حال، سناتورها و سیاستمداران و زبندگان سیاسی امریکا از اینها صریح حمایت میکنند. این کار را بکنند؛ میل خودشان است؛ سیاستشان این است؛ جوهره ی آنها همین است که باید از این مفسدان و شیطان صفت ها و سبعا حمایت کنند. بیش از این هم توقعی نیست؛ لیکن مردم دنیا باید از این عبرت بگیرند. خوشبختانه ملت ما چشم و گوشش باز است. مردم دنیا که همیشه در قضایای مختلف، شعار طرفداری از حقوق بشر، طرفداری از حقوق اکثریت و به قول خودشان طرفداری از دموکراسی را، از زبان امریکاییها شنیده اند که به آن تفاخر میکردند، باید در آینه ی فلسطین، چهره ی زشت واقعی سیاستهای امریکایی را مشاهده کنند. (1)

1380/2/4

حمایت از فلسطین؛ علت اصلی فشارهای امریکا بر ایران

برادران و خواهران! علت اساسی فشارهای همه جانبه یی که استکبار جهانی - و در رأس آنها رژیم امریکا - به ایران وارد میکند، حمایت ما از فلسطین است. آنها در اظهارات صریح تری گفته اند که مشکل اصلی امریکا با ایران، مخالفت جمهوری اسلامی ایران با طرحهای ذلت بار سازش در فلسطین است؛ و بقیه ی امور نظیر ادعاهای مضحک نقض حقوق بشر و ساخت سلاحهای کشتار جمعی، بهانه یی بیش نیست؛ و اگر ایران دست از حمایت خود از مبارزین و مردم لبنان و فلسطین بردارد، آنها دست از روش خصمانه ی خویش علیه ایران بر میدارند!

البته ما به روشنی میدانیم مشکل اصلی آنان، اسلام و حکومت اسلامی است که مانع از بازگشت غارتگرانه و سلطه طلبانه ی آنان به این کشور

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 185

پهناور شده است و آنها هم حقیقتاً این رویکرد سیاستهای جمهوری اسلامی را بخوبی می شناسند. ما به آنها جواب رد داده ایم و حمایت از مردم فلسطین و لبنان را از وظایف مهمّ اسلامی خویش میدانیم؛ لذا آنها از هر سو فشارهای خود را وارد میکنند. (1)

1380/7/4

تروریسم از منظر امریکا

در ذهن مسئولان امریکا، مفهوم تروریسم، مفهوم غلطی است. آنها تروریسم را بد معنا میکنند؛ به گونه یی معنا میکنند که کشتار دسته جمعی و قتل عام مردم صبرا و شتیلا - که دو اردوگاه فلسطینی بودند - در يك شب به دستور همین کسی که امروز در رأس حکومت غاصب صهیونیستی است (2)، تروریسم به حساب نمی آید!

چند سال قبل از این، گروه زیادی از مردم قانای لبنان جلوی دفتر نمایندگی سازمان ملل در این کشور برای شکایت جمع شده بودند؛ اما هلیکوپترهای اسرائیلی آمدند و چند صد نفر آدم را - که در میانشان زن بود، مرد بود، بچه بود، گرسنه بود، تشنه بود - به رگبار بستند و همه را کشتند! امریکاییها این را تروریسم نمیدانند! بارها به لبنان آمده اند و افرادی را ربوده اند و یا کشته اند؛ اما هیچ کدام از اینها مصداق تروریسم نیست! دولت غاصب صهیونیستی در یکی دو ماه پیش، رسماً تصویب کرد که باید عناصری از فلسطینیها ترور شوند - حتی اسم ترور را آوردند - ترور هم کردند؛ ماشین شان را منفجر کردند و افراد متعددی را کشتند؛ اما هیچ کدام از اینها مصداق تروریسم نیست؛ ولی مردم فلسطین که برای دفاع از سرزمین و استتقاز حقّ پامال شده ی خودشان قیام میکنند، فریاد میکشند و سنگ در دست دارند، اسلحه هم ندارند، تروریست اند! منطق امریکاییها این است. این منطق غلطی است و دنیا آن را قبول نمیکند. (3)

(1). در مراسم گشایش کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

(2). آریل شارون.

(3). در دیدار خانواده های شهدای نیروهای مسلح.

ص: 186

اتهام تروریست به ملت فلسطین؛ یکی از ظلمهای بزرگ تاریخی

امروز فاجعه‌ی فلسطین در اوج زشتی و تکان‌دهندگی است. امروز مردم مظلوم فلسطین بدون اینکه هیچ جرمی داشته باشند، جز اینکه میخواهند در خانه و در میهن خود آزادانه زندگی کنند و تحقیر نشوند، تروریست خوانده میشوند! این یکی از ظلمهای بزرگ تاریخی است. ملت فلسطین در خانه‌ی خود، غاصبان را مشاهده میکند؛ زندگی او به تاراج رفته است؛ خانه‌ی او از او گرفته شده است؛ منابع ثروتش در اختیار دشمنان اوست؛ علاوه بر اینها، در خانه و شهر و دیار خود او، او را تحقیر میکنند. اگر جوان مسلمان در فلسطین بخواهد به نماز جمعه برود، سرتا پای او را مورد بازرسی قرار میدهند، او را تحقیر میکنند، به او اهانت میکنند و نمیگذارند به نماز جمعه برود. اگر در خیابان اندک سوءظنی به جوان و مرد و زن مسلمان پیدا کنند، آنها را در خانه شان مورد تحقیر و اهانت قرار میدهند. اگر حرفی بزنند و یا از گوشه‌ی بی‌شعله‌ی خشم آنها بلند شود، بدون هیچ مانع و رادعی وسایل جنگی را به داخل کوچه و خیابان میکشاند و خانه‌ی آنها را با تانک ویران میکنند. این ملت مظلوم اگر از خود دفاع کند، اگر داد بکشد، اگر دنیای اسلام را به کمک بخواهد، تروریست است؟!

رژیم صهیونیست، اعمال تروریستی را با زشتی و وقاحت هرچه بیشتر، روز به روز شدیدتر انجام میدهد. چشمان خود را روی اعمال او میندند، ولی این ملت مظلوم را تروریست معرفی میکنند! این بزرگ‌ترین ظلمی است که صورت میگیرد. دنیای اسلام باید به خود بیاید و احساس وظیفه کند. (1)

1380/11/11

تعامل دوجانبه‌ی غرب و اسرائیل از آغاز پیدایش صهیونیسم

غرب و قدرتهای غربی، از آغاز پیدایش غده‌ی سرطانی صهیونیسم در این منطقه، تعامل دوجانبه‌ی بی‌با هم داشتند. وظیفه‌ی اسرائیل این بوده است که منافع قدرتهای متجاوز غربی را در منطقه‌ی اسلامی حفظ

(1) 1. در خطبه‌های نماز عید سعید فطر.

ص: 187

کند؛ یعنی همیشه روبه روی کشورهای اسلامی و کشورهای منطقه، تهدید دائمی بالفعلی قرار داشته باشد و کشورهای اسلامی را در يك دغدغه ی دائمی نگه دارد، تا آنها نتوانند با هم متحد شوند و يك مجموعه ی همدل و هم جهت را به وجود آورند و از امکانات و ثروت و نیروی انسانی خود برای منافعشان استفاده کنند. متقابلاً وظیفه ی آنها هم این بوده است که این غده ی سرطانی را در این منطقه با همه ی وجود نگه دارند. البته امروز این نقش بیشتر از همه بر عهده ی امریکاست. (1)

1381/7/15

عزت حمایت بی قید و شرط امریکا از رژیم صهیونیستی

اکثر مردم در جهان اسلام، اهداف استکبار را نمیدانند. امروز جبهه ی استکبار به دشمنی با اسلام تصریح میکند. يك بار اسلام را تروریسم میدانند، يك بار به کتاب آسمانی جسارت میکند، يك بار اعلان جنگ صلیبی میکند. اینها مسلم و روشن است؛ اما اینکه چرا با اسلام مخالف است و انگیزه ی دشمنی اش با اسلام چیست، برای مردم پوشیده است. مگر اسلام با استکبار چه میکند که با همه ی ساز و برگ خود به مقابله با اسلام می آید؟ امروز امریکا احساس میکند برای تسلط بر منطقه ی حساسی که نهایت نیاز را به آن دارد - یعنی منطقه ی نفت خیز خاورمیانه - ناچار است با اسلام مبارزه کند. امروز تسلط بر این منطقه، يك نیاز ضروری برای امریکاست؛ به خاطر برنامه های عقب مانده و بخشهای فلج مانده از اقتصاد و پیشرفتهای علمی و به خاطر مسئله ی نفت.

نیاز امریکا به وجود اسرائیل جهت تسلط به منطقه ی خاورمیانه

بخشی از این برنامه این است که رژیم صهیونیستی تقویت شود، که آن را هم برای تضمین و دوام سلطه ی خودشان بر این منطقه لازم دارند، و الا در عالم سیاست و قدرت، هیچ کس برای دیگری خالصاً مخلصاً کاری نمیکند. امریکا برای اسرائیل خالصاً مخلصاً کاری نمیکند؛ اسرائیل هم برای امریکا خالصاً مخلصاً کار نمیکند.

(1). در دیدار شرکت کنندگان در همایش بین المللی رسانه های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 188

آینده ی اقتصاد و تمدن آمریکا؛ وابسته به سرنوشت اسرائیل

اینکه رژیم امریکا اصرار دارد این موجود جعلی غاصب را به هر قیمتی در اینجا حفظ کند و به پا دارد و امنیت او را تأمین و مشکلاتش را برطرف سازد، علّش این است که استکبار و سلطه ی امریکایی به وجود این غده در این منطقه احتیاج دارد؛ بنابراین جزئی از نقش وجود اسرائیل است و نقشه ی نهایی، تسلّط مطلق بر این منطقه است؛ به خاطر نفت و موقعیت حسّاسی که این منطقه دارد. آینده ی اقتصاد و تمدن امریکایی، وابسته به این است و امروز مضطربانه و سراسیمه متوجّه شده اند که باید این کار را به هر قیمتی که هست، بکنند؛ لذا حرکات دیوانه واری که مشاهده میکنید، صورت میگیرد. (1)

1381/9/1

حمایت امریکا از اسرائیل؛ اشتباه جبران ناپذیر

استکبار، اشتباهات بزرگی مرتکب میشود. یکی از این اشتباهات، وضعیتی است که امروز امریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی دارد. امروز دو پدیده را میشود در رژیم صهیونیستی دید: یکی خشونت و سبّعیّت از حد گذشته است. سبّعیّتی که امروز صهیونیستها در برخورد با صاحبان سرزمین فلسطین به خرج میدهند، واقعاً داستان عجیب و حیرت انگیز و بی سابقه یی است. دومین نکته این است که رژیم صهیونیستی در بن بست کامل قرار گرفته و هیچ راهی ندارد. اشتباه امریکا این است که در این وضعیّت، به طور واضح و آشکار از رژیم صهیونیستی حمایت میکند و به اسرائیل و به مسئولان آن، چک سفید داده، تا هر غلطی بخواهند بکنند، بکنند و هر جنایتی میخواهند مرتکب بشوند، بشوند! این جزو اشتباهات جبران ناپذیر امریکاییهاست و چوب آن را خواهند خورد. (2)

1382/1/22

اشغال عراق توسط امریکا؛ در راستای اهداف صهیونیستی

برداشت من این است که در این حادثه یی که اتفاق افتاد، (3) صهیونیستها بیشترین نقش را هم در تشویق دولت امریکا به این کار و هم در

(1). در دیدار ائمه ی جمعه سراسر کشور.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(3). حمله ی امریکا به عراق.

ص: 189

زمینه سازی مقدمات آن داشته اند و هم بیشترین نفع را از این نقشه ی جدید خاورمیانه که جورج بوش بر زبان می آورد و تکرار میکند و خود آنها نیز مقدماتش را فراهم کرده اند، میبرند. نقشه ی جدید، پهن شدن صهیونیستها در منطقه ی خاورمیانه؛ در کشورهای عربی و غیرعربی اطراف خود از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اگر مجال پیدا کند، از لحاظ جغرافیایی است؛ اما عجالتاً بیشترین سوءاستفاده را همین صهیونیستها و «شارون» خبیث از این حادثه کردند. این روزها که همه ی توجّهات جهانی به عراق است، هر روز فلسطینیها کشته میشوند و زیر فشار قرار میگیرند و فاجعه آفرینی های گریه آوری در آنجا اتفاق می افتد. (1)

1382/5/8

حمایت امریکا از تروریسم صهیونیستی

رئیس جمهور امریکا بدون اینکه احساس خجالت کند، از تروریسم فلسطینی حرف میزند! تروریسم صهیونیستی دولت جعلی و دروغین اسرائیل بیش از پنجاه سال است که مردم فلسطین را تحت فشار قرار میدهد، زیر لگدهای چکمه پوشان صهیونیستی آنها را له میکند، علناً و صریحاً خانه ها را خراب میکند، مردم را میکشد، جوانان را نابود میکند، مردان را دستگیر میکند و به زنان اذلال و اهانت میکند. این تروریسم واضحی است که خود اسرائیلیها هم منکر آن نیستند و میگویند ما ترور میکنیم. این آقا این را ندیده میگیرد؛ آن وقت جوان فلسطینی که برای دفاع از شرف خود، برای دفاع از خانه ی خود، برای مقابله ی کوچکی در مقابل متجاوز، اقدام خشم آلودی میکند، این را میگوید تروریسم فلسطینی! طرفداری آنها از نهضت ضدّ تروریسم، این است! (2)

1382/5/15

البته امروز چهره ی زشت زورگویی امریکا برای دنیا آشکار شده است؛ این هم به ما کمک میکند. امروز دیگر حقوق بشر و دموکراسی و این حرفها و شعارها در دنیا رنگ باخته است. با کاری که اینها در

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار جوانان اهواز.

ص: 190

عراق و افغانستان کردند و با نیت شومی که ابراز داشتند، چهره ی واقعی خود را نشان دادند. در ملاقاتی که هفته ی پیش نخست وزیر رژیم صهیونیستی با رئیس جمهور امریکا داشت، آن طور که در خبرها آمده بود، رئیس جمهور امریکا نقشه ی اسرائیل بزرگ - از نیل تا فرات - را به نخست وزیر رژیم صهیونیستی هدیه داد! معنای این کار چیست؟ کشورهای اسلامی چطور میتوانند به حرفهای اینها حُسن ظن داشته باشند؟ چطور میتوانند به امریکا به چشم يك حکم در قضیه ی فلسطین نگاه کنند؟

حمایت از تجاوزهای اسرائیلی و افشای چهره ی امریکا

شعار «از نیل تا فرات»، شعار تجاوزگرانه ی زورگویانه ی غاصبانه ی نابحق و باطلی است که خود صهیونیستها این اواخر آن را انکار میکردند و میگفتند این حرفها دروغ است؛ اما الان جنگ طلب ها و جنگ سالارهای امریکایی به این شعار تظاهر میکنند! چهره ی اینها در دنیای اسلام آشکار شده است. گیرم در فلان کشور اسلامی یا عربی سرانشان جرأت نکنند حرف بزنند؛ ملتها که می فهمند و می شنوند. آن که در مقابل آنها خواهد ایستاد، ملت‌هایند. (1)

1382/6/12

امریکا؛ حامی همیشگی دولت صهیونیستی

امروز بسیاری از مشکلات از ناحیه ی دولت صهیونیستی است و وظیفه ی دفاع از فلسطین، یکی از مسائل مهم و واجبات همه ی ماست. این، فقط دفاع از يك ملت یا يك کشور نیست؛ بلکه پرداختن به يك مشکل اساسی دنیای اسلام و جهان عرب است. در این خصوص، امریکاییها يك طرف قضیه اند؛ به هیچ وجه واسطه به حساب نمی آیند. در طول سالهای متمادی، هیچگاه امریکاییها در مسائل مختلفیه خود با اسرائیل، حتّی يك قدم به نفع اعراب برنداشتند! (2)

1382/11/24

مسئله ی حقوق بشر و دموکراسی؛ ترند غرب در مقابل ملتها و دولتهای مستقل

يك ترند آنها مسئله ی حقوق بشر است، يك ترندشان هم مسئله ی دموکراسی است. در انگلیس يك نماینده ی مجلس يك کلمه از آن

(1). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران.

(2). در دیدار پادشاه اردن.

ص: 191

دختر جوان فلسطینی دفاع میکنند، از حزب و از مجلس او را اخراج میکنند؛ آن وقت ادّعی دموکراسی و آزادی هم دارند! سالهای اوّل انقلاب در همین تریبون نماز جمعه، بنده از مبارزان ایرلندی و شخصی به نام «بابی ساندز» - که الان خیابانی هم به نام او در تهران هست - اسم آوردم. بابی ساندز در زندان بعد از پنجاه روز با اعتصاب غذا مُرد؛ نفر دوم هم اعتصاب غذا کرد و سپس مُرد؛ گمانم نفر سوم و چهارم هم اعتصاب غذا کردند؛ اما همین انگلیسیهای طرفدار حقوق بشر و پشتیبان اعتصابها و تحصّنها در نقاط دیگر، تماشا کردند! این ادّعی طرفداری از حقوق بشر آقایان است!

الان شما ببینید در فلسطین چه اتفاق می افتد! خانه را خراب میکنند، زن را میکشند، کودک را میکشند؛ جلوی چشم همه هم میکشند، اما این آقایان طرفدار حقوق بشر کمترین عکس العملی نشان نمیدهند. آن وقت میگویند ما در ایران دنبال حقوق بشر میگردیم! آیا ملت ایران حق ندارد اینها را دروغگو و متقلّب بداند؟! اینها طرفدار حقوق بشرند؟! (1)

1383/2/12

ببینید با عراق چه میکنند! ببینید با ملت مظلوم فلسطین چه میکنند! امروز پرچم مبارزه ی با تروریسم در دست امریکا است؛ این پرچم را گرفته است و مرتّب به این طرف و آن طرف میتازد و خودش را به میمنه و میسره میزند، که ما میخواهیم با تروریسم مبارزه کنیم؛ آن وقت ترور واضح با اعلام قبلی شخصیتهای فلسطینی را که سلاّخها و جنایتکارهای صهیونیست انجام میدهند، تأیید میکنند؛ خجالت هم نمیکشند و شرم هم نمیکند! خود همین دلیل بر این است که اینها رو به زوال اند و نمی فهمند.

امریکا؛ از شعار مبارزه با تروریسم تا حمایت از رژیم صهیونیستی

برای يك نظام و يك رژیم سیاسی، ضعف حقیقی و افول قدرت وقتی شروع میشود که این رژیم و این نظام، استدلال سیاسی و قانع کننده برای کار خود، و حقاّیت سیاسی خود را از دست بدهد.

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 192

وقتی رژیم حقیقت سیاسی اش از دست رفت و استدلال او برای موجودیت و کارهای خودش از دست او خارج شد، آن وقت قدرت معنوی خود را از دست داده است و سقوط او شروع شده است؛ ولو در ظاهر چیزی فهمیده نشود و خود او نفهمد. اینها این قدر مست قدرت و شهوتند که نمی فهمند ضعف استدلال و فقدان حقیقت سیاسی آنها در دنیا، با آنها چه دارد میکند.

به جنایتکار صهیونیست - یعنی شارون - تبریک میگوید که تو احمد یاسین را کشتی یا شهید رنتیسی را ترور کردی! استدلالش برای این کار چیست؟ این است که دولت اسرائیل از خودش دفاع میکند. عجب! مگر منطق دیکتاتورهای عالم، آنجایی که مردم و مخالفان خود را سرکوب و تار و مار و شکنجه میکنند، غیر از این است؟! همه ی چهره های نحس و خبیث سیاسی دنیا که معروف به خبثت و دیکتاتوری هستند، مخالفان خود را با همین منطق تار و مار کرده اند؛ میگویند ما از موجودیت خود دفاع میکنیم. او میگوید اسرائیل از موجودیت خودش دفاع میکند. شیخ احمد یاسین، پیرمرد فلج روی چرخ نشسته، مگر غیر از زبان و غیر از فکر، کار دیگری میتواندست بکند؟ شما که میگویید ما با آزادی بیان و آزادی فکر موافقیم. او را می زنند شهید میکنند، و او تبریک میگوید! وقاحت را ببینید چقدر است! دنیا این را قبول کرد؟ ابداً. خود غریبهها و افکار عمومی هم این را قبول نکردند. این یعنی از دست رفتن حقیقت سیاسی؛ یعنی اینها دیگر منطق ندارند و آنچه میگویند، مورد قبول افکار منصف دنیا قرار نمیگیرد. (1)

1383/3/14

عده ی میخواهند وانمود کنند که نقش مردم در اداره ی حکومتها را باید غریبهها بیابند به ما یاد بدهند! غریبهها خودشان هنوز در خم یک کوچه گرفتارند! همین امریکاییها و همین مدعیان دموکراسی، دیکتاتورهایی از قبیل محمدرضای پهلوی را - که سی و پنج سال در

(1). در دیدار معلّمان و کارگران.

ص: 193

حمایت بی دریغ امریکا از شارون جنایتکار و ادعای دروغ دموکراسی

این مملکت دیکتاتوری مطلق داشت و قبل از او پدرش حدود بیست سال در این کشور دیکتاتوری کرد - در آغوش گرفتند و پشتیبانی کردند و از آنها حمایت کردند. اینها طرفدار دموکراسی اند؟! دروغ میگویند. هر کس میخواهد دموکراسی اینها را ببیند، به عراق برود؛ برود رفتار آنها را با مردم مظلوم افغانستان ببیند؛ برود دموکراسی امریکایی را از حمایت بی دریغ امریکا از شارون جنایتکار ببیند.

دموکراسی آنها این است؛ ما از اینها دموکراسی یاد بگیریم؟! اینها برای انسان نقش و ارزش قائل اند؟

شما ببینید امروز در فلسطین چه فجایعی دارد اتفاق می افتد. آیا فلسطینیها انسان نیستند؟ آیا صاحب سرزمین خود نیستند؟ آیا حق ندارند رأی و عقیده داشته باشند؟ امروز زشت ترین و فجیع ترین رفتار در فلسطین و عراق و افغانستان - و قبل از این، در بسیاری از مناطق دیگر - دارد صورت میگیرد؛ آن وقت همان کسانی که این رفتارهای زشت را انجام میدهند، خجالت نمیکشند و ادعای دموکراسی میکنند! رئیس جمهور امریکا وقیحانه ادعا میکند که رسالت گسترش دموکراسی در دنیا و خاورمیانه بر دوش او سنگینی میکند! دموکراسی آنها را در زندانهای امثال ابوغریب - که در عراق و گوانتانامو کم هم نیستند - مردم دنیا دارند می بینند. این، دموکراسی و حقوق بشر آنهاست! (1)

1384/3/27

سر کار آمدن رئیس جمهور امریکا؛ محصول پول کمپانیهای غارتگر صهیونیستی

دشمن نابخرد شما با این گمان غلط که ملت ایران را مرعوب و اغفال کند، در اعلامیه یی سراپا دروغ و دغل، به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی دشنام داد. رئیس جمهور روسیاه امریکا که خود با پول کمپانیهای غارتگر صهیونیستی و برای تأمین منافع نامشروع آنان بر سر کار آمده، در پیش داوری احمقانه ی خود در روز 26 خرداد، انتخابات شما را نادرست و مخدوش دانست. این جنایتکار ابوغریب و گوانتانامو، به نظام جمهوری اسلامی تهمت زد و با سرپوش

(1). در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه الله).

ص: 194

گذاشتن بر جنایات چکمه پوشان امریکایی در عراق و افغانستان، حمایت دولت امریکا از رژیمهای کودتایی و ضد مردمی در زمان گذشته و حال را نادیده گرفت و به تصور اینکه ملت ایران رژیم کودتایی و سلطنتی محمدرضا را که بیست و پنج سال با پشتیبانی امریکا، به ایران و ایرانی ستم کرد، به فراموشی سپرده است، ادعا کرد که دولت او طرفدار دموکراسی و دوستدار ملت ایران است. (1)

1384/5/12

حقاً و انصافاً در مقابل هوشیاری و وقت شناسی این ملت، انسان احساس تواضع و خضوع میکند. این ملت، ملت شجاع و بیدار و باایمان و پُرانگیزه‌ی است؛ بگذارید دشمنان این ملت هر چه میخواهند، بگویند. این ملت راه خود را پیدا کرده است و با همت والا در این راه به پیش میرود. سردمداران استکبار جهانی بعد از انتخابات هم از تخریب و جبهه‌ی انتخابات ایران دست برداشتند.

نقش مهم پول سرمایه داران صهیونیست، در دموکراسی امریکایی

یک مسئول امریکایی گفت ما دموکراسی ایران را قبول نداریم! این گونه صدور تصمیم درباره‌ی ملتها، خوی استکباری ناپسند و پلیدی است که متأسفانه امروز شیطان بزرگ به آن گرفتار است. ملت ایران هم دموکراسی آنها را قبول ندارد. دموکراسی‌یی که پول سرمایه داران صهیونیست حرف اول را در آن میزند، چه افتخاری میتواند داشته باشد و چه چیزی را میتواند به مردم دنیا تعلیم دهد؟

دموکراسی حقیقی، مردم سالاری برخاسته‌ی از دین و ایمان است. انگیزه‌ی مردم، برخاسته‌ی از دین، از احساس مسئولیت و از احساس تکلیف ملی و دینی است؛ لذا وارد میدان میشوند و در میان نامزدهای مختلف، گزینه‌ی خودشان را انتخاب میکنند. رئیس جمهوری که با چنین آرای سر کار می‌آید، وامدار هیچ کس جز خدا و مردم نیست؛ این معنای مردم سالاری است. ملت عزیز ما این نعمت الهی را قدر بدانند؛ بر آن پای بشارند و تأثیر و حضور خودشان را در میدانهای

(1). پیام به مناسبت حماسه‌ی پرشور 27 خرداد.

ص: 195

داعیه ی مبارزه با تروریسم و تحسین تروریسم صهیونیستی از سوی سلطه گران!

شعار دموکراسی خواهی از سوی سلطه گرانی که سالها مدافع رژیمهای دیکتاتوری در آسیا و آفریقا و قاره ی امریکا بوده اند، پذیرفته نیست. داعیه ی مبارزه با خشونت و تروریسم از کسانی که خود مروج تروریسم صهیونیستی و مرتکب خونین ترین خشونتها در عراق و افغانستان اند، نفرت آور است. ادعای طرفداری از حقوق مدنی از شیطانهایی که جنایات تروریست خون آشامی چون شارون را بر مردم مظلوم فلسطین، همواره تحسین و تشویق کرده اند، فریبی مستوجب لعن و نفرین است. مرتکبان جنایات گواتانامو و ابوغریب و زندانهای مخفی در اروپا و تحقیرکنندگان ملت عراق و فلسطین و پرورش دهندگان گروه هایی که به نام اسلام، خون مسلمانان را در عراق و افغانستان مباح می‌شمرند، حق ندارند از حقوق بشر سخن بگویند. دولتهای امریکا و انگلیس که شکنجه ی متهمان و حتی ریختن خون آنان در خیابانها را مجاز می‌شمرند و حتی شنود مکالمات تلفنی شهروندان خود بدون حکم قضایی را جایز میدانند، حق ندارند خود را طرفدار حقوق مدنی معرفی کنند. دولتهایی که با تولید سلاح اتمی و شیمیایی و به کار گرفتن آن، تاریخ معاصر خود را سیاه کرده اند، حق ندارند خود را متولی عدم اشاعه ی صنعت هسته بی قلمداد کنند. (2)

1385/1/1

به جمهوری اسلامی اتهام نقض حقوق بشر میزنند. این دیگر از آن لطفه های خنده آور دوران است! امریکا شده است پرچمدار حقوق بشر! کدام امریکا؟ امریکای هیروشیما، امریکای گواتانامو، امریکای ابوغریب، امریکای راه اندازنده ی جنگ و ناامنی در بسیاری از نقاط عالم، امریکای سانسور در داخل خود کشور امریکا. ماجرای سانسور

(1). در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی نژاد.

(2). پیام به حجّاج بیت الله الحرام.

فکر و نوشته و بیان در امریکا، یکی از آن ماجراهای بسیار مهم و جالب است که مجالی نیست که من الان به آن اشاره کنم. اینها به ما میگویند نقض حقوق بشر، اما خودشان بزرگ ترین ناقض حقوق بشرند! اگر امروز در دنیا - نمیگویم دنیای اسلام، در سطح دنیا - يك همه پرسی انجام بگیرد، شك نکنید که رئیس جمهور فعلی امریکا، در ردیف شارون و صدام و میلوسویچ به عنوان مجسّمه های شرارت شناخته خواهند شد. امروز امریکا تهدیدی برای صلح و امنیّت جهانی است؛ لذا شعار «مرگ بر امریکا» دیگر امروز مخصوص ملت ما نیست.

رژیم استکباری امریکا؛ بازیچه ی صهیونیستها

امروز در اکناف عالم شما می بینید که مجسّمه ی رئیس جمهور امریکا را آتش میزنند و شعار مرگ بر امریکا میدهند. علّت هم زیادۀ خواهی رژیم امریکا، استکبار رژیم امریکا، تکبر آنها، سلطه طلبی آنها و بازیچه ی صهیونیستها بودن آنهاست؛ حقیقتاً بازیچه ی صهیونیستهایند. (1)

1385/10/8

رفتارهای دوگانه ی امریکا در قضیه ی فلسطین

غرب، بویژه پس از سردمداری امریکا، با ستمهای آشکار و رفتارهای بی منطق و استکبار و غرور بی حد و حصر، در جهان اسلام به يك ضدّ ارزش تبدیل شده است. رفتار آنان با مردم فلسطین و متقابلاً رفتار آنان با دولت خونخوار صهیونیست؛ موضع آنان در قبال اعتراف رژیم صهیونیستی به سلاح اتمی و متقابلاً موضع آنان در برابر استفاده ی غیرنظامی ایران از انرژی هسته یی؛ حمایت آنان از حمله ی نظامی به لبنان و کمک تسلیحاتی و سیاسی به حمله کننده و متقابلاً ضدّیّت آنان با مدافعان جان برکف لبنانی؛ باجگیری دائمی آنان از دولتهای عربی و متقابلاً باج دهی همیشگی آنان به رژیم صهیونیستی؛ حمایت از اهانت کنندگان به مقدّسات اسلام و حتّی افترا و اهانت صریح بلندپایگان غربی از قبیل پاپ به این آیین الهی و متقابلاً جرم شمردن تحقیق و تردید درباره ی هولوکاست و کیان صهیونیستی؛ حمله ی نظامی و کشتار و ویرانی در عراق و افغانستان به نام دموکراسی، و متقابلاً توطئه بر ضدّ دولتهای منتخب مردم سالار در

(1). در سخن جامع رضوی.

ص: 197

فلسطین و عراق و امریکای لاتین و هر جای دیگری که عوامل امریکا و صهیونیست بر سر کار نیامده باشند؛ غوغای مبارزه با تروریسم و متقابلاً گفت و گوی پنهانی و حتی کمک به تروریستهای جزّار در عراق و غیره.

این رفتارهای نامعقول و کین توزانه بر ملّتهای مسلمان حجت را تمام کرده و به بیداری اسلامی کمک رسانده است. امروز چه بخواهند و چه نخواهند، حرکتی عمیق و ریشه دار در دنیای اسلام آغاز شده است و همین حرکت است که در زمان متناسب خود به استقلال و عزّت و حیات دوباره ی امت اسلامی خواهد انجامید. (1)

1386/3/14

رژیم غاصب اسرائیل؛ ابزار غرب برای کنترل و سیطره بر منطقه ی خاورمیانه

سالهای متمادی، سیطره ی غرب بر این منطقه مستحکم شده بود. بعد از جنگ بین الملل دوم، تقریباً کار تسلط بر منطقه ی خاورمیانه تمام شده بود. از سالها قبل، استعمار شروع کرده بود و در این دوره، کار را تمام شده میدید. عراق يك جور زیر سلطه، ایران جور دیگر، کشورهای عربی - اردن و سوریه و لبنان و مصر و کشورهای دیگر - هر کدام به نحوی زیر سلطه ی سنگین استعمارگران و سلطه گران غربی و اروپایی و سپس امریکایی بودند. برای محکم کردن کار، رژیم غاصب اسرائیل را هم در این منطقه ی حسّاس به وجود آوردند، تا مطمئن باشند که غرب به وسیله ی صهیونیستها، در این منطقه ی حسّاس، وجود محسوس و نظامی و سیاسی و فعّالی دارد و همه چیز را کنترل کند. (2)

1386/6/23

امریکاییها قضیه ی 20 شهریور، یعنی همان 11 سپتامبر چهار پنج سال قبل را بهانه یی قرار دادند برای اینکه مطامع خودشان را در خاورمیانه پیش ببرند. هدف اصلی آنها هم این بود که بتوانند خاورمیانه یی

(1). پیام به مناسبت کنگره ی عظیم حج.

(2). در مراسم هجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 198

درست کنند بر محور منافع اسرائیل؛ به تعبیری که آن روز ما میکردیم، خاورمیانه یی با پایتختی اسرائیل؛ این طور چیزی مورد نظرشان بود.

خاورمیانه ی جدید امریکاییها؛ خاورمیانه یی بر محور منافع اسرائیل

اشغال عراق و حمله ی به عراق، جزئی از نقشه های این پروژه بود. عراق، یکی از ثروتمندترین کشورهای این منطقه و کشورهای عربی است؛ کشوری که امروز متأسفانه مردمش این طور در فقر و حالت درآوری زندگی میکنند. امریکاییها میخواستند این کشور را در مشت بگیرند - صدام کافی نبود، غیر قابل محاسبه بود - دولتی را در آنجا سر کار بیاورند که هم ظاهر مردمی داشته باشد، هم توی مشت آنها باشد. این یکی از قدمهای مهم ایجاد خاورمیانه ی جدید بود که باید بر محور منافع اسرائیل به وجود بیاید. آن وقت چنین خاورمیانه یی میتواند ایران اسلامی را در محاصره قرار بدهد؛ هدفشان این بود. (1)

1386/9/14

سکوت فرهنگ و تمدن غربی در برابر تبعیض نژادی آشکار رژیم صهیونیستی

امروز دنیا تشنه ی عدالت است، تشنه ی امنیت است، تشنه ی عدم تبعیض است. اینها را اسلام میتواند تأمین بکند. فرهنگ غربی و تمدن غربی نشان داد که قادر به تأمین عدالت برای بشریت نیست. وضعیت امروز را نگاه کنید، وضعیت فلسطین را نگاه کنید. مسئولین صهیونیستی صریحاً ابراز میکنند که اگر بین ما و فلسطینیها - بین صهیونیستها و فلسطینیها - در سرزمین مغضوب فلسطین تساوی برقرار بشود، همان سرنوشت آفریقای جنوبی در اختیار ماست؛ یعنی اقرار میکنند به آپارتاید؛ به این تبعیض نژادی اعتراف میکنند. دنیا این را دارد می شنود؛ دنیای محکوم مدنیّت غرب و فرهنگ غرب دارد این را می شنود؛ در عین حال وظیفه ی خودش را انجام نمیدهد. (2)

1386/12/12

جنایتهای نابخشودنی صهیونیستها با پشتیبانی دولت مستکبر امریکا

دست دولت امریکا نیز به خون ملّت مظلوم فلسطین آغشته است. به پشتیبانی آن دولت مستکبر و طغیانگر است که صهیونیستها با

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار رؤسای قضایی کشورهای اسلامی.

زامداران امریکا و قربانی کردن همه ی حرمت‌های بشری در پیش پای صهیونیستها

گستاخی مرتکب این جنایتهای نابخشودنی (1) میشوند، ملت‌ها و دولتهای اسلامی ندای مظلومیت فلسطینیان مظلوم را به سراسر جهان برسانند و وجدانهای خفته را بیدار کنند. آیا ملت امریکا میدانند که زامدارانش این گونه همه ی حرمت‌های بشری را در پیش پای صهیونیستها قربانی کرده اند؟ آیا ملت‌های اروپایی با خبرند که تسلط سرمایه داران صهیونیست بر کشورهای آنان، کار سیاستمداران‌شان را به کجا کشانده است؟ (2)

1387/2/19

دخالت امریکا به نفع رژیم صهیونیستی در مسئله ی فلسطین

گره ی مسئله ی فلسطین با دخالت امریکاییها باز نمیشود؛ کورتر میشود. هرچه امریکاییها در این قضیه دخالت کنند، گره را کورتر میکنند. ملت فلسطین، ملت بیداری است، ملت آزاده یی است، ملت روشنفکری است؛ دولتی انتخاب کرده است؛ بگذارید آن دولت با پشتیبانی آن ملت کارهای خودش را بکند. دخالت آنها، آن هم دخالت یکجانبه، زورگویانه، به نفع رژیم غاصب صهیونیستی، هرچه میگذرد؛ ماجرای فلسطین را دشوارتر میکند. البته این مسائل حل خواهد شد؛ هم مسئله ی عراق حل خواهد شد، هم مسئله ی فلسطین حل خواهد شد؛ اما آن روزی حل خواهد شد که با حل این مسائل، از حیثیت و هویت و موجودیت استکبار امریکایی هم دیگر چیزی باقی نخواهد ماند. (3)

1387/3/14

حمایت وقیحانه ی امریکا و کوتاهی دولتهای عربی؛ عوامل بقای رژیم صهیونیستی

دشمنان و دوستان ملت ایران اعتراف میکنند که گسترشی که امام پیش بینی میکرد برای انقلاب، امروز تحقق پیدا کرده است؛ از جمله ی آنها مسئله ی آرمان فلسطین است. ملت‌ها دلشان مانند ملت ایران برای ملت فلسطین میتپد؛ ملت‌ها مثل ملت ایران رژیم اسرائیل را يك رژیم جعلی و تحمیلی در منطقه میدانند. البته دولتها با ملت‌ها همراه نیستند و

(1). جنایتهای رژیم صهیونیستی در غزه در جنگ 22 روزه.

(2). پیام به امت بزرگ اسلام در پی حملات وحشیانه ی رژیم صهیونیستی.

(3). در دیدار عمومی مردم لار.

ص: 200

حمایت وقیحانه ی آمریکا و عدم حمایت دولتهای عربی و اسلامی از مردم فلسطین؛ دو عامل سرپا ماندن اسرائیل

متأسفانه آن چیزی که اسرائیل را تقویت کرده است، همین است.

رژیم صهیونیستی از درون خود نیرویی ندارد، قدرتی ندارد، توانایی ایستادن روی پای خود را ندارد. امروز دو عامل، رژیم صهیونیستی را سرپا نگه داشته است: یکی حمایت بی قید و شرط وقیحانه ی آمریکا از این رژیم منحط؛ و دیگری حمایت نکردن دولتهای عربی و اسلامی از مردم فلسطین. متأسفانه بسیاری از حکومتها و دولتهای مسلمان، امروز آن چنان که باید، به وظیفه ی خود در قبال فلسطین عمل نمیکنند و با ملت‌هایشان همصدا نیستند. اگر آنها هم با ملت‌های خود همصدا شوند و از ملت مظلوم فلسطین دفاع کنند، وضعیت در منطقه بکلی تغییر خواهد کرد. این خواست عمومی ملت‌هاست و این همان گسترشی است که امام بزرگوار ما خبر داده بود. (1)

1387/10/19

اسرائیل؛ عامل استکبار جهانی در منطقه

مسئله ی غزه که شما مشاهده میکنید، این بخشی از ظاهر قضیه است؛ باطن قضیه عبارت است از اینکه دستگاه استکبار بی اعتقاد به همه ی اصول انسانی، مایل است این منطقه ی خاورمیانه، این منطقه ی حساس را که پر از ثروت و حساسیت گوناگون جغرافیایی و اقتصادی است، در اختیار بگیرد؛ در مشت بگیرد. وسیله اش هم اسرائیل غاصب است؛ صهیونیستهای مسلط بر فلسطین اشغالی. مسئله این است. همه ی این حرکاتی که این چند سال در این منطقه انجام گرفته است - از قضایای لبنان تا قضایای عراق تا قضایای فلسطین - با این نگاه قابل تفسیر و قابل فهم است. مسئله این است که این منطقه باید در مشت امریکا و استکبار - استکبار اعم از امریکاست. البته مظهر عمده اش، شیطان بزرگ، دولت امریکاست - قرار داشته باشد. استکبار میخواهد این منطقه را در اختیار داشته باشد؛ در مشت داشته باشد. استکبار این منطقه را لازم دارد و عاملش هم اسرائیل است. همه ی این داستانها و قضایای این چند سال، با این نگاه تحلیل میشود. دیدید در جنگ سی و سه روزه، وزیر خارجه ی امریکا گفت: این درد زایمان منطقه ی

(1). در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 201

خاورمیانه‌ی جدید است! یعنی از این حادثه يك موجود تازه متولد خواهد شد که همان خاورمیانه‌ی بی است که امریکا دنبالش است. البته این خواب آشفته تعبیرش همانی بود که بر سرشان آمد. شجاعت و بیداری و فداکاری و ایثار و جهاد جوانان مؤمن در لبنان، تو دهن نه فقط اسرائیل، بلکه تو دهن امریکا و همه‌ی پشتیبانانشان و دنباله‌روانشان زد. قضیه‌ی غزه هم از همین قبیل است.

اینها میخواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی میدانند. البته این را درست فهمیده‌اند. اینجا مرکز مقاومت است. اینجا جایی است که ما اگر هیچ اقدامی هم نکنیم، هیچ حرفی هم نزنیم، خود وجود جمهوری اسلامی به ملت‌های منطقه الهام میدهد. يك موجودیتی، يك هویتی که علی‌رغم همه‌ی قدرتهای استکباری و به‌کوری چشم آنها این جور در این منطقه قد کشیده و روز به روز ریشه‌دارتر میشود؛ روز به روز قوی‌تر میشود. خود وجود این پیکره‌ی عظیم و پرشکوه، خار چشم استکبار است و امید دهنده‌ی به ملت‌ها.

بله، اینجا مرکز مقاومت است؛ در این شکی نیست. دیگران هم از اینجا الهام گرفتند، منتها برای اینکه این مقاومت را در هم بکوبند، حلقه‌ی ضعیف را اول هدف قرار دادند؛ دولت مردمی منتخب حماس در غزه. او را مظلوم‌گیر آوردند؛ او را دارند میکوبند.

تسلط استکبار و ذلت دولتهای عربی؛ نتیجه‌ی نفوذ بیشتر اسرائیل در منطقه

هر کس در دنیای اسلام، امروز قضیه‌ی غزه را يك قضیه‌ی منطقه‌ی بی و شخصی و محلی بداند، دچار همان خواب خرگوشی بی است که پدر ملت‌ها را تا حالا درآورده است. نه، این قضیه‌ی غزه، فقط قضیه‌ی غزه نیست؛ قضیه‌ی منطقه است. فعلاً آنجا نقطه‌ی ضعیف‌تر است، تهاجم را از آنجا شروع کردند و اگر موفق شدند، دست از سر منطقه برنمی‌دارند. دولتهای کشورهای مسلمانانی که حول و حوش آن منطقه هستند و کمکی که باید بکنند و میتوانند بکنند، نمی‌کنند، دارند اشتباه میکنند؛ اشتباه میکنند. هر چه در این منطقه میخ اسرائیل بیشتر فرو برود، تسلط استکبار بیشتر بشود، بدبختی این دولتها و ضعف و ذلت این دولتها بیشتر خواهد شد. چرا ملتفت نیستند؟ و دولتها، ملت‌ها را هم دنبال خودشان به ذلت میکشانند. يك دولت ذلیل و مطیع و وابسته،

يك ملت را مطيع و ذليل و وابسته ميكند. اين است كه ملتها بايد به خود بيابند. (1)

1388/1/1

حمایت بی قید و شرط امریکا از رژیم صهیونیستی

از رژیم صهیونیستی بی قید و شرط حمایت کردند؛ رژیم ظالمی که يك نمونه ی از ظلم آن را شما در ماجرای غزه در این دو سه ماه پیش ملاحظه کردید که چه فاجعه بی درست کردند؛ چقدر بچه کشتند، چقدر مرد و زن کشتند؛ در ظرف بیست و دو روز، پنج هزار آدم را در غزه با بمباران، با موشک، با تیر مستقیم کشتند؛ در عین حال دولت امریکا تا آخرین لحظه از آن رژیم حمایت کرد. هر وقت شورای امنیت خواست علیه رژیم صهیونیستی قطعنامه بی بگذرانند، امریکا سینه اش را سپر کرد، آمد جلو و دفاع کرد و نگذاشت. (2)

1388/3/14

حمایت صددرصدی امریکا از رژیم غاصب

امریکا از دموکراسی حرف زد، از اعتبار رأی ملتها حرف زد؛ اما در فلسطین، آرای مردم که يك دولتی را انتخاب کرده بودند، ندیده گرفت، به هیچ گرفت، اعتنایی به آن نکرد. این چه نتیجه یی در ذهن مردم می بخشد؟ معلوم است. در مورد حقوق ملت فلسطین، یعنی ملتی که ده ها سال است از خانه ی خود، از میهن خود، با يك روش خشونت آمیز و خشن و ظالمانه رانده شده است - این را که همه میدانند، اینکه تاریخ ناشناخته یی نیست، مربوط به شصت سال قبل است. ملت فلسطین با این وضعیّت، از حقوق خود محروم، آواره یی در کشورهای مختلف - امریکا نه فقط نسبت به حقوق اینها هیچ گونه توجهی نکرد، از آنها حمایتی نکرد، بلکه به عکس، از رژیم غاصب صددرصد حمایت کرد، و اگر فلسطینیهای مظلوم درصدد برآمدند اعتراضی بکنند، آن اعتراض را اخلاص لگری و کارهای شریانه معرفی کرد. این چه جور درست خواهد شد؟ (3)

(1). در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی.

(2). در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام).

(3). در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 203

حفظ غده ی سرطانی رژیم صهیونیستی؛ همه ی سعی استکبار

امروز دولت جعلی صهیونیستی در این منطقه مثل يك غده ی سرطانی است که منطقه را دچار بیماری و آفت کرده است. همه ی سعی استکبار این است که این غده ی سرطانی را در منطقه حفظ کند. وجود این غده ی سرطانی در این منطقه، مایه ی جنگ و اختلاف و دودستگی و سیاستهای غلط در این منطقه شده است. برای اینکه این را نگه دارند و پایگاه خودشان را در منطقه حفظ کنند، همه ی توان خودشان را به کار میبرند. (1)

(1). در دیدار مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم).

ص: 204

اینجا سخن از غصب يك کشور و دربه دری مستمر و ابدی يك ملت و جداسازی نهایی پاره ی تن جهان اسلام و مرکز جغرافیایی وطن بزرگ اسلامی و قبله ی اولای مسلمین است.

(1370/7/25)

بخش سوم: پاره ی تن جهان اسلام

اشاره

فصل اول: بزرگ ترین فاجعه ی طول تاریخ بشر

فصل دوم: کوتاهی دولتهای اسلامی و عربی

فصل سوم: مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی انسانی و اسلامی

فصل چهارم: توطئه ی فراموشی

ص: 205

توجه ویژه ی مسلمین به آوارگی ملت فلسطین

امروز در سطح دنیا چه میگذرد؟ امروز صهیونیستها در منطقه ی عربی مشغول به چه کار و چه عملی هستند؟ يك نگاه ساده به منطقه بیندازید. برادران و خواهران مسلمانی که دلتان به یاد برادران فلسطینی میتپد! يك انسان آواره، جلب ترحم هر انسان آزاده یی را میکند. امروز يك ملت به نام «ملت فلسطین» آواره است؛ از خانه ی خود آواره است، از وطن و کشور خود آواره است. این کودکان محروم و مظلوم، در زیر چادرها و در اردوگاه ها متولد میشوند.

با کمک دولتها و ملتهایی که به وظایف واقعی خود هم در قبال آنها عمل نمیکنند - یعنی مدعیان - این کودک بزرگ میشود؛ در زیر چادر، سلاح می آموزد؛ در زیر چادر، درس میخواند؛ در اردوگاه زندگی میکند.

فاجعه ی فلسطین؛ بزرگ ترین فاجعه ی طول تاریخ بشر

يك ملت دو سه میلیونی را از خانه، از کاشانه، از شهر، از معبر، از مسجد، از همه چیز خود و از زندگی خود محروم کردن، آنها را به کشورهای بیگانه راندن، بزرگ ترین فاجعه یی است که در طول تاریخ بشر میتوان سراغش را داشت. به این سبب است که ما معتقدیم مسئله ی فلسطین صرفاً يك مسئله ی عربی و حتی صرفاً يك مسئله ی اسلامی نیست؛ يك مسئله ی انسانی بسیار بااهمیت است.

مسئله ی فلسطین؛ مسئله یی اسلامی و انسانی

نوع فاشیسمی که امروز رهبران صهیونیست خائن و جنایتکار و همین «بگین» خائن که امروز در رأس دولت اسرائیل غاصب قرار گرفته

است، انجام میدهند و اعمال میکنند، در دنیا بی سابقه است. شما ببینید در دیر یاسین چه کردند، در زندانهای اسرائیل چه کردند. جوانهای مسلمان را گرفتند، به زندانها بردند، آنها را شکنجه کردند؛ حتی با سرنگ، خون جوانهای مسلمان را کشیدند و در بانک خون، برای عناصر مزدور اسرائیلی، آنها را ضبط کردند. (1)

1367/2/23

ظلم به ملت فلسطین؛ ظلمی بی سابقه در قرنهای اخیر

يك نکته این است که ظلمی که به ملت فلسطین شده است و هنوز هم دارد میشود و چهل سال است این ظلم ادامه دارد، در این قرنهای اخیری که ما مسائل جهانی و مسائل ملتها و کشورها را بررسی و مشاهده میکنیم - حالا از گذشته ها ما خبر درستی نداریم، یا یادمان نیست - چنین ظلمی سابقه ندارد. اگر مشاهده میشود که در برخی از نقاط عالم، ملتهایی زیر فشار قرار دارند، آن به این صورت است که مثلاً يك حکومت ظالم از خود آن ملت، یا يك حکومت بیگانه را بر يك ملتی مسلط میکنند. اصلاً ماجرای مبارزات ضد استعماری و ضد استکباری در قرن اخیر همین بوده؛ يك ملتی مبتلا میشد به اینکه زمام امرش دست خودش نیست، دست افراد دست نشانده ی بیگانه است، یا مستقیماً دست بیگانه است؛ اما اینکه يك ملت را یکجا با فضیحه ترین و با فجیع ترین شیوه ها، از خانه ی خودش، از وطن خودش بیرون کنند؛ فرهنگ او، تمدن او، سابقه ی تاریخی او، ارتباطات ملی او را از هم پاشانند و نابود کنند، این در دنیا جز ماجرای مردم مظلوم فلسطین، نمونه ی دیگری ندارد. يك سیاست خطرناک حساب شده یی در دنیا پدید آمد. حالا انگیزه ی اصلی چه بود؟ آیا ضدیت با اسلام بود؟ مسئله یی بود حتی وسیع تر از ضدیت با اسلام از سوی يك عده شیطان بین المللی که صهیونیسم را به وجود آوردند و به دنبال يك وطن بودند بظاهر برای یهودیها، اما در باطن برای حزب صهیونیست؟ اینها مسائل مفصل دیگری است.

به هر حال از وقتی که این ماجرا شروع شد، این ملت را با انواع شیوه های خباثت آمیز از خانه و زندگی خودشان بیرون کردند؛ حتی

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 208

به این صورت عمل کردند که رفتند در يك روستایی، همه ی روستا را منفجر کردند؛ همه ی آدمهای این روستا را کشتند؛ خانه هاشان را آتش زدند؛ بچه های کوچکشان را توی آتش سوزاندند؛ بزرگ و کوچک را به رگبار مسلسل بستند و از بین بردند. با چنین شیوه هایی و با انواع شدت و فشار، يك ملت را از وطن خودش، از خانه ی خودش، از زمینی که قرنها در آن زندگی کرده، از یادگارهایش، از موارث فرهنگی اش جدا کردند؛ این ظلم واقعاً بی نظیر و عجیبی است؛ يك ملت را تبدیل کردند به آواره، به چادرنشین، به زاغه نشین؛ يك عده در لبنان، يك عده در اردن، يك عده در کشورهای خلیج فارس، يك عده در آفریقا، يك عده در اطراف دنیا؛ اصلاً هارت و پارت کردند، يك خانواده را بکلی پاشاندند؛ این ظلم بی نظیری است. هنوز هم مسئله ی فلسطین بزرگ ترین ظلم زمان ما و تاریخ معاصر ماست. (1)

1369/3/2

اگر می بینیم که دستگاه های به اصطلاح طرفدار حقوق بشر، در مقابل چشم خودشان مشاهده میکنند که در کشمیر، ده ها مسلمان مورد کشتار بی رحمانه قرار میگیرند و دم نمیزنند، به خاطر این است که مردم آنجا مسلمانند. حقوق بشر معتبر است، مگر در مورد مسلمانان! سازمان ملل و کمیته ی حقوق بشر و سازمانهای مختلف گوشه و کنار عالم منتظرند ببینند امریکا با چه کسی بد است، تا به بهانه ی حقوق بشر، روی او فشار بیاورند! اینها در مقابل حوادث کشمیر و فلسطین، لب از لب باز نمیکنند؛ انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده است!

يك گله گوسفند که حرکت میکند، اگر يك نفر با گلوله بزند و سی، چهل رأس گوسفند را ببندازد، از انسانهایی که می بینند و می فهمند، آه و افسوس بلند میشود که این حیوانها چه کرده بودند؟! از مسلمانان کشمیر در يك تظاهرات، ده ها نفر انسان را میزنند و میکشند؛ ولی تمام داعیه های طرفداری از حقوق بشر در دنیا فراموش میشود و انگار چنین چیزی اتفاق نیفتاده است!

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 209

این سگهای دست آموز امریکا، این اسرائیلیهای بدتر از حیوان، آن همه فاجعه ی فضاختبار را در فلسطین اشغالی انجام میدهند، ولی در دنیا هیچ انعکاسی پیدا نمیکند؛ چون طرفها مسلمانند. این، همان دنیایی است که سی یا چهل سال بعد از سقوط آلمان هیتلری، تعقیب کسانی را شروع کرد که گفته شده بود تعدادی یهودی را کشته یا شکنجه کرده اند! شاید حتی آنچه که واقع شده بود، خیلی کمتر از آن چیزی بود که گفته هم میشد. (1)

1370/3/26

مسئله ی فلسطین؛ مهم ترین مسئله ی جهان اسلام و بشریت در دوران معاصر

مهم ترین مسئله ی امروز، مسئله ی فلسطین است که در نیم قرن اخیر همواره مهم ترین مسئله ی جهان اسلام و شاید مهم ترین مسئله ی بشریت بوده است. اینجا سخن از محنت و آوارگی و مظلومیت يك ملت است؛ سخن از غصب يك کشور است؛ سخن از ایجاد غده یی سرطانی در قلب کشورهای اسلامی و در نقطه ی التقای شرق و غرب جهان اسلام به یکدیگر است؛ اینجا سخن از ظلم مستمری است که اکنون دو نسل پی در پی از ملت مسلمان فلسطین را فرا گرفته است. (2)

1370/5/28

قضیه ی فلسطین؛ از بزرگ ترین مصائب دنیای اسلام

امروز این قضیه ی فلسطین، یکی از بزرگ ترین مسائل و مصائب دنیای اسلام است و در آینده نیز خواهد بود. مگر شوخی است که ملتی را از خانه و زندگی و کشور و سرزمین خود آواره کنند، غاصب مزدور خبیثی را آنجا بنشانند، همه گونه به او کمک کنند، همه ی جنایات او را صحت بگذارند، دستشان تا مرفق در خون مردم منطقه فرو برود. به اینها هم قانع نباشند، بخواهند از مسلمانان و از صاحبان خانه امضا بگیرند که این خانه متعلق به آن غاصب است و صاحبخانه در آن حقی ندارد؟! میخواهند این کار را بکنند.

آیا جوانان غیور فلسطینی مرده اند؟ آیا جوانان کشورهای اسلامی همجوار فلسطین و دیگر کشورهای اسلامی مرده اند که دشمنان

(1). در دیدار خانواده های معظم شهدا و جانبازان.

(2). پیام به حجّاج بیت الله الحرام.

ص: 210

بخواهند بزرگ ترین مسائل جهان اسلام را این طور راحت به سود خودشان و به زیان امت اسلامی حل کنند؟(1)

1370/7/25

پیامد غضب فلسطین؛ در به دری مستمر و ابدی يك ملت و جداسازی پاره ی تن جهان اسلام

دشمن درصدد است فلسطین را یکبارہ از پیکر دنیای اسلام جدا کند و شجره ی ملعونه ی صهیونیسم را در خانه ی مسلمین ماندگار سازد. امریکا درصدد است با تثبیت رژیم اشغالگر، همه ی سررشته های زندگی در این منطقه ی حسّاس را به دست گیرد و خود را از نگرانی خیزش اسلامی در خاورمیانه و آفریقا نجات دهد. دشمنان اسلام میخواهند همه ی کینه ی دیرین خود با اسلام و شکستهایی را که در سالهای اخیر بر اثر بیداری مسلمین تحمّل کرده اند، در اینجا جبران کنند. این حادثه با هیچ يك از توطئه های چند سال اخیر درباره ی خاورمیانه قابل مقایسه نیست؛ اینجا سخن از غضب يك کشور و در به دری مستمر و ابدی يك ملت و جداسازی نهایی پاره ی تن جهان اسلام و مرکز جغرافیایی وطن بزرگ اسلامی و قبله ی اولای مسلمین است.(2)

1370/7/27

مصیبت فلسطین؛ جزو قضایای کم نظیر تاریخ

مسئله ی فلسطین، یکی از مصائب بزرگ جهان بشریت کنونی است. هر کس که احساسی در مورد انسان و حقوق انسان دارد و دم از حمایت از انسانهای مظلوم میزند، باید در این قضیه صاحب داعیه باشد و این قضیه را قضیه ی خود بداند. شاید بشود گفت که قضیه و مصیبت فلسطین، جزو قضایای کم نظیر تاریخ است. تا آنجا که ما دانستیم و شناختیم، این طور حادثه یی با این عظمت نسبت به يك ملت، در طول تاریخ هم کم نظیر است.

(1) . در دیدار گروه زیادی از آزادگان، در اولین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور.

(2) . پیام به ملت های مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه های خباثت آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید.

ص: 211

وجود همه‌ی مصائب انسانی در قضیه‌ی فلسطین

شما هرچه از مصائب انسانی فرض کنید، در مصیبت و قضیه‌ی فلسطین جمع است؛ از قتل نفوس بی‌گناه، از آواره کردن انسانها و بی‌خانمان کردن آنها؛ از شکنجه و زجر و حبس و تبعید و از این قبیل، از اهانت به کرامت انسانی، از نابودکردن سرمایه‌های بشری یک عده انسان، از فشار و ظلم و اختناق و اجازه‌ی فعالیت ندادن به یک عده بشر. همه‌ی این مصائبی که اگر در گوشه‌ی بی‌از عالم برای جمعی از مردم اتفاق بیفتد، بشریت را جریحه دار و داغدار میکند، در قضیه‌ی فلسطین در طول چهل و پنج سال اخیر اتفاق افتاده است.

آن کسانی که دم از طرفداری از حقوق بشر میزنند، اگر راست میگویند، باید از حقوق ملت فلسطین سخن بگویند. شما کدام ملت را سراغ دارید که در این چهل و پنج سال اخیر، به قدر ملت فلسطین شکنجه دیده باشد، مصیبت کشیده باشد، عزیزانش را از دست داده باشد و حقوقش نادیده گرفته شده باشد؟ چطور شد که اگر در گوشه‌ی بی‌از عالم، یکی از این مصائب برای عده‌ی بی‌انسان پیش بیاید، کسانی ادعا میکنند که دلسوز و غمخوار حقوق بشرند؛ سینه سپر میکنند، حرف میزنند و اقدام میکنند؛ اما مجموع این همه مصیبت را در مردم فلسطین ندیده میگیرند؟! (1)

1371/1/7

بی نظیر بودن قضیه‌ی فلسطین در تاریخ

قضیه‌ی فلسطین از قضایایی است که من، نظیری به این شکل، برای آن در تاریخ سراغ ندارم. چگونه میتوان ملتی را از کشور و سرزمین خودش بیرون کرد؟ فرض کنید رژیم عراق، عده‌ی بی‌از کشور خودش بیرون کرد - مثلاً جمعیتی در حدود یک تا دو میلیون نفر را - اما اینکه یک ملت را به طور کامل از سرزمین خودشان بیرون کنند، اسم آنها را از روی سرزمینشان بردارند و هویت آن سرزمین را در جغرافیا و تاریخ از بین ببرند، چنین چیزی اتفاق نیفتاده است. اگر بنا بود این عمل در مورد یک کشور غیراسلامی انجام گیرد، قدرتمندان

(1). در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین.

ص: 212

اروپایی چه می‌کردند؟ اگر بنا بود این عمل در غیر این منطقه ی حسّاس، که منطقه ی اسلامی است، انجام گیرد، قدرتمندان عالم چه می کردند؟ (1)

1371/8/13

فاجعه ی فلسطین؛ بزرگ ترین نمونه ی نقض حقوق بشر

امروز در دنیا چه کسی نقض حقوق بشر میکند؟ حقوق بشر را کسی نقض میکند که از اسرائیل غاصب حمایت میکند. آیا آنچه که امروز در فلسطین میگذرد، بزرگ ترین نمونه ی نقض حقوق بشر نیست؟! چرا اینها اعتراض نمیکنند؟ اگر اینها طرفدار حقوق بشرند، چرا به اسرائیل کمک میکنند؟ (2)

1372/3/12

کهنه نشدن مسئله ی غصب فلسطین

مسئله ی فلسطین يك مسئله ی روشن اسلامی و بشری است. مسئله ی فلسطین، کهنگی بردار نیست. يك غاصب اگر چیزی را غصب کند، صد سال هم طول بکشد، باز غاصب است و باز صاحب حق، صاحب حق است و باید حق به او برگردد. اینکه چهل سال، پنجاه سال از قضیه ی فلسطین و غصب آن میگذرد، موجب نمیشود که مسئله ی فلسطین کهنه شود و برای مسلمانان از حسّاسیت بیفتد. (3)

1372/6/25

حقیقت ماجرای فلسطین

در قضیه ی فلسطین، آنچه که حقیقت قضیه است، همین مطلبی است که سالهای متمادی است جمهوری اسلامی علناً و مستدلاً آن را بیان کرده است. يك باند و گروه وابسته و مزدور به قدرتهای جهانی، با اتکا به همین وابستگی شان، آمدند سرزمین فلسطین را غصب کردند. آیا کسی میتواند منکر این بشود؟! از این چند میلیون صهیونیستی که امروز در سرزمینهای اشغالی ما در فلسطین هستند، چند نفرشان فلسطینی اند؟ پدرشان در فلسطین بوده یا خودشان متولّد فلسطین اند؟! *

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران، به مناسبت روز 13 آبان.

(3). در جمع مهمانان خارجی شرکت کننده در سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه الله).

ص: 213

بیگانه هایی هستند که با اهدافی شوم، از جاهای مختلف به اینجا آورده شدند، تا اینجا را پایگاهی قرار دهند، و نفوذ قدرتهای استکباری را در منطقه، راحت گسترش دهند. آیا این غصب نیست؟! آیا این ظلم نیست؟! آیا این محکوم نیست؟! اگر گروهی بروند خانه ی دیگری را، شهر دیگری را بگیرند، این در نظر آزادی خواهان و مردم عادی و منصف اهل هر دین و مذهبی مردود نیست؟ اگر ما گفتیم «صهیونیستها غاصب اند، ظالم اند»، حرفی خلاف گفته ایم؟! (1)

1374/12/1

شما ببینید امروز دشمنان اسلام و دشمنان ملل ضعیف به این ملت‌ها چقدر زور میگویند و قلدری نشان میدهند! در همین روزها امریکاییها با فشار بر يك دسته از کشورها، میخواهند آنها را وادار و مجبور کنند که يك ظلم و غصب و جنایت بزرگ زمان، یعنی غصب فلسطین را ندیده بگیرند. چرا باید مسئولان یا مردم یا سیاسیون يك کشور، ناگزیر باشند در مسئله یی که مورد قبولشان نیست، تحمیل دولتِ قلدر و گردن کلفتی مثل امریکا را بپذیرند؟ دنیای غیر اسلام ممکن است حقایق را نداند؛ اما در دنیای اسلام، کیست که نداند در قضیه ی فلسطین، يك ملت از خانه ی خودش آواره شده است؟ يك ملت را از خانه ی خودش بیرون و آواره کردند؛ بعد از اطراف دنیا آدمهایی را با ملت‌ها، نژادها و فرهنگهای مختلف، فقط به صرف وحدت در مذهب - چون نژادشان، نژاد اسرائیلی است - آنجا جمع کردند. این ظلم نیست؟

اشغال فلسطین؛ بزرگ ترین ظلم در عرصه ی بین المللی

آیا ظلمی از این بالاتر و خلافی در آفاقِ مسائل بین المللی و بشری از این بزرگ تر وجود دارد که يك ملت را از خانه اش بیرون کنند؟

این مسئله برای ملت‌های اسلامی و دولتهای مسلمان واضح است و کسی در این قضیه ابهامی ندارد. ممکن است افکار عمومی کشورهای غربی و غیر مسلمان از چند و چون مسئله و از آنچه که بر سرِ ملت فلسطین در خانه ی خودش آمده است - آن همه کشتارهای

(1). در دیدار فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

ص: 214

دسته جمعی، قتل عام ها، آوارگیها، بی خانمان کردن ها و ظلمها - بی خبر باشند؛ اما در دنیای اسلام کسی نیست که از این قضایا بی خبر باشد. به همین علت، می بینید ملتها این را قبول نمیکنند. (1)

1378/7/25

غصب فلسطین؛ غیر قابل قبول ترین حرف در دنیا

ملت فلسطین هم مثل ملت آفریقای جنوبی و ملت ایران است: خانه بی دارد؛ خانه ی خودش را دوست دارد و حق با اوست. تنها چیزی که مانع میشود، این است که قدرتی بر سر کار است؛ مثل قدرتی که در کشور شما بر سر کار بود. آنهایی که در کشور شما بودند، در آفریقای جنوبی متولد شده بودند و فقط رنگشان سفید بود؛ اما در فلسطین اصلاً از جای دیگری آمده اند! غیر قابل قبول ترین حرف در دنیا، این است که ملتی را از وطنش بیرون کنیم و از اطراف دنیا انسانهایی را بیاوریم و در آنجا بنشانیم و بگوییم اینجا وطن شماست! البته زیر فشار قدرت امریکا و تسلیحات داده شده به اسرائیل، مدتی مجبور میشوند تحمل کنند؛ ولی شما بدانید این همیشگی نخواهد بود. (2)

1378/10/10

قضیه ی فلسطین؛ لکه ی ننگ قرن بیستم

قضیه ی فلسطین، یکی از لکه های ننگ بزرگ این قرنی است که همین چند روزه تمام شد. البته لکه های ننگ این قرن بیش از اینهاست: دو جنگ بزرگ در این قرن اتفاق افتاده است؛ چقدر در دنیا حکومتهایی در این قرن به دست استعمارگران دیروز به وجود آمد؛ از جمله کشور خود ما. در همین قرن بود که حکومت خشن و سرکوبگر و غیرانسانی و فاسد و وابسته ی پهلوی به وجود آمد؛ لیکن در میان زشتیهایی که در این قرن بر ما گذشت - که البته در کنارش محسناتی هم در این قرن اتفاق افتاده است که حالا مورد بحث ما نیست - یکی از زشت ترین، یا شاید بشود گفت زشت ترین آنها، مسئله ی فلسطین

(1). در خطبه های نماز عید فطر.

(2). در دیدار نلسون ماندلا.

ص: 215

بود. چرا؟ چون در این قضیه، يك ملت را از کشور خودش بیرون کردند.

من خواهش میکنم جوانانی که با مسئله ی فلسطین خیلی آشنایی و سابقه ی ذهنی ندارند، روی این کلمات تأمل و درنگ کنند. يك ملت را از خانه و از کشور خود بیرون کنند و يك عده آدمهایی را از اطراف دنیا جمع کنند و به جای آن افراد در آن کشور بگذارند. چرا؟ چون آن جماعتی که از اطراف دنیا جمع کردند، از يك نژادند؛ نژاد اسرائیلی، نژاد یهودی! یعنی يك حرکت نژادگرایانه ی زشت که هر جای دنیا به وسیله ی هر کسی در ابعاد کوچکتر از این پیش می آمد، مایه ی ننگ و سرافکنندگی بود؛ اما این را در ابعاد يك کشور به وجود آوردند. چه کسی به وجود آورد؟ در حقیقت انگلیس؛ بعد هم امریکا. (1)

1379/6/7

غیرمنطقی بودن تشکیل رژیم صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی

آیا این آزادی است که رژیم صهیونیستی در کشوری که مال او نیست، تشکیل میشود؟! بسیار امر عجیبی است! فرض کنید الان تمام مردم سوئیس را بیرون کنند و يك مشت انگلیسی نژاد را بیاورند در این کشور ساکن کنند، یا بگویند از فلان جاهای دنیا بیایند و در این کشور ساکن شوند! این چقدر عجیب و غیرقابل قبول و غیرمنطقی است؟! قضیه ی رژیم صهیونیستی همین قدر غیرمنطقی است. (2)

1380/2/2

مسئله ی فلسطین در ردیف اول مسائل مهم جهانی

در زمینه های سیاسی هم حَقاً مسائل مبتلابه ما امروز بسیار مهم است، که مهم ترین آنها فلسطین است. حقیقتاً نمیشود مسئله ی فلسطین را از ردیف اول مسائل مهم جهانی، اندکی تنزل داد. واقعاً قضیه ی فلسطین، قضیه ی يك کشور نیست؛ قضیه ی دنیای اسلام است. صهیونیستها که در فلسطین مسلط هستند، میخواهند بر همه ی دنیای اسلام سیطره پیدا کنند و اگر تسلط سیاسی نشد، تسلط اقتصادی پیدا کنند. ما بسیار

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز جهانی قدس.

(2). در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت.

ص: 216

خشنود شدیم وقتی دفتر اسرائیل در تونس بسته شد. این مسئله مورد اهتمام شما و ماست. از این که بگذریم، دنیای اسلام يك هویت واحد دارد و به تجربه، روشن شده که دنیای مسلط امروز - یعنی غرب - مایل نیست دنیای اسلام روی پای خود بایستد و دلایل خاص خود را هم دارد. دنیای اسلام باید به کمک هم بروند. (1)

1388/12/13

وضعیت فلسطین؛ جراحی بزرگ امت اسلامی

نگاه کنید به فلسطین، ببینید امت اسلامی يك جراحی بزرگی را در وجود خود دارد و آن، مسئله ی ملت بزرگ فلسطین و سرزمین تاریخی و مقدس فلسطین است. چه بر سر این سرزمین آوردند؟ چه بر سر این ملت آوردند؟ چه میکنند با این مردم؟ ماجرای غزه مگر قابل فراموش شدن است؟ مگر از ذهن امت اسلامی قابل زدوده شدن است؟ فشارها، بی رحمی ها، قساوتها و ظلمهایی که همین امروز نسبت به مردم غزه میشود، حتی بعد از آن جنگ بیست و دو روزه که دولت صهیونیست ناکام شد و نتوانست مقاصد خودش را عمل کند، تا امروز همچنان این ظلم بر مردم غزه می‌رود و امت اسلامی نمیتواند از آنها دفاع کند.

نکوهش بی توجهی امت اسلامی به غضب فلسطین

امت اسلامی در مقابل این پدیده آن چنان قرار گرفته است که گویی این مربوط به او نیست، غضب حق او نیست، ظلم به او نیست. ما چرا این جوریم؟ چرا امت اسلامی به این وضعیت دچار شده است؟ يك سرطان خطرناك مهلکی به نام دولت جعلی صهیونیستی اسرائیل در این منطقه به دست دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی به وجود آمده است. حامیانش که در ظلم و گناهان بزرگ او شریک هستند، همچنان از او حمایت میکنند و امت اسلامی نمیتواند از خودش دفاع کند؛ این ضعف ماست. چرا؟ این ضعف را باید با برگشت به اسلام، با محور قراردادن تعالیم رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) جبران کنیم. (2)

(1). در دیدار نخست وزیر تونس.

(2). در دیدار به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام صادق (علیهما السلام).

ص: 217

نکوهش جواب ندادن دولتهای عرب به ندای «یا للمسلمین» برادران فلسطینی

برادران و خواهران! مسئله ی فلسطین، برای ما يك مسئله ی اسلامی است. اسلام بر ما لازم کرده است که از سرزمینهای مسلمان نشین دفاع کنیم؛ بر ما واجب کرده است که به حقوق مظلومان و ستمدیدگان و مستضعفان برسیم؛ برای ما لازم کرده است که با مال و با جان، به کمک مردمی که سی سال است فریاد میکشند «یا للمسلمین» و کسی به آنها جواب نمیدهد، بشتابیم. ملت فلسطین سی سال است دارد میگوید «یا للمسلمین»؛ کدام يك از این دولتهای عرب میتوانند ادعا کنند که به «یا للمسلمین» برادران فلسطینی جواب دادند؟ هر کدام از این دولتهای عرب که سر کار آمدند، برای اینکه مردمشان را به طرف خودشان جذب کنند، شعار پشتیبانی از فلسطین دادند. من به دولتهای شمال آفریقا میگویم، به دولتهای خاورمیانه میگویم، به دولتهایی که در خطّ مرز اسرائیل غاصب قرار دارند، میگویم، به دولتهایی که در خلیج فارس قرار دارند، میگویم؛ کدام يك از اینها آن چنان که وظیفه ی يك دولت اسلامی است، به برادران فلسطین و به مسئله ی فلسطین کمک کردند؟ سی سال است ناله ی استغاثه ی چند میلیون انسان مسلمان محروم مستضعف بلند است؛ کی باید به داد اینها برسد؟ (1)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

افشای داعیه های ضد اسرائیلی سران خائن عرب

حسین اردنی خائن - قاتل هزاران فلسطینی مبارز - و بعضی دیگر از اُمرا و پادشاهان منطقه ی عربی، به زبان یا به عمل، صدام را پشتیبانی کردند. ملک حسین اعلام میکند که حاضر است تانکهای اردنی را به کمک عراق بفرستد تا با ایران جنگ کنند. ما از این خبر و این حادثه خوشحالیم؛ زیرا همان کاری که تانکهای عراقی کردند، تانکهای اردنی هم همان کار را خواهند کرد - در گِل ماندن و منهدم شدن - اما فایده ی بزرگی که بر این کار مترتب میشود، این است که همه ی داعیه های ضد اسرائیلی و ضد صهیونیستی این گونه چهره های کاذب و خائن به ملت عرب را افشا میکند. در کنار مرز اسرائیل ساکت نشستن؛ تجهیزات را در طول چند سال، یک روز علیه اسرائیل به کار نینداختن؛ مبارزان ضد اسرائیلی را کوبیدن، کم نبود، حالا میخواهد جمهوری اسلامی را که بزرگ ترین ضربه را به استکبار جهانی امریکا و به صهیونیسم بین الملل وارد آورده است، هدف قرار بدهد! تانکی که پشت به اسرائیل میکند و رو به جمهوری اسلامی میکند، حالش روشن است. افشا شدن این چهره ها در این روزگار، برای ما ملتها نعمت بسیار بزرگ و عظیمی است. ملت اردن باید هوشیارانه به این کلمات و به این حوادث بیندیشد و حقایقی را که او به آنها محتاج است، از لابه لای آنها بفهمد. (1)

1361/2/1

34 میلیارد دلار پول نفت کشورهای منطقه میرود در جیب صدام فاسد و دستگاه اداره کننده ی حکومت فاسد عراق، برای جنگ با ایران، و به نام عربیت؛ و این بزرگ ترین ظلمی است که به اسلام و به عربیت و به مردم منطقه انجام میگردد. این افرادی که ادعای عربیت میکنند و به نام عربیت، نظام فاسد صدام را حمایت میکنند، ندانستند که عربیت، ناسیونالیسم عربی، در مقابل ناسیونالیسم یهودی صهیونیستی باید مورد استفاده قرار میگرفت، نه در مقابل اسلام. آن

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 219

وقت از این ناسیونالیسم عربی در مقابل ناسیونالیسم صهیونیستی یهودی استفاده نشده، حاکم مصر و حاکم اردن - یعنی کشورهای که طولانی ترین مرز کنار اسرائیل را دارند - با اسرائیل میسازند و دست در دست او میگذارند و برایش کار میکنند. آنجا ناسیونالیسم عربی هیچ کاربردی ندارد، اما همین ناسیونالیسم را میخواهند استخدام کنند علیه اسلام. ما که ناسیونالیسم فارسی نداریم، ما که ملی گرایی نداریم؛ ما مدعیان ملی گرایی را در داخل کشور خودمان از صحنه خارج کردیم. این امام ماست که ملی گرایی را صریحاً علیه اسلام و برخلاف اسلام معرفی میکند. این خطّ کلی ماست و مردم ما «مرگ بر ملی گرا» را با فریاد بلند به گوش همه ی دنیا رساندند.

نکوهش استخدام ناسیونالیسم عربی در برابر اسلام، نه در برابر ناسیونالیسم صهیونیستی!

پس ما جنبه ی ناسیونالیست فارسی و ایرانی نداشتیم، تا آنها بخواهند ناسیونالیسم عربی را در مقابلش به کار ببرند. ما خودمان در داخل، ناسیونالیسم ایرانی و فارسی را ذبح کردیم. ما به کشورمان علاقه مندیم، به مرزهایمان علاقه مندیم، به زبان و فرهنگ و آدابمان علاقه مندیم؛ اما همه ی اینها را در پرتو اسلام دوست میداریم، در خدمت به اسلام برایشان ارزش و اعتبار قائل هستیم. آنچه که هدف اصلی کار ماست، اسلام است. آن وقت ناسیونالیسم عربی را در مقابل اسلام - که آن وجهه و اساس کار و نمودار اصلی کار ماست - قرار میدهند. (1)

1366/10/11

اولین کاری که توانستند بکنند، ماجرای ننگین کمپ دیوید بود، که رفتند رئیس جمهور آن روز مصر، این بدبخت روسیاه را با مذاکرات طولانی، با وعده و وعیدهای مختلف، با تهدیدها، با تطمیع ها، با شگردها و اهرمهایی که در اختیارشان هست، خام کردند و آماده کردند که قرارداد صلح با اسرائیل را از طرف بین الاسمین - یعنی بین خودش و اسرائیل، بدون ملاحظه ی دیگر جهات قضیه، یعنی سوریه و فلسطینیها و اینها - امضا کند. سادات که به این کار اقدام کرد، در حقیقت ته دلش از مرتجعین عرب راحت بود؛ میدانست که دولتهای

(1). در دیدار نهادها و ارگانهای تبلیغاتی قم.

ص: 220

ارتجاعی عرب درست است که اسم فلسطین را می آورند و شعار میدهند، اما ته دلشان از ساخت و پاخت با اسرائیل ناراضی نیستند. حدس او هم درست بود. دیدیم که بعد از گذشت چند سال از قضیه ی کمپ دیوید، مرتجعین عرب بالاخره باطن و جوهر خودشان را آشکار کردند. البته آنها ابتدای انعقاد قرارداد کمپ دیوید یک هیاهویی کردند و اکثر دولتهای عرب رابطه شان را با مصر تقریباً قطع کردند؛ یعنی او را از جامعه ی عرب اخراج کردند و دیگر به کنفرانسهای خودشان راه ندادند؛ اما بعد از گذشت چند سال، مجدداً در کنفرانس امان تقریباً همه ی بافته های خودشان را پنبه کردند و همه ی آن حرفهایی که زده بودند، عملاً تکذیب کردند؛ بنابراین حرف انور سادات که فکر میکرد دولتهای عربی با کار او مخالفت واقعی ندارند، درست است. (1)

1368/2/8

از بین رفتن قبح مذاکره با اسرائیل

امروز غربت و مظلومیت فلسطینیها صدها برابر بیشتر از آن است. امروز متأسفانه قبح مذاکره با اسرائیل از بین رفته. یک روزی وقتی که انورالسادات با اسرائیلیها مذاکره کرد، تقریباً تمام دولتهای عرب به اتفاق - مگر با یکی دو تا استثنا - با مصر قطع رابطه کردند؛ مصر را از جامعه ی عرب بیرون کردند. امروز مصر به جامعه ی عرب برگشته، یک چیزی هم طلبکار است! همان آقایانی که آن روز انور سادات را بایکوت کردند، امروز همان دولت و همان حکومت و جانشین او را - که همان راه را دارد طی میکنند - خیلی هم با عزت میپذیرند. این رژیم عراق که ادعای انقلابیگری میکرد و خودش را جزو جبهه ی پایداری میدانست، حالا همین رژیم، جونجونی ترین رفیق انور سادات و مبارک است! دیگران هم مثل این؛ از رژیم سعودی و رژیمهای خلیج فارس بگیرید تا دیگران و دیگران و دیگران.

امروز مذاکره با اسرائیل قبحی ندارد. امروز توی دهانها شایع است و تقریباً قطعی است که رژیم اردن بارها و بارها در سطح بالا با رهبران

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 221

اسرائیل مذاکره کرده. امروز همه میدانند که رهبران به اصطلاح نهضت آزادیبخش فلسطین و مبارزان قدیمی و سابق فلسطینی، آماده هستند با اسرائیلیها حرف بزنند؛ بینشان رفت و آمدهایی هم انجام گرفته؛ اما آنها حالا ناز میکنند؛ حاضر نیستند با اینها حرف بزنند! (1)

1369/3/10

وقاحت دولت غاصب صهیونیستی؛ نتیجه ی سکوت و سازش خیانت آلود دولتهای عربی

سکوت و سازش خیانت آلود بسیاری از دولتهای عربی و حتی تظاهر بعضی از آنان به بی تفاوتی و عدم حساسیت نسبت به سرنوشت فلسطین، کار را به جایی رسانده است که دولت غاصب صهیونیست، پس از سالها کتمان و حتی انکار، اکنون دوباره داعیه ی اسرائیل بزرگ را علناً بر زبان می آورد و با بی شرمی و وقاحت، تبت پلید غصب سرزمینهای جدیدی از میهن اسلامی را تکرار میکند.

بعضی از پادشاهان و رؤسای عرب، به خاطر جلب نظر معبودشان امریکا، حتی انگیزه های عربی و عرق قومیت را که دائماً از آن دم میزنند، در برابر اسرائیل به فراموشی میسپارند و به جای آن، میدان مسابقه با اسرائیل در گرفتن کمک از امریکا را هرچه بیشتر گرم میکنند. این داغ ننگ را چه کسی از پیشانی ملت عرب خواهد زدود؟ و آیا جوانان مسلمان بیدار در کشورهای عربی، این خیانت را بر خود فروختگان خواهند بخشید؟!

در نظر این زمامداران خائن، قومیت و وحدت عربی، فقط هنگامی باید مورد استفاده قرار گیرد که امریکا بخواهد از آن در برابر ایران اسلامی و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) بهره برداری کند. اف بر وجدانهای خفته و دلهای ناپاکی که لطف و عنایت امریکا را به قیمت از دست دادن همه چیز، هم ثروتهای خداداد طبیعی، هم شأن و کرامت انسانی و ایمان اسلامی و آبرو و اعتبار و تشخص ملت خود طلب کردند و با کفران نعمتهای خدا، خود و ملتھایشان را در سراسیمه انحطاط و ابتلا به غضب الهی دچار ساختند.

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 222

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ. (1)

چه شد آن شور و هیجانی که در برابر اسرائیل غاصب ابراز میشد؟ و چه شد تعهدی که رؤسای عرب با ملت‌های خود درباره ی مبارزه با اسرائیل بستند؟ لعنت خدا و بندگان صالحش بر آن دستی که اولین معاهده ی سازش با اسرائیل را امضا کرد و زندگی سیاه دنیوی و سرنوشت اخروی خود را با فرعون قرین ساخت. و نفرین بندگان صالح و فرشتگان و انبیا و اولیا بر آنان که آن راه را ادامه داده اند و میدهند؛ مخصوصاً آنان که امید کاذبی به ملت مظلوم فلسطین داده و آن گاه به بهای سیه روزی آنان، عیش ناپایداری برای خود فراهم کردند. (2)

1370/7/25

مصیبت امروز فلسطین؛ نتیجه ی عدم مقاومت مسلمانان در ابتدای ماجرای غصب

اگر آن روزی که صهیونیستها اولین تیشه ها را بر ریشه ی عمیق ملت فلسطینی میزدند، تا ملّتی دروغین و جعلی و بی ریشه به جای آن در خاک متعلق به مسلمین بگذارند، سران مسلمان و عناصر مؤثر و به تبع آنان توده های مردم، حضور و مقاومت جدی و هوشیارانه یی از خود نشان میدادند، امروز از این همه مصیبت و بلایی که میوه ی زهر آگین شجره ی خبیثه ی دولت صهیونیستی است، در این منطقه خبری نبود و شاید ملت‌های منطقه و بخصوص ملت مظلوم فلسطین، از آنچه در این چهل و پنج سال کشیده است، معاف میبود.

آن روز، سست عنصری بعضی و قدرت طلبی بعضی و راحت طلبی بعضی و ناهوشیاری بعضی، دست به هم داد و خیانتی عمومی را شکل بخشید و نتیجه آن شد که شد: هزاران خون بناحق ریخته، هزاران ناموس هتک شده، هزاران خانه ی ویران شده، هزاران سرمایه ی بر باد رفته، هزاران آرزوی دفن شده، هزاران روز و شب تلخ و مصیبت باری که با گرسنگی و دربه دری و بی خانمانی و اشک و آو

(1) . سوره ی ابراهیم، آیات 28-29؛ ترجمه: «آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی کشاندند؟! سرای نیستی، همان جهنّم است که آنها در آتش آن وارد میشوند؛ و بد قرارگاهی است!»

(2) . پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 223

يك ملت در اردوگاه های اردن و لبنان سپری شده، یا در وطن اشغالی در زیر چکمه و سرنیزه ی دشمن به سرآمده، هزاران انسانی که بی هیچ جرمی در معرض سخت ترین عقوبت‌های زمانه قرار گرفته، و هزاران غم ناگفتنی دیگر که جز آنان که روزهای جان‌کندن تدریجی در اردوگاه را در مجاورت خانه ی غصب شده ی خود یا در خانه ی زیر قیمومت بیگانه میگذرانند، کسی دیگر قادر به درك آن نیست.

*

همه و همه از آن خیانت بزرگ پدید آمد، و آن خیانت، خیانت‌های دیگر را به دنبال آورد؛ و این امواج خیانت، چه فضیلت‌ها را که خشکاند و چه روحیه ها را که میراند و چه شعله ها را که فسرد.

*

هر کسی آن روز میتوانسته کاری بکند و قدمی در راه دفع این ظلم بزرگ بردارد، و نکرده و برنداشته، محکوم لعن و نفرین این دو نسل فلسطینی، و مشمول قضاوت قاطع و سخت تاریخ معاصر و آینده، و مورد عذاب و تقاص الهی در روز جزاست؛ و در این، فرقی میان رجال سیاست و رجال اقتصاد و رجال فرهنگ و ادبیات و رجال جنگ و نبرد نیست. (1)

1370/8/15

خیانت دولتهای عربی در کنفرانس مادرید

آن کنفرانس خیانت تمام شد؛ (2) حرفهایشان را زدند و صهیونیستها و دولت غاصب را عملاً به رسمیت شناختند! عاقبت چه شد؟ چه چیزی گیر فلسطینیها آمد؟ چه چیزی گیر دنیای عرب آمد؟ دولت غاصب و دروغین اسرائیل آرزو داشت که چنین حادثه یی بعد از چهل و اندی سال اتفاق بیفتد؛ در عین حال این طور وانمود میکرد که علاقه یی ندارد؛ هی ناز میکرد، هی شرط جلو قرار میداد! بعد هم به کنفرانس رفت و شدیدترین و وقیح ترین حرفها را در مقابل اعراب زد و از کنفرانس جدا شد و آمد! چرا دولتهای عربی در مقابل چنین

(1). پیام به ملت‌های مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه های خباثت آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید.

(2). کنفرانس مادرید.

ص: 224

توطئه و چنین فریبی سلاح انداختند؟! تاریخ به اینها چه خواهد گفت؟ خدا در قیامت چگونه از اینها بازخواست خواهد کرد؟ ملت‌هایشان با اینها چه خواهند کرد؟(1)

1372/8/12

سرنوشت شوم فلسطین؛ نتیجه ی شکسته شدن قبح مذاکره

بنده معتقدم برای رایج کردن يك گناه در عمل، یکی از راه هایش این است که آن گناه را در زبانها رایج کنند. آن قدر بگویند که قبحش از بین برود! شما قضیه ی فلسطین و سرنوشت شومی را که بعضی از فلسطینیها برای خودشان و ملت فلسطین قبول کردند، ببینید! امروز این، تجربه ی بسیار عظیم و عبرت بزرگی است. از بس مدام در گوشه و کنار، کسی چیزی گفت و دیگران به او تشر نزدند! هی گفتند: «چه مانع دارد که ما با اسرائیل صحبت کنیم؟!» دیگر نگفتند: «دشمنِ غاصب!» نگفتند: «این دشمنِ غاصب است. این در خانه ی فلسطینیها نشسته است. چه مذاکره یی؟! مذاکره ی با او این است که بگویند فلان فلان شده، از خانه ی ما برو بیرون!» مذاکره ی با غاصب، این است. مذاکره ی با ظالم این است که بگویند: «فلان فلان شده، چرا این قدر ظلم میکنی?!» مذاکره، یعنی این. و الا، مذاکره ی دوستانه، که بروند و بگویند و بخندند و او چیزی بگوید و این چیزی بگوید و بعد چانه بزنند، و اینکه گفته شود «دیگر با غاصب این حرفها را نداریم»، چه معنی دارد؟! هیچ کس هم به آن کسانی که هی اسم مذاکره با اسرائیل را آوردند و آوردند و تشر نزد، تا عیب و قبحش در نظرها از بین رفت و آخرش به این روز تلخ و سیاه رسید. (2)

1373/10/19

قدرت رژیم صهیونیستی؛ نتیجه ی ضعف کشورهای عربی

شما ببینید در قضایای جهانی، مثل قضیه ی فلسطین، بعضی از سلاطین و رؤسای کشورهای عربی چه فضاحتی برای مسلمانان درست کردند! اگر به دولت غاصب صهیونیست، درست نگاه کنیم،

(1). در دیدار گروه زیادی از دانشجویان و دانش آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار).

(2). در دیدار دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار.

ص: 225

می بینیم در حقیقت قدرتی ندارد. کشورهای دوروبر به او قدرت دادند، و آلا از حیث نیروی انسانی هم حساب کنیم، همسایه های رژیم اشغالگر، چندین برابرش را دارند. اگر به حساب سلاح هم نگاه کنیم، می بینیم آن مقدار سلاح که بتواند علاج این سرطان را بکند، در اختیار کشورهای عربی هست. البته آن طور که گفته میشود و ظاهراً صحیح هم هست، رژیم غاصب صهیونیست به برکت پشتیبانیهای امریکا، سلاح اتمی در اختیار دارد. اگر سلاح اتمی هم داشته باشد، برایش قابل استفاده نیست. در آن يك وجب جا مگر امکان استفاده از سلاح اتمی را دارد؟ بمب اتمی را در کدام يك از کشورهای دوروبر خود بیندازد که خودش هم از آن صدمه نبیند؟ بمب اتمی آنجا کاربرد دارد که بخواهند آن را از این طرف دنیا به آن طرف دنیا ببرند و محلی را بمباران کنند و خودشان از تبعاتش در امان باشند. بمب اتمی، اسلحه ی محدودی نیست که فلان کشور در کشور همسایه اش بیندازد و خودش هم در امان باشد. آثار و تبعات و تشعشعاتش، پدر خودشان را در می آورد! پس برایشان قابل استفاده نیست.

در واقع، وقتی خوب نگاه کنید، می بینید کشورهای دوروبر رژیم اشغالگر قدس از او قوی ترند؛ اما به خاطر عدم ایمان به خدا، عدم اتکا به ملتها و عدم احساس مسئولیت صحیح در مقابل وظیفه - که آن هم ناشی از عدم نهدی از منکر ملتهاست - به این روز دچار شده اند. اگر ملتها نهدی از منکر میکردند، این وضعیت پیش نمی آمد. این مسئله بسیار مهم است. (1)

1376/3/14

اگر بخواهیم یکی، دو مثال در زمینه ی مسائل سیاسی عرض کنیم، باید بگوئیم که تا ده، پانزده سال قبل، مسئله ی فلسطین در دنیای اسلام، مسئله یی بود که همه به نام آن شعار میدادند؛ بعضی صادقانه تر، بعضی همراه با ظاهر سازی؛ ولی به هر حال، همه ی حکومتهای اسلامی، شعار مسئله ی فلسطین را اقللاً به زبان میگفتند و تکرار میکردند. فشار

(1). در دیدار افشار مختلف مردم قم به مناسبت حادثه ی نوزدهم دی.

ص: 226

استکبار و دشمنان شروع شد. یعنی همان کسانی که از اول، بانی غصب کشور فلسطین از يك ملت - یعنی ملت فلسطین - و سپردن آن به دست يك مجموعه ی مهاجر و دروغین و يك ملت ساختگی بودند، شروع به فشار آوردن بر روی دولتها و شخصیتها کردند.

ملت کنونی صهیونیست اشغالگر، يك ملت ساختگی است. هیچ عنصری از عناصر اصلی يك ملت در اشغالگران نیست؛ از جاهای مختلف عالم، با دیدگاه های مختلف، با مناسی اجتماعی مختلف و با عقاید گوناگون آمده اند؛ صرفاً از جهت اینکه به نژاد بنی اسرائیل اتصال و ارتباط دارند! قرنها از هم جدا بوده اند، ولی آنها را به عنوان يك ملت تلقی کرده اند. يك ملت تصنعی و دروغین؛ برای اینکه بتوانند در این نقطه ی حساس از جهان - یعنی قلب خاورمیانه و قلب جهان اسلام - پایگاهی برای استکبار باشند. روز اول، انگلیسیها آنها را به وجود آوردند؛ امروز هم رژیم امریکا حداکثر استفاده را از آن میبرد و اهداف استکباری خود را تأمین میکند.

انفعال کشورهای عربی در برابر فشار دستگاه های متمرکز استکبار

همانهایی که این زمینه را به وجود آورده اند، شروع به ایجاد فشارهای تبلیغاتی و سیاسی بر روی دولتها و شخصیتها و نظامهای سیاسی کرده اند و باب گفتگوهای پشت پرده و رشوه دادن ها و رشوه گرفتن ها را باز گشوده اند و کاری کرده اند که این شعار عمومی مسلمانان را بتدریج از زبان دولتها بگیرند؛ و الا از ملتها که نمیتوانند بگیرند. همان کسانی که پانزده یا بیست سال قبل، دولت صهیونیست را به عنوان دولت غاصب، مورد قطع رابطه و محاصره ی اقتصادی قرار داده بودند، امروز برای ایجاد ارتباط اقتصادی با او، مسابقه میگذارند! این، همان انفعال است. فشار گوناگون دستگاه های متمرکز استکبار، چه از لحاظ تبلیغات و چه از لحاظ مسائل اقتصادی و غیره، به قدری بر اینها به طور متوالی وارد می آید، که احساس میکنند ناچارند عقب نشینی کنند، و عقب نشینی میکنند. این، خودباختگی و انفعال در زمینه ی مسائل سیاسی است. (1)

(1). در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (رحمه الله).

نکوهش از بین رفتن قبح مذاکره ی دولتهای عرب با اسرائیل

یک روز بود که دولتهای عرب، صحبت کردن با اسرائیل، رابطه ی با اسرائیل و حتی آوردن اسم اسرائیل را یکی از کارهای بسیار زشت میدانستند. اینها با مطرح کردن و پیش کشیدن این قضیه، آنها را یکی یکی از صفوف ملت عرب خارج کردند و بار بار به گردن او انداختند. بتدریج کاری کردند که قبح این قضیه ریخت؛ حتی دولتهایی که در مرزهای اسرائیل نیستند و هیچ خطر و ضرری هم از اسرائیل نمی بینند، در خانه ی خودشان نشسته اند و صحبت از مذاکره با اسرائیل میکنند! واقعاً چه لزومی دارد؟ اما میکنند؛ چون قبحش ریخته است.

(1)

1379/9/2

نکوهش کوتاهی و تقصیر کشورهای اسلامی و عربی در قضیه ی فلسطین

شما امروز ملاحظه کنید؛ در فلسطین، آن مجموعه ی مدعی حکومت بر این سرزمین، بسیار صریح و علنی مجموعه یی از همان شهروندانی را که بر آنها حکومت میکند، محاصره کرده و تانک برده و آنها را به خاک و خون کشیده است؛ اما همان حکومت مدعی دموکراسی متکی بر تفکر انسان سالاری و عقل سالاری - در مقابل دین سالاری و خدا سالاری - همین طور مثل شمیرین ذی الجوشن ایستاده و تماشا میکند و اصلاً ککش هم نمیگذرد!

البته به نظر من در این قضیه مسلمانها مقصّرند؛ بایستی مسئله ی مجازات اسرائیل به وسیله ی کشورهای اسلامی و بخصوص کشورهای عربی جدی گرفته شود؛ هم آنها مجازات شوند و هم هر کس که از صهیونیستها حمایت میکند. مجازاتشان، هم مجازات سیاسی است، هم مجازات اقتصادی. میتوانند به آن کشورها نفت صادر نکنند؛ میتوانند روابط سیاسی شان را تنزل دهند؛ میتوانند سیل اعتراضهای مردمی را به سمت آنها متوجه کنند؛ اما کوتاهی میشود و نتیجه این میشود که یک عدّه مردم مسلمان فلسطین که حرف و ادعایشان حق است و هیچ کس هم منکر حق بودن حرف و ادعای آنها نیست، به خاطر اینکه جرأت کردند و گستاخی به خرج دادند و این حرف حق را بر زبان

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 228

آوردند، این طور به خاک و خون کشیده میشوند. اگر تعالیم دین باشد، اگر روحانیت مقتدری باشد، اگر به معنای حقیقی کلمه وراثت انبیا در میان روحانیون و روحانیون اسلام معنا و مصداق پیدا کند، بلاشک بسیاری از این مسائل حل خواهد شد. (1)

1387/3/14

حمایت امریکا و کوناھی دولتهای عربی؛ دو عامل بقای رژیم صهیونیستی

دشمنان و دوستان ملت ایران اعتراف میکنند که گسترشی که امام پیش بینی میکرد برای انقلاب، امروز تحقق پیدا کرده است؛ از جمله ی آنها مسئله ی آرمان فلسطین است. ملتها دلشان مانند ملت ایران برای ملت فلسطین میتپد؛ ملتها مثل ملت ایران رژیم اسرائیل را يك رژیم جعلی و تحمیلی در منطقه میدانند. البته دولتها با ملتها همراه نیستند و متأسفانه آن چیزی که اسرائیل را تقویت کرده است، همین است. رژیم صهیونیستی از درون خود نیروی ندارد، قدرتی ندارد، توانایی ایستادن روی پای خود را ندارد. امروز دو عامل، رژیم صهیونیستی را سر پا نگه داشته است: یکی حمایت بی قید و شرط و قیحانه ی امریکا از این رژیم منحط؛ و دیگری حمایت نکردن دولتهای عربی و اسلامی از مردم فلسطین.

متأسفانه بسیاری از حکومتها و دولتهای مسلمان، امروز آن چنان که باید، به وظیفه ی خود در قبال فلسطین عمل نمیکند و با ملتهایشان همصدا نیستند. اگر آنها هم با ملتهای خود همصدا شوند و از ملت مظلوم فلسطین دفاع کنند، وضعیت در منطقه بکلی تغییر خواهد کرد. این خواست عمومی ملتهاست و این همان گسترشی است که امام بزرگوار ما خبر داده بود. (2)

1387/10/8

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ

جنایت هولناک رژیم صهیونیستی در غزه و قتل عام صدها مرد و زن و کودک مظلوم، بار دیگر چهره ی خونخوار گرگهای صهیونیست را از

(1). در دیدار مجمع نمایندگان طلاب.

(2). در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 229

پشت پرده ی تزویرِ سالهای اخیر بیرون آورد و خطر حضور این کافر حربی را در قلب سرزمین های اُمّت اسلام، به غافلان و مسامحه کاران گوشزد کرد.

سکوت تشویق آمیز برخی دولتهای عربی در قبال فاجعه ی غزه

مصیبت این حادثه ی هولناک برای هر مسلمان، بلکه برای هر انسان باوجدان و باشرف در هر نقطه ی جهان، بسی گران و کوبنده است، ولی مصیبت بزرگ تر، سکوت تشویق آمیز برخی دولتهای عربی و مدّعی مسلمانی است. چه مصیبتی از این بالاتر که دولتهای مسلمان که باید در برابر رژیم غاصب و کافر و محارب، از مردم مظلوم غزه حمایت میکردند، رفتاری پیشه کنند که مقامات جنایتکار صهیونیست، گستاخانه آنها را هماهنگ و موافق با این فاجعه آفرینی بزرگ معرفی کنند؟

سران این کشورها چه جوابی در برابر رسول الله - صلی الله علیه وآله - خواهند داشت؟ چه جوابی به ملتتهای خود که یقیناً عزادار این فاجعه اند، خواهند داد؟ به یقین امروز دل مردم مصر و اردن و سایر کشورهای اسلامی از این کشتار، پس از آن محاصره ی طولانی غذایی و دارویی، لبالب از خون است. (1)

1388/12/8

امتحان بسیار بد دولتهای عربی در قضیه ی غزه

فلسطین، هیچ راهی جز مقاومت ندارد؛ این را باید بگویند، باید بخواهند؛ دولتهای اسلامی هم باید همین را تکرار کنند. البته بسیاری از دولتهای عرب، در قضیه ی غزه و قبل از او در قضایای دیگر، امتحان بسیار بدی دادند؛ بسیار امتحان بدی دادند. هر وقت صحبت مسئله ی فلسطین شد، می گفتند مسئله ی فلسطین، مسئله ی عربی است! آن وقتی که وقت عمل آمد، مسئله ی فلسطین بکلی از همه ی معادلاتشان حذف شد و به جای اینکه به فلسطین کمک کنند، به فلسطینی کمک کنند، به برادر عرب خودشان کمک کنند - اگر به اسلام هم عقیده ندارند، اقلّاً به عربیت خودشان پای بند باشند - همه از میدان عقب کشیدند! بسیار امتحان بدی دادند. اینها هم در تاریخ

(1). پیام درباره ی مصیبت هولناک قتل عام مردم مظلوم غزه.

ص: 230

خواهد ماند. و این سزاها و جزاها مربوط به آخرت فقط نیست، در دنیا هم این جور است. همچنانی که نصرت خداوند نسبت به شماها که دارید مبارزه میکنید، مال آنجا نیست. (1)

1390/7/9

مهم ترین رکن حمایت از ملت فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است؛ و این وظیفه ی بزرگ دولتهای اسلامی است.

قطع روابط دولتهای اسلامی با رژیم صهیونیستی؛ شاخص صداقت آنها در دفاع از فلسطین

اکنون پس از به میدان آمدن ملتها و شعارهای قدرتمندانه ی آنان بر ضد رژیم صهیونیست، دولتهای مسلمان با چه منطقی روابط خود با رژیم غاصب را ادامه میدهند؟ سند صداقت دولتهای مسلمان در جانبداری شان از ملت فلسطین، قطع روابط آشکار و پنهان سیاسی و اقتصادی با آن رژیم است. دولتهایی که میزبان سفارتخانه ها یا دفاتر اقتصادی صهیونیستهایند، نمیتوانند مدعی دفاع از فلسطین باشند و هیچ شعار ضد صهیونیستی از سوی آنان، جدی و واقعی تلقی نخواهد شد. (2)

1390/11/14

همکاری با صهیونیستها و خیانت به فلسطین؛ از خصوصیات رژیمهای عربی

ما هی خصائص الأنظمة العربية التي تعرضت لغضب شعوبها؟

إنها معارضة التوجه الديني، والخضوع، والاستسلام والعمالة للغرب.. أي أمريكا وبريطانيا ونظائرها، والتعاون مع الصهاينة وخيانة القضية الفلسطينية، والتسلط الدكتاتوري الأسرى والوراثي، وفقر العباد وتخلف البلاد، إلى جانب الثروات الطائلة للعوائل الحاكمة، والتمييز وانعدام العدالة، وفقدان الحرية القانونية والمسائلة القانونية، كل هذه من الخصائص المشتركة لتلك الأنظمة.

حتى التظاهر بالإسلام أو الجمهورية في بعض المواضع لم يستطع أن يخدع الجماهير. هذه أوضاع العلامات لمعرفة طبيعة نهضة الشعوب العربية، سواء تلك التي حققت انتصارات كبيرة، أو التي ستحقق ذلك بإذن الله تعالى.

(1). در دیدار رهبران گروه های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه ی همایش غزه.

(2). در کنفرانس حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 231

کل ادعاء آخر بشأن طبيعة هذه الثورات التي انطلقت بشعار «الله أكبر» إنما هو تجاهلٌ للواقع من أجل أهداف مبطنّة وبالتالي لدفع هذه الثورات نحو الانحراف.

هذه الأصول ستكون معياراً لمستقبل هذه الثورات وميزاناً لمدى أصالتها أو انحرافها، فإن الأشياء تُعرف بأضدادها، وتعرف الثورات بضدّيّتها للأنظمة التي تزلزلت بفعلها. الثوريون يجب أن يواصلوا حذرهم من افتعال الأهداف الموهومة ومن محاولات تغيير الشعارات.

(1)

*

تضمين بقای رژیم صهیونیستی؛ از اهداف رژیمهای وابسته ی عرب

إنّ بعض الأنظمة التابعة والمحافظّة العربية أيضاً تقف إلى جانب امريکا والناتو، ولو من أجل حفظ كراسيها، وتسعى بكل قواها لإيقاف عجلة الزمن ودفع ثورات المنطقه إلى الوراء أو سوقها نحو طريق مجهول، ورأسمالهم الوحيد في هذه المساعي دولارات النفط، وهدفهم الأساس هزيمة الشعوب في مصر وتونس واليمن والبحرين.. وحفظ ثبات الكيان الصهيوني وضمان بقائه وإنزال الضربة بجبهة المقاومة في المنطقة.

(2)

(1) . ترجمه از سایت www.khamenei.ir : رژیمهای عربی که در معرض خشم مردمشان قرار گرفته اند، چه خصوصیاتى داشته اند؟ دین ستیزی، سرسپردگی و دست نشاندهی غرب (امریکا، انگلیس و...) همکاری با صهیونیستها و خیانت به فلسطین، دیکتاتوریهای خانوادگی و وراثتی، فقر مردم و عقب ماندگی کشور در کنار ثروتهای انبوه خانواده های حاکم، تبعیض و بی عدالتی و فقدان آزادی قانونی و پاسخگویی قانونی، از خصوصیات مشترک آنها بوده است؛ حتّی تظاهر به اسلام یا جمهوریت در برخی موارد نیز نتوانسته مردم را فریب دهد. اینها واضح ترین علایم برای شناخت ماهیت خیزش ملتّهای عرب است؛ اعم از آنها که پیروزیهای بزرگی به دست آوردند، یا آنان که ان شاء الله به دست خواهند آورد.

هر ادعای دیگری در مورد ماهیت این جنبشها که با شعار «الله أكبر» صورت گرفته، نادیده گرفتن واقعیت در جهت بهره برداری های دیگر و تحمیلها و انحرافات بعدی است. آینده ی این انقلابها با همین اصول سنجیده خواهد شد و معیار اصالت یا انحراف انقلابها همین آرمانها خواهد بود. ضد را به ضد میتوان شناخت و انقلابها را به ضدّیت با صفات رژیمهایی که به لرزه افتاده اند. انقلابیون همچنان باید مراقب هدف تراشی ها و تلاشهایی که برای تغییر شعارها صورت میگیرد، باشند. (در خطبه های نماز جمعه ی تهران).

(2) . ترجمه از سایت www.khamenei.ir : برخی رژیمهای وابسته و محافظه کار عرب نیز در کنار امریکا و ناتو، برای حفظ خود هم که شده، با تمام قوا میکوشند عقربه های زمان را متوقف کرده و انقلابهای منطقه را به عقب برگردانده، یا به ناکجاآباد بکشاند و تنها سرمایه شان برای این اثرگذاری، دلارهای نفتی است و هدف اصلی ایشان؛ شکست مردم

خیانت رژیم طاغوتی مصر به آرمانهای فلسطین

نظام طواغیت مصر کان اول حکومت عربیة خانت القضية الفلسطينية وفتح الطريق أمام التراجع العربي، حتى أن الأنظمة العربية إلا واحداً - هو سوريا - باعوا فلسطین، واتجهوا إلى مصالحة الصهيونية. إن النظام المصري البائد كان أحد نظامین عربیین هما موضع ثقة امریکا و اسرائیل. والرئيس الأمريكي المرائی الحالی اختار مصر حسنی مبارك لیوجّه رسالة الخداع والنفاق إلى المسلمین، لكن الشعب المصري فی ثورته أعلن موقفه بوضوح، وأزال الأوهام من أذهان الجميع.

إن مصر اليوم يجب أن تستعيد دورها فی الخط المقدم للدفاع عن القضية الفلسطينية، وأن تسحق بأقدامها معاهدة كمب ديفيد الخيانية وتحرقها. مصر الثورة لم تعد تستطيع أن تغدق بالطاقة والغاز على الكيان المتدهور الإسرائيلي على حساب قوت الشعب المصري ومعاناته. (1)

(مصر، تونس، یمن، لیبی، بحرین و... و حفظ ثبات و تضمین بقای رژیم صهیونیستی و ضربه به جبهه ی مقاومت در منطقه است. (در خطبه های نماز جمعه ی تهران).

(1). ترجمه از سایت: www.khamenei.ir : رژیم طاغوتی مصر، اولین حکومت عربی بود که به آرمان فلسطین خیانت کرد و راه سازش اعراب را گشود، تا آنجا که به جز یک رژیم عربی - که همان سوریه است - بقیه همگی فلسطین را فروختند و با صهیونیسم از در آشتی درآمدند. رژیم مصر، یکی از دو رژیم اصلی عربی مورد اعتماد امریکا و اسرائیل بود و رئیس جمهور ریاکار کنونی امریکا برای ارسال پیام فریب و نفاق به مسلمانان، سفر به مصر حسنی مبارك را برگزید؛ اما مردم مصر در انقلابشان نظر خود را گفتند و همه را از توهم بیرون آوردند. امروز مصر باید دوباره در صف اول دفاع از آرمان فلسطین قرار گیرد و پیمان خیانت کمپ دیوید را زیر پا بگذارد و بسوزاند. مصر انقلابی، دیگر نمیتواند انرژی و گاز رژیم رو به زوال صهیونیستی را از جیب ملت فقیر و گرفتار خود بدهد. (در خطبه های نماز جمعه ی تهران).

تبیین انسانی و اسلامی بودن مسئله ی فلسطین

برای ما مسئله ی فلسطین - همان طوری که گفتیم - یک مسئله ی انسانی و یک مسئله ی اسلامی است. مسئله ی انسانی است، برای اینکه یک مشت جنایتکار ضد بشر در این منطقه جمع شده اند و جز جنایت و تجاوز و سلطه گری و توطئه چینی علیه ملت‌ها و دولتهای انقلابی، هیچ کاری ندارند؛ امروز هم به دشمنان ما دارند کمک میکنند؛ امروز هم دارند به آن کسانی که مرزهایشان با ما مشترک است و علیه ما توطئه میچینند، کمک میکنند؛ آنها پایگاه توطئه گری امریکا علیه ایران و انقلاب ایران در این منطقه اند.

به علاوه، برادران و خواهران! مسئله ی فلسطین برای ما یک مسئله ی اسلامی است. اسلام بر ما لازم کرده است که از سرزمینهای مسلمان نشین دفاع کنیم؛ بر ما واجب کرده است که به حقوق مظلومان و ستمدیدگان و مستضعفان برسیم؛ برای ما لازم کرده است که با مال و با جان، به کمک مردمی که سی سال است فریاد میکشند «یا للمسلمین» و کسی به آنها جواب نمیدهد، بشتابیم. ملت فلسطین سی سال است دارد میگوید «یا للمسلمین»؛ کدام یک از این دولتهای عرب میتوانند ادعا کنند که به «یا للمسلمین» برادران فلسطینی جواب دادند؟

(1)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

فلسطین؛ مسئله یی اسلامی و نه فقط عربی

من میگویم مسئله فقط عربی نیست؛ مسئله ی اسلامی است. ما به نوبه ی خودمان، همان طوری که تا امروز مسئله ی اسرائیل را در صدر مسائل خارجی جمهوری اسلامی دانسته ایم، از این موضوع بسهولت نخواهیم گذشت. ما در مقابل هر گونه توسعه طلبی اسرائیل و هر کسی که به او کمک کند، مقاومت میکنیم و می ایستیم؛ دنیا هم میدانند که قدرت این ایستادگی را داریم و همه ی کشورهای مسلمانان را که آماده ی این هستند که در راه آقایی و شرف قدم بگذارند، به همکاری خودمان دعوت میکنیم. من امیدوارم با الهام از روح اسلام و قرآن، دولت‌های اسلامی و ملت‌های اسلامی به وظایف خودشان بیشتر عمل کنند. (1)

1363/6/9

احقاق حق مردم فلسطین؛ وظیفه ی همه ی ملت‌های مسلمان و باوجدان

ملت فلسطین، صاحب سرزمین فلسطین است. اداره ی سرزمین فلسطین، متعلق به فلسطینیهاست. همه ی ملت‌ها - نه فقط ملت‌های مسلمان - باید در این کار تشریک مساعی کنند. من به دولت‌های عرب برادرانه تذکر میدهم که مسئله ی اسرائیل را در چهارچوب مصالح عربی زندانی نکنند؛ این دایره را وسیع کنید. ملت‌های مسلمان، بلکه ملت‌های مصلح و باوجدان و منصف عالم، همه باید شریک بشوند برای انقاز حقوق مردم فلسطین. ملت فلسطین، يك ملت هستند یا نیستند؟ اگر ملت فلسطین يك ملتند و سرزمین فلسطین مال آنها بوده و از دست آنها با زور، با ترور، با شیوه های تروریستی، با کشتارهای دسته جمعی، با تقلب، با فشارهای تبلیغاتی و سیاسی خارج شده، باید اینها به خانه ی خودشان برگردند. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 235

مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی درجه ی يك جهان اسلام

جواب(1): ما مسئله ی دشمن صهیونیستی و مسئله ی فلسطین را مسئله ی درجه ی يك جهان اسلام به شمار می آوریم و به همین جهت هم بود که مسئله ی مقابله با صهیونیستها و توطئه های اسرائیل و حلّ قضیّه ی فلسطین در لیست مذاکرات ما با برادرمان آقای سرهنگ قذافی در رتبه ی اول قرار داشت و خوشبختانه به توافقه های باارزشی در زمینه ی مبارزه ی مشترك خودمان - یعنی ما و لیبی - در برابر اسرائیل رسیدیم.

نجات فلسطین؛ وظیفه ی همه ی مسلمانها

درباره ی مسئله ی اسرائیل، ما معتقدیم که نجات فلسطین، وظیفه ی همه ی مسلمانهاست و جز با همکاری همه و مبارزه ی مخلصانه و پیگیر، این کار عملی نخواهد شد؛ و اعتقاد ما این است که وقت تلاش برای این حرکت مهم، همین امروز است. امروز به دلایل مختلفی امریکا که بزرگ ترین حامی صهیونیستهاست، در موضع ضعف قرار دارد. ما باید از این ضعف حداکثر استفاده را بکنیم و ضربات خودمان را یکی پس از دیگری بر اسرائیل و بر پیکر سیاست استعماری امریکا در منطقه ی اسلامی وارد کنیم.(2)

1363/6/23

دلایل حساسیت مضاعف جمهوری اسلامی ایران به مسئله ی فلسطین

امریکاییها و متحدانشان و صهیونیستها موفق شدند که مسئله ی فلسطین را به صورت يك مسئله ی صرفاً تاریخی در بیاورند. بله، در تاریخ يك محلی بود به نام فلسطین، بعد هم عدّه یی از صهیونیستها يك وقتی آمدند آنجا را گرفتند، جنگهایی هم انجام گرفت، بعد هم قضایا تمام شد. نتیجه چه شد؟ از بین رفتن چیزی به نام فلسطین از نقشه ی جغرافیا. خب، این قابل تحمّل نیست. جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسئله ی فلسطین يك حساسیت مضاعف دارد. اولاً، مسئله ی فلسطین فقط به فلسطینیها مربوط نیست و فقط به عربها هم مربوط نیست؛ این يك مسئله ی اسلامی است. خوشبختانه امروز کشورهای

(1). سؤال: تصوّر شما در رابطه با دشمن صهیونیستی چیست؟ و چه راهی را می بینید برای ستیز با اسرائیل و رهایی از آن و آزاد کردن فلسطین؟

(2). مصاحبه ی رئیس جمهور در لیبی.

ص: 236

برادر ما که ما با آنها دیدار و مذاکره کردیم، با همه ی وجود به این مطلب معتقدند.

ما برای آنها شرح دادیم که پانصد میلیون مسلمانی که از ایران تا اقصا نقاط شرق دارند زندگی میکنند، اینها هیچ کدام عرب نیستند؛ اما مسئله ی فلسطین، مسئله ی اصلی اینهاست. ما که جمهوری اسلامی هستیم، امام عزیز ما از اولین روزهایی که این مبارزه در سال 1341 شروع شد، اسرائیل را به عنوان يك خطر معرّفی کرد؛ و یکی از جرایم بزرگ شاه در نظر ماها که با او مبارزه میکردیم، این بود که با اسرائیل ارتباطات حسنه داشت. همان وقتی که اسرائیل با برادران مسلمان ما می جنگید، اینها آنجا به او نفت میدادند، به او کمک مالی میکردند. پس ما از اول، مبارزه مان با بغض با اسرائیل عجین است. علاوه بر همه ی اینها، طبق احکام فقهی اسلامی ما، هر گاه دشمنان اسلام بر بخشی از سرزمین اسلامی غلبه کنند و آن را غصب و اشغال کنند، وظیفه ی دفاع از آن سرزمین و استنقاذ آن سرزمین از دست آن دشمن، يك وظیفه ی عمومی و همگانی است. (1)

1363/10/7

مسئله ی فلسطین، مربوط به همه ی جهان اسلام

شرکت فعال نماینده ی ملت ایران در آنجا - وزیر محترم خارجه و گروهی که از وزارت خارجه شرکت کردند - موجب شد که بحمدالله همه ی این توطئه ها خنثی شود؛ به علاوه، چیزهایی را هم که آنها نمیخواستند در این کنفرانس تصویب شود، در این کنفرانس، به پیشنهاد ایران تصویب شد و در قطعنامه آمد که مسئله ی فلسطین يك مسئله ی اسلامی است؛ یعنی مربوط به همه ی جهان اسلام است؛ این چیزی است که صهیونیستها از آن خیلی میترسند. صهیونیستها همیشه خواسته اند بگویند جنگ اعراب و اسرائیل، جنگ دو نژاد است؛ جنگ دو خون و دو تیره است که با همدیگر اختلاف داشتند، حالا هم دارند با هم می جنگند. خیلی دوست میداشتند که مخالفین خود و مبارزین با خودشان را در چند کشوری که دور و بر آنها هستند و

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 237

همسایه ی آنها، محصور کنند و متأسفانه موفق هم شده بودند. وقتی که فقط چند کشوری که مثل حلقه یی دور فلسطین اشغالی را گرفتند، دشمن صهیونیستها هستند و مسئله ی صهیونیستها فقط مسئله ی آنهاست، خوب، به همین وضعی که امروز دچار شده اند، دچار خواهند شد؛ مصر آن جور، اردن آن جور، لبنان به آن وضع؛ یک سوریه ی تنها میماند، و یک دست هم همیشه صدا ندارد. ما همیشه میگفتیم - در تریبونها، در اعلامیه ها، در بیانیه های عمومی - که مسئله ی فلسطین، مسئله ی دنیای اسلام است. (1)

1363/11/19

عَلت بی تفاوت نبودن جمهوری اسلامی به غضب فلسطین

ما به عنوان دولت جمهوری اسلامی، به عنوان دولتی که از اسلام الهام میگیرد، نمیتوانیم به فکر ملت فلسطین نباشیم؛ نمیتوانیم به فکر ملت لبنان نباشیم؛ نمیتوانیم در مقابل تجاوزهایی که صهیونیستها و غاصبان، امروز گستاخانه دارند انجام میدهند و متأسفانه بسیاری از رژیمهای عربی و اسماً اسلامی، خونسردانه به آنها نگاه میکنند، خونسرد بمانیم. لذا از اول، ما شعار طرفداری از ملت فلسطین و کشور فلسطین را دادیم. (2)

1364/2/27

مسئله، مسئله ی خانه دار کردن یک مشت آواره در گوشه و کنار دنیا نبود. امروز آن کسانی که دارند سیاستهای اسرائیلی و صهیونیستی را طراحي میکنند، یهودیان دنیا نیستند؛ پاره های اصلی بدنه ی استکبار جهانی هستند که دارند اسرائیل را میگردانند؛ چه از داخل، چه از خارج. مسئله، مسئله ی یهودیها نیست. یهودی در دنیا زیاد است که اسرائیل را قبول ندارد، با صهیونیسم دشمن است، با روشهای ظالمانه و قساوت آمیزی که جلادان صهیونیستی و امریکایی در لبنان و فلسطین و سوریه و در جاهای دیگر به وجود آوردند، بشدت بد است. مسئله، مسئله ی اسکان یهودیها نبود؛ اسکان یک ملت آواره نبود.

(1) 1. در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2) 2. در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 238

میتوانستند در سرزمینهای دیگر دنیا نقاطی را پیدا کنند، اینها را ببرند آنجا اسکان بدهند. اگر دلشان خیلی میسوخت، میتوانستند منطقه ی کوچکی در اروپا درست کنند، یهودیها را آنجا جمع کنند.

این دولت را از لحاظ تکنولوژی و پیشرفتهای صنعتی در حد پیشرفته ترین کشورهای دنیا ساختند، نیروی انسانی متخصص خودشان را در اختیارش گذاشتند، پولشان را در اختیارش گذاشتند، سلاحشان را در اختیارش گذاشتند؛ یعنی در حقیقت يك استانی از استکبار جهانی غرب به نام اسرائیل در وسط ملت‌های عربی و اسلامی به وجود آوردند و يك ملت را آواره کردند. مسئله ی فلسطین، يك چنین مسئله یی است؛ لذاست که مسئله ی فلسطین، برخلاف تصوّر بسیاری از گویندگان و نویسندگان و زمامداران کشورهای عربی، يك مسئله ی صرفاً ملی یا ناسیونالیستی عربی نیست؛ يك مسئله ی اسلامی است.

مسئله ی فلسطین؛ مسأله یی اسلامی، نه يك مسئله ی ناسیونالیستی عربی

اشتباه عربها همین بود که مسئله ی فلسطین را يك مسئله ی عربی قلمداد کردند؛ آن هم يك عربی محدود، که فقط يك عدّه حق دارند درباره ی آن اظهار نظر کنند؛ دست کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی و قدرتهای اسلامی را کوتاه کردند، گفتند نه، مسئله ی فلسطین به ما مربوط است. امروز چنین حالتی به وجود آورده اند؛ در حالی که میتوانستند از کمک ملت‌ها استفاده کنند؛ میتوانستند از فشار ملت‌ها بر استکبار جهانی استفاده کنند. این، سوء سیاست بعضی و خیانت بعضی دیگر است. (1)

1367/2/23

اگر ملت‌های مسلمان دیگر به همین نکته توجه کنند که ملت ایران به آن توجه کردند - که این نکته را عرض خواهم کرد - مطمئناً مسئله ی قدس شریف و فلسطین اشغالی، این گره کوری که امروز در نظر دنیا يك زخم کهنه ی غیرقابل علاج تلقی میشود، حل خواهد شد. آن نکته این است که ما قضیه ی فلسطین را يك قضیه ی خصوصی يك ملت

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 239

ندانیم؛ حتی يك قضیه ی سرزمینی و منطقه یی ندانیم؛ آن را يك قضیه ی اسلامی بدانیم. اگر مسئله فقط مسئله ی يك ملت بود، خوب، درست است که ما از ملت‌های مظلوم حمایت میکنیم، لیکن يك چنین انگیزه ی عظیمی که امروز در میان مردم ما نسبت به مسئله ی فلسطین مشاهده میشود، در آن صورت وجود نمیداشت. اگر ملت‌های دیگر به این قضیه توجه کنند و حقیقتاً به مثابه ی يك موضوع مهم اسلامی که همه ی مسلمین نسبت به آن تکلیف دارند، به این قضیه نگاه کنند، این قضیه به صورت لاینحلی که امروز تلقی شده، دیگر وجود نخواهد داشت و مطمئناً قضیه حل خواهد شد. (1)

1369/8/2

مسئولیت تمام مسلمین عالم نسبت به قضیه ی فلسطین

مسئله ی فلسطین، فقط متعلق به عربها و همسایه های فلسطین نیست؛ تمام مسلمین عالم در هر جای دنیا که هستند، نسبت به قضیه ی فلسطین باید احساس مسئولیت کنند. کسانی که در داخل و یا از خارج، واقعاً با حکومت غاصب صهیونیستی می جنگند - نه مدعیان آزادی خواهی که دستشان در دست امریکا و دشمنان اسلام است - باید از طرف ملت و دولت ما و ملت‌ها و دولت‌های مسلمانان دیگر، با پول و سلاح و تبلیغات کمک بشوند. هر طوری که امروز ممکن است، باید کمک بشوند. ما چون خودمان با فلسطین همسایه نیستیم، تا مبارزه ی رویارویی با اشغالگران بکنیم، و دیگرانی که یا همسایه نیستند، یا به هر دلیلی توانایی اش را ندارند، باید مبارزان را تجهیز کنند. این، يك وظیفه ی شرعی و حتمی برای همه ی مسلمانان است. تا این وظیفه انجام نگیرد، مسئله ی فلسطین حل نخواهد شد؛ و اگر انجام بگیرد، قطعاً صهیونیستها و پشتیبانان‌شان شکست خواهند خورد. (2)

1369/9/13

فلسطین؛ مهمترین مسئله ی جهان اسلام

میتوان گفت که این جلسه، مهم ترین مسئله ی جهان اسلام را در دستور کار خود قرار داده است. تحقیقاً امروز در زندگی مسلمین و در

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار عمومی.

ص: 240

آفاق اسلامی، هیچ مسئله‌ای به اهمیت و خطورت مسئله‌ی فلسطین نیست. بیش از چهل سال است که بتدریج مسلمین را با غصب بخشی از خانه‌ی خودشان عادت داده‌اند. فقط غصب خانه‌ی مسلمین نیست، بلکه قضیه‌ی بالاتر از این است. مسئله، این است که دشمنان جهانی اسلام، بخشی از خانه‌ی مسلمین را برای حمله به صفوف مسلمین و برای مبارزه با خواسته‌ها و حرکات آنها، سنگر قرار داده‌اند. (1)

1378/10/10

مسئله‌ی فلسطین؛ مسئله‌ی دنیای اسلام و تکلیف اسلامی

بنده از زمان ریاست جمهوری خودم این چالش را با بعضی از این کشورهای عربی داشتم. حرفی را مطرح کردم، اما دولتهای این کشورها میگفتند ما از فلسطینیها که فلسطینی تر نیستیم! هرچه خود آنها بخواهند، باید انجام شود. البته آن وقت مذاکرات سازش به این شکل مطرح نبود؛ اما نشانه‌های سازش پیدا بود. اولاً، مسئله‌ی فلسطین، يك مسئله‌ی دنیای اسلام است. غیر از جنبه‌های سیاسی و امنیتی و اقتصادی، مسئله‌ی تکلیف الهی و اسلامی است. بالاتر از همه، مسئله‌ی خدایی است؛ اما اگر کسی به خدا هم اعتقادی نداشته باشد و بخواهد فقط برای مردم فلسطین کار کند، باید ببیند آحاد مردم فلسطین چه میگویند. امروز ملت فلسطین همانهایی هستند که دستگیر شده‌هایشان در زندانهای دولت غاصب هستند و ده‌ها برابر آنها در خیابانها و در مسجداً اقصی و در بازارها و در سرتاسر سرزمین غصب شده شعار میدهند و عملیات میکنند. يك اقلیت کوچک تطمیع شده که رفتند سازش کردند، ملت فلسطین نیستند که ما بگوییم ما از فلسطینیها فلسطینی تر نیستیم. در همان سیزده، چهارده سال پیش، من یادم هست یکی از دولتهای عرب - حالا نمیخواهم اسم بیاورم - که آن روز نشان نمیداد يك دولت رو به فساد است - چون سوابق انقلابی داشت - این حرف را زد. بنده همان وقت استشمام کردم اینها انحراف پیدا میکنند؛ بعد هم انحرافشان آشکارتر شد. (2)

(1). در دیدار شرکت کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین.

(2). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در روز جهانی قدس.

ص: 241

فلسطین؛ مسئله ی اوّل جهان اسلام

امروز مسئله ی فلسطین، مسئله ی اوّل جهان اسلام است. امروز همه ی امت اسلامی، بخصوص کشورهای نزدیک تر - مثل ملت و کشور ما - باید به این نکته توجه کنند که هم صهیونیستهای حاکم بر فلسطین و غاصب فلسطین و هم پشتیبانان آنها، سعی میکنند ماجراهای داخل فلسطین را مسئله ی داخلی دولت غاصب اسرائیل وانمود کنند، که به هیچ وجه این گونه نیست. اگر در داخل فلسطین یک نفر هم قیام نمیکرد، به خاطر خود مسئله ی فلسطین، دنیای اسلام، خصم صهیونیستها و حامیانشان بود؛ حال که دیگر مردم فلسطین هم قیام کرده اند و خودشان آگاهانه وارد میدان شده اند.

فلسطین از دو نظر مسئله ی دنیای اسلام است:

تبیین علل اسلامی بودن مسئله ی فلسطین

یکی از نظر اینکه فلسطین قطعه یی از خاک اسلامی است. در بین همه ی مذاهب رایج اسلامی، هیچ اختلافی نیست و فقها همه بر این اتفاق دارند که اگر قطعه یی از خاک اسلامی به وسیله ی دشمنان اسلام جدا شد و حاکمیت دشمنان اسلام بر آن قطعه به وجود آمد، همه باید وظیفه ی خودشان را مجاهدت و تلاش برای برگرداندن آن قطعه به سرزمین اسلامی بدانند؛ لذا ملتهای مسلمان در هر جای دنیا که هستند، این را وظیفه ی خودشان میدانند. البته خیلی ها نمیتوانند اقدامی بکنند؛ اما هرکسی بتواند و هر طوری که بتواند، باید اقدام کند و اقدام میکند. برای همین هم هست که شما ملا-حظه میکنید همه ی دنیای اسلام از روز قدسی که امام بزرگوار در جمعه ی آخر ماه رمضان هر سال معین کردند - که جمعه ی آینده است - استقبال میکنند و شما امسال خواهید دید که به فضل الهی و با توفیق پروردگار، روز قدس از هر سال، پُرشورتر و کوبنده تر در همه ی دنیای اسلام برگزار خواهد شد.

جهت دوم این است که اساساً تشکیل دولت یهودی - یا به تعبیر درست تر، دولت صهیونیست - در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدف بلندمدت استکباری به وجود آمد. اصلاً به وجود آوردن این دولت در این نقطه ی حسّاس که تقریباً قلب دنیای اسلام است - یعنی

قسمت غرب اسلامی را که آفریقا است، به قسمت شرق اسلامی که همین خاورمیانه و آسیا و مشرق است، متصل میکند و یک سه راهی است بین آسیا و آفریقا و اروپا - برای این بود که در بلندمدت، تداوم سلطه ی استعمارگران آن روز - که در رأسشان دولت انگلیس بود - بر دنیای اسلام باقی بماند و این طور نباشد که اگر یک وقت دولت اسلامی مقتدری - مثل دورانهایی از حکومت عثمانی - به وجود آمد، بتواند جلوی نفوذ استعمارگران و انگلیس و فرانسه و دیگران را در این منطقه بگیرد؛ لذا یک پایگاه برای خودشان درست کردند. بنابراین، طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آنجا، بیش از آنچه که آرزوی مردم یهود باشد، یک خواست استعماری دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان، بسیاری از یهودیها اعتقادشان این بود که احتیاجی به این دولت نیست؛ این دولت به نفعشان نیست؛ لذا گریزان بودند. بنابراین، این یک آرزو و ایده ی یهودی نبود؛ بیشتر یک ایده ی استعماری و یک ایده ی انگلیسی بود. البته بعد که به وسیله ی امریکا گوی سیاست دنیا و گوی استکبار از دست انگلیس رفته شد، این هم جزو همان ابواب جمع مواریث استعماری بود که به امریکا رسید و امریکاییها حداکثر استفاده را کردند و الان هم استفاده میکنند.

بنابراین نجات فلسطین و محو دولت غاصب صهیونیستی، مسئله یی است که با مصالح ملت‌های این منطقه - از جمله با مصالح کشور عزیز ما ایران - سرو کار دارد. کسانی که از روز اول انقلاب، یکی از برنامه ها را مقابله و معارضة با نفوذ و اقتدار صهیونیستها قرار دادند، با محاسبه این کار را کردند. این برنامه، طبق مصالح کشور و مصالح عمومی جمهوری اسلامی و مردم ایران انتخاب شده است. در کشورهای دیگر نیز همین طور است. همه ی روشنفکران کشورهای اسلامی، همه ی سیاستمداران آزاداندیش، همه ی آنهایی که دستشان در

حنای استکباری امریکا رنگ نگرفته است، معتقدند که باید با اسرائیل مقابله کرد؛ یعنی این را جزو مصالح کشورشان میدانند. (1)

1380/9/25

وابستگی مسئله ی فلسطین به سرنوشت غیر فلسطینیها در سرتاسر دنیای اسلام

مسئله ی فلسطین، شوخی و سرسری نیست. امروز اساسی ترین مسئله ی دنیای اسلام است و به سرنوشت غیر فلسطینیها در سرتاسر دنیای اسلام بستگی دارد. مسئولان کشورهای اسلامی خیال نکنند که اگر مردم فلسطین را در چنگال خونریز دشمنانشان رها کردند، اسرائیل پس از بلعیدن و هضم کردن آنها - که البته چنین چیزی هرگز پیش نخواهد آمد - دولتهای مسلمان را راحت خواهد گذاشت. البته ملت فلسطین قوی و نیرومند است؛ این را نشان داده است. ملت فلسطین نشان داد که قدرت مقاومت دارد و انگیزه ها در او عمیق است و بلاشک دندانهای مهاجم خونریز سفاک را خواهد شکست؛ و تا امروز هم با مقاومت و پایداری خود، مشکل عظیم و لاینحلی را برای دولت جعلی و غاصب صهیونیستی به وجود آورده است که در طول پنجاه سال اخیر برای این دولت پیش نیامده بود. فشاری که صهیونیستها و پشتیبانان آنها بر مردم فلسطین - این مردم مظلوم و به ستوه آمده - وارد میکنند، به خاطر این است که حرکت و قیام آنها در چرخ و پَر دستگاه استکبار و استعمار، چنان قلوبه سنگی انداخته است که همه ی محاسبات را به هم زده است. البته دنیای اسلام به این مسئله باید با چشم جدّ نگاه کند؛ آن را از نظر دور ندارد؛ وظیفه ی خود را در قبال آن بشناسد و به آن عمل کند. آنگاه کار با روش صحیح، دنبال و ان شاء الله افق روشن خواهد شد. (2)

1381/3/9

امروز مسئله ی فلسطین يك زخم دردناك و عمیق در پیکر جامعه ی اسلامی است. آیه یی که تلاوت کردند، درباره ی نبی مکرّم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر.

ص: 244

مسئله ی فلسطین مایه ی غم و آزار پیامبر اکرم (ص)

میفرماید: عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ (1)؛ رنج شما برای او سخت و دشوار است؛ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ. (2) امروز رنج دنیای اسلام - که برجسته ترین بخش آن، مسئله ی فلسطین است - قلب مقدس پیغمبر را می آزارد؛ «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ». با وضعی که امروز ملت فلسطین دارد، روح مقدس پیغمبر در عوالم بالای آفرینش الهی مملو از غم میشود. راه علاج چیست؟ تلاش و مجاهدت است.

موقفیت فلسطین؛ موقفیت همه ی دنیای اسلام

امروز مسئله ی فلسطین، مسئله ی دنیای اسلام است. چه ما مسلمانان کشورهای اسلامی بدانیم و چه ندانیم، چه بفهمیم و چه نفهمیم، سرنوشت فلسطین، سرنوشت همه ی ماست. اگر فلسطین در این صحنه ی رویارویی شجاعانه یی که امروز برای خود به وجود آورده است، موفق شود، موقفیت همه ی دنیای اسلام است؛ اما هرچه رنج آن ملت ادامه پیدا کند، مایه ی ذلت روزافزون دنیای اسلام است. دنیای اسلام باید به معنای واقعی کلمه، این مسئله را مسئله ی خود بداند.

ارتباط مستقیم فلسطین به سرنوشت کشورهای اسلامی

درست است که همه ی ما وظیفه ی شرعی داریم و اسلام بر ما واجب کرده است به مردم فلسطین کمک کنیم، اما حرف من امروز فراتر از وظیفه ی شرعی است. میگویم امروز هر حادثه یی که در فلسطین رخ دهد و این قضیه به هر جا منتهی شود، به طور مستقیم به سرنوشت کشورهای اسلامی - چه آنهایی که نزدیکند و چه آنهایی که دورند - مربوط است و بر آنها هم اثر میگذارد. امروز ملتهای مسلمان برای فلسطین هر کار بکنند، برای خود و به نفع خود کرده اند. وقتی با نقشه ی استعمار بریتانیا و کمک دنیای استکبار، این قطعه ی خونین از پیکره ی دنیای اسلام جدا شد، آن روز نظرشان فقط فتح همین قطعه نبود؛ آن روز هم نظر استعمارگران تسلط بر کل منطقه - که قلب دنیای اسلام است - بود. بنابراین، امروز همه ی ما وظیفه داریم. (3)

(1). سوره ی توبه، آیه ی 128؛ ترجمه: «رنجهای شما بر او (پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) سخت است».

(2). سوره ی توبه، آیه ی 128؛ ترجمه: «(پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤف و مهربان است.

(3). در جمع مسئولان در سالروز ولادت فرخنده ی نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام جعفر صادق (علیه السلام).

مسئله ی فلسطین مهم ترین مسئله ی دنیای اسلام

مسئله ی فلسطین، مهم ترین مسئله ی دنیای اسلام است. هیچ مسئله ی بین المللی یی در دنیای اسلام از این بالاتر نیست؛ چون تسلط غاصبان سرزمین فلسطین و قدس بر این بخش از پیکر امت اسلامی، منشأ بسیاری از ضعفها و دشواریها در دنیای اسلام است. (1)

1384/4/27

فلسطین؛ مسئله ی محوری دنیای اسلام

مسئله ی دیگری که به نظر ما دولت جدید عراق در شرایط جدید این کشور باید به آن توجه داشته باشد، مسئله ی فلسطین است. فلسطین همچنان مسئله ی محوری دنیای اسلام است.

تلاش آمریکاییها در حذف مسئله ی اساسی فلسطین

امریکاییها میخواهند این مسئله را از صورت مسائل اساسی دنیای اسلام حذف کنند؛ لیکن چنین چیزی را نخواهند توانست انجام بدهند و این مسئله، مسئله ی محوری و اساسی دنیای اسلام خواهد ماند. خوب است که عراق در کنار ملت فلسطین و با شعار ملت فلسطین، تمیز و تشخیص خود را در دنیای اسلام نشان دهد. (2)

1385/8/2

فلسطین؛ مسئله ی اول بین المللی دنیای اسلام

امروز مسئله ی اول بین المللی دنیای اسلام، مسئله ی فلسطین است. البته مسئله ی عراق، مسئله ی لبنان و مسئله ی افغانستان، مسائل دنیای اسلام است؛ همه هم مهم است؛ در همه ی اینها هم که نگاه میکنیم، دست خاطی و گنهکار استکبار جهانی و امریکا و صهیونیسم را داریم می بینیم. وظیفه هم روشن است. ملتها و دولتهای مسلمان باید به فکر بازگشت به هویت خود باشند و قدرت پیدا کنند تا به آنها زور نگویند. امروز در منطقه ی خاورمیانه، برای قدرت امریکا، مصلحت برتر عبارت است از مصلحت صهیونیستها و اسرائیل. بعضی از دولتهای عرب و مسلمان هم با امریکا روابط خوب و نزدیکی دارند؛ اما مصالح آنها در درجه ی اول نیست. در مقابل مصلحت اسرائیل،

(1). در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (رحمه الله).

(2). در دیدار نخست وزیر عراق.

مصلحت آنها اصلاً ملاحظه نمیشود. این را همه باید بفهمند و به آن توجه کنند. (1)

1386/11/19

مصیبت غزه؛ متعلق به همه ی ملتها

در زمینه ی مسائل دنیای اسلام هم به نظر ما امروز مسئله ی فلسطین و مصیبت غزه، يك مسئله ی عمومی است؛ مخصوص همان مردمی که در آنجا ساکن هستند، نیست. این مسئله، مال دنیای اسلام است؛ مال همه ی خاورمیانه است؛ به يك معنا مسئله متعلق به همه ی ملتهاست. (2)

1387/12/14

انتقاد از عربی دانستن مسئله ی فلسطین

گاهی شنیده میشود که کسانی میگویند: فلسطین يك مسئله ی عربی است. این سخن به چه معنی است؟ اگر مقصود آن است که عرب، احساسات خویشاوندانه تری دارد و مایل است خدمت و مجاهدت بیشتری تقدیم کند، این چیز پسندیده بی است و ما به آن تبریک میگوییم. ولی اگر معنی این سخن آن است که سران برخی کشورهای عربی به ندای یا للمسلمین مردم فلسطین کمترین توجهی نکنند و در قضیه ی مهمی مانند فاجعه ی غزه با دشمن غاصب و ظالم همکاری کنند و بر سر دیگران که ندای وظیفه، آرامشان نمیگذارد، فریاد بکشند که شما چرا به غزه کمک میکنید، در این صورت هیچ مسلمانی و هیچ عرب غیور و باوجدانی این سخن را نمیپذیرد و گوینده ی آن را از سرزنش و تقییح معاف نمیسازد. این همان منطق اخزم است که پدر خود را کتک میزد و اگر کسی دخالت میکرد، بر سر او فریاد میکشید؛ پس از او هم پسرش آن پدر بزرگ را به باد مشت و کتک میگرفت و این در زبان عربی مثل شد که:

انّ بنی رملونی بالدم *** شَنِئْتُهُ اَعْرِفُهَا مِنْ اَحْزَم

کمک همه جانبه به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان، واجب کفایی بر همه ی مسلمانان است. دولتهایی که به جمهوری اسلامی

(1). در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر.

(2). در دیدار جمعی از پرسنل و فرماندهان نیروی هوایی ارتش.

ص: 247

ایران و برخی دیگر از کشورهای مسلمان به خاطر کمک به فلسطین خرده میگیرند، خود متحمل این کمک و حمایت شوند تا تکلیف اسلامی از دیگران ساقط شود، و اگر همت و توان و شجاعت آن را ندارند، بهتر است به جای خرده گیری و کارشکنی، قدرشناسی اقدامات مسئولانه و شجاعانه ی دیگران باشند. (1)

1389/3/11

فلسطین؛ مهم ترین مسئله ی حقوق بشری جهان معاصر

وجدانهای بیدار در سراسر جهان باید جداً بیندیشند که بشریت امروز با چه پدیده ی خطرناکی در منطقه ی حساس خاورمیانه روبرو است؟ چه رژیم سفاک و گستاخ و دیوانه یی امروز بر کشور غصب شده ی فلسطین و مردم مظلوم و داغ دیده ی آن تحکم میکند؛ سه سال محاصره ی غذایی و دارویی و حیاتی یک ونیم میلیون زن و مرد و کودک در غزه، به چه معنی است؛ کشتار و حبس و شکنجه ی روزانه ی جوانان در غزه و ساحل غربی چگونه قابل فهم است.

فلسطین، دیگر نه مسئله یی عربی و حتی نه فقط مسئله یی اسلامی، بلکه مهمترین مسئله ی حقوق بشری جهان معاصر است. (2)

1389/6/19

مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی اول دنیای اسلام

مسئله ی فلسطین، همچنان مسئله ی اول دنیای اسلام است. جنایات در غزه همچنان ادامه دارد. جنایات در کرانه ی غربی رود اردن همچنان ادامه دارد. رژیم صهیونیستی با کمال وقاحت و پرویی، ظلم و ستم خود را بر مردم مظلوم فلسطین ادامه میدهد، آن وقت آنجا در واشنگتن جلسه ی کنفرانس صلح میگذارند! صلح با کی؟! میخواهند قضایای فلسطین را، جنایات دشمنان ملت فلسطین را سرپوش بگذارند، با این مذاکراتی که اسمش را گذاشته اند «مذاکرات صلح»!

غاصبی آمده است خانه ی یک ملت را غصب کرده است، به این اکتفا نکرده؛ از هر نوع امکانی برای سرکوب این ملت استفاده میکند، اینها هم با کمال بی اعتنایی - دنیای غرب، امریکا و دیگران - نشسته اند

(1). در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین.

(2). پیام در پی جنایت دریایی رژیم صهیونیستی در حمله به کاروان دریایی آزادی غزه.

ص: 248

دارند تماشا میکنند، متجاوز و ظالم و سرکوبگر را تشویق هم میکنند، آن وقت جلسه میگذارند برای صلح! کدام صلح؟! چه صلحی؟! بین کی و کی؟! آن وقیحهای ستمگر صهیونیست هم با کمال پررویی در مقابل فلسطینیها می ایستند، میگویند بایستی یهودی سازی را شما قبول کنید. جنایت بزرگ آنها این است که میخواهند یهودی سازی کنند. قدس شریف را، قبله ی مسلمانان را، فلسطین عزیز را، به عنوان یهودی سازی، مرکز ظلم و ستم و توطئه ی خودشان قرار بدهند. این مسئله ی اصلی ماست. (1)

1390/7/9

فلسطین؛ مسئله ی اوّل در میان موضوعات مشترك کشورهای اسلامی

در میان همه ی موضوعاتی که شایسته است نخبگان دینی و سیاسی از سراسر جهان اسلام به آن پردازند، مسئله ی فلسطین دارای برجستگی ویژه یی است. فلسطین، مسئله ی اوّل در میان همه ی موضوعات مشترك کشورهای اسلامی است. مشخصات منحصر به فردی در این مسئله وجود دارد:

اوّل اینکه يك کشور مسلمان از ملت آن، غصب و به بیگانگانی که از کشورهای گوناگون گردآوری شده و جامعه ی جعلی و موزائیکی تشکیل داده اند، سپرده شده است.

دوم اینکه این حادثه ی بی سابقه در تاریخ، با کشتار و جنایت و ظلم و اهانت مستمر انجام گرفته است.

سوم آنکه قبله ی اوّل مسلمانان و بسیاری از مراکز محترم دینی که در این کشور قرار دارد، به تخریب و توهین و زوال تهدید شده است.

تبیین خصوصیات منحصر به فرد مسئله ی فلسطین

چهارم آنکه این دولت و جامعه ی جعلی در حسّاس ترین نقطه ی جهان اسلام، از آغاز تاکنون، نقش يك پایگاه نظامی و امنیتی و سیاسی را برای دولتهای استکباری بازی کرده و محور غرب استعماری که به علل گوناگون، دشمن اتحاد و اعتلا و پیشرفت کشورهای اسلامی است، از آن همواره چون خنجری در پهلوئی امت اسلامی استفاده کرده است.

(1). در خطبه های نماز عید سعید فطر.

ص: 249

پنجم آنکه صهیونیسم که خطر اخلاقی و سیاسی و اقتصادی بزرگی برای جامعه ی بشری است، این جای پا را وسیله یی و نقطه ی اتکایی برای گسترش نفوذ و سلطه ی خود در جهان قرار داده است.

نکات دیگری را هم میتوان بر اینها افزود: هزینه ی مالی و انسانی سنگینی که کشورهای اسلامی تاکنون پرداخته اند؛ اشتغال ذهنی دولتها و ملت‌های مسلمان؛ رنج میلیون‌ها آواره ی فلسطینی، که بسیاری از آنان پس از شش دهه هنوز در اردوگاه‌ها زندگی میکنند؛ انقطاع تاریخ يك كانون مهم تمدنی در جهان اسلام و الی غیر ذلك.

امروزه بر این دلایل، يك نکته ی کلیدی و اساسی دیگر افزوده شده است و آن، نهضت بیداری اسلامی است که سراسر منطقه را فرا گرفته و فصل تازه و تعیین کننده یی در سرگذشت امت اسلامی گشوده است. این حرکت عظیم که بی گمان میتواند به ایجاد يك مجموعه ی مقتدر و پیشرفته و منسجم اسلامی در این نقطه ی حسّاس جهان منتهی شود و به حول و قوه ی الهی و با عزم پیاپی این نهضت، نقطه ی پایان بر دوران عقب ماندگی و ضعف و حقارت ملت‌های مسلمان بگذارد، بخش مهمی از نیرو و حماسه ی خود را از قضیه ی فلسطین گرفته است.

ظلم و زورگویی روزافزون رژیم صهیونیستی و همراهی برخی حکام مستبد و فاسد و مزدور امریکا با آن از يك سو، و سر برآوردن مقاومت جانانه ی فلسطینی و لبنانی و پیروزیهای معجزه آسای جوانان مؤمن در جنگهای سی و سه روزه ی لبنان و بیست و دو روزه ی غزه از سوی دیگر، از جمله ی عوامل مهمی بودند که اقیانوس بظاهر آرام ملت‌های مصر و تونس و لیبی و دیگر کشورهای منطقه را به تلاطم درآوردند.

این يك واقعیت است که رژیم سرپا مسلح صهیونیست و مدّعی شکست ناپذیری، در لبنان در جنگی نابرابر، از مشت گره شده ی مجاهدان مؤمن و دلاور، شکست سخت و ذلتباری خورد؛ و پس از آن، در برابر مقاومت مظلومانه و پولادین غزه، بار دیگر شمشیر گند خود را آزمود و ناکام ماند.

اینها باید در تحلیل اوضاع کنونی منطقه مورد ملاحظه ی جدی قرار گیرد و درستی هر تصمیمی که گرفته میشود، با آن سنجیده شود.

پس این، قضاوت دقیقی است که مسئله ی فلسطین، امروز اهمّیت و فوریت مضاعف یافته است و ملت فلسطین حق دارد که در اوضاع کنونی منطقه، انتظار بیشتری از کشورهای مسلمان داشته باشد. (1)

(1). در کنفرانس حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 251

سیاست امریکا در منطقه این شد که مسئله ی اسرائیل را به بوته ی فراموشی بسپارد؛ یعنی کاری کنند که قضیه ی اسرائیل از حالت يك حقّ غصب شده و يك قضیه ی پرانگیزه و پرداعیه خارج شود و به صورت يك خاطره ی تاریخی در بیاید؛ که خب، گاهی هم از آن اسمی آورده شود، ذکری بشود؛ اما به دنبال آن، کار و تلاش و مجاهدتی نباشد. امریکا این سیاست را در ظرف چهارده سال اخیر - یعنی از سال 1973 تا حالا - به طور مستمر اعمال کرده.

ماجرای ننگین کمپ دیوید؛ اولین گام توطئه ی فراموشی مسئله ی فلسطین

اولین کاری که توانستند بکنند، ماجرای ننگین کمپ دیوید بود، که رفتند رئیس جمهور آن روز مصر، این بدبخت روسیاه را با مذاکرات طولانی، با وعده و وعیدهای مختلف، با تهدیدها، با تطمیع ها، با شگردها و اهرمهایی که در اختیارشان هست، خام کردند و آماده کردند که قرارداد صلح با اسرائیل را از طرف بین الاسمین - یعنی بین خودش و اسرائیل، بدون ملاحظه ی دیگر جهات قضیه، یعنی سوریه و فلسطینیها و اینها - امضا کند. سادات که به این کار اقدام کرد، در حقیقت ته دلش از مرتجعین عرب راحت بود؛ میدانست که دولتهای ارتجاعی عرب درست است که اسم فلسطین را می آورند و شعار میدهند، اما ته دلشان از ساخت و پاخت با اسرائیل ناراضی نیستند. حدس او هم درست بود. دیدیم که بعد از گذشت چند سال از

قضیه‌ی کمپ دیوید، مرتجعین عرب بالاخره باطن و جوهر خودشان را آشکار کردند. البته آنها ابتدای انعقاد قرارداد کمپ دیوید یک هیاهویی کردند و اکثر دولتهای عرب رابطه‌شان را با مصر تقریباً قطع کردند؛ یعنی او را از جامعه‌ی عرب اخراج کردند و دیگر به کنفرانسهای خودشان راه ندادند؛ اما بعد از گذشت چند سال، مجدداً در کنفرانس امان تقریباً همه‌ی بافته‌های خودشان را پنبه کردند و همه‌ی آن حرفهایی که زده بودند، عملاً تکذیب کردند؛ بنابراین حرف انور سادات که فکر میکرد دولتهای عربی با کار او مخالفت واقعی ندارند، درست است.

بعد از آنکه مسئله‌ی کمپ دیوید را انجام دادند، که این مانع بسیار بزرگی بود که از سر راه برداشته شد و از قبح مسئله‌ی سازش با اسرائیل به میزان زیادی کاسته شد، باز شروع کردند این فعالیتها را ادامه دادن؛ که در این مرحله‌ی دوم، نقش حسن دوم - پادشاه مراکش - بسیار نقش بارزی بود. او به خاطر به دست آوردن دل امریکاییها و استفاده‌ها و سودهایی که برایش وجود داشت، بر خلاف همه‌ی شعارهای عربی بی‌که قبلاً همه‌شان میدادند، با اسرائیل روابط برقرار کرد؛ رفت و آمدهای سیاسی را شروع کرد و حرفهایی زد و موضوع شناسایی اسرائیل را مطرح کرد. همچنین در کنفرانس سران عرب طرح شناسایی اسرائیل و تقسیم فلسطین مطرح میشد، که آن طرح مورد تأییدشان قرار گرفت. همان وقت امام عزیزمان در مقابل این حرکت بسیار زبونانه موضع‌گیری بسیار تندی کردند. بعد هم که شاه حسین مشغول تلاشها و فعالیتهای پنهانی و نیمه پنهان و آشکار خودش شد، و خلاصه وضع را به جایی رساندند که اسرائیل احساس کرد دیگر از ناحیه‌ی کشورهای خط مقدم جبهه هیچ ترسی نباید داشته باشد؛ چون اگرچه سوریه در مقابل اسرائیل هنوز ایستاده، اما تنهاست؛ مصر نیست که از پشت حمله کند و سوریه از این طرف؛ اردن نیست که تقریباً یک محاصره‌ی کاملی اطراف اسرائیل باشد - مثل جنگ سال 1967 یا 1973 - بنابراین خیال اسرائیل آسوده شد.

در کنار این کارهای سیاسی، اسرائیل یک حمله‌ی تند نظامی را هم در لبنان انجام داد؛ چون میدانست که وقتی جای پا محکم شد، باید قدم

بعد را برداشت؛ و این سیاست اسرائیل بوده از روز اول. اسرائیل اول هدفهای توسعه طلبانه ی خودش را صریحاً اعلام نمیکرد؛ حرکتی انجام میداد، يك قدم برمیداشت؛ وقتی خوب زیر پایش محکم میشد، قدم بعدی را بلافاصله برمیداشت و به هیچ حدی هم قانع نبود؛ الان هم قانع نیست. این شعار «از نیل تا فرات» که صهیونیستها پنجاه، شصت سال قبل از این سر دادند، در نظر آنها به قوت خودش باقی است؛ حرکت نظامی لبنان را هم انجام دادند، که این مکمل نقشه و توطئه ی بسیار خباثت آلود صهیونیستها و پشت سرشان امریکاییهاست. اگر نهضت اسلامی و مقاومت اسلامی نبود، مسئله ی فلسطین برای همیشه فراموش شده بود. (1)

1376/6/26

پاك کردن اسم فلسطین از تاریخ و حافظه ی مردم؛ سیاست امریکا و اسرائیل

امروز سردمداران رژیم اشغالگر که کشور اسلامی فلسطین را اشغال کرده اند و حامیان امریکایی شان که به اعتقاد من بسیار سفاهت آمیز و بی قید و شرط از آنها حمایت میکنند - بالاخره در عالم دیپلماسی و در عالم سیاست، طرفداری دولتی از دولت یا از کسانی، نظایر دارد؛ اما دولتی مثل امریکا، این طور در خدمت اهداف ریز و درشت دولت صهیونیستی قرار گیرد، واقعاً صحنه ی تماشایی عجیبی است! - سعی شان این است که اسم فلسطین را از تاریخ و از حافظه ی مردم پاك کنند، تا اصلاً چیزی به نام فلسطین در ذهن مردم باقی نماند. آیا تا به حال توانسته اند؟ از آن سالی که فلسطین اشغالی در سال هزار و نهصد و چهل و هفت، چهل و هشت تصرف کامل شد و دولت صهیونیستی بر سر کار آمد، تا امروز درست پنجاه سال است. آیا در این پنجاه سال توانسته اند این کار را بکنند؟ نه. تا پنجاه سال دیگر، تا صد سال دیگر هم نخواهند توانست. اینها نخواهند توانست نام فلسطین را محو کنند؛ خودشان از صحنه ی روزگار و بلکه از حافظه ی تاریخ محو خواهند شد، اما فلسطین و ملت فلسطین خواهد ماند. اینها خواب خوش دیدند؛ خیال میکنند که فلسطین و ملت فلسطین از بین خواهد رفت. نخیر؛ ملت فلسطین خواهد ماند، فلسطین هم خواهد

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

مانند، پرچم فلسطین هم به فضل الهی و به همت جوانان مسلمان فلسطین و لبنان به اهتزاز در خواهد آمد. (1)

1377/2/12

فراموشی مسئله ی فلسطین؛ سیاست امریکا و صهیونیستها

هر مجموعه از مجموعه های انسانی که دو شرط داشته باشد، پیروزی اش مسلم است: یکی اینکه در راه حق باشد؛ دوم اینکه در این راه جهاد کند. مادامی که جهاد هست، هیچ تدبیر، حيله، سیاست و حربه یی نمیتواند بر اینها غلبه کند. البته جهاد، انواعی دارد و در شرایط شما در سرزمین اشغالی فلسطین، همین که کسی بایستد و بگوید «من معتقد به فلسطینم» این، جهاد است؛ چون سیاست امریکا و صهیونیستها و دنیای طرفدار صهیونیستها این است که مسئله ی فلسطین را به فراموشی بسپارند. بنابراین، به عکس باید این قضیه را زنده کرد. (2)

1377/8/8

محو فلسطین از روی نقشه ی عالم؛ خواسته ی صهیونیستها

آنها خواستند که نقشه ی فلسطین را از روی نقشه ی عالم محو کنند؛ آنها خواستند اسم فلسطین را به فراموشی بسپارند؛ آنها خواستند ملت فلسطین را در داخل ملتهای دیگر حلّ و هضم کنند و از بین ببرند، تا چیزی به نام فلسطین باقی نماند. آنچه اتفاق افتاده است، درست بر عکس اینهاست. (3)

1377/9/23

هدف بسیار مهمّ امریکا؛ حذف مسئله ی فلسطین از مسائل دنیای اسلام و خاورمیانه

امروز در مسائل جهانی، برای امریکا دو نقطه ی بسیار حسّاس وجود دارد. یکی از آن دو نقطه، عبارت است از مقابله ی با اسلام با تمرکز بر روی ایران اسلامی و نظام جمهوری اسلامی. يك نقطه ی دیگر، مسئله ی فلسطین است که امروز آن را ملاحظه میکنید.

دستگاه های امریکا و رئیس جمهور امریکا تلاش خودشان را بر روی این گذاشته اند که مسئله ی فلسطین را از صورت مسائل دنیای اسلام

(1). در دیدار فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

(2). در دیدار شیخ احمد یاسین، رهبر حماس.

(3). در خطبه های هزارمین نماز جمعه ی تهران.

و خاورمیانه بکلی حذف کنند و اصلاً مسئله یی به نام فلسطین و آرمان فلسطین و نهضت فلسطین، دیگر باقی نماند. این، یکی از اهداف بسیار مهم آنهاست. برای این، مسافرت میکنند، حرکت میکنند، تلاش میکنند. آدمهای ضعیف النفس و خیانت پیشه و حقیر هم که در بین فلسطینیها هستند - مثل همه ی ملت‌های دیگر که آدمهای این طوری دارند و متأسفانه جوامع بشری در بیشتر ادوار تاریخ، گرفتار انسانهای حقیر و مرعوبند - تسلیم شده اند و آمده اند «منشور ملی فلسطین» را جلوشان گذاشته اند؛ هر جا که مبارزه با صهیونیستها و اشغالگران و آدمکشان مردم فلسطین و جنایتکاران نسبت به فلسطین هست، میخواهند آن را حذف کنند و حذف کردند!

حال چنانچه آن را از روی کاغذ حذف کنند، مگر ممکن است انگیزه ی دفاع از کشور فلسطین و ملت فلسطین و هویت فلسطینی از دل فلسطینیها برود؟! چهار نفر در اتاقهای در بسته بنشینند و متن کاغذی را عوض کنند! مگر تا به حال که جوانان مسلمان، در انتفاضه ی فلسطین، در داخل اراضی فلسطین، یا در کشور لبنان؛ به خاطر خدا، به خاطر مسئولیت الهی - که دفاع از سرزمین اسلامی بر یکایک آحاد مردم مسلمان واجب است - جان خودشان را به خطر می انداختند، به خاطر «منشور فلسطین» این کارها را میکرده اند که حالا اگر شما منشور به اصطلاح ملی فلسطین را دستکاری کردید، آنها دست بردارند؟! مبارزات فلسطینیها علیه صهیونیستها و علیه حامی صهیونیستها - یعنی امریکا - بلاشک از امروز ضعیف تر که نخواهد شد؛ شاید شدیدتر هم بشود. (1)

1377/10/18

روز قدس؛ تیری به قلب توطئه ی فراموشی قدس

روز قدس، از روزهای بسیار مهم و تعیین کننده است. سالهای متمادی است که سعی میشود مسئله ی قدس فراموش شود. روز قدس، درست تیری است به قلب این توطئه؛ حرکتی است برای خنثی کردن این توطئه ی خباث آمیزی که استکبار و صهیونیسم و طرفداران

(1). در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه ی ماه مبارک رمضان.

ص: 256

و همکارانشان دست به یکی کرده اند تا بکلی مسئله ی فلسطین را به دست فراموشی بسپارند.

روز قدس را بزرگ بدارید. این روز، مخصوص ملت ایران هم نیست؛ در خیلی از نقاط عالم، مردم مؤمن و پرشور، با محدودیتهایی که در کشورهای خود دارند - چون حکومتها خیلی جاها اجازه نمیدهند - روز قدس را گرامی میدارند. به هر حال جمعیهتهایی که میتوانند، این کار را میکنند. ان شاء الله امیدواریم امسال هم در مقابل توطئه های ناجوانمردانه بی که علیه ملت فلسطین شده است، روز قدس بتواند مشت محکمی به دهان دشمنان ملت فلسطین و دشمنان دنیای اسلام بزند. (1)

1378/7/18

سعی اسرائیلیها بر انکار ملت فلسطین

اسرائیلیها به نکته ی بسیار مهمی توجه دارند و آن نکته، ملت فلسطین است. لذا شما می بینید که سعی شان بر انکار ملت فلسطین است. این کاری هم که با «عرفات» کردند، در واقع میخواهند ملت فلسطین را از بین ببرند؛ یعنی به چیز بی خاصیتی منحصر کنند؛ چون در تصور اسرائیلیها، عرفات برای آنها خطری نداشت که بخواهند به او چیزی بدهند. عرفات که حماس نبود؛ عرفات که جهاد و حزب الله نبود؛ عرفات، تمام شده بود.

ترفند رژیم صهیونیستی برای انکار هویت ملت فلسطین

این امتیاز - همین سه چهار درصد از کل سرزمین فلسطین که الان به حسب ظاهر میخواهند به او بدهند - در واقع برای این است که ملت فلسطین را به این مجموعه بی که در این چند درصد کوچک وجود دارد، معنا کنند و بگویند که این، ملت فلسطین است؛ یعنی ملت فلسطین را انکار کنند! این، الان هم جزو سیاستهای اسرائیل در همه ی تبلیغات و در همه ی کار سیاسی آنها و دیگرانی است که با آنها همراهند و انجام میگیرد که اصلاً هویت فلسطین را انکار کنند! این نشان دهنده ی چیست؟ نشان دهنده ی این است که الان بُرنده ترین خنجری که به پهلوی [فلسطینیها می‌رود، هویت فلسطینی است! (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار آقای سید حسن نصرالله به اتفاق جمعی از برادران حزب الله لبنان.

ص: 257

مذاکرات به اصطلاح صلح؛ توطئه بی در راستای فراموشی فلسطین

یکی از مسائلی که امروز مطرح میشود، برای اینکه قضیه ی فلسطین به دست فراموشی سپرده شود و از طرح آن در افکار عمومی امت اسلامی جلوگیری کند، همین مذاکرات به اصطلاح صلحی است که بین گروهی از فلسطینیها - یعنی همین عرفات و دارودسته ی او - با اسرائیلیها در جریان است؛ یعنی قضیه ی سازش و حکومت به اصطلاح خودمختار فلسطینی و از این حرفها. این هم یکی از آن زشت ترین فریبها و ترفندهای اسرائیلیهاست که متأسفانه عده یی از مسلمانان و عده یی از خود فلسطینیها به دام آن افتاده اند.

روز جهانی قدس؛ تدبیر امام (رحمه الله) در مقابل توطئه ی فراموشی

امروز ملت ایران کاری که میتواند بکند، که از همه ی کارها هم مهمتر است، تظاهرات - مثل همین تظاهرات امروز - است. این کار بسیار مهمی است. از هدفهای اینها این است که نام فلسطین را به دست فراموشی بسپارند؛ کاری کنند که اصلاً فراموش شود که چنین چیزی وجود داشت؛ اما شما نمیگذارید، روز قدس نمیگذارید، امام بزرگوار ما با تدبیر خودش نگذاشت. این کار بزرگی بود. (1)

1379/5/1

شکست استکبار در توطئه ی فراموشی؛ نتیجه ی سست نشدن مجاهدین فلسطین

نباید در آن مجموعه یی که شعار جهاد فلسطین را میدهند، کمترین سستی حس شود. اگر احساس سستی نشود، به اعتقاد بنده، همه ی کوششهای استکبار در راه به فراموشی سپردن مسئله ی فلسطین، شکست خواهد خورد. امروز تیت استکبار و شیطان بزرگ امریکا، این است که چیزی به نام مسئله ی فلسطین و ملت فلسطین و نقشه ی فلسطین، در خاطره ها باقی نماند؛ ولی مطمئن باشید که نمیتوانند. این ملت را که در خارج وجود دارد، چه کارش میخواهند بکنند؟ این چند میلیون فلسطینی که در لبنان و جاهای دیگر زندگی میکند، اینها کی اند؟ اینها فلسطینی نیستند؟! خوب؛ پس فلسطین کجاست؟ مگر میشود يك ملت را از خاطره ی بشریت محو کرد؟! (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز جهانی قدس.

(2). در دیدار دکتر رمضان عبدالله، رئیس جنبش جهاد اسلامی فلسطین.

ص: 258

فراموشی نام و یاد فلسطین؛ خواسته ی اشغالگران

اولین مطلبی که در خطبه ی دوم باید عرض کنم، سپاس فراوان از ملت ایران به خاطر راهپیمایی روز قدس است. حقیقتاً باید گفت: درود بر ملت ایران! عظمت ملی خود را، عظمت جایگاه اسلامی خود را، عزت خود را به دنیا نشان دادید. نقش این راهپیماییها بسیار زیاد است. استعمارگران از وقتی فلسطین را اشغال کردند، هدفشان این بود که نام و یاد فلسطین را به فراموشی بسپارند؛ اصلاً مردم دنیا و نسلهای بعدی فراموش کنند که روزی یک سرزمینی در دنیا بوده است، یک کشوری بوده است به اسم فلسطین؛ هدفشان این بود. بعد که نتوانستند و این قیام عظیم ملت فلسطین - چه در انتفاضه ی اول و چه در انتفاضه ی مسجدالاقصی - بار دیگر این شعله را در دنیا برافروخته کرد و دلهای ملتها و آحاد مردم و منصفان عالم را به خود متوجه کرد، راه علاج را این دانستند که مجموعه ی عرب فلسطینی را در گوشه یی از این سرزمین، در واقع زندانی کنند؛ محصور کنند و کشور آباد پر نعمت فلسطین و منطقه ی حسّاس فلسطین را به طور خالص در اختیار صهیونیستها و با هویت صهیونیستی نگه دارند و عربها را به طرف غزه و ساحل غربی برانند. (1)

(1). در خطبه های نماز عید سعید فطر.

ص: 259

همین امید و همین نشاط و همین تحرّک و همین اتّحاد و یکپارچگی و دست به دست هم دادن خواهد بود که يك روزی به فضل الهی این غده ی سرطانی را از جسم منطقه خارج کند و جراحی کند. (1363/2/21)

بخش چهارم: جراحی غده ی سرطانی

اشاره

فصل اوّل: وظیفه ی شرعی مسلمانان در برابر اشغال فلسطین

فصل دوم: حذف اسرائیل از نقشه ی جغرافیایی جهان

فصل سوم: ایستادگی و مبارزه

فصل چهارم: بیداری اسلامی

فصل پنجم: وحدت کلمه

ص: 261

1359/5/17

وجوب دفاع از سرزمینهای مسلمان نشین

برادران و خواهران! مسئله ی فلسطین، برای ما يك مسئله ی اسلامی است. اسلام بر ما لازم کرده است که از سرزمینهای مسلمان نشین دفاع کنیم؛ بر ما واجب کرده است که به حقوق مظلومان و ستمدیدگان و مستضعفان برسیم؛ برای ما لازم کرده است که با مال و جان، به کمک مردمی که سی سال است فریاد میکشند «یا للمسلمین» و کسی به آنها جواب نمیدهد، بشتابیم. ملت فلسطین سی سال است دارد میگوید «یا للمسلمین»؛ کدام يك از این دولتهای عرب میتوانند ادعا کنند که به «یا للمسلمین» برادران فلسطینی جواب دادند؟ (1)

1361/1/8

دفاع از سرزمین اسلامی؛ دستور اسلام

اسلام به ما دستور میدهد که هرگاه نقطه یی از نقاط مسلمین مورد تهاجم دشمن قرار گرفت، ما باید دفاع کنیم؛ و امروز نمونه ی بارز و واضح حکم اسلامی، سرزمین عزیز فلسطین و کشور قبله ی اولی مسلمین است، که سالهاست در اختیار دشمنان اسلام و مسلمین قرار دارد. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در مصاحبه با مجله ی پاسدار اسلام.

ص: 263

وظیفه ی شرعی در قبال اشغال فلسطین

طبق احکام فقهی اسلامی ما، هرگاه دشمنان اسلام بر بخشی از سرزمین اسلام غلبه کنند و آن را غصب کنند، وظیفه ی دفاع از آن سرزمین و استنقاذ آن سرزمین از دست آن دشمن، يك وظیفه ی عمومی و همگانی است. (1)

1368/2/8

مسئله ی فلسطین؛ مسئله یی اعتقادی

از نظر ما، هدف مبارزه ی صادقانه و واقعی در فلسطین عبارت است از بازگرداندن این قطعه ی کنده شده از پیکر اسلام به پیکر اسلام؛ یعنی نابودی دولت غاصب اسرائیل و ایجاد يك دولت در تمام سرزمین فلسطین از خود فلسطینیها. این راه ماست، این حرف ماست، این شعار ماست؛ پایش هم ایستاده ایم و معتقدیم که این مسئله، يك مسئله ی اعتقادی است. ما این را تأکید میکنیم؛ مسئله ی فلسطین برای ما نه يك مسئله ی تاکتیکی است؛ حتّی يك مسئله ی صرفاً سیاسی استراتژیکی هم نیست؛ يك مسئله ی اعتقادی است. بر همه ی مسلمین واجب است که برای برگرداندن وطن اسلامی از دست غیر مسلمین و دشمنان اسلام به مسلمین، جهاد کنند. ما هم جزو مسلمین هستیم؛ بنابراین وظیفه ی ماست و ان شاءالله این کار را خواهیم کرد. (2)

1369/8/2

عدم اختلاف میان فقهای اسلام در مبارزه با اشغالگران و اخراج آنها

يك مطلب را امروز در نظر گرفته ام که به شما عرض کنم. این مطلب، جزو مسائل ملّت و نظام جمهوری اسلامی است و آن، مسئله ی بیت المقدّس شریف و ملّت مظلوم فلسطین است. مگر ما میتوانیم از این مسئله غافل بشویم، یا آن را به دست فراموشی بسپاریم؟ خصوصیت نظام اسلامی همین است که تصمیم گیری آن، بر اساس عقیده و تکلیف الهی است. هیچ کدام از فقهای اسلام، تردید و اختلافی ندارند که آن وقتی که دشمن بر سرزمین مسلمانان مسلط شد

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

و کیان اسلامی را در کشوری تهدید کرد، وظیفه ی همه ی آحاد مسلمین است که در يك جهاد بزرگ و همه گیر، با آن دشمن مبارزه کنند؛ او را از آن سرزمین اسلامی اخراج کنند و مجازات و تنبیه نمایند. آیا صهیونیسم خبیث خطرناک جنایتکار و دشمن اسلام و مسلمین، متجاوز است یا نیست؟ آیا سرزمین فلسطین، خانه و قبله ی مسلمین است یا نیست؟

امروز، چهل و اندی سال است که خبیث ترین دشمنان اسلام و انسانیت - یعنی همین صهیونیستهای غدار و مکار - بر بخشی از وجود ما، بر بخشی از خانه و سرزمین ما تسلط پیدا کرده اند. وظیفه ی ما چیست؟ وظیفه ی مسلمانان چیست؟ وظیفه ی ملت‌های دیگر اسلامی در قبال فلسطین چیست؟ آیا وظیفه سکوت است؟! آف بر آن سران کشورهای وابسته و خائن که برای دور روز بیشتر حکومت کردن و جلب محبت امریکا و قدرتهای بزرگ، از وظیفه یی با این عظمت، صرف نظر می کنند. ملت اسلام باید بیدار باشد و این وظیفه را فراموش نکند.

(1)

1369/9/13

و جوب عینی جهاد دفاعی در قضیه ی غضب فلسطین

حکم اسلامی این قضیه، واضح است. احدی از مسلمین، درباره ی حکم منطبق بر قضیه ی فلسطین، تردیدی ندارد. این، همان مسئله یی است که در تمام کتب فقهی - که بحث جهاد در آن مطرح شده - آمده است. اگر کفار بیایند و بلد مسلمین را تصرف یا احاطه کنند، هیچ يك از فقهای مسلمین - قدیم و جدید - در وجوب عینی جهاد در این مورد، تردید نکرده است. همه ی مذاهب اسلامی، در این معنا هم عقیده هستند. جهاد ابتدایی، واجب کفایی است؛ اما در غیر این مورد. جهاد دفاعی که اظهر مصادیق دفاع هم هست، واجب عینی است.

مسئله یی با این وضوح و با این اهمیّت، امروز در دنیای اسلام، مثل يك مسئله ی درجه ی دو مورد توجه قرار میگیرد. البته گناه اول، به

(1). در دیدار عمومی.

ص: 265

عاهده ی رؤسای مسلمین است. اگر زعمای مسلمین و رؤسای کشورهای اسلامی، متحداً و جدّاً بر استتقاز فلسطین تصمیم بگیرند، خواهند توانست. (1)

1378/10/10

آنچه که امروز حرف و مسئله ی ماست، این است: مسئله ی فلسطین از لحاظ اسلامی برای همه ی مسلمانان - از جمله برای ما - يك مسئله ی اساسی و يك فریضه است. همه ی علمای شیعه، سنی، گذشته و قدما، تصریح دارند که اگر بخشی از میهن اسلامی در تصرف دشمنان اسلام قرار گرفت، اینجا وظیفه ی همه است که دفاع کنند، تا بتوانند سرزمینهای غصب شده را برگردانند.

دفاع از سرزمین اسلام و مردم مسلمان؛ وظیفه ی همگانی مسلمین

هرکس هرطور میتواند، به هر کیفیتی که میتواند، در قبال مسئله ی فلسطین وظیفه دارد. اولاً، از جهت اسلامی وظیفه دارد. زمین، زمین اسلامی است؛ در تصرف دشمنان اسلام است و باید برگردانده شود. ثانیاً، هشت میلیون مسلمان، بعضی آواره اند و بعضی در داخل سرزمینهای اشغالی وضعشان از آواره بدتر است؛ نه جرأت دارند رفت و آمد معمولی خودشان را بکنند؛ نه اجازه دارند حرف خودشان را بزنند؛ نه اجازه دارند نماینده یی در اداره ی کشور خودشان داشته باشند؛ در موارد زیادی جلوی نماز خواندنشان هم گرفته میشود. مسجدالاقصی را که قبله ی مسلمانان است، تهدید کردند؛ در سالها پیش يك روز آن را آتش زدند؛ بعد هم که به اصطلاح به حفاری آنجا پرداخته اند و کارهای خلاف انجام میدهند و میخواهند اصلاً مسجدالاقصی - قبله ی مسلمانان - را از شکل اسلامی خارج کنند. از جنبه ی اسلامی، همه ی اینها برای مسلمان وظیفه آور است. هیچ مسلمانی نمیتواند شانه ی خودش را از زیر بار این وظیفه خالی کند. هر مقدار که میتواند، باید به وظیفه اش عمل کند. (2)

(1). در دیدار شرکت کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز جهانی قدس.

ص: 266

عدم اختلاف بین مذاهب رایج اسلامی در آزادی سرزمین اسلامی

فلسطین از دو نظر مسئله ی دنیای اسلام است: یکی از نظر اینکه فلسطین قطعه یی از خاک اسلامی است. در بین همه ی مذاهب رایج اسلامی، هیچ اختلافی نیست و فقها همه بر این اتفاق دارند که اگر قطعه یی از خاک اسلامی به وسیله ی دشمنان اسلام جدا شد و حاکمیت دشمنان اسلام بر آن قطعه به وجود آمد، همه باید وظیفه ی خودشان را مجاهدت و تلاش برای برگرداندن آن قطعه به سرزمین اسلامی بدانند. لذا ملت‌های مسلمان، در هر جای دنیا که هستند، این را وظیفه ی خودشان میدانند؛ البته خیلی ها نمیتوانند اقدامی بکنند؛ اما هرکسی بتواند و هر طوری که بتواند، باید اقدام کند و اقدام میکند. (1)

1388/12/13

وجوب دفاع از فلسطین بر همه ی مسلمانان همه ی مذاهب اسلامی

در همین ماجرای فلسطین، بین دنیای اسلام ایجاد اختلاف میکنند؛ دولتها را در مقابل هم قرار میدهند. مسئله ی فلسطین، مسئله ی روشنی است. هیچ مذهبی از مذاهب اسلامی تردید ندارد که آن وقتی که سرزمین اسلام، سرزمین مسلمین، مورد تعرض قرار گرفت، مورد تجاوز قرار گرفت، دفاع بر همه ی مسلمانان واجب است. همه ی مذاهب اسلامی در این متفق اند؛ این محلّ اختلاف نیست. این مسئله ی متفق علیه را محلّ تردید قرار میدهند، مسلمانها را شقّه شقّه و دسته دسته میکنند، تعصّبات مذهبی و طائفی را در دلها زیاد میکنند، آتش آن را برافروخته میکنند، برای اینکه خودشان براحتی مشغول باشند. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام صادق (علیه السلام).

ص: 267

1359/5/17

ضرورت و امکان حذف اسرائیل از نقشه ی جغرافیایی جهان

مسئله ی قدس و مسئله ی فلسطین را جدی بگیرد. بیت المقدس، این شهر با عظمتی که حرم امن پیامبران خدا بوده است، قبله ی نخستین مسلمانان بوده است، در زیر سلطه ی اشغالگران صهیونی و در اختیار غاصبان ضد بشر است. بیت المقدس باید آزاد شود. سرزمین فلسطین باید آزاد شود و به مردم خودش برگردد. نگویند شما چطور میتوانید يك کشور را از روی نقشه ی جغرافیا بردارید؛ نگویند چگونه میتوان دولتی را که سی سال است مورد حمایت ابرقدرتهاست، از بین برد؛ اراده ی انسان و عزم ناشی از ایمان، همه ی مشکلات را آسان میکند، همه ی معجزه ها را امکان پذیر میکند. (1)

1361/4/19

محو دوباره ی اسرائیل، در گرو ایمان و انگیزه ی اسلامی

عربها و مسلمانها فقط به يك شرط خواهند توانست بر اسرائیل پیروز شوند؛ با اتکا به خدا و با ایمان به اسلام و با انگیزه ی اسلامی که دارند. اگر این کار انجام بگیرد، والله دوباره اسرائیل را محو خواهند کرد. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). تفسیر سوره ی حشر.

ص: 268

محو اسرائیل؛ شعار جمهوری اسلامی و ملت ایران

جمهوری اسلامی ایران و ملت مبارز ایران، در راه مبارزه ی با استکبار امریکایی و صهیونیسم بین الملل، تا آخر، يك لحظه از پای نخواهند ایستاد و با دولتها و شخصیتها و افرادی که با صهیونیستهای غاصب بسازند، آشتی نخواهند کرد. ما پنهان نمیکنیم، تقیه نمیکنیم؛ آشکارا میگوییم که شعار ما درباره ی اسرائیل، آن حرفی است که امام ما زده است. امام فرمودند: اسرائیل باید از بین برود. این، شعار ماست. پروردگارا! ما را در این راه، مصمم و ثابت قدم بدار. (1)

1363/2/21

لزوم جراحی غده ی سرطانی رژیم صهیونیستی از جسم منطقه

از هر طرف که نگاه میکنیم، مسئله ی اسرائیل يك مسئله ی اساسی برای ملت های مسلمان - و نه فقط ملت های عرب - به حساب می آید. البته ما پیش بینی میکنیم که به فضل پروردگار، حرکت انقلابی ملت مسلمان ما و حضور فعالی که ما در صحنه ی سیاست جهانی داشتیم، ضربات مداومی را بر سیاست صهیونیستی امریکا در منطقه وارد خواهد آورد و همین حرکات، به امید و نشاط هرچه بیشتر ملت های مسلمان در منطقه منتهی خواهد شد و همین امید و همین نشاط و همین تحرک و همین اتحاد و یکپارچگی و دست به دست هم دادن خواهد بود که يك روزی به فضل الهی این غده ی سرطانی را از جسم منطقه خارج و جراحی کند. شماها میدانید، همه ی دنیا هم بدانند که برای ما شعار مبارزه با صهیونیستها و بازگرداندن قدس شریف و کشور مسلمان فلسطین به آغوش جهان اسلام، يك شعار تاکتیکی نیست، يك شعار موقت نیست؛ يك مسئله ی اصلی و اساسی است.

از بیست سال قبل که تازه نهضت اسلامی ما شروع شده بود، آن وقتی که هنوز خیلی ها در خود این مملکت شك داشتند که آیا این نهضت امکان ادامه پیدا خواهد کرد یا نه، امام عزیز و بزرگوار ما از قدس، از فلسطین اشغالی، از خطر صهیونیسم و از خطر دخالت سیاست های

(1). در خطبه های نماز عید قربان.

ص: 269

صهیونیستی در کشورهای منطقه، از جمله کشور خود ما، حقایق را بیان میکرد، که فهمیدن آن حقایق در همان روزها برای خیلی ها مشکل بود. (1)

1363/11/19

توهم وجود کشوری به نام اسرائیل روی نقشه ی جغرافیا

تبلیغات جهانی کاری کرده که فلسطین به عنوان يك کشور، دیگر شناخته نمیشود؛ فقط به عنوان يك نهضت شناخته میشود؛ این خیانت است. يك عده غاصب آمدند رژیم را نژادپرستانه بر کشور فلسطین مسلط کردند، تحمیل کردند؛ اسم آن رژیم را گذاشتند اسرائیل. ما میگوییم کشوری به نام اسرائیل در روی نقشه ی جغرافیا نداریم؛ آنی که هست، فلسطین است؛ مال مسلمانهاست. (2)

1364/10/26

موجودیت نامشروع اسرائیل از دیدگاه جمهوری اسلامی

آقای رئیس جمهور! رژیم صهیونیستی و اشغالگر قدس و دشمن اسلام و عرب با هدف ایجاد تفرقه و تشنج و فتنه و جلوگیری از رشد نهضت‌های آزادیبخش به وجود آمده است و عمر ننگینش با پشتیبانی شیطانی و امپریالیستی بین المللی استمرار یافته و اکنون نیز با حمایت کامل آنان، توطئه های حامیان خویش را در منطقه به مورد اجرا میگذارد و به تجاوزات و توسعه طلبی های خود روزه روز می افزاید. دیدگاه ما در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسئله ی رژیم صهیونیستی، محدود به وضعیت رقت آور میلیونها آواره ی فلسطینی نیست؛ بلکه این پدیده را در مقیاس تجاوزاتش به حقوق انسانها و پشتیبانیهای شیطانی از آن مینگریم. لذا مبارزه با آن را نیز محدود به یافتن مأوا برای فلسطینیان و یا اجبار به عقب نشینی آنان به مرزهای سالهای چند و چند نمیدانیم، بلکه موجودیت اسرائیل از دیدگاه جمهوری اسلامی مورد سؤال است و بنابراین، معتقد به حل ریشه یی مسئله ی رژیم صهیونیستی میباشیم. (3)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(3). در تانزانيا.

ص: 270

نابودی دولت غاصب؛ هدف مبارزه ی واقعی در فلسطین

از نظر ما، هدف مبارزه ی صادقانه و واقعی در فلسطین عبارت است از بازگرداندن این قطعه ی کنده شده از پیکر اسلام به پیکر اسلام؛ یعنی نابودی دولت غاصب اسرائیل و ایجاد یک دولت در تمام سرزمین فلسطین از خود فلسطینیها. این راه ماست، این حرف ماست، این شعار ماست؛ پایش هم ایستاده ایم و معتقدیم که این مسئله، یک مسئله ی اعتقادی است. ما این را تأکید میکنیم؛ مسئله ی فلسطین برای ما نه یک مسئله ی تاکتیکی است، حتی یک مسئله ی صرفاً سیاسی استراتژیکی هم نیست؛ یک مسئله ی اعتقادی است. بر همه ی مسلمین واجب است که برای برگرداندن وطن اسلامی از دست غیر مسلمین و دشمنان اسلام به مسلمین، جهاد کنند. ما هم جزو مسلمین هستیم؛ بنابراین وظیفه ی ماست و ان شاءالله این کار را خواهیم کرد. (1)

1368/4/14

قلع غده ی سرطانی اسرائیل؛ علاج زخم فلسطین

ما علاج مسئله ی فلسطین را در راه حلهای دیکته شده ی ابرقدرتها نمیدانیم؛ علاج زخم فلسطین، فقط قلع غده ی سرطانی حکومت صهیونیستی است، و این کاملاً ممکن است. مسلمانان در حج باید به این مسئله اندیشیده، برای آن متعهد شده و هماهنگ، شعار و عمل را در راه آن به کار برند. ملت ایران مانند همیشه خود را در کنار مبارزان فلسطینی میداند و بدون پیروزی در قضیه ی فلسطین، پیروزی خود را ناقص میشمرد. (2)

1369/4/7

لزوم عمومی شدن شعار محو غده ی سرطانی اسرائیل در حج

حجاج بیت الله الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم در خانه ی خدا گرد می آیند، بکوشند تا با طرح مصائب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان - که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه ی جهانی

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). پیام به حجاج بیت الله الحرام.

ص: 271

است - و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) سازند.

شعار محو غده ی سرطانی اسرائیل که از سوی امام عظیم الشان و قائد کبیر اسلام، امام خمینی «رضوان الله علیه» مطرح شد، علی رغم میل سازشکاران سیاست باز، باید با قوت و شدت مطرح شود و به صدای عمومی مسلمین در حج تبدیل گردد. (1)

1369/9/13

استنقاد فلسطین؛ یعنی محو دولت اسرائیل

در مسئله ی فلسطین، آنچه که هدف است، استنقاد فلسطین است؛ یعنی محو دولت اسرائیل. فرقی بین سرزمینهای قبل از سال 67 و بعد از آن نیست. هر يك وجب از خاک فلسطین، يك وجب از خانه ی مسلمین است. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت مردم فلسطین و حاکمیت مسلمین بر کشور فلسطین، حاکمیت غاصب است. حرف، همانی است که امام راحل عظیم الشان فرمود: «اسرائیل بایستی محو بشود». یهودیهای فلسطین، اگر دولت اسلامی را قبول میکنند، در آنجا زندگی کنند. بحث، بحث یهودی ستیزی نیست. مسئله، مسئله ی غصب خانه ی مسلمین است. رؤسا و زعمای مسلمین، اگر تحت تأثیر قدرتهای جهانی قرار نداشتند، میتوانند این مهم را انجام بدهند؛ ولی متأسفانه نکردند. (2)

1370/5/9

محال نبودن از بین رفتن اسرائیل

موضع ما در مقابل اسرائیل، همان موضع همیشگی است. اسرائیل در منطقه، يك غده ی بدخیم سرطانی است که باید قطع شود و ریشه کن گردد. بر خلاف تصوّر ظاهرینان که به پشتیبانی ابرقدرت امریکا از اسرائیل نگاه میکنند و این کار را محال میدانند، این کار محال نیست؛ این شدنی است و خواهد شد. ابرقدرتها جاودانه نیستند. قدرتهای مادی، يك روز هستند و يك روز نیستند. دیروز قدرتی به نام اتحاد جماهیر شوروی در دنیا به عنوان ابرقدرت بود، اما امروز نیست. این صحنه ی تجربه ی تاریخ، پیش چشم ماست. (3)

(1). پیام به حجّاج بیت الله الحرام.

(2). در دیدار شرکت کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین.

(3). در ستاد مشترك ارتش جمهوری اسلامی ایران.

ص: 272

از بین رفتن دولت غاصب؛ راه حلّ مسئله ی فلسطین

امروز قضیه را به صورت يك قضیه ی ساده مطرح میکنند. آن طرف قضیه امریکاست که میگوید بیاید با صهیونیستها، با این دزدها، با این قاتلها، با این کسانی که چهل سال است ملت فلسطین را شکنجه میدهند و نسبت به همه ی دنیای اسلام سمپاشی و خیانت میکنند و از پشت خنجر میزنند و همه یا بیشتر مشکلات دنیای اسلام ناشی از اینهاست؛ بنشینید، مذاکره کنید و امضا نمایید که بیت المقدس و سرزمین فلسطین و جولان متعلق به صهیونیستها باشد!

امریکا در این قضیه چه کاره است؟ دولت امریکا به چه مناسبت به خود حق

میدهد در قضیه یی که متعلق به این ملت و این منطقه است، به صورت يك متولی، يك صاحب اختیار و يك قلدر وارد بشود و به این و آن دیکته بکند که چه کار باید بکنید؟! به شما چه؟ شما در قاره ی امریکا دست اندازی و تجاوز کردید، بی اجازه وارد شدید و آدم کشتید؛ آیا بستان نیست؟! در این منطقه ی خاورمیانه، دل یکایک آحاد مردم هوشیار و آگاه این ملتها، پُر از بغض و عداوت نسبت به شماست؛ باز نزدیک بیاید و به گمان خودتان بخواهید مسئله ی فلسطین را حل کنید! آیا راه حل این است؟! حلّ مسئله ی فلسطین به این است که دولت غاصب متلاشی بشود و از بین برود؛ صاحبان سرزمین بیایند و در آنجا حکومت تشکیل بدهند؛ و مسلمان و مسیحی و یهودی و هر چه هستند، با هم زندگی کنند. (1)

1370/7/25

راه حلّ مسئله ی فلسطین؛ تشکیل دولت در تمام سرزمین فلسطین

به هر تقدیر، مسئله ی فلسطین يك راه حل بیشتر ندارد و آن، تشکیل دولتی فلسطینی در تمامی سرزمین فلسطین است. (2)

- (1) . در دیدار گروه زیادی از آزادگان، در اولین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور.
- (2) . پیام به ملت‌های مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه های خباثت آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید.

ص: 273

نابودی حتمی شجره ی خبیثه ی صهیونیسیم

نباید شك كرد كه این شجره ی خبیثه یی كه أُجِشَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ، (1) هیچ پایه و پایگاه و استمراری نخواهد داشت و بی شك نابود خواهد شد، و شك نباید كرد كه حق پیروز خواهد شد و فلسطین به پیکر اسلامی برخوردار گشت؛ اما دیر و زود شدن آن، بسته به همت و غیرت مسلمین است. مسلمین بایستی همت کنند؛ جوانان بایستی مسئله را رها نکنند؛ مثل ملت سرفراز و شجاع ایران حرفشان را بزنند؛ آنچه را كه میخواهند، مطالبه کنند؛ بلاشك خدای متعال هم به آنها تفضل خواهد كرد. (2)

1371/7/13

ضرورت اعتقاد به زوال اسرائیل

يك نکته در قضیه ی فلسطین وجود دارد و آن این است كه دنیای استكبار سعی دارد وانمود كند كه این قضیه تمام شده؛ فلسطین از دست رفته و دولت صهیونیست، يك دولت بومی و غیر قابل تغییر است. همه ی قضیه این است كه ما بفهمیم و بفهمانیم كه این، يك دروغ است. قضیه ی فلسطین، اگر ما مسلمانان و فلسطینیها بخواهیم، تمام نشده و فلسطین از دست نرفته است. سعی دشمن این است كه نور امید را در دل ما از بین ببرد. خیانت مصلحین دیروز و دلّالهای سیاسی امروز، در این قضیه به استكبار كمك كرد و گویا نشان داد كه تجربه ی فلسطین این است. باید تلاش كنیم كه نشان داده شود قضیه ی فلسطین يك قضیه ی زنده است؛ یعنی ما باید به وسیله ی كار تبلیغاتی و كار عملی، به توده های مسلمان در همه جا ثابت كنیم روزی متصوّر است كه به جای این دولت صهیونیست، يك دولت فلسطینی مسلمان بر سر كار بیاید. بر این اساس است كه ما - یعنی جمهوری اسلامی - اعلام كردیم در قضیه ی فلسطین، اعتقادمان این است كه دولت صهیونیستی باید از بین برود و زایل شود. پس، اول قدم این

(1). سوره ی ابراهیم، آیه ی 26. ترجمه: «(همچنین خداوند) كلمه ی خبیثه (و سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده كه از روی زمین برکنده شده، و قرار و ثباتی ندارد.»

(2). در دیدار گروه زیادی از دانشجویان و دانش آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استكبار).

است که وقتی ما خودمان می‌خواهیم جلوی صف را داشته باشیم، باید اعتقاد پیدا کنیم که چنین چیزی ممکن است. اگر عقیده نداشته باشیم، نخواهد شد؛ اما وعده‌ی الهی و تجربه‌ی تاریخ می‌گوید که میشود.

اینکه چهل و چند سال از تشکیل دولت صهیونیستی می‌گذرد، حقیقت امر را عوض نمی‌کند. بعد از هفتاد سال هم ممکن است که یک قدرت به ظاهر مستقر، بکلی نابود شود. آیا شما این تجربه را امروز در دنیا ندیدید؟ آیا خدای متعالی، بهتر از این به ما مردم این زمان اثبات میکند که مبارزه اثر دارد؟ آیا همه‌ی دنیا سعی نکردند که این راه را یک امر زایل شده و مربوط به زمان به سرآمده وانمود کنند؟ آیا خدای متعال با تشکیل این نظام اسلامی بر دهن آنها نزد؟ از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی، دائم تبلیغات میکنند و می‌گویند «مرتجع، متحجر، عقب افتاده، واپسگر!» این دولت هم روزه روز قوی تر و ریشه دارتر میشود و در دنیا حسن نام خودش را منتشر میکند. اینها آیات الهی است. معنای این حرفها این است که اگر برای خدا حرکت کردیم، پیروز خواهیم شد. اینها مصداق همین آیات کریمه‌ی قرآن است:

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ (1)؛ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (2). قضیه این است. باید به مردم فلسطین تفهیم کرد که میشود همین عده‌ی بی‌ساز و برگ که امروز در فلسطین، مظلوم و محروم علی‌المرهم هستند، حکومت فلسطین را بگیرند و بیگانه‌های از اروپا و امریکا و استرالیا و اطراف دنیا جمع شده آنجا را بیرون کنند. (3)

1373/7/13

نیاز پیروزی حتمی مردم فلسطین به همت ملت‌های مسلمان

حقایق عالم با بازیهای سیاسی و پیشامدهای فصلی و موسمی، تغییرپذیر نیست. فلسطین متعلق به فلسطینیان است. حکومت

(1). سوره‌ی محمد، آیه‌ی 35. ترجمه: «پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت بار) دعوت نکنید؛ در حالی که شما برترید.»

(2). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 139. ترجمه: «و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.»

(3). در دیدار اعضای جنبش حماس فلسطین.

ص: 275

صهیونیستی، يك دولت غاصب و دروغین است. اسرائیل هیچ شهروند حقیقی جز مردم بومی فلسطین ندارد. آنهایی که از اطراف دنیا جمع شده اند تا خانه ی فلسطینیان را تصاحب کنند، به همت ملت‌های مسلمان، روزی مجبور خواهند شد که این خانه را به صاحبانش مسترد کنند. آن روز ممکن است زود یا دیر باشد؛ اما حتمی و آمدنی و تخلف ناپذیر است. (1)

1375/7/18

مگر ممکن است که يك واحد جغرافیایی را با آن پیشینه ی تاریخی، از صحنه ی روزگار برانداخت؟ مگر میشود فلسطین را که زادگاه بسیاری از تمدن‌های دیرین تاریخی است و جایی است که پیامبران بزرگ الهی در آنجا، پرچم توحید را بلند کردند و ندای عدل و داد دادند، از صفحه ی نقشه ی عالم پاک کرد و به جای آن، يك کشور دروغی جعلی به نام اسرائیل قرار داد؟ با گذشت ده سال و بیست سال و چهل سال و پنجاه سال که نمیشود حقایق تاریخی را به فراموشی سپرد. اشتباه کردند، خیال کردند میتوانند. خوی متجاوز، اجازه نمیدهد که چنین حرکت سازشکارانه یی به وجود آید. دیدید که خود متجاوزان موجب شدند مجدداً این جنجال به وجود آید. مردم فلسطین را زیر فشار سخت تری قرار دادند. بدیهی است که مردم فریاد میکشند، قیام میکنند و نسلها بیدار میشوند.

بیروزی حتمی ملت بیدار فلسطین در آینده ی نزدیک

من به طور روشن می بینم که در آینده ی نزدیک، علی رغم میل امریکا و صهیونیستها و سازشکاران برخی از کشورهایی که در منطقه هستند، کشور و پرچم فلسطین، در همان جای حقیقی خودش، يك روز همه ی دنیا را به خود متوجه خواهد کرد. شرط این آینده ی مهم تاریخی، همین است که مردم خود فلسطین، بیدار باشند؛ به خاطر زندگی ذلیلانه، از مبارزه دست نکشند و به خاطر چهار صباح در زیر تیغ خونین دشمن با ذلت زندگی کردن، از بیان حقیقت خودداری نکنند. این شرط هم بحمدالله حاصل شده است.

(1). در مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان دانشگاه افسری و اعطای سردوشی به دانشجویان جدید.

ص: 276

آن نسلی که فلسطین را تحویل دشمن داد، منقرض شد و گذشت. آن نسلی هم که با سازشکاری خواست، بلکه بتواند بخور و نمیری برای خود درست کند، رو به انقراض است. نسلی که امروز بر سر کار می آید، نسلی است که با شعار اسلامی، با هدف اسلامی، با تکیه به اسلام و به برکت آشنایی با قرآن، در صدد این است که کاری کند که از يك ملت مسلمان، انتظار می رود. این، نشانه های آن کار بزرگی است که انجام می دهند. (1)

1377/2/12

سقوط قریب الوقوع اسرائیل

بالاخره وجدانهای مردم مسلمان در دنیای اسلام و بخصوص دنیای عرب، بیدار خواهد شد. امروز دولت صهیونیستی با تضادهای فراوانی مواجه است و در درون خودش دچار مشکلات زیادی است. قطعاً اگر حمایت امریکا از این ولیده ی استعمار برداشته شود، سقوط خواهد کرد و ما دور نمیدانیم که این حمایت، بالاخره روزی در زیر فشارهای فراوان جهانی برداشته شود.

امکان تشکیل دولت فلسطینی فراگیر

البته بعضی پدیده ها هست که به نظر انسان خیلی دور می آید. امروز شاید کسی به آسانی باور نکند که ممکن است در سرزمین فلسطین، روزی دولت صهیونیستی نباشد و دولت فلسطینی برقرار شود؛ لکن ما دیدیم آرمانهایی که به همین اندازه مستبعد بود، تحقق پیدا کرد. یکی از آنها، وجود ما در ایران - وجود این حکومت اسلامی در این مملکت و در این نقطه - است؛ با وجود آن اهمی که امریکا به رژیم پهلوی داشت. ما سالها در این راه مبارزه کردیم و بنده بارها به زندان افتادم؛ اما همیشه هم امیدوار بودیم. در عین حال، چنانچه آن روز به ما گفته میشد که این حکومت، در آینده ی نزدیک، با این خصوصیات تحقق پیدا خواهد کرد، به طور قاطع و جازم می گفتیم «نمیشود». این قدر بعید بود! اما همین امر بعید، تحقق پیدا کرد. إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً. (2)

(1). در دیدار افشار مختلف مردم از سراسر کشور.

(2). سوره ی معارج، آیات 6-7. ترجمه: «زیرا آنها آن روز را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم.»

ص: 277

حکومت فلسطینی، ان شاءالله امری است ممکن و واقع. تا وقتی این روحیه هست، این امید، قطعی است. باید این را دنبال کرد. (1)

1377/2/24

سوره ی جمعه همین مطالبی است که گفتم و اشاره یی است به عبرت تاریخی بنی اسرائیل. حالا- در اینجا من از عبرت تاریخی زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) - صدر اسلام - برای شما میگویم و خدای متعال به مردم صدر اسلام، از عبرت تاریخ بنی اسرائیل میگوید. یعنی آنها هم روزی برایشان کتابی و پیامبری آمد و قرآن خودشان - یعنی تورات - و کتاب آسمانی را به آنها دادند، اما آنها آن را حمل نکردند؛ جسمش را گرفتند، ولی روحش را نگرفتند!

آیات بعدی - مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا (2) - همان عبرت تاریخی است؛ داستان کسانی که تورات را به آنها دادیم، اما آنها در ادامه ی زندگی، آن را با خودشان نبردند - اگرچه ظاهر تورات بود، ولی باطنش نبود - مَثَلُ و داستان آنها كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً، (3) داستان آن درازگوشی است که کتابهایی بر او بار کرده اند! کتاب بر پشتش هست، اما از مضمون کتاب، هیچ بهره نمیرد!

نابودی حتمی حکومت یهود و صهیونیسم در فلسطین اشغالی

آن عبرت سخت بنی اسرائیل است که به ضَرْبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ - (4) منتهی شد. دچار ذلت و مسکنت و آوارگی و دربه دری شدند، که امروز هم بعد از گذشت قرنها، يك حکومت نیمه کاره ی نیم بندی برایشان وجود پیدا کرده و این همه هم در راهش جنایت کردند، این همه هم خون ریختند - یهودیهای صهیونیسم - همان هم حکومتی است که متزلزل است و کسانی که با آنها مخالف اند، اطرافش را مثل حلقه ی انگشتری محاصره کرده اند! و من امروز به شما عرض میکنم که بالاخره هم حکومت یهود و حکومت صهیونیسم در فلسطین اشغالی، حتماً از بین خواهد رفت.

(1). در دیدار شیخ احمد یاسین، رهبر حماس.

(2). سوره ی جمعه، آیه ی 5.

(3). همان.

(4). سوره ی بقره، آیه ی 61، ترجمه: «و (مُهر) ذَلَّتْ و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد.»

ص: 278

قرآن این را به رخ مسلمانان میکشد که مبدا شما چنین وضعیتی داشته باشید! (1)

1377/4/21

فناي دولت غاصب صهيونيستي با بيداري مردم فلسطين

امروز ملت فلسطين از تمام طول اين پنجاه سال بيدارتر است. اگر مردم فلسطين نصف بيداري امروز را در سالهاي چهل و پنج و چهل و شش و چهل و هفت و چهل و هشت - سالهاي آن فاجعه ي كبرى - ميداشتند، اين اتفاق نمي افتاد. امروز مردم فلسطين بيدارند و بيدارتر هم ميشوند و مبارزه ميکنند. صهيونيسم در مقابل موج نسلهاي رو به ازدياد فلسطيني طاقت نخواهد آورد. صهيونيسم و دولت غاصب و مجعول صهيونيستي در فلسطين، محكوم به فناست. مردم فلسطين بايد از خدای متعال كمك بگيرند، كمك بخواهند و به خدا اتكال كنند. جوانان فلسطيني، جوانان لبناني، همه ي جوانان دنياي اسلام و همه ي روشنفكران، اين راه را دنبال كنند. ان شاء الله خدای متعال تفضل خواهد كرد و بركات الهی شامل حال خواهد شد. (2)

1378/7/18

من اين را كه به شما عرض ميكنم، يك امر غيبي نيست، به نظر من يك امر منطقي است؛ يعني برورگرد ندارد. شما هيچ جاي ديگر دنيا هم چنين چيزي را پيدا نميكنيد كه ملتي در داخل سرزمين خودش مهجور شده باشد و قضيه، تمام شده باشد؛ چنين چيزي نيست. شورويها سالهاي متمادي بر چند کشور ليتواني و لتوني و استوني و... مسلط شدند و قضيه تمام شد؛ ولي آخريش ديديد كه نشد. به مجردی كه آن فشار، يك خرده كم شد، ملتها بلند شدند. چنين چيزي در دنيا اتفاق نمي افتد؛ اين امكان ندارد كه يك ملت را در سرزمين خودش غريب و مهجور كنند. بله؛ موقتا ممكن است. موقتا دولتي مي آيد، بر

(1). در دانشگاه امام حسين (صلى الله عليه وآله وسلم).

(2). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت ميلاد پيامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) و امام جعفر صادق (عليه السلام).

ص: 279

جایی مسلط میشود و بعد از مدتی قضیه تمام میشود. قضیه ی فلسطین هم همین طور است؛ موقت است. چهل سال و پنجاه سال در عمر تاریخ، چیز زیادی نیست؛ چیز کمی است. حالا چون صبر ما کم و عجله ی ما زیاد است و چون عمرهایمان بیشتر از اینها نمیشود، خیال میکنیم که این همه ی دنیا است؛ نه، شما بدانید که این تسلط صهیونیسم بر فلسطین، قطعاً روزی تمام خواهد شد. من در این شک ندارم؛ بنابراین، مبارزه تمام نمیشود. (1)

1378/7/25

حرف ملت‌ها پیش خواهد رفت؛ به يك شرط: مبارزه کنند، و ملت فلسطین قطعاً مبارزه خواهد کرد. من امروز به شما میگویم: ممکن است من و شما آن روز زنده نباشیم؛ اما اینها پیروز خواهند شد و نه فقط ساحل غربی، بلکه فلسطین را بر خواهند گرداند. فلسطین متعلق به فلسطینیهاست. فلسطینیها چه مسلمان باشند، چه یهودی و چه مسیحی، با هم زندگی خواهند کرد. من این را به شما بگویم: درخواستی که شما بنا دارید برود از دولت غاصب اسرائیل بکنید و بگوید ساحل غربی را به اینها بدهد، از شما هم قبول نخواهد کرد. اگر اسرائیل میخواست به حرف افرادی که از او توقعی میکنند، گوش دهد که اسرائیل نبود! آنها همین دو، سه درصدی را هم که از کل سرزمین فلسطین در اختیار فلسطینیان است، از اینها خواهند گرفت! برنامه ی اصلی، تبعید اینها به منطقه ی غزه است.

فلسطین؛ متعلق به فلسطینیها

ممکن است من و شما زنده باشیم و ببینیم که انواع وسایل را فراهم خواهند کرد، تا این مجموعه ی کمی را که این طرف هستند، به طرف غزه بفرستند. اسرائیل از اول با يك منطق پیروز شده است: زورگویی و بی‌اعتنایی به هر اصلی و باز هم همین را دنبال خواهد کرد.

اینکه گفتید امید دارم شما قبول کنید؛ نخیر، من اصلاً این کار شما را قبول ندارم. البته شما اختیار کار خودتان را دارید؛ ولی من این کار را شکست خورده، ناموفق و خلاف اصول میدانم. در عین حال باز هم آقای نلسون ماندلا را دوست دارم. امیدواریم هر جا هستید، خدای

(1). در دیدار آقای سید حسن نصرالله به اتفاق جمعی از برادران حزب الله لبنان.

متعال به شما کمک کند و همه ی ملت‌های مظلوم را کمک و آنها را بیدار کند، تا به این فکر بیفتند که از نیرویی که در اختیار دارند، استفاده کنند. من به آینده بسیار خوشبینم. (1)

1378/10/10

نزوم بازگشت مالکیت سرزمینهای اشغالی به مردم فلسطین

فلسطین به هیچ وجه خاتمه یافته نیست. این طور نیست که شما خیال کنید تا ابد باید فلسطینیها - صاحبان سرزمین - خود و اولادشان بیرون از سرزمین خودشان باشند؛ یا اگر در آن داخل اند، به صورت يك اقلیتِ مقهور زندگی کنند و آن بیگانه های غاصب در اینجا بمانند؛ نه، چنین چیزی نیست. کشورهایی که صدسال در تصرف قدرتی بودند - همین قزاقستانی که الان شما ملاحظه میکنید؛ همین گرجستانی که الان شما ملاحظه میکنید؛ این کشورهای تازه استقلال یافته ی آسیای میانه - بعضی در اختیار شوروی، بعضی قبل از شوروی در اختیار روسیه - آن وقتی که هنوز شوروی به وجود نیامده بود - اینها دوباره مستقل شدند و برگشتند و متعلق به مردم خودشان شدند؛ بنابراین، هیچ بُعدی ندارد و حتماً باید این کار اتفاق بیفتد و ان شاءالله اتفاق خواهد افتاد و فلسطین به مردم فلسطین برمیگردد. لذا مسئله خاتمه یافته نیست؛ این خطاست.

انحلال و زوال دولت صهیونیستی؛ تنها راه حل مسئله ی خاورمیانه

برای مسئله ی خاورمیانه هم يك راه بیشتر وجود ندارد و آن انحلال و زوال دولت صهیونیستی است. باید آواره های فلسطینی به کشورشان برگردند. این هشت میلیون نفر، صاحبان اصلی فلسطین اند. البته اکثریت قاطع مردم فلسطین، مسلمانند و در میانشان تعداد کمی هم از فلسطینیهای یهودی و مسیحی هستند. صاحبان فلسطین و ملت فلسطین، دولت تشکیل دهند؛ آن دولت تصمیم بگیرد که آیا مهاجرانی را که از سایر کشورها به داخل فلسطین آمده اند و در حال حاضر در آنجا هستند، نگه دارد - با چه شرایطی نگه دارد - یا برگرداند. عکس قضیه این است که باید يك دولت فلسطینی در همه ی سرزمین فلسطین تشکیل شود. بازیهای از قبیل دولت خودمختار و از این حرفها هم

(1). در دیدار نلسون ماندلا.

ص: 281

امروز نمیتواند هیچ کس را فریب دهد؛ مگر آدمهای خیلی ساده لوح را! اینها کار نیست؛ کار اصلی و واقعی که باید انجام گیرد، این است.

امروز نسلهای جوان فلسطینی بیدار شده اند و می فهمند که مبارزاتشان اثر دارد؛ در داخل فلسطین، در بیرون فلسطین، در لبنان، در اردن، در سوریه و در مناطق دیگر مشغول مبارزه اند و میدانند که مبارزاتشان دارای اثر است و ملت‌ها دلشان با آنهاست؛ بخصوص موضع شرافتمندانه و پُرشکوه ملت و دولت ایران و نظام جمهوری اسلامی، اینها را دلگرم میکنند. اینها مبارزه را ادامه خواهند داد و به فضل پروردگار به نتایج اصلی و مطلوب خودشان هم خواهند رسید. (1)

1379/3/14

بازگشت سرزمین فلسطین به صاحبان اصلی آن

اما اگر همچنان که امروز در صحنه ی فلسطین مشاهده میکنیم، انسانهای مؤمن، جوانان مؤمن، رهبران مؤمن، آدمهای خسته نشو، کسانی که دل‌هایشان به نور ایمان - ایمان به قرآن و ایمان به اسلام - روشن و منور است، وسط صحنه باشند و جوانان دور اینها جمع شوند و ایمانشان را از ایمان آنها تغذیه کنند - کمالینکه امروز چنین میکنند - این حرکت پیش خواهد رفت و بدانید که یک روز مردم دنیا شاهد آن خواهند بود که فلسطین به صاحبان اصلی آن - از مسلمان و مسیحی و یهودی - برخواهد گشت. (2)

1379/5/1

محو قطعی اسرائیل؛ نتیجه ی مبارزه ی ملت مظلوم فلسطین

الان ما می بینیم که در امریکا روی این مسئله کار میکنند. پس، پیداست که این واقعیتِ مجعول، امروز بیش از همیشه در خطر است. حقیقت این است: خطری که امروز وجود اسرائیل را تهدید میکند، شدیدتر از خطری است که ملت فلسطین را تهدید میکند. در نهایت هم نخواهند توانست اسرائیل را حفظ کنند. من امیدوارم ان شاءالله شما روزی را ببینید که چیزی به نام «اسرائیل» در دنیا وجود نداشته باشد. ممکن است در کشور فلسطین آینده، چند میلیون یهودی هم

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز جهانی قدس.

(2). در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (رحمه الله).

ص: 282

وجود داشته باشند، اما فلسطین باقی خواهد ماند؛ چون فلسطین در تاریخ و ملت فلسطین وجود دارد. به نظر من، این حرف جزو آن حقایقی است که هیچ چیز نمیتواند بر آن خدشه وارد کند. بنابراین، مبارزه ی شما يك مبارزه ی عاقبت دار است: «و العاقبة للمتقین»، (و الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى) (1) ان شاء الله، این عاقبت شما باشد. البته، شما امروز مظلومید؛ اما چه بسیار مظلومینی که توانسته اند به نتایج مورد نظر خودشان دست پیدا کنند. (2)

1379/5/5

متلاشی شدن قطعی دولت صهیونیستی

دشمن، فقط امریکا نیست؛ اسرائیل هم دشمن اصلی است؛ آن هم دلایل خاصّ خودش را دارد. اسرائیل - همان طور که من بارها گفته ام - یعنی يك وجود جعلی، يك ملت جعلی و يك ملت دروغین. از روسیه، از اروپای شرقی، از امریکا، از کشورهای اسلامی و از ایران خود ما چند میلیون یهودی را برده اند يك جا اسکان داده اند و اسم آنها را گذاشته اند يك ملت! آنها يك ملت نیستند؛ هر کدام مال يك ملتند. اگر به توفیق خدا دولت صهیونیستی متلاشی شود - که این روز یقیناً در پیش است؛ حالا کی، نمیتوانم بگویم؛ اما یقین دارم که چنین روزی پیش خواهد آمد - آن وقت را شما جوانها ان شاء الله حتماً خواهید دید - ما ممکن است ببینیم، ممکن است نبینیم - اکثریت این جمعیتی که امروز در اسرائیل هستند، از آنجا به مناطق خودشان خواهند رفت. (3)

1379/8/4

بیداری فلسطین در مورد امکان شکست اسرائیل

آنها اشتباه کردند که خیال کردند ملت فلسطین و کشور فلسطین تمام شد. فلسطین باقی مانده است؛ ملت فلسطین باقی مانده است. در کنار وجود ملت فلسطین، يك غصب بزرگ هم وجود دارد. عدّه بی را از اطراف دنیا جمع کردند، يك ملت جعلی و دروغین تشکیل دادند،

(1). سوره ی طه، آیه ی 132.

(2). در دیدار دکتر رمضان عبدالله، دبیرکلّ جنبش جهاد اسلامی فلسطین.

(3). در دیدار گروه زیادی از جوانان استان اردبیل.

ص: 283

اسمی هم روی آن گذاشته اند؛ با ابزارهای قدرت هم آن را مجهز کرده اند. این در کنار واقعیت ملت فلسطین، امروز خودنمایی میکند؛ این حقیقت را نسل فلسطینی، امروز با همه ی وجودشان درک کرده اند. اولین قدم معرفت است؛ این معرفت را پیدا کرده اند و فهمیده اند که آن موجود جعلی، با همه ی پشتیبانیهای جهانی، غیرقابل شکست نیست؛ درست هم فهمیده اند؛ لذا وارد میدان شده اند. امروز وظیفه ی همه ی دولتهای اسلامی و همه ی ملت‌های اسلامی این است که هر چه میتوانند، به اینها کمک کنند. من ادعا نمیکنم که قضیه ی فلسطین در کوتاه مدت تمام خواهد شد؛ اما ادعا میکنم بدون شک فلسطین به فلسطینیها برخواهد گشت. زمان، ممکن است کوتاه یا بلند شود؛ بهایی که پرداخته میشود، ممکن است سنگین یا سنگین تر باشد؛ اما این واقعه اتفاق خواهد افتاد.

آنچه که تأثیر میگذارد، رفتار ما مسئولان کشورهای اسلامی و ما ملت‌های مسلمان است. اگر ما خوب رفتار کنیم، این زمان کوتاه تر و این هزینه کمتر خواهد شد. (1)

1379/9/3

کیان اسرائیلی؛ کیان زائد و مزاحم در منطقه

ما باید باور کنیم که کیان اسرائیلی، کیان زائد و مزاحمی در این منطقه است و با گذشت پنجاه سال، این جسم زائد، جزو طبیعت منطقه نشده است و نخواهد شد. پس، باید از این منطقه جدا شود و همچنان که همه ی اعضای زائد جدا میگردند و دور انداخته میشوند، این هم دور انداخته شود؛ و این، خواهد شد.

البته، به نظر بعید می آید، اما خیلی چیزها به نظر بعید می آمد و شد؛ این هم تحقق پیدا خواهد کرد. این منطقه، روزی را خواهد دید که در آن، فلسطین هست و کیان صهیونیستی نیست. نمیدانم آیا ما آن روز را خواهیم دید یا نه؟ اما شك ندارم که این منطقه، آن را خواهد دید. وظیفه ی ما فعلاً این است که به این مظلوم ذی حق کمک کنیم. (2)

(1). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام (رحمه الله).

(2). در دیدار نخست وزیر سوریه.

ص: 284

نابودی رژیم صهیونیستی؛ در گرو به کارگیری امکانات جهان اسلام

اسرائیل که روزی در این منطقه عربده میکشید و همه ی خواسته های خود را بر ملت‌های عربی دیکته میکرد، اینک ناتوان و افسرده در برابر عظمت مقاومت اسلامی، بر زمین زانو زده است؛ این بخش کوچکی از تواناییهای ملت‌های مسلمان و عرب است. یقین بدانید که اگر همه ی امکانات جهان اسلام و حتی بخشی از آن در این مسیر به کار گرفته شود، ما شاهد زوال و نابودی رژیم صهیونیستی خواهیم بود. اسرائیل در جنوب لبنان از يك مقاومت چند هزار نفره شکست خورد. درست است که حزب الله، امتداد مردمی عمیقی داشته و به هنگام ضرورت توانسته است هزاران، بلکه ده ها هزار نیرو را بسیج کند؛ ولی به طور مستمر فقط از چند هزار، بلکه گاه از چند صد نیرو در محورهای رویارویی با اشغالگران صهیونیست بهره برده است. یعنی اسرائیل و همه ی امکانات نظامی آن و فناوری تسلیحاتی و پیشرفته اش - که به زرادخانه ی امریکا متصل است - از چند صد جوان باایمان و پُرشور که از سلاح‌های بسیار ابتدایی در جنگ بهره میبرند، شکست خورد. البته سلاح قوی و شکست ناپذیر آنها، سلاح ایمان بود. (1)

1384/8/8

اینکه می بینید جنجال علیه جمهوری اسلامی زیاد است، دلیل اقتدار ماست. امام «رضوان الله علیه» يك وقت فرموده بودند اگر جمهوری اسلامی چیزی نیست، چرا این قدر علیه آن صف آرای می‌کنند؟ اگر اهمیتی ندارد، چرا برای مقابله ی با آن، این قدر خودکشان می‌کنند؟ این، دلیل اقتدار جمهوری اسلامی است. این چند روزه سر قضیه ی موضع گیری رئیس جمهور، جنجالی به وجود آوردند. (2) البته این بار اول هم نبود؛ بار چندم بود. يك بار دیگر هم ده، یازده سال قبل به مناسبت قتل

(1). در مراسم گشایش کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

(2). اشاره ی رهبری به موضع گیری رئیس جمهور دکتر احمدی نژاد در همایش «جهان بدون صهیونیسم» است، که وی در آن جلسه بر ضرورت تشکیل حکومت منتخب مردم فلسطین در سرزمینهای اشغالی و نابودی اسرائیل تأکید کرد.

ص: 285

اسحاق رابین، رئیس جمهور وقتِ ما آن روز اظهار نظری کرد؛ جنجالی درست کردند که چرا رئیس جمهور ایران از قتل نخست وزیر اسرائیل اظهار خوشحالی کرده! اولین احساسی که به انسان دست میدهد، شرمندگی از بشریت است، به عوض سران اروپا و غرب؛ اینها باید از بشریت شرمنده باشند که این قدر تحت نفوذ صهیونیستها هستند؛ از ملت‌های خودشان هم باید شرمنده باشند. مگر در دنیا دولتهایی که دولتهای دیگر را قبول نداشته باشند و هویت سیاسی آنها را انکار کنند، وجود ندارند؟ مگر رؤسای کشورهای که در دل آرزوی نابودی رئیس یک کشور دیگر را داشته باشند، در دنیا کم اند؟ به زبان هم می آورند، مرتب هم هست. کجا چنین حساسیتی به وجود می آید؟ نفوذ صهیونیستها روی دولتهای غربی و اروپایی، متأسفانه چنین جنجالهایی را به وجود می آورد. بعد هم از فرصت استفاده کردند، این را وصل کردند به قضیه ی انرژی اتمی!

سرنگونی رژیم صهیونیستی؛ پیامد عزم و مبارزه ی ملت فلسطین

آن نادانی که اولین بار این حرف را زد و این را به ماجرای انرژی اتمی وصل کرد، نفهمید که سلاح اتمی برای از بین بردن حکومتها و سیستمها و رژیمها نیست؛ سیستمها و رژیمها با سلاح اتمی از بین نمیروند؛ سلاح اتمی فقط میتواند انسانها و سرزمینها را نابود کند. آنچه رژیمها را نابود میکند، قدرت مقاومت و عزم و مبارزه ی ملت‌هاست؛ که این عزم و مبارزه در فلسطین وجود دارد و به فضل الهی حتماً به سرنگونی رژیم صهیونیستی منتهی خواهد شد. (1)

1389/3/14

قطع غده ی سرطانی؛ تنها علاج غده ی سرطانی اسرائیل

یک نقطه ی دیگر از نقاط روشن خط امام، جهانی بودن نهضت است. امام، نهضت را جهانی میدانست و این انقلاب را متعلق به همه ی ملت‌های مسلمان، بلکه غیر مسلمان معرفی میکرد. امام از این ابایی نداشت. این غیر از دخالت در امور کشورهاست، که ما نمیکنیم؛ این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است، که ما این کار را نمیکنیم، اهلس نیستیم؛ این معنایش این است که بوی خوش این

(1). در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی.

ص: 286

پدیده‌ی رحمانی باید در دنیا پراکنده شود، ملت‌ها بفهمند که وظیفه‌شان چیست، ملت‌های مسلمان بدانند که هویتشان چگونه است و کجاست.

یک نمونه‌ی این نگاه جهانی، موضع‌گیری امام در باب فلسطین است. امام صریحاً فرمود: اسرائیل یک غده‌ی سرطانی است. خب، غده‌ی سرطانی را چه کار میکنند؟ غیر از قطع غده، چه علاجی میتوان برای آن کرد؟ امام ملاحظه‌ی کسی را نکرد. منطق امام این بود. این حرف شعاری نیست؛ این منطقی است. فلسطین یک کشور تاریخی است. در طول تاریخ، کشوری وجود داشته است به نام فلسطین. یک عده با پشتیبانی قدرتهای ستمگر عالم آمده اند با عنیف ترین و شدیدترین وجهی این ملت را از این کشور بیرون کرده اند؛ کشتند، تبعید کردند، شکنجه کردند، اهانت کردند، این ملت را بیرون کردند - که امروز چند میلیون آواره‌ی فلسطینی در کشورهای هم جوار فلسطین اشغالی و در کشورهای دیگر زندگی میکنند؛ اغلب هم توی اردوگاه‌ها - در واقع آمدند کشور را از صحنه‌ی جغرافیا حذف کردند، ملت را بکلی از هستی ساقط کردند، یک واحد جغرافیایی جعلی و جدیدی به جای آن تحمیل کردند و اسمش را گذاشتند اسرائیل. ببینید منطق چه اقتضا میکند؟ حرفی که ما در مورد مسئله‌ی فلسطین داریم، یک حرف شعاری نیست؛ یک حرف صددرصد منطقی است.

حذف واحد جعلی و تحمیلی رژیم صهیونیستی؛ منطقی ترین حرف در این باب

یک عده قدرتمند که در رأس آنها اول انگلیس بود، بعد هم امریکا ملحق شد، دنباله رو آنها هم کشورهای غربی، آمده اند میگویند کشور فلسطین و ملت فلسطین باید حذف بشوند تا به جای آن، کشوری به نام اسرائیل و ملت جعلی‌یی به نام اسرائیل به وجود بیاید. این یک حرف؛ یک حرف دیگر هم در مقابلش هست که حرف امام است؛ میگوید: نه، این واحد جعلی و تحمیلی باید حذف شود؛ به جای آن، ملت اصلی و کشور اصلی و واحد جغرافیایی اصلی سرکار بیاید. از این دو حرف، کدام منطقی است؟ آن حرفی که متکی به سرنیزه و سرکوب است و میخواهد یک نظام سیاسی را، یک واحد جغرافیایی تاریخی را با چند هزار سال سابقه، بکلی از صحنه‌ی جغرافیا حذف کند، این منطقی است، یا آن حرفی که میگوید نه، این واحد اصلی جغرافیایی باید بماند، آن واحد جعلی و تحمیلی باید از بین برود؟

امام این را میگفت. این منطقی ترین حرفی است که در باب اسرائیل غاصب و در باب مسئله ی فلسطین میشود گفت. امام این را گفت؛ صریح هم این را بیان کرد. حالا اگر کسی این حرف را به اشاره هم بیان کند، يك عده که مدعی خطّ امامند، میگویند آقا! چرا این حرف گفته شد؟! خوب، این حرف امام است؛ این منطق امام است؛ این منطق صحیح است؛ همه ی مسلمانان عالم، همه ی آزادگان عالم، ملت های بی طرف باید این حرف را قبول کنند و بپذیرند. این، درست است. این، موضع امام است. (1)

1390/7/9

آزادی کلّ فلسطین؛ مدّعی ما

مدّعی ما آزادی فلسطین است، نه آزادی بخشی از فلسطین. هر طرحی که بخواهد فلسطین را تقسیم کند، یکسره مردود است. طرح دو دولت که لباس حق به جانب «پذیرش دولت فلسطین به عضویت سازمان ملل» را بر آن پوشانده اند، چیزی جز تن دادن به خواسته ی صهیونیستها، یعنی «پذیرش دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین» نیست. این به معنای پایمال کردن حقّ ملت فلسطین، نادیده گرفتن حقّ تاریخی آوارگان فلسطینی، و حتی تهدید حقّ فلسطینیان ساکن سرزمینهای 1948 است؛ به معنای باقی ماندن غده ی سرطانی و تهدید دائمی پیکره ی امت اسلامی، مخصوصاً ملت های منطقه است؛ به معنای تکرار رنجهای ده ها ساله و پایمال کردن خون شهداست.

فلسطین، فلسطین از نهر تا بحر

هر طرح عملیاتی باید بر مبنای اصل «همه ی فلسطین برای همه ی مردم فلسطین» باشد. فلسطین، فلسطین «از نهر تا بحر» است، نه حتی يك و جب کمتر. البته این نکته نباید نادیده بماند که ملت فلسطین، همان طور که در غزه عمل کردند، هر بخش از خاک فلسطین را که بتوانند آزاد کنند، به وسیله ی دولت برگزیده ی خود، اداره ی امور آن را بر عهده خواهند گرفت، ولی هرگز هدف نهایی را از یاد نخواهند برد. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در حرم امام خمینی (رحمه الله) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

(2). در کنفرانس حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 288

حتمیت قطع غده ی سرطانی

یکی از آثار این حرکتها، ضعف و انزوای رژیم صهیونیستی است؛ که این هم خیلی مهم است. چون رژیم صهیونیستی در این منطقه حقیقتاً غده ی سرطانی است و باید قطع بشود و قطع خواهد شد؛ بنابراین بر اثر این حرکتها دچار ضعف و انزوای بیشتر از همیشه شد. جوانان فلسطینی نشاط پیدا کردند، امید پیدا کردند، به مبارزات خودشان و آینده ی خودشان امیدوار شدند؛ ملتها امیدوار شدند. (1)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 289

1361/3/22

حل مسئله ی فلسطین در میدانهای جنگ، نه در محافل سیاسی

اینکه ما در مورد مسئله ی فلسطین چه تدبیری می اندیشیم، ما معتقدیم که در نهایت، مسئله ی فلسطین در محافل سیاسی حل نخواهد شد؛ مسئله ی فلسطین در میدانهای جنگ حل خواهد شد. دلیل هم یک چیز بیش نیست و آن این است که غاصبان فلسطین جز جنگ، جز زور، جز گردن کلفتی و قدرتمداری، هیچ منطق دیگری ندارند. در مقابل اینها بایستی رقبایشان و کشورهای اسلامی و عمدتاً کشورهای عربی بتوانند متحد شوند و خودشان را از لحاظ نظامی قوی کنند، تا پاسخ اسرائیل را بدهند و مسئله ی فلسطین به این صورت حل بشود. (1)

1362/4/10

روشهای صلح آمیز برای آزادی فلسطین؛ القای خود صهیونیستها

کسانی که میگویند مسئله ی فلسطین فراموش نشده، اما ما میخواهیم برای آزادی فلسطین روشهای صلح آمیز را در پیش بگیریم، چون روشهای تند و قدرتمندانه را آزمایش کردیم، آنها هم حرفی را میزنند که یقیناً القای خود صهیونیستهاست. روشهای صلح آمیز، روشهای مسالمت آمیز، قبل از روشهایی که بعداً کشورهای عربی در پیش گرفتند، آزموده شد؛ شکست خورد.

صهیونیستها هر زمانی که مقتضی باشد، یک قدم جلو می آیند. سیاست آنها، سیاست تدریج است. امروز یک قدم جلو می آیند، در

(1). در مصاحبه با تلویزیون هند.

ص: 290

دنیای اسلام های وهوی میشود؛ کسانی بدگویی میکنند، کسانی شعار میدهند، بعد کسانی وسط می آیند، مصالحه برقرار میشود؛ آنها از آسیاب که افتاد، يك زمانی گذشت، يك قدم جدید بر میدارند؛ این روشی بوده است که تا امروز صهیونیستها در فلسطین و اطراف فلسطین در پیش گرفته اند. (1)

1365/6/14

آقای رئیس! شاید کمتر رژیم را بتوان یافت که به اندازه ی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی، در نظر و عمل، شبیه یکدیگر باشند. هر دو دارای سیاستهای تبعیض آمیز نسبت به ساکنین اصلی هستند؛ هر دو دائماً کشورهای مجاور را مورد تجاوز سیستماتیک قرار میدهند؛ هر دو رکورددار نقض قوانین و مقررات بین المللی هستند؛ علیه هر دو، بیش از هر کشوری قطعنامه و بیانیه صادر شده است؛ هر دو از مصادیق بارز تروریسم دولتی هستند؛ و هر دو عمدتاً به وسیله ی شیطان بزرگ و برخی از کشورهای دیگر غربی تغذیه میشوند.

آزادی کامل سرزمین قدس؛ در گرو مبارزه ی مسلحانه ی تمام عیار

همین مشابهت کامل، امروز این دو را به نحوی سابقه یی به هم نزدیک و هماهنگ کرده و سیاست دو رژیم را مکمل یکدیگر قرار داده. نتیجه اینکه اتخاذ شیوه های سازشکارانه در قبال صهیونیستها نیز منشأ کمترین تغییر مثبتی نخواهد بود. ما معتقدیم جز از طریق مبارزه ی مسلحانه ی تمام عیار، آزادی کامل سرزمین قدس امکان پذیر نخواهد بود. تجاوزگری جزو صفات این رژیمها نیست که بشود با مذاکره، آن را زائل کرد؛ بلکه ماهیت این دو رژیم چنین اقتضایی را دارد. تصویر همزیستی مسالمت آمیز مردم منطقه با چنین رژیمهایی، جز اذهان ساده را مشغول نمیدارد. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در کنفرانس حراره.

ص: 291

مبارزه از درون سرزمینهای اشغالی؛ خطر عمده و اساسی برای اسرائیل

در مصر و در لبنان و در بعضی از کشورهای آفریقایی و در بعضی از کشورهای آسیایی، این روند بیداری مسلمانها و احساس امت اسلامی در میان کشورهای مسلمان روزبه روز دارد رشد میکند؛ و این چیزی است که بشدت امریکا و استکبار را وحشت زده میکند. در مورد مسئله ی اسرائیل هم اگرچه توانستند دولتهای مرتجع را خاموش کنند، آرام کنند، اما بر خلاف میل آنها، از داخل سرزمینهای اسلامی مبارزه روزبه روز دارد بنیان میگردد، ریشه میگیرد و آنجا مردم دارند بیدار میشوند؛ و این همان چیزی است که ما همیشه در طول این چند سال گفتیم که خطر عمده و اساسی برای اسرائیل باید از درون سرزمینهای اشغالی باشد و مسلمانهای داخل آن سرزمینها بایستی محیط و فضا را برای ادامه ی زندگی دولت غاصب، مشکل، بلکه محال کنند. البته در این صورت، کشورهای مترقی هم میتوانند به آنها کمک اساسی برسانند. این کاری است که الان دارد انجام میگیرد؛ لذا استکبار دچار يك حالت عكس العملی شده. (1)

1366/2/18

مبارزه؛ فلسفه ی وجودی سازمانهای فلسطینی

بنده میخواهم به بعضی از رهبران فلسطینی و سیاسیون فلسطینی در هر جا که هستند، خطاب کنم و برادرانه به آنها نصیحت کنم که آبروی ملت فلسطین را با موضع گیری های سازشکارانه و پست خودشان نبرند؛ این ملت رنج چشیده را که جسماً از لحاظ زندگی این قدر مورد فشار قرار گرفته، از لحاظ آبروی تاریخی هم تحقیر نکنند و به زبونی و پستی نکشانند. رهبران فلسطینی و سازمانهای فلسطینی، فلسفه ی وجودشان مبارزه است. اگر نخواهد مبارزه بشود، سازمان فلسطینی چرا وجود داشته باشد؟ اصلاً کارش چیست؟ سازمان فلسطینی برای مبارزه است. آن وقت سازمانهای فلسطینی دور هم بنشینند، تصویب کنند که با اسرائیل بسازند! این قابل قبول است؟ البته به طور صریح چنین چیزی انجام نگرفته، اما در میان رهبران

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 292

فلسطینی و عناصر فلسطینی، کسانی هستند که دوست میدارند این کار بشود؛ میخواهند خودشان را از این دغدغه خلاص کنند. ملت فلسطین این را نمیخواهد. آن روزی که ملت فلسطین به نام این سازمانها شعار داد، آن روزی که ملتهای مسلمان به نام این سازمانها شعار دادند، روزی بود که اینها «جنگ کرامه» را بر پا کردند. (1)

1367/2/23

مبارزه در داخل سرزمینهای اشغالی؛ عنصر فراموشی شده در دوره های قبل

دو عنصر در مبارزات ملت فلسطین کم بود؛ این دو عنصر امروز دارد جبران میشود، دارد خودش را نشان میدهد. يك عنصر این بود که مبارزات ملت فلسطین به جای اینکه در داخل سرزمین فلسطین باشد تا مبارزه ی واقعی باشد، رفته بود به خارج سرزمینهای فلسطینی؛ اول در همسایگی، که باز در حقیقت مبارزه یی را شکل میداد؛ اما بتدریج باز هم فاصله گرفت و رهبران فلسطینی مشغول مسافرت کردن و اینجا و آنجا رفتن و استقبال شدن و گفتگو کردن شدند و بکلی مبارزه ی حقیقی ول شد. امروز مجدداً مبارزه برگشته به داخل سرزمینهای اشغالی؛ از درون ملت، مبارزه ی فلسطین دارد میجوشد؛ بیت المقدس مشت گره کرده و فریاد میزند؛ زن و مرد فلسطینی باقی مانده در سرزمینهای اشغالی، که از بقایای ملت فلسطین در آنجا هستند و در طول این چهل سال جمعیتشان رشد کرده و زیاد شدند - يك میلیون و خرده یی - دارند از حق خودشان، از ملیت خودشان، از دین خودشان، از شرف خودشان دفاع میکنند. در این چهل سال گذشته، ما این يك عنصر را نداشتیم؛ يك مدتی ضعیفش را داشتیم، يك مدّت هم هیچ نداشتیم. (2)

1369/3/10

بی فایده بودن جستجوی آزادی فلسطین در گردهماییهای سران عرب

ملت فلسطین نباید و نمیتواند آزادی و حقوق حقّه ی خود را در کنفرانس و گردهماییهای سران عرب جستجو کند. این نشست و برخاست ها، اگر برای فلسطینیهای مظلوم، شوم و بدفرجام نباشد،

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 293

حدّ اقل بی فایده و بی خاصیت است. رؤسای که در این ایام به عنوان فلسطین گرد هم آمدند، اگر صادقانه در اندیشه ی نجات فلسطین بودند، باید در برابر پیشنهاد مزورانه ی رئیس جمهوری امریکا، موضعی سخت و قاطع گرفته، برای کمک مالی و تسلیحاتی و سیاسی به مبارزان داخل فلسطین اشغالی، تصمیمهای عاجل و واقعی میگرفتند و به شعارهای پوچ اکتفا نمیکردند و اگر چنین نشود - که نشده است و با وضع فعلی جهان عرب و حکام آن، نخواهد هم شد - مبارزان داخل باید به خدا و به نیروی مردمی و اسلامی تکیه کنند و بدانند:

كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ - غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ 1.(2)

1369/8/2

يك دولت غاصب و غدار و زورگو، يك عدّه انسانهای بی دفاع و جوانان و نوجوانان و کودکان خردسال را داخل خانه هایشان و در خیابانهایی که متعلق به آنهاست، به خاك و خون میکشد؛ ولی از دنیا هیچ صدایی در نمی آید. آن وقت يك جوان فلسطینی، وقتی که عكس العمل نشان میدهد و دو، سه نفر را به درك واصل میکند، یکی از این طرف دنیا، یکی از آن طرف دنیا، سر بلند میکنند و اظهار تأسّف میکنند! چه تأسّفی؟! خیلی خوب کرد، دستش درد نکند. آن ملّتی که نتواند از حقّ خودش دفاع کند، باید توسری بخورد. آن روز اول، فلسطینیها خواب و غفلت نشان دادند، دشمن این گونه بر آنها مسلّط شد. امروز فلسطین بیدار شده است. مسلمانان در فلسطین بیدار شده اند.

پیروزی بر صهیونیستها؛ تنها با مبارزه و زبان زور

این صهیونیستها، جز زبان زور، هیچ چیز نمی فهمند. چهل سال است که هرچه سازمان ملل نسبت به مسئله ی فلسطین، علیه صهیونیستها قطعنامه صادر کرده است، اینها رد کرده اند. اینها لوس شده اند! سکوت و اغماض را هم که از قدرتهای بزرگ و از ملّتها و دولتها دیدند،

(1). سوره ی بقره، آیه ی 249. ترجمه: «چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند، و خداوند با صابران (و استقامت کنندگان) است.»

(2). پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 294

جری شدند. آنها از قطعنامه نمیترسند. مگر اسرائیل را با قطعنامه میشود عقب نشانند؟ اسرائیل با زور و سلاح و مشت، عقب خواهد نشست. (1)

1370/1/16

مبارزه ی فلسطینیان و پشتیبانی عمومی دنیای اسلام؛ راه حلّ مشکل فلسطین

در فضای عالم، این جوّ آمادگی و حضور و انتظار و طلبکاری نسبت به فلسطین، باید روزبه روز بیشتر بشود. در داخل فلسطین هم باید این شعله ی مقدّس روزبه روز برافروخته تر بشود. آن جوانان، آن زنان و مردان، آن نوجوانان، آن فداکارانی که در داخل فلسطین با رژیم غاصب مبارزه میکنند، باید بدانند نقطه ی اصلی، همان جایی است که آنها بر روی آن انگشت گذاشته اند. این، آنجایی است که دشمن شکست خواهد خورد. اینکه سازمانها در خارج از مرزهای فلسطین پشت میزهای مذاکره بنشینند، یا در تریبونها به نام فلسطین خودنمایی کنند، مشکلی را حل نخواهد کرد. پشتیبانی عمومی دنیای اسلام از بیرون، و مبارزه ی واقعی و محسوس ملت فلسطین در داخل، این دو با هم مشکل را حل خواهد کرد و سر دشمن فلسطین را به سنگ خواهد کوبید. (2)

1370/7/3

جنگ با رژیم صهیونیستی؛ تنها راه احقاق حقّ ملت فلسطین

ما اعلام میکنیم که رژیم صهیونیستی، یک رژیم نژادپرست و ظالم و خشن و وحشی است. حق با ملت فلسطین است که تشخیص داده است باید با این رژیم به معنای واقعی کلمه بجنگد. با آن چنان آدمهایی، با زبان خوش و با زبان منطق نمیشود حرف زد و طرف شد. آنها خشن اند؛ باید با خشونت با آنها برخورد کرد. این، وضع ملّتها در جهان است. این، وضع سیاستهای حاکم بر عالم است. ملّتها خودشان باید بیدار باشند و دفاع کنند. (3)

(1). در دیدار عمومی.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(3). در دیدار عمومی.

ص: 295

مبارزه ی ملت فلسطین؛ خطری عظیم برای دشمن

محور این مبارزه ی حسّاس و خطیر، ملت مظلوم و شجاع فلسطین است، که مصائب را با همه ی وجود درك کرده و اکنون به برکت تمسک به اسلام، با مبارزه ی جانانه ی خود در داخل وطن غصب شده، خطری عظیم برای دشمن آفریده است. توطئه ی بزرگ استکباری بر آن است که این مبارزه را خاموش کند؛ اما به حول و قوه ی الهی و به همت فلسطینیان شجاع و به کمک ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، این شعله باید روزبه روز برافروخته تر گردد، تا همه ی بنای پوشالی دشمن را در کام خود فرو برد؛ و این خواهد شد و نصرت الهی بر آنان نازل خواهد گشت: **وَ لَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ**. (1) دشمن بداند که هیچ تهدید و هیچ ترفندی از قبیل شرکت دادن فلسطینیان پشت کرده به آرمان فلسطین در کنفرانس امریکایی، نخواهد توانست نفوس مؤمنه یی را که جهاد در راه نجات فلسطین را تکلیف اسلامی خود میدانند، از این مبارزه ی برحق روی گردان کند، و علی رغم خواست امریکا و دستیاران و وابستگانش، جهاد ملت فلسطین ادامه خواهد یافت و این شعله ی مقدّس، با خیانت سیاستمداران وابسته ی فلسطینی و عرب خاموش نخواهد شد.

علاج توطئه ی امریکا در دستان نیرومند مبارزان فلسطینی

مهمترین علاج توطئه ی امریکا، در داخل سرزمینهای اشغالی و در دستان نیرومند مبارزان فلسطینی است؛ لیکن همه ی مسلمین موظف اند در این جهاد شرکت جسته و کمکهای مالی و سیاسی و اطلاعاتی و نظامی و تجهیزاتی را به سوی آنان سرازیر کنند. ملت فلسطین باید احساس تنهایی نکند. (2)

(1). سوره ی حج، آیه ی 40. ترجمه: «و خداوند کسانی را که یاری اش کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری میکند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.»

(2). پیام به ملت‌های مسلمان، علما، نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان کشورهای اسلامی، به منظور بسیج نیروهای عظیم کشورهای اسلامی برای مقابله با توطئه های خباثت آمیز امریکا و اسرائیل در کنفرانس مادرید.

تحقق واقعی صلح

راه حلّ مسئله ی فلسطین، راه حلّ روشنی است. کسانی که گول این مطلب را میخورند که بروند با دشمن - یعنی با عامل غضب - مذاکره کنند، خودشان را فریب میدهند. آنها میخواهند ملتّها را فریب بدهند؛ امّا ملتّها فریب نمیخورند. راه حلّ مسئله ی فلسطین، این نیست که بروند با اسرائیل غاصب فلسطین بنشینند حرف بزنند. آنها که در این منطقه صلح میخواهند، اگر خانه ی فلسطینیها را به خودشان برگردانند، صلح ایجاد خواهد شد. چرا شما افرادی را با ملتّهای مختلف روسی، انگلیسی، امریکایی، آفریقایی، آسیایی، از هند و از مناطق دیگر دنیا در اینجا جمع کرده اید، تا مردمی را از خانه ی خودشان بیرون کنید؟ اگر شما صلح میخواهید، صلح به این است که افرادی که متعلّق به کشورهای دیگرند، به خانه های خودشان برگردند و فلسطین را به فلسطینیها بدهند.

پیروزی بر اسرائیل؛ در گرو زبان زور و قدرت ملتّ فلسطین و امتّ اسلامی

فلسطین متعلّق به فلسطینیهاست. اگر مردم سرزمین فلسطین در داخل فلسطین - یعنی در همه ی فلسطین، بدون تجزیه - دولتی تشکیل بدهند، صلح خواهد شد. اگر شما راست میگویید، و اگر توطئه یی علیه ملتّ فلسطین و ملتّهای اسلامی و علیه اسلام در نظر ندارید، راه حل این است. امّا اگر نخواهید این راه حل را عمل کنید، اردوگاه استکبار بدانند که با این نشست و برخاست هایی که ترتیب میدهند و با این تصمیم گیری ها، مسئله ی فلسطین حل نخواهد شد؛ مبارزات فلسطین خاموش نخواهد شد، و نباید بشود.

مبارزه در داخل سرزمینهای فلسطین؛ تنها راه نجات فلسطین

اسرائیل ثابت کرده است که جز زبان زور، چیز دیگری نمی فهمد. با او جز با زبان قدرت يك ملت و قدرت يك امتّ اسلامی در سراسر عالم، نمیشود حرف زد. شما نمایندگان ملتّهای اسلامی هستید. شما نمایندگان مردم فلسطین، نمایندگان پارلمانها و نمایندگان ملتّها در اینجا جمعید؛ نسبت به فلسطین تصمیم بگیرید. تصمیم باید استنقاذ فلسطین باشد، و لاغیر؛ و این هم يك راه بیشتر ندارد و آن راه، همان راهی است که عناصر انتفاضه ی مقدّسه ی فلسطین آن را شناختند و

دارند تعقیب میکنند؛ راه مبارزه در داخل سرزمینهای فلسطین؛ علاج این است و لاغیر. (1)

1375/3/28

ایستادگی؛ شرط تحقق خواسته های مردم

برآورد دشمنان و معارضان فلسطین از این قضیه، صحیح نیست. آنها خیال کردند میتوانند اسم فلسطین و معنای فلسطین را بکلی حذف کنند؛ آنها خیال کردند میتوانند با پخش کردن ملت فلسطین در کشورهای عربی، ملتی را نابود و هضم کنند؛ در حالی که این فهم از قضیه ی فلسطین غلط است؛ قضیه ی فلسطین عمق دارد و خدای متعال روز به روز درهایی را باز خواهد کرد؛ شرطش این است که ما بایستیم. اگر ما نایستیم، همان طور که آنها میخواهند، انجام خواهد شد؛ اما اگر هر واحد انسانی و مجموعه ی سیاسی، خود را موظف به ایستادن بداند، روز به روز مسئله ی فلسطین پیشتر خواهد رفت. آنچه قبلاً محال به نظر میرسید، امروز تحقق پیدا کرده است. شش ماه قبل توقف روند صلح محال به نظر میرسید؛ اما امروز این امر محال تحقق پیدا کرده است. این شش ماه به قدر اهمیت این قضیه، زمانی است. من میگویم به قدر اهمیت قضیه ی فلسطین، زمانی خواهد گذشت که این محال، ممکن خواهد شد. امیدواریم آن روز، ما و شما باشیم؛ اگر ما هم نباشیم، این محال، ممکن خواهد شد. امروز شما هر ضربه یی میزنید، دشمن از آن رنج عمیقی میبرد. (2)

1375/10/28

ایستادگی ملت و دولت ایران؛ الگوی جوانان فلسطین

صهیونیستها به خیال خودشان، دیگر نفس راحتی کشیدند؛ ولی بعد دیدند که در دنیا نقطه یی وجود دارد که در آنجا به برکت پرچم و حاکمیت اسلام و به برکت ایمان مردم به قرآن و احکام و آیات آن و به برکت نترسیدن و شجاعتشان و اعتنانکردن آنها به ابرقدرتها و استکبار، مردم و دولت ایستاده اند و یکصدا فریاد میزنند که حکومت

(1). در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس بین المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین.

(2). در دیدار دسته جمعی روزهای دوشنبه.

ص: 298

غاصب صهیونیست، باید از فلسطین خارج شود. همین ایستادگی ملت و دولت ایران و نظام جمهوری اسلامی، موجب شده است که خونی به رگهای خشکیده ی نهضت فلسطین جاری شود و جوانان فلسطین - یعنی نسل سوم فلسطینیها - بیداری حقیقی پیدا کنند و نهضت را به شکل اسلامی خودش ادامه دهند. میدانند که اگر نهضت جوانان فلسطینی، در داخل و در اطراف مرزهای فلسطین اشغالی ادامه پیدا کند، همه ی این صلحی که اینها با عربها کردند و دور میز نشستند، پوچ و بی معنا خواهد بود و کارشان به جایی نمیرسد. (1)

1377/2/12

در راه حق بودن و جهاد؛ دو شرط پیروزی

امروز بحمدالله حرکت حماس در دنیا شأن و جایگاهی پیدا کرده است. آن را شناخته اند و قبول کرده اند. چاره بی جز این نداشتند؛ چون حرکت حماس - همان طور که شما اشاره کردید - با جان و نفس نفیس وارد میدان شد. هر مجموعه از مجموعه های انسانی که دو شرط داشته باشد، پیروزی اش مسلم است: یکی اینکه در راه حق باشد؛ دوم اینکه در این راه جهاد کند. مادامی که جهاد هست؛ هیچ تدبیر، حيله، سیاست و حربه ی نمیتواند بر اینها غلبه کند. البته جهاد، انواعی دارد و در شرایط شما در سرزمین اشغالی فلسطین، همین که کسی بایستد و بگوید «من معتقد به فلسطینم»، این جهاد است؛ چون سیاست امریکا و صهیونیستها و دنیای طرفدار صهیونیستها این است که مسئله ی فلسطین را به فراموشی بسپارند. بنابراین، به عکس، باید این قضیه را زنده کرد. (2)

1378/10/10

انتفاضه؛ یعنی قیام در سرزمین مغضوب

«انتفاضه»، یعنی قیام و شورش در داخل سرزمین و وطن مغضوب. از این قیام میترسند؛ چون برایشان خیلی مهم است. البته سعی میکنند مطلب را آن چنان که هست، منعکس نکنند؛ اما مبارزات مردم فلسطین

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار شیخ احمد یاسین، رهبر حماس.

ص: 299

کوبنده بودن انتفاضه و مبارزات مردم فلسطین در داخل سرزمینهای اشغالی

در داخل سرزمین فلسطین، برای رژیم صهیونیستی شکننده و کوبنده است؛ ستون فقراتشان را میشکافد. چرا؟ به خاطر اینکه اینها به یهودیانی که از سراسر دنیا در این منطقه جمع کرده اند، وعده دادند که در اینجا امنیت و راحتی و زندگی خوش هست و گفتند بیاید در اینجا آقایی کنید؛ اما حالا اینها طاقت برخورد با این نسل نوحاسته و صاحبان اصلی این سرزمین را که امروز بیدار شده اند، ندارند. ارکان نظام صهیونیستی متزلزل است؛ لذا اینها الان مجبورند که با دولتهای منطقه هرطور هست، مسئله ی صلح را تمام کنند، تا بتوانند به مسئله ی داخلی خودشان برسند. (1)

1379/3/14

روزی که رژیم صهیونیستی وارد جنوب لبنان شد و این منطقه را اشغال کرد، به قصد این نیامد که یک روز از اینجا بیرون برود. احتیاطاً تا بیروت هم آمدند و خودشان را به بیروت هم رساندند؛ منتها نمیخواستند آن قسمتها را نگه دارند. تصمیم قطعی رژیم صهیونیستی این بود که بخش جنوب لبنان را نگه دارد و جزو پیکره ی قلمرو غصبی خودش قرار دهد. همچنان که یک روز بخش کوچکی از فلسطین را اشغال کردند، بعد بتدریج بخشهای دیگر را هم به آن ملحق و منضم کردند و همه ی فلسطین را اشغال کردند؛ بعد قسمتی از کشور اردن را هم اشغال کردند؛ بعد قسمتی از لبنان را هم اشغال کردند؛ لذا قصدشان این نبود که از اینجا خارج شوند؛ تصمیم قطعی داشتند که بمانند. در مقابلشان چه بود؟

مقاومت و مبارزه ی مردمی؛ عامل شکست اسرائیل و پیروزی لبنان

در مقابلشان نیروی مردمی تهیدست بدون هیچ گونه تجهیزات در لبنان بود؛ یعنی نیروی حزب الله، نیروی مقاومت مسلمانان، نیروی آحاد مردمی که مبارزانه ی روزمره ی رژیم صهیونیستی را تحمل کردند. سالها طول کشید، اما نتیجه به پیروزی نیروی انسانی یی که متکی به ایمان و اراده بود، تمام شد. یک بار دیگر آن تصویری که قدرتهای استکباری میخواستند از آرایش عوامل اثرگذار به ذهنها القا کنند، باطل

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز جهانی قدس.

ص: 300

شد و معلوم گردید که نخیر؛ این طور نیست که هرکس سلاح و قدرت نظامی دارد، هرکس قدرت تبلیغات بین المللی و جهانی دارد، لزوماً موفق خواهد شد. اگر در دو، سه سال قبل، به آحاد مردم و به خود صهیونیستها و پشتیبانانشان گفته میشد که همین جوانان مؤمن حزب الله در لبنان بر شما صهیونیستها پیروز خواهند شد، شما را از اینجا بیرون خواهند کرد، سرزمین خودشان را از شما به زور پس خواهند گرفت، کسی باور نمی کرد؛ اما همین مطلبی که باور نمیشد، اتفاق افتاد! يك جنگ سریع اتفاق نیفتاد؛ اما يك مبارزه و مقاومت طولانی چند ساله اتفاق افتاد. نیروی اراده و نیروی ایمان، بر آن چیزی که زرق و برق آن چشمها را خیره میکرد، فائق آمد.

من عرض میکنم ملت عزیز ایران! ملت شجاع و جوان و مؤمن و با اراده و مجرب ما! به ملتهای دیگر هم خطاب میکنم و میگویم که این حادثه، این واقعه، این تجربه ی عظیم قرآنی و مکرر اتفاق افتاده، باز هم ممکن است اتفاق بیفتد. در کجا؟ در خود فلسطین. امروز تحلیلگران سیاسی این مطلب را بسیار مستبعد می‌شمارند. اگر کسی بگوید همین نیروی ایمان و اراده ی مردمی بر دولت غاصب و مستکبر ظالم صهیونیستی ممکن است فائق آید، بعضی افراد این را ممکن است بسیار بعید بشمارند؛ بعضی حتی ممکن است آن را محال بدانند؛ اما نه، محال نیست؛ ممکن است این اتفاق بیفتد.

لزوم توجه و درس آموزی از تجربه ی پیروزی لبنان در فلسطین

این تکرار همان تجربه یی است که در صدر اسلام مکرر اتفاق افتاد؛ در پیروزی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد؛ در جنگ تحمیلی اتفاق افتاد؛ در ثبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نظام جمهوری اسلامی در طول این بیست و یک سال اتفاق افتاد؛ در لبنان هم اخیراً اتفاق افتاد. این تکرار همین تجربه است. يك عامل هم بیشتر ندارد؛ و آن اینکه ملت فلسطین به نیروی ذاتی خودش تکیه کند و خسته نشود. ایمان و اراده و انگیزه و امید مردم فلسطین از آنها گرفته نشود. همچنان که بعد از بیست و دو سال جنوب لبنان برگشت، بعد از گذشت چندین سال ممکن است بخشهایی از فلسطین اشغالی و در نهایت همه ی فلسطین اشغالی به مردم فلسطین برگردد. امروز عده یی این را بسیار

بعید می بینند؛ دیروز هم عده بی آزاد شدن جنوب لبنان را بعید و محال میدانستند؛ اما شد!

اراده، ایمان، عزم، مقاومت و ایثار؛ از عوامل مؤثر در پیروزی

اگر سی سال پیش در این کشور کسی میگفت ممکن است رژیم پهلوی به وسیله ی این مردم نابود شود و از بین برود، هیچ کس باور نمیکرد. اگر میگفتند به جای رژیم طاغوتی پهلوی، یک نظام اسلامی سر کار خواهد آمد، هیچ کس باور نمیکرد؛ اما این چیز غیر قابل باور به حسب ظاهر، اتفاق افتاد و معلوم شد که آرایش حقیقی نیروهای اثرگذار در تحوّل سیاسی و اجتماعی انسانها، غیر از آن چیزی است که چشمهای ظاهربین می بینند و تبلیغات استکباری میخواهد آن را آن طور وانمود کند. نیروهای اثرگذار، عبارتند از: اراده ی انسانی، ایمان انسانی، تصمیم گیری، ایثار پیشروان و رهبران و خسته نشدن آنها.

آری؛ اگر ملت فلسطین زمام کار خود را به دست کسانی بدهد که نشان دادند لایق صحنه ی فلسطین نیستند؛ نشان دادند که حقیرتر از آنند که بخواهند مسئله یی به عظمت مسئله ی فلسطین را بر دوش گیرند و بروند سازش کنند و نقش ایادی و مزدوران رژیم صهیونیستی و امریکا را ایفا کنند؛ البته نتایجی به دست نخواهد آمد. اما اگر همچنان که امروز در صحنه ی فلسطین مشاهده میکنیم؛ انسانهای مؤمن، جوانان مؤمن، رهبران مؤمن، آدمهای خسته نشو، کسانی که دلهایشان به نور ایمان - ایمان به قرآن و ایمان به اسلام - روشن و منور است، وسط صحنه باشند و جوانان دور اینها جمع شوند و ایمانشان را از ایمان آنها تغذیه کنند - کما اینکه امروز چنین میکنند - این حرکت پیش خواهد رفت و بدانید که یک روز مردم دنیا شاهد آن خواهند بود که فلسطین به صاحبان اصلی آن - از مسلمان و مسیحی و یهودی - برخواهد گشت. (1)

1379/7/10

الان بیش از پنجاه سال است که فلسطین در دست دشمن است. سالهایی باید طول بکشد تا این سرزمین به صاحبانش برگردد. شاهد

(1). در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (رحمه الله).

ص: 302

بودیم که خیلی از نقشه های جغرافیایی دروغی و تصنعی، در مقابل چشممان عوض شد. این جمهوریهای شوروی، چون با زور و تحمیل به وجود آمده بود، بعد از گذشت هفتاد، هشتاد سال عوض شد و به حال اول برگشت. يك زمان این امر را مُحال میدانستند، ولی دیدند که مُحال نیست. امروز هم عدّه یی، برگشتن فلسطین به مردم فلسطین را امری مُحال میدانند، اما مُحال نیست. این، ممکن است و اگر این مبارزه را دنبال کنیم، قطعی است و اگر ما هم نکنیم: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ (1). (2)

1379/7/29

رژیم صهیونیستی در سرزمین مغضوبِ فلسطین، يك رژیم نژادپرست است. مگر از يك رژیم نژادپرست میشود انتظار عدالت داشت؟! رژیمی که به وسیله ی قدرتمندان سیاسی و اقتصادی دنیا به وجود آمده است؛ اصلاً برای این به وجود آمده است که نگذارد دنیای اسلام، اتّحادی به خود ببیند، عزّتی به خود ببیند؛ نگذارد مسلمانها يك واحد عظیم تشکیل دهند که مبادا خطر بشوند؛ برای این اصلاً به وجود آمده است، از او میشود انتظار انصاف و عدالت داشت؟! ساده لوح اند کسانی که خیال میکنند میشود با این رژیم گفتگو کرد. هر گفتگویی برای رژیم صهیونیستی به منزله ی باز کردن يك میدان برای جلو آمدن اوست. دیروز او را در گفتگوها کمک کردند، امروز آمدند مدّعی مسجداً الاقصی شدند! وقتی انسان نداند که با چنین موجود زورگویی چگونه باید رفتار کرد و بخواهد تحت تأثیر فشارهای امریکا و صهیونیستهای قدرتمند و پولدار دنیا تصمیم بگیرد، همین میشود؛ آحاد ملّت بالاخره خودشان به میدان آمدند.

ایستادگی و مبارزه؛ تنها راه بازیابی شرف، هویت و استقلال

من به برادران و خواهران فلسطینی عرض میکنم: جهادتان را ادامه دهید؛ ایستادگی تان را ادامه دهید؛ بدانید هیچ ملّتی جز به وسیله ی

(1). سوره ی مائده، آیه ی 54؛ ترجمه: «... خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند.»

(2). در دیدار خالد مشعل.

ایستادگی و مبارزه، نمیتواند شرف خود و هویت خود و استقلال خود را به دست آورد. به هیچ ملّتی، دشمن با التماس چیزی نخواهد داد. هیچ ملّتی به خاطر ضعیف بودن و گردن کج کردن در مقابل دشمن، به چیزی نمیرسد. هر ملّتی که در دنیا به جایی رسیده است، به خاطر عزم و اراده و ایستادگی و سینه سپر کردن و سر را بالا نگه داشتن رسیده است. بعضی از ملّتها این توان را ندارند؛ اما آن ملّتی که به اسلام معتقد است، آن ملّتی که به قرآن معتقد است، آن ملّتی که به وعده ی خدا معتقد است، آن ملّتی که معتقد است «لَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يُّنْصِرُهُ» (1) - هرکه خدا و دین خدا را یاری کند، خدا با تأکید او را یاری خواهد کرد - این توانایی را دارد. (2)

1379/9/25

تأثیر مبارزات مردم فلسطین در به چالش کشیدن امتیت اسرائیل

با این قیام (3)، تمام محاسبات دولت غاصب صهیونیست به هم ریخته است؛ چون اساس محاسبات آنها بر این استوار بود که ملّت فلسطین بعد از آن فشارهای اوّل کار و بعد از تبعید بیش از نیمی از مردم اصلی فلسطین به خارج از کشورشان و گذشتن سالهای متمادی، دیگر حال و حوصله و عزم و نشاط و جانِ مقابله را نخواهد داشت. در حال حاضر این محاسبات، غلط از آب درآمده و این پایه به هم ریخته است. وقتی هزاران هزار مردمی که در خود فلسطین هستند - نه گروه های فلسطینی خارج از مرزهای اصلی فلسطین که در لبنان یا اردن یا جاهای دیگر هستند - مصمّم باشند با آن نظام مبارزه کنند، دیگر آن فضای امنی که برای خودشان به عنوان بهشت موعود در نظر گرفته بودند و مهاجران غیرفلسطینی - یعنی یهودیان سرتاسر دنیا - را به آنجا کشانده بودند، وجود نخواهد داشت. امروز محاسبات به هم خورده است؛ لذا می بینید که دولتشان مجبور شد استعفا دهد. (4)

(1). سوره ی حج، آیه ی 40.

(2). در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی - رزمی یاران امام علی (علیه السلام).

(3). قیام انتفاضه.

(4). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 304

نقش جهاد در پیروزی غیرقابل تردید ملت بیدار فلسطین

امروز ملت فلسطین قیام کرده است. آن روزی که ملت فلسطین خواب بود، سرنوشت و تقدیرش همان چیزی بود که اتفاق افتاد؛ اما امروز که ملت فلسطین بیدار شده است، سرنوشت و تقدیر او پیروزی است. ممکن است این جهاد، جهادی طولانی باشد؛ اما پیروزی، غیرقابل تردید است. اگر ما نکنیم، خدای متعال بندگان دیگرش را به کار وادار خواهد کرد. این وظیفه ی امروز ماست؛ امیدواریم که بتوانیم این وظیفه را انجام دهیم. امروز دولتهای اسلامی وظیفه دارند به آنها کمک کنند - کمک سیاسی، کمک مالی، کمک تبلیغاتی - روز قدس امسال بحمدالله نشان داد که در همه ی دنیای اسلام، ملتها تا آنجایی که میتوانند، به این وظیفه پای بندند. (1)

1380/2/1

پیروزی حتمی مردم فلسطین؛ نتیجه ی مجاهدت امروز فلسطینها

یقیناً این منطقه یی که اسمش فلسطین است، اسمش فلسطین خواهد ماند و در اینجا بلاشک دولت فلسطینی روی کار خواهد آمد. در این هیچ تردیدی نیست. یک روز فلسطینها و عربهای دوروبرشان سستی کردند. این احساسی که امروز وجود دارد، آن روز موجود نبود، و الا امکان نداشت که دولت اسرائیل تشکیل شود. اگر این مجاهدتی که امروز هست، در آن روز هم میبود، نه توطئه و کمکهای انگلیسیها کار آمد میشد و نه سلاحهایی که به یهودیها دادند، میتوانست کاری انجام دهد. اصلاً این دولت تشکیل نمیشد. آن زمان کوتاهی کردند، نتیجه اش این شد.

همان طور که مردم مؤمن در اطراف امیرالمؤمنین (علیه السلام) کوتاهی کردند، نتیجه اش اوضاع دوره ی امام حسن (علیه السلام) شد؛ آنجا کوتاهی کردند، نتیجه اش اوضاع دوره ی امام حسین (علیه السلام) شد و شهادت آن حضرت پیش آمد؛ باز کوتاهی کردند، نتیجه اش امتداد دوران غربت حق شد؛ و الا طبق روایات، بنا نبود که حکومت حق بعد از امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا

(1). در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر.

ص: 305

آخر دوره ی ائمه (علیهم السلام) آن طور غریب بماند. منتها وقتی کوتاهی میکنند، این اتفاق می افتد. دست خود مردم و مؤمنین بحق است؛ اگر آنها کار کنند، نتیجه را خدای متعال مترتب خواهد کرد. اگر کاری میکردند که امام حسین (علیه السلام) کشته نشود و آن وضعیّت در کربلا پیش نیاید، پاداشی که خدای متعال به آنها میداد، حکومت حق بود؛ اما روایت دارد که فلما قتل الحسین اشتد غضب الله علی اهل الأرض. (1) اشتداد «غضب الله» نتیجه اش همین است که حکومت عقب می افتد، عزّت ایمان و اهل ایمان به تأخیر می افتد. این کار خود ماست؛ ما کرده ایم؛ دست خود ماست، هرچه که پیش آمده.

وقتی از طرف مقابل حرکت کردیم، خدای متعال هم راه را باز میکند و پیروزیها و پاداش مجاهدتها را میدهد. راه در همین مبارزه است؛ راه در ایستادگی است؛ راه در خدمت به اهداف الهی است؛ که الحمدلله شما هم امروز در همین راه هستید. هویت حزب الله، همین هویت اقدام در راه خدا و برای خدا و جهاد فی سبیل الله است؛ که الحمدلله تا به حال شما به بهترین وجهی این کارها را انجام داده اید و امروز از همیشه هم بهتر است؛ یعنی روزبه روز بهتر شده و امروز هم خوب است. (2)

1380/12/21

انتفاضه ی برگرفته از درس حسینی؛ تنها راه گشا در مسئله ی فلسطین

امروز امر گره گشا در مسئله ی فلسطین، درس حسینی است. اکنون داخل سرزمینهای فلسطین، تنها چیزی که میتواند این مردم را نجات دهد، همین راهی است که در پیش گرفته اند؛ یعنی راه «انتفاضه». انتفاضه میتواند رژیم صهیونیستی را پا در گل کند؛ همان طور که اکنون تا حدود زیادی این کار را کرده است و اگر ادامه یابد، این تنها راه است و هیچ راه دیگری وجود ندارد. در ایام محرم، نام، یاد و مجاهدات فلسطینی و جنایات عجیب رژیم صهیونیستی در این روزهای اخیر را زنده کنید. این کار، در جهت حرکت امام حسین (علیه السلام) است. (3)

(1). اصول کافی، ج 1، ص 368؛ بحار الانوار، ج 4، ص 114، باب کراهیه التوقیت، ح 1.

(2). در دیدار دبیرکل و اعضای حزب الله لبنان.

(3). در پایان درس خارج فقه.

ص: 306

انتفاضه؛ چالش امنیتی اسرائیل

همه ی امید تندروان صهیونیست به همین درنده یی بود که امروز در رأس قدرت و در رأس دولت و در آن حکومت جعلی و دروغین است. (1) امیدشان به این بود که این با چکمه ی آهنین بیاید و با مشت پولادین و سرنیزه بتواند مردم فلسطین را که به پا خاسته اند، به زانو درآورد و انتفاضه را خاموش کند؛ لکن از روزی که این آمده است، روزه روز انتفاضه شعله ی بیشتری پیدا کرده است. این آخرین امیدشان بود. در داخل خودشان الان اختلاف است. آن کسانی که از راه های دور آمده بودند تا در این سرزمین و کشور مغضوب با امنیّت زندگی کنند، امروز در فکر برگشتن اند. بسیاری از آنها در حال بازگشتن اند و دیگر کسی جرأت نمیکند بیاید. بی روحیّه اند، احساس ضعف میکنند و بین خودشان اختلاف است. از آینده ی خودشان ناامیدند و افق روشنی در آینده ی خود نمی بینند. این صهیونیستهای غاصب، سراسیمه و شتابزده اند و کارها و حرفهایشان این را نشان میدهد. اگر این حوادث برای ملت فلسطین تلخ و اندوهبار است، برای دشمن آنها هم خیلی تلخ است.

این آیه ی شریفه ی قرآن چقدر گویاست: **إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنْ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ؛** (2) اگر شما در این مبارزه دچار درد و الم میشوید، دشمن هم دچار درد و الم میشود؛ او هم زخم میخورد، سخت تر از شما.

تفاوت در این است که ملت فلسطین افق روشنی در مقابل دارد؛ لکن غاصب صهیونیست این افق روشن را ندارد. ملت فلسطین افق روشنی دارد که میتواند خودش را به آنجا برساند؛ با تلاش و سعی و کوششی که همه بکنند. (3)

(1). آریل شارون.

(2). سوره ی نساء، آیه ی 104. ترجمه: «اگر شما درد و رنج می بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می بینند؛ ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند.»

(3). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

عملیات استشهادی؛ اوج ایستادگی و شجاعت

برای مواجهه با ظلم فجیعی که این روزها نسبت به مردم فلسطین اعمال میشود، دوراه علاج وجود دارد. این دوراه علاج اجتناب ناپذیر است و باید همه آن را قبول کنند و از این دوراه بروند:

راه اول، ادامه ی انتفاضه و ایستادگی مردم فلسطین است، که بحمدالله تاکنون ایستاده اند. اوج این ایستادگی، همین عملیات استشهادی است. اینکه يك مرد، يك جوان، يك پسر و يك دختر حاضر میشود برای منافع و مصالح ملت و دینش، جان خود را فدا کند، اوج افتخار و شجاعت و شهامت است؛ این همان چیزی است که دشمن از آن میترسد. لذا شما ملاحظه کردید، از رئیس جمهور امریکا گرفته تا همه ی کسانی که در سراسر دنیا در خط امریکا کار میکنند و حرف میزنند، سعی کردند با شماتت و ملامت و فلسفه بافی، عملیات استشهادی را متوقف کنند. نه؛ عملیات استشهادی اوج عظمت يك ملت و اوج حماسه است. آنجایی که يك نیروی نظامی با کمال فداکاری از میهن خود دفاع میکند، مگر عملیات استشهادی نیست؟ آنجایی که يك ارتش ظالم و ستمگر به يك کشور تجاوز میکند و مردم آن کشور در مقابل آن ارتش می ایستند، مگر آنجا عملیات استشهادی نیست؟ کیست که بتواند چنین کاری را محکوم کند؟ کیست که بتواند از عظمت و ارزش این کار در چشم انسانهای باوجدان و باانصاف بکاهد؟ عملیات استشهادی، اوج عظمت آنهاست. حالا عده بی بنشینند برای خودشان بگویند و بنویسند و ملتی را که پنجاه سال است به خاطر کوتاهی گذشتگانش و به خاطر عدم توجه نسل قبلی خودش به منافع بلند مدت، الان مجبور است با جان خود به میدان بیاید تا حقوق خود را زنده کند، ملامت کنند؛ مگر این در حال آن ملت تأثیر دارد؟ ملت فلسطین، زنده و بیدار است و پیش میرود. (1)

(1). در دیدار گروه زیادی از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته ی معلم.

حضور ملت فلسطین در صحنه؛ ضامن پیروزی

برادران و خواهران! امروز مبارزه ی مردم فلسطین روی محور خود قرار گرفته است؛ همان محوری که امید پیروزی در پیمودن آن است؛ یعنی ملت به صحنه آمده است. اسرائیل، یک رژیم جعلی و غیرقانونی و غاصب است. با زور و ظلم و ترفند آمدند یک کشور را از دست مردمش گرفتند. بنابراین هر گونه مذاکره یی که بر اساس اعتراف به وجود این رژیم باشد، نامشروع و ناپایدار است.

مذاکرات نامشروع و ناپایدار با رژیم صهیونیستی

البته امروز ملت فلسطین واقعیت صحنه را خوب درک کرده و فهمیده است که زبان زور، تنها زبانی است که اشغالگران بیت المقدس و کشور فلسطین به آن معتقدند. ملت فلسطین میدانند هر گونه مذاکره و قراردادی، برای او خسارت به بار خواهد آورد؛ لذا وارد میدان شده است.

مبارزه ی نابرابر جوانان فلسطینی با اشغالگران

مبارزه یی که امروز ملت فلسطین شروع کرده است، مبارزه ی یک ارتش با یک ارتش دیگر نیست، تا ما بگوییم او چند دستگاه تانک دارد، این چند دستگاه تانک دارد؛ او بیشتر دارد یا این بیشتر دارد؛ مبارزه ی تنها و جسمها و جانهای افرادی است که از مرگ نمیترسند. هر جوان فداکاری که در مقابل رژیم اشغالگر قرار میگیرد، به قدر یک لشکر، آنها را تهدید میکند. جواب این انسان را دیگر تانک و موشک و هواپیما و هلیکوپتر آپاچی نمیدهد. وقتی یک انسان - ولو یک نفر - از مرگ نترسید و خود را برای فداکاری در راه خدا و در راه وظیفه آماده کرد، برای دنیاداران بی انصاف بزرگ ترین خطر میشود. لذا شما دیدید در مقابل این جوانان شهادت طلب، امریکاییها در بالاترین سطح، صریحاً موضع گیری کردند. من میگویم این موضع گیری ها فایده یی ندارد. این شهادت طلبی از روی احساسات نیست؛ از روی اعتقاد به اسلام و روز قیامت و ایمان به زندگی بعد از مرگ است. هر جا اسلام به معنای حقیقی خود وجود داشته باشد، این خطر علیه استکبار وجود دارد.

راه حل مسئله ی فلسطین، راه حلهای تحمیلی و دروغین نیست. تنها راه حل مسئله ی فلسطین، این است که مردم واقعی فلسطین - نه مهاجران غاصب و اشغالگر - چه آنهایی که در داخل فلسطین ماندند،

چه آنهایی که در بیرون فلسطین هستند، خود نظام حاکم بر کشورشان را تعیین کنند. اگر اتکا به آرای يك ملت از نظر مدعیان دموکراسی در دنیا حرف راستی است، ملت فلسطین هم يك ملت است و باید تصمیم بگیرد. رژیم غاصبی که امروز در سرزمین فلسطین بر سر کار است، هیچ حقی بر این سرزمین ندارد؛ يك رژیم جعلی، دروغین و ساخته ی دست قدرتهای ظالم است. بنابراین از مردم فلسطین نباید بخواهند این رژیم را به رسمیت بشناسند. اگر کسی در دنیای اسلام این اشتباه را بکند و این رژیم ظالم را به رسمیت بشناسد، علاوه بر اینکه برای خود روسیاهی و ننگ به وجود خواهد آورد، کار بی فایده یی هم کرده است؛ چون این رژیم قابل دوام نیست. صهیونیستها خیال میکنند توانسته اند بر فلسطین مسلط شوند و تا ابد فلسطین متعلق به آنهاست! نخیر؛ این طور نیست. سرنوشت فلسطین این است که قطعاً يك روز کشور فلسطین خواهد شد. ملت فلسطین در این راه قیام کرده است. وظیفه ی ملتها و دولتهای مسلمان این است که این فاصله را هر چه بیشتر کم کنند و کاری کنند که ملت فلسطین به آن روز برسد. (1)

1381/5/28

سنت الهی؛ پیروزی در سایه ی مقاومت

مقاومت لبنان و فلسطین، يك حرکت بر حق است و پیروزی آن جزو سنتهای الهی است و این سنت، تغییرناپذیر است. آنچه لازم است ما به آن توجه داشته باشیم، ادامه ی عزم راسخ و فعالیت و تلاش ماست. خدای متعال و سنتهای الهی به هیچ ملت تبیل و دست شسته ی از وظیفه، کمک نخواهد کرد. وضعی که امروز ما مسلمانها و دنیای اسلام و دنیای عرب با آن دست به گریبانیم، نتیجه ی سستیهای گذشته ی ماست. اگر دنیای اسلام و جهان عرب به وظیفه ی خود عمل کنند، مسلماً خدای متعال واقعیات زندگی را به سود آنها عوض خواهد کرد. خیلی چیزها در محاسبات ما مستبعد به نظر میرسد، لیکن در محاسبات واقعی عالم بعید نیست.

(1). در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (رحمه الله).

ص: 310

هیچ کس در بیست و سه سال قبل باور نمی‌کرد نظام وابسته و فاسد طاغوتی در ایران از بین برود و به یک نظام اسلامی تبدیل شود. حوادث لبنان و حوادث کنونی فلسطین را هم هیچ کس نمیتوانست در محاسبات خودش بگنجانند؛ اما امروز واقعیت این است که رژیم صهیونیستی دچار بن بست است و پشت سر او امریکاییها با بن بست مواجه اند. نعره های مجنونانه یی که علیه کشورهای این منطقه میکشند، فریاد یک جبهه ی پیروز نیست؛ عکس العمل های بن بستی است که امروز استکبار و امریکا و صهیونیسم با آن مواجه اند. با عزم راسخی که ملت مبارز لبنان دارد - بخصوص مقاومت و حزب الله دارای این عزم هستند - و همچنین عزم راسخی که ملت فلسطین دارد، ما مطمئن هستیم که در آینده، حوادث به سود شماها خواهد بود. وحدت نیروهای مقاومت و نیروهای طرفدار مقاومت را حفظ کنید. عزم راسخ و امید و ایمان خودتان را حفظ کنید، که البته حفظ خواهید کرد. (1)

1382/7/21

درماندگی اسرائیل در برابر عملیات استشهادی

شما ببینید یک دختر بیست و سه ساله ی تحصیلکرده ی باسواد، وکیل دادگستری، باحجاب جلوی دوربین تلویزیون می ایستد و میگوید: «من به نام خدا میخواهم بروم جان خود را فدا کنم، برای اینکه به دشمن ضربه بزنم.» بعد هم می‌رود ضربه اش را میزند و خسارت سنگینی بر آنها وارد میکند و روحش هم به بهشت می‌رود. (2) این را می بینند؛ درمانده اند چه کار کنند. از سال 1948 تا امروز پنجاه و پنج سال میگذرد؛ اما امروز وضعیت اسرائیل از همه ی این سالها بدتر است. یک مدّت دوران کرکری خواندن صهیونیستها بود؛ بر فلسطین مسلط شده بودند و میکشند، میزدند، خانه ها را تصرف میکردند، شهرها را خالی میکردند، تهدید میکردند، دیر یاسین ها را قتل عام میکردند؛ بعد هم در دو سه جنگ، دولتهای عرب را شکست دادند. مدّت کوتاهی سازمان

(1). در دیدار دسته جمعی دوشنبه ها.

(2). هنادی تیسیر جرادات که طیّ عملیات شهادت طلبانه در 2003/10/4 در شهر حیفا (در اراضی اشغالی سال 1948 م) ضمن انتقام خون شهدای بی گناه فلسطینی، به شهادت رسید.

ص: 311

آزادبخش فلسطین بروز کرد و از سال 1967 چند سالی مایه ی تهدید برای صهیونیستها شد. منتها اینها مبارزانی بودند در بیرون فلسطین، نه در داخل فلسطین. در سوریه و اردن و لبنان پخش بودند؛ از آنجا می آمدند، ضربه میزدند و میرفتند. این کجا؛ اینکه يك مبارز در داخل سرزمین اشغالی زندگی میکند و همه چیز زیر چشم دشمن باشد، کجا؟ وانگهی، آنها يك عدّه معدود بودند، ولی اینها يك ملتند.

من در تلویزیون تظاهرات مردم یکی از شهرهای فلسطین را نگاه میکردم؛ میدیدم پسر بچه های ده، دوازده ساله فراوان بودند. گفتم اسرائیل مبارزه ی بزرگسالها را علاج میکند، اینها را چه کار میخواهد بکند؟! هر کدام شیر درنده یی هستند که بزرگ میشوند و قدرت پیدا میکنند برای اینکه پنجه بیندازند و گلوی متجاوز را بفشردند. مگر شوخی است و مگر تمام میشود؟(1)

1382/7/28

مستأصل شدن دولت اسرائیل در مقابل مجاهدت فلسطینها

امروز مجاهدت فلسطینها حقیقتاً دولت اسرائیل را تکان داده و در موقف بسیار سخت و دشواری قرار داده است. بعضی افراد میگویند فلسطینها پنجاه سال است مبارزه میکنند، اما به نتیجه یی نرسیده اند. به نظر من این حرف درست نیست. اگر فلسطینها پنجاه سال مبارزه کرده بودند، الان دنیا وضع دیگری داشت؛ مبارزه نکردند که این بلا سر خودشان و سر این منطقه آمد، و الا مبارزه یی که در سه چهار سال اخیر میکنند، اگر قبلاً کرده بودند، اصلاً اسرائیل به این صورت شکل نمیگرفت. علی ای حال امروز فلسطینها کار بزرگی انجام میدهند و وظیفه ی همه است که اینها را حمایت و به اینها کمک کنند؛ این به نفع همه است. البته امریکاییها پشت سر اسرائیلیها، صورت عبوس و اخم آلودی به این کار نشان میدهند. طبیعی است که آنها این موضع را بگیرند؛ چون فرو ریختن و شکست خوردن برای سیاست استکباری امریکا در این منطقه، شکست بزرگی است. به نظر ما این جزو چیزهای ممکن عالم است؛ جزو محالات نیست.(2)

(1). در اجتماع باشکوه مردم استان زنجان.

(2). در دیدار رئیس جمهور الجزایر.

ص: 312

مبارزه؛ تنها راه نجات از دست دشمن اشغالگر

اگر کسی مسائل فلسطین را هرچه بیشتر مرور و تعمق کند، بیشتر این معنا برایش واضح میشود که دولت امریکا و صهیونیستها در فلسطین به بن بست کامل رسیده اند؛ نه راه پیش رفتن دارند، نه راه عقب گرد کردن؛ محکوم به شکست هستند. نسل نوحاسته ی فلسطین بیدار شده و فهمیده است که راه نجات از دست دشمن اشغالگر، چیزی جز مبارزه نیست؛ فهمیده است که حضور در جلسات جهانی و برطبق میل اشغالگران و حامیان آنها حرف زدن، راه نجات فلسطین نیست؛ فهمیده است باید بایستد، بخواهد، همت و فداکاری کند، تا به هدف برسد. این را ملت فلسطین از بُن دندان دانسته و فهمیده است؛ لذا مقاومت میکند. وقتی سرچشمه ی این احساس از منشأ دینی و اعتقاد به توحید ناشی شود - که امروز بحمدالله در فلسطین این طور است - هرگز خشک نخواهد شد. امیدواریم خدای متعال روز پیروزی فلسطینیها را هرچه نزدیک تر بفرماید. (1)

1384/3/10

عقب نشینی مدعیان مبارزه، به بهانه ی نوگرایی و تغییر تاکتیک

بنده طرفدار تحجر نیستم؛ طرفدار نوگرایی هستم. نوگرایی در روشهاست. ممکن است روشها تغییر پیدا کند؛ اما با تغییر روشها اصول تغییر پیدا نمیکند و خودش را آشکار نشان میدهد. روشی که به عنوان نوگرایی رو می آید و انسان می بیند اصول گم شد، باید بفهمد که آن روش، غلط است. تاکتیکی که ما را از استراتژی دور میکند، پیداست که غلط است.

بنده زمان ریاست جمهوری به یکی از کشورهای مسلمان مدعی مبارزه ی با اسرائیل رفتم و با رئیس آن کشور گفتگو کردم. او قبلاً گفته بود ما حاضریم با زمامداران اسرائیل ملاقات کنیم و مراوده داشته باشیم! من به او گفتم این چه حرفی است که از قول شما نقل شده است. به معاونش نگاهی کرد و بنا کردند قاه قاه خندیدن! من با خودم گفتم لابد جواب مهمی دارند. گفتند: بله، این حرفها تاکتیک بود!

(1). در خطبه های نماز عید سعید فطر.

ص: 313

گفتم عجب؛ تاکتیکی است که انسان را از اصل اهداف دور میکند! مبنای کار شما تحریم اسرائیل بود؛ شما میخواستید اسرائیل در محیط اسلامی و عربی به صورت یک سگه ی رایج درنیاید؛ اما به عنوان تاکتیک دارید درست عکس این را عمل میکنید. گاهی بعضیها به عنوان اینکه ما تاکتیک و روش خود را عوض کردیم، اصل راهبرد را دگرگون میکنند! باید مراقب باشید این طوری نشود. کسانی که این گونه عمل میکنند، غلط و برخلاف این عمل میکنند. (1)

1384/5/28

آزادی غزه؛ نتیجه ی مقاومت فلسطینها

عقب نشینی صهیونیستها از غزه بعد از 38 سال اشغال غزه، حادثه ی بسیار مهمی است. جالب است بدانید که این عقب نشینی یک انتخاب نبود که رژیم صهیونیستی انجام داد؛ این یک شکست و یک اجبار بود؛ از روی ناچاری و ناگزیری بود. الان فشار روانی این شکست روی همه ی ارکان ملت و دولت صهیونیستی اثر گذاشته و آنها را دارد تکان میدهد. بعضی از آنها قهر میکنند، بعضی شان اعتراض میکنند. چند روز پیش یک تظاهرات دویست هزار نفره در تل آویو به راه انداختند. متلاطم اند، اما چاره یی نداشتند.

عده یی میخواهند وانمود کنند که این عقب نشینی بر اثر مذاکره بود؛ این حرف، خیلی کودکانه است. در طول هفتاد سال اشغال فلسطین، صهیونیستها از یک متر خاک اشغالی با مذاکره عقب نشستند؛ مذاکره کدام است؟! این عقب نشینی بر اثر مقاومت فلسطینها بود. حادثه ی اول، عقب نشینی و فرار از جنوب لبنان بود؛ این هم حادثه ی دوم است که بر اثر مقاومت پیش آمد. ملت فلسطین بدانند، گروه های جهادی فلسطین بدانند؛ در این دام نیفتند که خیال کنند مذاکره، غزه را آزاد کرد؛ نخیر، مذاکره غزه را آزاد نکرد؛ هیچ نقطه ی دیگر را هم آزاد نکرد؛ تا ابد هم هیچ جا را آزاد نخواهد کرد. آنچه غزه را آزاد کرده، فشار مقاومت ملت فلسطین بوده است؛ آنها ناچار شدند.

نکته ی مهم دیگر این است که مسئله ی فلسطین با این عقب نشینی ها حل نخواهد شد؛ این را بدانند. هم امریکا بدانند، هم صهیونیستها

(1). در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه الله).

ص: 314

بدانند، هم کسانی که حالت دلّالی دارند و به شکل دلّال دارند عمل میکنند، بدانند که مسئله ی فلسطین این طوری حل نخواهد شد. اینکه از يك قسمت عقب نشینی کنند، بعد قضیه تمام شود، این نمیشود. کسی بیاید خانه ی شما را به زور اشغال کند، بعد از مدّتی يك اتاق كوچك را آن گوشه ی خانه به شما بدهد، بقیه ی خانه را هم به اسم خودش ثبت کند؛ مگر میشود چنین چیزی؟ فلسطین را گرفته اند؛ حالا ناچار شده اند از گوشه یی از فلسطین عقب نشینی کنند؛ کسی بگوید خیلی خوب، حالا که اینجا را دادید، پس دیگر بقیه ی فلسطین مال شما! مگر میشود چنین چیزی؟

مسئله ی فلسطین این طوری حل نخواهد شد. مسئله ی فلسطین فقط يك راه دارد؛ همان چیزی که ما چند سال پیش اعلام کردیم: از فلسطینیهای اصیل - چه آنهایی که داخل فلسطین هستند، چه آنهایی که در اردوگاه ها هستند، چه آنهایی که در کشورهای دیگر هستند؛ چه مسلمان باشند، چه یهودی باشند، چه مسیحی باشند، فرقی نمی کند؛ فلسطینی باشند - نظرخواهی کنند؛ هر دولتی که آنها خواستند، سر کار بیاید. آن دولت اگر مسلمان باشد، اگر مسیحی باشد، اگر یهودی باشد، اگر مخلوط باشد، چنانچه برخاسته ی از آرای خود فلسطینیها باشد، مورد قبول است و مسئله ی فلسطین را حل خواهد کرد. بدون این، مسئله ی فلسطین حل نخواهد شد. (1)

1385/1/25

امروز استکبار جهانی - که رئیس جمهور کنونی امریکا سخنگوی آن است - دنیای اسلام را صریحاً تهدید میکند و سخن از جنگ صلیبی میگوید. شبکه ی استکباری صهیونیسم و سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس در همه ی دنیای اسلام، سرگرم فتنه انگیزی اند. با پول و تشویق آنان، مقدّسات اسلامی در رسانه ها علناً اهانت میشود و حتّی سیمای ملکوتی پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) از جسارت سخیف آنان مصون نمیماند. هزارها فیلم سینمایی و بازی رایانه یی و امثال آن، با هدف

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 315

زشت نمایاندن چهره ی اسلام و مسلمین، تولید و روانه ی بازارها میشود و اینها همه علاوه بر جنایات آنان در تعرض به کشورهای اسلامی و کشتارهای فلسطین و عراق و افغانستان و دخالت طلبکارانه ی آنان در کشورهای اسلامی برای تأمین منافع نامشروع سیاسی و اقتصادی است.

مقاومت؛ تنها راه توصیه شده ی عقل و شرع

تسلیم در مقابل چنین دشمنی، کاملاً در نقطه ی مقابل حکم خرد؛ و مقاومت، تنها راه توصیه شده ی عقل و شرع است. ثانیاً، مبالغه در قدرت دشمن، خود یکی از ترفندهای اوست. پول و زور سیاسی و نظامی، و جنگ افزار مدرن و انبوه، دولتهایی را میترساند که از پشتوانه ی ملت خود محرومند. غلبه ی نظامی بر رژیمی مانند رژیم صدام که نه خود از پشتیبانی ملتش برخوردار بود و نه ارتشش بویی از ایمان و جهاد برده بودند، دلیل قدرت نیست. امریکا نتوانسته بر ملت عراق پیروز شود. عراق به همان اندازه که توانست داعیه ی دموکراسی خواهی امریکا را به محک بکشد و رسوا کند، توانست قدرت مطلق و شکست ناپذیر بودن آن را نیز به چالش بکشد و مسخره کند. ملتها و دولتهای متکی به ملت، اگر از سرمایه ی ایمان به خدا و ایمان به خود برخوردار باشند و مقاومت را پیشه سازند، هرگز شکست نخواهند خورد و تحمل سختیهای جهاد، پیروزی را به آنان هدیه خواهد کرد و افسانه ی دروغین شکست ناپذیری دشمن متجاوز را باطل خواهد ساخت. حال و گذشته ی نه چندان دور، این را به اثبات رسانده و از این پس نیز آن را ثابت خواهد کرد؛ ان شاء الله. (1)

1385/5/11

ایستادگی ملت لبنان و مجاهدت قهرمانانه ی حزب الله و اقتدار برخاسته از ایمان و صبر و توکل آنان، نماد دیگری از بیداری دنیای اسلامی و عزم راسخ آن در برابر دشمنیها و کین تویزها است. مشت پولادین جوانان مؤمن و شجاع و مظلوم لبنانی، اکنون بر چهره ی زشت متجاوزان فرود آمده و شیشه ی غرور مستانه ی آنان را شکسته است.

(1). در سومین کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین.

ص: 316

سیاست راهبردی امریکا، ایجاد ناامنی و بحران و جنگ در این منطقه است. بدانند که هرچه ناامنی را گسترش دهند، ملت‌ها را بر خود خشمگین تر و دنیا را برای خود ناامن تر خواهند کرد.

احیای روح مقاومت در دنیای اسلام؛ پیامد رفتار تجاوزگرانه ی امریکا و اسرائیل

رفتار و خوی تجاوزگرانه ی امریکا و اسرائیل، روح مقاومت را بیش از پیش در دنیای اسلام زنده خواهد کرد و ارزش جهاد را برای آنان نمایان تر خواهد ساخت.

مقاومت فداکارانه؛ تنها راه مقابله با گرگ وحشی صهیونیسم

دنیای اسلام و جوانان مسلمان در همه ی کشورهای اسلامی بدانند که راه مقابله با گرگ وحشی صهیونیسم و تجاوزگری شیطان بزرگ، جز مقاومت فداکارانه نیست. تسلیم و انقیاد در برابر دولتمردان ماجراجو و فتنه گر امریکا، بر طمع و جسارت آنان می افزاید و کار را بر ملت‌ها سخت تر میکند. اگر لبنان تسلیم تجاوز اسرائیل و امریکا میشد و اگر جوانان مجاهد حزب الله و مردم مظلوم جنوب، رنج این دفاع مقدس را به جان نمی‌خریدند، محنتی بلند مدت و ذلتی روز افزون همه ی ملت لبنان را تهدید میکرد و ادامه ی این روند تهاجمی، تمام این منطقه را در بر میگرفت. امروز حزب الله خط مقدم دفاع از امت اسلامی و همه ی ملت‌های این منطقه است. (1)

1385/5/17

مجاهدت دلیرانه ی حزب الله؛ يك نمونه از ایستادگی اسلامی

يك نمونه ی از ایستادگی اسلامی و مجاهدت اسلامی را شما امروز در لبنان مشاهده میکنید. این همان ارتش بی رحم جرّار صهیونیستی است که يك روزی به عنوان ارتش شکست ناپذیر معروف بود و در ظرف شش روز، ارتش‌های سه کشور اسلامی را شکست داد؛ اما امروز يك ماه است که با همه ی توان و با استفاده از تسلیحات امریکایی و کمک نظامی امریکا، خود را میکشد و مرتب از يك گروه مؤمن مجاهد لا تأخذه في الله لومة لائم (2)، تودهنی میخورد. این، نشان دهنده ی این است که امت اسلامی اگر دل به خدا بسپارد، میتواند دشمنان اسلامی را متوقف کند. (3)

(1). پیام در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان.

(2). احتجاج، ج 1، ص 101.

(3). در دیدار گروه های مختلف مردم به مناسبت میلاد باسعادت امام علی بن ابی طالب (علیهما السلام).

ص: 317

مقاومت و ایستادگی؛ تنها راه پیروزی

این پیروزی (1) از يك طرف و شكست از يك طرف، يك حادثه ی بزرگ بود و عبرتهایی هم با خودش دارد که ملت‌ها - چه دشمنان بخواهند، چه نخواهند - از این عبرتها استفاده خواهند کرد؛ یعنی ملت فلسطین، ملت عراق، ایران و ملت‌های دیگر، همه به چشم خودشان دیدند که راه مقاومت و ایستادگی، تنها راه پیروزی است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ ولو مقاومت کننده يك گروه كوچك باشد؛ ولو آن قدرتی که در مقابل آن مقاومت میشود، ارتش درجه ی يك دنیا باشد و از طرف امریکا هم حمایت بشود. هرچه باشد، این يك راز و سنت الهی است.

ایستادگی، وسیله ی پیروزی است، منتها کسانی که مقاومت میکنند، باید از خطرات مقاومت نترسند. اگر ترسیدند، در مقاومتشان اختلال پیدا خواهد شد و پیروزی به دست نخواهد آمد و این، آفت اغلب ملت‌ها و جماعات است، که وسط راه دچار ترس میشوند. اگر آن گروه، ملت و جماعتی که میخواهد مقاومت کند، از فقدان لذایذ زندگی، از فقدان حیات و از فقدان راحتی نترسد و آشفته نشود و پیش برود، بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است. این مقاومت وقتی با ایمان باشد، ادامه پیدا خواهد کرد.

لذا میگوییم و همیشه گفتیم که ایمان همراه با مقاومت، به دنبال پیروزی است. مراد ما فقط ایمان دینی هم نیست؛ ایمان به هر اصلی. البته اگر ایمان دینی باشد، آن وقت خدای متعال وعده کرده است که همه ی قوانین طبیعت و تاریخ در خدمت این مقاومتان قرار خواهد گرفت: مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ؛ (2) این مربوط به کسانی است که دنیا را میخواهند، تیششان دنیایی است؛ اما اراده دارند، میخواهند و خدا میدهد؛ و کسی که اراده ی دین دارد، همین طور است. كَلَّا نُمَدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ (3) این سنت الهی است.

(1). پیروزی حزب الله لبنان بر صهیونیست ها در جنگ سی و سه روزه.

(2). سوره ی اسراء، آیه ی 18. ترجمه: «آن کسی که زندگی زودگذر (دنیا) را میطلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم - و به هرکس اراده کنیم - میدهیم.»

(3). سوره ی اسراء، آیه ی 20. ترجمه: «هریک از این دو گروه را از اعطای پروردگارت، بهره و کمک میدهیم.»

این حادثه ی لبنان، درسی به همه ی مسلمانها داد و شما برادران و خواهران عزیز بدانید که بعد از قضیه ی لبنان، صفحه ی حوادث در این منطقه ورق خورده است و ممکن است آثارش بزودی معلوم نشود؛ اما بتدریج و در بلند مدت برای همه روشن خواهد شد. ملتها يك بار دیگر بعد از انقلاب اسلامی - که پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا تجربه شده بود - به چشم خودشان دیدند و تجربه کردند که راه پیروز شدن و راه نجات، جز مقاومت در مقابل زورگویان، متجاوزان و ستمگران نیست. (1)

1385/8/2

شکست اسرائیل؛ با ایستادگی و همت والا

لبنان و حزب الله قهرمان نشان دادند که با ایستادگی و با همت والا میتوان در مقابل اسرائیل ایستاد و اسرائیل را شکست داد. چیزی که به مخیله ی بعضی از سیاستمداران کشورهای اسلامی هم خطور نمیکرد، اما اتفاق افتاد؛ واقع شد؛ اسرائیل در سایه ی ایستادگی، مقاومت، توکل به خدای متعال و استفاده از همه ی ظرفیت و نیروی حزب الله و مردم لبنان شکست خورد. این يك نسخه ی عمومی و متعلق به همه ی دنیای اسلام است؛ هیچ تفاوت نمیکند. شرطش این است که ماها که مسئولان کشورهای اسلامی هستیم، منافع، خواستها و هواهای شخصی خودمان را در قضیه دخالت ندهیم و مصلحت امت و مصلحت کشور را در نظر بگیریم. اگر این شرط رعایت شود، این نتیجه، قطعی و حتمی است. (2)

1386/11/19

ملت غزه، ملت فلسطین، امروز با قدرت ایستاده اند؛ جای تحسین دارد؛ حقیقتاً باید این ملت را تحسین کرد. زیر این فشار عظیم اقتصادی از يك طرف، و تهاجم و کشتار و فاجعه آفرینی و تخریب و حملات گوناگون، آتشباری بر روی زن و کودک از يك طرف دیگر، در عین حال این ملت ایستاده اند. هدف آنها این است که بین این

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر.

ص: 319

ملت و بین دولت منتخبشان جدایی بیندازند و هر کار میخواهند بکنند و آن سیاست را اجرا کنند. نشستند آن کنفرانس تاریخی را - که کنفرانس بسیار ننگینی بود برای این منطقه - راه انداختند، نتیجه اش شد این. نتیجه ی نشستن با امریکا و با صهیونیست غاصب و درباره ی منطقه رایزنی کردن و تصمیم گیری کردن، همین است. رئیس جمهور امریکا آمد منطقه و رفت، این آتش به جان مرد و زن و کودک منطقه ی غزه افتاد؛ این محاصره، این کشتار.

مذاکره کردن با اینها - در حالی که هدف آنها روشن است در این منطقه - چه فایده یی دارد؟ دولتهای اسلامی باید تصمیم بگیرند؛ محاصره ی غزه را باید ابطال کنند. ملت و دولت مصر در این زمینه وظیفه ی بزرگی برعهده دارند؛ همه ی ملتهای مسلمان هم بایستی کمک کنند تا دولت و ملت مصر بتواند به وظیفه ی خودش در این زمینه عمل کند. يك زندان بزرگ يك ميليون ونيمي درست کنند و زن راه، کودک راه، بچه راه؛ از گرسنگی، از بی سیری، از تشنگی، از نبودن سوخت، از نبودن گرما در زمستان سخت، آن جور بیازارند؛ مزارعشان را نابود کنند، باغاتشان را نابود کنند، تجارتشان را از بین ببرند؛ به اینها اکتفا نکنند؛ حملات هوایی و زمینی هم بکنند. این قابل تحمل است؟ نباید غاصبان و پشتیبانانشان بتوانند از عناصر دیگری از فلسطینها علیه این مردم مظلوم استفاده کنند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، این ننگ بر روی پیشانی آنها تا ابد خواهد ماند. نباید از دولتهای عرب بتوانند در این زمینه استفاده کنند. این يك مسئله ی بسیار مهم است.

نجات فلسطین با مقاومت و ایستادگی

راهی هم که ملت فلسطین برگزیده است، همان راه درست است؛ یعنی راه مقاومت، راه ایستادگی و همین است که بالاخره ملت فلسطین را نجات خواهد داد. (1)

1387/10/19

جمهوری اسلامی؛ مرکز و الهام بخش مقاومت

اینها میخواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی میدانند. البته این را درست

(1). در دیدار جمعی از پرسنل و فرماندهان نیروی هوایی ارتش.

ص: 320

فهمیده اند. اینجا مرکز مقاومت است. اینجا جایی است که ما اگر هیچ اقدامی هم نکنیم، هیچ حرفی هم نزنیم، خود وجود جمهوری اسلامی به ملت‌های منطقه الهام می‌دهد. يك موجودیتی، يك هویتی که علی‌رغم همه‌ی قدرتهای استکباری و به‌کوری چشم آنها این جور در این منطقه قد کشیده و روز به روز ریشه دارتر میشود؛ روز به روز قوی‌تر میشود. خود وجود این پیکره‌ی عظیم و پرشکوه، خار چشم استکبار است و امیددهنده‌ی به ملت‌ها. بله، اینجا مرکز مقاومت است؛ در این شکی نیست. دیگران هم از اینجا الهام گرفتند. (1)

1387/11/21

ایستادگی؛ موجب تحسین و تجلیل هر انسان منصف

امروز چرا شما از ایستادگی مردم غزه در مقابل اسرائیل لذت می‌برید؟ نه فقط شما، بلکه همه‌ی دنیا - انسانهای منصف - لذت می‌برند. يك گروه با دست خالی و امکانات بسیار محدود، در مقابل رژیم صهیونیستی ایستادند و حمله‌ی آنها را خنثی کردند. این شوخی است؟ يك سرزمینی نصف شهر تهران - همه‌ی باریکه‌ی غزه از اول تا آخر، تقریباً نصف شهر تهران است، با يك جمعیت البته متراکم - توانستند در مقابل این همه موشک، این همه هواپیما، این همه توپ و تانک، این همه آتش، از چند طرف - هم از طرف دریا، هم از طرف خشکی، هم از طرف آسمان. إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ (2)؛ از بالا و پایین آمدند، حمله کردند - بایستند؛ مقاومت کردند، کشته هم دادند، در مقابلشان بچه‌هایشان هم پرپر شدند؛ اما ایستادند. این ایستادگی به‌طور طبیعی تجلیل و احترام انسانی را بر می‌انگیزد. هر انسان بانصاف و باوجدانی، این ایستادگی را تحسین و تجلیل میکند. یا شبیه این در جنگ 33 روزه‌ی لبنان. (3)

(1). در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی.

(2). سوره‌ی احزاب، آیه‌ی 10.

(3). در دیدار اعضای مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

ص: 321

مذاکره با رژیم صهیونیستی؛ مغالطه‌ی بزرگ

مغالطه‌ی بزرگ دیگر آن است که گفته شود تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره است! مذاکره با کی؟ با رژیم غاصب و زورگو و گمراهی که جز به زور، به هیچ اصل دیگری معتقد نیست؟ آنان که به این بازیچه و فریب خود را دلخوش کردند، چه به دست آوردند؟ آنچه آنها به عنوان حکومت خودگردان از صهیونیستها گرفتند، با صرفنظر از ماهیت تحقیرآمیز و اهانت بار آن، اولاً، با هزینه‌ی سنگین اعتراف به مالکیت رژیم غاصب بر تقریباً سراسر فلسطین تمام شد؛

ثانیاً، همان حکومت نیم بند و دروغین را هم با بهانه‌های واهی در مواردی زیر پای خود لگدکوب کردند؛ محاصره‌ی یاسر عرفات در ساختمان مدیریتش در رام الله و انواع تحقیر و تذلیل او، حادثه‌ی بی نیست که فراموش شود؛

ثالثاً، چه در زمان عرفات و چه بویژه پس از او، با مسئولان حکومت خودگردان مانند رؤسای کلاتریهای خود رفتار کردند که وظیفه‌شان تعقیب و دستگیری مجاهدان فلسطینی و محاصره‌ی اطلاعاتی و پلیسی آنهاست، و بدین صورت تخم کینه را در میان گروه‌های فلسطینی پاشیدند و آنها را به جان یکدیگر انداختند؛

و رابعاً، همان اندازه دستاورد ضعیف هم فقط به برکت جهاد مجاهدان و مقاومت غیور مردان و زنان تسلیم ناپذیر بود. اگر انتفاضه‌ها رخ نمیداد، صهیونیستها با وجود تنازل پی در پی رؤسای سنتی فلسطین در برابر آنها، همین اندازه را هم هرگز به آنان نمیدادند.

یا مذاکره با امریکا و انگلیس که بزرگ‌ترین گناه را در ایجاد و حمایت از این غده‌ی سرطانی مرتکب شده‌اند، و خود پیش از آنکه میانجی باشند، طرف دعوایند. دولت امریکا هیچگاه حمایت بی قید و شرط خود از رژیم صهیونیست و حتی از جنایتهای آشکار آن از قبیل ماجرای اخیر غزه را متوقف نکرده است.

حتی رئیس‌جمهور جدید امریکا هم که با شعار تغییر در سیاستهای دولت بوش بر سر کار آمده است، از تعهد بی قید و شرط به امنیت اسرائیل دم میزند؛ یعنی دفاع از تروریسم دولتی، دفاع از ظلم و

زورگویی، دفاع از قتل عام صدها مرد و زن و کودک فلسطینی در 22 روز؛ این یعنی همان کژراهه‌ی دوران بوش و نه چیزی کمتر.

مذاکره با مجامع وابسته به سازمان ملل هم يك رویکرد عقیم دیگر است. سازمان ملل شاید در کمتر نمونه بی همچون مسئله‌ی فلسطین، مورد آزمون افشاگر و رسواکننده قرار گرفته باشد.

شورای امنیت، يك روز اشغال فلسطین به وسیله‌ی گروه‌های تروریست جزّار را سریعاً به رسمیت شناخت و نقشی اساسی را در پیدایش و تداوم این ظلم تاریخی بازی کرد، و پس از آن، چندین دهه همواره در برابر نسل‌کشی‌ها، آواره‌سازی‌ها، جنایتهای جنگی و انواع جرایم گوناگون دیگر آن رژیم، سکوت رضایت‌آمیز کرد؛ و حتی هنگامی که مجمع عمومی رأی به نژادپرست بودن صهیونیسم داد، (1) نه تنها با آن همراهی نکرد، که در عمل 180 درجه با آن فاصله گرفت. کشورهای زورگویی عالم که برخوردار از عضویت دائم در شورای امنیت اند، از این مجمع جهانی همچون ابزار استفاده میکنند.

نتیجه آنکه نه تنها این شورا به کار امنیت در جهان کمی نمیکند، بلکه هر جا که قرار است مفاهیمی همچون حقوق بشر یا دموکراسی و امثال آن، وسیله‌ی زیاده‌طلبی و سلطه‌ی بیشتر آنان گردد، به کمک ایشان می‌شتابد و بر کارهای نامشروع آنان پوششی از فریب و دروغ می‌افکند.

عدم نجات فلسطین با در یوزگی از سازمان ملل و قدرتهای مسلط

نجات فلسطین با در یوزگی از سازمان ملل یا از قدرتهای مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید؛ راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است، با توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید که ذخیره‌ی بی‌پایان حرکت جهادی است.

مقاومت، توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید؛ راه نجات فلسطین

ارکان این مقاومت، از سویی گروه‌های مجاهد فلسطینی و آحاد مردم مؤمن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند؛ و از سویی دیگر، دولتها و ملت‌های مسلمان در سراسر جهان، بویژه عالمان دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان. اگر این دو رکن

(1). در 10 نوامبر سال 1975، مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه‌ای، صهیونیسم را یکی از نمودهای نژادپرستی معرفی کرد.

مستحکم در جای خود قرار گیرند، بی شک وجدانهای بیدار و دلها و اندیشه هایی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیسم، آنها را مسخ نکرده، در هر نقطه ی عالم به یاری ذیحق و مظلوم خواهند شتافت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد. (1)

1387/12/30

مقاومت 22 روزه ی مردم غزه؛ تجربه ی امکان مقاومت ملتها در مقابل زورگویان

از جمله ی مسائل مهم جهان و منطقه در سالی که گذشت، مسئله ی حمله ی رژیم صهیونیستی به غزه بود، که همه ی چشمهای جهانیان را به خودش معطوف کرد. عده یی از این نظرگاه به مسئله نگاه کردند که با مقاومت اسلامی و با مسئله ی فلسطین، دارای عناد و کینه ی دیرین بودند - که عمدتاً سیاستمداران بسیاری از کشورهای غربی از این جمله بودند - عده یی هم با نگاه طرفدارانه ی از ملت مظلوم فلسطین و مردم غزه به مسئله نگاه کردند. اما نتایجی که در این حمله ی ناجوانمردانه و ظالمانه مترتب شد، برای همه ی دنیا بهت آور بود. بیست و دو روز مردم بی دفاع غزه مقاومت کردند و رژیم صهیونیستی بیست و دو روز با تمام قوا به این مردم حمله کرد و پایان این ماجرا با ناکامی رژیم صهیونیست همراه بود؛ این برای مردم دنیا يك تجربه ی بسیار مهمی است در زمینه ی امکان مقاومت ملتها در مقابل زورگویی و ستمگری ستمگران و زورگویان. (2)

1388/12/8

مردم فلسطین و غزه؛ مقاوم ترین ملتها

اولاً، لازم میدانم که از ملت فلسطین و مردم غزه يك تشکر و تقدیر شایسته بکنم. آنچه که ذکر کردید، از پیشرفتهای مقاومت و استحکام مواضع فلسطین در این سالهای اخیر، ممکن نمیشد؛ اگر این ایستادگی عظیم ملت فلسطین نبود. حقاً، انصافاً، مردم فلسطین، مردم غزه در تاریخ، نام خودشان را به عنوان مقاوم ترین ملتها ماندگار کردند.

(1). در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین.

(2). پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال 1388.

ص: 324

آنچه که بر مردم فلسطین گذشته است، در طول این چند سال اخیری که انتفاضه ها شروع شده و مقاومت واقعی شکل گرفته، يك پدیده ی عجیبی است. این، جز هدایت الهی و دستگیری الهی چیز دیگری نیست. انسان می بیند در غزه این همه مصیبت، این همه تلخی، این همه فشار؛ چه در طول آن بیست و دو روزی که جنگ بود، چه بعد از آن تا امروز - که مصائب پشت سر هم بر مردم وارد میشود - اما این مردم مثل کوه ایستاده اند. این خیلی واقعیت عظیمی است؛ این را نمیشود ندیده گرفت.

حفظ روحیه ی مردم؛ بزرگ ترین وظیفه ی سازمانهای فلسطین

من عرضم این است که این استقامت را، این روحیه را باید در مردم هر چه میتوانید پایدار کنید. شما گفتید و درست هم گفتید: تنها راه حل مسئله ی فلسطین، مقاومت است و مبارزه است. این، درست است؛ لکن این مقاومت و مبارزه، متوقف است بر حفظ روحیه ی این مردم، حفظ امید این مردم، نگه داشتن مردم در صحنه. این، به نظر من بزرگ ترین کاری است که مجموعه های فلسطینی و سازمانهای فلسطینی، مبارزان فلسطینی باید انجام بدهند. این فشارهایی که امروز از هر دو طرف، چه از طرف دشمن صهیونیست، چه از آن طرف، بر غزه وارد میشود، به قصد این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند. فشارهایی که در ساحل غربی بر مردم وارد میشود؛ چه در شهرک سازی ها، چه در مسئله ی قدس - که ایشان بیان کردند - چه آن سخنگیری های عجیب، چه در دیوار حائل و امثال اینها، برای این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند و به سمت گزینه ی تسلیم، سوق بدهند. نباید بگذاریم؛ نباید بگذارید که این اتفاق بیفتد. مردم فلسطین را، مردم غزه را، این ملت مقاوم و پولادین را باید امیدوار نگه دارید و بدانند که این حرکت عظیم آنها به نتیجه خواهد رسید.

*

امکان بازگشت فلسطین به فلسطینیها؛ به شرط ایستادگی و مقاومت

بعضی نگاه میکنند به صحنه، قدرت امریکا را نگاه میکنند، پشتیبانی غرب را از صهیونیستها نگاه میکنند، قدرت شبکه های مالی صهیونیستها را در امریکا و در سایر نقاط عالم می بینند، قدرت تبلیغاتی شان را می بینند، به نظرشان می آید که برگرداندن فلسطین به فلسطینیها يك امر ناممکن است. من میگویم نه، این امر ناممکن،

ممکن خواهد شد؛ به شرط ایستادگی و استقامت. خدای متعال میفرماید که: فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ. (1)

استقامت لازم است، ایستادگی لازم است، ادامه دادن راه لازم است. این ادامه دادن راه، یکی از مقدماتش همین گردهماییهای شماسست، هماهنگیهای شماسست، تبلیغات جهانی شماسست.

*

مقاومت؛ تنها راه نجات فلسطین

هرکسی از فلسطینیها که از راه مقاومت پایش را کنار گذاشت، ضرر کرد. اسرائیل در خواست صلح، صادق نیست؛ گرچه اگر صادق هم بود، غلط میکرد و او در اینجا حق ندارد؛ اما صادق هم نیست. آن کسانی که در راه مذاکره وارد شدند، مجبور شدند تحمیلات دشمن را قبول کنند. اگر يك لحظه پایشان را از مسیر تحمیلات دشمن دور گذاشتند، یا حذف شدند یا تحقیر شدند؛ که شما نمونه های هر دورا ملاحظه کردید و دیدید. بعضیها را حذف کردند، بعضیها را هم تحقیر و تدریء کردند.

راه قدس، راه فلسطین، راه نجات مسئله ی فلسطین و حلّ مسئله ی فلسطین، جز راه مبارزه نیست، که آقایان این را گفتند و من خوشحالم از اینکه می بینم این مسئله در جمع شماها مورد اتفاق است و همه آن را قبول دارید. آن کسی که این راه را قبول ندارد، چه دانسته و چه ندانسته، دارد به مسئله ی فلسطین ضربه میزند. اگر دانسته باشد، اشمش خیانت است؛ اگر ندانسته باشد، اشمش جهل و غفلت است؛ علی ایحال ضربه است به مسئله ی فلسطین؛ ضربه میزند به مسئله ی فلسطین. فلسطین هیچ راهی جز مقاومت ندارد؛ این را باید بگویند، باید بخواهند؛ دولتهای اسلامی هم باید همین را تکرار کنند. (2)

1389/6/19

استقامت ملت مقاوم فلسطین

امیدواریم که خداوند متعال به ملت‌های مسلمان توفیق بدهد، به دولتهای مسلمان کمک کند که بتوانند وظیفه ی خودشان را در مقابل

(1). سوره ی شوری، آیه ی 15؛ ترجمه: «پس به همین خاطر تو (نیز آنان را) دعوت کن و آنچه‌ان که مأمور شده ای استقامت نما»

(2). در دیدار رهبران گروه های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه ی همایش غزه.

ص: 326

این حادثه ی تلخ، این واقعه ی تلخ بشناسند. البته ملت فلسطین خوشبختانه با همه ی این فشارها، با کمال قدرت و استقامت ایستاده است. آدم باورش نمی آید؛ يك ملت این قدر مقاوم! این قدر باهمت و باغیرت! این فشارهای عجیب و غریب آنها را نتوانسته است به عقب وادار کند، به عقب بشاند. از بیست سال پیش و سی سال پیش، امروز فلسطینیها قوی ترند، مصمم ترند، عازم ترند؛ توانایی شان هم بحمدالله بیشتر است و بدون شك و تردید، فلسطینیها خواهند توانست دست متجاوز را قطع کنند و بساط این رژیم قلابی و دروغین را از سرزمین فلسطین جمع کنند. (1)

1390/7/9

در يك جمله، تبدیل ملت فلسطین از مجموعه یی از انسانهای در مانده و ناامید، به ملت امیدوار و مقاوم و دارای اعتماد به نفس، مشخصه های بارز سی سال اخیر است.

این تصویر کلی و اجمالی آنگاه کامل خواهد شد که تحرکات سازشکارانه و خیانتباری که هدف از آن، خاموش کردن مقاومت و اعتراف گیری از گروه های فلسطینی و دولتهای عرب به مشروعیت اسرائیل بود، نیز بدرستی دیده شود. این تحرکات که آغاز آن به دست جانشین خائن و ناخلف جمال عبدالناصر در پیمان ننگین «کمپ دیوید» اتفاق افتاد، همواره خواسته است نقش سوهان را در عزم پولادین مقاومت ایفا کند. در قرارداد کمپ دیوید، برای نخستین بار، يك دولت عرب، رسماً به صهیونیستی بودن سرزمین اسلامی فلسطین اعتراف کرد و پای نوشته یی را که در آن، اسرائیل خانه ی ملی یهودیان شناخته شده است، امضای خود را گذاشت.

انصراف گروه های فلسطینی از مقاومت؛ همه ی سعی دشمن

از آن پس تا قرارداد «اسلو» در سال 1993-1372 هجری شمسی - و پس از آن در طرحهای تکمیلی که با میداننداری امریکا و همراهی کشورهای استعمارگر اروپایی، پی در پی بر دوش گروه های سازشکار و بی همتی از فلسطینیان گذاشته شد، همه ی سعی دشمن بر آن بود که

(1). در خطبه های نماز عید سعید فطر.

ص: 327

با وعده های پوچ و فریب آمیز، ملت و گروه های فلسطینی را از گزینه ی «مقاومت» منصرف کنند و به بازی ناشیانه در میدان سیاست سرگرم سازند. بی اعتباری همه ی این معاهدات، بسیار زود آشکار شد و صهیونیستها و حامیان آنها بارها نشان دادند که به آنچه نوشته شده است، به چشم ورق پاره های بی ارزشی مینگرند. هدف از این طرحها، پدید آوردن دودلی در فلسطینیان، و به طمع انداختن افراد بی ایمان و دنیاطلب آنان، و زمینگیر نمودن حرکت مقاومت اسلامی بوده است و بس.

پادزهر همه ی این بازیهای خیانت آمیز تاکنون، روحیه ی مقاومت در گروه های اسلامی و ملت فلسطین بوده است. آنها به اذن خدا در برابر دشمن ایستادند و همان طور که خداوند وعده داده است که: **وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (1)** از کمک و نصرت الهی برخوردار شدند. ایستادگی غزه با وجود محاصره ی کامل، نصرت الهی بود. سقوط رژیم خائن و فاسد حسنی مبارک، نصرت الهی بود. پدید آمدن موج پر قدرت بیداری اسلامی در منطقه، نصرت الهی است. برافتادن پرده ی نفاق و تزویر از چهره ی امریکا و انگلیس و فرانسه و تنفر روزافزون ملت های منطقه از آنان، نصرت الهی است. گرفتاریهای پی در پی و بی شمار رژیم صهیونیست، از مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی داخلی اش گرفته تا انزوای جهانی و انزجار عمومی و حتی دانشگاه های اروپایی از آن، همه و همه مظاهر نصرت الهی است. امروز رژیم صهیونیستی از همیشه منفورتر و ضعیف تر و منزوی تر، و حامی اصلی اش امریکا از همیشه گرفتارتر و سردرگم تر است.

*

رسمیت مقاومت در همه ی میثاقهای بین المللی

سازمانهای مقاومت اسلامی که بار سنگین جهاد را در سالهای گذشته بر دوش داشته اند، امروز نیز با همان تکلیف بزرگ روبه رویند. مقاومت سازمان یافته ی آنان، بازوی فعالی است که میتواند ملت فلسطین را به سوی این هدف نهایی به پیش ببرد. مقاومت شجاعانه از سوی مردمی که خانه و کشورشان اشغال شده، در همه ی میثاقهای بین المللی به رسمیت

(1)، سوره ی حج، آیه ی 40. ترجمه: «و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیری است.»

شناخته شده و مورد تحسین و تجلیل قرار گرفته است. تهمت تروریسم از سوی شبکه ی سیاسی و رسانه یی وابسته به صهیونیسم، سخن پوچ و بی ارزشی است. تروریست آشکار، رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آنها؛ و مقاومت فلسطینی، حرکتی ضد تروریستهای جرّار و حرکتی انسانی و مقدّس است. (1)

(1). در کنفرانس حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 329

1361/4/19

محو دوباره ی اسرائیل؛ در گرو ایمان و انگیزه ی اسلامی

عربها و مسلمانها فقط به يك شرط خواهند توانست بر اسرائیل پیروز شوند؛ با اتکا به خدا و با ایمان به اسلام و با انگیزه ی اسلامی که دارند. اگر این کار انجام بگیرد، والله دوباره اسرائیل را محو خواهند کرد. (1)

1361/6/1

شما امروز ببینید آن انقلابهایی که بر مبنای دین انجام نگرفته، به چه دردهای عظیمی دچار است. طبیعی است که قدرتهای بزرگ و لاشخورهای جهانی حاضر نباشند سفره ی گسترده ی چپاولگری خودشان را در يك کشور برچیده ببینند. جای تعجب ندارد اگر امریکا و جهانخواران دیگر، با انقلابها - چه قبل از پیروزی، و چه بعد از پیروزی - مقابله کنند. جای تعجب ندارد اگر امریکا و همه ی دولتهای وابسته به او، دست به دست هم بدهند و با اسرائیل خبیث - این زائده ی خطرناک پیکر خانواده ی خاورمیانه - همدستی کنند و با تدابیر از پیش تنظیم شده ای کوشش کنند که شعله ی انقلاب فلسطین را خاموش کنند. از امریکا و دول مرتجع منطقه و دولتهای صهیونیستی جز این انتظاری نیست.

(1). تفسیر سوره ی حشر.

ص: 330

انقلاب فلسطین میتواندست خنجری در پهلوی امریکای جنایتکار باشد؛ انقلاب ملّتی که نزدیک چهل سال است آواره است و نسلهای جوان و پا به میدان گذارده ی اوزیر چادرها متولّد شدند و رنج غربت و تبعید و دوری و آوارگی و بی خانمانی را از لحظه ی ولادت با همه ی وجودشان لمس کردند؛ انقلاب مردمی که شرق و غرب علیه آنها همدست شدند، این انقلاب میتواندست برای شرق و غرب خطرناک باشد. طبیعی است که یا با اعمال سیاستهای خائنانه و رذیلانه و یا با سکوت رذیلانه تر، یک چنین انقلابی را بخواهند نابود و خاموش کنند و شعله اش را از بین ببرند.

اسلام؛ محور مبارزات علیه صهیونیسم

دیروز یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به من تلفن زد؛ میگفت من میخواهم بنشینم گریه کنم. گفتم بنده هم در این احساسات با تو شریکم. ملّتی را که یک بار آواره شده، یک بار دیگر آن چنان آواره و متشتّت کنند که دیگر امید به اجتماع اینها در دل بعضی بکلی از بین برود؛ از این درد و رنج، چیزی بالاتر نیست. خب، از دشمن جز این انتظاری نیست.

ما باید ببینیم در مقابل این شیوه های خائنانه چه باید بکنیم. ما باید آن محور اصلی و آن مرکز اصلی را که میتوان از آن مثنی ساخت و بر فرق خیانت اندیش این خائنان فرود آورد و آن را متلاشی کرد، پیدا کنیم؛ و آن، اسلام است. امروز اعتقاد ما بر این است که اگر نهضت فلسطین و مقاومت فلسطین با استفاده از تجربه هایی که در طول این سی و چند سال برایش پیش آمده، به نام خدا و بر محور اتکا به خدا و بر محور بغض و کینه با همه ی قدرتهای توسعه طلب و تجاوزطلب، از شرق و غرب، یک بار دیگر تشکیل بشود، خواهد توانست آن موفقیتی را که سالهاست آزادگان عالم برای ملّت فلسطین در انتظارش هستند، به دست بیاورد. توصیه ی ما به برادران فلسطینی مان این است؛ توصیه ی ما به برادران سران مقاومت فلسطین این است. ما میگوییم نام خدا و یاد خدا و محور اندیشه ی الهی و اسلامی را تجربه کنید. یک ملّت چنانچه به خدا متکی شد، از دشمنان خود لافل مایوس و نسبت به آنان کینه ورز خواهد شد؛ و این سرّ موفقیت یک ملّت انقلابی است.

امروز دولتهای وابسته و خائنی که وابستگی آنها به امریکا و مزدوری آنها نسبت به قدرتهای جهانی اظهر من الشمس است - مثل آنهایی که در منطقه هستند؛ چه در آفریقا و چه در خاورمیانه - اینها هم آواز و هماهنگ شدند و از سکوت دولتهای اسلامی سوء استفاده کردند و در حقیقت مقاومت فلسطینی را در هم کوبیدند و متلاشی کردند. ما امیدواریم این تلاشی انجام نگرفته باشد و مایه های مقاومت همچنان باقی باشد. اگر اسلام پا در میان بگذارد، یقیناً باقی خواهد ماند. ما معتقدیم آن تجربه یی که ایران به کار بست و ملت انقلابی و مسلمان ایران از آن موفق بیرون آمد، میتواند ملت انقلابی فلسطین را هم نجات بدهد. (1)

1365/8/9

گسترش بیداری مسلمانها در میان کشورهای اسلامی

در مصر و در لبنان و در بعضی از کشورهای آفریقایی و در بعضی از کشورهای آسیایی، این روند بیداری مسلمانها و احساس امت اسلامی در میان کشورهای مسلمان، روزبه روز دارد رشد میکند؛ و این چیزی است که بشدت امریکا و استکبار را وحشت زده میکند. در مورد مسئله ی اسرائیل هم اگرچه توانستند دولتهای مرتجع را خاموش کنند، آرام کنند، اما برخلاف میل آنها، از داخل سرزمینهای اسلامی مبارزه روزبه روز دارد بنیان میگیرد، ریشه میگیرد و آنجا مردم دارند بیدار میشوند؛ و این همان چیزی است که ما همیشه در طول این چند سال گفتیم که خطر عمده و اساسی برای اسرائیل باید از درون سرزمینهای اشغالی باشد و مسلمانهای داخل آن سرزمینها بایستی محیط و فضا را برای ادامه ی زندگی دولت غاصب مشکل، بلکه محال کنند. البته در این صورت، کشورهای مترقی هم میتوانند به آنها کمک اساسی برسانند. این کاری است که الان دارد انجام میگیرد؛ لذا استکبار دچار يك حالت عكس العملی شده. (2)

(1). در دیدار مدرّسان معارف اسلامی آموزش و پرورش.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 332

به تجربه معلوم شده که مبارزه با اسرائیل آن وقتی پیروز خواهد بود که بُعد مردمی داشته باشد. دولت‌ها بدون اتکا به مردم نمیتوانند بجنگند. کدام دولت بدون داشتن پشتوانه ی مردمی میتواند يك مقاومت بلندمدت بکند؛ آن هم با ارتشی مثل ارتش اسرائیل که به تمام تجهیزات امریکایی و غربی مجهّزش کردند و مجهّزش میکنند؟ فقط اتکا به مردم و ایمان مردمی است که میتواند کفه را در این مبارزه به سود نیروهای ضدّ صهیونیستی و نیروهای اسلامی سنگین کند. این يك جهت.

تأثیر حزب الله در اسلامی کردن مبارزه ی ضدّ صهیونیستی

جهت دیگر این است که حضور حزب الله در صحنه ی مبارزه با صهیونیستها، به مسئله ی فلسطین يك بُعد اسلامی داده. بُعد اسلامی برای مسئله ی فلسطین خیلی چیز مهمی است.

در طول این چند سالی که با صهیونیستها و اسرائیلیهای متجاوز جنگهایی انجام میگرفت، شعار «الله اکبر» شنیده نشده بود، شعار «لا اله الا الله» شنیده نشده بود؛ شب حمله، توجّه و دعا و تضرّع دیده نشده بود. این نیروهای مؤمن لبنانی هستند که به این مسئله بُعد اسلامی دادند.

اهمّیت بُعد اسلامی در امر مبارزه با اسرائیل

بُعد اسلامی دادن به مسئله ی مبارزه با اسرائیل، این اهمّیت را دارد که دل‌های تمام دنیای اسلام را به حقیقت این مبارزه جلب میکند. مسئله ی فلسطین که فقط مال عربها نیست، فقط مال همسایگان فلسطین اشغالی نیست؛ مال دنیای اسلام است. از هر جای دنیای اسلام همه ی مسلمانها حق دارند به این مسئله بیندیشند و از آن نگران باشند. حزب الله و جهت اسلامی مبارزه یی که این برادران مبارز داشتند، میتواند این دل‌ها را جذب کند؛ این توجّه ها را به خودش منعطف کند. (1)

1366/12/7

آنچه که مسلم است و جای هیچ تردیدی نیست، این است که فریاد و شعاری که امروز در فلسطین اشغالی بلند میشود و مشتی که گره کرده

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 333

مبارزه با اتکا به خدا و ایمان اسلامی؛ تنها راه نجات فلسطین

میشود و ضربه بی که بر پیکره ی صهیونیسم غاصب وارد می آید، یک انعکاس از انقلاب بزرگ و خونین مردم ما در این کشور اسلامی و قرآنی است. همه ی دنیا باید بدانند که حرکت امروز مردم فلسطین، با این شوق، با این شور، با این مظلومیت، با این اراده ی جدی و تصمیم، حرکتی است که مشوق اصلی آن، پیروزی انقلاب اسلامی بود. و من عرض میکنم؛ اگر مسئله ی فلسطین بخواهد به جایی برسد، تنها چاره همین چیزی است که امروز در داخل سرزمینهای اشغالی آغاز شده؛ یعنی اتکا به خدا و حرکت اسلامی و به کار بردن ایمان اسلامی آن مردم؛ این تنها راه نجات است. مذاکره، راه نجات نیست. نشستن در خارج از مرزهای فلسطین اشغالی، در امنیت و سلامت و رفاه و بخور و خواب و عیش و نوش و اسمی را با خود یدک کشیدن و حرف زدن پوچ و توخالی، مشکل فلسطین را حل نخواهد کرد. اگر فلسطین باید آزاد بشود، باید به همت مردم فلسطین آزاد بشود؛ و این همت جز به برکت ایمان برانگیخته نخواهد شد.

تلاش دشمن در انکار وجه اسلامی مسئله ی فلسطین

هر جامعه ی اسلامی همین جور است. این جوامع اسلامی که در آنها حکومتهای دست نشانده و ظالم و غاصب هستند، اگر بخواهند این درد کهنه ی قدیمی خودشان را علاجی بکنند، هیچ چاره یی ندارند جز اینکه از ایمان اسلامی مردم استفاده کنند؛ این است که تضمین کننده ی یک حرکت مستمر است و نجات دهنده ی انسانهاست. حالا این چه عقلی است، این چه تشخیصی است که یک عده علی رغم اینکه دفاع از فلسطین را شعار میدهند، اما اصرار دارند که جنبه ی اسلامی بودن این نهضت را نفی کنند؟ این به نفع مسئله ی فلسطین است؟ آن کسانی که سعی میکنند جنبه ی اسلامی بودن فلسطین را انکار کنند، اینها دشمن فلسطین اند؛ اینها دوست مردم فلسطین نیستند؛ اینها میخواهند مسئله ی فلسطین حل نشود. (1)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

نقش عنصر اسلام در نهضت فلسطین

ما اینجا به برخی از سران فلسطینی گفتیم شماها چرا نهضت فلسطین را نهضت اسلامی اعلام نمیکنید؟ مگر مردم فلسطین مسلمان نیستند؟ بهانه هایی آوردند؛ گفتند نمیشود. دیدیم که شد، میشود. ملت مسلمان، ملت تابع قرآن؛ کدام الهام و درس برای مبارزه و فداکاری در راه خدا، از آیات قرآن بهتر؟ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ. (1) چرا ما مبارزه را فی سبیل الله نکنیم، نیت خدایی نکنیم، برای خدا نباشد، انگیزه ی اسلامی مردم نباشد، تا با تحریک و الهام يك چنین آیاتی، ملت حرکت کنند؟ این خطا و کوردلی بزرگی بود که اینها نشان میدادند. اصلاً ملت، مسلمانند. حالا هم ما داریم می بینیم که فریاد مبارزه در سرزمینهای اشغالی، در نمازهای جمعه است. همین امروز که روز جمعه است، خدا میداند در سرزمینهای اشغالی چه خبر است. خدا میداند این جوانها و مرد و زنی که به نماز جمعه رفتند و آن امامی که بناست برایشان حرف بزند، در دل و روحشان چه طوفانی دارند. (2)

1368/4/14

در حج باید مسائل جهان اسلام بررسی شود. بزرگ ترین مسئله ی عمومی مسلمین پس از لزوم آمادگی برای دفاع از اسلام و هویت جمعی مسلمین، مسئله ی ملتهای زیرستم و مبارزی است که دست طغیان و کفر و استکبار، آنان را مقهور و مظلوم ساخته و سخت ترین شرایط زندگی را بر آنان تحمیل کرده است. ملت مظلوم فلسطین، نمونه ی بارزی از این گونه ملتهاست. چهل سال است که این ملت، از خانه و کاشانه ی خود بیرون رانده شده و یا در وطن خویش غریبانه زندگی کرده است. این، زخم خونین و دردناکی بر پیکر امت اسلامی

(1). سوره ی توبه، آیه ی 111. ترجمه: «خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که): در راه خدا پیکار میکنند، میکشند و کشته میشوند.»

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 335

است که با توطئه‌ی دولتهای استعمارگر و ضدّ اسلام و به دست جنایتکار صهیونیستها چهل سال پیش وارد شده و هر روز نمکی بر آن پاشیده شده است. کسان و گروه‌های زیادی در این مدّت به مبارزه برای نجات این ملّت دست زده، یا ادّعی آن را کرده‌اند؛ اما هرگز گرهی باز نشده، بلکه گره‌ها کورتر هم شده است.

از یاد بردن هویت اسلامی فلسطین و خیانت سران عرب؛ علت اصلی ناکامیها

علّت اصلی این نبوده که ملّت فلسطین نمیتوانسته از خود دفاع کند، یا جهان اسلام از خنثی کردن توطئه‌ی امریکا و غرب در دفاع از دولت غاصب ناتوان بوده است. علت اصلی ناکامیها، اولاً، از یاد بردن هویت اسلامی ملّت فلسطین و عدم تکیه بر اسلام و جهاد اسلامی در طول ده‌ها سال گذشته، و ثانیاً، خیانت سران کشورهای از اعراب و حتّی خیانت سران و چهره‌هایی از فلسطینیان بوده است. و امروز بحمدالله عنصر ایمان و جهاد اسلامی در مبارزات ملّت فلسطین در داخل وطن مغضوب زنده شده، و به همین جهت، معادله‌ی قدرت در فلسطین به سود فلسطینیان نسبت به گذشته تغییر کرده است. (1)

1369/3/4

بیداری اسلامی؛ تهدید واقعی صهیونیستها

در دنیای اسلام، بحمدالله بیداری اسلامی به وجود آمده است. صهیونیستهای غاصب، تقریباً بعد از چهل سال آسایش، که جز گاهی چند روزی مختصر حمله‌ی بی‌طرف دولتها شده بود و بعد هم خساراتشان به اضعاف مضاعف از طرف امریکا جبران شده بود، امروز در داخل سرزمینهای فلسطین، از سوی اسلام تهدید میشوند. این اسلام است که آنها را تهدید میکند.

نجات فلسطین، در گرو تمسک به دین اسلام

سازمانهای فلسطینی، آنها که از دین فارغ و نسبت به آن بیگانه بودند، ناتوانی خودشان را نشان دادند. امروز کار به جایی رسیده است که سردمداران به اصطلاح سازمانهای فلسطینی، به فلسطینیهای داخل سرزمینهای اشغالی و بعضی مناطق دیگر پیغام میدهند که کار را سخت نکنید، ایجاد مشکل نکنید. آنها برای خودشان، مبارزه‌ی حقیقی را مشکل به حساب می‌آورند! سرنوشت حرکتی که از دین جدا باشد، بهتر از این نیست.

(1). پیام به حجّاج بیت الله الحرام.

ص: 336

اما دین، فلسطین را نجات خواهد داد. اسلام، فلسطین را از دست متجاوزان پس خواهد گرفت. (1)

1369/3/10

مسئله ی فلسطین، مسئله ی اول بین الملل اسلامی است. امروز که مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم دولت غاصب صهیونیست و حامیانش ربوده است، بزرگ ترین وظیفه ی ملت و دولت ما و همه ی ملتها و دولتهای مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده ی سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات میتوان ریشه کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلك آن نجات داد. (2)

1369/4/6

وقوع بیداری اسلامی بر خلاف میل استکبار و صهیونیسم

استکبار، چه بخواید و چه نخواهد؛ امریکا، چه بخواید و چه نخواهد؛ صهیونیسم، چه بخواید و چه نخواهد؛ اسلام از نو بیدار شده و این قهرمان عظیم قرنها، دوباره در وسط صحنه به پا خاسته است. هیچ کاری هم از دست دشمنان اسلام ساخته نیست. اکثر کاری که میتوانند بکنند، این است که از حقد و بغضشان، مسلمانان را در حریم امن الهی، به خاک و خون بکشند. بیشتر از این، چه کار میتوانند بکنند؟ حداکثر کاری که میتوانند بکنند، این است که ملتی را که امروز عاشق ترین ملتهای مسلمان به یاد و نام خداست، از زیارت خانه ی خدا مصدود و ممنوع کنند؛ کما اینکه کردند. (3)

1371/6/11

فرض بفرمایید همین مسئله ی فلسطین که به غربت افتاده بود. خیلی از جوانان، شاید یادشان نیست که در فلسطین، عده یی، چند صباحی تفنگی به دست گرفتند و بعد هم به چرب و شیرین امریکا و دولتهای

(1). در دیدار میهمانان و شرکت کنندگان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم السلام).

(2). پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

(3). در دیدار خانواده های شهدای هفتم تیر و مکه ی مکرمه، اقشار مختلف مردم، مسئولان و کارکنان قوه ی قضائیه و سازمان تبلیغات اسلامی.

ص: 337

پولدار عربی دل باختند و تنگ را زمین گذاشتند! علتش این بود که با اسلام و دین، هیچ ارتباطی نداشتند. خیلی هم خودشان را پرشور و پر حماسه نشان میدادند؛ لکن چون دین در کار نبود، اساسی هم نداشت.

اعتقاد دینی؛ ضامن پایداری حماسه و شور

همیشه همین طور است! جوانان یادشان باشد که اگر حماسه و شور، با اعتقاد دینی و ایمان به خدا همراه نباشد، چیز نامطمئن و ناپایداری خواهد بود. بعد که آن عده تنگها را زمین گذاشتند، همه فکر کردند که قضیه ی فلسطین تمام شده و دیگر کسی از حق آن مردم دفاع نخواهد کرد. اما ناگهان جوانانی مؤمن و مسلمان و فداکار و انقلابی، در قلب فلسطین اشغالی و بیت المقدس اشغالی - نه بیرون و در کشورهای اروپایی و آسیایی و در کنفرانسها - پیدا شدند؛ شعار دادند و با دست خالی، مبارزه ی سختی را شروع کردند که هنوز هم ادامه دارد و ان شاءالله تا پیروزی ادامه خواهد داشت. (1)

1375/7/18

من به طور روشن می بینم که در آینده ی نزدیک، علی رغم میل امریکا و صهیونیستها و سازشکاران برخی از کشورهایی که در منطقه هستند، کشور و پرچم فلسطین، در همان جای حقیقی خودش، یک روز همه ی دنیا را به خود متوجه خواهد کرد. شرط این آینده ی مهم تاریخی، همین است که مردم خود فلسطین، بیدار باشند؛ به خاطر زندگی ذلیلانه، از مبارزه دست نکشند و به خاطر چهار صباح در زیر تیغ خونین دشمن با ذلت زندگی کردن، از بیان حقیقت خودداری نکنند. این شرط هم بحمدالله حاصل شده است.

مبارزه ی نسل جدید فلسطینی با تکیه بر اسلام و شعار اسلامی

آن نسلی که فلسطین را تحویل دشمن داد، منقرض شد و گذشت. آن نسلی هم که با سازشکاری خواست بلکه بتواند بخور و نمیری برای خود درست کند، رو به انقراض است. نسلی که امروز بر سر کار می آید، نسلی است که با شعار اسلامی، با هدف اسلامی، با تکیه به اسلام و به برکت آشنایی با قرآن، در صدد این است که کاری کند که

(1). در دیدار دانش آموزان مدارس شاهد.

ص: 338

از يك ملت مسلمان، انتظار ميرود. اين، نشانه های آن کار بزرگی است که انجام میدهند.

غاصبان سرزمین فلسطین، به فکر این نباشند که دائماً پای این و آن را به ماجرا بکشانند و بگویند جمهوری اسلامی ایران، تحریک میکند. تحریک کسی لازم نیست. امروز به برکت بیداری اسلامی، ملت‌های مسلمان بیدارند. لازم نیست کسی به آنها بگوید، تشویقشان کند و دستی به پشت آنها بزند. خودشان می دانند. امروز جوانان فلسطین، در میدان اند و نسل‌های نو فهمیده اند که راه عزت و سعادت و مسلمانی چیست. البته در سرتاسر دنیای اسلام هم، دل مخلصان به یاد آنها میتپد. این همدلی، مخصوص ایران نیست؛ در مصر هم بروید، همین است؛ در آفریقا هم بروید، همین است؛ به آسیا هم بیایید، همین است؛ در خاورمیانه هم بروید، همین است. شما به هر کشور اسلامی که بروید، با هر مذهبی از مذاهب اسلامی که باشند، اگر به سراغ انسان‌های آگاه و مخلص بروید، خواهید دید دلشان به یاد فلسطین و مردم آن میتپد. (1)

1378/10/10

تبدیل نهضت غیردینی فلسطین به يك نهضت اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی ایران

گرفتاری بی که امروز صهیونیستها دارند، این است که به صلح احتیاج مبرم دارند. چرا؟ چون بعد از سال 1947 تا سال 1967 مبارزه بی نبود و آن بیست سال در حال خوبی نگذشت؛ بعد هم که مبارزات مسلحانه شروع شد، این مبارزات مسلحانه از بیرون سرزمین فلسطین بود؛ همین سازمان آزادیبخش و بقیه ی گروه ها، مرکزشان در اردن یا در سوریه یا در جاهای دیگر بود. گروه هایی را میفرستادند و حمله بی میکردند و ضربه بی میزدند و عقب میکشیدند. در داخل سرزمین فلسطین، سازمان مبارزی شکل نگرفته بود. در داخل سرزمین، مردم مرعوب بودند و نمیتوانستند هیچ حرکتی بکنند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، دو اتفاق مهم افتاد. یکی اینکه نهضت فلسطین - که يك نهضت غیر دینی بود - به يك نهضت اسلامی تبدیل شد و مقاومت

(1). در دیدار افشار مختلف مردم از سراسر کشور.

ص: 339

اسلامی به وجود آمد و رنگ اسلامی گرفت. همان مبارزانی هم که از بیرون مبارزه میکردند - مثل کسانی که از لبنان یا مناطق دیگر به اسرائیل حمله میکردند و به آنها ضربه میزدند - با انگیزه ی اسلامی، که يك انگیزه ی بسیار قوی است، وارد میدان شدند... (1)

1379/3/31

پیروزی بزرگ جوانان مؤمن در لبنان؛ در سایه ی عمل کردن به احکام اسلام

هرجا که ما با اسلام و حقایق اسلام و وظیفه یی که اسلام برایمان معین کرده است، صادقانه برخورد کردیم، نصرت الهی و پیروزی و موفقیت، نصیب شد. ما، هم در مسائل داخل کشورمان این را تجربه کرده ایم، هم در مسائل دنیای اسلام این را دیده ایم. اگر مشاهده میکنید که جوانان مؤمن در لبنان توانستند پیروزی بزرگی (2) را برای خودشان و برای امت اسلامی و ملت عرب به ارمغان بیاورند، این در سایه ی اسلام و در سایه ی آشنایی با اسلام و عمل کردن به حکم اسلامی در این مورد بود.

مقاومت در سایه ی اسلام؛ علاج زخم عمیق دنیای اسلام

همیشه همین طور است. علاج دردهای امت اسلامی، علاج درد بزرگ امت اسلام و زخم عمیق دنیای اسلام - یعنی مسئله ی فلسطین - نیز همین است. کسانی گمان نکنند که قضیه ی فلسطین هم تمام و ملت فلسطین نابود و مسئله ی فلسطین در زیر این جنجالها و غوغاها دفن شد! این خطاست؛ این توهم باطل است. گذشت زمان نمیتواند حقی مثل مسئله ی فلسطین را از طومار عالم محو کند. فلسطین و ملت فلسطین، زنده و آینده ی فلسطین، روشن است.

شما ملاحظه کنید، چندین کشور - چه در آسیای میانه و چه در منطقه ی بالکان - بعضی پنجاه سال و بعضی هفتاد سال، جزو مجموعه ی شوروی بودند و کسی گمان نمیکرد که يك روز آنها دوباره به هویت خودشان برگردند؛ اما برگشتند! يك روز شوروی، شکست ناپذیر و زوال ناپذیر به نظر می آمد و ظاهربینان خیال میکردند مسئله ی کشورهایی که در مجموعه ی شوروی، حل و گم شده بودند، برای ابد تمام شده است؛ اما این طور نبود.

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز جهانی قدس.

(2). عقب نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان.

ص: 340

مقاومت مردم و تمسک به اسلام؛ بر هم زنده‌ی نقشه‌ی جعلی و دروغین اسرائیل

فلسطین نیز همین است. فلسطین که تمام شدنی نیست. فلسطین که از روی صحنه‌ی عالم، گم شدنی نیست؛ همچنان که جنوب لبنان، گم شدنی نبود. صهیونیستها به لبنان نیامده بودند که یک روز آنجا را تخلیه کنند؛ آمده بودند که آنجا برای همیشه بمانند! دیدید که مجاهدت و صبر و استقامت مردم و جوانان مسلمان لبنان در طول بیست سال، عرصه را بر دشمن، تنگ و او را مجبور به عقب نشینی کرد. عین این مسئله در مورد خود فلسطین، صادق است. مقاومت مردم مسلمان و تمسک به اسلام میتواند این نقشه‌ی جعلی و دروغین امروز را به هم بزند و نقشه‌ی حقیقی - نقشه‌ی فلسطین - و ملت فلسطین را دوباره به این سرزمین برگرداند. به فضل پروردگار، این کار شدنی است.

در سایه‌ی معرفت به اسلام و عمل به آن، بسیاری از چیزها که امروز ممکن است به چشمهایی محال و دشوار بیاید، هم شدنی است، هم وقتی که در عمل تحقق پیدا کرد، دیده خواهد شد که آن قدر هم دشوار و غیرعملی نبود.

امیدواریم خداوند متعال اّمت اسلامی را بیدار کند، و ما را قدردان اسلام و قرآن و قدردان وجود مقدّس پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) قرار دهد. (1)

1379/5/1

نقش روح دینی در جوانان مبارز فلسطینی

من معتقدم که امروز باید شتاب مبارزه‌ی فلسطینی را بیشتر کرد. جای اصلی این مبارزه هم داخل سرزمینهای فلسطین است؛ یعنی الان یک نسل جوان وجود دارد که واقعیتهای اسرائیل، او را فشار میدهد. نباید بگذارید احساس فلسطینی بودن در این نسل ضعیف شود. پشتوانه‌ی مهمّ این احساس هم ایمان به خداست. باید روح دینی و روح قرآنی در این نسل جوانی که امروز در فلسطین اشغالی است، تقویت شود. این نسل، همه‌ی مشکلات را برطرف خواهد کرد. نفس حضور و نفس انگیزش، مهمترین فشار را بر حکومت غاصب وارد می آورد. باید امید و ایمان را در این نسل تقویت کرد. باید مجالس و

(1). در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت هفدهم ربیع الاول.

ص: 341

اجتماعات دینی تقویت شوند. در جوانان باید فکر درست و منطقی دین را رواج داد، تا بدانند عاملی که آنها را نجات خواهد داد و به سرانجام خواهد رساند، دین است.

در نظر گرفتن دین و سیاسی کاری؛ بزرگ ترین آسیب گروه عرفات

به نظر من، اگر افراد خوشفکر - چه روحانی، چه غیر روحانی - در زمینه ی تعالیم اسلامی ناب، در بین جوانان داخل فلسطین کار کنند، بزرگ ترین کار برای مبارزه انجام گرفته است. آن کس که با اسلام و با قرآن آشنا باشد، هرگز ناامید نمیشود و هیچ راهی غیر از جهاد را هم انتخاب نخواهد کرد. همه ی این انحرافات از بی دینی است. اگر همین جماعت عرفات، در سی و پنج سال قبل که کارشان را شروع کردند، دین را در نظر میگرفتند، سرنوشتشان به اینجا نمیرسید. منتها آنها دین نداشتند. هیچ چیز از دین نمیدانستند و سرانجام به سیاسی کاری بی رسیدند که الان ملاحظه میکنید. يك قدم ملتشان را به هدف نزدیک نکردند و فقط چند صباحی جیبهای خودشان را انباشتند و لذت حیوانی بی بردند، که آن هم چیز کوچک و زودگذری است و جز بدنامی، چیزی برای عرفات و امثال عرفات باقی نمیگذارد. شما امروز، عاقبت کار کردن برای دشمن را در وضع عرفات مشاهده میکنید. الان آنجا، روزهای متمادی وقت میگذرانند و او نمیتواند چیزی را که خواسته اش است، از آنها بگیرد. وقتی کسی از امریکا چیزی بخواهد، همین هم هست. اگر او به ملت فلسطین و به خدا توکل میکرد، وضع بکلی طور دیگری میشد. (1)

1379/5/5

نهضت بیداری فلسطینیان

ببینید عزیزان من! نهضت بیداری فلسطینیان و مبارزه با دولت غاصب، امروز نهضتی شده است که به این آسانها نمیشود شکستش داد. چیزی نیست که وابسته به کسی مثل عرفات باشد که بروند او را یا خسته کنند یا بخرند؛ نه. نهضت فلسطین به دست مردم و جوانهای مؤمن افتاد. شکست در جنوب لبنان، بعد شکست مذاکرات سازش در «کمپ دیوید 2»، و در آینده شکستهای فراوان برای اسرائیل - تحت

(1). در دیدار دکتر رمضان عبدالله، دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین.

ص: 342

1379/5/25

لزوم اسلامی بودن نهضت فلسطین

من يك وقت در اوایل انقلاب از یکی از بزرگان سازمان آزادیبخش فلسطین پرسیدم: شما چرا اسم اسلام را نمی آورید؟ چرا نهضت را اسلامی اعلان نمیکنید؟ او يك بهانه ی بیخودی آورد: بین ما مسیحی هست، چه هست! حالا- همان کسانی که بعضاً مسیحی و کمونیست بودند، اعلان کردند که ما به اسلام امام اعتقاد آوردیم! بله؛ وقتی اسلام زنده، اسلام پویا، اسلام متحرک و اسلام برانگیزاننده وارد میدان میشود، آن کسی که اهل مبارزه است، به آن عشق می ورزد. اما اینها نمیگردند؛ دلشان مؤمن به اسلام نبود. البته آن کسی که من با او صحبت میکردم، در میان اینها باز بهتر هم بود. بعد هم در همان دعوای داخلی شان - علی الظاهر - علیه او توطئه شد و به قتل رسید.

سرچشمه گرفتن انتفاضه از اسلام

از وقتی که نهضت فلسطین صبغه ی اسلامی پیدا کرد، يك مشکل لاینحل شد! الان شما ببینید این انتفاضه در داخل سرزمینهای فلسطین اشغالی چند سال است که هست؛ استدامه پیدا کرده، مستمر است و تمام نمیشود. اگر این انتفاضه نبود، قضیه ی بیت المقدس مدتها بود که حل شده بود. اگر انتفاضه نبود، سخت گیری های بر لبنان و سوریه به مراتب بیشتر بود. انتفاضه در داخل، اوضاع را برای حکام صهیونیست غاصب فلسطین اشغالی، غیر قابل اعتماد کرده است. انتفاضه از اسلام سرچشمه گرفت و این بازتاب سیاست خاورمیانه یی جمهوری اسلامی بود. بعد از این نیز همین طور است. (2)

1379/7/29

آن وقتی که سرنوشت قضیه ی فلسطین، دست چند نفر سیاستمدار باشد، مردم در آن نقشی نداشته باشند، جوانان در آن حرفی نداشته

(1). در دیدار گروه زیادی از جوانان استان اردبیل.

(2). در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور.

ص: 343

باشند؛ سرنوشت همان میشود که دیدید: ذلت پشت سر ذلت؛ عقب نشینی پشت سر عقب نشینی؛ میدان دادن به دشمن؛ سنگرها را یکی پس از دیگری به نفع دشمن زورگو، متجاوز، پُرو و وقیح، خالی کردن. این آن وقتی است که مردم در صحنه نیستند. مردم را کنار گذاشتند؛ انگیزه های حقیقی بی که مردم را جذب میکند - یعنی انگیزه ی ایمانی - فراموش کردند و ده ها سال مسئله ی فلسطین را عقب انداختند. من اول انقلاب به یکی از این سران فلسطینی که اینجا آمده بود، گفتم چرا شما شعار اسلام را مطرح نمیکنید؟ عذرهای بیهوده بی آورد. نمیخواستند بکنند؛ دلشان به اسلام باور نداشت.

امروز بیش از دوازده، سیزده سال است که ملت مسلمان فلسطین، با نام اسلام و با شعار اسلام به میدان آمده است. دشمن فوراً فهمید قضیه چیست. وقتی که در دهه ی قبل، انتفاضه در فلسطین شروع شد، دشمنان - یعنی صهیونیستها و رفیقهای امریکایی شان - زودتر از همه احساس خطر کردند؛ دیدند باید این را نابود کنند، چون به نام اسلام است؛ درصدد علاج برآمدند، اما قادر به علاج نیستند، چون طبیعتاً زورگویند. (1)

1379/8/25

معنای صدور انقلاب اسلامی

امروز ما بدون اینکه در سازماندهی مردم اسیر فلسطین، سر سوزنی دخالت داشته باشیم، هزاران نفر از مردم فلسطین با نام خدا، با الله اکبر، با شعار دفاع از مسجد الاقصی، جوانهایشان را مقابل گلوله ی وحشیهای صهیونیست میفرستند. صدور انقلاب این است که امروز در میان جامعه ی امریکایی - هم سیاهان و هم سفید پوستان - کسانی هستند که دلهایشان به نور اسلام و ایمان و تشیع روشن شده است. ما امروز در امریکا طلبه ی امریکایی الاصل داریم که همین درسهای طلبگی ما را میخواند؛ افتخار هم میکند که طلبه است. سیاه پوستان امریکا گروه گروه به اسلام میپیوندند. یکی از بزرگان علما که منشوراتی به زبان انگلیسی دارد و به جاهای مختلف

(1). در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی - رزمی یاران امام علی (علیه السلام).

ص: 344

دنیا میفرستد، میگفت مشتری ما در آنجا از همه جا بیشتر است! این صدور انقلاب است؛ این خود انقلاب است که حرکت میکند. اگر ما خیلی هنر داشته باشیم، به انقلاب میچسبیم تا ما هم با انقلاب به آن طرف برویم.

امروز وضعیت انقلاب این است که امریکاییها با پول میلیاردی شان - نه يك شاهي و دو شاهي - با اخمشان، با لبخند فریبگرانه شان، با سلاح ویرانگرشان، با قدرت بین المللی شان، آنچه توانستند، تلاش کردند و کشورهای عربی اطراف فلسطین را هم با همین ابزارهایی که گفتم - یکی را با لبخند، یکی را با اخم، يك را با پول، یکی را با چماق - خاضع کردند، تا بیايند با اسرئیل مشغول مذاکره شوند و خیال کردند که قضیه تمام شد؛ اما تنها نقطه یی که دولت و ملت آن صریحاً، علناً، با شهامت و بدون پرده پوشی گفتند ما با این روند مخالفیم، جمهوری اسلامی ایران و مردم آن بود. ما نه پول داشتیم - اگر هم داشتیم، نمیدادیم - نه سلاح داشتیم - اگر هم داشتیم، نمیتوانستیم بدهیم - نه امکانات سیاسی داشتیم، نه ده ها رادیو و ده ها تلویزیون و صد ها مطبوعه داشتیم؛ فقط همین قدر گفتیم که ما این سازش را قبول نداریم. همین که ایران این را گفت، آن روز آنها را عصبانی کرد. بعضی تعجب کردند که عصبانیت ندارد؛ ده ها دولت موافق اند، يك دولت هم مخالف باشد؛ اما استراتژیستهای امریکایی میدانستند که مخالفت دولت ایران معنایش چیست؛ اینها هم حالا معنایش را می فهمند. با يك حرکت اسلامی، با گفتن الله اکبر، با يك حرکت مؤمنانه به اسلام - که درسش را از امام، از شاگردان امام، از رزمندگان امام، از فرزندان امام گرفته بودند - ببینید چه بلایی بر سر امریکا و صهیونیستها آورده اند، که هنوز هم ادامه دارد.

بیداری امروز فلسطینها؛ نتیجه ی پیام اسلام و صدور انقلاب

ممکن است این حرکت را هم سرکوب کنند، ممکن است چهار نفر دیگر را هم بکشند؛ اما قضیه با این حرفها تمام نخواهد شد. وقتی يك نسل بیدار شد، اگر بیاید و در میدان پیش برود، برنده است؛ اگر سرکوبش هم بکنند و در خانه هم بنشینند، باز برنده است. این فرق دارد با آن نسلی که ملتفت نیست و یا اهمیّت نمیدهد که چه بر سرش آورده اند؛ مثل نسل دوره ی تصرف فلسطین. آن روز فلسطینها

نمی فهمیدند که چه میگذرد؛ اما امروز يك نسل بیدار شده است و این بیداری با پیام اسلام و پیام انقلاب است. این، صدور انقلاب است؛ این، عظمت انقلاب است؛ این، پیشرفت انقلاب اسلامی است که يك «نه» گفتن او در قبال حادثه بی - که همه را هم توانستند در مقابلش خاضع کنند - این گونه برکت میکند. آری؛ اینها راست است. وقتی خدا برکت بدهد؛ پول هم برکت میکند، نان هم برکت میکند، حرف هم برکت میکند، انقلاب هم برکت میکند.

پنج، شش سال قبل از این، آنها به اسلورفتند و جلسه بی راه انداختند و تبلیغات زیادی کردند؛ اینجا هم عده بی از دولتمردان مؤمن جمهوری اسلامی کنفرانس فلسطینیها را راه انداختند؛ جنجالشان بلند شد که چرا شما این کار را کردید؟! شما که بیشتر در معرض دید تلویزیونها قرار گرفتید و همه جای دنیا را پُر کردید؛ ما که این قدر تبلیغات نداشتیم؛ پس چرا ترسیدید؟! الان چرا از حضور جمهوری اسلامی در این میدانها این قدر میترسید و به خود میلرزید؟! به خود میلرزند؛ حق هم دارند؛ کلمه ی حَقّ است:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ. (1)

این يك مَثَل است؛ اما شما میتوانید این مَثَل را در همه ی دورانها با واقعیتها تطبیق کنید. عزیزان من! این جمهوری اسلامی است؛ این هم روندش است؛ این هم آینده اش است؛ این هم من و شما ی طلبه ی عمّامه به سریم، با این مسئولیتی که داریم؛ بنابراین کمرهایمان را باید ببندیم. (2)

1380/11/11

در آغاز پیدایش این مشکل و مصیبت بزرگ برای دنیای اسلام، غفلتهایی صورت گرفت و تدبیر درستی برای مقابله با این مشکل

(1). سوره ی ابراهیم، آیات 24-25. ترجمه: «خداوند کلمه ی طیبّه (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه بی تشبیه کرده که ریشه ی آن (در زمین) ثابت، و شاخه ی آن در آسمان است! هر زمان میوه ی خود را به اذن پروردگار میدهد، و خداوند برای مردم مثالها میزند.»

(2). در دیدار گروه زیادی از علما و روحانیون اراک.

ص: 346

دیده نشد و به کار نرفت. البته شخصیت‌های برجسته‌ی بی در فلسطین و بیرون از فلسطین بودند که نباید زحماتشان نادیده گرفته شود - از قبیل مرحوم عزالدین قسام، مرحوم حاج امین الحسینی، مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء - همه‌ی اینها خطر وجود دولت و حکومت صهیونیستی را در این منطقه شناختند و آن را گوشزد کردند و مبارزاتی انجام دادند؛ لیکن دنیای اسلام و موظفان دنیای اسلام، نتوانستند نقش خود را درست ایفا کنند؛ لذا در مبارزه‌ی مردم فلسطین با این پدیده‌ی بسیار خطرناک، افت و خیزهایی در طول زمان وجود داشته است.

احساس خطر رژیم صهیونیستی از اسلامی شدن و مردمی شدن مبارزه‌ی فلسطینیان

ولی مبارزه‌ی امروز دو خصوصیت دارد که در هیچ یک از زمانها این دو خصوصیت در مبارزات فلسطینیها و مبارزه برای فلسطین، با هم وجود نداشته است: یک خصوصیت، اسلامی بودن این مبارزه است؛ و خصوصیت دوم، مردمی شدن و همه گیر شدن آن است. اجتماع این دو خصوصیت با هم، زانوان رژیم صهیونیستی را به لرزه درآورده است. احساس خطر در سراسر کیان صهیونیستی وجود دارد. می فهمند و درست تشخیص میدهند که خطر عمده و اساسی، امروز به وجود آمده است. کسی که امروز در مقابل کیان صهیونیستی قرار گرفته، یک گروه نیست؛ شخصیت‌های سیاسی بی نیستند که بشود پشت میز مذاکره، آنها را مجاب کرد. شما میدانید که پشت میز مذاکره، با شیوه‌های گوناگون میشود افراد را مجاب کرد - با تهدید، تطمیع و وعده‌های دروغ - اما وقتی مبارزه در دامن ملت افتاد و خودآگاهی در میان مردم به وجود آمد، آنها با همه‌ی وجود احساس کردند که وظیفه دارند در مقابل وضعیت بایستند، و الا یکسره نابود و پامال خواهند شد. از طرفی هم هنگامی که تدبیر مبارزه، از ایمان اسلامی سرچشمه گرفت و به دلها و جانها متکی شد، در این صورت، مبارزه برای دشمن، بسیار خطرناک میباشد. امروز چنین وضعی پیش آمده است.

موج بیداری اسلامی؛ يك واقعیت جدی و يك حقیقت غیرقابل انکار

امروز موج بیداری اسلامی يك واقعیت جدی و يك حقیقت غیرقابل انکار است. امروز مسلمانها احساس میکنند که میتوانند در دنیا، در وضعیت بشر، در سرنوشت خود، اثرگذار باشند. وقتی این احساس در ملتها به يك نقطه ی معینی برسد، تبلور و تجسم خواهد یافت و تبدیل به واقعیتها خواهد شد.

انتفاضه ی مسجدالأقصی؛ تبلور بیداری اسلامی

این را میدانند و از این نگرانند. يك نمونه اش همین حادثه ی بسیار بی سابقه ی انتفاضه ی فلسطین است. شوخی است؟! مردم بدون سلاح، بدون امکانات، در مقابل یکی از مجهزترین قدرتهای این منطقه، بدون هیچ قید و شرطی مورد کشتار و قتل عام و فشارهای گوناگون جسمی و روحی و اقتصادی قرار میگیرند؛ در عین حال ایستاده اند و هفده ماه است که این انتفاضه را ادامه میدهند. با کدام تحلیل عادی و معمولی و سیاسی میشود این را تحلیل کرد؟ چرا ایستاده اند؟ چرا تسلیم نمیشوند؟ چرا دشمن با همه ی فشارش، نمیتواند این ملت به جان آمده ی فلسطین را به زانو درآورد؟ این ملت کوچک و محدود و محاصره شده را که از هیچ جا به اینها کمکی نمیرسد، آن انگیزه و چشمه ی جوشانی که در دلهای اینها وجود دارد که نمیگذارد اینها خسته شوند، کدام است؟ از کجا سرچشمه گرفته؟ آن عاملی که مادر فلسطینی را وادار میکند که فرزند خودش را ببوسد و برای کشته شدن بفرستد و بعد بگوید اگر صد تا بیچه هم داشتم، آنها را میفرستادم. این عامل، چیست؟ این عامل، عامل بسیار مهمی است. این چه عاملی است که در محاسبات سیاسی، در گفتگوها، در مذاکرات دیپلماتیک و در معادلات کمپانیها نمی گنجد؟ اینها می بینند این را و از آن بشدت واهمه دارند. دنبال خشک کردن آن

(1). در دیدار شرکت کنندگان در همایش بین المللی رسانه های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

سرچشمه اند؛ دنبال نابود کردن آن عامل برانگیزاننده و به وجود آورنده اند. (1)

1381/6/19

گرایش و تمسک مردم فلسطین به اسلام؛ خط بطلان بر روند سازش

دنیای استکبار به خیال خود مسئله ی فلسطین را اندکی پیش از انقلاب اسلامی حل کرده بود؛ مسئله ی کمپ دیوید و قرارداد با دولت مصر، که معلوم بود این حرکت سازشکارانه، بتدریج همه ی دنیای عرب و مدعیان را فراخواهد گرفت و چیزی به نام فلسطین به عنوان یک مشکل و معضل در سر راه استکبار باقی نخواهد ماند. ابتکارات و تصمیمهای بعدی آنها هم حاکی از همین تصوّر و روند بود؛ لیکن ناگهان در صحنه ی فلسطین، پدیده ی نوینی دیده شد و آن، گرایش مردم به شعار اسلامی و تمسک آنها به اسلام و قرآن و کشانده شدن میدان مبارزه از سطح یک گروه خاص و از سطح معارضان غالباً سکنی گزیده در خارج از فلسطین، به یک حرکت عمومی مردم بود.

انتفاضه ی فلسطین؛ امتداد انقلاب اسلامی ایران

امروز مسئله ی فلسطین حقیقتاً برای رژیم غاصب و پشت سر آن برای امریکا، یک بن بست کامل است. امروز صهیونیستهای حاکم بر فلسطین، هر ابتکاری به خرج دهند، شکست خورده اند؛ یعنی یک طرف قضیه از دستشان رفته است. این، نمونه یی از امتداد حرکت و قیام نظام اسلامی در ایران بود. (2)

1383/5/25

ترس ملتها از امریکا و از ابرقدرتها ریخته است. شما هرگز تصوّر میکردید در عراق له شده ی در زیر بار استبداد صدام و حزب بعث، چنین احساسات و ایستادگیهایی وجود داشته باشد؟! قبل از این، شما حدس میزدید ملت فلسطین در مقابل دولت شارون که آمد سر کار تا نود روزه غائله ی انتفاضه ی مسجد الاقصی را ختم کند - الان سه سال و اندی است که سر کار است - این جور بایستند و مقاومت کنند که همین شارونی که برای نابود کردن و از صحنه محو کردن این نهضت

(1). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی.

(2). در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری.

ص: 349

آمده، حالا- مجبور شود برای عقب نشینی يك جانبه از غزه، با رقبای خودش - که آن حزب مقابلش است - کنار بیاید و از هم پیمانهای سنتی و قدیمی خود - حزب «لیکود» - از روی اضطرار و ناچارى جدا شود؟! این قدرت مردم فلسطین و این قدرت بیدارى اسلامى است.

ترس صهیونیسم از قدرت بیدارى اسلامى

شما باور میکردید که اشغالگر اسرائیلی در مقابل چند صد نفر جوان حزب اللّهی در لبنان مجبور به عقب نشینی شود و آن طور مفتضحانه بیرون برود؟! شما باور میکردید که اسرائیل در مقابل يك تعداد جوان حزب الله در لبنان ناچار شود چند صد نفر زندانى - شخصیتهای برجسته ی حزب الله را که در زندانش بودند - را آزاد کند؟! اینها اتفاق افتاد. من و شما پارسال در همین جلسه نشسته بودیم؛ اضطراب بر تمام منطقه حاکم بود؛ چون امریکا تازه آمده بود؛ با نفس تازه. بنده مذاکرات شما دوستان را در سمینار سال گذشته تعقیب میکردم؛ نشانه های نگرانی در سمینار شما ظاهر بود. امروز این امریکا، همان امریکاست؛ ببینید در چه وضعیتی است. ده روز اینها به نجف فشار آوردند، نتوانستند نجف را بگیرند؛ اینها واقعیتهایی است که در جلوی چشم ما دارد اتفاق می افتد؛ هندسه ی معرفتی و سیاسى دنیا دگرگون شده است. (1)

1384/2/6

قیام اسلامى در ایران؛ سرآغاز بیدارى امت اسلامى

قیام ملت اسلامى در ایران و برافراشتن پرچم توحید در این کشور - این مرکز حسّاس و منطقه ی مهم - امت اسلامى را به هیجان آورد و بیدار کرد؛ آنها را به سرنوشت و قدرت خودشان امیدوار کرد و به آنها اعتماد به نفس داد. این بیدارى و اعتماد به نفس، دشمن را به توطئه های پیچیده یی وادار کرده است؛ این توطئه ها امروز پیش روی ماست. آنها با همه ی دنیای اسلام مخالف اند؛ با حضور اسلام مخالف اند؛ با تعلیمات اسلامى مخالف اند. رئیس جمهور امریکا صریحاً سخن از جنگ صلیبى به میان آورد. دستگاه های استکبارى - امریکا و صهیونیسم - دائم با تبلیغات خودشان فضا را زهرآگین میکنند، برای اینکه بین کشورهای اسلامى و دولتهای اسلامى اختلاف ایجاد کنند.

(1). در دیدار وزیر و مسئولان وزارت خارجه، سفرا و کارداران.

ص: 350

دشمنان اسلام دچار فقر فکر و اندیشه بی هستند که بتوانند در دنیای اسلام آن را عرضه کنند؛ مکتب و تفکر والایی که بتواند دل‌های نخبگان اسلامی را جذب کند، ندارند و نمیتوانند ارائه کنند؛ لذا برای جذب دل‌های افراد غافل، پرچم حقوق بشر و ضدیت با تروریسم را بلند کرده اند؛ این در حالی است که خود امریکا و صهیونیستها و خود این مستکبران، بیشترین نقض حقوق بشر را انجام داده اند و دنیا را جریحه دار کرده اند.

کدام دولت و کدام مجموعه بی به قدر رژیم صهیونیستی، با یک ملت و یک مجموعه ی انسانی این طور با شقاوت رفتار کرده است؟ کدام دولت مستکبر با ملتهای مسلمان این طور متکبرانانه برخورد کرده، که امریکا امروز برخورد می کند؟ امروز آنها تبلیغات خود را علیه جمهوری اسلامی ایران متمرکز کرده اند؛ چون اینجا رشیدترین چهره های مدافعان اسلام حضور دارند و منافع آنها در اینجا بیشتر از همه جا تهدید میشود. ولی هدف، فقط جمهوری اسلامی نیست؛ آنها سلطه بر همه ی دنیای اسلام را میخواهند؛ سلطه بر همه ی خاورمیانه را میخواهند؛ قبضه کردن همه ی کشورهای اسلامی را در دستهای مجرم و گنهکار خود میطلبند. آنها اگر میتوانند به هدفهای خودشان برسند، دولتها یکی پس از دیگری در تهدید آنها قرار میگرفتند. سوریه و مصر و عربستان و سودان و کشورهای آفریقا و کشورهای خاورمیانه و کشورهای اسلامی شرق آسیا، در صورت کوتاهی مسلمانها و ملتها، هیچ کدام از تعرض این جهانخواران مصون نخواهند بود؛ این هشدار به دنیای اسلام است.

امروز نخبگان و سیاستمداران دنیای اسلام، مسئولیت سنگینی بر عهده دارند؛ جهانخواران را در کشورها و در قلمرو نفوذ کلام خودشان رسوا کنند؛ تبلیغات خباث آلود آنها علیه اسلام را با عزم راسخ عقیم کنند؛ نگذارند نقشه های آنها به نتیجه برسد؛ این مسئولیت بر عهده ی همه است. (1)

(1). در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در هفدهم ربیع الاول.

بیداری دنیای اسلام؛ واقعیتی غیر قابل انکار

امروز چند واقعیت در دنیا وجود دارد که قابل انکار نیست. واقعیت اول، بیداری دنیای اسلام است؛ در این کسی نمیتواند تردید کند. امروز مسلمانان عالم در همه ی نقاط جهان - چه در کشورهای مسلمان، و چه در نقاطی که در اقلیت قرار دارند - احساس گرایش به اسلام و احساس بازیابی هویت اسلامی خودشان را میکنند. امروز روشنفکران دنیای اسلام، دلزده ی از سوسیالیسم و مکاتب غربی، به سمت اسلام گرایش پیدا کرده اند و علاج دردهای بشریت را از اسلام میطلبند و استفتاء میکنند. امروز دلهای امت مسلمان نسبت به اسلام گرایش بی سابقه یی در طول قرنهای متمادی پیدا کرده است. بعد از تسلط سیاسی و فرهنگی غلیظ و گسترده ی غرب و شرق در طول ده ها سال بر کشورهای اسلامی، امروز افق دید جوانان دنیای اسلام و مدّ نگاه آنها به سوی اسلام است؛ این يك واقعیت است؛ خود غریبها و مستکبران عالم هم به این اعتراف میکنند.

حرکت عظیم ملت فلسطین؛ نتیجه ی گرایش آنها به اسلام

آنها بارها تکرار کرده اند که در هر کشوری از کشورهای اسلامی، اگر انتخابات آزادی انجام بگیرد، منتخبان ملت، عناصر معتقد و پای بند به اسلام و مروج اسلام خواهند بود. برای همین است که ادّعای دموکراسی خواهی غرب، امروز دچار تناقض است. از يك طرف، پرچم دموکراسی و مردم سالاری را در دست گرفته اند؛ از سوی دیگر، جرأت نمیکنند این پرچم را در دنیای اسلام به معنای واقعی کلمه برافرازند؛ چون میدانند در هر کشوری از کشورهای اسلامی، اگر آرا و انتخاب مردم در آن نقش پیدا کند، بدون تردید اسلام خواهان زمام قدرت و حکومت را در دست خواهند گرفت و منتخبان ملت، مسلمانها خواهند بود.

بیداری اسلامی؛ يك حقیقت روشن

امروز دنیای غرب و امریکا و سیاست سازان تفکر غربی - صهیونیستها و محافل سرمایه دار غربی - خوب میدانند که حرکت عظیم ملت فلسطین ناشی از گرایش آنها به اسلام است. چون محور را اسلام قرار داده اند، شجاعت پیدا کرده اند و به معنای واقعی کلمه دل به مجاهدت داده اند. هر جا ملتی این روحیه را پیدا کند، هیچ قدرتی - قدرت نظامی و غیر نظامی - قادر به برخورد با آنها و سرکوب آنها نخواهد

بود؛ این را خوب می فهمند. قضایای دنیای اسلام، همه مؤید این واقعیت است. این يك واقعیت مسلم است که امروز بیداری اسلامی، بلکه نهضت اسلامی، در دنیای اسلام يك حقیقت روشن است؛ هیچ کس نمیتواند این را انکار کند.

قدرتهای استکباری؛ دشمن شماره ی يك بیداری اسلامی

حقیقت دوم این است که دشمن شماره ی يك این بیداری و گرایش اسلامی و این آزادی خواهی، قدرتهای استکباری اند. علت هم معلوم است؛ چون اسلام با سلطه مخالف است؛ با وابستگی ملتها به قدرتهای بیگانه مخالف است؛ با عقب ماندگی علمی و عملی - که بر کشورهای اسلامی سالیان متمادی تحمیل کردند - مخالف است؛ با تقلید محض ملتها و کورکورانه به دیگران نگاه کردن مخالف است. اینها همه درست نقطه ی مقابل سیاستهای استعماری و استکباری است که در طول دوست سال یا بیشتر، از طرف مستکبران و غریبها بر دنیای اسلام اعمال شده؛ امروز هم برای این منطقه، پیش خودشان منافعی تعریف کرده اند. بیداری اسلام، درست نقطه ی مقابل خواسته های آنهاست؛ لذا با همه ی وجود با آن مخالف اند و مخالفت سیاسی و تبلیغاتی میکنند.

امروز همه ی شگردهای تبلیغاتی را دارند علیه اسلام اعمال میکنند. شما نگاه کنید ببینید کاری که دولتهای غربی علیه مسلمانان و علیه اسلام میکنند - چه در امریکا و چه در اروپا - چقدر پیچیده و گسترده است. تمام ابزارهای هنری در اختیار آنها، در خدمت این هدف پلید است. دشمنی را در اعلی درجه ی ممکن، با آمیخته یی از فعالیتهای فرهنگی و امنیتی و سیاسی و نظامی، علیه اسلام به کار بردند؛ این هم يك واقعیت روشن و مسلم است.

*

تلاش استکبار برای معرفی گروه های متحجر و دهشت افکن؛ به عنوان نماد بیداری اسلامی

واقعیت سوم - که همه این واقعیت را می دانند؛ اگرچه بسیاری آن را انکار میکنند - این است که مظهر این بیداری اسلامی، کسانی نیستند که امروز چهره ی تروریسم را در دنیای اسلام دارند نشان میدهند. کسانی که در عراق این جنایتها را میکنند؛ کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام علیه مسلمانها فعالیت میکنند؛ کسانی که مهمترین وظیفه ی خود را ایجاد اختلاف بین مسلمانها - تحت عنوان شیعه و

سنی، تحت عنوان قوم‌گرایی - قرار می‌دهند؛ اینها نمیتوانند به هیچ وجه نمایشگر و نماد بیداری اسلامی باشند؛ این را خود مستکبران هم میدانند. همان کسانی که سعی میکنند اسلام را در چهره‌ی گروه‌های متحجر و دهشت افکن به دنیای غرب معرفی کنند، میدانند که واقعیت غیر از این است. اسلامی که امروز بیداری آن را دنیای اسلام دارد احساس میکند، اسلام فکر و اندیشه و تعمق و حرف‌نو است؛ اسلام ارائه‌ی راه حل‌های زندگی برای گشودن گره‌های زندگی بشریت است؛ نه اسلام متحجر، نه اسلام چشم‌بسته و نه اسلام دور از هرگونه آزادفکری؛ این را مستکبران می‌فهمند.

امروز شعار جمهوری اسلامی، آزادفکری است؛ توسعه‌ی علم و معرفت است؛ توجه به حقوق انسانها و اختیارات انسانهاست؛ مهربانی و مهرورزی میان افراد انسان است؛ اینها شعار و پیام اسلام است؛ دنیا دنبال اینهاست.

منطق امام بزرگوار ما؛ منطق عقل، منطق فکر، منطق عمل روشن‌بینانه، منطق انسانیت و هنجار انسانی و اخلاق انسانی و فضایل اخلاقی بود؛ دنیا دنبال این است. مظهر بیداری اسلامی، کسانی نیستند که با چهره‌ی عبوس و گرفته‌ی خود با همه‌ی دنیا - حتی با مؤمنین و مسلمین - مواجه میشوند؛ عده‌ی بی‌را تکیفیر میکنند؛ عده‌ی بی‌را با قوم‌گرایی، عده‌ی بی‌را با طایفه‌گرایی، عده‌ی بی‌را به بهانه‌های نادرست مورد تهاجم قرار میدهند. وجود اینها بشدت مشکوک است، که اصلاً چنین کسانی هستند یا در واقع همان عوامل سرویسهای جاسوسی اسرائیل و امریکا و انگلیس اند که دارند این طور فعالیت می‌کنند؛ چهار نفر آدم غافل را هم دستخوش فعالیت خودشان کرده‌اند. این هم واقعیتی است که نمیشود آن را انکار کرد.

واقعیت دیگر این است که دنیای غرب با همه‌ی توان خود نتوانسته است بر بیداری اسلامی فائق بیاید. در مناطق گوناگون اسلامی، این همه علیه اسلام، علیه جمهوری اسلامی، علیه رهبران و مصلحان بزرگ اسلامی و علیه احکام اسلام تبلیغات کردند؛ این همه مزدور درست کردند برای دشنام دادن به اسلام و متهم کردن اسلام و احکام اسلامی؛ از حربه‌ی نظامی استفاده کردند، از حربه‌ی اقتصادی استفاده کردند، از حربه‌ی تبلیغات وسیع رسانه‌ی بی‌شکل عجیب و

شگفت آوری استفاده کردند؛ اما تاکنون پیش نرفته اند. بیشترین گرایش جوانهای مسلمان در کشورهای اسلامی به اسلام و تفکر اسلامی است. این شور و عشق، روزه روز در دل ملت‌های مسلمان بیشتر میشود. (1)

1384/10/19

فراگیر شدن امواج بیداری در سراسر دنیای اسلام

برادران و خواهران مسلمان! امروز جهان و بویژه جهان اسلام دوران حسّاسی را میگذرانند. از سویی امواج بیداری سراسر دنیای اسلام را فرا گرفته، و از سویی چهره‌ی غدار امریکا و دیگر مستکبران از پرده‌ی تزویر و ریا، بیرون افتاده است. از سویی حرکت به سمت بازیابی هویت و اقتدار در بخشهایی از جهان اسلام آغاز شده و در کشوری به عظمت ایران اسلامی، نهالهای دانش و فناوری مستقل و بومی به بار نشسته و اعتماد به نفسی که محیط سیاسی و اجتماعی را متحوّل کرده بود، به محیط علم و سازندگی کشیده شده است؛ و از سویی رخنه‌های ضعف و انحطاط در آرایش سیاسی و نظامی دشمنان پدید آمده است. امروز عراق از سویی و فلسطین و لبنان از سویی، نمایشگاه ضعف و عجز قدرت پرمدعای امریکا و صهیونیسم است. سیاست خاورمیانه‌ی امریکا در نخستین گامهای خود با موانعی بزرگ مواجه شده و ناکامی در این سیاست، به حربه‌ی بر ضد طراحان آن تبدیل شده است.

امروز روزی است که ملت‌ها و دولتهای مسلمان میتوانند ابتکار عمل را به دست گیرند و کاری بزرگ را آغاز کنند. کمک به ملت مظلوم فلسطین، حمایت از ملت بیدار عراق، حراست از ثبات و استقلال لبنان و سوریه و دیگر کشورهای منطقه، وظیفه‌ی همگانی است، و وظیفه‌ی نخبگان سیاسی و دینی و فرهنگی و رجال ملی و جوانان و دانشگاهیان، سنگین تر از دیگران است. وحدت و همدلی میان پیروان مذاهب اسلامی و پرهیز از اختلافات فرقه‌ی و قومی، باید از برجسته‌ترین شعارهای این نخبگان باشد. نشاط علمی، نشاط سیاسی،

(1). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت مبعث فرخنده‌ی پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم).

ص: 355

فلسطین؛ کانون بیداری اسلامی

دوران کنونی، دوران بیداری اسلامی است؛ و فلسطین در کانون این بیداری قرار گرفته است. اکنون نزدیک به شصت سال از اشغال فلسطین میگذرد و ملت مظلوم فلسطین دورانهای پرمحنتی را با آزمونهای گوناگون گذرانیده اند؛ از مقاومت‌های مظلومانه و مأیوسانه ی آغاز ماجرا و آوارگی و غربت و مشاهده ی نابودی خانه و کاشانه و قتل عام عزیزان و کسانشان، تا پناه بردن به مجامع بین المللی و تاروی آوردن به معامله های بی فرجام سیاسی و قمار سراسر باخت مذاکره با اشغالگر و واسطه کردن قدرتهایی که خود مجرم اصلی در بروز و تداوم این محنت بوده اند. محصول این تجارب تاریخی، نسل نو و بالنده ی آن ملت رشید و شجاع را به قلّه ی بیداری و آزادگی رسانید و آتشفشان انتفاضه را پدید آورد.

رسیدن نسل نو فلسطین به قلّه ی بیداری و آزادگی؛ محصول تجارب تلخ گذشته

در جبهه ی مقابل نیز مسیری با مراحل متفاوت طی شد؛ از سبعت بی رحمانه و عنان گسیخته و نسل کشی ها و ویرانگریهای خشم آلود و تجاوزهای نظامی به همسایگان و داعیه ی از نیل تا فرات، تا دست اندازی سیاسی و اقتصادی به منطقه، با استفاده از ضعف و خیانت برخی سیاستمداران جهان اسلام، و ناگهان مواجهه با بیداری شیر آرمیده ی فلسطین و انتفاضه ی پرخروش ملّتی به جان آمده و به پا خاسته.

محصول این فرایند پرماجرا که در همه حال متکی به پول و زور دو دولت انگلیس و امریکا و حمایت شرم آور آنان از جنایتکاران صهیونیست بود، امروز تزلزل و تردید و یأس سردمداران رژیم غاصب و مواجهه ی آنان با موج پرخروش و فزاینده ی بیداری اسلامی است. درست است که امروز هم فلسطین عرصه ی قساوت آمیزترین جنایات بشری از سوی صهیونیستهای بیگانه و غاصب بر صاحبان مظلوم آن است و به صورتی استثنایی فجیع ترین ستمها به طور علنی و با افتخار از سوی دولت صهیونیستی انجام میگیرد و اعلام میشود، ولی يك نگاه به

(1). پیام به حجّاج بیت الله الحرام.

عرض و طول این ماجرای شصت ساله، آشکارا از حقیقت تکان دهنده و عبرت آموزی خبر می‌دهد و آن، چیزی نیست جز دگرگون شدن صحنه و جابه جا شدن جایگاه اقتدار دو جبهه؛ هم در خود فلسطین و هم در خاورمیانه و دنیای اسلام، که اساساً فاجعه‌ی غصب فلسطین برای در قبضه گرفتن و سیطره‌ی بلندمدت و تضمین شده بر آن، از سوی سیاستمداران غربی طراح و اجرا شده بود.

فلسطین دهه‌ی 1940 را در نظر بیاورید: سرزمینی در قلب دنیای عرب، کشوری فقیر، حکومتی ضعیف، مردمی بی‌خبر و همسایگانی دست‌نشانده‌ی استعمار؛ ثروتمندترین و مسلح‌ترین و شریرترین دولت غربی به تحریک صهیونیستها آن را از دست مسلمانان بیرون می‌آورد و به یک حزب نژادپرست و جزّار و تروریست می‌سپارد. همه‌ی دولتهای غربی و هر دو قطب سیاسی متخاصم عالم به آن کمک میکنند؛ دولتهای دست‌نشانده‌ی منطقه از قبیل ایران پهلوی و بعضی دیگر به اسلام و عربیت پشت کرده، در خدمت آن قرار میگیرند؛ پول و سلاح و علم و صنعت از سوی همه در اختیارش گذاشته میشود؛ امریکا مانند قیم و وکیل مدافع و کارپرداز او عمل میکند و شوروی هم تنها در این مسئله با امریکا هیچ مخالفتی نمیکند؛ قطعنامه‌های سازمان ملل در همان حدّ ضعیف و محافظه کارانه اش هم از سوی دولت جعلی و یاغی صهیونیست مورد بی‌اعتنایی کامل قرار میگیرد؛ با پشتگرمی امریکا و اروپا به مصر، به سوریه، به اردن، به لبنان، حمله‌ی نظامی میکند و بخشهایی را به قصد تصرف دائم اشغال میکند؛ بی‌محابا از ترور و قتل و غارت حرف میزند و تهدید میکند و تروریستهای معروف یکی پس از دیگری در آن به حکومت میرسند، که آخرین آنها جنایتکار معروف «صبرا و شتیلا» ست. ده‌ها سال در صحنه‌ی فلسطین؛ دولت غاصب با چهره‌ی بی‌خشن، بی‌انعطاف، طلبکار و شکست‌ناپذیر باقی میماند.

در جبهه‌ی مقابل، پس از آن ضعف و انکسار نخستین و ناکامی تلاشهای نیمه‌کاره‌ی سالهای اول، تجربه‌های يك يك خود را می‌آزمایند و دستاویزهای فکری و عملی از قومیت و ناسیونالیسم تا چپ‌گرایی مارکسیستی و امثال آن از بوته‌ی آزمایش، ناموفق بیرون می‌آیند. ایمان دینی - که ملت به آن سخت پای بند است - به همت مجاهدان صبور

و مقاوم، بتدریج نقطه های روشنی در افق بسته و غم آلود پدید می آورد و امیدهایی می آفریند؛ و در این هنگام، ناگهان خورشید «انقلاب اسلامی» از مشرق طلوع میکند؛ بر روی پرچم بلند این انقلاب الهی، همراه با نام خدا و شریعت اسلامی، نام فلسطین نقش بسته است.

از این مقطع، مسیر حوادث دگرگون میشود و روند زوال دولت غاصب و زوال سیطره ی مطلق امریکا در منطقه - که در طول سالهای دراز، شریک جرم دولت غاصب بوده - آغاز میگردد؛ گروه های جهادی مؤمن به اسلام در فلسطین و لبنان سر بر می آورند و نسل مبارزان صادق و سرسخت را متشکل میکنند؛ جهاد و شهادت زنده میشود و قدرت حقیقی - یعنی قدرت ملّتی که عزم ایستادگی و فداکاری در او راسخ است - جایگاه خود را در معادلات فلسطین و منطقه باز می یابد. خون مطهر جوانان شهادت طلب و حضور میدانی مبارزان از جان گذشته، همه ی محاسبات دنیاداران ماده پرست و لذّتجو را در هم میریزد و میدان تازه یی را میگشاید که در آن خون بر شمشیر پیروز است.

و امروز پس از شصت سال از آن آغاز محنت بار، جبهه ی حق با امیدهای تازه و با انگیزه ی ایمان - که نسلهای جدید را پی در پی مجذوب خود کرده - تازه نفس و جازم در میدان فلسطین روزه روز خود را نیرومندتر میسازد و شکستهای نظامی و سیاسی را یکی پس از دیگری در لبنان و فلسطین بر دشمن تحمیل میکند و با حماسه ی جهاد خود به سوی فتح مبین میرود؛ گویا کلام صادق خداوند خطاب به آنهاست:

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ، وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَ لَتَكُونَ آيَةً - لِلْمُؤْمِنِينَ وَ يَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا. وَ أُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (1). (2)

(1). سوره ی فتح، آیات 20-21. ترجمه: «خداوند غنایم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می آورید، ولی این یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت؛ و دست تعدّی مردم (- دشمنان) را از شما باز داشت، تا نشانه یی برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند! و نیز غنایم و فتوحات دیگری (نصیبتان میکند) که شما توانایی آن را ندارید، ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد؛ و خداوند بر همه چیز تواناست!»

(2). در سومین کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین.

ایستادگی ملت لبنان؛ نماد بیداری اسلامی

ایستادگی ملت لبنان و مجاهدت قهرمانانه ی حزب الله و اقتدار برخاسته از ایمان و صبر و توکل آنان، نماد دیگری از بیداری دنیای اسلامی و عزم راسخ آن در برابر دشمنیها و کین توزی ها است.

مشت پولادین جوانان مؤمن و شجاع و مظلوم لبنانی، اکنون بر چهره ی زشت متجاوزان فرود آمده و شیشه ی غرور مستانه ی آنان را شکسته است. (1)

1385/5/26

ناکارآمدی سلاحهای مدرن و مرگبار در برابر ایمان و اخلاص

برادر مجاهد و بسیار عزیز، جناب آقای سیدحسن نصرالله (ادام الله عمره و عزّه و عافیته)

سلام علیکم بما صبرتم (2)

درود بر شما و بر دیگر برادران و بر یکایک مجاهدان حزب الله.

آنچه شما با جهاد و مقاومت بی نظیر خود به امت اسلامی هدیه کرده اید، از حدّ توصیف اینجانب بالاتر است. جهاد دلاورانه و مظلومانه ی شما که نصرت الهی را به شما ارزانی داشت، بار دیگر ثابت کرد که سلاحهای مدرن و مرگبار در برابر ایمان و صبر و اخلاص، ناکارآمد است و ملتی که ایمان و جهاد دارد، مغلوب سیطره ی قدرتهای ستمگر نمیشود. پیروزی شما، پیروزی اسلام بود. شما توانستید به حول و قوه ی الهی ثابت کنید که برتری نظامی، به ابزار و سلاح و هواپیما و ناو و تانک نیست؛ به قدرت ایمان و جهاد و فداکاری همراه با عقل و تدبیر است. شما برتری نظامی خود را بر رژیم صهیونیستی تحمیل کردید؛ تفوق معنوی خود را در ابعاد منطقه یی و جهانی تثبیت نمودید؛ افسانه ی شکست ناپذیری و هیبت دروغین ارتش صهیونیست را به سخره گرفتید؛ و آسیب پذیری رژیم غاصب را به نمایش گذاشتید. شما به ملتهای عرب، عزّت بخشیدید و تواناییهای آنان را که ده ها سال به وسیله ی تبلیغات و سیاستهای استکباری، انکار شده بود، در صحنه ی عمل به همه نشان دادید.

(1). پیام در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان.

(2). سوره ی رعد، آیه ی 24.

آنچه اتفاق افتاد، حجتی از سوی خداوند بر همه ی دولتها و ملت‌های اسلامی و بویژه در منطقه ی خاورمیانه است. شما بار دیگر مصداق این کلام نورانی قرآن شدید:

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ الْقُرْآنِ تَقَاتُلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أُخْرَى كَافِرَةٌ يَرُونَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ. (1)

این اولوالابصار، امروز توده های میلیونی و جوانان غیور و مؤمن در کشورهای منطقه، و سیاسیون سالم، و زمامداران و رهبران مستقل و خردمندند. (2)

1385/10/8

نقطه ی اوج بیداری اسلامی؛ سر برآوردن جمهوری اسلامی در ایران

با آغاز بیداری اسلامی که نقطه ی اوج آن سر برآوردن جمهوری اسلامی در ایران بود، اردوگاه استعمار غربی با تهدیدی بزرگ روبرو شد. شکست مکتب‌های سیاسی شرق و غرب و غلط درآمدن و فرو ریختن ارزش‌هایی که استعمارگران، آن را تنها راه خوشبختی بشریت وانمود میکردند، خودآگاهی اسلامی را در میان توده های مسلمان ریشه دار ساخت و ناکامی‌های پی در پی مستکبران در پوشاندن و خاموش کردن این فروغ الهی، نهال امید را در دل ملت‌های مسلمان بارور ساخت.

نگاه به فلسطین امروز که در آن دولتی پای بند به اصل بی خدشه ی «آزادی از اشغال صهیونیستی» بر سر کار آمده و مقایسه ی آن با غربت و انزوا و ناتوانی ملت فلسطین در گذشته؛ نگاه به لبنان که مسلمانان از جان گذشته در آن توانستند ارتش مجهز اسرائیل را با همه ی

(1) . سوره ی آل عمران، آیه ی 13. ترجمه: «در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر) با هم روبرو شدند، نشانه (و عبرتی) برای شما بود: يك گروه، در راه خدا نبرد میکردند، و جمع دیگری که کافر بودند، (در راه شیطان و بت.) در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد) و خداوند، هرکس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید میکند. در این، عبرتی است برای بینایان.»

(2) . پیام تبریک به حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله، به مناسبت پیروزی مقاومت اسلامی.

ص: 360

کمک‌هایی که امریکا و غرب و منافقان به آن می‌رسانند، شکست دهند و مقایسه‌ی آن با لبنانی که صهیونیستها هرگاه اراده می‌کردند، تا هرکجای آن بی هیچ مانعی پیش می‌رفتند؛ نگاه به عراق که ملت غیور آن، بینی امریکای مغرور را به خاک مالیده و ارتش و سیاستمدارانی را که با کبر و نخوت، از مالکیت خود بر عراق دم می‌زدند، در باتلاقی از مشکلات سیاسی و نظامی و اقتصادی گرفتار ساخته است، و مقایسه‌ی آن با عراقی که حاکم خونخوار آن به پشتگرمی امریکا، نفس‌های مردم را بند آورده بود؛ نگاه به افغانستان که همه‌ی وعده‌های امریکا و غرب در آن، فریب و دروغ از آب درآمده و لشکرکشی کم‌نظیر جبهه‌ی متحد غربی در آن، جز ویرانی کشور و فقر و کشتار مردم و اقتدار روزافزون مافیای مواد مخدر به بار نیاورده است.

اعتراف صهیونیستها به عدم کارایی سلاح و قدرت نظامی در برابر بیداری اسلامی

و بالا-خره، نگاه به جامعه‌ی جوان در کشورهای اسلامی و نسل رو به رشد و رو به افزایشی که با گرایش به ارزش‌های اسلامی و نفرت روزافزون از امریکا و غرب در حال رشد و بالندگی است.

نگاه به این همه می‌تواند بخت واژگون و سیاست‌های شکست خورده‌ی مستکبران غربی و پیش از همه امریکا را بدرستی به تصویر بکشد و شکل‌گیری هویت متحد اسلامی را نوید دهد.

اکنون دولت امریکا و سرمایه‌سالاری غرب و فعالان مفسد صهیونیست، حقیقت زنده‌ی بیداری اسلامی را حس می‌کنند و با اعتراف به اینکه سلاح و قدرت نظامی در برابر این حقیقت، کارایی ندارد، همه‌ی توان خود را در حيله‌ها و شیوه‌های سیاسی به کار می‌گیرند. (1)

1386/1/17

حقیقت غیر قابل انکار دیگر این است که امروز دشمنی با اسلام از سوی جبهه‌ی استکبار جهانی، دشمنی سازمان یافته‌تر و جدی‌تر و همه‌جانبه‌تری است؛ هم به لحاظ فرهنگی، هم به لحاظ تبلیغات سیاسی، هم به لحاظ تحریک سیاسی، هم به لحاظ اقتصادی. بیداری

(1). پیام به مناسبت کنگره‌ی عظیم حج.

ص: 361

بیداری دنیای اسلام؛ خطری برای جهان استکبار

دنیای اسلام هم يك خطر برای جهان استکبار محسوب میشود. قدرتهای استکباری - یعنی آن کسانی که اداره ی بخش عظیمی از دنیا در پنجه ی اقتدار زر و زور آنهاست؛ شبکه ی صهیونیسم جهانی، قدرت زورگوی امریکا، دستگاه های مالی بی که پشتیبان این نظام سلطه ی جهانی هستند - از بیداری دنیای اسلام احساس خطر میکنند و این را بر زبان هم می آورند. و آنچه که امروز علیه اسلام از جبهه های مختلف انجام میگردد، يك حرکت سازمان یافته و حساب شده است؛ طراحي شده است. این تصادفی نیست که همان حرفی را که رئیس جمهور امریکا - که در رأس قدرت شیطنانی استکبار است - در مقابله ی با اسلام بیان میکند، آن را به زبان دیگری يك مقام عالی روحانی مسیحی بیان کند! قصد مؤاخذه ی اشخاص را نداریم؛ مسئله را تحلیل میکنیم. این نمیتواند تصادفی باشد.

احساس خطر شبکه ی صهیونیسم جهانی از بیداری دنیای اسلام

اهانت به پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مطبوعات، ایراد به اسلام و اتهام به اسلام به عنوان دین خشن؛ تهمت زدن به ملت های مسلمان. از آن طرف هم اظهارات سیاسیونی که دم از جنگ صلیبی میزنند؛ دم از دشمنی با ملت های مسلمان میزنند و صریحاً این را ابراز میکنند. اینها تصادفی نیست. دشمن به عنوان يك جبهه در مقابل امت اسلامی تصمیم بر کارشکنی و اعمال دشمنی دارد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این دشمنی جدی تر شده است. (1)

1387/7/10

حساس تر شدن دنیای اسلام نسبت به مسئله ی فلسطین؛ نتیجه ی بیداری دنیای اسلام

امروز دنیای اسلام نسبت به مسئله ی فلسطین بسیار حساس تر و بسیار پرانگیزه تر است. علت این است که دنیای اسلام بیدار شده است. اگر این بیداری در سال 1948 میلادی - یعنی 1327 هجری شمسی - که فلسطین به طور رسمی غصب شد و در اختیار صهیونیستها قرار گرفت، وجود میداشت، قطعاً واقعیتها جور دیگری میبود و این حادثه ی تلخ دنیای اسلام و این جراحت عمیق بر پیکر امت اسلامی واقع نمیشد. امروز مسلمانها بیدارند، متوجه اند، روز به روز هم به

(1). در دیدار کارگزاران نظام.

ص: 362

توفیق پروردگار بیدارتر خواهند شد. و من لازم است عرض بکنم یکی از مهمترین عوامل این حمایت و گسترش جهانی، ایستادگی و مقاومت ملت شجاع فلسطین است. ما به ملت فلسطین درود میفرستیم. این ملت حَقّاً و انصافاً اثبات کرده است که لایق نام مسلمانی و لایق نام يك ملت زنده است. (1)

1387/12/14

ناکامی خفت آور رژیم صهیونیستی در برابر موج نیرومند بیداری اسلامی

از جمله ی این حوادث مهم، شکست شگفت آور نظامی و سیاسی اسرائیل در برابر مقاومت اسلامی در جنگ 33 روزه ی لبنان در سال 1427 هجری قمری و ناکامی خفت آور رژیم صهیونیستی در جنگ 22 روزه ی جنایتکارانه اش با مردم و دولت قانونی فلسطین در غزه است. اکنون رژیم غاصب که چند دهه با ارتش و تسلیحات خود و با پشتیبانی نظامی و سیاسی امریکا، چهره ی مهیب و شکست ناپذیر نشان میداد، دو بار از نیروهای مقاومت که با اتکا به خدا و مردم، بیش از اتکا به سلاح و تجهیزات می جنگیدند، شکست خورده و با وجود تمرینها و آماده سازی های نظامی و سازمانهای عریض و طویل اطلاعاتی و حمایت بی دریغ امریکا و بعضی دولت های غربی و همدستی برخی منافقان جهان اسلام، انحلال و شیب تند سقوط، و عدم کفایت خود در برابر موج نیرومند بیداری اسلامی را ظاهر ساخته است. (2)

1388/12/8

عنصر معنویّت در مبارزه

آنچه که در قضیه ی فلسطین از پیشرفت مشاهده میکنیم - که این پیشرفت قابل انکار نیست - اقتدار روزافزون جبهه ی مقاومت در مقابل جبهه ی استکبار و کفر است که امر مشهود و واضحی است. آنچه در این زمینه ملاحظه میشود، ناشی از ایمان به خدا و توکل به خدا و وارد کردن عنصر معنویّت در مبارزه است. اگر يك مبارزه با عنصر ایمان همراه نباشد، آسیب پذیر میشود. آن وقتی مبارزه موفق

(1). در خطبه های نماز عید سعید فطر.

(2). در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین.

ص: 363

خواهد شد که در او ایمان به خدا و توکل به خدا وجود داشته باشد. روحیه ی دین را و ایمان حقیقی به وعده ی الهی و توکل به خدای متعال را باید در مردم تقویت کنید؛ حسن ظن به خدای متعال و به وعده ی الهی را باید در مردم تقویت کنید.

خود ما هم بایستی به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال اصدق القائلین است؛ او به ما میگوید: لَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ (1)؛ او به ما میفرماید که: من كان لله كان الله له (2)؛ او میگوید که: از دشمن نهراسید: إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (3). او به ما این را تلقین میکند؛ بیان میکند. خداوند متعال صادق است. ما اگر به وظیفه ی خودمان در این راه عمل بکنیم، برای خدا حرکت کنیم، برای خدا مبارزه کنیم، هدف را رضای خدا قرار بدهیم، بدون شك پیروزی نصیب خواهد شد. (4)

1390/7/9

عَلَّتْ اسَاسِي نَاكَامِي سَاَزْمَان آزاديبخش فلسطين

با آشکار شدن ناتوانی دولتهای عرب همسایه با فلسطین، بتدریج هسته های مقاومت سازمان یافته در قالب گروه های مسلح فلسطینی شکل گرفت و پس از چندی از گرد آمدن آنها، «سازمان آزادیبخش فلسطین» تشکیل یافت. این برق امیدی بود که خوش درخشید، ولی طولی نکشید که خاموش شد. این ناکامی را میتوان به علل متعددی منسوب کرد، ولی علّت اساسی، دوری آنان از مردم و از عقیده و ایمان اسلامی آنان بود. ایدئولوژی چپ و یا صرفاً احساسات ناسیونالیستی، آن چیزی نبود که مسئله ی پیچیده و دشوار فلسطین به آن نیاز داشت. آنچه میتواند ملّتی را به میدان مقاومت وارد کند و نیرویی شکست ناپذیر از آنان فراهم آورد، اسلام و جهاد و شهادت بود. آنها این را بدرستی درک نکردند. من در ماه های اوّل انقلاب کبیر

(1). سوره ی حج، آیه ی 40. ترجمه: «خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند.»

(2). بحارالانوار، ج 79، ص 197.

(3). سوره ی نساء، آیه ی 76. ترجمه: «زیرا که نقشه ی شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است.»

(4). در دیدار رهبران گروه های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه ی همایش غزه.

ص: 364

اسلامی که سران سازمان آزادیبخش روحیه ی تازه بی یافته و به تهران مکرراً آمد و شد میکردند، از یکی از ارکان آن سازمان پرسیدم: چرا پرچم اسلام را در مبارزه ی بحق خود بلند نمیکنید؟ پاسخ او این بود که در میان ما، بعضی هم مسیحی اند. این شخص بعدها در يك کشور عربی به دست صهیونیستها ترور و کشته شد و ان شاءالله مشمول مغفرت الهی قرار گرفته باشد؛ ولی این استدلال او ناقص و نارسا بود. به گمان من، يك مبارز مسیحی مؤمن در کنار يك جمع مجاهد فداکاری که خالصانه، با ایمان به خدا و قیامت و با امید به کمک الهی می جنگد و از حمایت مادی و معنوی مردمش برخوردار است، انگیزه ی بیشتری برای مبارزه می یابد، تا در کنار گروه بی ایمان و متکی به احساسات ناپایدار و دور از پشتیبانی وفادارانه ی مردمی.

نبود ایمان راسخ دینی و انقطاع از مردم، بتدریج آنان را خنثی و بی تأثیر کرد. البته در میان آنان، مردان شریف و پرانگیزه و غیور بودند، ولی مجموعه و سازمان به راه دیگری رفت. انحراف آنان، به مسئله ی فلسطین ضربه زد و هنوز هم میزند. آنها هم مانند برخی دولتهای خائن عربی، به آرمان مقاومت - که تنها راه نجات فلسطین بوده و هست - پشت کردند؛ و البته نه فقط به فلسطین، که به خود هم ضربه ی سختی وارد کردند. به قول شاعر مسیحی عرب:

لئن اضعتم فلسطیناً فعیشکم *** طول الحیاة مضاضات وءالام(1)

(1). بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه ی فلسطین.

ص: 365

1362/6/27

وحدت کلمه؛ وادار کننده ی اسرائیل به ترك سرزمین فلسطین

ما معتقدیم يك فشار حساب شده، همه جانبه، با وحدت کلمه ی مسلمانها، قادر خواهد بود که اسرائیل را به ترك همه ی سرزمین فلسطین وادار کند. (1)

1363/4/1

سیاست امریکا در تبدیل ائتّحاد مسلمانان به عامل اختلاف

ملّتها وقتی که جاپا برای استکبار جهانی باز کردند، استقلالشان از دست رفته است؛ و اسرائیل و حکومت غاصب فلسطین اشغالی، برای امریکاییها این ارزش را داشت. امروز امریکا به مناسبت حضور صهیونیستها در خاورمیانه و در این منطقه ی حسّاس، برای خودش این حق را قائل است که ناوگان خودش را در مدیترانه نگه دارد. منتظر بهانه یی هستند که ناوگان نظامی خودشان را به اینجا و آنجای دنیا ببرند. اینها به مناسبت اینکه اسرائیل در آنجاست، توانستند بین دولتهای عرب اختلاف بیندازند؛ توانستند این را وسیله یی برای تشّت درست کنند. به جای اینکه وجود يك دشمن، ائتّحاد و اتّفاق بین کشورهای عربی به وجود بیاورد، بر اثر سیاستهای امریکایی و خباثتهایی که امریکاییها در طول زمان کردند، یکی را نزدیک کردند، یکی را دور کردند، یکی را به سازش کشاندند، یکی را به جنگ؛ خود همین را يك وسیله ی اختلاف و تشّت بین کشورهای اسلامی قرار

(1). در دیدار سفرا و کارداران کشورهای اسلامی.

ص: 366

دادند. حتی متأسفانه در میان صفوف خود فلسطینیها هم توانستند اختلاف به وجود بیاورند؛ بعضی از جناحهای فلسطینی را به سوی خودشان جذب و جلب کنند؛ به آنها لبخند بزنند، به آنها کمک کنند، به آنها نوید بدهند، آنها را به آینده ی خودشان در آن منطقه امیدوار کنند. طبعاً يك عده ی دیگر که حاضر نیستند سازش اینها را ببینند، از آنها کنار میکشند. بنابراین، مقصود استکبار جهانی حاصل میشود؛ هم دودستگی به وجود آورده، و هم مجاهدین و مبارزینی را که باید می جنگیدند، وادار به سازش و تسلیم کرده. بنابراین، امروز فلسطین اشغالی جای پای نفوذ سیاست امریکایی در منطقه است. (1)

1364/1/10

اختلاف بین مسلمانان؛ عامل حدوث و بقای اسرائیل

اختلاف برای استعمار، برای امپریالیسم، يك چیز مغتنمی است. اگر اختلاف نبود، اسرائیل به وجود نمی آمد؛ اگر اختلاف نبود، اسرائیل تا حالا نمیماند؛ فلسطین غصب شده، باقی نمیماند؛ اگر اختلاف نبود، بازارهای کشورهای اسلامی و کشورهای عربی میدان تاخت و تاز کمپانیهای غربی قرار نمیگرفت؛ اگر اختلاف نبود، این نیروی انسانی عظیمی که در دنیای اسلام وجود دارد - که بالقوه يك ابرقدرت حقیقی و يك قدرت فائق است برای سراسر دنیا - این جور هرز و هدر نمیرفت؛ در خدمت اهداف دشمنان جهان اسلام قرار نمیگرفت. اختلاف برای اینها مهم بود. هر جور بتوانند اختلاف را ایجاد کنند، میکنند. (2)

1364/6/15

جنگها را اینها راه می اندازند. الان در بسیاری از مسائل منطقه، همین روزنامه هاینده که به بعضی از سردمداران منطقه ی خلیج فارس خطّ سیاسی میدهند. اینکه جمهوری اسلامی دشمن دولتهای خلیج فارس است و درصدد ریشه کن کردن این رژیمهاست و میخواهد اینها را زیر

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در مراسم بزرگداشت شهدای عملیات بدر.

ص: 367

التای ایران هراسی در دولتهای خلیج فارس؛ برنامه ی رسانه های خبیث صهیونیستی

و رو و کن فیکون کند، خطی است که همین روزنامه های خبیث صهیونیستی از اول انقلاب دادند و گوشه و کنار تأثیرش را بخشید. هنوز هم که هنوز است، آدم می بیند که در ذهن اینها این مسائل وجود دارد و آثارش را مشاهده میکند. ما باید این نقش را بدانیم. حالا در مقابل این خباثت، تعداد رادیوها و تلویزیونها و روزنامه هایی که مخصوصاً علیه جمهوری اسلامی دارند کار میکنند و برنامه ریزی میکنند، چقدر است؟ (1)

1368/6/30

ضرورت توجه دولتهای منطقه به دشمنان مشترك و اقدام علیه صهیونیسم

اگر امروز دولتهایی که این منطقه را دچار تشنجهای سیاسی و نظامی میان برادران کرده و مجری سیاستهای امریکا شده اند، به خود آیند و به جای برادرآزاری، به فکر دشمنان مشترك باشند و خصوصاً علیه صهیونیسم که جنایتهای بی شرمانه اش قلب هر آزاده یی را به درد می آورد، اقدام کنند؛ ریشه ی این غده ی سرطانی و بیشتر نابسامانیهای این منطقه خواهد خشکید، و اگر دیر به فکر افتند، کار مشکل تر خواهد شد. به همین دلیل است که ما همواره دست خود را برای دوستی با همه ی کشورهای اسلامی دراز کرده و برای میثاق بر مبارزه با صهیونیسم غاصب و حامیان زورگوی آن، اعلام آمادگی کرده ایم. (2)

1373/6/4

مفهوم وحدت اسلامی

مراد ما از وحدت هم يك امر ساده و روشن است و آن عبارت است از همکاری فریق مسلمین با همدیگر و عدم معارضه و مضاذه ی (3) آنها با هم. مقصود ما از اتحاد بین مسلمین، این است که همدیگر را نفی نکنند، دشمن را بر یکدیگر مسلط نکنند و بعضی بر بعضی، به ستم غلبه نکنند.

قیام دشمنان علیه اسلام، نه علیه تسنن یا تشیع

برادران عزیز مسلمان از سراسر عالم! امروز دشمنان علیه اسلام قیام کرده اند، نه علیه تسنن یا تشیع یا فلان فرقه یا فلان جمعیت. دشمنان با اسلام بدند و با قرآن دشمن اند. دیدید که رئیس

(1). مصاحبه در دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

(2). پیام به مناسبت نهمین سالگرد شروع جنگ تحمیلی.

(3). باهم ضد بودن.

ص: 368

جمهور آمریکا، به رغم مسلمین و از لُج مسلمانها، با سلمان رشدی کافرِ مرتدّ معاند ملاقات کرد! ملاقات دو کافر با همدیگر، امر مهمّی نیست؛ معنای سیاسی این کار مهم است. دستگاه حاکمه ی آمریکا، با این عمل میخواهد چه بگوید؟

گمان میکنم فهمیدنِ پیامِ این کار، چندان مشکل نباشد. این، مفهوم همان چیزی است که امروز در همه ی مناطق عالم اسلام مشاهده میشود. این مفهوم، هم در جمع و تحشید همه ی قوا برای احیای دولت صهیونیست غاصب و جا انداختن و تثبیت و رسمی کردن آن تجلّی میکند، و هم در سکوت نسبت به ظلمی که به بعضی از مسلمین در اقطار عالم، مثل کشمیر و تاجیکستان، وارد میشود. کجای دنیاست که حادثه یی مثل حادثه ی کشمیر اتفاق بیفتد و این بوقهای استکباری، این گونه سکوتِ مطلق کنند؟! غیر از مناطق متعلّق به مسلمین، در کجای دنیا چنین چیزی پیش می آید؟! عین همین قضیه، در مورد مسلمانان جنوب لبنان، در مورد مسلمانان تاجیکستان، در مورد مسلمانان قره باغ، در مورد مسلمانان میانمار و دیگر مناطق دنیای اسلام است. (1)

1375/11/12

توطئه ی اختلاف بین کشورهای اسلامی، برای انحراف مبارزه ی دنیای اسلام با صهیونیستها

یکی از توطئه های آنها، ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی است. یکی از توطئه های آنها، سرگرم کردن بسیاری از دولتها به چیزهای حقیر و کوچك و غافل کردن آنها از چیزهای عظیم و مهم است. ایجاد بهانه هایی برای بگو مگو میان کشورهای اسلامی، برای اینکه بتوانند دشمنیهای دنیای اسلام را از صهیونیستها - که دشمن حقیقی جهان اسلامند - منحرف کنند. در همه جای دنیای اسلام، این کارها را میکنند؛ مخصوص منطقه ی ما هم نیست. البته در منطقه ی ما، این معنا شدت بیشتری دارد.

از روز اوّل انقلاب، تلاش تبلیغاتی ها و سیاست بازهای استکبار، آن بوده است که کشورهای حاشیه ی خلیج فارس را از جمهوری اسلامی

(1). در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی.

ص: 369

بترسانند؛ برای اینکه بتواند به آنها سلاح بفروشد؛ برای اینکه بتواند در آنجا برای خود، حضور نظامی تأمین کند. من نمیدانم آیا وقت آن نرسیده است که دلها و ذهنهایی در این کشورها به خود آیند و بفهمند که امریکا خیر آنها را نمیخواهد؛ بفهمند که امریکا و تبلیغاتچی های صهیونیست در همه جای دنیا - که طرف خطابشان آنها هستند - تیششان این است که به خلیج فارس بیایند و حضور نظامی پیدا کنند و منافع اقتصادی نامشروع برای خودشان تأمین نمایند و البته اگر بتوانند، فشاری بر جمهوری اسلامی و ملت ایران باشند؟

بارها دولت، ملت، و همه ی مسئولان اعلان کرده اند که جمهوری اسلامی نسبت به کشورهای همسایه، هیچ گونه نظر تعرض آمیزی ندارد. از اول انقلاب هم این ثابت شده است. هجده سال از انقلاب میگذرد؛ ما تا به حال به چه کسی حمله کرده ایم؟ ما کدام تیر را به طرف مرزهای همسایه پرتاب کرده ایم؟ به طرف ما تیرها پرتاب شد، اما در این مدت، ما جز دفاع از خودمان، هیچ کاری نکرده ایم. (1)

1375/11/21

تلاش دشمن برای تفرقه در دنیای اسلام

اما موضوع وحدت، موضوع یکپارچگی، موضوع يك جهتی دنیای اسلام و موضوع «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً» (2) که قرآن ما را به آن امر میکند؛ متأسفانه، آن گونه که باید باشد، نیست و این کار دشمن است. ملتهای اسلامی مایل به اتحادند، اما دشمن تلاش ویژه یی برای اخلال در این امر انجام میدهد؛ یعنی از طرق مختلف، سرمایه گذاری مادی و معنوی مخصوصی برای ایجاد تفرقه میکند، که بخشی از این سرمایه گذاری، مربوط به سابق است و مثل تقویت ناسیونالیست های افراطی، از قبل از انقلاب است.

در ایران ناسیونالیسم افراطی ایرانی مآبی؛ در کشورهای عربی، ناسیونالیسم افراطی عربی؛ و در کشورهای ترک زبان، ناسیونالیسم افراطی ترکی را تقویت میکردند. در داخل این کشورها، هر جا اقلیتی

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). سوره ی آل عمران، آیه ی 103. ترجمه: «و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله ی وحدت) چنگ زنید.»

ص: 370

بهره‌های استکبار از ایجاد اختلاف بین کشورهای منطقه: بر هم زدن وحدت دنیای اسلام، فروش اسلحه، حضور نظامی دشمنان در منطقه، مسابقه برای ایجاد رابطه با دولت صهیونیستی

وجود داشت، به تقویت ناسیونالیسم افراطی قومی آن اقلیت میپرداختند.

فرض بفرمایید در داخل ایران، نسبت به بعضی از اقوام ایرانی، القانات و تلقینهایی میشد، تا جنبه‌ی قوم‌گرایی آنها، به شکل افراطی بروز کند. در کشورهای شمال آفریقا - در مصر و جاهای دیگر - بین بعضی از اقوام عرب که از زمانهای گذشته در آن مناطق بوده‌اند، به تقویت شعارها و احساسات قومی خاص آنها میپرداختند و وادارشان میکردند که حول آن محورها بگردند. هر جا اقلیت مذهبی بود، آن را تقویت میکردند؛ و هلم جزا. تلاشهایی چنین را که در زمان سابق هم بود، بعد از انقلاب اسلامی در ایران، مضاعف و تقویت کردند؛ چون دیدند خورشید وحدت آفرین اسلام، در نهایت تالو و گرمابخشی، در حال تابیدن بر دنیای اسلام است.

مقابله با صهیونیستها؛ شعار وحدت آفرین بین ملت‌های اسلامی

اما آنها به این تلاشها هم اکتفا نکردند و عناصری را وادار نمودند تا به ایجاد تفرقه پردازند. چنین بود که شعارهای وحدت آفرین امت اسلام را از دستشان ربودند، که یکی از این شعارها، موضوع مقابله با صهیونیستهاست. شعار مقابله با صهیونیسم، امر وحدت آفرینی بین ملت‌های اسلامی بود. پیش از این، ملت‌های مسلمان، در مقابل تجاوز واضح و صریح صهیونیستها به یک کشور اسلامی، با همدیگر احساس خویشاوندی و همدردی میکردند. دشمنان، این شعار وحدت بخش و احساس اسلامی را شکستند و از بین بردند. مضاف بر این، سعی کردند دولتها و ملت‌های اسلامی را نسبت به یکدیگر دچار سوءظن کنند. نشستند و برای بی اعتماد کردن دولتهای اسلامی نسبت به یکدیگر، به وسوسه کردن آنها پرداختند.

امروز هم به چنین تلاشی ادامه میدهند. در حال حاضر، محافل سیاسی و اطلاعاتی کشورهای دارای طمع در این منطقه، که در رأسشان هم کشور ایالات متحده‌ی امریکا و دستگاه‌های جاسوسی صهیونیستها حضور فعال دارند، برای بی اعتماد کردن دولتها نسبت به یکدیگر، با محافل سیاسی کشورها در تماس دائم‌اند. آنها از این طریق، چندین فایده میبرند: یکی از فوایدش، بر هم زدن وحدت دنیای اسلام است؛ یکی از فوایدش، فروش اسلحه است؛ یکی از فوایدش، حضور نظامی است؛ یکی از فوایدش، مسابقه برای ایجاد

رابطه با دولت غاصب صهیونیست در سرزمین فلسطین است. اینها، فوایدی است که استکبار از این تلاشها میبرد. این وضع، برای دنیای اسلام، خیلی خسارتبار است. (1)

1376/9/18

پراکندگی جبهه ی اسلامی؛ مایه ی دلگرمی استکبار

مخالفت ما با آنچه بدان گفتگوی صلح خاورمیانه میگویند، به دلیل ناعادلانه بودن، استکباری بودن و تحقیرآمیز بودن و بالاخره غیر منطقی بودن آن است. اصل تحمیلی صلح در مقابل زمین به معنای آن است که صهیونیستها زمینهای کشورهای همسایه را پس بدهند، تا ما بپذیریم که کشور فلسطین متعلق به آنها باشد! چه سخنی از این ناعادلانه تر است؟ چه پاسخی میتوان به ملت کهن فلسطین در این معامله ی مغبونانه داد؟ از شوخیهای عبرت انگیز زمانه، یکی این است که دولت غاصب، همین را هم نامناسب دانسته و رد کرده است!! آیا وقت آن نرسیده که دنیای اسلام، به این روحیه ی استکباری پاسخ دهد؟ ما اگر مناسبات خود را تنظیم و برادرانه کنیم، این قدرت را داریم. امریکا در برابر جبهه ی متحد کشورهای اسلامی، از اندونزی تا شمال آفریقا، چه میتواند بکند؟ امروز دلگرمی استکبار، به پراکندگی این جبهه است. آیا وقت آن نرسیده که این صف را به نفع خودمان مستحکم کنیم؟ حضور دشمنی مانند حکومت صهیونیستی در قلب قلمرو اسلامی، شاید میتواند ما را به یکدیگر نزدیک تر سازد، ولی دستهای مرموز استکبار، این خطر را هم از برابر خود برداشت. با ما کاری کرد که اینک از یکدیگر بیشتر میترسیم تا از دشمن! وسوسه ها و دروغها و تبلیغات موزیانه، کشورهای اسلامی را به غلط و نابجا از یکدیگر ترسانده است. (2)

1377/4/21

ملتهای مسلمان باید با هم متحد شوند. امروز یکی از بزرگ ترین مصائب دنیای اسلام، این است که دشمنان اسلام کاری کرده اند که

(1). در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر.

(2). در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی.

ص: 372

لزوم وحدت مسلمانان با وجود صهیونیستهای غاصب در قلب کشورهای اسلامی

آنچه باید وسیله ی اتحاد مسلمین شود - یعنی وجود دشمن، وجود صهیونیستهای غاصب - وسیله ی اختلاف آنها شده است! کاری کرده اند که بعضی از دولتهای مسلمان، این را وسیله یی برای قرار گرفتن در مقابل برادران خود بکنند و حقیقتاً اختلاف به وجود آید؛ در حالی که بودن چنین دشمنی در قلب کشورهای اسلامی، باید مسلمانان را به هم نزدیک کند؛ جبهه ی واحد تشکیل دهد و یگانه واحد به وجود آورد. این گناه هم به دخالت و دست اندازی های استکبار برمیگردد. (1)

1379/1/30

اختلاف افکنی در دنیای اسلام؛ برنامه ی عوامل صهیونیستی

امنیت منطقه را هم خود دنیای اسلام باید تأمین کند. امروز عوامل صهیونیستی در دنیا، سعی میکنند بین دولتهای اسلامی، به انواع طرق و شیوه های مختلف، اختلاف ایجاد کنند، تا ناامنی ایجاد شود. آن وقت امریکا از آن طرف دنیا بیاید، ایجاد امنیت کند! به امریکا چه که ایجاد امنیت کند؟! ما خوشحال خواهیم شد که ناامنی برایمان ایجاد نکند! آنها میتوانند امنیت ایجاد کنند؟! امریکا امروز در این منطقه، هم اولش حفظ منافع اسرائیل است. ارتباط با دولتهای عربی، برای امریکا يك جنبه ی ابزاری دارد و این کشور، هیچ دلسوزی و علاقه مندی نسبت به مصالح دنیای عرب و دنیای اسلام ندارد. خود ما - چه دنیای عرب و چه دنیای اسلام که جامع تر است - باید به فکر ارتباط و اتصال و حفظ مصالح خودمان باشیم.

امریکاییها هر جا وارد شدند، اختلال ایجاد کردند. الان سالهاست که سعی میکنند همسایه های جنوبی ما را در خلیج فارس، از ایران بترسانند، که این امر موهومی است. (2)

1379/10/20

مسئله ی اسرائیل و این دشمنی که در دل جامعه ی اسلامی و امت اسلامی جا گرفته است و شما نیز مطرح کردید، چیزی نیست که

(1). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی.

(2). در دیدار رئیس جمهور یمن.

ص: 373

نسبت و رابطه ی آن با قضیه ی «وحدت» يك نسبت خنثی باشد. کدام انسان مؤمن و دین و دلسوزی است که نسبت به وجود اسرائیل ناراحت نباشد؟! من یقین دارم که در کشور شما هم مثل کشور ما؛ آحاد مردم، روشنفکران و علما، همگی نسبت به اسرائیل و قضیه ی فلسطین داغدارند. اما یکی از چیزهایی که میتواند وحدت عملی - و نه وحدت در مقام حرف - ایجاد کند، این است که صف واحدی در مقابله با اسرائیل به وجود آید؛ یعنی نامشروع شمردن حکومت غاصب و لزوم مبارزه با آن، مورد اتفاق قطعی همه قرار گیرد. البته با قدمهای عملی میشود به وحدت رسید و با حرف زدن و صحبت کردن، کار زیادی پیش نخواهد رفت. (1)

1380/11/3

سرکوب ملت فلسطین؛ نتیجه ی تفرق دنیای اسلام

امروز شما ببینید از تفرق دنیای اسلام و همدل نبودن دست اندرکاران کشورهای اسلامی، بخشی از دنیای اسلام چه میکشد. امروز فلسطین با سبعانه ترین روشها لگدکوب میشود و مردم فلسطین در سخت ترین روزهای ممکن برای يك ملت، روزگار میگذرانند. با همه ی امکاناتی که دنیای اسلام دارد و با وجود میل و علاقه یی که بسیاری از مردم جهان اسلام برای کمک دارند، عملاً کمکی به این قضیه نمیشود. این بسیار دردناک است. با نصیحت نمیشود رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا ظلم نکند. پنجاه سال است که این ظلم ادامه [دارد] و این روزها به اوج خود رسیده است. جوانها و نوجوانها و زنها و فرزندها و خانه ها و خانواده ها، در کوچه ها و خیابانها، با تانکها و اسلحه های مرگبار رویه رو شوند و بی هیچ ملاحظه یی این طور سرکوب شوند؛ اینها چیز کمی است؟! آن هم نه يك روز و پنج روز و يك ماه؛ بیش از يك سال است این وضعیّت کم و بیش ادامه دارد. حج میتواند دنیای اسلام را متوجه مسؤلیت سنگین خود کند. حج میتواند این معرفت را به ملت‌های اسلامی بدهد که حضور در صحنه و داشتن موضع قاطع در این قضیه، با منافع خود آنها پیوستگی دارد.

(1). در دیدار مفتی مسلمانان مصر.

ص: 374

مظلومیت ملت فلسطین؛ پیامد متحد نبودن دنیای اسلام

بعضی خیال میکنند حمایت از مردم فلسطین، خارج از منافع ملی کشورهاست. این اشتباه بسیار بزرگی است. وقتی يك ملت مسلمان به ملت‌های دیگر متکی نباشد و از طرف آنها حمایت نشود، این گونه راحت در معرض تطاول دشمن قرار میگیرد. اگر دنیای اسلام متحد بود، يك ملت این طور مظلوم نمیشد. این قضیه ممکن است برای ملت‌های مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کما اینکه دیدید در مواردی برای ملت‌های این منطقه و غارتگران بین‌المللی، کار را مشکل میکند و اجازه نمیدهد آنها طبق میل خود، هر طور خواستند و انتخاب کردند و مصلحت دیدند، به يك کشور و ملت اسلامی تعرض کنند.

پس حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین، در حقیقت حمایت دنیای اسلام از يك يك کشور‌های مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه ی آنهاست؛ این چیز کمی نیست. حج، این معرفت و وحدت و عزم و تصمیم را به آنها میدهد. بنابراین، مسئله ی حج و استفاده از همه ی ظرفیتهای این واجب عظیم الهی، برای بهبود حال مسلمین جهان و همه ی کشورهای اسلامی، بسیار مهم است. هر چه بتوان در این زمینه، کار و تلاش و خدمت کرد، با ارزش است. (1)

1382/7/17

پیروان اهل بیت؛ منادی وحدت امت اسلامی

اجتماع پیروان اهل بیت (علیهم السلام) و همبستگی آنها، به هیچ وجه نباید به معنای ایجاد شکاف میان شیعیان و بقیه ی برادران مسلمان تلقی شود.

تفرق و اختلاف؛ بزرگ ترین بیماری و درد امت اسلامی

ما منادی وحدت امت اسلامی هستیم؛ ما بزرگ ترین یا یکی از بزرگ ترین بیماریها و دردهای امت اسلامی را تفرق و اختلاف میان این امت میشماریم؛ ما معتقدیم که آحاد امت اسلامی در همه ی ابعاض و بخشهای آن، میتوانند گرد محورهای مشترك و متحدی جمع شوند، که برای آن هم به تلاش و مجاهدت میپردازیم؛ ما از برادران مسلمان خود در همه جای دنیا دفاع میکنیم.

پرچم مبارزه با اشغالگران فلسطین در دست شیعیان

امروز پرچم مبارزه با اشغالگران سرزمین عزیز فلسطین در دست شیعیان است. آنها هستند که از ملت فلسطین دفاع میکنند؛ آنها هستند که با استکبار، اشغالگران و صهیونیسم و پشتیبانان جهانی شان کنار نیامده اند و کنار

(1). در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزار کننده ی مراسم دهه ی فجر.

نخواهند آمد. ما خودمان را موظف میدانیم که شعار عدالت، آزادی خواهی و ظلم ستیزی را به معنای حقیقی کلمه در دنیای اسلام زنده نگه داریم. (1)

1382/9/5

اختلاف کلمه ی مسلمین؛ علت وضعیت فعلی فلسطین

اگر امروز ملت فلسطین دچار چنین سرنوشت تلخی شده است؛ اگر امروز پیکر ملت فلسطین خون آلود است و مصیبت و غم آن ملت تا اعماق جان انسانهای دردمند نفوذ کرده است، به خاطر اختلاف کلمه ی مسلمین است. اگر وحدت کلمه بود، این وضعیت به وجود نمی آمد. اگر عراق اسلامی زیر چکمه ی اشغالگران درآمده است، به خاطر اختلاف کلمه ی مسلمین است؛ اگر امروز کشورهای خاورمیانه با فریادهای مستانه و مغرورانه ی امریکا مستقیماً تهدید میشوند، به خاطر اختلاف کلمه ی مسلمین است؛ و اگر مسلمانان میخواهند از این خفت نجات پیدا کنند و اگر میخواهند فلسطین را نجات دهند و اگر میخواهند در افغانستان و عراق و سایر بلاد اسلامی، دشمن نتواند جسم و جان مسلمانان را زیر فشار قرار دهد، راهش در وحدت کلمه و وحدت ملتها، دولتها و وحدت شعارهاست. (2)

1384/2/6

وحدت امت اسلامی؛ بزرگ ترین سد در مقابل دشمنان

نزدیک به یک و نیم میلیارد نفر از جمعیت دنیا مسلمانند و مسکن آنها یکی از مهمترین و ارزنده ترین قطعات این زمین است. این همه منابع طبیعی، این میراث عظیم فرهنگی، این نیروی انسانی کارآمد و بااستعداد، این بازار بزرگ برای محصولات غربی، این نفت و گاز ارزشمندی که در این کشورها هست؛ اینها وسوسه کننده ی قدرتهای استکباری است؛ میخواهند بر اینها تسلط کامل داشته باشند؛ اما بیداری امت اسلامی مانع این است. وحدت امت اسلامی بزرگ ترین سد در مقابل این دشمنان است؛ لذا در شکستن این سد، همه ی تلاش خود را به کار میبرند.

(1). در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).

(2). در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر.

ص: 376

قیام ملت اسلامی در ایران و برافراشتن پرچم توحید در این کشور - این مرکز حساس و منطقه‌ی مهم - امت اسلامی را به هیجان آورد و بیدار کرد؛ آنها را به سرنوشت و قدرت خودشان امیدوار کرد و به آنها اعتماد به نفس داد. این بیداری و اعتماد به نفس، دشمن را به توطئه‌های پیچیده‌ی وادار کرده است؛ این توطئه‌ها امروز پیش روی ماست. آنها با همه‌ی دنیای اسلام مخالف اند؛ با حضور اسلام مخالف اند؛ با تعلیمات اسلامی مخالف اند. رئیس‌جمهور امریکا صریحاً سخن از جنگ صلیبی به میان آورد. دستگاه‌های استکباری - امریکا و صهیونیسم - دائم با تبلیغات خودشان فضا را زهرآگین میکنند، برای اینکه بین کشورهای اسلامی و دولتهای اسلامی اختلاف ایجاد کنند.

(1)

1384/3/14

وظیفه‌ی مسلمانان در توجّه به موارد اتحاد و وحدت خودشان

امروز، روز اتحاد و همدلی ملتها و دولتهای اسلامی است. من از همین جا می‌خواهم به ملت خودمان و ملت عراق و ملت پاکستان و دیگر ملتهای مسلمان هشدار بدهم؛ اختلافات مذهبی و اختلافات شیعه و سنی را مهار کنند. من امروز دستهایی را می‌بینم که با برنامه، به عنوان شیعه و سنی، میان مسلمانان جنگ ایجاد میکنند. کشتارهایی که اتفاق می‌افتد و انفجارهایی که در مساجد، حسینیه‌ها، نمازهای جماعت و نمازهای جمعه به وجود می‌آید، یقیناً دست خبیث صهیونیسم و استکبار در آنها وجود دارد؛ این کار خود مسلمانها نیست. هم در عراق، هم در ایران، هم در افغانستان، هم در پاکستان و هم در همه‌ی کشورهای دیگر، امروز مسلمانان وظیفه دارند به موارد اتحاد و وحدت خودشان بپردازند. توحید، یکی؛ خدا، یکی؛ نبوت، یکی؛ معاد، یکی؛ قرآن، یکی؛ بیشترین احکام شریعت اسلامی، یکی؛ همه مشترک، اما دشمن می‌آید روی نقاط افتراق انگشت می‌گذارد و دلها را پُر از کینه‌ی به یکدیگر میکند؛ برای اینکه بتواند به هدفهای خود برسد. امام بزرگوار ما که این همه روی وحدت مسلمین تأکید میکرد، به خاطر این بود که این خطر را میدید و می‌شناخت.

(1). در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در هفدهم ربیع الاول.

ص: 377

در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی، انگلیسیها و دستگاه جاسوسی انگلیس میان شیعه و سنی اختلاف ایجاد کردند؛ آنها تجربه ی زیادی در این کار دارند؛ همه باید مراقب باشند. امروز ایادی صهیونیسم هم در این کارها دخالت میکنند. اطلاعات ما خبر از این میدهد که دستهای خبیث صهیونیستها و عوامل دشمنان اسلام، در همه ی حوادثی که انسان در گوشه و کنار دنیای اسلام می بیند، با واسطه یا بی واسطه دخالت دارند. (1)

1384/6/11

اتحاد کلمه بر محور اسلام و نفی اهداف استکبار جهانی؛ تنها راه نجات دنیای اسلام

امروز تنها راهی که دنیای اسلام برای حفظ منافع ملت‌های اسلامی دارد، اتحاد کلمه بر محور اسلام است؛ «نه» گفتن به اهداف و مطامع استعماری دشمنان و مستکبران است. هدف استکبار، محو هویت ملی و دینی در دنیای اسلام و بخصوص در خاور میانه است. مقابله ی با این هدف، با اتحاد بیشتر، با همبستگی بیشتر، با تمسک به اسلام، با ترویج اسلام و با ایستادن در مقابل زیاده خواهی های امریکا و مستکبران، عملی است، و لا غیر. امروز امریکا در همه ی دنیا يك چهره ی ناموجه و لکه دار است. امروز امریکاییها با اعمال خودشان همه ی شعارهای خود را زیر پایشان له کرده اند. امروز فشار امریکاییها بر ملت عراق، ناامنی موجود در عراق، حمایت بی قید و شرط آنها از صهیونیستهای قاتل و خونریز، فجایعی که در افغانستان به راه انداختند، فشاری که بر دولتهای اسلامی می آورند؛ همه ی اینها امروز يك چهره ی کریه و منفور از امریکا در دنیای اسلام به وجود آورده است. امروز دنیای اسلام میتواند در مقابل این قدرت افزون خواه بایستد، و باید بایستد؛ هیچ چاره یی جز این ندارد.

دولتهای اسلامی برای حفظ منافع ملی خودشان، برای جلب عواطف ملت‌های خودشان، برای ادای مسؤلیت تاریخی خودشان، باید روی نقاط اساسی هویت امت اسلامی تکیه کنند؛ از ملت فلسطین باید صریحاً دفاع کنند؛ از استقلال کامل عراق و سپردن اختیار به ملت عراق باید دفاع کنند؛ از ملت افغانستان باید دفاع کنند؛ از ملت‌های

(1). در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه الله).

مسلمان در اروپا و آسیا و آفریقا باید دفاع کنند؛ از هویت قرآنی و از احکام قرآن در کشورهایشان باید دفاع کنند؛ ارتباطاتشان را با همدیگر نزدیک و صمیمی کنند؛ با هم صادق باشند؛ به هم کمک کنند و دست یکدیگر را بگیرند؛ آن وقت امت اسلامی خواهد توانست خود را از زیر یوغ استکبار نجات دهد و تهدیدهایی را که امروز دنیای استکبار نسبت به دنیای اسلام دارد، از سر بگذراند. (1)

1385/1/25

لزوم از خود دانستن قضیه ی فلسطین توسط دنیای اسلام

ما حق داریم و میتوانیم تحقیر و تکبر دولتهای سلطه گر را به خودشان برگردانیم؛ این احساس صادق ملت‌های ما و نسل کنونی دنیای اسلام از شرق آسیا تا قلب آفریقا است و این، میدان جهادی پیچیده و متنوع و دشوار و بلندمدت است، و اگر فلسطین را پرچم این جهاد بنامیم، سخنی به گزاف نگفته ایم. امروز همه ی دنیای اسلام باید قضیه ی فلسطین را قضیه ی خود بدانند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی میگشاید. فلسطین باید به ملت فلسطین برگردد و دولت واحد فلسطینی به انتخاب همه ی فلسطینیان، سراسر کشور خود را اداره کند. (2)

1385/1/27

غفلت از دشمن اصلی دنیای اسلام؛ نتیجه ی سرمایه گذاری دشمنان برای ایجاد اختلاف

امروز روز اتحاد دنیای اسلام است. شما ببینید برای به هم زدن همین اتحاد ضعیف کنونی، دشمن چقدر سرمایه گذاری میکند. اوضاع عراق را نگاه کنید؛ اوضاع دیگر مناطق اسلامی هم کم و بیش با همان توطئه ها دست به گریبان است، برای اینکه بین طوایف اسلامی، فرق اسلامی، اقوام اسلامی و ملت‌های اسلامی، به بهانه های مختلف اختلاف بیندازند: اینها، آنها را بکشند؛ آنها، اینها را بکشند؛ اینها، بغض آنها را در دل پپروراندند؛ آنها، متقابلاً کینه ی اینها را به دل بگیرند؛ نتیجه این بشود که از دشمن اصلی دنیای اسلام، طراحان تسلط و سیطره بر این منطقه از دنیا، غافل بمانند.

(1). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت مبعث فرخنده ی پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم).

(2). در سومین کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین.

ص: 379

ضرورت حمایت یکصدای دنیای اسلام از ملت و مسئولان فلسطینی

اگر دنیای اسلام متحد باشد، نباید امروز فلسطین تنها بماند؛ نباید امروز دولت برخاسته ی از رأی ملت فلسطین زیر فشار قرار بگیرد و به قطع کمکها، در صورتی که از اصول خود منصرف نشود، تهدید بشود. دنیای اسلام بایستی با صدای واحد و با کلمه ی واحده، حمایت خودش را از ملت فلسطین و مسئولان فلسطینی اعلام کند و از پافشاری آنها بر اصولشان پشتیبانی کند. اگر این بشود، آن کسانی که خودشان بانی بدبختی ملت و کشور فلسطین هستند، دیگر نمیتوانند این طور در میدان طلبکارانه حرف بزنند. این همه فاجعه علیه ملت فلسطین انجام میگردد، آقایان اروپاییهای بشردوست و طرفدار حقوق بشر صمبکم؛ گویی کردند، کورند و نمی بینند. آن وقت دولت فلسطینی به رأی و خواست مردم سر کار می آید، علیهش حرف میزنند و موضع گیری میکنند. این، به خاطر تفرق دنیای اسلام است؛ این، به خاطر خودخواهیهای نخبگان و سیاستمداران دنیای اسلام است. (1)

1385/5/17

اختلاف شیعه و سنی؛ یکی از ابزارهای دشمن علیه امت اسلامی

شما ببینید قریب یک ماه است که دشمنان اسلام این طور جنایتکارانه به یک جمع مسلمان حمله میکنند - یک جنگ معمولی هم نیست؛ جنگی است سرشار و لبریز از جنایتهای جنگی، کشتار مردم بی دفاع، استفاده ی از سلاحهای ممنوع و غیرقانونی - اما دولتهای اسلامی، بخصوص برخی از دولتهای عرب، دست روی دست گذاشته اند، دارند نگاه میکنند! این اشتباه، بسیار خسارتبار است. این دولتها ملاحظه ی امریکا و ملاحظه ی قدرتهای استکباری را میکنند؛ اما آنها در هنگام خود، ملاحظه ی اینها را نخواهند کرد.

دشمن هم البته فعال است و مسئله ی شیعه و سنی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمینگیر کردن امت اسلامی است. هم سنیها بدانند، هم شیعه ها بدانند؛ همه، در ایران و در دنیای اسلام، این را بدانند که اختلاف شیعه و سنی یکی از ابزارها و چماقهای دشمن علیه امت اسلامی است. آنها هر جور بتوانند، از این ابزار استفاده میکنند. آن

(1). در سالروز میلاد پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام جعفر صادق (علیه السلام).

ص: 380

روزی که سُنّی فلسطینی زیر فشار است، يك عده یی را با این شعار، با این تبلیغات، که: اینها سُنّی هستند، شما شیعه هستید؛ سعی میکنند نگذارند کمك کنند. امروز که شیعه ی لبنان زیر فشار است، به يك عده میگویند: شما سُنّی هستید، اینها شیعه هستند؛ به آنها کمك نکنید. آنها نه به شیعه احترامی میگذارند، نه به سُنّی؛ آنها با اصل اسلام طرفند.

تفرقه؛ سَم مهلك دنیای اسلام

سَم مهلك دنیای اسلام، تفرقه است. این تفرقه، ملتها را از هم جدا میکند؛ دلها را از هم جدا میکند. الان دشمن، و همین سرویسهای جاسوسی اسرائیل و امریکا، در عراق يك عده را تحريك میکنند که با شیعیانی که در عراق اکثریت را دارند - حالا امروز اکثریت دولت متعلق به آنهاست - مقابله و مبارزه کنند؛ نامنی ایجاد کنند؛ و این نامنی را وسیله یی قرار میدهند برای اینکه پای خودشان را در عراق و در بغداد مستحکم کنند. امریکا برای ماندن در عراق بهانه لازم دارد و این بهانه، نامنی است. آنها برای اینکه دولت عراق نتواند به خدمات لازم پردازد، این اوضاع نامن را در کشور به وجود می آورند، تا بهانه داشته باشند که بمانند. اختلافات را آنها به وجود می آورند: دل سُنّی را نسبت به شیعه، دل شیعه را نسبت به سُنّی آن چنان چرکین میکنند که نتوانند با این همه مشترکات، کنار هم بگیرند. این، کار دشمن است. چرا ما این حقیقت را نمی فهمیم؟

سالهای متمادی است - از زمان مرحوم آیت الله بروجردی «رضوان الله تعالی علیه» و بعضی از بزرگان علمای اهل سنت در مصر - که این فکر پیدا شده که بیابید اختلافات را کنار بگذارید؛ سُنّی، سُنّی بماند؛ شیعه، شیعه بماند؛ عقاید خودتان را داشته باشید؛ اما با هم، دست در دست هم بگذارید. قرآن از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به مسیحیان آن زمان میگوید:

تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً. (1)

آن وقت فرقه های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله ی واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلمات، چند

(1). سوره ی آل عمران، آیه ی 64. ترجمه: «بیابید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم.»

موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این، خیانت نیست؟ این، غرض ورزیِ غرض ورزان و غفلتِ غافلان نیست؟ هر کسی که در این زمینه تقصیری بکند، پیش خدای متعال مؤاخذ است؛ چه شیعه باشد، چه سنی.

تلاش استکبار جهانی و صهیونیستهای سفاک، برای از بین بردن هویت و عزت اسلامی در همه ی مسلمانان

امروز دفاع از حزب الله لبنان، بر همه ی جامعه ی اسلامی واجب است. ما با بصیرت مسئله را نگاه میکنیم و برای ما روشن است که استکبار چه کار میکند. ما در قضیه ی فلسطین هم به همان استحکامی ایستاده ایم که در قضیه ی لبنان یا در قضیه ی عراق یا در قضیه ی افغانستان. ما می بینیم که استکبار امریکایی با همراهی بعضی از دولتهای خبیث اروپایی - مثل انگلیس که جزو سیاه چهره ترین دولتها و بدنام ترین آنها در این منطقه است - و با همکاری صهیونیستهای ظالم و سفاک، تصمیم دارند ریشه ی اسلام را از این منطقه براندازند؛ چون می بینند که اسلام در مقابل مطامع آنها ایستاده است. با تشکیل نظام جمهوری اسلامی و با بلند شدن پرچم اسلام در این منطقه، فهمیدند که اسلام زنده است. امروز احساسات اسلامی و تمایل برای مجاهدت در راه اسلام، در همه ی کشورهای اسلامی و در تمام این سرزمین بزرگ و پهناور و حساس - از ساحل اقیانوس اطلس تا ساحل اقیانوس آرام - زنده است. مردم شمال آفریقا، مردم خاورمیانه، مردم آسیا، مردم شرق آسیا، تا هر جا مسلمانها هستند، میل به احیای هویت اسلامی و عزت اسلامی در آنها زنده است؛ نمیتوانند این را از بین ببرند؛ ولی تلاش میکنند. ما باید بیدار باشیم؛ ما باید هوشیار باشیم. (1)

1385/5/30

مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه یی عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف

(1). در دیدار گروه های مختلف مردم به مناسبت میلاد باسعادت علی بن ابی طالب (علیهما السلام).

ص: 382

عقاید فقهی و کلامی میتواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا» (1)؛ تنازع نباشد، اختلاف نباشد. قرآن میفرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». (2)

ضرورت و چگونگی اعتصام به حبل الله

اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان يك وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمیکنند به اینکه ما را به اعتصام به حبل الله امر کند، بلکه به ما میگوید که اعتصام به حبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جمیعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید. و این اجتماع و این اتحاد، يك واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر اینکه مسلمان باید معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمانها و همدست با آنها انجام دهد. ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه ی شریفه ی قرآن میفرماید:

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ. (3)

این، اعتصام به حبل الله را برای ما معنا میکند. تمسک به حبل الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت.

امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده ی امریکاست؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید میکند. امریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است. امروز تجاوز رژیم ایالات متحده و همفکرانش و همکارانش، دنیای اسلام را در وضعیت دشواری قرار داده است و دنیای اسلام در پیشرفت خود، در موضع گیری خود، در ترقی مادی و معنوی خود، زیر فشار امریکا و همکاران و همفکران اوست. در همین تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در این يك ماه اخیر - که به این حماسه ی بزرگ اسلامی از سوی حزب الله منتهی شد و نصرت الهی بر اینها نازل شد - امریکا صریحاً وارد میدان جنگ شد و فقط به حمایت زبانی و مالی و سیاسی اکتفا نکرد و برای رژیم صهیونیستی تسلیحات فراهم کرد،

(1). سوره ی انفال، آیه ی 46. ترجمه: «و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید.»

(2). سوره ی آل عمران، آیه ی 103.

(3). سوره ی بقره، آیه ی 256. ترجمه: «بنابراین، کسی که به طاغوت (اب و شیطان، و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیری ی محکمی چنگ زده است.»

فرستاد و کمک کرد. در واقع این جنگ را امریکاییها خواستند و آنها شروع کردند. امروز طاغوت اعظم امریکاییها هستند.

در بسیاری از بخشهای امت اسلامی ایمان بالله هست، اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروه ی و تقای الهی امکانپذیر نیست. ما کشورها و دولتها و ملتها را به اینکه به جنگ با امریکا بشتابند، دعوت نمیکنیم؛ ما دعوت میکنیم که تسلیم امریکا نشوند؛ ما دعوت میکنیم که با دشمن اسلام و مسلمین همکاری نکنند. یکی از اقسام همکاری نکردن، همین است که به وسوسه های آنها در زمینه ی وحدت امت اسلامی اعتنا نکنند و امت اسلامی را با اتحاد خودش حفظ کنند.

اتحاد؛ مهمترین مسئله ی کنونی دنیای اسلام

امروز به نظر ما مهمترین مسئله ی دنیای اسلام، مسئله ی اتحاد است. اگر این اتحاد انجام شد، ما پیشرفت علمی هم میتوانیم پیدا کنیم؛ پیشرفت سیاسی هم میتوانیم پیدا کنیم. (1)

1385/8/2

همه ی ملتها باید هوشیار باشند. ملت ما، ملت لبنان و ملت فلسطین باید بهوش باشند. ملت های عربی منطقه، ملت عراق و دیگر ملت های مسلمان هم باید بهوش باشند؛ مواظب باشند اینها حرکتی در جهت موفقیت نقشه های خائنه ی جدید امریکا و صهیونیسم انجام ندهند. آنچه که امروز برای دولت امریکا و رژیم اسرائیل به عنوان يك موفقیت محسوب شود، به زیان همه ی کشورهای اسلامی است. این طور نیست که بگوییم بعضی ضرر میکنند و بعضی سود میبرند؛ ابداً. آنچه که متجاوزان، غارتگران و طمع ورزان به این منطقه را خوشحال کند، همه ی ملت های این منطقه را غمگین و متأثر خواهد ساخت. اگر در کوتاه مدت هم به آن توجه نکنند، در میان مدت یقیناً دچار آن خواهند شد. کشورها مراقب باشند و اتحاد خودشان را حفظ کنند. در داخل ملتها، اتحاد ملی را باید حفظ کنند. برادران فلسطینی از جناحها و گروه های مختلف بدانند که اتحاد آنها امروز از همه ی عوامل پیروزی شان مهمتر است. مبادا به خواست دشمن - که

(1). در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی.

ص: 384

ضرورت اتحاد ملت‌های مسلمان و اتحاد گروه‌های فلسطینی

میخواهد بین گروه‌های فلسطینی اختلاف بیندازد - با هم اختلاف کنند و از نقشه‌ی بی که دشمنان برای آنها کشیده‌اند، غفلت کنند. عین همین قضیه در مورد لبنان صادق است. ملت لبنان، وحدت خود را با همان شعارهای کوبنده‌ی مقاومت لبنان حفظ کنند. ملت عراق از اختلافات فرقه‌ی و طایفه‌ی بی شدت پرهیز کند. امروز این راه و علاج حلّ مشکلات منطقه‌ی ماست و امیدواریم خداوند متعال همه‌ی ما را موفق بدارد و همه‌ی ملت‌های اسلامی را موفق بدارد که بتوانند به این وظایف مهم عمل کنند. (1)

1386/1/17

پرهیز مسلمانان از نگاه قومی و مذهبی و توجه به دشمن مشترك

اسلام و بیداری اسلامی خطر است؛ اما برای استکبار. و آنها این خطر را در هر جا ببینند، آن را هدف قرار میدهند؛ آماج حملات خودشان قرار میدهند؛ چه سنی باشد، چه شیعه باشد. استکبار به حماس در فلسطین همان نگاه و رفتاری را میکند، که با حزب الله در لبنان. آن سنی است، این شیعه است. نگاه استکبار به مسلمانهای معتبد و پای بند در هر نقطه‌ی از دنیا یکسان است؛ چه شیعه و چه سنی. آیا عاقلانه است که ما بین خودمان نگاهمان را نگاه طائفی بکنیم؟ نگاه قومی بکنیم؟ نگاه مذهبی بکنیم؟ بین خودمان با هم دست به یقه بشویم؟ با هم گلاویز بشویم و فراموش کنیم که دشمن مشترك، هدفش این است که ما را از بین ببرد؛ و نیرویمان را این جور هدر بدهیم؟ (2)

1386/4/14

تبیین معنای انسجام اسلامی

الحمد لله چیزهای خوبی انسان از افراد می شنود؛ البته گوشه کنار حرفهایی هم هست. یکی از چیزهایی که من بخصوص میخواهم تکیه کنم، مسئله‌ی «انسجام اسلامی» است که ما گفتیم. انسجام اسلامی یعنی عصبیتهای بین المذاهبی مسلمانها نباید تحريك شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیر شیعه علیه شما تحريك شود؛

(1). در خطبه‌های نماز عید سعید فطر.

(2). در دیدار کارگزاران نظام.

ص: 385

او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریک کند. آنها همین را میخواهند.

اختلاف بین مسلمانها؛ گزینه ی ایده آل رژیم صهیونیستی

الان شما ببینید دو تا گروه فلسطینی در فلسطین دارند با هم می جنگند! برای اسرائیل چه از این بهتر! به جای اینکه تفنگها به طرف آنها متوجه شود، علیه همدیگر دارند می جنگند! خوب، این خیلی چیز خوبی برای اسرائیل است. چقدر خرج کند، می ارزد که يك چنین وضعی پیش بیاید. فرض بفرمایید در لبنان هم يك گروهی پیدا میشوند و بنا میکنند با يك گروه دیگری مبارزه کردن و جنگیدن. چه نعمتی بزرگ تر از این برای اسرائیل و امریکا! این بهتر است، یا اینکه گروهی مثل حزب الله بیاید جلو، همه هم دنبالش - بعضی از روی دل و ایمان، بعضی هم از روی ترس از افکار عمومی - و اسرائیل را شکست بدهند؟ معلوم است که وضعیت اختلاف برای آنها بهتر است. در دنیای اسلام، قضیه همین است.

آیا مسلمانهای مصر و اردن و عراق و پاکستان و هند و ترکیه و جاهای دیگر، اگر به خیابانها بیایند و به نفع جمهوری اسلامی شعار بدهند، برای امریکا بهتر است یا کاری کند که اگر در يك مسئله، ایران اسلامی صدایی بلند کرد، همه ی این ملتها خاموش بشوند؛ بعضیها اظهار مخالفت هم بکنند؟ پیداست دنبال دومی اند. چه جوری میشود؟ چطور ممکن است این کار؟ خیلی آسان است. کاری کنند که عصبیتهای شیعه و سنی را زنده کنند. به آنها تفهیم کنند اینها شیعه اند؛ اینها صحابه را سب میکنند؛ اینها مقدّسین شما را چنین و چنان میکنند. جدایی بیندازند؛ آنها این را میخواهند. منادی وحدت شیعه و سنی، از اولی که این فکرها پیدا شده، این چیزها مورد نظرش بوده است. يك عده چرانمی فهمند؟ امام بزرگوار ما که منادی اتحاد بین مسلمین بود، از همه ی اینهایی که مدعی اند، ولایتش و اعتقادش و ارادتش و عشقش به ائمه (علیهم السّلام) بیشتر بود. او بهتر می فهمید ولایت را یا فلان آدم عامی که حالا به اسم ولایت، کارهای خلاف

میکنند، حرفهای بی ربط میزند در مجالس عام و خاص؟ وحدت را حفظ کنید. (1)

1386/7/21

نجات فلسطین با وحدت مردم فلسطین و پشتیبانی امت اسلامی

امروز تلاش میشود که باز به نحوی به نام صلح، تحمیل دیگری بر مردم فلسطین بکنند. تا حالا هر چه اجتماع به نام صلح تشکیل شده است، نتیجه، علیه مردم فلسطین و به ضرر آنها بوده است. باز امریکاییها يك کنفرانس دیگر را پیشقدم شدند، ملت فلسطین رد کردند. این کنفرانسی که اسمش را کنفرانس پاییزی گذاشتند، فلسطینیها رد کردند. وقتی فلسطینی يك عملی را، يك حرکتی را که به نام او از سوی جمعی تشکیل میشود - دولتهای دیگر - رد میکنند، چگونه میتوانند این اجتماع و این کنفرانس را قبول کنند. وقتی این کنفرانس را خدعه میدانند، دیگران هم باید خدعه بدانند. این تحرکات در حقیقت ابتکارهای رژیم ایالات متحده ی امریکا برای نجات صهیونیستهاست. صهیونیستها که دولتشان، ارتششان، آن تودهنی محکم را سال گذشته از حزب الله شجاع از جان گذشته ی لبنان خورد و این جور در مقابل دیوار «نه» بلند دولت فلسطینی - دولت حماس - قرار گرفته و آن جور تضعیف و تحقیر شده است، او را میخواهند نجات بدهند. آن وقت فلسطینی را در مقابل فلسطینی قرار میدهند. و من اگر يك پیام به برادران فلسطینی داشته باشم، آن يك کلمه، این است که بگویم: برادران! در مقابل هم قرار نگیرید. دشمن در خانه ی شماست. دشمن در میان شما فتنه انگیزی میکند. فلسطین را مردم فلسطین باید نجات بدهند، امت اسلامی هم باید پشتیبانی بکند. امت فلسطین، مردم فلسطین، کنار هم قرار بگیرند. (2)

1386/7/21

صهیونیستها از جوانان مسلمان عرب تودهنی و سیلی خوردند، حالا میخواهند اینها را باز دوباره احیا کنند و يك جوری آن شکست

(1). در دیدار مداحان و ذاکران اهل بیت (علیهم السلام) به مناسبت میلاد حضرت فاطمه ی زهرا (علیها السلام).

(2). در خطبه های نماز عید سعید فطر.

ص: 387

صهیونیستها را جبران کنند. کنفرانس صلح تشکیل میدهند. این کنفرانس صلح است؟! صلح، معنایش این است؟! يك ملت را از تمامی حقوق خود محروم کردن، از خانه و زندگی و خاک و وطن خود محروم کردن به نفع يك گروه اشغالگر فضول زیادی، بعد هم تو سر اینها زدن و مصوبه گذراندن که حق ندارید! کنفرانس صلح برای این است! مردم فلسطین از کنفرانسهای گذشته چه سودی دیدند؟ بفرمایید، امروز دولت مردمی در غزه انتخاب شده. خوب، این دولت، مردمی است. در این شکی هست؟ آیا مردم این دولت را انتخاب کرده اند یا نه؟ خوب، اگر این يك دولتی است که ملت فلسطین آن را انتخاب کرده، امریکا و فلان کشور دنباله رو امریکا چه حقی دارند که نسبت به مسائل آن ملت دخالت کنند و تصمیم دیگری بگیرند. مال خود آن ملت است. فلسطینیها گفتند ما مخالفیم. پیداست که این، توطئه یی علیه فلسطینیهاست.

دخالت‌های امریکا در امور منطقه؛ نتیجه ی عدم اتحاد مسلمانان

بعضی از دولتهای منطقه در سالهای گذشته میگفتند ما که از فلسطینیها فلسطینی تر نیستیم - آن وقتی که آن کنفرانسهای خیانتبار را بعضیها به نام مردم فلسطین قبول کرده بودند - و فلسطینیها قبول کرده اند. بسیار خوب، شما از فلسطینیها فلسطینی تر نباشید؛ حالا خود فلسطینیها میگویند ما این کنفرانس صلح را قبول نداریم؛ این را خدعه و نیرنگ میدانند. چرا بایستی برخی از کشورها نسبت به يك چنین حرکتی که علی رغم ملت فلسطین است، علی رغم دنیای اسلام است، علی رغم خود دولتهای منطقه است، با امریکا موافقت نشان بدهند؟ چرا این دخالتها انجام میگیرد؟ چون ما با هم متحد نیستیم، چون ما نیروهایمان پشت هم نیست، چون دستمان در دست هم نیست. اگر کشورهای مسلمان با هر لغتی، با هر جمعیتی، در هر نقطه یی از دنیای اسلام، دست به دست هم بدهند و حرف واحدی بزنند، دیگر امریکا و غیر امریکا جرأت نمیکند بر خلاف حرف واحد امت اسلامی حرفی بزنند و اقدامی بکنند.

جمهوری اسلامی نمیگوید دولتهای دیگر بیایند آنچه را که ما میگوییم، بگویند. بنشینند دور همدیگر راجع به مسئله ی فلسطین، بدون در نظر گرفتن خواست فلان ابرقدرت زیاده طلب و دخالتگر، تصمیمی بگیرند، همان تصمیم را اعلام کنند؛ مرجع قبول هم خود

ملت فلسطین باشند. چرا بایستی از آن طرف دنیا کسانی بیایند و همه ی تلاششان این باشد که برای اسرائیل - این زاده ی نامشروع استکبار و استعمار در این منطقه - امنیت درست کنند. ولو حالا ملت‌ها ضایع و نابود شوند؛ هرچه میشود، بشود. این ضعف ماست.

آبادی بتخانه ز ویرانی ماست *** جمعیت کفر از پریشانی ماست

جمعیت کفر از پریشانی ماست

ما ملت‌ها باید با هم باشیم؛ ما دولت‌ها باید با هم باشیم تا این قدرت بتواند خودش را نشان دهد. این، حرف جمهوری اسلامی است. ما این حرف را می‌زنیم و پایش می‌ایستیم. خُب، استکبار هم با ما دشمنی میکند. نمونه هایش را در قضیه ی انرژی هسته بی و چیزهای دیگر دارید مشاهده میکنید. الحمدلله دشمنیهای استکبار هم علیه این ملت اثر نکرده است و نخواهد کرد. (1)

1386/8/23

شعله ور کردن آتش تعصبات مذهبی؛ خواسته ی سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل

بدانید تحریک عواطف مذهبی برادران اهل سنت کاری بسیار خطا و گناه است؛ این را به عنوان يك اصل بپذیرید. يك نقاط اختلافی وجود دارد. تکیه ی بر روی این نقاط، شعله ور کردن آتش تعصبات در این نقاط اختلاف، این درست همان چیزی است که امروز سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل دنبال هستند؛ این همان چیزی است که آنها میخواهند. بعضیها ناخواسته و بدون جیره و مواجب میشوند مزدور آنها؛ همان کاری را که او باید پول بدهد و به دست بیاورد، آن را بدون اینکه از او اجر و مزدی هم بگیرند، برایش دارند انجام میدهند و خشم الهی و سخط الهی را برای خودشان فراهم میکنند.

جلوگیری از ستم بر مردم فلسطین؛ نتیجه ی وحدت در دنیای اسلام

امروز دنیای اسلام احتیاج به وحدت دارد. باید يك صدا در دنیای اسلام بلند شود. این است که میتواند جلوی این ستم بر مردم فلسطین را بگیرد؛ این است که میتواند جلوی دخالت‌های مستکبرانه ی امریکا در خاورمیانه و در کشورهای اسلامی را بگیرد. آنها دارند از همین شکافها استفاده میکنند و میخواهند آن را توسعه بدهند؛ برای اینکه بر سرنوشت کشورهای اسلامی مسلط شوند. هرکس در این راه به آنها

(1). در دیدار کارگزاران نظام در روز عید سعید فطر.

ص: 389

کمک کند، پیش خدای متعال محسوب با آنهاست؛ و این مؤاخذه ی عجیبی دارد از سوی پروردگار عالم؛ خیلی باید مراقب بود. (1)

1387/1/1

امریکا و صهیونیستها و مستکبران عالم، نه به شیعه علاقه مندند و نه به اهل سنت؛ با هر دو دشمن اند؛ آنجایی که مسلمان - با نام خدا و با ایمان اسلامی - در مقابل زورگویی آنها می ایستد، دشمنی میکنند. شما ببینید در لبنان با حزب الله شیعه همان قدر دشمن اند که در فلسطین با حماس و جهاد سنی؛ در ایران زمان طاغوت با دستگاه سلطنت وابسته ی مزدور فاسد پهلوی - که اسماً شیعه بود - همان قدر همراه بودند که با اشباه و نظایر او در کشورهای که اسمشان سنی بود! آنها با اسلامی که در مقابل زور بایستد، در مقابل استکبار بایستد، در مقابل غارت منابع طبیعی ملتها بایستد و حق خود را مطالبه کند، مخالف اند؛ برای آنها شیعه و سنی معنا ندارد؛ منتها برای اینکه امت اسلام قدرت نگیرد و نتواند حرف قاطعی بزند، سیاستشان این است که در بین برادران مسلمان، در بین شیعه و سنی، در بین فرقه های خود شیعه و در بین فرقه های خود اهل تسنن اختلاف بیندازند. کار آنها اختلاف افکنی است؛ این را باید ما و نخبگان ما و مردم ما بفهمند.

نقش انقلاب اسلامی در اهتزاز پرچم وحدت اسلامی

ما افتخار میکنیم که پیرو مکتب اهل بیت (علیهم السلام) هستیم، شیعه هستیم، پیرو امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و خلافت بلافصل او هستیم؛ به این افتخار میکنیم، اما جای اثبات این مطلب، کوچه و خیابان نیست؛ جای اثبات این گونه مطالب در میان اهل فن، در میان متخصصین و در میان نخبگان است. تازه بحث در این گونه موارد باید بحث کلامی و بحث منطقی باشد؛ بدگویی و عیب جویی و فحاشی و شمشیر بر روی هم کشیدن، کمک کردن به دشمنان اسلام است، که هم دشمن شیعه و هم دشمن سنی هستند. ما این را به عنوان پرچم وحدت اسلامی در انقلاب اسلامی بلند کردیم. ملت ایران این را میخواهد، این را میگوید. (2)

(1). در دیدار کارگزاران فرهنگی و اجرایی حج.

(2). در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی.

ص: 390

اختلافهای مذهبی؛ سبب جدایی دلهای دنیای اسلام از جمهوری اسلامی

چه چیزی میتواند دلهای دنیای اسلام را از جمهوری اسلامی و از ملت ایران جدا کند؟ همین اختلافها و تعصبات مذهبی است. اینها میتواند دلها را از هم جدا کند. از این باید ترسید؛ از این باید ترسید. همه مسئولند که مراقبت کنند. اینکه در دنیای تشیع علیه برادران اهل سنت، در دنیای تسنن علیه برادران شیعه کتاب بنویسند، تهمت بزنند، بدگویی کنند، این نه هیچ شیعه‌یی را سنی خواهد کرد، نه هیچ سنی‌یی را شیعه خواهد کرد.

دشمنی بین مسلمانان؛ خواسته‌ی امریکا و صهیونیستها

آن کسانی که مایلند همه‌ی مردم دنیای اسلام به محبت اهل بیت و ولایت اهل بیت بگروند، بدانند با دعوا راه انداختن و با اهانت کردن و با دشمنی کردن، هیچ کس را نمیتوان شیعه کرد و به ولایت اهل بیت متوجه کرد. دعوا ایجاد کردن جز بغضاء و جدایی و دشمنی، هیچ اثر دیگری ندارد و این بغضاء و دشمنی و جدایی، همان چیزی است که امروز امریکا میخواهد، صهیونیستها میخواهند و دارند برای آن تلاش میکنند.

در يك کشور اروپایی غیر اسلامی دشمن تاریخی و بنیادین با کشورهای اسلامی، شما می بینید توی تلویزیون شان، مناظره‌ی شیعه و سنی راه می اندازند. یکی را از شیعه دعوت میکنند، یکی را از سنی دعوت میکنند، که شما بیایید در این تلویزیون با هم مناظره کنید. مقصودشان چیست؟ يك کشور مسیحی، يك کشور استعمارگر با سابقه‌ی سیاه، مناظره‌ی شیعه و سنی به چه مقصود راه می اندازد؟ میخواهد حقیقت معلوم بشود؟! میخواهد در بین مباحثه و مناظره، مستمعین و مخاطبانش حق را بفهمند؟! یا میخواهد از این گفتگوها و از آنچه که در خلال این گفتگوها ممکن است از کسی سر بزند، این آتش اختلاف را تشدید کند؟ نفت روی این آتش بریزد؟

اینها باید ما را بیدار کند. اینها باید ما را به خود بیاورد؛ باید هوشیار بشویم. شیعه منطبق قوی‌یی دارد؛ استدلال متکلمین شیعه و علمای شیعه درباره‌ی مباحث تشیع، استدلالهای پولادین و محکمی است؛ اما این ربطی ندارد به اینکه در دنیای تشیع شروع کنند به مخالفان خودشان بدگویی کردن و اهانت کردن و ایجاد دشمنی کردن؛ آن هم

در مقابل، همین جور، و آتش دعوا درست کنند. ما اطلاع داریم، بنده هم امروز اطلاع دارم، هم از گذشته اطلاع دارم که پولها دارد خرج میشود برای اینکه اینها کتاب فحش و دشنام و تهمت بنویسند علیه آنها، آنها کتاب فحش و دشنام و تهمت بنویسند علیه اینها؛ پول هر دو را هم يك مرکز میدهد؛ پول هر دو کتاب و نشر هر دو کتاب از يك جیب خارج میشود. اینها هشدار دهنده نیست؟ اینها را باید توجه کنند.

من امروز به برکت ولایت امیرالمؤمنین، و به نام آن بزرگوار و با استمداد از روح بزرگ امیرالمؤمنین، این را عرض کردم برای اینکه تأکیدی باشد بر آنچه که در طول سالیان متمادی امام بزرگوار گفتند، ماها گفتیم؛ همه بدانند، این جور نباشد که کسی از يك گوشه بی خیال کند دارد از شیعه دفاع میکند و تصوّر کند دفاع از شیعه به این است که بتواند آتش دشمنی ضدّ شیعه و غیر شیعه را برانگیزد. این دفاع از شیعه نیست؛ این دفاع از ولایت نیست. اگر باطنش را بخواهید، این دفاع از امریکاست؛ این دفاع از صهیونیستهاست. استدلال منطقی هیچ اشکالی ندارد؛ کتابها بنویسند، استدلال کنند؛ علمای ما نوشتند، امروز هم مینویسند و بنویسند. ما در فروع، در اصول، در بسیاری از مسائل، نظرات مستقلّ شیعی داریم، اینها را استدلال کنند، بیان کنند؛ آنچه که غیر از اینهاست، آن را با استدلال منطقی رد کنند؛ هیچ مانعی ندارد. اما این غیر از اهانت کردن، بدگویی کردن، دشمنی درست کردن است؛ به این باید توجه کرد. (1)

1388/2/23

ببینید، در قضیّه ی حمایت از فلسطین - این يك مثالی است میخوام بزنم - هیچ کشور و هیچ دولتی به گرد جمهوری اسلامی نرسید. این را همه ی دنیا تصدیق کردند. جوری شد که بعضی از کشورهای عربی از ناراحتی دادشان بلند شد؛ گفتند ایران دارد برای مقاصد خود اینجا تلاش میکند! البتّه فلسطینیها به این حرف اعتنایی نکردند. از جمله در

(1). در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیر خم.

ص: 392

قضیه ی غزه - در این جنگ بیست و دو روزه ی چند ماه قبل - جمهوری اسلامی در همه ی سطوحش؛ از رهبری و ریاست جمهوری و مسئولین گوناگون و مردم و تظاهرات و پول و کمک و سپاه و غیره، همه در خدمت برادران فلسطینی مظلوم و مسلمان قرار گرفتند. در بحبوحه ی این حرفها، يك وقت دیدیم که ویروسی دارد تکثیر مثل میکند؛ دائم میروند پیش بعضی از بزرگان، بعضی از علما، بعضی از محترمین، که آقا! شما دارید به کی کمک میکنید؛ اهل غزه ناصبی اند! ناصبی یعنی دشمن اهل بیت (علیهم السلام). يك عده هم باور کردند! دیدیم پیغام و پسغام که آقا، میگویند اینها ناصبی اند. گفتیم پناه بر خدا، لعنت خدا بر شیطان رجیم خبیث. در غزه مسجد الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) هست، مسجد الامام الحسین (علیه السلام) هست؛ چطور اینها ناصبی اند؟! بله، سنی اند؛ اما ناصبی؟! این جور حرف زدند، این جور اقدام کردند، این جور کار کردند.

نقطه ی مقابلش هم هست: يك عده بلند شوند بروند قم، لابلای کتابهای شیعه را نگاه کنند، ببینند کجا اهانت به مقدّسات اهل سنت است، از او عکس بگیرند، بیایند تو محافل سنی پخش کنند، ببینند آقا! این کتابهای شیعه است. یا يك گوینده ی نادان، غافل یا مغرضی روی منبر نسبت به مقدّسات اهل سنت حرف مهمل و بدی بزند؛ این را نوار کنند، سی دی کنند، بروند اینجا آنجا پخش کنند، بگویند ببینید آقا! این شیعه است.

دشمن به دنبال اختلاف افکنی بین فرق و مذاهب اسلامی

این را به او بدبین کنند، او را به این بدبین کنند. این معنایش چیست؟ وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ (1) یعنی چه؟ یعنی همین دیگر. وقتی اختلاف پیدا شد، وقتی تفرقه پیدا شد، وقتی نسبت به هم سوءظن وجود داشت، وقتی یکدیگر را خائن دانستیم، طبیعی است که با هم همکاری نخواهیم کرد. همکاری هم اگر بکنیم، با هم صمیمی نخواهیم بود. این همان چیزی است که آن دشمن دنبال اوست. هم عالم شیعه، هم عالم سنی باید این را بفهمند؛ این را درک کنند. بدیهی است دو تا مذهب در

(1). سوره ی انفال، آیه ی 46.

ص: 393

برخی از اصول، در برخی از فروع با هم اختلاف دارند؛ البته در بسیاری هم با هم اتحاد دارند. اما اختلاف به معنای دشمنی نیست. فتاوی فقهای شیعه در مواردی صدو هشتاد درجه با هم اختلاف دارد. فتاوی ائمه ی اهل سنت در مواردی بسیار با همدیگر اختلاف دارد؛ اما لزومی ندارد وقتی اختلاف دارد، انسانها به همدیگر بدگویی کنند و فحش بدهند. خیلی خوب، او مذهبش این است، آن هم مذهبش این است. (1)

1388/4/15

اختلاف جوامع اسلامی؛ موجب قدرت رژیم صهیونیستی

دنیای اسلام باید متحد باشد. امروز دنیا این را میخواهد. امروز نیازهای جامعه ی اسلامی این را میطلبد که جوامع اسلامی با هم باشند، در کنار هم باشند، اتحاد و اتفاق داشته باشند، نگذارند دشمنانی از ضعف آنها استفاده کنند؛ دشمنانی که خودشان به طور طبیعی قدرتی ندارند. اسرائیل چیست؟ دشمن صهیونیستی در مقابل يك میلیاردونیم مسلمان عددی نیست؛ به حساب نمی آید. اختلاف در دنیای اسلام - این ضعفی که در درون دنیای اسلام است - موجب میشود که دشمن ضعیف بتواند راه خود را پیدا کند، یارگیری کند؛ از بین برادران مسلمان، دشمن برای خود یارگیری کند. (2)

1388/6/29

وضعیت امروز فلسطین؛ نتیجه ی عدم وحدت امت اسلامی

امروز بزرگ ترین مشکلات دنیای اسلام و کشورهای اسلامی، این است که دولتهای مسلمان به جای اینکه با هم همدست باشند و در مقابل دشمنان اسلام بایستند، به وسوسه ی خناسان بین المللی، متأسفانه دلهایشان با یکدیگر ناصاف و امکاناتشان در اختیار کشورهای دشمن اسلام است. این را باید حل بکنیم. عید فطر باید به ما بیاموزد که امت اسلام، يك امت بزرگ است؛ با این جمعیت عظیم، با این نیروی انسانی سرشار، با این امکانات طبیعی و سیاسی و جغرافیایی که در

(1). در دیدار روحانیون، علما و طلاب تشیع و تسنن استان کردستان.

(2). در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (علیه السلام).

ص: 394

اختیارش هست، دنیای اسلام میتواند مدارج عزّت و ترقّی را طی بکند. برای منطقه ی اسلامی، چرا باید از آن طرف عالم، سیاستمداران زورگو و زیاده خواه بیایند و هر روز يك طرحی، هر روز يك برنامه یی برای آنها درست کنند و بچینند و دنبال بکنند. اگر امت اسلامی متحد بود، امروز وضع فلسطین این چنین نبود.

ملت فلسطین، ملّتی که او را از خانه ی خودش بیرون کردند، او را در خانه ی خودش سرکوب میکنند، او را از امکانات اولیّه ی حیات در جایی که متعلّق به اوست، محروم میکنند، این ملّت نشسته است و چشم به دنیای اسلام دوخته، دنیای اسلام هم ساکت! از آن طرف امریکاییها و بعضی از دولتهای مستکبر دیگر بیایند برای ملّت فلسطین برنامه تنظیم کنند! اگر کسی هم کمترین حرفی علیه غاصبان صهیونیست بزند، با امکاناتی که دارند، او را از اطراف عالم هو بکنند که شما میخواهید يك دولت عضو سازمان ملل را از بین ببرید. کدام دولت؟ يك دولت غاصب؛ يك دولت جعلی. به دروغ میگویند شما میخواهید اسرائیل را با وسایل نظامی از بین ببرید. ملّت ایران اهل استفاده ی از امکانات نظامی در این زمینه ها نیست. ما طرح و برنامه ی روشنی برای دفاع از ملّت فلسطین داریم؛ يك طرح انسانی، يك طرح معقول، که این طرح را در مجامع جهانی مطرح کرده ایم.

میگویند شما میخواهید دولت صهیونیستی را از بین ببرید؛ در حالی که دولت صهیونیستی همین حالا بالفعل يك ملّت را نابود کرده است؛ يك کشور را در زیر چکمه های ستبر خود دارد خرد میکند. این به گوش این مدّعیان حقوق بشر نمیرسد؛ آنها نمی فهمند. یکی از مهمترین علتهای دشمنی استکبار با جمهوری اسلامی همین نقطه است؛ همین دفاع از مظلوم است؛ چون ما از مظلوم دفاع میکنیم. این، حکم قرآن است؛ این، حکم اسلام است؛ این، لازمه ی فطرت صحیح بشری است. امروز در اطراف دنیا مردمی که از وجدان برخوردار هستند، برای مردم فلسطین دل میسوزانند. شما ببینید حتی در کشورهای غیر مسلمان، مردم عادی برای مردم غزّه، برای محاصره شدگان مظلوم غزّه و بخش دیگر فلسطین، دل میسوزانند.

امت اسلامی بنشیند به عنوان يك تماشاچی، بدون اینکه هیچ گونه اقدامی در این مورد بکند، تماشا کند؛ یا اگر هم اقدامی میکند، اقدامی باشد که در نهایت به نفع دشمن تمام بشود. این به خاطر چیست؟ این به خاطر همین از هم پاشیدگی دنیای اسلام است؛ عدم انسجام و اتحاد دنیای اسلام است. ما باید به هم نزدیک بشویم.

دشمن، راه کار را شناخته است؛ آنجایی که لازم است، اسلام هراسی را ترویج میکند؛ يك جا هم ایران هراسی را ترویج میکند؛ با انواع شگردها، با انواع تهمت‌ها و فریبه‌کاری میکند که شاید بتواند دولتهای مسلمان را از نظام جمهوری اسلامی بترساند. این سیاست امروز استکبار است؛ این سیاست امروز امریکاست. (1)

1388/12/13

ضرورت اتحاد در امت اسلامی

امروز بیش از همه چیز، در امت اسلامی اتحاد لازم است. وحدت پیدا کنیم، حرفمان را یکی کنیم، دلمان را یکی کنیم؛ این وظیفه ی یکایک کسانی است که در این امت بزرگ مسلمان قدرت تأثیرگذاری دارند. چه دولتها، چه روشنفکران، چه علما، چه فعالان گوناگون سیاسی و اجتماعی، هر کدامی در هر کشوری از کشورهای اسلامی هستند، وظیفه دارند امت اسلامی را بیدار کنند و این حقایق را به آنها بگویند؛ این وضعیّت تلخ را که دشمنان اسلام به وجود آوردند، برای آنها روشن و تبیین کنند؛ آنها را دعوت کنند به اینکه درصدد انجام وظیفه بریابند؛ این وظیفه ی همه ی ماست.

برادران عزیز! خواهران عزیز! از هر جا که هستید، با هر مذهبی که هستید، بدانید دشمنان اسلام و مسلمین امروز بیشترین تکیه شان بر روی ایجاد اختلاف و تفرقه است. میخواهند نگذارند دلها به هم نزدیک شود؛ چون میدانند اگر دستها در هم فشرده شد، دلها به هم نزدیک شد، امت اسلامی به فکر علاج مشکلات بزرگ خود برخواهد آمد. منشأ بسیاری از این مشکلات - که یکی از آنها همین قضیه ی فلسطین است، یکی از آنها همین قضیه ی دولت جعلی صهیونیست

(1). در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر.

ص: 396

است - قدرتمندان عالمند. دشمن میدانند که متمرکز خواهیم شد و همه ی اّمت اسلامی و همه ی نیروها را در این راه به کار خواهیم برد، تا با این تجاوز آشکاری که دارد صورت میگیرد، مقابله کنیم؛ لذا نمیگذارد دلها به هم نزدیک شود.

امروز فریاد تفرقه از سوی دشمنان اسلام بلند میشود. مسئله ی شیعه و سنی را امروز امریکاییها و انگلیسیها مطرح میکنند؛ این برای ما ننگ است. تحلیلگران امریکایی و انگلیسی و غربی، جزو مسائلی که مطرح میکنند، روی آن مطالعه میکنند، روی آن تأکید میکنند، این است که بیاییم اسلام سنی را از اسلام شیعی جدا کنیم و بین اینها درگیری به وجود بیاوریم.

دشمن میخواهد این کار را بکند؛ همیشه همین جور بوده است. همیشه دشمنان دنیای اسلام سعی کرده اند از اختلافات مذهبی و قومی و جغرافیایی و منطقه یی حداکثر استفاده را بکنند. امروز ابزارهای مدرن را در استخدام این کار به کار گرفته اند؛ این را باید ما متوجه باشیم، بیدار باشیم. میخواهند ما را به همدیگر مشغول کنند، تا از آن نقطه ی اصلی که ما باید متوجه به آن باشیم، منصرف کنند. میخواهند اقوام مسلمان، ملت‌های مسلمان، مذاهب مسلمان، از شیعه و سنی و غیر اینها را متوجه به هم کنند تا مسئله ی اسرائیل فراموش شود. ماجرای غصب فلسطین باید ما را به هم نزدیک میکرد. اینها دارند از همین مسئله برای دور کردن ما استفاده میکنند. در همین ماجرای فلسطین، بین دنیای اسلام ایجاد اختلاف میکنند؛ دولتها را در مقابل هم قرار میدهند.

مسئله ی فلسطین، مسئله ی روشنی است. هیچ مذهبی از مذاهب اسلامی تردید ندارد که آن وقتی که سرزمین اسلام، سرزمین مسلمین، مورد تعرض قرار گرفت، مورد تجاوز قرار گرفت، دفاع بر همه ی مسلمانان واجب است. همه ی مذاهب اسلامی در این متفق اند؛ این محلّ اختلاف نیست. این مسئله ی متفق علیه را محلّ تردید قرار میدهند، مسلمانها را شقه شقه و دسته دسته میکنند، تعصبات مذهبی و طائفی را در دلها زیاد میکنند، آتش آن را برافروخته میکنند، برای اینکه خودشان براحتی مشغول باشند.

ما باید بیدار باشیم؛ حرف جمهوری اسلامی این است. جمهوری اسلامی از اوّل تشکیل، جزو سطور اوّل اصلی اهداف خودش،

یکی این را قرار داد: اتحاد مسلمانان و نزدیک کردن دلهای آنها به یکدیگر، و یکی هم مسئله ی فلسطین را.

در بیانات امام راحل «رضوان الله تعالی علیه» این دو نقطه، دو نقطه ی بسیار روشن و واضحی است: یکی مسئله ی اتحاد مسلمین در همه ی موضوعات و کم کردن اختلافات و کم رنگ کردن اختلافات، و مانع شدن از اینکه اختلافات فکری و فقهی و کلامی و امثال اینها، دو طرف را به عداوت بکشد و با هم دشمنی کنند؛ یکی هم مسئله ی فلسطین.

جمهوری اسلامی پای این حرف ایستاده است. ما هزینه هایش را هم داریم می‌دهیم. ملت ما به عنوان يك واجب، به عنوان يك وظیفه ی شرعی به این قضیه نگاه میکنند و میدانند که اگر این سرطان مهلك و خطرناك از پیکر جامعه ی اسلامی بیرون آورده شود، بسیاری از مشکلات جوامع اسلامی حل خواهد شد و بسیاری از همکاریها به وجود می آید.

امروز کشورهای اسلامی يك مجموعه ی بزرگ را تشکیل میدهند؛ میتوانند در میان خودشان تبادل علم کنند، تبادل ثروت کنند، تبادل تجربه کنند، تبادل معرفت کنند، یکدیگر را به پیشرفت کمک کنند و خودشان را به قلّه برسانند. این غده ی سرطانی را این وسط گذاشته اند و موجب شده اند که کشورهای اسلامی از هم دور شوند. البته ملتها با هم دشمنی ندارند؛ متأسفانه مسئولان در مواردی مقصّرند.

این را باید به عنوان يك درس، يك یادآوری و تذکر مهمی در ولادت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در ذهن خودمان نگه داریم؛ از آن درس بگیریم، از آن عبرت بگیریم، و نزدیک بشویم؛ همچنان که نزدیک هم شده ایم. (1)

1389/7/17

اختلاف دولتهای اسلامی در مسئله ی واضح فلسطین

دنیای اسلام احتیاج دارد به تفاهم، به احساس همدردی، به همکاری. چرا این قدر بین دولتهای اسلامی اختلاف می اندازند؟ چرا بر سر يك

(1). در دیدار به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام صادق (علیه السلام).

ص: 398

موضوع عام الابتلاء مثل مسئله ی فلسطین، دولتهای اسلامی حاضر نیستند یک طریق واحد و یک نقطه ی واحدی را مورد اتفاق قرار بدهند و بر آن تصمیم بگیرند؟ مسئله ی فلسطین مگر کم مسئله یی است؟ یک عده انسانهای دور از هر دینی - اینها یهودی هم نیستند؛ یهودیان مؤمن و متدین به دین خودشان، از حزب سیاسی صهیونیسم تبری میجویند - علیه ادیان توحیدی، علیه هر معنوی قیام کردند، اقدام کردند؛ قطعه ی زمین اسلامی را، قبله ی اول مسلمانان را، مراکز مقدس معنوی اسلامی را غصب کردند؛ مردم صاحب این خانه را از خانه ی خودشان بیرون کردند و هر روز هم آنها را زیر فشار قرار دادند.

الان بیش از شصت سال است که دنیای اسلام به این بلیه مبتلاست. خوب، یک مدتی خود فلسطینیها غفلت داشتند، ساکت بودند؛ امروز که به پا خاستند، امروز که استنصار میکنند، امروز که دنیای اسلام را به کمک میطلبند؛ چرا دنیای اسلام در مقابل اینها ساکت است؟ مگر پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نفرمود: «من اصبح لا یهتم بأمر المسلمین فلیس بمسلم (1)»؟ این اهتمام به امور مسلمین نیست؟ در یک چنین مسئله ی واضحی، این همه دارد به مسلمانها ظلم میشود - در فلسطین، به فلسطینیها اعم از مسلمان و مسیحی دارد ظلم میشود - اما دنیای اسلام یک موضع واحدی ندارد؛ چرا؟ این اختلاف از کجا آمده است؟ اینهاست مسائل حج.

حج باید مظهر اتحاد باشد، باید مظهر تفاهم باشد، باید مظهر گفتگو باشد، باید مظهر همدلی و همکاری و نزدیک شدن مسلمانان با یکدیگر باشد. (2)

1390/11/10

امروز نهضت اسلامی در دنیای اسلام شیعه و سنی نمی شناسد؛ شافعی و حنفی و جعفری و مالکی و حنبلی و زیدی نمی شناسد؛

(1). اصول کافی، ج 2، ص 163 (طبع اسلامی).

(2). در دیدار کارگزاران حج.

ص: 399

مخالفت با غده ی سرطانی اسرائیل؛ از مشترکات کشورهای اسلامی

عرب و فارس و بقیه ی قومیتها را نمی شناسد؛ در این میدان عظیم، همه هستند. سعی کنیم دشمن بین ما تفرقه نیندازد. همه با هم احساس برادری کنیم، هدف را مشخص کنیم. هدف، اسلام است؛ هدف، حکومت قرآنی و اسلامی است. البته بین کشورهای اسلامی مشترکاتی وجود دارد، تمایزهایی هم وجود دارد. هیچ الگوی واحدی برای همه ی کشورهای اسلامی وجود ندارد. در کشورهای مختلف، شرایط جغرافیایی، شرایط تاریخی، شرایط اجتماعی مختلف است؛ اما اصول مشترکی وجود دارد: همه با استکبار دشمنیم، همه با تسلط و سیطره ی خباثت آمیز غرب مخالفیم، همه با وجود غده ی سرطانی اسرائیل مخالفیم. (1)

(1). در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی».

ص: 400

موضوع جمهوری اسلامی ایران که امام فرمودند، بارها مسئولان گفته اند و ما هم بارها تأکید کرده ایم، این است که اساساً این غده ی سرطانی اسرائیل باید از این منطقه کنده شود. (1379/9/25)

بخش پنجم: تقابل ایدئولوژیک

اشاره

فصل اول: رژیم طاغوت؛ حامی اسرائیل

فصل دوم: معارضة ی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی

فصل سوم: الهام بخشی انقلاب اسلامی ایران در نهضت فلسطین

فصل چهارم: روز جهانی قدس؛ لیلة القدر تاریخ اسلام

ص: 401

1359/5/17

جلوگیری رژیم پهلوی از فکر کردن مردم درباره ی مسئله ی فلسطین

رژیم غاصب و جبّار پهلوی حتّی نمیگذاشت ما درباره ی مسئله ی فلسطین فکر کنیم؛ حتّی نمیگذاشت از این مسئله سر در بیاوریم؛ نمیگذاشت مردم ما احساس کنند که مسئله ی فلسطین جزئی از مسئله ی ایران و جزئی از انقلاب ایران است. امّا امروز امام این امت بیدار و زنده است. امروز امام امت بحق بر روی اساسی ترین و مهمترین و اصولی ترین مسائل انقلاب ما انگشت گذاشته. امام امت بر روی مسئله ی قدس انگشت گذاشته است؛ و این اولین بار در تاریخ مبارزات عربی و اسلامی و فلسطینی است که يك روز به نام «روز قدس» معین شده است. (1)

1361/3/14

علّت این قیام هم این بود که در روز عاشورای آن سال - که مصادف با سیزدهم خرداد میشد - امام امت حقایق افشا نشده ی تا آن روز را بی واسطه با مردم در میان گذاشتند؛ که درباره ی این ارتباط بی واسطه ی امام و امت حرفی دارم که عرض میکنم. در این گفتار - که توصیه میکنم اگر نوار قابل فهم و سالمی از آن هست، رسانه های همگانی آن را پخش کنند تا مردم بفهمند که نوزده سال قبل امام چه میگفتند - حقایقی را بیان کردند که این حقایق آن روز برای خیلی ها،

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 403

حساسیت رژیم نسبت به افشاگریهای حضرت امام (رحمه الله) درباره ی اسرائیل

حتی دست اندرکاران سیاست، قابل فهم نبود. اگر حافظه خطا نکرده باشد، جملات امام اینها بود: اسرائیل میخواهد در ایران قرآن نباشد؛ اسرائیل میخواهد در ایران روحانیون نباشند؛ اسرائیل میخواهد در ایران اسلام نباشد.

آن روز برای خیلی ها این مطلب قابل فهم نبود که اسرائیل کجا، ایران کجا؟ و اسرائیل چه دشمنی بی باقرآن و روحانیت دارد، و آن هم در ایران؟ حساسیت دستگاه در مقابل این مطالب به قدری بود که شب بعد از این سخنرانی - یعنی شب نیمه ی خرداد که مصادف با دوازدهم محرم بود - امام را دزدانه، نیمه شب، از منزلشان در قم ربودند و به تهران آوردند و زندانی کردند. (1)

1363/6/23

ارتباطات حسنه با اسرائیل؛ یکی از جرایم بزرگ شاه

امام عزیز ما از اولین روزهایی که این مبارزه در سال 1341 شروع شد، اسرائیل را به عنوان يك خطر معرفی کرد. یکی از جرایم بزرگ شاه در نظر ماها که با او مبارزه میکردیم، این بود که با اسرائیل ارتباطات حسنه داشت. همان وقتی که اسرائیل با برادران مسلمان ما می جنگید، اینها آنجا به او نفت میدادند، به او کمک مالی میکردند. پس ما از اول، مبارزه مان با بغض با اسرائیل عجین است. (2)

1364/6/11

یکی از آن پیغامهای عمومی، راجع به اسرائیل بود، که شما به علمای مشهد بگویید اسرائیل نقشه هایی را درباره ی مسائل ایران دارد - نقشه ی سلطه ی اقتصادی، چه، چه - و سیاست اسرائیل میخواهد مملکت را قبضه کند. خب، جوانترین شما هم امروز این مسئله برایش واضح است که واقعاً آن روز اسرائیل چه انگایی بر رژیم ایران داشت؛ برای مبارزه با اعراب، برای اینکه دور اسرائیل را يك حلقه ی مبارز عربی گرفته بود؛ از يك طرف مصر، از يك طرف اردن، از يك طرف سوریه، از يك طرف لبنان. استکبار جهانی میخواست دور این

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 404

حلقه ی محاصره، يك حلقه ی بزرگ تر درست کند که وابسته به خودش باشد. اقتصاد ایران را وابسته به اسرائیل کرده بودند؛ چقدر سلاح، چقدر پول، چقدر معامله، چقدر موادّ خوراکی، جوجه ی اسرائیلی، تخم مرغ اسرائیلی، پرتقال اسرائیلی، تفنگ اسرائیلی، توپ اسرائیلی، همه چیز اسرائیلی، و نفت ما هم میرفت برای اسرائیل. ظاهراً اینجا سفارت نداشتند، اما دفتری که داشتند، از سفارت خیلی فعال تر بود. حالا ما توی مدارك امروز که نگاه میکنیم، می بینیم چقدر رژیم ایران با رژیم اسرائیل جوشیده و دست اندرکار بودند. خب، اینها امروز کم و بیش برای همه آشکار است. آن روز این پیغام امام بود. شما ببینید سال 42 امام با روشن بینی این مسئله را می فهمید. (1)

1364/11/30

صادرات نفت ایران به اسرائیل در اوج مبارزات ملت های عرب با صهیونیستها

يك نگاه گذرا بکنیم به اواخر دوران سلطنت پهلوی، ببینیم این مملکت در چه وضعی بود؟ در صحنه ی جهانی، کشور ایران به عنوان يك نقطه ی کم اهمّیت که هیچ توجهی را به خودش جلب نمیکند، به عنوان يك ملت بی بخار - ملّتی که هیچ گونه اراده و تصمیمی از خودش نمیتواند بروز دهد - به عنوان سرزمینی که مثل لقمه ی چرب و نرمی در اختیار اربابان امریکایی است، شناخته شده بود. ملّتهای عرب برای گرفتن فلسطین، با صهیونیستها مبارزه میکردند و در همان روزهایی که مصر و سوریه و اردن و کشورهای دیگر عربی در میدانهای جنگ با اسرائیل روبرو میشدند، از سرزمین ما، از منابع ما، به دست کارگران ما، به دست مسئولین ما، برای اسرائیل متجاوز غاصب نفت میرفت. (2)

1373/9/23

متأسّفانه در کشورهای دیگر این فرصت را نمیدهند که مردم اقلّ غصّه های خودشان را نسبت به این قضایای عظیم امت اسلام بر زبان جاری کنند. شما ببینید در کشورهای عربی، چه تعداد انسانهایی

(1). در دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

(2). در اجتماع مردم رشت.

ص: 405

هستند که دلشان از قضایای مربوط به سازش با دشمن صهیونیستی خون است، ولی نمیتوانند چیزی بگویند. درست مثل دوران رژیم گذشته در اینجا که ما نمیتوانستیم علیه صهیونیستها مطلبی به زبان بیاوریم. دل‌های ما آن روز خون بود، ولی نمیتوانستیم چیزی بگویم. بنده در همان سالها، يك وقت در جمع دانشجویان، به مناسبتِ تفسیر آیات مربوط به بنی اسرائیل - در اوایل سوره ی بقره - مطالبی گفته بودم. بعد، در یکی از بازداشتها زیر منگنه ی سؤال و بازجویی ام قرار دادند که شما اسم از اسرائیل آورده اید! آیات مربوط به بنی اسرائیل را مطرح کرده بودم؛ گفتند: چرا اسم از اسرائیل آورده اید؟! یعنی کسی که تفسیر قرآن هم میکرد، حق نداشت يك کلمه از بنی اسرائیل بگوید، که مبدا به متحد آن رژیم خبیث و خائن - که آن زمان با اسرائیل روابط گرمی داشت - بر بخورد! امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی، وضعیّت به همان گونه است. (1)

1376/7/24

تهران پیش از پیروزی انقلاب؛ محلّ تفریح صهیونیستها

این انقلاب و این ارزشهای انقلابی و این اسلام عزّتبخش، توانسته است این کشور را که يك روز به صورت پانداز استکبار جهانی محسوب میشد، به عزّت برساند. این تهرانی که شما مشاهده میکنید، يك روز محلّ امن صهیونیستهای بود که برای تفریح، به باغهای شمال تهران می آمدند و در خانه ی اشراف و اعیان رژیم طاغوت استراحت میکردند، تا به فلسطین اشغالی برگردند و با برادران مسلمان فلسطینی ما با خیال راحت تری مبارزه کنند و به سرکوب آنها پردازند. صدها هزار اسرائیلی و امریکایی در این کشور، بر همه ی شئون این کشور مسلط بودند. بهترین مناطق این کشور در دست نوکران جیره خوار استکبار جهانی بود. بهترین مناطق و بهترین امکانات این کشور متعلّق به بیگانگان بود. ارزش این ملت در صحنه ی بین المللی و سیاستهای بین المللی دنیا، به هیچ وجه به اندازه ی

(1). در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد (علیه السلام) و در آستانه ی میلاد با برکت حضرت علی (علیه السلام).

ص: 406

شکستن اعتصاب عظیم نفتی به نفع امریکا و اسرائیل توسط رژیم طاغوت

امریکاییها و صهیونیستها یادشان نمی‌رود که بعد از جنگ 1967 میلادی، کشورهای عربی شیرهای نفت را بر روی کسانی که به اسرائیل کمک میکردند، بستند؛ اما رژیم طاغوت در اینجا سینه اش را جلو داد و گفت من عوض همه نفت میدهم! یعنی رژیم طاغوت در ایران، يك اعتصاب عظیم نفتی را که در تاریخ عالم بی نظیر بود، به نفع امریکا و علیه مظلومان فلسطین شکست؛ هم به اسرائیل نفت داد، هم به هر کسی که به اسرائیل کمک میکرد!

امروز درست صد و هشتاد درجه وضع فرق کرده است. همه ی کشورهای عربی و اسلامی در مقابل خواسته ی امریکا نسبت به اسرائیل کم و بیش کوتاه آمده اند؛ همه گفته اند صلح خاورمیانه؛ هیچ کس نگفت این صلح نیست؛ سازشی است علیه صاحبان فلسطین؛ این به خاک مالیدن بینی فلسطینیان است. همه اتفاق نظر کردند؛ همه دستها را روی هم گذاشتند؛ اجلاسهای جهانی تشکیل دادند؛ از بین خود فلسطینیها خائنی پیدا کردند که پای قراردادها را امضا کرد. همه چیز به ظاهر تمام شده بود، اما يك ایران اسلامی به اتکای يك ملت بزرگ و با اعتماد به خدا ایستاد و گفت من این قراردادها و این صلح ساختگی را که سازش علیه مظلومان فلسطین است، قبول ندارم. ما نه تانک و هواپیمایی به میدان آوردیم، نه لشکر و نیروی نظامی بی به مرزهای اسرائیل فرستادیم - نظام اسلامی هیچ کاری نمیتوانست بکند - اما گفتیم قرارداد اسلو را قبول نداریم؛ قرارداد شرم الشیخ را قبول نداریم؛ قراردادهای علیه ملت مظلوم فلسطین را قبول نداریم. همین قدر که ایران اسلامی موضع خودش را اتخاذ و اعلام کرد، همه ی بساط آنها به هم ریخت و صلحی که میخواستند بر ملت فلسطین تحمیل کنند، به جایی نرسید.

(1). در اجتماع باشکوه مردم کرج.

امروز نقش ایران اسلامی این است؛ در خاورمیانه و در دنیای اسلام، چنین نقش برجسته‌ی دارد؛ استکبار این را فراموش نمی‌کند. وقتی به ریشه برمیگردند، می‌بینند همه‌ی این حرکت، همه‌ی این عزت، همه‌ی این اراده و همه‌ی این شکوه تصمیم‌گیری، به مردی برمیگردد که فرشتگان آسمان به نام او سرود می‌خوانند و بندگان صالح خدا در زمین یاد او را گرامی میدارند؛ یعنی امام خمینی. بنابراین، سیاستشان شکل میندند. این سیاست عبارت است از مبارزه با نام امام، هرطور که بتوانند. امروز این کار انجام میگیرد. (1)

1384/2/19

اختناق عجیب در دوران پهلوی

بنده سال 50 در مشهد برای دانشجویها درس تفسیر میگفتم و اوایل سوره‌ی بقره - ماجراهای بنی اسرائیل - را تفسیر میکردم. بنده را به ساواک خواستند و گفتند چرا شما راجع به بنی اسرائیل حرف میزنید؟ گفتم آیه‌ی قرآن است؛ من دارم آیه‌ی قرآن را معنا و تفسیر میکنم. گفتند نه، این اهانت به اسرائیل است! درس تفسیر بنده را به خاطر تفسیر آیات بنی اسرائیل - چون اسم اسرائیل در آن بود - تعطیل کردند. اختناق در آن زمان عجیب بود؛ اما نه از طرف دولت امریکا، نه از سوی دولت فرانسه، و نه از طرف دولتهای دیگر، مطلقاً رژیم طاغوت به مخالفت با آزادی و دموکراسی متهم نشد. (2)

1385/5/30

ایران قبل از انقلاب؛ پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی

وضع ایران قبل از پیروزی انقلاب، وضع خوبی نبود؛ مردم در حال بی‌تکلیفی، دشمنان مسلط، اینجا پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی، که می‌آمدند میبردند، میخوردند و استفاده‌ی سیاسی و مالی میکردند. آن روزی که بعضی از کشورهای عرب تصمیم گرفتند که از نفت علیه اسرائیل استفاده کنند، شاه ایران دل صهیونیستها را گرم کرد و گفت من به شما نفت میدهم. وضع ایران

(1). در اجتماع مردم خمین.

(2). در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان.

ص: 408

در آن روز این گونه بود و کسی امیدى نداشت؛ اما امام راحل ما «قَدَسَ اللّهُ نَفْسَهُ الرَّكِيه» وقتی همت گماشت و بر این مبارزه عزم کرد، هیچ نیروی جز نیروی مردم نداشت. او به این نیرو معرفت پیدا کرد؛ به این نیرو تکیه کرد و خدای متعال هم که همه چیز دست اوست - که وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى (1) - دلها را منقلب کرد. وقتی دلها متوجه به این حقیقت شد، نیروها به میدان آمدند و قدرت رژیم طاغوتی و وابسته ی شاه متزلزل شد و نظام اسلامی در این کشور سر بلند کرد. (2)

1386/3/8

حافظه ی تاریخی ملت ایران و لزوم فراموش نکردن وضعیت پیش از انقلاب

دل این ملت برای اصول اسلامی میتپد. نمیخواهیم ادعا کنیم که همه ی آحاد ملت جزو مقدسین درجه ی يك اند؛ اما میخواهیم ادعا کنیم که آنهایی هم که در عمل جزو مقدسین درجه ی يك نیستند، برای اسلام و برای ارزشهای اسلامی و برای ارزشهایی که این انقلاب به این کشور داد، اهمیّت قائلند و طعم آنها را چشیده اند. حافظه ی تاریخی این ملت، نمیتواند آن دورانی را که این کشور بزرگ و این ملت تاریخی، بازیچه ی دست استعمارگران و بازیگران صهیونیست شده بود، فراموش کند؛ میخواستند اقتصاد او را، فرهنگ او را، دل مردم را، جهت زندگی مردم را، پوشش مردم را، عقاید مردم را، دستمایه ی بازی خودشان قرار بدهند؛ اهانتی از این بزرگ تر به این ملت متصور نبود. فقر بود، تبعیض بود، زورگویی بود، ظلم بود؛ در عین حال، همه ی اینها با اهانت به مقدّسات بود، با جهتگیری های ضدّ اسلامی و قرآنی و دینی بود؛ با کشاندن مرد و زن به سمت منجلاب فساد بود. حافظه ی این ملت، آن دوران را فراموش نخواهد کرد. (3)

(1). سوره ی انفال، آیه ی 17. ترجمه: «و این تو نبودى (ای پیامبر که خاك و سنگ به صورت آنها) انداختى؛ بلکه خدا انداخت!»

(2). در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی.

(3). در دیدار نمایندگان هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی.

ص: 409

پشتیبانی ایران قبل از انقلاب از رژیم صهیونیستی

ما قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، قبل از حاکمیت اسلام در این کشور و تشکیل حکومتی بر اساس مبانی اسلامی، يك ملت عقب افتاده بودیم؛ يك ملت گمنام بودیم. کشور ما و دولتهای ما و ملت ما ابزاری در اختیار زشت‌ترین مستکبران عالم بود. آن روزی که اینها میخواستند در این منطقه صهیونیستها را حاکم بر مقدرات منطقه بکنند، دولت خائنی در ایران بر سر کار بود و به آنها کمک کرد. آن روزی که کشورهای اسلامی تصمیم گرفتند که پشتیبانی نفتی نکنند و نفت به رژیم صهیونیستی نروشنند، آن دولت خائن بر خلاف میل مردمش، بر خلاف ممشاء و طبیعت اسلامی این سرزمین، از رژیم صهیونیستی پشتیبانی کرد و کمک کرد. آن روز این دولت حلقه‌ی شد در زنجیره‌ی بزرگی که کشورهای معارض با صهیونیستها را احاطه و محاصره کرده بودند و تصمیم بر این داشتند که رژیم صهیونیستی را کمک کنند و کمک هم میکردند. در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، در زمینه‌ی نفت، در زمینه‌ی تجارت، در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، در بخشهای گوناگون، این کشور ابزاری در دست مستکبرین عالم و بخصوص و به طور ویژه در دست امریکا بود؛ چون حاکمیت اسلام نبود.

(1)

(1). در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر.

ص: 410

مبارزه ی ما با صهیونیسم؛ مبارزه ی استراتژیک و راهبردی

مبارزه ی ما با صهیونیسم و به طور ویژه با حکومت صهیونیستها در فلسطین اشغالی، يك مبارزه ی استراتژیک (1) است. اسلام به ما دستور میدهد که هرگاه نقطه یی از نقاط مسلمین مورد تهاجم دشمن قرار گرفت، ما باید دفاع کنیم؛ و امروز نمونه ی بارز و واضح حکم اسلامی، سرزمین عزیز فلسطین و کشور قبله ی اولی مسلمین است، که سالهاست در اختیار دشمنان اسلام و مسلمین قرار دارد. ما از هر کشوری که با صهیونیستها مبارزه کند، قویاً حمایت میکنیم. (2)

مبارزه و معارضه با اسرائیل؛ سرلوحه ی سیاست خارجی ما

ما از اولی که انقلابمان شروع شد، از اولی که نهضت اسلامی از سال 1342 شروع شد، امام یکی از برنامه های اصلی شان را مبارزه با اسرائیل قرار دادند. الان هم سرلوحه ی سیاست خارجی ما و یکی از مهمترین نقاط سیاست خارجی ما، مبارزه و معارضه با اسرائیل است. ما حاضر نیستیم تحمّل کنیم وجود يك نظام غاصبی را که با مرور، خودش را اهلی و طبیعی کرده و جا انداخته؛ به طوری که امروز مخالفین سنتی با صهیونیستها هم وقتی که میخواهند راجع به صهیونیستها حرف بزنند، مسئله ی از بین رفتن نظام صهیونیستی را

(1). راهبردی.

(2). مصاحبه با مجله ی پاسدار اسلام.

دیگر بر زبان جاری نمیکنند؛ گویا باور کردند که اسرائیل - این واقعیت تحمیلی - باید بماند و این واقعیت باید همواره به گردن ملت اسلامی و ملت عرب آویخته باشد. ما به طور قاطع این را رد میکنیم. (1)

1363/6/9

اداره ی کشور فلسطین توسط خود فلسطینیها؛ پیشنهاد منطقی ایران به سازمان ملل

اگر ملت فلسطین يك ملتند و سرزمین فلسطین مال آنها بوده و از دست آنها با زور، با ترور، با شیوه های تروریستی، با کشتارهای دسته جمعی، با تقلب، با فشارهای تبلیغاتی و سیاسی خارج شده، باید اینها به خانه ی خودشان برگردند. ملت فلسطین بایستی در سازمان ملل جای خودش را پیدا کند و ما چیزی به نام «ملت اسرائیل» نداریم. این چیزی که به نام ملت اسرائیل در سرزمین غصب شده ی فلسطین دارد زندگی میکند، يك عده مال آلماند، يك عده مال انگلیس اند، يك عده مال فرانسه اند، يك عده مال امریکایند، يك عده مال خاورمیانه اند، يك عده مال روسیه اند؛ از جاهای مختلف جمع شده اند؛ بروند در خانه های خودشان. اگر هم میخواهند در خانه ی فلسطینیها بمانند، بمانند - در صورتی که فلسطینیها اجازه بدهند - اما اداره ی این کشور مال خود فلسطینیهاست. این حرف منطقی ماست به سازمان ملل.

پیشنهاد ایران مبنی بر اخراج اسرائیل از سازمان ملل

لذاست که ما در دو سال گذشته، در اجلاس عمومی سازمان ملل - که امسال هم تقریباً در اواخر شهریور تشکیل میشود - اعلان کردیم و امسال هم اعلان خواهیم کرد و از همه ی ملتها میخواهیم از این شعار پشتیبانی کنند و از دولتهایشان بخواهند که این شعار را يك شعار قاطع و اجتناب ناپذیر بدانند که اسرائیل باید از سازمان ملل اخراج شود. البته این شعار، يك شعار جاذبه داری است. ما پیش بینی میکنیم که ملتها این شعار را قبول کنند و دولتهایی که با انصاف و با وجدان با مسائل برخورد میکنند و مسئله ی اسرائیل برایشان جدی است، این شعار را به عنوان يك شعار حتمی بپذیرند و به اخراج اسرائیل و رد اعتبارنامه ی اسرائیل در سازمان ملل رأی بدهند. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار با سفیر و کاردار ایران در بلژیک.

ص: 412

دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی در مقیاس تجاوزاتش به حقوق انسانها

آقای رئیس جمهور! (1) رژیم صهیونیستی و اشغالگر قدس و دشمن اسلام و عرب، با هدف ایجاد تفرقه و تشنج و فتنه و جلوگیری از رشد نهضت‌های آزادیبخش به وجود آمده است و عمر ننگینش با پشتیبانی شیطنانی و امپریالیستی بین المللی استمرار یافته و اکنون نیز با حمایت کامل آنان، توطئه های حامیان خویش را در منطقه به مورد اجرا میگذارد و به تجاوزات و توسعه طلبی های خود روزه روز می افزاید.

نامشروع بودن موجودیت رژیم صهیونیستی؛ از دیدگاه جمهوری اسلامی

دیدگاه ما در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسئله ی رژیم صهیونیستی، محدود به وضعیت رقت آور میلیونها آواره ی فلسطینی نیست، بلکه این پدیده را در مقیاس تجاوزاتش به حقوق انسانها و پشتیبانیهای شیطنانی از آن مینگریم؛ لذا مبارزه با آن را نیز محدود به یافتن مأوا برای فلسطینیان و یا اجبار به عقب نشینی آنان به مرزهای سالهای چند و چند نمیدانیم، بلکه موجودیت اسرائیل از دیدگاه جمهوری اسلامی مورد سؤال است و بنابراین معتقد به حلّ ریشه یی مسئله ی رژیم صهیونیستی میباشیم. (2)

1365/2/8

جنجال تأمین اسلحه ی ایران از اسرائیل

البته ما سلاح را از آنجایی تأمین میکنیم که از نظر خود ما معامله ی با آنجاها جایز است؛ اما اینکه هر گاهی يك بار مسئله ی اسرائیل را پیش میکشند، این يك هو و جنجال بی معنی و پوچی است که خود آنها هم میدانند که در سطح دنیا باورکننده یی ندارد؛ لیکن به هر حال رسانه های جهانی که وابسته به استکبار هستند، چاره یی ندارند جز اینکه علیه نظام جمهوری اسلامی يك چیزی بگویند. حالا هم این حرف تکراری و بارها گفته شده را تکرار میکنند؛ واقعیت که ندارد، این را همه هم میدانند. این دلیل بر این است که ارتباط و اتصال با دستگاه های تسلیحاتی امریکا و اسرائیل آن قدر ننگ آور است - و

(1). رئیس جمهور تانزانیا.

(2). سخنرانی در تانزانیا.

ص: 413

خودشان هم این را میدانند - که برای مسکوت کردن جمهوری اسلامی، این تهمت را علم میکنند. (1)

1365/3/2

اتهام قاچاق سلاح از رژیم صهیونیستی به ایران

امروز مسئله ی تروریسم هم به عنوان يك حربه ی جدید مطرح است؛ این هیاهوی تروریسم و محکومیت تروریستها و وابستگی تروریستها به چند کشور و گنجاندن نام جمهوری اسلامی در خلال آنها، یا این شایعات و هیاهوی دروغ و خلاف واقعی که در مورد خرید قاچاق سلاح از اسرائیل به عنوان يك لگه ی ننگ و به عنوان يك تهمت علیه جمهوری اسلامی مطرح میشود - که خوب، البته حاکی از این است که اعتراف میکنند؛ هم خود صهیونیستها، هم امریکاییها، که ارتباط با صهیونیستها و معامله با آنها يك ننگ است؛ واقعاً هم يك ننگ است - اما این ننگ را امروز مرتجعین منطقه دارند؛ این ننگ را امروز به حسب اطلاعاتی که به ما رسیده، رژیم عفلقی عراق دارد؛ آنها با اسرائیل مرتبطند. امروز حامیان عراق با اسرائیل نزد دوستی میبازند، و واقعاً هم ننگ است؛ اما وسایل ارتباط جمعی سعی میکنند این ننگ را، این تهمت را به جمهوری اسلامی متوجه کنند؛ شاید بتوانند فضای جهانی را يك مقدار علیه ما برانگیزانند و از این قبیل کارها هر چه بتوانند، میکنند. (2)

1365/7/21

اتهام تأمین اسلحه از رژیم صهیونیستی؛ يك دشنام به جمهوری اسلامی

پاسخ: (3) این يك دشنام به ماست و حتی کسانی که این دشنام را به ما میدهند، میدانند که خلاف میگویند؛ لیکن چون حساسیت و دشمنی ما را با اسرائیل میدانند، این را تکرار میکنند. نه، به هیچ وجه چنین چیزی واقعیت ندارد. تمام روابط ما با اسرائیل قطع است و از هر کمکی که از اسرائیل حتی ممکن هم باشد، بیزاریم. (4)

(1) . مصاحبه هنگام ورود به زاهدان.

(2) . در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(3) . سؤال: آیا این ادعا درست است که ایران اسلحه و تکنیسین های فتی هوایما را از اسرائیل وارد کرده؟

(4) . مصاحبه با مجله ی اشپیگل آلمان.

ص: 414

خصومت با اسرائیل، از مسائل درجه ی اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی

البته ما اعلان میکنیم که در سطح سیاستهای جهانی خودمان، مسئله ی اسرائیل برای ما یکی از مسائل درجه ی اول در سیاست خارجی است. ممکن نیست که ما خصومت با اسرائیل غاصب را در هیچ شرایطی و در هیچ وضعی از اوضاع از دست بدهیم. بدانند که ما به صورت استراتژیک، یک جنگ حتمی و یک برخورد قاطع با رژیم صهیونیستی خواهیم داشت. (1)

1366/1/27

مبارزه ی جمهوری اسلامی با حضور غاصبانه ی دولت صهیونیستی

ما الان هم اعلان میکنیم: به فضل پروردگار، جمهوری اسلامی و این ملت قوی و مؤمن و شهادت طلب، ادامه ی ظلم وجود اسرائیل را تحمل نخواهند کرد و ما در ادامه ی برنامه های اسلامی خودمان، بدون شك یکی از اساسی ترین و مهمترین مقاطع برایمان این خواهد بود که با حضور غاصبانه ی دولت صهیونیستی در فلسطین عزیز مبارزه کنیم. (2)

1366/2/18

نظر منطقی جمهوری اسلامی در باب مسئله ی فلسطین

نظر جمهوری اسلامی در باب مسئله ی فلسطین، یک نظر منطقی و قوی و روشن است. یک نظر منطقی و یک فکر مستدل، اگر مورد بی اعتنایی و روگردانی چند تا مزدور قرار بگیرد، از منطقی بودن خودش نمی افتد. اگر یک عده آدم سست عنصر پشت به یک حرف درست بکنند، این حرف درست از درست بودن خودش ساقط نمیشود. حرف ما این است که کشور فلسطین مال ملت فلسطین است. ملت فلسطین که میگوییم، تویشان مسلمان هست، مسیحی هم هست، یهودی هم هست. ما نگفتیم که باید یهودیها را در آن کشور قلع و قمع کنند؛ نه، مثل کشورهای دیگر، مثل بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی، در بین آنها مسلمان هست، یهودی هم هست، مسیحی هم هست. البته اکثریت، مثل بقیه ی کشورهای اسلامی، با

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار خانواده های شهدای لبنان.

ص: 415

مسلمانهاست. صاحبان فلسطین هستند که درباره ی آن سرزمین و درباره ی آن کشور باید تصمیم گیری کنند.

نتیجه یی که گرفته میشود، این است که دولتی که الان به وسیله ی بیگانگان تشکیل شده و بیگانگانی که آمدند در این کشور دولتی تشکیل دادند، اینها متجاوز و غاصبند و هرچه زودتر باید بساطشان را از این کشور جمع کنند. البته این کار با شعار انجام نمیگیرد؛ عمل لازم دارد. دولتهای اسلامی، مخصوصاً دولتهای عربی که در آن منطقه ی نزدیک به سرزمین غصب شده هستند، باید وارد عمل و اقدام شوند؛ که تجربه نشان داده بسیاری از این دولتها به خاطر اینکه سر در آغوش ابرقدرتها دارند، سر در آغوش امریکا دارند، قادر بر اینکه این کار را بکنند، نیستند. (1)

1366/6/3

پاسخ: (2) بله، ما این حرفها را به صورت قاطع و یقینی تکذیب کردیم، باز هم تکذیب میکنیم. این شایعه را دشمنان ما به وجود آوردند و من حتی احتمال میدهم خود اسرائیل هم به خاطر دشمنی یی که با ما دارد، جزو کسانی باشد که این شایعه را به وجود آورده و سر زبانها انداخته. خوشبختانه هرچه زمان بیشتر گذشته، سستی این شایعه بیشتر آشکار شده؛ زیرا مکرراً آن را بیان کردند و هیچ جا نتوانستند آن را ثابت کنند و دلیلی بیاورند؛ بلکه به صورت قاطع معلوم شد که نخیر، ما با هر گونه معامله یی با اسرائیل، از جمله معامله ی تسلیحاتی، مخالف هستیم و آن را رد میکنیم.

در همین جریان اخیری که در رابطه با مسائل امریکا پیش آمد - قضیه ی مک فارلین - خیلی واضح شد و در گزارش کمیسیون تاور هم این منعکس شد و الان وجود دارد، که بعد از آنکه آن دلالتها

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). سؤال: بعضی از کشورهای عربی و بعضی از محافل، چندین سال است که مطرح میکنند ایران قسمتی از تسلیحات نظامی اش را از اسرائیل خریده. با توجه به مواضعی که جمهوری اسلامی در ارتباط با اسرائیل اعلام کرده، بفرمایید آیا صحبت های این محافل و این کشورها مستند است یا تکذیب میشود، یا اینکه ایران منابع تأمین اسلحه ی غیر از اینها دارد؟

ص: 416

برگرداندن محموله ی اسرائیلی در عین نیاز به آن

اجناسی را که ما میخواستیم بخریم، تهیه کردند و بخشی از آن اجناس را به ایران فرستادند، وقتی که اجناس به ایران رسید و اینجا در فرودگاه معلوم شد که این اجناس اسرائیلی است، بلافاصله به آنها اعلام شد که ما اینها را نمیخواهیم و قبول نمیکنیم و بیاید برید. آنها هم آمدند آن محموله یی را که به ایران آورده بودند، مجدداً بار کردند و برگرداندند؛ و این در حالی بود که ما به آن جنس و آن محموله احتیاج داشتیم؛ یعنی برای ما چیز مفیدی بود و مؤثر بود و به آن نیاز هم داشتیم؛ در عین حال چون معلوم شد که اسرائیلی است، ما این را نخواستیم و قبول نکردیم؛ یعنی شدت پای بندی ما به این اعتقاد خودمان - که همه گونه رابطه یی با اسرائیل بایست قطع باشد - تا این حد بود.

نظام جمهوری اسلامی؛ جدی ترین مخالف رژیم صهیونیستی

این را کشورهای اسلامی احساس کردند؛ و همه هم فهمیدند که جدی ترین مخالف با رژیم صهیونیستی، نظام جمهوری اسلامی است؛ و اوست که اگر بتواند، بر پیکر اسرائیل ضربه وارد خواهد آورد؛ و این آن نقطه یی است که ما هیچ گونه نسبت به آن تقیه و پرده پوشی هم نداریم و میگوییم ما هر وقت بتوانیم، این رژیم غاصب را از بین خواهیم برد و سرزمینهای اسلامی را به مردم مسلمان باز خواهیم گرداند.

از بین بردن رژیم صهیونیستی؛ استراتژی جمهوری اسلامی

ما امروز این را بدون هیچ گونه تقیه یی بیان میکنیم، و به صورت قاطع و صریح این را اعلام میکنیم، و حقیقت هم همین است که این جزو استراتژی ماست؛ این ادامه ی انقلاب ماست. در حالی که يك کشور اسلامی و سرزمینی که متعلق به مسلمین است، در تصرف دشمنان اسلام و دشمنان دین و متجاوزین باشد، ما نمیتوانیم احساس کنیم که اهداف انقلاب برآورده شده. (1)

1366/8/17

نامشروع و غاصب بودن اسرائیل؛ علت عدم ارتباط با رژیم صهیونیستی

ما با هیچ رژیمی در کشور فلسطین، جز رژیم فلسطینی، ممکن نیست ارتباط برقرار کنیم. هر رژیم دیگری که بیاید، نمیتوانیم با او ارتباط داشته باشیم. چرا؟ چون موجودیت اسرائیل، يك موجودیت نامشروع

(1). مصاحبه با واحد برون مرزی صداوسیما.

ص: 417

است. اصلاً نفس رژیم، يك رژیم ناشناخته بی از نظر ماست؛ نامشروع و غاصب است؛ یعنی تکیه بر هویتش مبتنی بر غصب است. البته ما این را قبول نمیکنیم؛ و الاً بقیه ی رژیمهای دیگری که در دنیا هستند، آنهایی هم که ما باهاشان قطع رابطه کردیم، به دلایل خاصی بوده؛ آن دلایل برطرف شود، ما با آنها هم ارتباط برقرار میکنیم. (1)

1368/9/2

تبلیغات امریکایی و همدستانشان میخواهند القا کنند که در ایران، دوران جوشش انقلاب به سر آمده و انقلاب راه گذشته ی خود را تغییر داده است. علی رغم دشمن اعلام میکنیم و همه باید عملاً و قولاً نشان دهند که انقلاب اسلامی، راه مبارزه با ظلم و استکبار و فساد را رها نکرده و هرگز نخواهد کرد. اگر قلدوران عالم، خوش خیالانه گمان میکنند که این سنگر مظلومان و این مدافع مستضعفان و این پایگاه مبارزه با نظام سلطه و ظلم و استکبار جهانی، لحظه ی هدفهای بزرگ خود را از یاد خواهد برد، سخت در اشتباهند.

دفاع از فلسطین؛ فریضه ی دینی برای ملت ایران

ما همچنان و همیشه مدافع ملت های مظلوم و زیر یوغ استکبار هستیم و خواهیم بود. ما همواره در کنار ملت مسلمان و مبارز و رشید فلسطین، بر ضد صهیونیسم جنایتکار هستیم و خواهیم بود، و به برادران فلسطینی خود توصیه میکنیم که راه خدا - یعنی مبارزه با دشمن غاصب و حامیانش - را با توکل و اعتماد به خدا و تا نابودی دولت صهیونیست غاصب ادامه دهند. ملت بزرگ و بسیجیان مؤمن و فداکار ما، دفاع از فلسطین را فریضه ی دینی می شمارند و در راه خدا هیچ هدفی را دست نیافتنی نمیدانند. (2)

1368/9/29

حمایت انقلاب اسلامی و ملت ایران از مسلمانان مظلوم فلسطینی

ما به عنوان انقلاب اسلامی و به عنوان اولین ملتی که با این انقلاب توانسته است بینی استکبار را به خاک بمالد و با قدرت و شجاعت،

(1). جلسه ی پرسش و پاسخ در مسجد دانشگاه تهران.

(2). پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج، به مناسبت سالروز انتشار پیام رهبر فقید انقلاب برای تشکیل بسیج مستضعفان و گرامیداشت هفته ی بسیج.

ص: 418

قلعه ی مستحکم استکبار را در این کشور ویران کند و استکبار و امریکا را بیرون نماید، اعلام میکنیم که از مردم و مسلمانان مظلوم فلسطینی حمایت و دفاع میکنیم و معتقدیم که مبارزه ی آنها ان شاءالله به نتایج خوبی خواهد رسید. (1)

1368/11/20

در طول یازده سال گذشته، هر وقت دستگاه های جهانی، از نفوذ کلمه ی جمهوری اسلامی در میان ملت‌ها خیلی ترسیدند، چند تهمت به جمهوری اسلامی زدند. حساب کار آنها دست ماست. هر وقت می بینیم این چند تهمت در دنیا خیلی رواج پیدا میکند، می فهمیم که دستگاه های استکبار، از نفوذ کلمه ی جمهوری اسلامی خیلی میترسند. ممکن است حوادثی در گوشه و کنار باشد که ما خبر نداریم، ولی آنها اطلاع دارند و میترسند و این چند تهمت را ردیف میکنند:

اتهام ارتباط با اسرائیل؛ نشانه ی ترس استکبار از نفوذ جمهوری اسلامی

یکی تهمت ارتباط با اسرائیل است؛ چون میدانند ملت‌های مسلمان روی اسرائیل غاصب حساسند و نیز میدانند آن دولتی که به معنای واقعی کلمه و صادقانه، با ملت‌های مسلمان همصداست، در درجه ی اول جمهوری اسلامی است. میدانند که امام فقید بزرگوار ما، از اوایل شروع نهضت، مبارزه ی با اسرائیل را یک رکن اساسی نهضت قرار داده بود. به همین خاطر، برای اینکه نفوذ جمهوری اسلامی در میان ملت‌ها کم بشود، یک خبر و شایعه و زمزمه و معامله بی درست میکنند و میگویند در جایی، کسی از کسی چیزی خریده و چیزی فروخته است؛ یکی از طرف جمهوری اسلامی و یکی هم از طرف اسرائیل!

این، یکی از این تهمتهایی است که همیشه میگفتند و عجیب و طرفه اینکه همان کسانی این تهمتها را به صورت جنجال مطرح میکنند که خودشان علناً و یا در خفا، با اسرائیل رابطه دارند! بعضی از همین دولتهای مرتجع منطقه که با اسرائیل ارتباطات پنهانی و مخفی دارند، در رادیوهایشان به شکلی این قضیه را به صورت جنجالی مطرح میکنند. ما اعلان میکنیم که حتی یک روز و یک ساعت، با دولت

(1). در دیدار جمع زیادی از دانشجویان و طلاب حوزه های علمیه.

ص: 419

غاصب غیرقانونی خبیث اسرائیل، دوستی و محبت و کوچکترین و ضعیف ترین نوع رابطه را هم نداشتیم و نخواهیم داشت.

*

مقابله با دشمن صهیونیستی و دفاع از ملت فلسطین؛ جزء معتقدات انقلاب اسلامی

بعد رحله إمامنا العظیم - التي كانت للشعب الايراني خسارة عظيمة عظم شخصيته الكبرى - خامر ذهن العدو امل في ابتعاد طريق الدولة في ايران عن طريق الثورة، وحين شاهد على الصعيد العملي ما يخيب ظنه راح يشيع في اعلامه حدوث مثل هذا الابتعاد، آملاً أن ييث اليأس في قلوب الشعوب من الثورة و من النظام الاسلامي الكريم. ونحن نعلن هنا أن هذه الامال ستبقى حسرة في قلوبهم بحول الله و قوته ثم يغلبون. و من اجل تبديد الامال المعقودة على هذه الثورة و نظام الجمهورية الاسلامية راح العدو يكيّل للثورة تهمة الاستسلام مقابل اعداء الاسلام و تهمة اقامة العلاقات مع امريكا و اسرائيل، و نحن نعلن أن النضال ضد حكومة العدو الصهيوني والدفاع عن كفاح الشعب الفلسطيني المظلوم و عن الارض الفلسطينية المغتصبة جزء لا يتجزأ من معتقدات الثورة الاسلامية. (1)

1369/8/2

مسئله ی بیت المقدس و ملت مظلوم فلسطین؛ جزو مسائل ملت و نظام جمهوری اسلامی

يك مطلب را امروز در نظر گرفته ام که به شما عرض کنم. اين مطلب، جزو مسائل ملت و نظام جمهوری اسلامی است و آن، مسئله ی بیت المقدس شريف و ملت مظلوم فلسطین است. مگر ما ميتوانيم از اين مسئله غافل بشويم، يا آن را به دست فراموشي بسپاريم؟ خصوصيت نظام اسلامی همین است که تصميم گيری آن، بر اساس عقیده و تکليف الهی است. هيچ کدام از فقهای اسلام، تردید و اختلافی ندارند که آن وقتی که دشمن بر سرزمین مسلمانان مسلط شد و کيان اسلامی را در کشوری تهديد کرد، وظیفه ی همه ی آحاد مسلمين است که در يك جهاد بزرگ و همه گیر، با آن دشمن مبارزه کنند، او را از آن سرزمین اسلامی اخراج کنند و مجازات و تنبيه نمایند. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار عمومی.

ص: 420

علت واقعی دشمنی مستکبرین با جمهوری اسلامی

برادران و ملت عزیز! استکبار، خصوصیات را از جمهوری اسلامی خوش نمیدارد؛ به رو و به زبان هم نمی آورد. درعین حال، مسائل دیگری را به زبان می آورد که بهانه است: موضوع کمک به تروریسم، یا نقض حقوق بشر و یا ادعاهایی از این قبیل، حرفهای مفت و بهانه های واهی است؛ خودشان هم می دانند. قضیه ی اصلی، چیز دیگری است. قضیه ی اصلی این است که چند موضوع مهم هست که جمهوری اسلامی به آنها پای بند است. امریکا و طیف مستکبرین عالم، با اینها مخالف اند. ما، در قضیه ی فلسطین، آشتی ناپذیریم. ما گفته ایم که فلسطین از آن فلسطینیهاست و دولت اسرائیل که غاصب است، باید از بین برود و دولت فلسطینیها سرکار بیاید.

این، يك مسئله ی اساسی است. بر اساس این مسئله، با هر حرکتی که مخالف این هدف است، مخالفت می ورزیم. (1)

1372/3/14

تعلق حکومت فلسطین به فلسطینیها؛ نظر قطعی جمهوری اسلامی

از دیدگاه امریکا و مستکبرین، یکی از جرمهای بزرگ جمهوری اسلامی ایران این است که در مسائل جهانی، تحت تأثیر نظر امریکا و امثال امریکا قرار نمیگیرد. امروز شما نگاه کنید! يك مثال واضحش، مسئله ی فلسطین است. روی کشورهای عرب و بسیاری از کشورهای اسلامی فشار آوردند که مسئله ی فلسطین را ندیده بگیرند و متأسفانه بسیاری از دولتها هم تحت تأثیر این فشار قرار گرفتند و آن را قبول کردند. اما جمهوری اسلامی، حرف صریح خود را در يك جمله ی رسا و روشن بیان کرده است، که همه ی منصفین عالم، آن را قبول میکنند. آن جمله این است که «فلسطین متعلق به مردم فلسطین است.»

یکی دیگر از علل دشمنیهای استکبار با ما، همین موضوع است که گفته ایم: دولت غاصب صهیونیست، باید بساط خود را جمع کند. یهودیها میتوانند در فلسطین بمانند، اما حکومت در فلسطین، متعلق به

(1). در دیدار نیروهای سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوم شعبان.

ص: 421

ملت فلسطین و فلسطینیهاست و آنها، مثل همه ی کشورهای دیگر، هرکس را خواستند، آنجا نگه میدارند. اما دولت صهیونیست، دولت غاصبی است. این، موضع ما در قبال مسئله ی فلسطین است. امام راحل، بارها این موضع را اعلام کرده اند و نظر قطعی جمهوری اسلامی ایران است. این را ما بارها گفته ایم و باز هم خواهیم گفت. اعلام این موضع، از موضوعهایی است که دشمنان استکباری را از ما عصبانی میکند. (1)

1372/5/8

نابودی اسرائیل؛ موضع مقتدرانه و همیشگی جمهوری اسلامی

امروز جمهوری اسلامی، در صحنه ی سیاست جهانی، يك سلسله خصوصیات مخصوص به خود دارد، که همه ی دنیا هم آن را با این خصوصیات می شناسند. مهم ترین این خصوصیات عبارت است از استقلال و اتکای به خود. جمهوری اسلامی، تابع هیچ کس نمیشود. در قضیه ی فلسطین، امریکا با زور و تهدید و تطمیع توانست بسیاری از کشورها را وادار به سازش کند؛ اما جمهوری اسلامی همان موضع قدرتمندانه و همیشگی خود را که امام بارها اعلام کردند، حفظ کرده است؛ نابودی اسرائیل. ما از این موضع، کوتاه نخواهیم آمد. ما از مبارزان فلسطین و مبارزان مسلمان لبنان و همه ی مسلمانانی که از حق مشروع خود دفاع میکنند، پشتیبانی میکنیم و آنها را بر حق میدانیم.

متأسفانه دست ما آن قدر که بتوانیم پشتیبانی مادی و مالی بکنیم، باز نیست؛ امکانش برای ما نیست. اما پشتیبانی معنوی و سیاسی خود را از همه ی مسلمانان در هر نقطه ی دنیا که هستند، قطع نمیکنیم. (2)

1372/6/25

من در همین جا به رؤسای سیاسی دولتهای اسلامی هم میگویم: خیال نکنند که با کوتاه آمدن در چنین قضیه ی بزرگی، اسرائیل غاصب و پشت سر او امریکا، تجاوزات و تعدیات خودشان را متوقف خواهند کرد. يك قدم جلو آمدند؛ تسلیم شدید، يك قدم دیگر می آیند جلو.

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در جمع بسیجیان در ورزشگاه تبریز.

ص: 422

تا به حال، آن کسانی که متمسک به این شعار بودند، يك حربه داشتند. چرا از دست دادند؟ با چه تحلیل درستی؟ جمهوری اسلامی ایران، در این پانزده سال حرفش را از زبان امام بزرگوارش و از زبان ملت ایران گفته است و باز هم حرف، همان است. حق، با گذشت زمان کهنه نمیشود و ناحق نمیگردد. ظلم هم با گذشت زمان، مشروعیت پیدا نمیکند.

دفاع از حق ملت فلسطین؛ خصوصیت حکومت اسلامی

چهل و پنج سال پیش، ظلمی صورت گرفته است: خانه ی ملت فلسطین از آنها غصب شده است. این خانه، به تمامه و بی قید و شرط، باید به ملت فلسطین برگردد. حکومت اسلامی، خصوصیتش این است که با جوسازی، عقب نشینی نمیکند. مرتب بگویند «آقا، منزوی میشوید!» «منزوی» یعنی چه؟! اگر قدرتهای پرروی دنیا، با جنجال و هیاهو و سرو صدا آمدند و خواستند ناحقی را حق کنند، ما هم مثل دیگران کنار برویم و بگوئیم «صحیح میفرمایید»؟! پس معنای حکومت اسلامی چیست؟

خوب؛ معلوم است در بین افرادی که جز باطل و جز زور نامشروع، هیچ چیز برایشان مطرح نیست، انسان منزوی خواهد شد. *إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا* (1) معلوم است! مگر وقتی پیغمبر صلوات الله علیه، دعوت را آورد، منزوی نبود؟ مگر امام بزرگوار ما، در دوران سلطه ی طاغوت، در خانه ی خودش غریب و منزوی نبود؟ منزوی یعنی چه؟! حکومت اسلامی، این جوانمردی و رشادت را دارد که آنچه را حق است، بگوید و از امریکا و قدرتهای متحد در دنیا نترسد. فرق ما با آن کشور ضعیف وابسته در همین است. (2)

1373/3/14

وضع تمرکز سیاسی عالم و هرم قدرت جهانی، میطلبد که ملتها و دولتها، همه اسیر و دنباله رو قدرت مرکزی باشند؛ که امروز قدرت

(1). سوره ی انبیاء، آیه ی 36. ترجمه: «هنگامی که کافران تو را می بینند، کاری جز استهزاء کردن تو ندارند.»

(2). در دیدار فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

ص: 423

امریکا و اقمار و همراهان آن هستند. خیلی از نظامها در این راه شکست خوردند و فروغلتیدند. اما جمهوری اسلامی به برکت همین استقامت، در قضیه ی فلسطین سخن قاطعی را میگوید که دیگران حتی جرأت شنیدن آن را هم ندارند. آن سخن قاطع که ملت و دولت ایران بر آن متفق القولند، این است که «فلسطین کشوری متعلق به ملت فلسطین است و دولت صهیونیست، دولتی غاصب است و اصل آن دولت و نظام، مطلقاً مشروعیت ندارد.» بسیاری حتی جرأت نمیکند این حرف را از گویندگان آن بشنوند! با این حساب، مذاکراتی که درباره ی فلسطین میشود، حرف مفتی بیش نیست و ارزش و اعتباری ندارد؛ چون به خلاف حق و اصول پذیرفته شده است. (1)

1373/6/16

کشور ایران اسلامی سرفراز و سربلند، در هیچ موضعی تابع کسی نیست؛ تابع عقاید و مصالح خود و خواست ملت و تصمیم مسئولین خود است. در قضایای گوناگون، امریکا از يك طرف همدستان پست اروپایی اش مثل دولت منحوس انگلیس از يك طرف، وابستگانش در منطقه از يك طرف و رژیم صهیونیستی که مثل سگ زنجیری امریکاست، از طرف دیگر؛ بنا کردند به جمهوری اسلامی فشار آوردن و پارس کردن و فحاشی و بدگویی و تهدید نمودن، اما دولت جمهوری اسلامی، مثل کوه ایستاده و تکان نخورده است. این وضع کشور ما بعد از دستاورد بزرگ امام است و البته یکی از دستاوردهای انقلاب است.

يك نمونه ی آن، همین مسئله ی به اصطلاح صلح تحمیلی خاورمیانه است، که در واقع سازش ننگینی را با صهیونیستهای غاصب بر دولتهای خاورمیانه تحمیل میکنند. امریکا سرمایه گذاری کرده است. رئیس جمهوری فعلی امریکا که از حل مشکلات کشور خود عاجز است و نمیتواند مسائل آن را حل کند، مجبور است کاری در دنیا انجام دهد، برای آنکه مردم امریکا را به شکلی قانع کنند. از جمله

(1). در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام (رحمه الله).

کارهایی که کرد، یکی همین سازش اعراب و اسرائیل بود. خودشان هم میگویند مهمترین مانعی که وجود دارد، جمهوری اسلامی است. از اطراف به جمهوری اسلامی فشار آوردند که مخالفت شما به نفعتان نیست؛ ضرر میکنید؛ با این قضیه مخالفت نکنید. امریکا میخواهد از آن تهدیدهایی که با آنها، دولتهای ضعیف و دولتمردان ضعیف و دولتمردان حقیر را در دنیا میترسانند؛ اما جمهوری اسلامی مثل کوه ایستاد و گفت و میگوید و خواهد گفت که اسرائیل باید از بین برود. البته از دشمن انتظار نیست. از رادیوهای صهیونیستی در سرتاسر دنیا، خبرگزاریهای صهیونیستی و امریکایی، یا رادیوی مغرض انگلیس، انتظار نیست که واقعیت را بگویند. اما غیر از اینها کسانی که جمهوری اسلامی را دیدند و از نزدیک به وضع آن معرفت پیدا کردند، همه شان اعتراف نمودند که وضع جمهوری اسلامی يك وضع استثنایی است. بعضی اوقات هم این را گفتند و از دست روزنامه های وابسته به محافل سرمایه داری دنیا در رفت! یعنی گاهی در روزنامه ها هم درج کردند که «هیچ نقطه ی خاورمیانه چنین حکومت مردمی یی وجود ندارد.»(1)

1374/11/19

این ملت و این دولت، معتقدند که غصب، کار زشتی است. غصب يك خانه مذموم است. غصب هزار خانه، هزار برابر مذموم است.

اعتقاد ملت ایران درباره ی رژیم غاصب قدس و ملت جعلی اسرائیل

غصب چند میلیون خانه - یعنی يك کشور - چند میلیون برابر مذموم است. معتقدند که اسرائیل وجودش يك وجود دروغین و تصنعی و فرمایشی است، نه يك وجود حقیقی، اصلاً ملتی به نام ملت اسرائیل وجود ندارد. از گوشه و کنار دنیا و از شرق و غرب عالم، بر اساس نژاد - وگرنه به آن دین هم صهیونیستها چندان معتقد نیستند - جماعتی را جمع کردند، يك حکومت نژادپرست تشکیل دادند و صاحبان این خانه - فلسطین - را بیرون کردند. این ممنوع است، این غصب است، این زشت و غیرقابل قبول است. این را هم ملت و هم دولت

(1). در دیدار قشرهای مختلف مردم.

ص: 425

ایران معتقدند. با چنین اعتقادی، ملت و دولت ما به طور قاطع میگویند: چیزی که امروز به نام صلح در خاورمیانه جریان دارد، صلح به معنای واقعی نیست. این توافق برای ظلم به يك ملت است؛ این يك کار خلاف است. لذا تسلیم نمیشوند. نه ملت ایران قبول دارد و نه دولت قبول دارد. (1)

1375/1/4

بیان صریح حرف حق جمهوری اسلامی در قضیه ی فلسطین؛ گناه جمهوری اسلامی

اسرائیل، از اول با ظلم و آدمکشی، با دروغ و فریب به وجود آمده است. در آن روز يك عده افراد زورگو و متجاوز، با پشتیبانی دولت انگلیس به منطقه ی فلسطین آمدند. اهالی آن منطقه را بیرون کردند و فرزندان و بازماندگان آنها - بیش از يك میلیون نفر - هنوز هم در زیر چادرها و در شرایط اردوگاهی زندگی میکنند! زیر چادر، یا چیزی شبیه چادر، در کوخها زندگی میکنند! مردم فلسطین، در خارج از فلسطین، با حال کوخ نشینی و اردوگاه نشینی زندگی میکنند. خانه های آنها و وطن آنها در اختیار کسانی است که از اروپا، از استرالیا، از امریکا، از آسیا و از آفریقا به آنجا رفته اند و يك ملت جعلی و دروغین به وجود آورده اند و در آنجا به نام يك ملت، زندگی میکنند و دولتی هم دارند! اساساً چنین ملتی، وجود و هویتی ندارد.

گناه جمهوری اسلامی این است که این حرف را میزند! جمهوری اسلامی بر خلاف دولتهای دیگر که از ترس یا با تطمیع امریکا، همین حرف حق را کتمان کرده و پوشیده داشتند، این حرف را به صراحت میزند و میگوید حق، حق است و باطل، باطل است. ما نمیتوانیم انکار کنیم که ملت فلسطین وجود داشته، ولی امروز آواره است. نمیتوانیم انکار کنیم که سرزمین فلسطین، از مردم فلسطین غصب شده است؛ آن هم نه با يك روش ظاهراً با نزاکت، بلکه با کشتار و آدمکشی و فریب و دروغ و اعمال زور و سفاکی و قتل عام. دولت اسرائیل با قتل عام و غدر و فریب و سفاکی و لگد زدن به ارزشهای انسانی به وجود آمد. حقوق يك ملت در مقابل پای مهاجرین صهیونیست که

(1). در دیدار پرسنل نیروی هوایی.

ص: 426

وارد فلسطین اشغالی شدند، قربانی شد. در طول قریب پنجاه سالی که از عمر این دولت جعلی میگذرد، دائماً سرکوب و قتل نفس و دروغ و فریب و تجاوز و حمله به انسانها و بی گناهان، مایه ی حیات و تداوم زندگی آن بوده است. (1)

1375/3/2

دعوی اصلی استکبار با نظام جمهوری اسلامی

امریکا و استکبار، با ما بر سر خطوط اصلی حیات جامعه ی اسلامی دعوا دارند، نه بر سر چیزهای دیگر. ادعای حقوق انسان و نمیدانم فلاخن از طرف اینها، حرف مفت است؛ خودشان هم میدانند. اینها کسانی اند که از کشته شدن يك نفر، دردشان بیاید؟! جلوی چشم دولتهای غربی، صدها نفر، بل هزاران نفر، قلم قلم میشوند؛ با شدیدترین گازهای شیمیایی نابود میگردند و در آتش میسوزند؛ اصلاً خم به ابرو نمی آورند! اینها کسانی هستند که از - فرضاً - تضييع حقوق انسان ناراحت شوند، که میگویند دولت جمهوری اسلامی حقوق بشر و حقوق زنان را رعایت نمیکند؟! مثلاً عربستان سعودی، خیلی رعایت میکند؟! شاه حسن در مراکش، خیلی رعایت میکند؟! سلاطین مرتجع عهد بوقی زمان ما، که جز ورققای صمیمی امریکا و غرب و عاشق و معشوق هم اند، خیلی رعایت میکنند؟! بحث این حرفها نیست! بحث اسرائیل است؛ بحث خاورمیانه است؛ بحث اسلام است؛ بحث وجود و حضور روحانیت است. بحث اینهاست. (2)

1375/7/18

غاصبان سرزمین فلسطین، به فکر این نباشند که دائماً پای این و آن را به ماجرا بکشانند و بگویند جمهوری اسلامی ایران، تحریک میکند. تحریک کسی لازم نیست. امروز به برکت بیداری اسلامی، ملت‌های مسلمان بیدارند. لازم نیست کسی به آنها بگوید، تشویقشان کند و دستی به پشت آنها بزند؛ خودشان میدانند. امروز جوانان فلسطین، در

(1). در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) در صحن حضرت امام خمینی (رحمه الله).

(2). در دیدار اعضای ستاد مراسم سالگرد ارتحال امام (رحمه الله).

ص: 427

میدانند و نسل‌های نو فهمیده اند که راه عزت و سعادت و مسلمانی چیست. البته در سرتاسر دنیای اسلام هم، دلِ مخلصان به یاد آنها میتپد. این همدلی، مخصوص ایران نیست؛ در مصر هم بروید، همین است؛ در آفریقا هم بروید، همین است؛ به آسیا هم بیایید، همین است؛ در خاورمیانه هم بروید، همین است. شما به هر کشور اسلامی که بروید، با هر مذهبی از مذاهب اسلامی که باشند، اگر به سراغ انسانهای آگاه و مخلص بروید، خواهید دید دلشان به یاد فلسطین و مردم آن میتپد.

سیاست جمهوری اسلامی در قبال فلسطین

البته به فضل پروردگار در ایران اسلامی، علاوه بر این، حنجره‌های مردم هم به یاد فلسطین فعال است، مشت‌هایشان هم گره است، آمادگی هم دارند؛ منتها ما لازم و مصلحت نمیدانیم که غیر از خود ملت فلسطین - که باید در صحنه باشد - کسی از جای دیگری برود. کاری را که يك ملت باید انجام دهد، دیگری نمیتواند برای او انجام دهد؛ خود آن ملت باید انجام دهد. (1)

1375/8/30

جرم ملت ایران، فقط این است که میخواهد آزاد و مستقل زندگی کند؛ از قدرتهای متجاوز و مستکبر دنیا اطاعت نکند؛ مسیر خود را خودش معین کند؛ سرنوشت خود را خودش تعیین نماید. جرم ملت ایران، دشمنی با ظلم و دفاع از حقیقت و در يك کلمه، دفاع از اسلام است. جرم ملت ایران، پیروی از اسلام، حرکت در پرتو اسلام و زندگی با احکام نورانی اسلام است. جهانخواران، نمیتوانند این را ببینند. دشمنان ملت‌ها، نمیتوانند این را تحمل کنند. اسلام و قرآن، با ظلم و تجاوز و ستمگری و با تسلط رژیم‌های خودکامه بر ملت‌ها و بر مردم دنیا، نمیسازد. بدیهی است، ملتی که با چنین نظامی، با چنین فکری و در پرتو چنین مشعلی زندگی میکند، زیر بار نمیرود.

اینها مایلند، در ایران و در هر کشور دیگری، رژیم‌هایی بر سر کار باشند که از مردم منقطع باشند، به آن قدرتها متصل باشند، منافع مردم

(1). در دیدار اقشار مختلف مردم از سراسر کشور.

ص: 428

را زیر پا لگد کنند، منافع کمپانیهای جهانخواران را تأمین کنند، بر طبق تشخیص مردم و به خیر و صلاح آنها حرکت نکنند و طبق اشاره ی انگشت استکبار حرکت کنند. رژیمهای مرتجعی که شما می بینید، این گونه اند و چقدر هم برای این زمامداران امریکا، محبوب و مطلوبند. اما نظام مقدس اسلامی، نظامی است که همه ی مردم در آن بیدار و هوشیارند؛ با اراده تصمیم میگیرند، در صحنه ی مسائل زندگی حضور دارند، مسئولان کشور - دولت، دستگاه قضایی، قوه ی مقننه - آزاد و اسلامی فکر میکنند، برای خدا حرکت میکنند، به تهدید دشمن اعتنا نمیکنند و از تطمیع کسی به طمع نمی افتند. چنین نظامی، برای آنها مطلوب نیست.

عدم تأیید اسرائیل؛ بزرگ ترین عیب جمهوری اسلامی در نگاه امریکاییها

در چنین کشور و نظامی، هر حُسنی هم که در مردم وجود داشته باشد، از نظر آنها عیب است! از نظر امریکاییها، بزرگ ترین عیب جمهوری اسلامی این است که غصب غاصبان صهیونیست نسبت به فلسطین را قبول نمیکنند. بزرگ ترین نقطه ی دشمنی آنها با نظام جمهوری اسلامی این است که چرا شما قبول نمیکنید چکمه پوشان اسرائیلی، بدون اجازه در خانه ی مردم حرکت کنند و بر سر آنها بکوبند و حاکمان آن مردم باشند؟! همه ی دنیا قبول کرده اند، شما چرا قبول نمیکنید؟! بزرگ ترین نقطه ی قوت این ملت، از نظر آنها، بزرگ ترین نقطه ی ضعف است! (1)

1376/2/2

عدم تجدیدنظر در سیاست جمهوری اسلامی نسبت به رژیم صهیونیستی

ما تحت این گونه فشارها (2)، در سیاست خود نسبت به رژیم غاصب صهیونیستی نیز تجدیدنظر نخواهیم کرد. سیاستی که آگاهانه، بر اساس مبانی فکری و سیاسی درست انتخاب کرده ایم، و آن سیاست این است که رژیم غاصب، یک رژیم نامشروع است و باید شرّ خود را از فلسطین کم کند. فلسطین مال مردم فلسطین است - اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی، عرب و غیر عرب - فلسطین مال

(1). در دیدار جمع زیادی از بسیجیان سراسر کشور.

(2). فشارهای ناشی از جنجال دادگاه میکونوس.

ص: 429

فلسطینی هاست. با این فشارها و خیمه شب بازی ها، با این توطئه های تکراری و بی ارزش، نخواهند توانست در موضع ما نسبت به این قضیه ی مهم، کوچک ترین تجدیدنظر و تغییری به وجود آورند! (1)

1376/5/10

اعتقاد صریح به نامشروع بودن اصل دولت اسرائیل

ما صریحاً معتقدیم که اصل دولت اسرائیل، دولت نامشروعی است. این را اعلان هم میکنیم و معتقد هم نیستیم که این حرف ایده آلی است. یعنی این فکر، میتواند یک فکر علمی باشد؛ در حالی که همه ی ظواهر واقعی، آن را نفی میکند. اما همه ی عواملی که در سرنوشت جهان و کشورها اثر دارد، همین عواملی نیست که در کوتاه مدت به چشم دیده میشود. دو سال پیش، همه میگفتند که قضیه ی صلح خاورمیانه، تمام شد. امروز شما ببینید چقدر با آن چیزی که آن روز، نزدیک دیده میشد. فاصله داریم! الان صلح، به آن شکلی که گفته میشد، خیلی دور از دسترس است. اما معتقدیم، چنان چیزی، هرگز هم پیش نمی آید. لکن در دنیا، همه تصورشان این بود که صلح دم دست است؛ در یک قدمی است! (2)

1376/8/14

موضع جمهوری اسلامی در قضیه ی فلسطین؛ از علل اصلی تقابل امریکا با ایران

این چیزهایی که راجع به حقوق بشر و امثال آن میگویند، خودشان هم میدانند که خلاف واقع است؛ اینها را به عنوان فشار ذکر میکنند. امریکا سالهاست که وقتی بخواهد علیه هر دولتی خصومتی بکند، یکی از خصومتهايش همین است؛ یعنی علیه آن دولت شعار میدهد که این ضد حقوق بشر و ضد دموکراسی است! اینها که خودشان هم میدانند واقعیّت ندارد؛ دنیا هم این را میدانند. این، چیز مهمی نیست.

خواسته ی حقیقی آنها از جمهوری اسلامی - که بارها هم آن را تکرار کرده اند - این است که جمهوری اسلامی در قضیه ی فلسطین از مواضع خود عقب نشینی کند؛ یعنی اسرائیل را به رسمیت بشناسد؛ مثل کشورهایی که قضیه ی مبارزه ی فلسطین را به بوته ی فراموشی

(1). در اجتماع باشکوه مردم بندرعباس.

(2). در دیدار حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه.

ص: 430

سپردند! میگویند شما این قضیه را رها کنید، حضور امریکا را در مناطق گوناگون دنیا بپذیرید، حضور امریکا را در قضایای منطقه ی خلیج فارس بپذیرید و مهمتر از همه، نفوذ امریکا را در قضایای کشور ایران بپذیرید! این، خواسته ی حقیقی رژیم امریکاست. آن چیزی که به طور حقیقی و جدی میخواهند، این قضیه است که گفتم. این را در پوشش حرفهای دیگر و اتهامات و تبلیغات مخالف و امثال این چیزها بیان میکنند؛ اما حقیقت قضیه این است. (1)

1376/9/18

انحلال دولت اسرائیل؛ دیدگاه جمهوری اسلامی

نظر و دیدگاه جمهوری اسلامی این است که دولت اسرائیل که هیچ مشروعیتی ندارد، باید منحل شود. (2)

1377/2/12

قبول نکردن حکومت غاصب در سرزمین فلسطین؛ حتی برای يك ساعت

ما يك ساعت هم حکومت غاصب در سرزمین فلسطین و مملکت فلسطین و مملکت فلسطینی را قبول نکرده ایم و نخواهیم کرد. ما با یهود، با همه ی یهود دشمنی نداریم؛ ما با صهیونیستها، با حکومت غاصب، با آن زانده ی سرطانی که در سرزمین اسلامی کاشتند، دشمنیم و با آن مبارزه خواهیم کرد. ما میدانیم که بسیاری از مشکلات ما، امروز ناشی از این موضع است؛ اما این مشکلات را هم خیر و از لطف پروردگار میدانیم و مصمم هستیم که این موضع را حفظ کنیم. (3)

1378/6/9

امروز دشمنان دنیای اسلام سعی میکنند دنیای اسلام را تگه تگه کنند، سعی میکنند رژیم اشغالگر فلسطین را به عنوان پایگاهی برای سلطه بر دنیای اسلام به کار گیرند. امروز بسیاری از مشکلات دنیای اسلام، به وجود صهیونیستها در قلب دنیای اسلام بر میگردد؛ ما نمیتوانیم از

(1). در دیدار گروه زیادی از دانش آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت یوم الله سیزده آبان.

(2). در دیدار حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه.

(3). در دیدار شیخ احمد یاسین، رهبر حماس.

ص: 431

این قضیه، آسان صرف نظر کنیم. امروز هم در دنیا کسانی هستند که دولت جمهوری اسلامی را نصیحت میکنند و میگویند شما کاسه ی از آش داغترید! خود فلسطینیها با اسرائیل ساخته اند؛ اما شما دم از قضیه ی فلسطین میزنید. این را امروز هم به دولت جمهوری اسلامی میگویند؛ اما نظام اسلامی، اسلامی است، پس طرفدار حق است؛ اسلامی است، پس در مواضع اصولی خود، صریح است؛ اسلامی است، پس نمیتواند از کلیت دنیای اسلام دفاع نکند. لذا ما از قضیه ی فلسطین دفاع میکنیم و معتقدیم ملت فلسطین بر خلاف کسانی که به نام ملت فلسطین حرف میزنند، هرگز رضایت نمیدهند که یک وجب از خاکش به وسیله ی صهیونیستها و اشغالگران، اشغال شود؛ کما اینکه در دنیای اسلام هیچ مسلمان غیوری این را اجازه نمیدهد.

دفاع از کلیت دنیای اسلام؛ لازمه ی اسلامی بودن نظام

رفتار دولتها و سیاستمداران مصلحت اندیش را که برای حفظ قدرت و مقام خود حاضرند به هر مصالحه بی تن بدهند، نایستی با خواست ملتها یکی کرد. نظام اسلامی، اسلامی است؛ پس اسلامیت خود و آنچه را که لازمه ی آن است، باید با صراحت و با قدرت و با شجاعت اعلام کند. اگر نظام اسلامی پای بندی خود را به اسلام حفظ کند و هر جایی که نقص در عمل به اسلام دارد، آن نقص را جبران نماید، با توانایی کامل خواهد توانست آن چنان دنیایی برای ملت ایران به وجود آورد که همه ی مسلمانان و همه ی ملتهای اسلامی، آرزوی چنین دنیایی را داشته باشند. (1)

1379/5/25

ایده ی روشن جمهوری اسلامی درباره ی مسئله ی فلسطین

ما ایده ی روشنی داریم: مردم حقیقی فلسطین خودشان درباره ی مسئله ی فلسطین تصمیم گیری کنند. فلسطینیهای مهاجر بیابند، فلسطینیهای آنجا - اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی - هم بیابند بنشینند راجع به نظام سیاسی این کشور - یک کشوری است دیگر؛ از جغرافیا محو که نشده - تصمیم گیری کنند. درباره ی مهاجرانی هم که از اروپا و امریکا و روسیه و ایران و جاهای دیگر رفتند، بنشینند

(1). در اجتماع بزرگ مردم شهرستان تربت جام.

ص: 432

تصمیم گیری کنند. این يك ایده است؛ این يك فكر است؛ فكر قابل قبولی هم هست؛ با معیارهای امروز دنیا هم سازگاری دارد. اگر قبول نکنند، معلوم است نتیجه ی قهری اش میشود انتفاضه؛ میشود حماس؛ میشود حزب الله لبنان؛ میشود جهاد اسلامی فلسطین. ملت‌ها را علیه خودشان تحریک میکنند. (1)

1379/7/10

مواضع ملت ایران در مورد مسأله ی فلسطین؛ همانند مواضع ملت فلسطین

ملت ایران مواضعش در مورد مسئله ی فلسطین، همانند مواضع ملت فلسطین است؛ یعنی حکومت فلسطین متعلق به مردم فلسطین است ولا غیر، و فلسطین همه ی فلسطین است، نه چند صدم از آن. این آرزو و این خواسته هم جز با مبارزه حاصل نخواهد شد. مبارزه یی که متوقع کمک دولتهای اسلامی است. این کمک، وظیفه ی همه ی ماست. ما امیدواریم که در حدّ مقدرات و وسع خودمان، بتوانیم در زمینه های سیاسی و غیر سیاسی کمک کنیم. اگر قرار باشد صندوق مشترکی بین دولتهای اسلامی برای کمک به مردم فلسطین تشکیل شود، ما جزو کسانی خواهیم بود که از آن استقبال خواهد کرد. البته در صورتی که نماینده ی دولت فلسطین، یاسر عرفات نباشد، بلکه واقعاً مردم فلسطین باشند. (2)

1379/9/25

ریشه کنی غده ی سرطانی اسرائیل؛ موضع روشن جمهوری اسلامی

اما جمهوری اسلامی ایران از روز اول، مواضعش را در مقابل این پدیده ی زشت، روشن کرده است. موضع جمهوری اسلامی ایران که امام فرمودند، بارها مسئولان گفته اند و ما هم بارها تأکید کرده ایم، این است که اساساً این غده ی سرطانی اسرائیل باید از این منطقه کنده شود. این يك فرمول کاملاً انسانی قابل قبول هم دارد و آن این است که همه ی مردم فلسطین - نه مردمی که از جاهای دیگر دنیا به

(1). در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور.

(2). در دیدار خالد مشعل.

ص: 433

فلسطین مهاجرت کرده اند - از اردوگاه ها و از همه جای دنیا به فلسطین برگردند و تکلیف حکومت خودشان را - که از آنها باید تشکیل شود - تعیین کنند. البتّه بدیهی است که هرگز هیچ فلسطینی یی - چه مسلمان باشد، که اکثریت قاطعشان مسلمانند؛ چه مسیحی و یهودی باشد، که اقلیت کوچکی هم مسیحی و یهودی در آنجا هستند - راضی نیست و اجازه نخواهد داد که يك عدّه از کوچه گردهای لندن، یا از خانواده های توسری خورده ی مسکو، یا از هرزه های امریکا بیایند و در کشور آنها يك دولت تشکیل دهند و بر آنها حکومت کنند. کسانی که روزی چاقوکشی و قداره کشی میکردند و فقط هنرشان این بود که میتوانستند خوب بزنند، خوب بکشند و بر طبق خواسته ی سرمایه داران صهیونیست و یهودی خوب عمل کنند، اگر بیایند و بر فلسطین حکومت کنند؛ بدیهی است که ملت فلسطین و دنیای اسلام چنین چیزی را اجازه نخواهد داد.

این فرمول، فرمول دنیاسندی است. کسانی که میگویند ما معتقد به آرای مردم و معتقد به دموکراسی هستیم، بسیار خوب؛ بفرمایید این دموکراسی! بالاخره این قطعه ی از دنیا که در اینجا قرار دارد، مردمی داشته است؛ این مردم امروز هم هستند و زنده اند؛ چند میلیون نفر در همان جا زندگی میکنند، چند میلیون نفر هم در خارج از آنجا - در لبنان و اردن و نقاط دیگر - زندگی میکنند؛ اینها بیایند در همان جا اجتماع پیدا کنند و خودشان حکومت خود را انتخاب کنند؛ این روش بسیار درستی است. آنچه که مسلم است، این است که حکومت صهیونیستی که امروز حاکم است و هر حکومت صهیونیستی دیگر، حق بقا و حاکمیت در سرزمین فلسطین را ندارد. (1)

1381/1/16

راه حلّ جمهوری اسلامی برای مسئله ی فلسطین

ما برای این قضیه راه حل داریم. این راه حل هایی که ارائه میشود، راه حل نیست. فلسطین در پنجاه سال اخیر يك مسئله ی مهمّ دنیا و خاورمیانه بوده است. برای اینکه این مسئله ی مهم و این مشکل بغرنج

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 434

حل شود، دو نوع راه حل همیشه پیشنهاد شده است: يك راه حلّ غلط، يك راه حلّ درست.

راه حلّ غلط این است که با همین غاصبی که نه به ارزشهای انسانی پای بند است و نه به قوانین بین المللی، و به قطعنامه های سازمانهای بین المللی گردن نمینهد، مذاکره کنند و با او به يك نقطه ی توافق برسند. این راه حل، راه حلّ غلطی است؛ این به هر شکلش ظاهر شود، غلط است. اسرائیل نشان داده است که به هیچ امضای خود پای بند نیست؛ اگر توافق هم بکنند، امضا هم بکنند، پای بند نمیماند. بزرگ ترین و قوی ترین استدلال بر این معنا هم همین وضع امروز رام الله است. خوب؛ خودشان نشستند در اسلو امضا کردند؛ حکومت خودگردان را به رسمیت شناختند. حالا بفرمایید؛ این رفتاری است که با حکومت خودگردان و با طرف مذاکره شان - یعنی یاسر عرفات - انجام میدهند. اینها به امضای خودشان پای بند نیستند. هر امضایی که طرف مقابل به اینها بدهد، پایشان را روی آن امضا میگذارند، يك قدم جلو می آیند. طبیعتشان این است. این راه حل، راه حلّ درستی نیست.

البته من این مطلبی که میگویم، طرف خطابم کسانی نیستند که میخواهند به هر قیمتی شده، این غده ی سرطانی را حفظ کنند. آنها این حرف را قبول نمیکنند؛ ما این را میدانیم. لکن طرف خطاب من، دولتهای عربی، دولتهای اسلامی، ملتهای مسلمان و وجدانهای بیدار در همه جای دنیاست؛ من با آنها حرف میزنم. این راه حل که طعمه یی در دهن این متجاوز بیندازند و او را فربه تر کنند تا قادر شود قدم بعدی را بردارد، راه حل نیست؛ این تجربه ی پنجاه ساله ی فلسطین است. قطعنامه ها در سازمان ملل صادر شد. هر چند امریکا هم که مدافع صهیونیستها بوده، به ظاهر پای آن قطعنامه ها را امضا کرد، اما این غاصب به این قطعنامه ها عمل نکرد و کسی هم نگفت بالای چشمت ابروست! با چنین دولتی و با چنین طرفی، انسان چه مذاکره یی بکند؟! این راه حل، راه حلّ غلطی است؛ این راه حلّ درستی نیست.

اما برای این مسئله، راه حلّ منطقی وجود دارد. راه حلّ منطقی، راه حلّی است که همه ی وجدانهای بیدار دنیا و همه ی کسانی که به مفاهیم

امروز دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند. ما يك سال ونیم قبل هم این راه حل را گفتیم و دولت جمهوری اسلامی بارها در مجامع و مذاکرات بین الدولی آن را تکرار کرده است. الان هم ما همان را میگوییم و بر آن هم اصرار می ورزیم: راه حلّ نظرخواهی از خود مردم فلسطین؛ همه ی کسانی که از فلسطین آواره شده اند؛ البتّه آنهایی که مایلند به سرزمین فلسطین و به خانه ی خودشان برگردند. این يك امر منطقی است. این کسانی که در لبنان و در اردن و در کویت و در مصر و در بقیّه ی کشورهای عربی سرگردانند، به کشور و به خانه ی خودشان فلسطین برگردند - آنهایی که مایلند؛ نمیگوییم کسی را به زور بیاورند - و از کسانی که قبل از سال 1948 که سال تشکیل دولت جعلی اسرائیل است، در فلسطین بوده اند - چه مسلمانان، چه مسیحی شان، چه یهودی شان - نظرخواهی شود. اینها در يك نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند. این دموکراسی است. چطور برای همه ی دنیا دموکراسی خوب است، برای مردم فلسطین دموکراسی خوب نیست؟! چطور همه ی مردم دنیا حق دارند در سرنوشت خود دخالت کنند، اما مردم فلسطین حق ندارند؟! ندارند!

هیچ کس شك ندارد رژیمی که امروز در فلسطین بر سر کار است، رژیمی است که با زور، با حيله و ترفند و با فشار روی کار آمده است؛ در این کسی شك ندارد. صهیونیستها با مسالمت نیامده اند؛ مقداری با حيله و ترفند و مقداری با زور سلاح و فشار بر سر کار آمدند؛ لذا يك رژیم تحمیلی دارند.

خیلی خوب؛ مردم فلسطین جمع شوند، رأی بدهند و نوع رژیمی را که در این کشور باید حاکم باشد، انتخاب کنند. آن رژیم و آن دولت، تشکیل شود و درباره ی کسانی که بعد از سال 1948 به سرزمین فلسطین آمده اند، تصمیم گیری کند؛ هر چه تصمیم گرفت. اگر تصمیم گرفت بمانند؛ پس بمانند؛ اگر هم تصمیم گرفت بروند، پس بروند. این، هم آرای مردم است، هم دموکراسی است، هم حقوق بشر است، هم منطبق با منطق فعلی دنیا است. این راه حل.

حُب؛ این راه حل باید اجرا شود. غاصب که با زبان خوش این راه حل را قبول نمیکنند! اینجاست که همه ی اطراف قضیه باید خودشان را مسئول بدانند؛ هم دولتهای عربی، هم دولتهای اسلامی، هم ملت‌های مسلمان در همه ی دنیا، هم بخصوص خود ملت فلسطین و هم مجامع جهانی. هرکدام مسئولیتی دارند که اصرار بورزند این راه حلّ منطقی باید تحقّق پیدا کند و میشود تحقّق پیدا کند. بعضیها نگویند آقا! چنین چیزی خواب و خیال است و ممکن نیست؛ نخیر! میشود. کشورهای دریای بالتیک بعد از گذشتِ چهل سال و اندی که جزو شوروی سابق بودند، برگشتند و مستقل شدند. کشورهای منطقه ی قفقاز، بعضی در حدود صد سال قبل از اینکه شوروی تشکیل شود، در اختیار روسیه ی تزاری بودند؛ بعد برگشتند و مستقل شدند. الان قزاقستان، آذربایجان، گرجستان و بقیّه مستقل اند؛ خودشان هستند. پس این ممکن است. این طور نیست که این يك امر نشدنی باشد؛ نخیر، شدنی است. منتها اراده و عزم لازم دارد؛ جرأت و دلیری لازم دارد.

(1)

1384/1/25

ایستادگی ایران اسلامی بر موضع حقّ در جریان قرارداد «اسلو»

همه ی دنیا امضای قرارداد «اسلو» را که صددرصد به زیان فلسطینیها بود، تبریک گفتند و تأیید کردند؛ اما ایران اسلامی ایستاد و گفت این قرارداد برخلاف منافع ملت فلسطین، برخلاف حق، برخلاف وجدان و برخلاف عدالت انسانی است. سه چهار سال بعد همه ی دنیا به این نتیجه رسیدند که موضع ما درست است. کسانی که بانی این قرارداد بودند، عرق شرم بر پیشانی شان نشست؛ الان هم اثری از آثار قرارداد اسلو وجود ندارد؛ اما وسیله ی شد برای اسرائیلیهای غاصب و زورگو و پررو و بی رحم، تا ادامه و افزایش بی رحمیهایشان را با آن توجیه کنند. در همه ی قضایا این طور بوده است. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار اعضای دفتر تحکیم وحدت.

ص: 437

نکته ی مهمّ دیگر این است که مسئله ی فلسطین با این عقب نشینی ها حل نخواهد شد؛ این را بدانند. هم امریکا بدانند، هم صهیونیستها بدانند، هم کسانی که حالت دلّالی دارند و به شکل دلّال دارند عمل میکنند، بدانند که مسئله ی فلسطین این طوری حل نخواهد شد. اینکه از يك قسمت عقب نشینی کنند، بعد قضیّه تمام شود، این نمیشود. کسی بیاید خانه ی شما را به زور اشغال کند، بعد از مدّتی يك اتاق كوچك را آن گوشه ی خانه به شما بدهد، بقیّه ی خانه را هم به اسم خودش ثبت کند؛ مگر میشود چنین چیزی؟ فلسطین را گرفته اند؛ حالا ناچار شده اند از گوشه یی از فلسطین عقب نشینی کنند؛ کسی بگوید خیلی خوب، حالا که اینجا را دادید، پس دیگر بقیّه ی فلسطین مال شما! مگر میشود چنین چیزی؟

تنها راه حلّ مسئله ی فلسطین؛ راه اعلام شده توسط جمهوری اسلامی

مسئله ی فلسطین این طوری حل نخواهد شد. مسئله ی فلسطین فقط يك راه دارد؛ همان چیزی که ما چند سال پیش اعلام کردیم: از فلسطینیهای اصیل - چه آنهایی که داخل فلسطین هستند، چه آنهایی که در اردوگاه ها هستند، چه آنهایی که در کشورهای دیگر هستند؛ چه مسلمان باشند، چه یهودی باشند، چه مسیحی باشند، فرقی نمیکند؛ فلسطینی باشند - نظر خواهی کنند؛ هر دولتی که آنها خواستند، سر کار بیاید. آن دولت اگر مسلمان باشد، اگر مسیحی باشد، اگر یهودی باشد، اگر مخلوط باشد، چنانچه برخاسته از آرای خود فلسطینیها باشد، مورد قبول است و مسئله ی فلسطین را حل خواهد کرد. بدون این، مسئله ی فلسطین حل نخواهد شد. (1)

1384/8/13

حرف منطقی ما در باب مسئله ی فلسطین

حرف ما در باب مسئله ی فلسطین، يك حرف منطقی و مقبول است. ده ها سال پیش، جمال عبدالناصر - که محبوب ترین چهره ی عرب محسوب میشد - در شعارهای خود میگفت ما یهودیهای غاصب فلسطین را به دریا میریزیم. سالها بعد از آن، صدّام حسین - که

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 438

منفورترین چهره‌ی عرب محسوب میشد و میشود - اعلام میکرد که ما نصف سرزمین فلسطین را آتش میزنیم. ما هیچ کدام از این دو حرف را قبول نداریم. با اصول اسلامی ما، نه به دریا ریختن یهودیها، نه آتش زدن سرزمین فلسطین، معقول و منطقی نیست. حرف ما این است که ملت فلسطین باید به حق خود برسد. این کشور، متعلق به مردم فلسطین است؛ فلسطین متعلق به فلسطینی هاست و سرنوشت فلسطین را هم باید فلسطینیها معین کنند.

این يك میدان آزمایش برای صدق ادعای مدعیان دموکراسی و حقوق بشر است. آن کسانی که ادعا میکنند که طرفدار مردم سالاری ملتها و کشورها هستند، فلسطین برای آنها میدان آزمایش است. ملت فلسطین؛ مردمانی که فلسطین متعلق به آنهاست - از مسلمان، یا مسیحی، یا یهودی - و سرزمین تاریخی آنهاست و تاریخ و جغرافیا به این گواهی میدهد، بایستی رأی و نظر بدهند؛ آنها در يك نظرخواهی مقابل چشم مردم جهان، در يك فراندوم، تکلیف دولت فلسطین را معین کنند؛ و آن دولت، دولت مشروعی خواهد بود. در آن دولت، جنایتکارانی که در فلسطین جنایت کردند، باید مجازات شوند؛ امثال این شارون و بقیه‌ی جنایتکارهای فلسطینی. درباره‌ی آن کسانی هم که به این سرزمین از نقاط مختلف دنیا مهاجرت کردند، آن دولت تصمیم گیری خواهد کرد که چه باید بکند. این، حرفی است منطقی. امروز میلیونها فلسطینی در کشورهای دیگر آواره اند و میلیونها فلسطینی هم در اردوگاه‌ها با بدترین شکل زندگی میکنند؛ ولی سرزمین آنها دست مردمان دیگری است. این، معقول نیست؛ این، منطقی نیست. اینکه پنجاه یا پنجاه و پنج سال از قضیه گذشته است، این، جنایت را از بین نمیبرد؛ جرم را سبک نمیکند.

ما در تاریخ معاصر خودمان، کشورهایی را داریم که پنجاه یا شصت سال در اختیار دولتهایی برآمده‌ی از غیر ملتهایشان بودند، بعد اوضاع دنیا عوض شد و مردمانی که غاصب بودند، کنار رفتند. با تجزیه‌ی شوروی، شما دیدید چقدر از کشورها به صاحبان و به ملتهای خودشان برگشتند. این چیزها در دنیا ممکن است و بی سابقه نیست؛

در زمان خود ما و در جلوی چشم ما اتفاق افتاده است؛ این چیزی است عملی و باید پیش بیاید و دیر یا زود پیش خواهد آمد.

امت اسلامی امروز در دنیا يك حقیقت غیر قابل انکار است. ملت‌های مسلمان دل‌هایشان پُر است از نفرت از آن قدرتهای بین‌المللی زورگو و غاصب و اگر فرصتی پیدا کنند، همه ی این ملت‌ها پشت سر ملت فلسطین ایستاده‌اند. (1)

1385/1/25

نقش نام فلسطین بر روی پرچم انقلاب اسلامی

ایمان دینی - که ملت به آن سخت پای بند است - به همّت مجاهدان صبور و مقاوم، بتدریج نقطه‌های روشنی در افق بسته و غم‌آلود پدید می‌آورد و امیدهایی می‌آفریند؛ و در این هنگام، ناگهان خورشید «انقلاب اسلامی» از مشرق طلوع میکند؛ بر روی پرچم بلند این انقلاب الهی، همراه با نام خدا و شریعت اسلامی، نام فلسطین نقش بسته است. (2)

1385/10/25

جدی‌ترین دفاع از فلسطین از سوی انقلاب اسلامی

جدی‌ترین دفاع را از فلسطین، انقلاب اسلامی کرد. هیچ کس، هیچ کشوری، هیچ دولتی و هیچ مردمی، از فلسطین و مبارزات فلسطینیها و انتفاضه‌ی فلسطین، مثل ملت ایران و دولت ایران و نظام اسلامی دفاع نکردند. کمک معنوی، کمک مادی؛ ما هر چه توانستیم، کرده‌ایم. آن وقتی که شورویها آمدند و وارد افغانستان شدند، همه ی این دولتهای مسلمانی که در این منطقه بودند، با ملاحظات گوناگون سکوت کردند. امام «رضوان‌الله‌علیه» صریح پیغام داد به شورویها که: باید شما از افغانستان خارج شوید. من خودم در يك مجمع بین‌المللی بزرگ حضور داشتم - که آنجا غیر متعهد‌ها و تعداد زیادی از کشورهای اسلامی هم بودند - شاهد بودم که هیچ کدام از آنها اسمی از ورود شوروی به افغانستان نیاوردند و فقط من آنجا در نطقم شدیداً حمله کردم؛ چون در آنجا يك عده بی‌چپها و دولتهای سوسیالیست و

(1). در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر.

(2). در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین.

ص: 440

طرفدار شوروی بودند، به ملاحظه ی آنها هیچ کدام از کشورهای اسلامی، کلمه یی حرف نزدند؛ فقط ما گفتیم. ما آنجا هم به امریکا حمله کردیم، هم به شوروی حمله کردیم؛ بدون تفاوت؛ آنها از این ناراحتند.

چون این انقلاب، انقلاب اسلامی است؛ نگاه نمیکنند که ملت فلسطین شیعه اند یا سنی؛ از آنها دفاع میکنند. از حرکت عظیم لبنانیها دفاع میکنند، از هر جمع مسلمانی در هر نقطه ی از عالم که برای اسلام حرکت کنند و کار کنند، دفاع میکنند؛ آنها از این ناراحتند. چون انقلاب، اسلامی است، ناراحتند. و الا اگر ما مرزها را می بستیم و میگفتیم ما به کشورهای سنی کاری نداریم، به گروه های سنی کاری نداریم، با ما هیچ کاری نداشتند؛ نه امریکا، نه اسرائیل، نه انگلیس. آنها علیه جمهوری اسلامی اند، چون جمهوری اسلامی برای اسلام است، برای امت اسلامی است. از وقتی جمهوری اسلامی تشکیل شد، این مسئله ی ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی از سوی استکبار روزه روز تشدید شد و فعالیت آنها هم تشدید شد. (1)

1387/3/14

دفاع امام (رحمه الله) از حقوق ملت فلسطین، بدون ملاحظه ی زورگویان عالم

امام هیچ وقت به خاطر ملاحظه ی زورگویان عالم، از دفاع از مظلومین عالم دست نکشید. امام در طول زمان از مسئله ی فلسطین به عنوان يك مسئله ی اصلی یاد کرد. امام صریحاً در وصیتنامه و بیانات خود به ندای یاللمسلمین ملت های مظلوم اهمیت میدهد؛ دفاع صریح از حقوق مظلومین، دفاع صریح از حقوق ملت فلسطین و هر ملت مظلوم دیگر. این روش امام است؛ این خط امام است؛ این شیوه ی امام و این توصیه و وصیت امام است. خوشبختانه این روش را ملت ایران و مسئولین کشور دنبال کردند و سی سال است که در هر میدانی که شما ملت ایران با استکبار امریکا مواجه شدید، شما پیروز شدید و دشمن شما مغلوب و دچار باخت شد. (2)

(1). در دیدار هم اندیشی علمای شیعه و اهل تسنن.

(2). در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 441

يك نفر پیدا میشود درباره ی مردمی که در اسرائیل زندگی میکنند، اظهار نظری میکند. البته این اظهار نظر، اظهار نظر غلطی است. اینی که گفته شود ما با مردم اسرائیل هم مثل مردم دیگر دنیا دوستیم! این حرف درستی نیست؛ حرف غیرمنطقی بی است. مگر مردم اسرائیل کی هایند؟ همان کسانی هستند که غصب خانه، غصب سرزمین، غصب مزرعه، غصب تجارت به وسیله ی همینها دارد انجام میگیرد. سیاهی لشکر عناصر صهیونیسم، همینهایند. نمیشود ملت مسلمان نسبت به افرادی که این جور عامل دست دشمنان اساسی دنیای اسلام هستند، بی تفاوت باشد. نه، ما با یهودیها هیچ مشکلی نداریم، با مسیحیها هیچ مشکلی نداریم، با اصحاب ادیان در دنیا هیچ مشکلی نداریم؛ اما با غاصبان سرزمین فلسطین چرا؛ مشکل داریم. غاصب هم فقط رژیم صهیونیستی نیست.

موضع نظام، انقلاب و مردم درباره ی مردم اسرائیل

این موضع نظام است، این موضع انقلاب است، موضع مردم است. حالا کسی حرف اشتباهی میزند، عکس العمل هایی هم در مقابل آن نشان داده می شود. خوب، مسئله را باید تمام کرد. اینکه يك روز يك نفر از این طرف بگوید، یکی از آن طرف بگوید، یکی این جور استدلال کند، یکی از آن طرف حرف بزند، درست نیست. این التهاب آفرینی است. حرفی بود، گفته شد و اشتباه بود و تمام. موضع دولت جمهوری اسلامی هم این نیست.

این با کشورهای دیگر فرق میکند که مردمش روی سرزمین غصبی بی نشستند. شهرکهای یهودی نشین، امروز به وسیله ی همین مردمی که گفته میشود مردم اسرائیل هستند و به وسیله ی همینها پر شده؛ همینهایند که دولت جعلی صهیونیست، اینها را مسلح کرده است علیه مردم مسلمان فلسطینی، که فلسطینیها جرأت نکنند نزدیک این شهرکها بشوند.

خُب؛ این حرف خطایی بود، حرف درستی نبود. این را نباید وسیله ی التهاب قرار داد. من خواهش میکنم از همه، این جور مسائل کوچک و مسائل جزئی را - حرفی که بر زبان کسی جاری میشود؛ مطلبی گفته

میشود - وسیله‌ی قرار ندهند برای اینکه مدّتی جریان سازی و مسئله آفرینی در سرتاسر کشور بشود؛ يك عده مخالف، يك عده موافق، سر قضیه‌ی بی پوچ. موضع نظام هم معلوم است. تمام شد. (1)

1387/12/14

راهکار پیشنهادی جمهوری اسلامی درباره‌ی مسئله‌ی فلسطین؛ کاملاً منطبق بر مردم سالاری

حضّار محترم! شما که در این گردهمایی حضور یافته اید، در مسئله‌ی فلسطین صاحب نظر و اندیشه ورید. وظیفه‌ی تاریخی امروز ما، تکرار سخنان و تئوریهای ناتوان گذشته نیست، بلکه ارائه‌ی راهکاری است که فلسطین را از زیر ستم رژیم صهیونیستی آزاد کند. پیشنهاد ما يك راهکار کاملاً منطبق بر مردم سالاری است که میتواند منطق مشترك همه‌ی افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه‌ی صاحبان حق در سرزمین فلسطین - اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی - در يك همه پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه‌ی فلسطینیهایی که سالها مشقّت آوارگی را تحمّل کرده اند نیز در این همه پرسی شرکت کنند.

دنیای غرب باید بداند که پذیرفتن این راه حل، نشانه‌ی پای بند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم میزنند و این آزمون، افشاگر دیگری بر علیه آنان خواهد شد. (2)

1388/12/8

عقیدتی بودن مسئله‌ی فلسطین برای جمهوری اسلامی

ما در جمهوری اسلامی، مسئله‌ی فلسطین برایمان يك مسئله‌ی تاکتیکی نیست، يك استراتژی سیاسی هم نیست؛ مسئله‌ی عقیده است، مسئله‌ی دل است، مسئله‌ی ایمان است. لذاست که بین ما و بین مردمان در این زمینه هیچ گونه فاصله‌ی وجود ندارد؛ همان قدر که ما برای مسئله‌ی فلسطین اهتمام قائلیم، مردم ما هم - آنهایی که میدانند مسئله‌ی فلسطین چیست که اکثریت عظیم ملّت ما، بلکه قاطبه‌ی ملّت ما هستند - همان انگیزه را دارند. و شما مشاهده میکنید در روز قدس و در جمعه‌ی آخر ماه رمضان هر سال، که امام آن را به

(1). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

(2). در چهارمین کنفرانس حمایت از ملّت فلسطین.

ص: 443

عنوان روز قدس معین کردند، مردم می آیند در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، حتی در روستاها، مثل راهپیمایی 22 بهمن - 22 بهمن یادآور و سالگرد پیروزی انقلاب ماست که يك مسئله ی مربوط به خود ملت و داخل کشور است - همان احساسات را به خرج میدهند؛ همان حضوری را نشان میدهند که در روز 22 بهمن نشان میدهند. در روز قدس هم مردم در همه ی شهرهای کشور، در همه ی شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها، می آیند در خیابانها - هوا گرم باشد، هوا سرد باشد - و حضور خودشان و انگیزه ی خودشان را نشان میدهند.

بدانید اگر ما - ما که مسئولین کشور هستیم - جلوی مردم را نمیگرفتیم، بسیاری از جوانهای ما راه می افتادند برای اینکه با جسم خودشان و با تن خودشان هم در عرصه ی فلسطین حضور داشته باشند. در قضیه ی غزه، جوانهای ما به فرودگاه رفتند، هر کار هم میکردند، نمی آمدند؛ با پیغام من برگشتند. اگر من پیغام نمیدادم، از فرودگاه برنمیگشتند. میگفتند ما را ببرید که ما برویم غزه؛ خیال میکردند که میتوانند خودشان را به غزه برسانند. این، انگیزه ی جوانهای ماست. مسئله ی غزه و مسئله ی فلسطین، مسئله ی ماست؛ مسئله ی اسلامی ماست؛ مسئله ی همه ی مسلمین است و وظیفه ی ماست. آنچه که انجام هم میدهیم، وظیفه ی ماست؛ بر کسی هم منت نداریم؛ وظایفمان را انجام دادیم. از خدای متعال هم میخواهیم که کمک کند، بتوانیم وظایف را انجام بدهیم. (1)

1388/12/13

مسئله ی فلسطین؛ از اهداف اصلی جمهوری اسلامی

ما باید بیدار باشیم؛ حرف جمهوری اسلامی این است. جمهوری اسلامی از اول تشکیل، جزو سطور اولی اهداف خودش، یکی این را قرار داد: اتحاد مسلمانان و نزدیک کردن دلهای آنها به یکدیگر، و یکی هم مسئله ی فلسطین را.

(1). در دیدار رهبران گروه های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه ی همایش غزه.

ص: 444

در بیانات امام راحل «رضوان الله تعالی علیه» این دو نقطه، دو نقطه ی بسیار روشن و واضحی است: یکی مسئله ی اتحاد مسلمین در همه ی موضوعات و کم کردن اختلافات و کم رنگ کردن اختلافات، و مانع شدن از اینکه اختلافات فکری و فقهی و کلامی و امثال اینها، دو طرف را به عداوت بکشد و با هم دشمنی کنند؛ یکی هم مسئله ی فلسطین.

جمهوری اسلامی پای این حرف ایستاده است. ما هزینه هایش را هم داریم می‌دهیم. ملت ما به عنوان يك واجب، به عنوان يك وظیفه ی شرعی به این قضیه نگاه میکنند و میدانند که اگر این سرطان مهلك و خطرناك از پیکر جامعه ی اسلامی بیرون آورده شود، بسیاری از مشکلات جوامع اسلامی حل خواهد شد و بسیاری از همکاریها به وجود می آید. (1)

1390/3/14

موضع جمهوری اسلامی درباره ی فلسطین

موضع ما در مقابل فلسطین هم موضع روشنی است. ما معتقدیم سرزمین فلسطین، کشور فلسطین، یکجا متعلق به فلسطینیهاست. آن کسانی که سعی کردند نقشه ی فلسطین را از روی صفحه ی جغرافیا پاک کنند، اشتباه کردند؛ چنین اتفاقی نخواهد افتاد. فلسطین باقی است. چند دهه یی غاصبان آن را غصب کردند، اما بدون تردید دوباره به مردم فلسطین و به آغوش اسلام برخواهد گشت؛ و این اتفاق خواهد افتاد. مردم فلسطین هم بیدارند. فلسطین تجزیه پذیر هم نیست؛ فلسطین یکپارچه متعلق به فلسطینیان است. جمهوری اسلامی از چند سال پیش راه حل را اعلام کرده است. راه حل مسئله ی فلسطین، این راه حل های امریکایی و امثال آنها نیست؛ اینها راه به جایی نخواهد برد. راه حل این است که يك فراندوم و همه پرسى یی از مردم فلسطین انجام بگیرد؛ هر رژیمى را که آنها بر طبق فراندوم رأى دادند، آن رژیم باید بر کل فلسطین حاکم شود. بعد آنها خودشان تصمیم خواهند گرفت که با این صهیونیستهایى که از خارج وارد

(1). در دیدار به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام صادق (علیه السلام).

ص: 445

کشور فلسطین شدند، چه معامله بی بکنند؛ این بسته به نظر آن رژیم است که برخاسته ی از آرای مردم فلسطین است. (1)

1390/4/9

ضدیت با صهیونیسم؛ یکی از ملاکهای مقبولیت قیامهای منطقه در نظر انقلاب اسلامی ایران

ما ملت ایران هم خوشحال و خوشوقتیم از اینکه می بینیم ملت‌های مسلمان دارند حرکت میکنند و آزادی و کرامت خودشان را به دست می آورند. از آغاز پیدایش و پیروزی این انقلاب در ایران، مواضع انقلاب نسبت به مسائل منطقه، حرکت‌های منطقه، قیام‌های منطقه، روشن بوده است. هر جایی که حرکت بر ضد استکبار است، بر ضد صهیونیسم است، بر ضد دولت غاصب صهیونیستی در کشور عزیز فلسطین است؛ این حرکت، حرکت مقبول و مورد حمایت و تأیید ماست. هر جا حرکت علیه امریکاست، علیه این دیکتاتوری بین المللی است - که امروز امریکا یک دیکتاتوری بین المللی به وجود آورده است - هر جا حرکت علیه دیکتاتوریه‌های داخلی است، برای احقاق حق ملت‌هاست، ما با آنها موافقیم. (2)

1390/7/9

طرح جمهوری اسلامی؛ منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته شده ی افکار عمومی جهانی

طرح جمهوری اسلامی برای حلّ قضیه ی فلسطین و التیام این زخم کهنه، طرحی روشن، منطقی و منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته شده ی افکار عمومی جهانی است، که قبلاً به تفصیل ارائه شده است. ما نه جنگ کلاسیک ارتش‌های کشورهای اسلامی را پیشنهاد میکنیم، و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را، و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین المللی را؛ ما همه پرسشی از ملت فلسطین را پیشنهاد میکنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه ی مردم اصلی فلسطین، از مسلمان و مسیحی و یهودی - نه مهاجران بیگانه - در هر جا هستند؛ در داخل فلسطین، در اردوگاه‌ها و

(1). در بیست و دومین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (رحمه الله).

(2). در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث.

ص: 446

در هر نقطه‌ی دیگر، در يك همه‌پرسی عمومی و منضبط شرکت کنند و نظام آینده‌ی فلسطین را تعیین کنند. آن نظام و دولت برآمده‌ی از آن، پس از استقرار، تکلیف مهاجران غیر فلسطینی را که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده‌اند، معین خواهد کرد.

این يك طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی جهانی آن را بدرستی درك میکند و میتواند از حمایت ملت‌ها و دولت‌های مستقل برخوردار شود. البته انتظار نداریم که صهیونیست‌های غاصب به آسانی به آن تن در دهند، و اینجاست که نقش دولت‌ها و ملت‌ها و سازمان‌های مقاومت شکل می‌گیرد و معنی می‌یابد. (1)

1390/11/14

صراحت جمهوری اسلامی در ضدیت با اسرائیل

حکام بحرین ادعا کردند که ایران در قضایای بحرین دخالت میکند. این دروغ است. نه، ما دخالت نمی‌کنیم. ما آنجایی که دخالت کنیم، صریح می‌گوییم. ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا، هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است. اما اینکه حالا -حاکم جزیره‌ی بحرین بیاید بگوید ایران در قضایای بحرین دخالت میکند، نه، این حرف درستی نیست؛ حرف خلاف واقعی است. ما اگر در بحرین دخالت می‌کردیم، اوضاع در بحرین جور دیگری میشد! (2)

(1). در کنفرانس حمایت از انتفاضه‌ی فلسطین.

(2). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

ص: 447

1369/4/20

انقلاب اسلامی؛ مایه ی امید مسلمانان مظلوم فلسطینی

امروز، آن ملت و مرکزی که مسلمانان با توجه به آن، در میان این همه گرفتاری، دلشان امید پیدا می کند، مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی است. این مسلمانان مظلوم فلسطینی و لبنانی که به طور روزمره مورد تهاجم جنایت آمیز اسرائیل قرار دارند و همین روزها هم آمدند بمباران کردند و این جنایتها ادامه دارد، امیدشان به هیچ کدام از این قدرتها و مدعیانی که ادعا میکنند، نیست. اگر امیدی داشته باشند - که دارند - به انقلاب اسلامی و به حرکت پربرکت ملت مسلمان ماست. شما، مایه ی امید مسلمانان هستید. (1)

1378/10/10

گرفتاری بی که امروز صهیونیستها دارند، این است که به صلح احتیاج مبرم دارند. چرا؟ چون بعد از سال 1947 تا سال 1967 مبارزه بی نبود و آن بیست سال در حال خوبی نگذشت؛ بعد هم که مبارزات مسلحانه شروع شد، این مبارزات مسلحانه از بیرون سرزمین فلسطین بود؛ همین سازمان آزادیبخش و بقیه ی گروه ها، مرکزشان در اردن یا در سوریه یا در جاهای دیگر بود. گروه هایی را میفرستادند و حمله بی میکردند و ضربه بی میزدند و عقب میکشیدند. در داخل سرزمین

(1). در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید غدیر.

ص: 448

تبدیل نهضت غیر دینی فلسطین به نهضت اسلامی؛ بعد از انقلاب اسلامی

فلسطین، سازمان مبارزی شکل نگرفته بود. در داخل سرزمین، مردم مرعوب بودند و نمیتوانستند هیچ حرکتی بکنند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، دو اتفاق مهم افتاد. یکی اینکه نهضت فلسطین - که یک نهضت غیر دینی بود - به یک نهضت اسلامی تبدیل شد و مقاومت اسلامی به وجود آمد و رنگ اسلامی گرفت. همان مبارزانی هم که از بیرون مبارزه میکردند - مثل کسانی که از لبنان یا مناطق دیگر به اسرائیل حمله میکردند و به آنها ضربه میزدند - با انگیزه ی اسلامی، که یک انگیزه ی بسیار قوی است، وارد میدان شدند. (1)

1379/7/18

ایران؛ الگوی فلسطین

ایران عزیز ما و نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت بزرگی که در این منطقه ی پُرافتخار زندگی میکنند، میتوانند برای دنیا الگو باشند؛ همچنان که از بعد از انقلاب تا امروز در میدانهای مختلف الگو بوده اند. این را بدون هیچ تردیدی بدانید که ملت فلسطین، همین امروز که با شجاعت کامل در حال مبارزه است، ملت ایران را و درس ایران را، درس فراموش نشدنی خود و الگوی فراموش نشدنی خود به حساب می آورد و این را، هم دوستان شما در سراسر عالم که بسیارند، و هم دشمنان شما که مراکز قدرت استکباری اند، بخوبی میدانند. (2)

1379/8/25

مقاومت ملت ایران؛ عامل بیداری ملت فلسطین

امروز ببینید قدرت سیاسی و نظامی و پولی و تبلیغاتی امریکا - که یکپارچه در خدمت صهیونیستهاست - و زرادخانه ی صهیونیستی و خوی سببیت و درندگی صهیونیستها و آنچه در نیروهای مسلحشان تقویت کرده اند، همه ی این تشکیلات عظیم در مقابل یک ملت با دست خالی و یک ملت تنها و یک مشت جوان در خیابانها، پای در گل مانده اند و نمیتوانند علاج کنند. چرا؟ چون ملت فلسطین بیدار شده است. آنچه ملت فلسطین را بیدار کرد، آنچه ملت لبنان را بیدار کرد، آنچه به جوانان لبنانی این انگیزه و این امید را بخشید که اسرائیل

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران در روز جهانی قدس.

(2). در مراسم فارغ التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی.

ص: 449

و نیروهای مسلح صهیونیست را به عقب نشینی وادار کنند، مقاومت ملت ایران و نیروهای مسلح ما بود.

*

بیداری امروز فلسطینها؛ معنای صدور انقلاب

وقتی يك نسل بیدار شد، اگر بیاید و در میدان پیش برود، برنده است؛ اگر سرکوبش هم بکنند و در خانه هم بنشینند، باز برنده است. این فرق دارد با آن نسلی که ملتفت نیست و یا اهمّیت نمیدهد که چه بر سرش آورده اند؛ مثل نسل دوره ی تصرّف فلسطین. آن روز فلسطینها نمی فهمیدند که چه میگذرد؛ اما امروز يك نسل بیدار شده است و این بیداری با پیام اسلام و پیام انقلاب است. این، صدور انقلاب است؛ این، عظمت انقلاب است. (1)

1381/1/9

ثبت فضیلتها؛ با پایداری ملت ایران

پایداری شما - چه در دوران دفاع مقدّس و چه در بقیه ی آزمایشهای بزرگ این کشور - این فضیلتها را در زمانه ی ما ثابت کرد. زمانه ی ما زمانه ی ارتباطات نزدیک است؛ اما این ارتباطات نزدیک همیشه به سود شیطان و شیطنتها نیست؛ به سود معنویتها و اصالتها هم هست. مردم دنیا خیلی چیزها را از شما یاد گرفته اند. همین مادری که در فلسطین، جوان خودش را میبوسد و به طرف میدان جنگ میفرستد، يك نمونه است. فلسطین، سالهای متمادی، زن و مرد و پیر و جوان داشت؛ اما بر اثر ضعفها و به دلیل آنکه در میدان صف آرای معنوی، جنود عقل نمیتوانست بر جنود جهل پیروز شود، فلسطین دچار ذلّت شد و این وضعیّت برایش پیش آمد و دشمنان بر آن مسلّط شدند.

معنویّت؛ عامل پیروزی ملت فلسطین

اما امروز وضعیّت فلسطین، به گونه ی دیگری است؛ امروز فلسطین به پاخاسته است؛ امروز ملت فلسطین - زن و مرد - در صف آرای معنوی در درون خود توانسته است جانب معنویّت را غلبه دهد و پیروز کند؛ و این ملت پیروز خواهد شد. (2)

(1). در دیدار گروه کثیری از علما و روحانیون اراک.

(2). در جمع ده ها هزار نفر از راهیان نور و قشرهای مختلف مردم در پادگان دوکوهه.

ص: 450

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی فلسطین

بیداری در دنیای اسلام، به برکت بیداری مسلمانان در کشور ما به وجود آمد. امروز همین مسئله ی بسیار مهم بیداری ملت فلسطین که در حقیقت امریکا و اسرائیل را در بن بست کامل قرار داده است، بر اثر بیداری ملت ایران به وجود آمده است، و الا قبل از آن، کسی تصوّر نمیکرد که به وسیله ی ملت فلسطین بشود کاری کرد که اسرائیل و صهیونیستهای غاصب و امریکا به چالش کشیده شوند. تا این دوره، چنین چیزی اتفاق نیفتاده است که امروز در فلسطین اشغالی میگذرد. بیداری ملت های مسلمان در کشورهای دیگر هم همین طور است.

(1)

1382/7/22

مجاهدت ملت ایران؛ سرمشق مبارزان فلسطینی

خانواده های عزیز شهیدان! بدانید خون عزیزان شما هدر نرفت. جانبازان عزیز! بدانید سلامت شما هدر نرفت. شما زیان نکردید؛ شما اسلام را در دنیا زنده کردید؛ شما ملت های مسلمان را بیدار کردید؛ شما دنیای اسلام را تکان دادید. ملت فلسطین که نیم قرن غبار ذلت بر او پاشیده بودند، ناگهان قیام کرد و صهیونیستهای غدار و حامیان امریکایی شان را مبتلای به عجز نمود. آن ملت بر اثر تلاش شما بیدار شد؛ بر اثر خون شهیدان و مجاهدت عزیزان ما این گونه به خود آمد. این را بارها اظهار کرده اند و گفته اند که مجاهدت ملت ایران و جوانان ایران، سرمشق و الگوی ما بود. این سرمشق، نه فقط در فلسطین، بلکه در بسیاری از کشورها کار خود را کرده، جای خود را گشوده و دلها را متوجه این حقایق و ارزشها کرده است. این خونها بر خاک ریخت، اما با این خونهای پاک، بوستان سرسبزی در دنیای اسلام به وجود آمد؛ همچنان که خون حسین بن علی (علیه السلام) و یاران فداکارش را ریختند، اما اسلام زنده شد. (2)

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در دیدار خانواده های معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان زنجان.

ص: 451

نقش انقلاب اسلامی ایران در تحرک و پویایی منطقه و فلسطین

این انقلاب، در دنیای اسلام و دنیای عرب امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به طور کلی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به سر میبرد؛ صهیونیستها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملّتی گمان نمیکرد در امیدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه ی عظیم فرج گشوده شد و ملّتها امید پیدا کردند. صهیونیستها خیال میکردند فلسطین را خورده اند و تمام شده است. شما ببینید امروز ملّت فلسطین با همه ی وجود و با همه ی توان وسط میدان آمده است و با اینکه فشار زیادی هم روی او وارد میکنند، باز ایستاده است. این فقط شکست اسرائیل نیست؛ این شکست امریکاست؛ این شکست همه ی قدرتهای صهیونیستی است که بر دنیا مسلطند. یک ملّت بی سلاح محصور در اراضی فلسطین، همه ی اینها را عاجز و بیچاره کرده است.

این روح امیدواری بود که ملّت لبنان را بیدار کرد. همان ایام انقلاب ما، لبنان غوغایی بود؛ صهیونیستها هر کاری میخواستند، با لبنان میکردند: حمله میکردند، میکشند، تجاوز میکردند و هواپیماهایشان در آسمان لبنان می آمدند و میرفتند؛ مثل اینکه آسمان کشور خودشان است! در عوض، گروه های لبنانی به جان هم افتاده بودند. نزدیک پیروزی انقلاب، یک نوار دوساعته از مرحوم دکتر «چمران» آورده بودند؛ بنده در مشهد آن را گوش میکردم. خودش در لبنان بود و جزئیات مصیبتهای مردم لبنان را در آنجا شرح میداد. الآن کار مردم لبنان به جایی رسیده است که به اسرائیل ضربه یی میزنند که از اول حضور صهیونیستها در این منطقه، هیچ دولت عربی چنین ضربه یی به آنها نزده است. دو سال قبل، آنها را وادار به عقب نشینی کردند؛ چند هفته ی پیش هم علی رغم صهیونیستها چند صد زندانی خود را آزاد کردند و قدرتمندانه جشن گرفتند. اگر در دل ملّتی امید نباشد، این چیزها پیش نمی آید؛ این امید را شما دادید. امروز این امیدآفرینی در همه ی دنیای اسلام و عرب به چشم میخورد، که مجال نیست

تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری ملت فلسطین

یک روزی بود که اگر دستگاه‌های استکباری دنیا - اعم از امریکا یا انگلیس یا شوروی سابق، یا در دورانهای قبل، فرانسه و هلند و پرتغال و بقیه‌ی کشورها - میخواستند وارد کشورهای اسلامی شوند، چیزی به نام هویت اسلامی و امت و شخصیت اسلامی جلوی آنها را نمیگرفت. امروز اسلام به برکت نظام جمهوری اسلامی، مسلمانها را از متجاوزان طلبکار کرده و امید در دل آنها به وجود آورده است. یک روز بود که اگر میگفتند مسلمانها بیدار شوید، اقدام و حرکت کنید، تا بتوانید خودتان را از این زنجیرها رها کنید، خیلی‌ها بودند که قبول داشتند این کار خوبی است، ولی میگفتند شدنی نیست و نمیشود؛ اما امروز با تحقق این واقعیت در جمهوری اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این «نمی‌شود»‌ها و ناامیدیه‌ها تبدیل شده است به امید؛ لذا شما می‌بینید که در محاصره‌ی سخت و ظالمانه و خشن صهیونیستها، یک مشت ملت غیرمسلم از همه جا بریده‌ی فلسطین، چند سال است که دارند مقاومت میکنند؛ این امید است که آنها را نگه داشته.

این ملت، اینهایی که امروز در فلسطین مقاومت میکنند، از جای دیگری نیامده‌اند؛ اینها همان کسانی‌اند که پنجاه سال زورگویی و تکبر و تسلط صهیونیستها را تحمل کرده بودند و کاری هم نمیکردند. نهایت کارشان این بود که تعدادی از جوانهایشان بروند در کشوری دیگر و بعد از مدتی برگردند و ضربه‌ی بزنند و باز دوباره بروند. این جنبشهایی که - سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگران - شنیده‌اید، هنرشان همین بود. اینکه در درون حصار صهیونیستها، یک ملت بتواند این طور بایستد؛ خانه و مسجدش را خراب میکنند، شخصیت‌هایش را میکشند، بچه‌هایشان را شکنجه میکنند، هزاران نفر از

(1). در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

آنها را در زندان نگه میدارند، خانه هایشان را غارت میکنند، آنها را در محاصره نگه میدارند، مزارعشان را نابود میکنند، درختهایشان را قطع میکنند؛ جنایتهایی که يك دهم آن هم به بیرون منعکس نمیشود، و باز این ملت مقاومت کند، چیزی نیست جز اینکه «امید» است که آنها را نگه داشته است.

انقلاب اسلامی؛ سرچشمه ی بیداری اسلامی

خود مبارزان فلسطین در طول این سالهای متمادی که به کشور جمهوری اسلامی می آمدند، به ماها میگفتند این حرکت امام و حرکت ملت ایران به ماها امید بخشید؛ واقع قضیه هم همین است. عین همین قضیه در عراق هست، عین همین قضیه در هر جایی که شما حرکت اسلامی را در آنجا مشاهده میکنید، هست. این موضوع تقریباً کمابیش در سرتاسر دنیای اسلام وجود دارد؛ اما قلّه اینجاست؛ چشمه سار امید و معرفت و انگیزه از اینجاست که سرازیر میشود و به سمت امت اسلامی میرود. پس شما امروز در چنین تجربه یی قرار دارید. طبیعی است که بیشترین فشارهای جبهه ی استکبار روی اینجا باشد و هست. (1)

1384/1/28

علت تبلیغات منفی صهیونیستها علیه ایران؛ خروج مسلمانان از حالت انفعال پس از انقلاب اسلامی

در چنین فضایی، ملّتی دست به مبارزه زد و انقلاب عظیمی راه انداخت و يك رژیم طاغوتی وابسته ی فاسد را از بیخ و بن برانداخت. وقتی سراغ این انقلاب رفتند، دیدند هم با اردوگاه مارکسیسم مخالف است، هم با اردوگاه لیبرالیسم؛ یعنی «نه شرقی، نه غربی»؛ لذا دنیا مبهوت شد. این، جز این نبود که يك نیروی درونی، يك انگیزه ی سازنده ی ژرف، و يك ایمان عمیق از درون جوشید؛ که اسلام و تفکر اسلامی و انگیزه ی اسلامی و ایمان اسلامی بود. این مردم، خوب از عهده ی کار برآمدند. مسلمانها در همه جای دنیا از حالت انفعال خارج شدند و احساس هویت کردند. اینکه امروز هم شما می بینید صهیونیستها و امریکا و رژیمهای دستخوش لابی صهیونیستی مرتب علیه ایران تبلیغات میکنند، به خاطر این است که

(1). در دیدار با دانشجویان شرکت کننده در طرح ولایت و مسئولان بسیج دانشجویی.

ص: 454

حرکت ایران اسلامی و تداوم این حرکت - که به فضل الهی همچنان ادامه دارد - مسلمانها را در همه ی نقاط جهان زنده و هوشیار کرده و به نشاط آورده و سلطه ی قدرتهای استکباری را تهدید میکند. بنابراین، نسلی که این انقلاب را پدید آورد، خوب عمل کرد. (1)

1384/6/2

حضور جوانان در صحنه های پر خطر فلسطین با الگوگیری از بسیج

بسیج، نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی يك ملت است؛ آن هم آگاهی همراه با تحرّك، همراه با معنویّت و همراه با اخلاص. بسیج، حقیقت است؛ اما شبیه افسانه هاست. بسیج برای جوانان، شورآفرین است؛ برای دوستان، امیدآفرین است؛ برای دشمنان، بیم آفرین است. امروز اگر شما جلوه های زیبای پرشور حضور جوانان را در صحنه های پرخطر فلسطین و لبنان مشاهده میکنید، این الگوگیری از بسیج است. امروز اگر بیداری جوانان دانشجو را در سرتاسر دنیای اسلام می بینید، این الگوگیری از بسیج است. بسیج یعنی حرکت عظیم ملت ایران، همراه با آگاهی؛ احساس آمیخته ی با عقلانیّت؛ حرکت و عمل آمیخته ی با مبنای فکری؛ عمل گرایی همراه با آرمان گرایی و دیدن افقهای دوردست؛ اینها مجموعه یی است که ذهنیّت و هویت بسیج را تشکیل میدهد. (2)

1385/8/20

قیام ملت ایران؛ موجب بیداری و توجه مسلمانان و کشورهای اسلامی

قیام ملت ایران توانست مسلمانان نقاط مختلف دنیای اسلام و کشورهای اسلامی را متوجه خود کند و به آنها تکان سختی بدهد؛ خیلی ها را از خواب بیدار کرد و جوانها را هم متوجه آرمانهای دست یافتنی کرد. لذا حرکت، حرکت اسلامی شد. ما به امور داخلی کشورها کاری نداریم. مسئله ی فلسطین یا مسئله ی لبنان یا مسئله ی عراق، به وسیله ی مسئولان ایرانی و مردم ایران اداره و مدیریت نمیشود؛ اما این حرکت شما مردم و مقاومت شما جوانان و صبر شما خانواده ها بود که توانست ملت فلسطین را بیدار کند؛ توانست به

(1). در بازدید از دانشگاه هوایی شهید ستاری.

(2). در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج.

ص: 455

جوانان مؤمن در لبنان، آن قدرت را عطا کند و آن روح را در آنها بدمد که اینها بتوانند در مقابل يك ارتش مجهز ظالم بی مهار و با پشتیبانی امریکا، آن طور مقاومت کنند و آن طور پیروز شوند.

در صحنه، ملت لبنان و حزب الله بودند؛ اما در دنیا قضاوت همه ی اهل نظر این است که ملت ایران در این قضیه پیروز شد. امروز در دنیای اسلام، هر گروه مسلمانی و هر شعار اسلامی و ارزشی بی که به پیروزی میرسد، قضاوت دنیا و سیاستمداران در سطح بین المللی، این است که ملت ایران در این قضیه پیروز شد؛ در حالی که ملت ایران کاری به کار فلان کشور و فلان مجموعه ی سیاسی یا انقلابی ندارد. این به خاطر این است که پرچم پرافتخار استقلال ملتها در زیر سایه ی «لااله الاالله، محمد رسول الله»، در دستان شماست؛ و شما ملت توانستید این پرچم را با همه ی سختیهایش در دست خود نگه دارید. نگذارید سرنگون بشود. این توانایی را ملت ایران نشان داده است. برای ملت ما این يك افتخار بزرگ است. (1)

1386/2/31

ملت فلسطین و لبنان و سایر ملتها؛ تحت تأثیر ایستادگی و صلابت از پولاد محکم تر امام راحل (رحمه الله)

قدر شهدای جبهه تان را بدانید، قدر آن مقاومت‌های مظلومانه را بدانید، قدر آن ایستادگی و صلابت از پولاد محکم تر امام راحل را بدانید؛ اینهاست که ملت فلسطین را يك طور، ملت لبنان را يك طور، ملتهای امریکای لاتین را يك طور، ملت آفریقای جنوبی را يك طور، ملتهای خاورمیانه را يك طور، ملتهای بسیاری از کشورهای عرب را - که دولتهایشان وابسته ی به امریکا هستند - يك طور، تحت تأثیر قرار داده. مهم این است که جوان ایرانی بدانند ایران در کجای این جبهه است. در دنیا، يك جنگ عظیم و يك چالش بزرگ برپاست؛ جنگ توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده ها و عزمها و سیاستها و تدبیرهاست. ایران در کجای این جنگ است؟ ایران در جبهه بی از این جنگ در مرکز فرماندهی قرار دارد که افراد آن جبهه را ملتها تشکیل میدهند. سرسری عبور نکنیم از اینکه وقتی رئیس جمهور ایران به اندونزی می‌رود، در نماز جمعه برایش شعار میدهند، در دانشگاه برایش شعار

(1). در دیدار با مردم شاهرود.

ص: 456

میدهند، در مجموعه ی اساتید برایش شعار میدهند و اگر اجازه میدادند در کوچه و بازار راه بروند، مردم هم برایش شعار میدادند. اینها چیزهای مهمی است. (1)

1386/3/14

جمهوری اسلامی؛ مایه ی امید جوانان سنّی فلسطین و جوانان شیعه ی لبنان

امروز جوانان سنّی فلسطین مانند جوانان شیعه ی مخلص لبنان، چشم به نظام جمهوری اسلامی دوخته اند. امید را از نگاه به جمهوری اسلامی در دل خود انباشته میکنند. استقامت جمهوری اسلامی، آنها را امیدوار میکند. آنها از عزّت جمهوری اسلامی احساس عزّت میکنند. در هر کشوری از کشورهای اسلامی، هر کدام از مسئولان عالی رتبه ی کشور ما به دانشگاهی رفتند، به میان مردم رفتند، مردم آنها را مانند جان در آغوش گرفتند؛ به آنها عشق می ورزند. هر چه مواضع يك مسئول صریح تر و روشن تر نمایانگر مواضع جمهوری اسلامی باشد، محبّت و ارادت دنیای اسلام به او بیشتر میشود. (2)

1386/6/23

انقلاب اسلامی ایران؛ الهام بخش دنیای اسلام

جنگی که در سال 1359 علیه جمهوری اسلامی شروع شد، اگرچه از طرف صدّام بدبخت و روسیاه بود، اما پشت سر این قضیه، يك پروژه ی بین المللی استکباری بود برای زمین زدن نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی. تحلیلگران غربی تحلیل کردند و فهمیدند و درست هم فهمیدند که این انقلاب فقط این نیست که يك رژیم دست نشانده را در ایران از بین برده است و این کشور عظیم و پربرکت را از سیطره ی استکبار خارج کرده؛ بلکه این حرکت، الهام بخش خواهد شد، دنیای اسلام را تکان خواهد داد، ملّتها را به فکر خواهد انداخت. همین هم شد: فلسطین به فکر افتاد، کشورهای شمال آفریقا به فکر افتادند، در تمام دنیای اسلام حرکت و جنب و جوش هویت یابی اسلامی شروع شد، که تا امروز هم همچنان رو به توسعه و گسترش است. چون فهمیدند که اینجا کانون الهام بخش دنیای اسلام خواهد

(1). در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه های سراسر کشور.

(2). در مراسم هجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله).

ص: 457

شد، گفتند جمهوری اسلامی را باید ما به هر کیفیتی هست، از بین ببریم؛ لذا با اینکه منطقه، منطقه ی خطیری است، منطقه ی نفت است و غریبها خیلی به مسئله ی نفت و خلیج فارس اهمّیت میدهند و امنیّت اینجا برایشان حیاتی است، لیکن در عین حال وارد میدان شدند، صدام را تقویت کردند، بلکه او را تشجیع کردند که این جنگ را شروع کند. (1)

1386/9/5

امروز نظام مقدّس جمهوری اسلامی به برکت همین عناصر سازنده ی خود - که عناصر سازنده ی بسیج هم همانهاست - توانسته است به سمت آرمانها پیش برود؛ میدان را از دست دشمنهای خود بگیرد. امروز ما کجا قرار داریم، بیست سال پیش، بیست و پنج سال پیش کجا بودیم؟ در همه ی میدانها ملّت ایران جلو آمده و دشمنان ملّت ایران در همه ی میدانها و عرصه ها اعتراف میکنند که در مقابل ملّت ایران کم آورده اند؛ و ملّت ایران توانسته است این حرکت بزرگ خود را دنبال بکند. ملّتهای دیگر هم به شما نگاه میکنند. ملّت مظلوم فلسطین، ملّت خون داده و مظلوم عراق به شما نگاه میکنند. نشاط شما، ایستادگی شما، سربلندی شما، عزم و اراده ی شما در روحیه ی آنها اثر میگذارد.

بیداری ملّت بزرگ ایران؛ تأثیرگذار در بیداری ملّت فلسطین

امروز می بینید امریکاییها و همدستانشان باز برای اینکه شاید بتوانند خودشان را به مقاصد شومشان نزدیک بکنند، دست زدند به تشکیل کنفرانس پاییزی، که من در روز عید فطر هم اشاره کردم؛ «پاییزی» است؛ خزان زده است؛ آسمش رویش است. امیدوارند که بتوانند به این وسیله به دولت جعلي غاصب صهیونیست کمکی برسانند؛ جبران شکستهای گذشته را بکنند و برای مسئولان امروز کاخ سیاه آبرویی درست کنند. امروز همه در دنیا و سیاستمداران از پیش، میدانند که این کنفرانس - که چند روز دیگر تشکیل خواهد شد - شکست خورده است. این به خاطر چیست؟ به خاطر بیداری ملّت فلسطین است. و

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 458

بیداری ملت فلسطین گره خورده است به بیداری ملت‌های دیگر، و در رأس آنها، ملت عظیم و بزرگ ایران، شما جوانان مؤمن. حرکت شما، شعار شما، حضور شما، فعالیت شما، در قضایای جهانی به همین نسبت اثر میگذارد. (1)

1386/11/28

ملت ایران؛ الگوی ملت فلسطین و سایر ملت‌های اسلامی

تا قبل از انقلاب اسلامی، ملت فلسطین همیشه درجا زدند، همیشه عقب رفتند. ملت‌های اسلامی، که جوانهایی در بین آنها بودند که يك مقدار احساسات داشتند، گرایشهای چپ پیدا کردند که با فرو ریختن اردوگاه های چپ، همه چیز تمام شد. اما انقلاب آنها را احیا کرد؛ ملت‌ها را بیدار کرد. اگر يك نگاهی به صحنه ی پیرامون خودمان و دنیای اسلام بیندازیم، این معنا کاملاً روشن میشود. تا الان هم ملت ایران الگو بوده است. اما آن روزی که شما جوانها، شما استعدادها درخشانی که تمام سرزمین کشور ما را پوشانده اید، بتوانید این استعدادها را ان شاء الله به منصفه ی ظهور برسانید، این ملت به يك الگوی عملی برای کشورهایی که زیر ستم هستند، تبدیل خواهد شد؛ این خیلی مهم است. کلید سعادت خود این ملت و کلید سعادت ملت‌های دیگر در دست ملت ماست؛ در دست شما جوانهاست. و دشمن این را میداند؛ دشمن این نکته را دریافته؛ لذا سعی میکنند این ملت را از ادامه ی راه خودشان منصرف کنند. (2)

1387/10/19

جمهوری اسلامی؛ اصل و مرکز مقاومت

اینها میخواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی میدانند. البته این را درست فهمیده اند. اینجا مرکز مقاومت است. اینجا جایی است که ما اگر هیچ اقدامی هم نکنیم، هیچ حرفی هم نزنیم، خود وجود جمهوری اسلامی به ملت‌های منطقه الهام میدهد. يك موجودیتی، يك هویتی که علی رغم

(1). در دیدار گردانهای نمونه ی عاشورا والزهرا ی بسیج.

(2). در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز 29 بهمن.

ص: 459

همه ی قدرتهای استکباری و به کوری چشم آنها، این جور در این منطقه قد کشیده و روزه روزه ریشه دارتر میشود؛ روزه روزه قوی تر میشود. خود وجود این پیکره ی عظیم و پرشکوه، خار چشم استکبار است و امیددهنده ی به ملتها. بله، اینجا مرکز مقاومت است؛ در این شکی نیست. دیگران هم از اینجا الهام گرفتند. (1)

1388/2/27

بیداری دنیای اسلام؛ تحت تأثیر نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران

این کارشکنی دشمنان، اینکه می بینید امروز دستهای گوناگون استکباری و صهیونیستی و بدخواهان، علیه نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران در هم گره میخورند، این به خاطر تأثیرگذاری این نظام است که دنیای اسلام را به حرکت درآورده، بیدار کرده، آثار آن بتدریج دیده خواهد شد. برخی اش دیده شد؛ مسائل فلسطین. این قیام مردانه، این ایستادگی پر حماسه از مردم فلسطین، و مسائل گوناگونی که در این منطقه هست، همه شاهد بر این معناست. شما متولیان و حافظان و حارسان این نظام طیب و طاهر هستید. هرچه میتوانید، باید تلاش کنید. (2)

1388/3/14

جان گرفتن ملت فلسطین بعد از ده ها سال ناکامی؛ نتیجه ی انقلاب اسلامی ایران

در بعد اول که برافراشتن پرچم اسلام بود، این موجب شد که مسلمانان در همه جای دنیا احساس هویت کردند؛ احساس شخصیت کردند. بعد از آنی که در طول سالهای متمادی کوشش شده بود که هویت اسلامی خرد شود، له شود، وقتی این انقلاب به وجود آمد، وقتی قامت برافراشته ی امام بزرگوار ما در منظر مردم مسلمان عالم پدیدار شد، همه احساس کردند که يك هویتی، يك شخصیتی، يك اصلتی پیدا کرده اند. همین موجب شد که در شرق و غرب دنیای اسلام، نشانه های بیداری مسلمانان پدیدار بشود:

ملت فلسطین بعد از ده ها سال ناکامی جان گرفت؛ جوانان کشورهای عربی که بعد از شکست در سه جنگ که دولتشان بارزیم

(1). در دیدار جمع زیادی از مردم قم به مناسبت سالگرد قیام نوزدهم دی.

(2). در دیدار مسئولان اداری و اجرایی استان کردستان.

ص: 460

صهیونیستی داشتند و دلمرده و مأیوس بودند، دوباره روحیه گرفتند - اینها دیگر مربوط به دنیای اسلام است؛ مخصوص به مسائل کشور ما نیست - رژیم صهیونیستی که غده ی سرطانی در دل کشورهای اسلامی است و تا آن روز يك چهره ی شکست ناپذیر از خود نشان داده بود و خیلی ها در دنیای اسلام باور کرده بودند که رژیم صهیونیستی شکست ناپذیر است، از دست جوانان مسلمان سیلی خورد؛ انتفاضه های فلسطینی شروع شد، ضربه های پیاپی بر رژیم غاصب وارد شد؛ چه در انتفاضه ی اول، چه در انتفاضه ی اقصی، چه در شکست و عقب نشینی نه سال قبل از لبنان، چه در جنگ سی و سه روزه و چه در سال گذشته در جنگ بیست و دو روزه ی با مردم مظلوم غزه؛ همه ی اینها ضرباتی بود که بر رژیم صهیونیستی وارد شد. این در حالی است که آن روزی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، رژیم صهیونیستی از نظر دولتهای مسلمان و ملت های مسلمان، بخصوص ملت های عرب، يك رژیم شکست ناپذیر به حساب می آمد. این موجب شد که رژیم صهیونیستی عجالتاً شعار از نیل تا فرات را کنار بگذارد و به دست فراموشی بسپرد. (1)

1390/11/14

فی الإعلام الرأسمالی وأبواق الصهیونیه العالمیه «إیران» متهمه بالإرهاب، وما ذلك إلا لأنها رفضت أن تترك الإخوة العرب فی فلسطین ولبنان والعراق لوحدهم وأن تعترف بالمحتلین، والحال أننا أكبر ضحیه للإرهاب فی العالم، وهذا الإرهاب لا یزال مستمرًا بحقنا.

خیانت نکردن به فلسطین؛ جرم بزرگ جمهوری اسلامی

لو أن الثورة الإسلامية والجمهورية الإسلامية قد تركت الإخوة المظلومین فی أفغانستان والبوسنة ولبنان والعراق وفلسطین لشأنهم كما فعلت سائر الحكومات المتظاهرة بالإسلام، ولو كنا مثل أكثر الأنظمة العربیه التي خانت القضية الفلسطینیة، قد آثرنا السکوت وطعنا من الخلف، لما وصمونا بمساندة الإرهاب والتدخل. نحن نفکر بتحرير القدس الشريف وكل الأرض

(1). در مراسم بیستمین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه الله).

ص: 461

(1). ترجمه از سایت www.Khamenei.ir: در رسانه های سرمایه داری و صهیونیسم جهانی، ایران متهم به «تروریسم» میشود؛ تنها بدان علت که حاضر نشد برادران عرب خود را در فلسطین و لبنان و عراق و... تنها بگذارد و اشغالگران را به رسمیت بشناسد؛ حال آنکه ما خود بزرگ ترین قربانی تروریسم در جهان هستیم و این ترورها همچنان ادامه دارد. اگر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، برادران مظلوم افغانی و بوسنیایی و لبنانی و عراقی و فلسطینی خود را همچون سایر حکومتهای بظاهر مسلمان، تنها میگذاشت، و اگر همچون بیشتر رژیمهای عربی که به فلسطین خیانت کردند، ما هم ساکت میماندیم و از پشت خنجر میزدیم، هرگز ما را پشتیبان تروریسم و مداخله گری معرفی نمیکردند. ما به آزادی قدس شریف و تمامی سرزمین فلسطین می اندیشیم؛ این است آن جرم بزرگ ملت ایران و جمهوری اسلامی. (در خطبه های نماز جمعه تهران).

ص: 462

روز قدس؛ روز تجمّع آرمانهای مسلمانان جهان

امروز روز بزرگ و جهانی قدس است؛ روز تجمّع آرمانهای مسلمانان جهان در يك كلمه و در يك جمله است؛ روز اتحاد صفوف همه ی مسلمانان از همه ی ملت‌ها و کشورهاست؛ روز اسلام است؛ روز انسانیت است؛ روز انقلاب است؛ روز امام ماست. پس از انقلاب پیروزمند ملت ایران، ما مردم ایران روزهای یادبود متعددی داشته ایم؛ روز بیست و دوم بهمن، روز پانزدهم خرداد، روز هفدهم شهریور، روز دهم فروردین و روزهای دیگر؛ اما در میان همه ی این روزهای یادبود، روز قدس از دو نظر دارای امتیاز و برجستگی است:

روز قدس؛ مربوط به همه ی ملت‌های مسلمان

اول، از این نظر که اگر آن روزهای دیگر مربوط به ملت ایران است، روز قدس مربوط به ملت ایران و همه ی ملت‌های مسلمان است. در روز قدس، همه ی ملت‌های مسلمان، بلکه همه ی ملت‌های مستضعف عالم احساس همبستگی و همدردی با ملت ایران میکنند. ملت ایران مانند پیشاهنگی در ماجرای روز قدس و مسئله ی فلسطین، برای فداکاری آماده میشود و ملت‌های دیگر هم باید دوش به دوش این ملت انقلابی و با برخورداری از تجربه های ما، گام به گام و بازو به بازو با ما به سوی آزاد کردن سرزمینهای اشغالی فلسطین پیش بیایند.

امتیاز دوم روز قدس این است که آن روزهای دیگر، روز خاطره ی فداکاریها و پیروزیهای گذشته است؛ اما روز قدس، روز تصمیم و همت گماشتن بر فداکاریها و پیروزیهای آینده است. اگر در آن روزهای دیگر، در آن خاطره های دیگر، ملت ما از گذشته یاد میکند،

در روز قدس، ملت ما به یاد آینده، انگیزه و همت و تصمیم در خود ذخیره میکنند؛ به حرکت می افتد و راه را به سوی آینده باز میکند. مسئله ی قدس که امروز ما درباره ی آن باید به يك آگاهی روشن و به يك تصمیم قاطع برسیم، برادران و خواهران! مسئله ی بسیار با عظمت و بااهمیتی است. مسئله ی قدس و روز قدس و ماجرای فلسطین عبارت از آن نقطه یی است که باید مستضعفان عالم با الهام از روح ایمان و توکل به خدای بزرگ، پشت مستکبران بزرگ جهان و در رأس آنها امپریالیسم امریکا و مزدوران صهیونیستش را بشکنند و خرد کنند. ماجرای قدس برای ملت ما و برای همه ی امت بزرگ مسلمان، يك ماجرای تعیین کننده است. (1)

1363/4/1

روز قدس؛ از مهمترین روزها در جهان اسلام

روز قدس، یکی از مهمترین روزها در جهان اسلام است. روز قدس باید ما را به یاد بیت المقدس غصب شده بپردازد؛ باید ما را به یاد وظیفه مان بپردازد. کشورهای اسلامی و دولتهای اسلامی به جای اینکه با مردمشان معارضه کنند، که چرا تظاهرات روز قدس راه می اندازند، بهتر این است که به مردمشان کمک کنند؛ این وظیفه ی همه ی مسلمانهاست؛ چه کشورهای عربی و چه کشورهای غیرعربی.

روز قدس؛ مشت کوبنده یی علیه امریکا و صهیونیسم

ما امسال هم مثل همه ی سالهای دیگر، از همه ی دولتهای اسلامی و مسئولان کشورهای اسلامی جدّاً میخواهیم که روز قدس را گرامی بدارند؛ به مردمشان امکان بدهند، آنها را تشویق کنند و کمک کنند که ان شاءالله بتوانند روز قدس را با عظمت هرچه تمام تر به عنوان مشت کوبنده یی علیه امریکا و صهیونیسم برگزار کنند. (2)

1366/2/18

روز جهانی قدس؛ تریبون ملت‌های مسلمان در برابر سلطه ی رسانه یی صهیونیستها

امام، روز جمعه ی آخر ماه رمضان را به عنوان روز قدس اعلام کردند؛ یعنی روزی که فریاد ملت‌ها باید در آن روز بلند شود و ملت‌های اسلامی باید در روز قدس نشان بدهند که آرمان قدس برای آنها يك آرمان به

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 464

معنای واقعی کلمه است. امروز بیشترین وسایل ارتباط جمعی و رادیوها و تلویزیونها و وسایل خبر و وسایل تحلیل در اختیار صهیونیستهاست. خب، ما مسلمانها که چیزی در اختیارمان نداریم. ملت‌ها که تریبونی برای بیان خواسته‌هایشان ندارند. خب، این يك تریبون. روز قدس، روز جمعه ی آخر ماه رمضان، تمام خیابانها تریبون ملت‌ها بشود. ملت‌ها آنجا حرفشان را بزنند، آنجا فریادشان را بکشند و مشت‌هایشان را گره کنند. از همه ی ملت‌ها اولی تر به این کار، خود ملت فلسطین اند؛ چه در داخل اراضی اشغالی، و چه در بقیه ی کشورهای فلسطینیها در آنجا زندگی میکنند. همه باید روز قدس را گرامی بدارند. (1)

1369/1/24

روز قدس؛ لیلۃ القدر تاریخ اسلام

اکنون، جمعه ی آخر ماه مبارك رمضان، که از سوی امام راحل عظیم ما (رضوان الله علیه) روز قدس نامیده شده، در پیش روی ماست و در این ماه رمضان کاملاً مجاور لیالی قدر، باید همان طور که شب قدر را تا صبح به بیداری میگذرانیم و با دعا و تضرع خود به درگاه الهی، می‌خواهیم که آینده ی مطلوب برای ما رقم زده شود، روز قدس را و همه ی این ایام حساس را که لیلۃ القدر تاریخ اسلام است، به بیداری و هوشیاری بگذرانیم و تا مطلع الفجر نجات ملت‌های مسلمان و مخصوصاً ملت شجاع و مظلوم فلسطین، دست از تلاش نکشیم. (2)

1369/2/7

نقش و تأثیر روز جهانی قدس

آن کسانی که در داخل سرزمینهای اشغالی، مظلومانه مبارزه میکنند و رنج میبرند و کتکش را میخورند - که تنها امید برای آزادی فلسطین و محو دولت غاصب نیز همان مبارزان داخلی هستند - باید احساس کنند و بدانند که در سرتاسر دنیای اسلام، ملت‌ها به یاد آنها هستند و از آنها پشتیبانی میکنند. اگر بخواهیم در آن مبارزان مظلومی که در خانه ی خودشان غریب هستند، این احساس پیدا بشود، باید

(1). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(2). پیام به مناسبت روز جهانی قدس.

ص: 465

همین گونه نظاهرات مردمی در دنیای اسلام به وجود بیاید. این ابتکار روز قدس از سوی امام بزرگ و رهبر عظیم القدر ما (رضوان الله تعالی علیه)، با توجه به همین معنا بود؛ و الا معلوم است مردمی که در خیابانهای تهران راه میروند، از اینجا به وسیله ی اسلحه با اسرائیل نمی جنگند.

امروز برای اسرائیل و حامیانش و بخصوص امریکا، اسلحه ی مشت شما که گره میشود و شعاری که میدهید، از هر سلاح دیگری کوبنده تر است. آنان برای مقابله ی با سلاحهای دیگر، وسیله دارند. دیدیم که کشورهای عربی در طی چند جنگ، این قدرت را پیدا نکردند که با سلاح با اسرائیل بجنگند و او را شکست بدهند. هر دفعه، یا او کاملاً غالب شد، یا بالاخره پیش برد؛ ولو در وهله ی اول جنگ هم غالب نشده باشد.

اراده و خواست ملتها؛ سلاحی بی جواب

کشورهای عربی اطراف اسرائیل، برای آنکه این کشور در بُرد تیر آنها قرار بگیرد، هرچه سلاح داشته باشند، باز قدرتهایی که این غده را در دل دنیای اسلام کاشتند، او را دو یا چند برابر مسلح خواهند کرد؛ بنایشان بر این است. آن چیزی که جواب ندارد و آن سلاحی که امریکا و شوروی و دیگر حامیان اسرائیل نمیتوانند در مقابل آن، سلاح برابر و مشابهی به میدان بیاورند، سلاح اراده و خواست ملتهاست. (1)

1376/9/20

من میخواهم مطلبی را در اینجا اعتراف کنم؛ و آن این است که اگر ما در ایران توانسته ایم مواضع سیاسی و انقلابی خود را با قدرت حفظ کنیم و اگر در مقابل تهدیدهایی که به طور مداوم و متزاید به سمت دولت جمهوری اسلامی متوجه میشود، مسئولان این کشور را متزلزل نکرده و از جایگاه مستقر خودشان کنار نبرده، بخش مهمی از آن مربوط به این است که این عیناً خواست ملت ماست.

اهمیت روز قدس

در قضیه ی فلسطین، موضع دولت ایران روشن است؛ و آن ایستادگی در برابر دولت غاصب صهیونیستی است. اگر شما در روز قدس - یعنی جمعه ی آخر ماه رمضان که امام راحل ما (رضوان الله علیه) آن را قدس

(1). در خطبه های نماز عید فطر.

ص: 466

اعلام کردند - به تهران یا دیگر شهرهای ایران بیایید و ببینید مردم چگونه این روز را بزرگ میدانند و چه شعارهایی میدهند، آن وقت راز ایستادگی دولت ایران را در این موضع خواهید فهمید. چرا روشنفکران و علما و هنرمندان و افراد فرهنگی کشورهای مسلمان، روی روز قدس تکیه نمیکنند؟ اگر مردم روز قدس را بشناسند و حضوری که از آنها خواسته شده، در روز قدس از خود نشان دهند، دولتها جز این نمیتوانند چیزی را انتخاب کنند. (1)

1377/10/18

روز قدس؛ تیری به قلب توطئه ی فراموشی

روز قدس، از روزهای بسیار مهم و تعیین کننده است. سالهای متمادی است که سعی میشود مسئله ی قدس فراموش شود. روز قدس، درست تیری است به قلب این توطئه؛ حرکتی است برای خنثی کردن این توطئه ی خباثت آمیزی که استکبار و صهیونیسم و طرفداران و همکارانشان دست به یکی کرده اند، تا بکلی مسئله ی فلسطین را به دست فراموشی بسپارند. روز قدس را بزرگ بدانید. این روز، مخصوص ملت ایران هم نیست؛ در خیلی از نقاط عالم، مردم مؤمن و پرشور، با محدودیتهایی که در کشورهای خود دارند - چون حکومتها خیلی جاها اجازه نمیدهند - روز قدس را گرامی میدانند - به هر حال جمعیهتهایی که میتوانند این کار را میکنند - ان شاءالله امیدواریم امسال هم در مقابل توطئه های ناجوانمردانه یی که علیه ملت فلسطین شده است، روز قدس بتواند مشت محکمی به دهان دشمنان ملت فلسطین و دشمنان دنیای اسلام بزند. (2)

1384/7/29

روز قدس؛ روز آزمایش بزرگ ملت های مسلمان

روز قدس، روز آزمایش بزرگ ملت های مسلمان است؛ روز قدس، آن روزی است که ملت های مسلمان، بی واسطه ی مقامات رسمی، حرفشان را در دنیا مطرح میکنند. (3)

(1). در دیدار جمعی از شخصیهتهای شرکت کننده در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

(3). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 467

حضور در راهپیمایی روز جهانی قدس؛ زنده کننده ی مسئله ی قدس در فضای جهان

من باید از ملت عزیز خودمان و برخی ملت‌های دیگر که در جمعه ی آخر ماه مبارک رمضان - که روز جهانی قدس است - با حضور خود مسئله ی قدس را در فضای جهان بار دیگر زنده کردند، تشکر بکنم؛ اگرچه مسئله ی قدس همیشه زنده است. مسئله ی فلسطین و قدس شریف جزو مسائلی نیست که دنیای اسلام بتواند آن را از یاد ببرد. اگر يك روز غاصبان سرزمین فلسطین و حامیان بین المللی شان گمان میکردند که میتوانند نام فلسطین و ملت فلسطین را به دست فراموشی سپارند، آن روز دیگر سپری شده است. امروز ملت فلسطین با همه ی وجود خود، با همه ی همت خود، در عرصه ی مقاومت ایستاده است و همین موجب شده است که غاصبان قدس، موقعیت عظیم و خطیر فلسطین را بیش از پنجاه سال قبل حس کنند. آن روز آنها تصور میکردند که فلسطین يك نقطه ی از یاد رفته و فراموش شده است؛ فلسطین را سرزمین بی مردم نام میگذاشتند. البته برخی از کوتاهیها هم به این توهّم باطل کمک کرده بود. امروز این طور نیست؛ امروز ملت فلسطین ایستاده است و ملت‌های مسلمان هم دلشان سرشار از غیرت و حمیت اسلامی نسبت به سرزمین شریف قدس و سرتاسر کشور فلسطین است و دنیای اسلام نباید فلسطین را هرگز از یاد ببرد. (1)

1386/7/21

نقش راهپیمایی روز قدس در زنده نگه داشتن نام و یاد فلسطین

اولین مطلبی که در خطبه ی دوم باید عرض کنم، سپاس فراوان از ملت ایران به خاطر راهپیمایی روز قدس است. حقیقتاً باید گفت: درود بر ملت ایران! عظمت ملی خود را، عظمت جایگاه اسلامی خود را، عزّت خود را به دنیا نشان دادید. نقش این راهپیماییها بسیار زیاد است. استعمارگران از وقتی فلسطین را اشغال کردند، هدفشان این بود که نام و یاد فلسطین را به فراموشی بسپارند؛ اصلاً مردم دنیا و نسل‌های بعدی فراموش کنند که روزی يك سرزمینی در دنیا بوده است، يك کشوری بوده است به اسم فلسطین؛ هدفشان این بود. بعد که نتوانستند و این قیام عظیم ملت فلسطین - چه در انتفاضه ی اوّل و چه

(1). در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید فطر.

ص: 468

در انتفاضه ی مسجدالاقصی - بار دیگر این شعله را در دنیا برافروخته کرد و دل‌های ملت‌ها و آحاد مردم و منصفان عالم را به خود متوجه کرد، راه علاج را این دانستند که مجموعه ی عرب فلسطینی را در گوشه یی از این سرزمین، در واقع زندانی کنند؛ محصور کنند و کشور آباد پر نعمت فلسطین و منطقه ی حسّاس فلسطین را به طور خالص در اختیار صهیونیستها و با هویت صهیونیستی نگه دارند، و عربها را به طرف غزه و ساحل غربی برانند.

روحیه دادن به ملت تنها و مظلوم فلسطین؛ نتیجه ی شعار عظیم ملت‌های مسلمان در روز قدس

امروز هم وقتی به رفتار صهیونیستها نگاه کنید، می بینید هدفشان این است که هر چه میتوانند، این انگیزه های ایستادگی و استقامت را در مردم فلسطین نابود کنند؛ همه ی کارهایشان با این سیاست است: انگیزه ی مقاومت از بین برود. ولی مردم فلسطین ایستاده اند. اولاً، مبارزه را رها نکردند؛ ثانیاً، دولتی را با آرای خودشان سر کار آوردند که این دولت، شعارش ایستادگی و مقاومت و مبارزه ی با اشغالگران است و با همه ی فشارهایی هم که در این یکی دو سال اخیر بر این دولت و مردم آن منطقه وارد کردند، اینها محکم ایستاده اند؛ دارند مقاومت میکنند. ولی يك ملت تنها، منزوی در يك گوشه، بدون دسترسی به هیچ نقطه یی از نقاط عالم، غیر از امید به خدا، باید دلخوشی‌هایی داشته باشد. این شعار عظیم ملت‌های مسلمان به نفع فلسطین، به آنها روحیه میدهد؛ دل‌های آنها را برای استقامت بیشتر آماده میکند، علاوه بر اینکه افکار عمومی دنیا را به حقیقت داعیه ی فلسطین آشنا میکند.

ملت ایران، با این راهپیمایی، به جمهوری اسلامی آبرو دادند؛ به ایران و ایرانی آبرو دادند و نشان دادند که همچنان در صف مقدم دفاع از حق بزرگ امت اسلامی نسبت به کشور فلسطین و ملت فلسطین قرار دارند. این بسیار باارزش بود. (1)

1387/7/10

لزوم برگزاری پرشکوه تر روز قدس در دنیای اسلام

يك مطلب درباره ی روز قدس امسال است که این حرکت عظیم در دنیای اسلام روز به روز جافتاده تر شده است و گسترش بیشتری پیدا

(1). در خطبه های نماز عید سعید فطر.

ص: 469

کرده است. امسال دنیای اسلام شاهد تظاهرات بخشهایی از اغلب ملت‌های مسلمان بود؛ از شرق دنیای اسلام یعنی از اندونزی، تا غرب دنیای اسلام یعنی آفریقا و نیجریه. در کشورهای مسلمان، هر جا به آحاد مردم اجازه داده شد که بتوانند نیت و اراده‌ی خود را در روز قدس نشان دهند، مجموعه‌هایی از مردم آمدند و نشان دادند که نسبت به مسئله‌ی قدس چه احساساتی دارند؛ حتی مسلمانانی که در اروپا زندگی میکردند، اقلیتهایی که زیر فشارهای عصبیت دولتها و مؤسسات اروپایی قرار دارند، آنها هم روز قدس را گرامی داشتند. این نشانه‌ی این است که مسئله‌ی فلسطین، علی‌رغم آنچه که غاصبان فلسطین و حامیان آنها میخواستند، روز به روز در دنیای اسلام زنده‌تر میشود. آنها نیتشان این بود که نام فلسطین را از خاطره‌ی ملت‌های مسلمان پاک کنند. اراده‌ی آنها این بود، هدف آنها این بود که نقشه‌ی فلسطین و ملتی به نام فلسطین را بکلی از جغرافیای دنیای اسلام حذف و محو کنند. همه‌ی تلاش خودشان را هم در طول این شصت سال تمام که از این فاجعه‌ی بزرگ میگذرد، بر این کار متمرکز کردند. اما آنچه واقع شده است، عکس آن چیزی است که آنها میخواستند و دنبال آن بودند. امروز دنیای اسلام نسبت به مسئله‌ی فلسطین بسیار حساس‌تر و بسیار پراکنگیزه‌تر است.

*

روز قدس؛ جلوه‌ی حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام

روز عید فطر، تجسم و نمایش انسجام حقیقی و قلبی ملت است؛ وحدت ملت، اعتصام دسته‌جمعی به جبل‌الله، از چیزهایی است که بسیار باارزش است. این را بایستی به عنوان یک درس رمضانی برای خودمان حفظ کنیم، که این هم محصول همان معانی معنوی ماه رمضان است؛ بخصوص که ماه رمضان ما مسلمانانها - بخصوص ما ملت ایران به برکت امام بزرگوارمان - شامل روز قدس است، که روز قدس یکی از آن جلوه‌های حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام است. و امسال روز قدس، راهپیمایی عظیم ملت ایران، چشم‌های ملت‌های مسلمان را از اکناف عالم به خود متوجه کرد. ملت ایران یکصدا فریاد زدند و از ملت مظلوم فلسطین حمایت کردند و من لازم میدانم از

ملت ایران عزیزمان، از آحاد مردم، به خاطر این حرکت عظیمی که در روز قدس امسال انجام دادند، تشکر کنم. (1)

1388/6/20

روز قدس؛ یکی از برجسته ترین یادگارهای امام عزیز

هفته ی آینده - جمعه - روز قدس است؛ این یکی از برجسته ترین یادگارهای امام عزیز ماست؛ نشانه ی دل بستگی انقلاب و دل بستگی ملت ما به ماجرای قدس شریف و ماجرای فلسطین است. به برکت روز قدس، این نام را ما توانستیم هر سال در دنیا زنده نگه داریم. خیلی از حکومتها و خیلی از سیاستها میخواستند، مایل بودند، تلاش کردند، پول خرج کردند که مسئله ی فلسطین فراموش شود. اگر تلاش جمهوری اسلامی نبود، اگر ایستادگی جمهوری اسلامی با تمام قوا در مقابله ی این سیاست خباثت آلود نبود، بعید نبود که بتوانند مسئله ی فلسطین را بتدریج به زاویه بکشانند؛ اصلاً فراموش کنند. الان هم خود دستگاه استکبار و خود صهیونیستهای خبیث معترفند، معتقدند و ناراحتند از اینکه جمهوری اسلامی پرچم فلسطین را برافراشته است و نمیگذارد که با سازشکاریهایی که میخواستند انجام بدهند، مسئله ی فلسطین را از دور خارج کنند.

روز قدس؛ روز زنده کردن یاد و نام فلسطین

روز قدس، روز زنده کردن این یاد و این نام است. امسال هم به توفیق الهی، به هدایت الهی، ملت عظیم ما در تهران و در همه ی شهرستانها روز قدس را گرامی خواهند داشت، راهپیمایی خواهند کرد. در کشورهای دیگر هم بسیاری از مسلمانان در روز قدس از ملت ایران تبعیت میکنند. (2)

1388/6/29

روز قدس؛ نماد صف بندی حق در مقابل باطل

در خطبه ی دوم، اولین مطلبی که وظیفه ی خود میدانم عرض بکنم، عرض سپاس و قدردانی است از ملت عظیم الشان ایران به خاطر نمایش عظمتی که در روز قدس در برابر چشم جهانیان قرار دادند. چقدر سعی کرده اند در طول این سالها که روز قدس را که نماد

(1). در خطبه های نماز عید سعید فطر.

(2). در خطبه های نماز جمعه ی تهران.

ص: 471

صف بندی حق در مقابل باطل است، تضعیف کنند. روز قدس، نشان دهنده ی صف بندی حق و باطل، صف بندی عدل در مقابل ظلم است. روز قدس، فقط روز فلسطین نیست؛ روز امت اسلامی است. روز فریاد رسای مسلمانان علیه سرطان کشنده ی صهیونیسم است، که به وسیله ی دست متجاوز اشغالگران، مداخله کنندگان، قدرتهای استکباری، به جان امت اسلامی افتاده است.

روز قدس؛ روز فریاد رسای مسلمانها علیه سرطان صهیونیسم

روز قدس، چیز کوچکی نیست. روز قدس، يك روز جهانی است؛ يك پیام جهانی هم دارد؛ نشان دهنده ی این است که امت اسلامی اولاً، زیر بار ظلم نمیروند، ولو این ظلم از پشتیبانی بزرگ ترین و قدرتمندترین دولتهای عالم برخوردار باشد. چقدر سعی کردند روز قدس را تضعیف کنند و امسال بیش از همیشه تلاش کردند؛ اما روز قدس در ایران اسلامی، در تهران با عظمت، به همه ی دنیا نشان داد که عقربه ی انقلاب و ملت ایران به کدام سمت و کدام جهت است؛ نشان داد که اراده ی ملت ایران چیست؛ نشان داد که ترفندها و حقه ها و پول خرج کردن ها و خباثتهای سیاسی آنها بر روحیه ی ملت ایران اثری ندارد. (1)

1390/6/2

روز قدس؛ روز بین المللی اسلامی

روز قدس در پیش است. روز قدس، يك روز به معنای حقیقی کلمه، بین المللی اسلامی است؛ روزی است که ملت ایران میتواند با کمک ملتهای مشتاق دیگر، که امروز خوشبختانه تعدادشان هم متعدّد و زیاد شده، يك حرف حقیقی را فریاد کند که برای پنهان کردن آن حرف حق و خاموش کردن آن فریاد، شصت سال است که دستگاه استکبار دارد سرمایه گذاری میکند - البته حداقل شصت سال است، یعنی از زمان تشکیل دولت غاصب؛ و الا از مقدماتش شاید صد سال هم بیشتر است - شصت سال است که دارند سعی میکنند فلسطین را از نقشه ی جغرافیای جهانی حذف کنند. البته تا حدود زیادی هم موفق شده بودند.

انقلاب اسلامی زد توی دهن اینها. ایجاد نظام جمهوری اسلامی و اعلان روز قدس و تبدیل سفارت رژیم غاصب به سفارت فلسطین در

(1). در خطبه های نماز عید سعید فطر.

ص: 472

تهران، حرکت هشدار دهنده و متوقف کننده و مهاجمی بود که در مقابل این نقشه ی استکباری ایستاد. امروز خوشبختانه این حرکت، روزه روز توسعه پیدا کرده.

راهپیمایی روز قدس؛ پشتوانه ی امنیت ملی

روز قدس، پشتوانه ی امنیت کشور ما هم هست. این را همه ی آحاد مردم عزیز ما بدانند؛ هر يك نغری که روز قدس توی خیابان می آید، به سهم خود دارد به امنیت کشور و امنیت ملت و حفظ دستاوردهای انقلابش کمک میکند. روز قدس، روز بزرگی است، روز مهمی است. ان شاءالله امسال، هم در کشور ما و هم در کشورهای اسلامی دیگر، این روز، با عظمت تر از همیشه برگزار خواهد شد. (1)

(1). در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه ها.

ص: 473

اجلاس شرم الشيخ

بالا گرفتن شعله های انتفاضه ی مسجد الأقصى، باعث شد مذاکرات و رایزنیهای گسترده یی در منطقه و جهان به منظور کاهش درگیریها صورت گیرد. این تلاشها بلافاصله پس از آغاز انتفاضه شروع شده بود. مهمترین تلاش در این راستا، اجلاس شرم الشيخ بود، که حسنی مبارك عهده دار برگزاری آن در شرم الشيخ شد. این اجلاس با حضور بیل کلینتون، ايهود باراك، ياسر عرفات، خاوير سولانا، حسنی مبارك و ملك عبدالله، در 16 اکتبر سال 2000 در مصر برگزار شد.

در حقیقت، این اجلاس توطئه یی جهانی برای خاموش کردن شعله ی انتفاضه، یعنی تنها راه پیروزی فلسطینیان بود، که البته در آن مقطع تاریخی هم ناکام ماند.

پیمان سایکس - پیکو (Sikes - Piko Accords)

توافق نامه یی است که در سال 1916 توسط سه کشور روسیه، فرانسه و انگلیس به تصویب رسید و دارای دوازده ماده است. طرح نخستین آن توسط «سرمارك سایکس» (نماینده ی پارلمان و معاون وزیر جنگ انگلیس) و «جورج پیکو» (کنسول فرانسه در بیروت) فراهم آمد. به همین دلیل به پیمان سایکس - پیکو معروف شد.

بر اساس این موافقت نامه، جهان عرب به چند بخش تقسیم و هر بخش، به کشوری بزرگ واگذار شد:

- اردن، جنوب عراق و سوریه تا مرزهای ایران و خلیج فارس و نیز بنادر عکا و حیفا به انگلیس واگذار گردید؛

- قسمت اعظم سوریه، نوار شمالی عراق، بخشهایی از آناتولی جنوبی، در اختیار دولت فرانسه قرار گرفت؛

- آناتولی شرقی و بخش وسیعی از شمال کردستان به روسیه واگذار گردید.

تمام سرزمین فلسطین، جز بنادر عکا و حیفا، منطقه یی بین المللی دانسته شد.

توافق نامه ی وای ریور 2

این قرارداد میان اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین در چهارم سپتامبر 1999 میان یاسر عرفات (رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین) و ايهود باراك (نخست وزیر اسرائیل) در شرم الشيخ مصر به امضا رسید. این

توافق که در پی سفر مادلین آلبرایت - وزیر خارجه ی وقت ایالات متّحده ی امریکا - به خاورمیانه و با حضور حسنی مبارک (رئیس جمهور مصر) و ملک عبدالله دوم (پادشاه جدید اردن) به امضا رسید، در واقع تکرار توافقات پیشین بود.

بعضی از سرفصلهای عمده ی این توافق نامه عبارتند از:

گفت وگوهای دائم برای صلح، آزادی زندانیان، تشکیل کمیته های متعدّد، امنیت و جلوگیری از اقدامات تروریستی از طرفین، جمع آوری سلاحهای غیر قانونی و....

توافق وای ریور 2، ضمن اشاره به اعطای بخش ناچیزی از سرزمینهای اشغالی به فلسطینیان و آزادی شماری از زندانیان فلسطینی به مرور زمان، بار دیگر بر موضوع امنیت تأکید کرده و مقامات تشکیلات خودگردان را ملزم به مبارزه ی به اصطلاح ضدّ تروریستی نموده؛ در حالی که موضوعات مهمّی از جمله مسئله ی مهمّ آوارگان را مسکوت گذاشته است.

در پی امضای توافق نامه ی وای ریور 2، موج اعتراضات و مخالفتها در جهان عرب پدید آمد. شیخ احمد یاسین - بنیانگذار حماس - این توافق نامه را توهم و عقب نشینی و امتیاز تازه ی تشکیلات خودگردان به اشغالگران صهیونیست خواند. سوریه اعلام کرد: هرگز چنین توافقی را با اسرائیل امضا نخواهد کرد.

رهبران ساف (سازمان آزادی بخش فلسطین)، در راستای اجرای توافق نامه های وای ریور 1 و 2، گروه های اسلامی و جهادی را سرکوب کردند و شمار زیادی از مسئولان و اعضای حماس و جهاد اسلامی را دستگیر و زندانی نمودند. این اقدام در اواخر تابستان 1999 با دستگیری ابراهیم غوشه (سخنگوی حماس)، خالد مشعل، موسی ابو مرزوق و محمّد ابونضال به اوج خود رسید. این اقدامات از طریق حکومت خودگردان و با همکاری امریکا و اسرائیل به نام مبارزه با تروریسم انجام شد، که هدف آن تشدید دشمنیها میان فلسطینیها و خوش خدمتی عرفات به امریکا و اسرائیل بود.

در بررسی اجمالی این مسائل، مشخص میشود که به رغم خوش خدمتی های عرفات و ساف به امریکا و اسرائیل بر اساس توافق نامه های وای ریور 1 و 2، هیچ چیز نصیب حکومت خودگردان نشد.

جنگ کرامه

نیروهای اسرائیلی در 21 فوریه ی 1968 اقدام به حمله یی همه جانبه و گسترده به کرانه ی شرقی رود اردن در منطقه ی کرامه کردند. هدف از این حمله، همان طور که اسرائیل به صورت رسمی اعلام نمود، نابودی مواضع چریکهای فلسطینی در اردوگاه کرامه بود. در این نبرد، چریکهای فلسطینی به رهبری جنبش فتح، مقاومت جانانه یی در برابر چهار تیپ مجهّز ارتش اسرائیل از خود نشان دادند، که منجر به شکست و عقب نشینی دشمن اسرائیلی گردید. بدین ترتیب، مقداری هرچند اندک از تحقیر ناشی از شکست در جنگ شش روزه در ژوئن 1967 کاسته شد.

نبرد کرامه، نقطه ی تحوّل بزرگی برای جنبش فتح و به طور کل برای مقاومت فلسطین بود. این موضوع، در سیل درخواست عضویت در جریان مقاومت و همچنین در تظاهرات مختلف در شهرهای عربی بخوبی متجلی شد.

محمد امین بن محمد طاهر، که در سال 1893 (1311 ق.) دیده به جهان گشود، مفتی فلسطین و از نخستین رهبران جنبش فلسطینیان بر ضد سلطه ی انگلیس و صهیونیسم بود. امین طی مراحل مختلف، زندگی پرفراز و نشیبی را تجربه کرد، که وجه مشترك تمام مراحل دوران زندگی او، مبارزه با صهیونیستها بود.

نکته ی مهم و بارز در تحلیل شخصیت امین الحسینی، پیشتازی وی در امر مبارزه بود، که از سالهای پیش از اشغال رسمی (1948) آغاز شده بود. برای مثال، وی در جوانی در سال 1914 «جمعیت مبارزه با صهیونیسم» را بنیان نهاد و یا در 1920 نقش برجسته یی در رهبری انقلاب اول فلسطین ایفا کرد.

او در سال 1921 پس از درگذشت کامل الحسینی - برادرش و مفتی فلسطین - به عنوان مفتی فلسطین برگزیده شد.

از ویژگیهای برجسته ی امین الحسینی این بود که وی همواره در صدد بود تا مسئله ی فلسطین را از محدوده ی منازعات یهودیان و فلسطینیان خارج کرده و در سطح کلّ ملل عرب و حتی فراتر از آن، در سطح جهان اسلام به عنوان مسئله یی اسلامی مطرح کند.

از کارهای مهمّ وی در این راستا، تصمیم برای بازسازی مسجدالاقصی در سال 1924 بود، که برای تأمین هزینه های آن از تمام مسلمانان جهان یاری خواست و هیئتهایی را برای گردآوری اعانه به چند کشور اسلامی فرستاد.

در سال 1931 برای جلب توجه بیشتر مسلمانان به قضیه ی فلسطین، برآن شد تا کنفرانس جهانی اسلامی را در قدس برگزار کند، که علی رغم مخالفت بعضی از کشورهای اسلامی، این مهم به ریاست امین برگزار شد و در شرایط خاصّ آن زمان، گامی مثبت در راه بیداری و اتحاد مسلمانان در برابر انگلیس و صهیونیسم بود. او در سال 1974 (1394 ق.) دیده از جهان فرو بست.

سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO ، ساف)

در چهلمین نشست اتحادیه ی عرب که در سپتامبر 1963 تشکیل شد، نگرانی رهبران عرب در برابر اقدامات مستقل فلسطین مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. نتیجه ی این گفت وگوها به آنجا انجامید که فلسطینیان دارای سازمانی ویژه ی خود باشند که تحت نظارت رسمی اعراب عمل کند.

در ادامه ی همین نشست، شورای اتحادیه ی کشورهای عرب، برپایی کیان عام فلسطین را به تصویب رساند و یکی از شخصیتهای معروف فلسطین به نام «احمد شقیری» را به عنوان نماینده ی فلسطین در شورای اتحادیه تعیین کرد. پس از آن، شقیری به عنوان نماینده ی فلسطین در کنفرانس سران عرب در ژانویه 1964 شرکت و سخنرانی کرد.

در دسامبر 1967، پس از شکست رژیمهای عربی و به نوعی ساف از رژیم صهیونیستی، شقیری از سمت خود استعفا کرد و کمیته ی اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، یحیی حمود را به ریاست کمیته ی اجرایی برگزید. او نیز دو سال بعد این پست را به یاسر عرفات واگذار کرد، تا بدین ترتیب گروه فتح رهبری سازمان را به دست بگیرد.

از اتفاقات دوران سرپرستی عرفات بر سازمان، میتوان به واقعه ی سپتامبر سیاه اشاره کرد، که در سال 1970، ارتش اردن ضربات سختی بر سازمانهای مقاومت فلسطینی وارد نمود و طی آن حدود بیست هزار چریک فلسطینی در اردن کشته شدند. بدین ترتیب، سازمان آزادیبخش فلسطین که پیش از این در اردن مستقر بود، پس از تحمّل ضربات جبران ناپذیر، مجبور به نقل مکان و به تعبیری، محکوم به اخراج از اردن گردید.

بزرگ ترین پیروزی ساف در صحنه ی جهانی، در نوامبر 1974 به دست آمد؛ آن هنگام که عرفات در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد؛ چرا که او اولین رهبری بود که بدون آنکه رئیس کشوری باشد، این کار را انجام داد. مجمع عمومی سازمان ملل هم طی قطعنامه یی به سازمان آزادیبخش فلسطین اجازه داد به عنوان ناظر در جلسات مجمع شرکت کند.

جهت گیری سازمان آزادیبخش فلسطین به سمت مذاکره با رژیم غاصب را باید محوری ترین نقطه ی انحراف قلمداد کرد، که در زمان ریاست عرفات بر این سازمان شکل گرفت. این روند ادامه پیدا کرد تا اینکه در سال 1988 با تشدید انتفاضه، سازمان آزادیبخش فلسطین به رهبری یاسر عرفات، آخرین پیمان خود را که عدم اعتراف به رژیم صهیونیستی و جهاد مسلحانه علیه آن بود، زیر پا گذاشت. البته از ابتدای شروع انتفاضه، عرفات سعی داشت آن را کنترل کند و دولت صهیونیست را به رسمیت بشناسد.

همزمان با پذیرفتن رژیم صهیونیستی و ورود به جرگه ی مصر و اردن، از صحنه ی نظامی و عملیاتی داخل فلسطین عقب نشینی کرد و شورای نظامی آن در بغداد، توقف عملیات نظامی علیه صهیونیستها در سرزمینهای اشغالی را اعلام نمود؛ و این روند ادامه پیدا کرد، تا اینکه عرفات و ساف به یک نیروی انتظامی سرکوبگر انتفاضه ی فلسطین تبدیل شد.

سید عباس موسوی

سید عباس موسوی در سال 1951 در روستای بنی شیت از توابع بعلبک لبنان به دنیا آمد. او در سال 1969 (1348. ش) در 17 سالگی برای ادامه ی تحصیلات دینی عازم نجف اشرف گردید و در آنجا با نامه یی از طرف امام سید موسی صدر به آیت الله شهید سید محمد باقر صدر معرفی شد.

در حوزه ی نجف از محضر اساتید بزرگی کسب فیض نمود، که در میان آنان شهید صدر از جایگاهی ویژه برخوردار بود؛ چرا که وی در نظر سید عباس الگویی تمام و کمال بود. همچنین در همان مدت حضور در نجف اشرف، با شیخ راغب حرب هم آشنا شد.

سالهای حضور سید عباس موسوی در نجف به عدد 10 نرسیده بود که وی برای مدتی تبلیغ به سوی دیار خود لبنان رهسپار گردید؛ غافل از اینکه بازگشتی به نجف برای او مقدر نبود. وی در لبنان بود که متوجه شد از سوی رژیم بعثی عراق محکوم به اخراج از آن کشور شده است و راهی برای بازگشت به آن دیار ندارد.

بدین ترتیب، فصل جدیدی در زندگی سید شهید رقم خورد. پس از شکل گیری حزب الله در لبنان، در سمت عضو شورای رهبری حزب الله به فعالیت علیه رژیم صهیونیستی ادامه داد، تا اینکه پس از «صبحی طفیلی» در مه 1991 به عنوان دومین دبیرکل حزب الله برگزیده شد. البته مدت مسئولیت سید عباس طولانی نگردید، و هنوز به یک سال نرسیده بود که وی برای شرکت و سخنرانی در مراسم سالگرد شهادت شیخ راغب حرب، به همراه خانواده عازم جنوب (جبشیت) شد. پس از مراسم و در راه بازگشت به بیروت، اتومبیل

سید عباس مورد اصابت موشک هلیکوپترهای رژیم صهیونیستی قرار گرفت، و بدین ترتیب، در 16 فوریه ی 1992، سید عباس موسوی به همراه همسر و کودکش به کاروان شهدا ملحق شدند.

شیخ احمد یاسین (رهبر و بنیانگذار جنبش مقاومت اسلامی حماس)

شیخ احمد یاسین، در سال 1936 در روستای «الحوره» از توابع عسقلان در جنوب فلسطین دیده به جهان گشود. در پنج سالگی پدرش را از دست داد و در دوازده سالگی به علت اشغال بخش عمده یی از فلسطین توسط صهیونیستهای غاصب (در سال 1948)، به همراه میلیونها فلسطینی دیگر به اجبار خانه و کاشانه ی خود را ترک کرده، در اردوگاه آوارگان فلسطینی در غزه سکنی گزید.

وی در 16 سالگی به هنگام ورزش با همسالانش، از ناحیه ی گردن ضربه ای شدید خورد و به دلیل آسیب دیدگی نخاع، تمام بدنش فلج شد و این عارضه تا آخر عمر با او بود.

او در سال 1964 وارد دانشگاه عین شمس برای تحصیل در رشته ی زبان انگلیسی شد. با شکست اعراب در جنگ 1967 و اشغال نوار غزه توسط اسرائیل، احمد یاسین از ادامه ی تحصیل در دانشگاه عین شمس منصرف گردید و به غزه بازگشت، تا مردم را به مقاومت علیه اشغالگران تشویق کند.

شیخ احمد یاسین در سال 1982 توسط ارتش اسرائیل دستگیر و به اتهام تشکیل يك سازمان نظامی برای مقاومت، به 13 سال زندان محکوم گردید، ولی زودتر از موعد و پس از سه سال و اندی در چارچوب مبادله ی اسرا میان اسرائیل و «جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل» آزاد شد.

وی در سال 1987 با همفکری و همراهی تنی چند از رهبران اخوان المسلمین - از جمله دکتر محمد صیام، دکتر رنتیسی، الزهار و ابو مرزوق - تشکیلات جدیدی را پایه ریزی کردند که به حماس مشهور گردید.

صهیونیستها در تاریخ 1989/5/18 شیخ یاسین را به همراه صدها تن از اعضای مبارز جنبش حماس به اسارت گرفتند. پس از آن، یکی از دادگاه های نظامی صهیونیستها، احمد یاسین را به حبس ابد محکوم کرد، اما او در سال 1997 و در پی مبادله ی اسرا، دوباره آزاد شد.

سرانجام شیخ احمد یاسین در بامداد روز سوم فروردین 1383 (21 مارس 2004) پس از اقامه ی نماز صبح، توسط جلاّدان تروریست صهیونیست به خواسته ی دیرینش یعنی شهادت رسید.

شهید رنتیسی

عبدالعزیز عبدالحفیظ الرنتیسی در تاریخ 1947/10/23 در روستای «بینا» - بین عسقلان و یافا - دیده به جهان گشود. خانواده اش پس از جنگ 1948 به نوار غزه رفتند و در اردوگاه آوارگان «خان یونس» سکنی گزیدند.

عبدالعزیز در سال 1965 مقطع متوسطه را به پایان برد و برای ادامه ی تحصیل راهی شهر اسکندریه ی مصر شد. او در آنجا تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته ی پزشکی آغاز کرد. و سپس دوره ی تخصص را هم گذراند و متخصص اطفال شد. دکتر رنتیسی، پس از فارغ التحصیلی در سال 1976، در بیمارستان ناصر (مرکز اصلی پزشکی خان یونس) مشغول به کار گردید.

او در مؤسّسات و نهادهای مختلفی عضویت داشت، که از جمله میتوان به عضویت در هیئت مدیره ی مجمع اسلامی، انجمن پزشکان نوار غزه و هلال احمر فلسطین، اشاره کرد. از زمان افتتاح دانشگاه اسلامی غزه در سال 1978، او به تدریس در رشته های ژنتیک و انگل شناسی آن دانشگاه مشغول گردید.

وی همچنین در سال 1987 به همراه تنی چند از فعالان جنبش اسلامی در نوار غزه، جنبش مقاومت اسلامی حماس را تأسیس کرد، و رهبری جنبش در نوار غزه را عهده دار بود، تا اینکه در سال 1988 به اتهام مشارکت در فعالیت های ضد صهیونیستی بازداشت شد و به مدت دو سال و نیم، زندانهای مخوف رژیم صهیونیستی را تحمل کرد.

دکتر رنتیسی سرانجام در شامگاه 29 فروردین 1383 (آوریل 2004) هدف حملات وحشیانه ی هلیکوپترهای رژیم صهیونیستی قرار گرفت و به همراه پسرش به فیض عظیم شهادت نایل گردید.

شهید دکتر رنتیسی، حافظ قرآن، خطیبی سخنور و از محبوبیت بسیار بالایی در میان فلسطینیان برخوردار بود. راز محبوبیت این شهید آن بود که وی بر خلاف رهبران سابق و کنونی تشکیلات خودگردان، اهل عیش و نوش نبود و به بهانه ی واهی مذاکره، شبها را در هتلهای پنج ستاره سپری نکرده و مسئله ی فلسطین را ابزار تحقّق خواسته ها و منافع شخصی خود قرار نداده بود. منشأ شوکت و محبوبیت وی را میتوان در ساده زیستی اش جستجو کرد. او کسی بود که طعم تلخ زندان و تبعید را چشیده و چون کوهی استوار در برابر ناملایمات ایستادگی کرده و به اصول و آرمان ملی پای بند بود.

شیخ عزالدین قسام

عزالدین قسام در سال 1882 در روستای جیله در نزدیکی شهر لازقیه در سواحل سوریه چشم به جهان گشود. او تحصیلات خود را در دانشگاه الأزهر مصر گذراند، و در محضر اساتید بزرگی همچون «شیخ محمد عبده» به فراگیری علوم دینی پرداخت. قسام به دلیل مشارکت و مبارزه علیه استعمار فرانسه در سوریه، غیباً به اعدام محکوم شد. فرانسویها از طریق دیوان لازقیه، حکم اعدامش را صادر کردند.

شیخ قسام پس از حکم دیوان، به فلسطین مهاجرت کرد و در پی این مهاجرت، فصل جدید مبارزه را آغاز نمود. او در این مرحله در مقابل استعمار انگلیس و یهودیان صهیونیست قرار گرفت، و انگلیس و صهیونیسم را در فلسطین یکی میدانست. استراتژی قسام بر اتکای مردم فلسطین به خویشان استوار بود، زیرا معتقد بود کشورهای مجاور زیر سلطه ی استعمار به سر میبرند. وی در مقابل افراد، گروه ها و سازمانهایی که قائل به مذاکره و گفتگو با انگلیس بودند، ایستاد و مواضع آنها را رد میکرد و شاید به همین علت باشد که قسام، اولین رهبر قیام مسلحانه و یا پدر انقلاب مسلحانه ی فلسطین به شمار می آید. روشهای تشکیلاتی قسام، محکم و پیوسته و مخفیانه بود و بیشتر افراد تشکیلات او را فقرا ی فلسطینی، کارگران و کشاورزان تشکیل میدادند.

سرانجام شیخ عزالدین قسام به همراه بعضی از یارانش پس از محاصره ی مقرشان توسط انگلیسیها، در نوزدهم سپتامبر 1935 به شهادت رسید.

محمد حسین کاشف الغطاء در سال 1294 هـ - ق در محلّه ی «عمّاره» نجف به دنیا آمد. وی فرزند آیت الله شیخ علی کاشف الغطاء - از نوادگان آیت الله شیخ جعفر بن خضر، صاحب کتاب پرآوازه ی «کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء» - بود. او پس از فراگیری مقدمات نزد پدر و سایر اساتید، در سن 18 سالگی در درس خارج فقه آیت الله سید محمد کاظم یزدی و خارج اصول آخوند خراسانی شرکت میکرد. نبوغ فکری و پشتکار کاشف الغطاء جوان، باعث شد تا آیت الله سید محمد کاظم یزدی از وی بخواهد تا در گروه پاسخ به استفتائات وی حاضر شود. این ارتباط برقرار بود تا مرجع تقلید شیعیان حضرت آیت الله سید محمد کاظم یزدی، وی را یکی از اوصیای اربعه ی خود معرفی کرد. اندک اندک آوازه ی علمی کاشف الغطاء در همه جا پیچید. او در این مرحله، مجتهدی توانا و مدرّس درس خارج حوزه ی علمیّه ی نجف بود. بدین ترتیب و با اصرار مردم، ایشان اقدام به نگارش رساله ی احکام نمود.

این مجتهد و مرجع تقلید، در عرصه های سیاسی و اجتماعی، حضوری پررنگ و تأثیرگذار داشت. در همین راستا، شروع به سفرهای وحدت آفرین نمود و به کشورهای مختلف اسلامی از جمله مصر، حجاز، فلسطین، لبنان و سوریه رفت، و طیّ این سفرها به گفتگو با دانشمندان اهل سنت پرداخت و درصدد برقراری وحدت بین شیعه و سنی بود. وحدت و اتحاد، فصل مشترک تمام مواضع و گفت و گوها و سخنرانیهای این مرجع جوان بود.

نقطه ی عطف این رویکرد، حضور ایشان در کنگره ی جهانی اسلام در سال 1350 هـ - ق در فلسطین و سخنرانی پرشور وی در آن جمع بود. این سخنرانی که در حضور علمای کشورهای مختلف از جمله رشید رضا و اقبال لاهوری و... ایراد شد، بشدّت مورد استقبال علما و مردم قرار گرفت؛ به طوری که دانشمندان حاضر در کنگره، تا روزی که کاشف الغطاء در فلسطین بود، نماز جماعت و جمعه را به او اقتدا کردند. وی همچنین در آغاز اشغال فلسطین توسط صهیونیستها، از جمله کسانی بود که با ارسال پیام، مسلمانان را به اخراج صهیونیستها از فلسطین تشویق میکرد.

صلح ژنو (Geneva Accords)

توافق نامه ی ژنو که به منظور پایان دادن به درگیری میان طرفین فلسطینی و اسرائیلی تهیه شد، در تاریخ دوازدهم اکتبر 2003 در منطقه بحرالمت اردن مورد توافق شخصیتها و بویژه طراحان اصلی آن «یاسر عبد ریه» (وزیر سابق اطلاع رسانی تشکیلات خودگردان فلسطین) و «یوسی بیلین» (وزیر پیشین دادگستری رژیم صهیونیستی) قرار گرفت. این توافق نامه نیز همانند سایر قراردادهای، شامل بندهای خفت بار است، که برای نمونه، علاوه بر به رسمیت شناخته شدن کشور جعلی اسرائیل، میتوان به بند مربوط به آوارگان فلسطینی اشاره کرد:

«آوارگان فلسطینی با فراموش کردن حقّ بازگشت، میتوانند در کشور جدید فلسطین! و یا هر کشور دیگری ساکن شوند. شاید تعدادی از آنها بتوانند به اسرائیل برگردند و این فقط دولت اسرائیل است که صلاحیت دارد در این مورد تصمیم گیری کند، که این تعداد نیز ناچیز خواهد بود.»

فاجعه ی دیر یاسین

دیر یاسین، روستایی کوچک بود که بر بلندیهای مشرف به بیت المقدس واقع شده بود. در بامداد روز نهم آوریل 1948، کماندوهای صهیونیست به دهکده ی دیر یاسین حمله کردند و تا بعد از ظهر همان روز، بیشتر از 100 نفر از اهالی این روستا، اعم از مرد و زن و کودک، قتل عام شدند. عامل و محرک اصلی این حمله، دو دسته از جنایتکاران صهیونیستی به نامهای «استرن» و «ارگون» بودند. هدف اولیّه ی آنها، تحت کنترل گرفتن روستا و وادار کردن اهالی به ترك آن بود. دیر یاسین، یکی از مستندات غیر قابل انکار از نسل کشی در تاریخ اسرائیل است.

فاجعه ی صبرا و شتیلا

در سال 1982 میلادی، رژیم صهیونیستی به منظور نابود کردن سازمان آزادیبخش فلسطین و اخراج آنها از لبنان، ایجاد يك دولت دست نشانده و گسترش پیمان کمپ دیوید، متعاقب ترور سفیر اسرائیل در لندن، تهاجم گسترده ی هوایی، زمینی و دریایی را به لبنان آغاز کرد. در ادامه ی تجاوزهای ژوئن 1982، نیروهای اسرائیلی و صهیونیستی در روزهای 16 و 17 سپتامبر 1982 به اردوگاه های فلسطینی صبرا و شتیلا یورش بردند و حدود 3500 نفر از ساکنان آنها را قتل عام کردند.

بدین ترتیب، برگ سیاه دیگری بر تاریخ صهیونیسم و برگ خونینی بر تاریخ ملت فلسطین افزوده شد. وسیع ترین قتل عام در اردوگاه شتیلا اتفاق افتاد، که کنترل آن پس از هجوم سربازان اسرائیلی به فالانژیست ها (شبه نظامیان مارونی لبنان) سپرده شد. فالانژیست ها در این اردوگاه به کشتارها ادامه دادند، تا آنجا که هیچ کس زنده نماند.

فاجعه ی قانا

این روستا که در جنوب شرقی شهر صور در جنوب لبنان قرار دارد، در سال 1996، شاهد خونبارترین جنایات صهیونیستها بود، که در آن مقرّ سازمان ملل که سرپناه غیر نظامیان لبنانی بود، از سوی رژیم صهیونیستی بمباران شد. تلفات ناشی از این حمله بیش از 100 کشته و 100 مجروح بود. رژیم صهیونیستی پس از این جنایت، مدّعی شد که به طور اتّفاقی قانا را بمباران کرده است؛ در حالی که بر اساس تحقیق سازمان ملل، کشتار قانا يك حادثه ی تصادفی نبود.

این روستا يك بار دیگر در سی ام جولای 2006 در طی جنگ 33 روزه توسط رژیم صهیونیستی و با بمبهای اهدایی امریکا مورد حمله ی هوایی قرار گرفت، که منجر به شهادت 60 نفر - از جمله 22 کودک - و زخمی شدن 70 نفر شد.

فتحی شقاقی

فتحی ابراهیم عبدالعزیز شقاقی، در سال 1951 در اردوگاه «رفح» در شهر غزّه به دنیا آمد. شقاقی، تحصیلات عالی خود را در دانشگاه «الزقاریق» مصر، در رشته ی پزشکی گذراند و پس از پایان تحصیلات،

به عنوان طیب در بیمارستان مطلع قدس مشغول به کار گردید و مدتی بعد به عنوان طیب به نوار غزه رفت. بعدها به تشکیلات اخوان المسلمین پیوست، اما از اواخر سال 1974 با آنها اختلاف پیدا کرد.

وی در سال 1979 با انتشار کتاب «الخمینی الحل الإسلامي و البدیل»، امام خمینی؛ را به عنوان راه حلّ اسلامی و جایگزین در قبال گرایشهای وابسته به شرق یا غرب، ملی گرای یا غرب پرستی، سوسیالیسم یا کمونیسم، معرفی کرد و به مسلمین پیشنهاد داد.

شفاقی پس از انشعاب از اخوان المسلمین، در سال 1980 در غزه اقدام به تأسیس جنبش جهاد اسلامی فلسطین نمود. سرانجام این مبارز واقعی نهضت فلسطین، در اکتبر 1995 به هنگام بازگشت از سفر طرابلس، در جزیره ی «مالت» توسط عوامل موساد ترور شد و به شهادت رسید.

قرارداد اسلو (Oslo Accords)

قرارداد صلحی که بعد از دو سال مذاکرات پی در پی و مخفی در اسلو، در اکتبر 1993 توسط اسحاق رابین - نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی - و یاسر عرفات منعقد گردید. مفاد ننگین و خفت بار این قرارداد، چیزی جز به رسمیت شناخته شدن رژیم غاصب اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین توسط دو طرف نبود.

طبق این قرارداد، فلسطینیها در کرانه های غربی رود اردن و بخش غزه، یک حکومت خودمختار تشکیل میدادند و اسرائیل قرار بود سربازهای خود را از مناطق و شهرهای فلسطینی فراخوانده و جلوی ساخت و ساز یهودیها در سرزمین اشغالی را بگیرد. مفادی که تا به امروز هیچ گاه به آن عمل نشده، بلکه روزبه روز بر دامنه ی تجاوزات و ساخت و سازها افزوده شده است. گویا تنها یک بند از قرارداد اسلو باقی مانده و آن هم به رسمیت شناخته شدن رژیم غاصب توسط مبارزان قدیمی و خائن به آرمان ملت فلسطین بود؛ ذلتی که عرفات به بهای جایزه ی صلح نوبل، آن هم اشتراکاً به همراه شیمون پرز و اسحاق رابین، به آن تن داد.

قرارداد کمپ دیوید (Camp David Accords)

قراردادی که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بین رژیم صهیونیستی و جمهوری عربی مصر منعقد گردید. طی این قرارداد، که میتوان از آن به عنوان نماد خیانت اعراب به آرمان فلسطین یاد کرد، مصر اولین رژیم عرب بود که رژیم غاصب قدس را به رسمیت شناخت و با این کار، شکافی میان اعراب به وجود آورد. این قرارداد که توسط انور سادات (رئیس جمهور مصر) و مناحیم بگین (نخست وزیر رژیم صهیونیستی) در حضور جیمی کارتر (رئیس جمهور امریکا) در محلّ کمپ دیوید به امضا رسید، شامل هشت اصل بود که مهمترین اصل آن، همان برقراری روابط دوستانه و کامل دیپلماتیک بین طرفین بود.

ناگفته نماند که سادات برای این سازش و خیانت، قبل از عقوبت اخروی، توسط قهرمان عرب، خالد اسلامبولی، در همین دنیا به سزای خیانت ننگینش رسید و به درك واصل شد.

مذاکرات کمپ دیوید 2

در ادامه ی گفت وگوهای به اصطلاح صلح، دور جدید مذاکرات تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی با میانجیگری ایالات متحده ی امریکا از 20 تیر 1379 به مدت دو هفته در کمپ دیوید امریکا و با نظارت کلینتون - رئیس جمهوری امریکا - برگزار شد. محورهای اساسی کمپ دیوید دوم عبارتند از:

الف. موضوع بیت المقدس؛ ب. آوارگان؛ ج. تعیین مجدد خطوط مرزی بین اسرائیل و فلسطین.

موضوعاتی از قبیل: نظارت بر اماکن مقدس، مسائل امنیتی، زندانیان فلسطینی، شهرکهای صهیونیستی و... از دیگر موضوعات بحث شده در این مذاکرات بود.

این مذاکرات با رد پیشنهادهای کلینتون توسط مقامات مذاکره کننده ی فلسطینی، عملاً شکست خورد و به پایان رسید.

هولوکاست (Holocaust)

این واژه پس از جنگ جهانی دوم، از سوی بعضی از اشخاص و کانونهای یهودی وارد فرهنگ سیاسی و تاریخی جهان شد. ادعای آنها بر این فرضیه استوار بود که شش میلیون یهودی در اردوگاه های اسیران جنگی در آلمان نازی به وسیله ی «اتاقهای گاز» خفه شده و سپس در «کوره های آدم سوزی» سوزانده و به خاکستر تبدیل شده اند.

یاسر عرفات

«محمد عبدالرؤوف القدوه الحسینی» معروف به یاسر عرفات، در چهارم اوت 1929 (1308 ش.) زاده شد. زادگاه وی را طبق اسناد رسمی، شهر قاهره میدانند، اما عرفات مصرانه زادگاهش را بیت المقدس معرفی می‌کند. او در سال 1948 (همان سال اشغال فلسطین به دست صهیونیستها) به دانشگاه فؤاد اول قاهره وارد و در رشته ی مهندسی ساختمان مشغول تحصیل گردید، و در سال 1954 از طریق انتخابات دانشجویی، به ریاست اتحادیه ی دانشجویان فلسطینی برگزیده شد.

عرفات پس از اتمام تحصیل در سال 1957 اتحادیه ی دانش آموختگان فلسطینی را راه انداخت، اما خیلی زود با رها کردن آن، به کشور کویت رفت و به عنوان مهندس ساختمان مشغول کار شد. در آنجا بود که به همراه «ابوجهاد» و «ابوایاد» جنبش فتح را پایه گذاری کردند. فتح، سازمانی زیرزمینی با هدف جنگ مسلحانه علیه صهیونیستها بود و تا سال 1960 مخفیانه عمل می‌کرد.

عرفات در فوریه ی سال 1969، پس از استعفای احمد الشقیری، رئیس کمیته ی اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) شد. ظاهراً از همین زمان، تماس با صهیونیستها و غرب برای سازش از سوی ساف شروع شد.

آغاز رسمی عقب نشینی و انفعال عرفات را باید در اجلاس سران عرب در رباط مراکش جستجو کرد؛ همان اجلاسی که سران عرب، ساف را به عنوان تنها نماینده ی مشروع ملت فلسطین به رسمیت شناختند. عرفات در این اجلاس اعلام کرد: هدف ساف بازپس گیری کامل فلسطین نیست - حداقل در آن واحد - و هر قسمتی از فلسطین که آزاد شود، یعنی نوار غزه و ساحل غربی رود اردن را قبول خواهد کرد. این سخن وی

به معنی پذیرش کشور اسرائیل در کنار کشور فلسطین و تأیید اشغالگری صهیونیستها بر مناطق اشغالی 1948 بود.

عرفات پس از آن دارای فراز و نشیب های مختلفی در فعالیت سیاسی شد، تا آنکه در سال 1993 (1372 ش.) قرارداد اسلو را امضا و متعاقب آن در واشنگتن با اسحاق رابین - نخست وزیر رژیم صهیونیستی - دست داد، قراردادی که از کلّ خاک فلسطین، فقط بخشی کوچک و آن هم مناطق جدا از هم را نصیب فلسطینیها می کرد و در مقابل، موجودیت و اشغالگری رژیم صهیونیستی را بر مناطق اشغالی 1948 به رسمیت شناخت. مبارز خسته به عنوان جایزه ی این خیانت ننگین، در سال 1994 جایزه ی صلح نوبل را به همراه شیمون پرز و اسحاق رابین دریافت کرد.

یاسر عرفات که چند سال بعد، عنوان رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی را هم یدک میکشید، روز به روز بر صفحات ذلت کتاب زندگی اش می افزود، تا اینکه رژیم غاصب در سال 2002 میلادی مقرّ عرفات را مورد هجوم قرار داد و همواره در محاصره ی رژیم قرار داشت که با آنها صلح کرده بود.

او در 29 اکتبر 2004 برای درمان به پاریس منتقل شد و در 11 نوامبر 2004 (1383 ش.) مرگ یاسر عرفات رسماً اعلام گردید و جنازه اش در رام الله به خاک سپرده شد.

ص: 485

بخش اول: صهیونیسم؛ شجره ی خبیثه 15

فصل اول: بصیرت و دشمن شناسی 17

لزوم روشنگری در عرصه ی دیپلماتیک، برای تفهیم دشمنی صهیونیسم با جهان اسلام 17

صهیونیسم؛ دشمن بشریت 17

خطر نداشتن بصیرت و نفهمیدن نقشه ی دشمن 18

لزوم بصیرت داشتن هر مسلمان 18

صهیونیستهای دشمن؛ درصدد تضعیف ملت ایران 19

دولت غاصب صهیونیست؛ بزرگ ترین خطر برای جهان اسلام 19

نکوهش رفتار ذلت بار دولتهای عربی در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب 19

به رسمیت شناختن صهیونیست ها؛ یعنی پایان مبارزه 20

توصیه ی قرآن کریم؛ بیداری و بصیرت نسبت به دشمن 20

هوشیاری امام راحل (رحمه الله) در شناخت و معرفی دشمن 21

مجهز بودن به انواع ابزارها و توانمندی ها و حساسیت به بیداری اسلامی؛ دو خصوصیت اصلی دشمن 22

صهیونیست ها و امریکا؛ مصادیق بارز جبهه ی باطل 23

اتحاد شوم امریکا و صهیونیسم؛ در رأس دشمنان اسلام 24

صهیونیسم؛ عامل فساد و اخلال در روند رشد ملتها 24

صهیونیسم و استکبار؛ دشمن اصلی جمهوری اسلامی 25

ایالات متحده ی امریکا؛ بازیچه ی دست صهیونیستها 26

برائت از استکبار و صهیونیسم؛ از مسائل مسلم حج 27

رژیم اشغالگر قدس؛ خطر و تهدیدی برای امنیت منطقه 27

بصیرت ملت ایران در شناخت دشمن اصلی 28

صهیونیستها و امریکا؛ دوروی سگه ی دشمنی با ملت ایران 28

سردمداران دولت امریکا؛ عامل شیاطین صهیونیست 28

اشغالگران فلسطین؛ شریرترین دشمنان ملت ایران 29

پای بندی به اسلام و حفظ استقلال؛ علت دشمنی دشمنان جمهوری اسلامی 30

امریکا، صهیونیستهای دنیا و حکومت صهیونیستی؛ در رأس دشمنان ما 30

فواید حج: وحدت، دشمن شناسی و اعلام براءت از دشمنان 31

استکبار و صهیونیسم؛ دشمن مشترك همه ی گروه های اسلامی 31

امریکا و صهیونیستها؛ بزرگ ترین و لجوجترین دشمنان ملت ایران 32

لزوم هوشیاری در شناخت دشمن 32

صهیونیستها؛ دشمن خطرناك دنیای اسلام 32

مبانی دشمنی ما با امریکا و صهیونیسم 33

لزوم تمایز بین یهود؛ صهیونیسم 33

لزوم هوشیاری نسبت به امپراتوری عظیم خبری صهیونیستی 33

بدیل سازی شعارها و آرمانها؛ یکی از روشهای دشمنی دشمنان 33

تسلیم شدن ملت و دولت؛ نتیجه ی نشناختن درست دشمن 33

معرفی و تبیین مراتب و درجات دشمن 34

هوای نفس؛ دشمنی خطرناك تر از صهیونیسم 34

دشمن دنیای اسلام؛ صهیونیستها و سرمایه داران گرداننده ی نظام امریکا 35

تبیین علت هشدارهای عمومی نسبت به دشمن بیرونی 35

دشمن بیرونی؛ عامل تشدید کننده ی اشکالات و لغزشهای درونی 36

ریشه‌ی وحشت صهیونیسم از اسلام 36

دلیل پرهیز دشمن از رویارویی نظامی با ایران اسلامی 37

القای ناکارآمدی نظام و ایجاد اختلاف؛ دو نقطه‌ی امید صهیونیستها و استکبار 37

نقش دشمن در تبدیل اختلاف سلیقه به تضادهای بنیانی 39

خطّ دشمن؛ جداکردن مردم از نظام و ایجاد فضای هرج و مرج در جامعه 39

دوگانه‌ی اسلام طالبانی و اسلام التقاطی؛ دو برداشت مورد حمایت دشمنان 39

صهیونیسم و امریکا؛ مخالف ظهور چهره‌ی اسلام ناب 39

ترس دشمنان از مطرح شدن اسلام زندگی ساز 40

دشمن شناسی؛ مهمترین کار 40

امریکا و صهیونیسم؛ بتهای بزرگی که باید شکست 40

نتیجه‌ی اشتباه در دشمن شناسی؛ هدر دادن سالها از عمر دنیای اسلام 40

ص: 487

امریکا و صهیونیستها؛ دشمن درجه ی اول ملت ایران 40

شایعه پراکنی شبکه های تبلیغاتی؛ یکی از روشهای دشمنی صهیونیسم 41

حمله به عراق؛ پروژه ی امریکایی - صهیونیستی 41

امریکا و صهیونیستها در تدارك جنگ صلیبی 42

هوشیاری در شناخت عوامل پشت پرده ی اظهار نظر پاپ علیه اسلام 43

صهیونیسم جهانی و استکبار امریکایی؛ دشمنان صف بسته ی در مقابل ملت ایران 43

مظهر دشمن بیرونی؛ شبکه ی صهیونیسم جهانی و دولت امریکا 44

ناکامی دشمن در تضعیف ملت ایران 44

شبکه ی صهیونیستی، رژیم صهیونیستی و رژیم منفور امریکا؛ دشمنان اصلی ملت ایران 44

سران صهیونیسم و استکبار؛ شمرها و یزیدهای زمانه 44

راز دشمنی گرداندگان رژیم امریکا و رژیم صهیونیستی با اسلام 45

امریکا و صهیونیستها؛ هم دشمن شیعه و هم دشمن سنی 46

مظهر استکبار جهانی؛ امریکا و صهیونیسم 47

مردم اسرائیل؛ سیاهی لشکر صهیونیسم 47

دلایل سلبی دشمنی استکبار با جمهوری اسلامی 48

دلایل ایجابی دشمنی استکبار؛ جمهوری اسلامی 48

اقتدار همه جانبه ی کشور؛ مانع توطئه های استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی 48

سرمایه داران صهیونیسم؛ مهم ترین تصمیم گیران نظام استکبار 49

تبیین عناصر دستگاه استکبار 50

استکبار جهانی و صهیونیستها؛ دشمنان خونی اسلام و جمهوری اسلامی 50

امریکا، رژیم صهیونیستی و صهیونیستهای دنیا؛ دشمن ترین دشمنان ملت ایران 51

صهیونیستها و رژیم ایالات متّحده ی امریکا؛ دشمنان حقیقی و اصلی منطقه ی خاورمیانه 52

سرمایه دارهای صهیونیست؛ از جمله دشمنان نظام جمهوری اسلامی 52

تقابل دو قطب مستضعفین با مستکبرین به رهبری امریکا و صهیونیسم 53

فصل دوم: صهیونیسم؛ بلای بشریت 54

صهیونیسم؛ مسلکی فاشیستی و غیر مذهبی 54

ترویج فساد و فحشا؛ برنامه ی صهیونیسم جهانی برای به سلطه کشیدن ملت‌ها 54

تزریق فساد و تباهی در تمام ملت‌ها، از اصول اساسی صهیونیسم 54

صهیونیسم؛ دشمن بشریت 55

صهیونیستها و آموزش فساد از طریق رسانه ها 55

صهیونیسم؛ بلای بزرگ بشریت 55

صهیونیستها؛ عامل اغلب فسادها و انحطاطها 56

ص: 488

- سرگرم کردن جوانان به شهوت؛ توطئه ی بلندمدت صهیونیستی 56
- دولت غاصب صهیونیست؛ بخشی از مجموعه ی جهانی صهیونیستها 56
- صهیونیستها؛ تخریبگر دنیا و طبیعت 57
- همت صهیونیستهای عالم برای فاسدکردن نسل جوان 58
- افکار عمومی در جهت میل صهیونیستها 58
- اشاعه ی فحشا؛ برنامه ی مراکز اقتصادی صهیونیستی 59
- علل اشاعه ی فحشا توسط مراکز صهیونیستی 59
- ایجاد نفرت نسبت به اسلام؛ توطئه ی تبلیغاتی صهیونیسم 60
- حذف هویت دینی از انسانها؛ هدف صهیونیستها 60
- اختلاف افکنی میان مسلمانان؛ برنامه ی صهیونیسم و استکبار 61
- دخالت صهیونیستها در همه ی حوادث گوشه و کنار دنیای اسلام 61
- اهانت به نبی مکرم اسلام (ص)؛ توطئه ی عمیق صهیونیستی 62
- رودر رو قرار دادن مسلمانان و مسیحیان؛ توطئه ی عمیق صهیونیستی 62
- عکس العمل مسلمانان علیه دستهای پنهان صهیونیسم در قضیه ی اهانت به پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم) 63
- صهیونیستها؛ سررشته ی تحولات منفی جهانی 65
- نقش صهیونیسم در انقلاب رنگی گرجستان 66
- توطئه و نقش سرمایه داران صهیونیستی در ورشکستگی برخی کشورهای آسیای شرقی 66
- بانک جهانی و صندوق بین المللی پول؛ نهادهایی در خدمت صهیونیسم جهانی 66
- باز داشتن جوانان از نگاه جدی به زندگی؛ از سیاستهای رایج شبکه ی خطرناک صهیونیستی 67
- منشأ صهیونیستی فساد در دنیای غرب 68
- شبکه ی مفسد صهیونیستی؛ مظهر فساد اخلاقی و تباه کردن نسلهای بشری 68

تحقیر شخصیت زن تحت تأثیر دستهای صهیونیستی در دنیای فاسد غرب 69

خشم جامعه ی امریکا از حضور لابی صهیونیستی در مرکز تحرک صهیونیستها 69

اتاقهای فکر صهیونیستی؛ طراح اهانت به قرآن 70

گرفتاریهای متعدد اروپا و امریکا؛ ناشی از سلطه ی اختاپوسی صهیونیسم 71

حمایت يك درصد مردم آمریکا از غده ی سرطانی اسرائیل 72

حاکمیت سیاستهای شبکه ی خبیث صهیونیستی بر دولتهای اروپا و امریکا 73

الگوسازی های رسانه های غربی؛ برگرفته از پروتکل های صهیونیستی 73

ضایع کردن شخصیت زن از مواد پروتکل های صهیونیستی 74

ص: 489

قیام کشورهای اسلامی علیه دیکتاتوریه‌های وابسته؛ مقدمه‌ی قیام علیه دیکتاتوری شبکه‌ی فاسد صهیونیستی 76

نهضت عظیم اجتماعی در اروپا به خاطر دخالت امریکا و دخالت شبکه‌ی صهیونیستی جهانی 77

فصل سوم: نفوذ و سلطه‌ی رسانه‌ی صهیونیسم 78

اکثر خبرگزاریهای دنیا در قبضه‌ی صهیونیستها 78

لزوم تلاش دو برابر در قبال سیطره‌ی رسانه‌ی صهیونیسم 78

شبکه‌های رادیو - تلویزیونی مهم امریکا در دست یهودیه‌های صهیونیست 79

ریشه‌ی معارضة‌ی شبکه‌ی تبلیغاتی و خبری صهیونیستی جهان علیه انقلاب اسلامی 80

سیطره و نفوذ صهیونیسم بر رسانه‌ها و دستگاه‌های تعلیم و تربیت امریکا 80

روزنامه‌ها و دستگاه‌های رادیو و تلویزیون در تصرف صهیونیستها 80

سیطره‌ی شبکه‌ی صهیونیستی بر روزنامه‌های امریکایی 81

دستگاه‌های تبلیغاتی امریکا، درست در اختیار صهیونیستها 81

دروغگویی؛ ذات خبرگزاریهای صهیونیستی 82

رسانه‌های گروهی؛ ابزار صهیونیستها برای تحمیل ملت‌ها و تحریف حقایق 82

دستگاه تبلیغاتی صهیونیستها؛ زمینه‌ساز ایجاد دولت غاصب 82

کوتاهی مسلمانان در تبیین حقیقت مردم فلسطین 82

استخدام کارشناس خبری برای تأمین اهداف صهیونیسم 83

عمده‌ی تبلیغات دشمن در دست صهیونیستها 83

تلاش رسانه‌ی جبهه‌ی استکبار و صهیونیسم 83

انفعال رسانه‌های داخلی در برابر خبرگزاریهای صهیونیستی 84

سانسور پیام حج امام در روزنامه‌های امریکایی 85

صهیونیستها؛ تصمیم‌گیرندگان سیاستهای فسادگرای و فسادگشوی 86

مبارزه ی دائمی خبری بین جمهوری اسلامی و خبرگزاریهای جبهه ی استکبار 86

صهیونیستها؛ خبیث ترین دست اندرکاران تبلیغات جهانی 87

امپراتوری خبری صهیونیسم علیه جمهوری اسلامی 87

هدف رسانه های صهیونیستی؛ تأثیر گذاری بر افکار عمومی علیه جمهوری اسلامی 88

رسانه های صهیونیستی؛ مظهر جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی 88

تبلیغ ماهرانه ی مبلّغین استکبار و صهیونیسم بر ضدّ اسلام 89

صهیونیسم و اسرائیل؛ جزء مقدّسات مطبوعات بیگانه 90

مهارت رسانه یی صهیونیسم در مظلوم نمایی 90

نقش تبلیغات امریکایی در وارونه جلوه دادن حقایق فلسطین 91

ص: 490

رسانه های تبلیغاتی مهمّ دنیا در انحصار صهیونیستها 12

امپراتوری خبری دشمنان دنیای اسلام در کنترل صهیونیستها 91

سیاست صهیونیستها؛ در دست گرفتن رسانه های خبری و تبلیغی دنیا 92

اتّصال بندِ ناف رسانه های متنوّع دنیا به صهیونیستها 92

نقش رسانه های استکباری در انحراف افکار عمومی در ماجرای غصب فلسطین 93

سلطه ی رسانه یی صهیونیسم در خدمت دیکتاتوری پول و شهوت 93

ترندهای تبلیغاتی امپراتوری خبری صهیونیسم علیه نظام جمهوری اسلامی 94

فصل چهارم: مظلوم نمایی صهیونیسم 95

هدف تبلیغات امریکایی و صهیونیستی؛ ارائه ی چهره ی مظلوم از یهودیان صهیونیستی و چهره ی خشن از فلسطینیها 95

مظلوم نمایی یهود و زمینه سازی ظلم 96

فیلم سازی صهیونیستها درباره ی مظلومیت یهودیها 97

مطبوعات امریکایی؛ تصویرگر مظلوم نمایی های اسرائیل 97

مهارت مطبوعات امریکایی در جلب احساس ترحم مردم دنیا نسبت به صهیونیستها 97

تأثیر دروغ پردازی های رسانه های صهیونیستی بر نخبگان و افکار عمومی 98

اشغال فلسطین؛ طرحی راهبردی برای جلوگیری از اتّحاد، پیوستگی و قدرتمندی مسلمانان 99

مظلوم نمایی در افکار عمومی برای زمینه سازی اشغال فلسطین 99

مظلوم نمایی؛ مهمترین کار همیشگی صهیونیستها در دنیای تبلیغات 100

روشهای تبلیغی صهیونیستها در امر مظلوم نمایی 101

ساخت هزاران فیلم برای نشان دادن مظلومیت یهود و دیگر اهداف استعماری 101

بخش دوم: غده ی سرطانی 103

فصل اوّل: تاریخچه و شیوه ی غصب 105

ادّعی صلح؛ ترفندی برای ادامه ی اشغالگری 106

زورگویی، خشونت و قساوت؛ پایه های اساسی رژیم صهیونیستی 107

مذاکرات به اصطلاح صلح؛ ترفند صهیونیستها در راستای اشغال کامل 109

نقش خیانت عرفات و گروهش در تکمیل اشغالگری صهیونیستها 110

شرایط فلسطین در آغاز غصب توسط صهیونیستها 112

فصل دوم: علل اصلی تشکیل رژیم صهیونیستی 111

علّت واقعی اشغال فلسطین 111

رژیم صهیونیستی؛ استانی از استکبار جهانی غرب در وسط ملت‌های عربی و اسلامی 111

رژیم صهیونیستی؛ اهرم فشار قدرتمندان جهانی در قلب ملت‌های اسلامی 112

هدف تشکیل رژیم صهیونیستی؛ ایجاد تفرقه، تشنج و فتنه و جلوگیری از رشد نهضت‌های آزادیبخش 112

حضور اسرائیل در قلب کشورهای اسلامی؛ یعنی سیطره ی استکبار بر دنیای اسلام 113

اشغال فلسطین؛ هدف اولیه ی صهیونیستها و حامیان بین المللی آنها و نه هدف نهایی 113

رژیم صهیونیستی؛ پایگاهی برای استکبار در قلب جهان اسلام 114

رژیم صهیونیستی؛ پایگاهی برای سلطه بر دنیای اسلام 115

تأسیس کشور اسرائیل؛ توطئه ی مشترك استعمار و یهود 115

تشکیل رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از اتحاد دنیای اسلام 116

غصب فلسطین برای تداوم سلطه ی استعمارگران بر دنیای اسلام 116

تشکیل دولت صهیونیستی در فلسطین؛ خواست استعماری دولت انگلیس 116

هدف از اشغال فلسطین؛ جلوگیری از اتحاد و پیوستگی مسلمانان 117

رژیم غاصب اسرائیل؛ ابزار کنترل و تسلط غرب بر منطقه ی خاورمیانه 128

فصل سوم: ملت جعلی 119

اسرائیل؛ دولتی بی اصل و نسب و جعلی، با ملتی دروغی 119

اشغالگران؛ مجموعه بی از انسانهای خبیث، شریر، طماع، دزد و آدمکش 119

مردم بومی فلسطین؛ شهروندان حقیقی فلسطین 120

اداره کنندگان دولت اشغالگر صهیونیستی؛ بیگانگانی از کشورهای مختلف دنیا 120

ملت اسرائیل؛ يك موجودیت دروغین، تصنعی و فرمایشی 121

متکی نبودن دولت غاصب صهیونیستی بر يك ملت 121

اسرائیل با ملتی جعلی، دروغین و بی هویت 121

ملت کنونی صهیونیست اشغالگر؛ ملتی ساختگی و دروغین 122

اسرائیل؛ يك وجود جعلی و يك ملت دروغین 122

اسرائیل؛ ملتی جعلی به جای ملت با فرهنگ و تاریخ و سابقه ی فلسطین 123

ملت سازی برای رژیم صهیونیستی 123

مردم اسرائیل؛ سیاهی لشکر عناصر صهیونیسم 124

غاصب دانستن صهیونیستهای اسرائیلی؛ موضع نظام، انقلاب و مردم درباره ی مردم اسرائیل 124

فصل چهارم: رؤیای نیل تا فرات 126

رژیم صهیونیستی و رؤیای نیل تا فرات 126

محدوده ی جغرافیایی نیل تا فرات در افکار رهبران صهیونیستی 126

ص: 492

پای بندی صهیونیستها به هدف نیل تا فرات 127

توسعه طلبی و تجاوزگری رژیم صهیونیستی 129

ایجاد اسرائیل بزرگ؛ هدف اساسی صهیونیسم 130

نیل تا فرات؛ سرزمین موعود صهیونیستها 131

نقشه ی اسرائیل بزرگ؛ هدیه ی رئیس جمهور جنگ طلب امریکا به نخست وزیر رژیم صهیونیستی 131

طرح خاورمیانه ی بزرگ امریکا؛ نقشه یی برای سیطره ی کامل بر دنیای اسلام 132

فصل پنجم: جنایتها 133

فتنه انگیزی میان مسلمانان؛ جنایتی بزرگ تر از فاجعه ی صبرا و شتیلا 133

جنایت آشکار صهیونیستها و دورویی مدعیان حقوق بشر 134

سرکوب خشونت بار مبارزان فلسطینی و سکوت مدعیان حقوق بشر 134

تروریسم و آدم ربایی مزدوران صهیونی 134

حقوق بشر؛ ترفند سردمداران امریکا 135

عدم پای بندی رژیم صهیونیستی به هیچ اصل انسانی و قانون بین المللی 135

نژادپرستی خشونت بار صهیونیستها 136

سکوت جانبدارانه ی سازمانهای حقوق بشر در برابر جنایتهای رژیم صهیونیستی 137

سکوت مدعیان مبارزه با تروریسم در مقابل تروریسم دولتی آشکار رژیم صهیونیستی 138

عدم واکنش طرفداران حقوق بشر در برابر تجاوزگری اسرائیل 138

اشغال جنایتبار فلسطین 139

وقایع دیرباسین و کفرقاسم؛ نمونه هایی از جنایتهای رژیم صهیونیستی 139

استفاده ی ابزاری از واژه ی تروریسم برای مبارزه ی حق طلبانه ی ملت فلسطین 140

خونسردی سازمانهای مدعی حقوق بشر در برابر جنایتهای آشکار رژیم صهیونیستی 141

ترفند و دروغ خباثت آمیز مدعیان حقوق بشر در برابر فجایع فلسطین و بوسنی هرزگوین 141

خفقان سازمانهای حقوق بشر در برابر فاجعه ی حرم شریف ابراهیمی 142

تعصب و سنگدلی مطبوعات امریکا و غرب در برابر فجایع انسانی 143

رژیم غاصب صهیونیستی؛ واضح ترین نمونه ی دولت تروریست 144

دولت غاصب اسرائیل؛ نمونه ی کامل و همیشگی تروریسم دولتی 144

دروغگویی هفت دولت صنعتی در ادّعی حمایت از حقوق بشر 145

حکومت غاصب صهیونیستی؛ مظهر تروریسم دولتی 145

خون دل خوردن همه ی انسانهای غیرتمند از قضایای فلسطین 146

جنایات دولت غاصب و جعلی اسرائیل در مقابل چشم بشریت 147

رژیم صهیونیستی؛ دولتی ظالم و بی اعتنای به همه ی مقرّرات بشری و انسانی 147

ص: 493

رژیم صهیونیستی؛ مظهر کامل تروریسم 148

خونسردی مدعیان حقوق بشر در برابر جنایات گسترده ی رژیم صهیونیستی 148

فاجعه ی سهمگین قانا؛ نشانگر معنای حقوق بشر امریکایی 149

جنایت رژیم نژادپرست، متجاوز و سفاک صهیونیستی علیه بشریت 149

فجایع لبنان و فلسطین؛ مایه ی عبرت امت اسلامی 149

جهاد مظلومانه ی حزب الله؛ نشان دهنده ی چهره ی کریه و منفور رژیم صهیونیستی 151

بی تفاوتی مدعیان حقوق بشر در برابر جنایتهای رژیم صهیونیستی در غزه 151

اقرار مسئولین صهیونیستی به تبعیض نژادی در فلسطین اشغالی 152

حوادث خونین غزه؛ غمی سنگین برای امت بزرگ اسلام 152

وظیفه ی مسلمانان در رساندن ندای مظلومیت فلسطینیان به سراسر جهان 153

نمایش چهره ی خونخوار گرگهای صهیونیست در غزه 153

سکوت تشویق آمیز برخی دولتهای عربی؛ مصیبتی بزرگ تر از حادثه ی هولناک غزه 153

فاجعه ی صهیونیستها در غزه؛ یک فاجعه ی کم نظیر 154

رسوا شدن داعیه های طرفداری از حقوق بشر در جنایت غزه 154

گسترش غریزه ی وحشیگری و جنایت در سران دولت جعلی صهیونیستی 155

تداوم خوی تجاوزگری و بی شرمی از جنایت در گردانندگان رژیم صهیونیستی 155

رسوایی امریکا، غرب، سازمانهای حقوق بشر و سازمان ملل در ماجرای فاجعه ی غزه 156

حمله به کاروان دریایی آزادی؛ حلقه ی دیگری از زنجیره ی جنایتهای رژیم صهیونیستی 157

صهیونیسم؛ چهره ی جدید و خشن تری از فاشیسم 157

محاصره ی سه ساله ی ظالمانه ی غزه؛ اقدامی سبعانه، قساوت آمیز، وحشیانه و مورد حمایت غرب 158

تهاجم به کاروان امداد؛ ناشی از خوی توحش صهیونیستها 158

قتل عام ملت بی پناه فلسطین در سکوت رسانه های تصویری 159

فصل ششم: امریکا؛ حامی رژیم صهیونیستی 160

اسرائیل؛ پایگاه تجاوز امریکا در منطقه 160

جدانبودن مسئله ی اسرائیل از مسئله ی امریکا 160

کمکهای همه جانبه ی امریکا به اسرائیل 161

امریکا؛ پشتیبان غاصبان صهیونیست خبیث 161

ادامه ی حیات رژیم صهیونیستی با پشتیبانی امریکا 161

عدم پشتیبانی از دولت صهیونیستی؛ از شروط برقراری رابطه ی ما با آمریکا 162

وابستگی امریکا به سرمایه داران صهیونیست بین المللی 163

رؤسای جمهور امریکا؛ تسلیم سیاستهای صهیونیسم 163

ص: 494

- امریکا؛ شریک جنایات شرم آور صهیونیستها در فلسطین 163
- شکنجه و کشتار مردم فلسطین، با پشتیبانی امریکا و هم پیمانانش 164
- شعار ضدیت با اسرائیل با تکیه بر پشتیبانان دولت غاصب؛ حرکتی انحرافی و غلطی بزرگ 165
- رژیم غاصب اسرائیل؛ اهرم فشار استکبار جهانی 165
- اسرائیل؛ سگ دست آموز امریکا 165
- ادعای حقوق بشر امریکا در کنار همدستی و حمایت از اسرائیل 166
- هدف امریکا از تثبیت رژیم اشغالگر؛ در دست گرفتن همه ی سررشته های زندگی در خاورمیانه 167
- دولت اسرائیل؛ قائم مقام حضور استکبار در این منطقه 167
- حمایت امریکا از رژیم وحشی و گستاخ صهیونیستی 168
- افزایش پشتیبانی امریکا از رژیم غاصب صهیونیستی 168
- حمایت امریکا از رژیم صهیونیستی؛ مانع رابطه ی ما با امریکا 169
- بزرگ ترین حمایت از تروریسم؛ حمایت امریکا از رژیم صهیونیستی 169
- امریکا؛ در رأس حامیان دولت غاصب صهیونیستی 170
- امریکا؛ شریک جرم جنایتهای اسرائیل 170
- شروع انقلاب محتمل در کشور امریکا؛ انقلاب علیه صهیونیستها 172
- علت اصلی دشمنی امریکا با ایران 172
- ایالات متّحده ی امریکا؛ بازیچه ی دست صهیونیستها 173
- وتوی قطعنامه های ضدّ رژیم صهیونیستی در شورای امنیت توسط امریکای ظالم 174
- طرفداری امریکا از اسرائیل، در ازای تأمین منافع استکبار در روز مبدا 175
- حمایت صریح امریکا از تروریست ترین کشور 176
- وتوی قطعنامه های ضدّ رژیم صهیونیستی توسط امریکا 177

چشم بستن غرب بر جنایات وحشت آور حکومت غاصب صهیونیست 177

تزویر و دروغگویی غرب در موضوع حقوق بشر 177

امریکا در خدمت سازمان صهیونیستهای این کشور 178

سازماندهی حمله ی امریکا به عراق برای تقویت رژیم صهیونیستی 178

تناقض بزرگ غرب در ضدیت با نژادپرستی 178

پیامد قطع حمایت امریکا از اسرائیل؛ سقوط این ولیده ی استعمار 179

شکنجه شیخ احمد یاسین؛ نمونه ای از شکنجه های صهیونیستی 181

طرفداری امریکا از صهیونیستهای تروریست 181

امریکا در مسئله ی فلسطین، طرف قضیه است، نه واسطه و میانجی 182

تمسك به اسلام و دفاع از فلسطین؛ عوامل اصلی دشمنی امریکا با ایران اسلامی 182

ص: 495

- ریشه‌ی اصلی مخالفت امریکا با ایران 182
- صهیونیستها؛ گردانندگان اصلی سیاست امریکا 182
- وتوی همه‌ی قطعنامه‌های ضدّ اسرائیلی توسط امریکا 183
- امریکا در قضیه‌ی فلسطین؛ مجرم درجه‌ی یک 184
- همّ اوّل امریکا در منطقه؛ حفظ منافع اسرائیل 184
- اسرائیل؛ شریک درجه‌ی اوّل امریکا در منطقه 184
- آینه‌ی فلسطین؛ نمایانگر چهره‌ی زشت سیاستهای امریکایی و فجایع صهیونیستی 185
- حمایت از فلسطین؛ علّت اصلی فشارهای امریکا بر ایران 185
- تروریسم از منظر امریکا 186
- اتّهام تروریست به ملت فلسطین؛ یکی از ظلمهای بزرگ تاریخی 187
- تعامل دوجانبه‌ی غرب و اسرائیل از آغاز پیدایش صهیونیسم 187
- علّت حمایت بی‌قید و شرط امریکا از رژیم صهیونیستی 188
- نیاز آمریکا به وجود اسرائیل جهت تسلّط به منطقه‌ی خاورمیانه 189
- آینده‌ی اقتصاد و تمدّن آمریکا؛ وابسته به سرنوشت اسرائیل 189
- حمایت امریکا از اسرائیل؛ اشتباه جبران ناپذیر 189
- اشغال عراق توسط امریکا؛ در راستای اهداف صهیونیستی 190
- حمایت امریکا از تروریسم صهیونیستی 191
- افشای چهره‌ی امریکا حمایت از تجاوزهای اسرائیلی 191
- امریکا؛ حامی همیشگی دولت صهیونیستی 191
- مسئله‌ی حقوق بشر و دموکراسی؛ ترفند غرب در مقابل ملّتها و دولتهای مستقل 192
- امریکا؛ از شعار مبارزه با تروریسم تا حمایت از رژیم صهیونیستی 194

حمایت بی دریغ امریکا از شارون جنایتکار و ادّعای دروغ دموکراسی 194

سرکار آمدن رئیس جمهور امریکا؛ محصول پول کمپانیهای غارتگر صهیونیستی 195

نقش مهم پول سرمایه داران صهیونیست، در دموکراسی امریکایی 196

داعیه ی مبارزه با تروریسم و تحسین تروریسم صهیونیستی از سوی سلطه گران! 197

رژیم استکباری امریکا؛ بازیچه ی صهیونیستها 197

رفتارهای دوگانه ی امریکا در قضیه ی فلسطین 197

رژیم غاصب اسرائیل؛ ابزار غرب برای کنترل و سیطره بر منطقه ی خاورمیانه 198

قضیه ی 11 سپتامبر؛ بهانه ی طرح خاورمیانه ی جدید 199

خاورمیانه ی جدید امریکاییها؛ خاورمیانه یی بر محور منافع اسرائیل 199

سکوت فرهنگ و تمدن غربی در برابر تبعیض نژادی آشکار رژیم صهیونیستی 199

جنایتهای نابخشودنی صهیونیستها با پشتیبانی دولت مستکبر امریکا 199

ص: 496

زامداران امریکا و قربانی کردن همه ی حرمت‌های بشری در پیش پای صهیونیستها 200

دخالت امریکا به نفع رژیم صهیونیستی در مسئله ی فلسطین 200

حمایت وقیحانه ی امریکا و کوتاهی دولتهای عربی؛ عوامل بقای رژیم صهیونیستی 200

حمایت وقیحانه ی آمریکا و عدم حمایت دولتهای عربی و اسلامی از مردم فلسطین؛ دو عامل سرپا ماندن اسرائیل 201

اسرائیل؛ عامل استکبار جهانی در منطقه 201

تسلط استکبار و ذلت دولتهای عربی؛ نتیجه ی نفوذ بیشتر اسرائیل در منطقه 202

حمایت بی قید و شرط امریکا از رژیم صهیونیستی 203

حمایت صددرصدی امریکا از رژیم غاصب 203

حفظ غده ی سرطانی رژیم صهیونیستی؛ همه ی سعی استکبار 204

بخش سوم: پاره ی تن جهان اسلام 205

فصل اول: بزرگ ترین فاجعه ی طول تاریخ بشر 207

توجه ویژه ی مسلمین به آوارگی ملت فلسطین 207

فاجعه ی فلسطین؛ بزرگ ترین فاجعه ی طول تاریخ بشر 207

مسئله ی فلسطین؛ مسئله یی اسلامی و انسانی 207

ظلم به ملت فلسطین؛ ظلمی بی سابقه در قرنهای اخیر 208

مسئله ی فلسطین؛ بزرگ ترین ظلم زمان و تاریخ معاصر ما 209

فاجعه ی فضاحتبار در فلسطین اشغالی 210

مسئله ی فلسطین؛ مهم ترین مسئله ی جهان اسلام و بشریت در دوران معاصر 210

قضیه ی فلسطین؛ از بزرگ ترین مصائب دنیای اسلام 210

پیامد غصب فلسطین؛ دربه دری مستمر و ابدی يك ملت و جداسازی پاره ی تن جهان اسلام 211

مصیبت فلسطین؛ جزو قضایای کم نظیر تاریخ 211

وجود همه ی مصائب انسانی در قضیه ی فلسطین 212

بی نظیر بودن قضیه ی فلسطین در تاریخ 212

فاجعه ی فلسطین؛ بزرگ ترین نمونه ی نقض حقوق بشر 213

کهنه نشدن مسئله ی غصب فلسطین 213

حقیقت ماجرای فلسطین 213

اشغال فلسطین؛ بزرگ ترین ظلم در عرصه ی بین المللی 214

غصب فلسطین؛ غیرقابل قبول ترین حرف در دنیا 215

قضیه ی فلسطین؛ لکه ی ننگ قرن بیستم 215

ص: 497

غیر منطقی بودن تشکیل رژیم صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی 216

مسئله ی فلسطین در ردیف اوّل مسائل مهمّ جهانی 216

وضعیت فلسطین؛ جراحت بزرگ امت اسلامی 217

نکوهش بی توجهی امت اسلامی به غصب فلسطین 217

فصل دوم: کوتاهی دولتهای اسلامی و عربی 218

نکوهش جواب ندادن دولتهای عرب به ندای «یا للمسلمین» برادران فلسطینی 2218

افشای داعیه های ضدّ اسرائیلی سران خائن عرب 219

نکوهش استخدام ناسیونالیسم عربی در برابر اسلام، نه در برابر ناسیونالیسم صهیونیستی! 220

عقب نشینی کشورهای عربی در مقابل مصر، پس از امضای کمپ دیوید 221

از بین رفتن قبح مذاکره با اسرائیل 221

وقاحت دولت غاصب صهیونیستی؛ نتیجه ی سکوت و سازش خیانت آلود دولتهای عربی 222

مصیبت امروز فلسطین؛ نتیجه ی عدم مقاومت مسلمانان در ابتدای ماجرای غصب 223

خیانت دولتهای عربی در کنفرانس مادرید 224

سرنوشت شوم فلسطین؛ نتیجه ی شکسته شدن قبح مذاکره 225

قدرت رژیم صهیونیستی؛ نتیجه ی ضعف کشورهای عربی 225

خودباختگی کشورهای عربی در اثر فشار استکبار 227

انفعال کشورهای عربی در برابر فشار دستگاه های متمرکز استکبار 227

نکوهش از بین رفتن قبح مذاکره ی دولتهای عرب با اسرائیل 228

نکوهش کوتاهی و تقصیر کشورهای اسلامی و عربی در قضیه ی فلسطین 228

حمایت امریکا و کوتاهی دولتهای عربی؛ دو عامل بقای رژیم صهیونیستی 229

سکوت تشویق آمیز برخی دولتهای عربی در قبال فاجعه ی غزه 230

امتحان بسیار بد دولتهای عربی در قضیه ی غزه 230

قطع روابط دولتهای اسلامی با رژیم صهیونیستی؛ شاخص سند صداقت آنها در دفاع از فلسطین 231

همکاری با صهیونیستها و خیانت به فلسطین؛ از خصوصیات رژیمهای عربی 231

تضمین بقای رژیم صهیونیستی؛ از اهداف رژیمهای وابسته ی عرب 232

خیانت رژیم طاغوتی مصر به آرمانهای فلسطین 233

فصل سوم: مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی انسانی و اسلامی 234

تبیین انسانی و اسلامی بودن مسئله ی فلسطین 234

فلسطین؛ مسئله یی اسلامی و نه فقط عربی 235

احقاق حقّ مردم فلسطین؛ وظیفه ی همه ی ملتّهای مسلمان و باوجدان 235

مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی درجه ی یک جهان اسلام 236

ص: 498

نجات فلسطین؛ وظیفه ی همه ی مسلمانها 236

دلایل حساسیت مضاعف جمهوری اسلامی ایران به مسئله ی فلسطین 236

مسئله ی فلسطین، مربوط به همه ی جهان اسلام 27

علت بی تفاوت نبودن جمهوری اسلامی به غصب فلسطین 238

مسئله ی فلسطین؛ مسأله یی اسلامی، نه يك مسئله ی ناسیونالیستی عربی 239

آثار اسلامی دانستن قضیه ی فلسطین 240

مسئولیت تمام مسلمین عالم نسبت به قضیه ی فلسطین 240

فلسطین؛ مهمترین مسئله ی جهان اسلام 240

مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی دنیای اسلام و تکلیف اسلامی 241

فلسطین؛ مسئله ی اول جهان اسلام 242

تبیین علل اسلامی بودن مسئله ی فلسطین 242

وابستگی مسئله ی فلسطین به سرنوشت غیرفلسطینیها در سرتاسر دنیای اسلام 244

مسئله ی فلسطین مایه ی غم و آزار پیامبر اکرم (ص) 245

موقفیت فلسطین؛ موقفیت همه ی دنیای اسلام 245

ارتباط مستقیم فلسطین به سرنوشت کشورهای اسلامی 245

مسئله ی فلسطین مهم ترین مسئله ی دنیای اسلام 246

فلسطین؛ مسئله ی محوری دنیای اسلام 246

تلاش آمریکاییها در حذف مسئله ی اساسی فلسطین 246

فلسطین؛ مسئله ی اول بین المللی دنیای اسلام 246

مصیبت غزه؛ متعلق به همه ی ملتها 247

انتقاد از عربی دانستن مسئله ی فلسطین 247

فلسطین؛ مهم ترین مسئله ی حقوق بشری جهان معاصر 248

مسئله ی فلسطین؛ مسئله ی اوّل دنیای اسلام 248

فلسطین؛ مسئله ی اوّل در میان موضوعات مشترک کشورهای اسلامی 249

تبیین خصوصیات منحصر به فرد مسئله ی فلسطین 249

فصل چهارم: توطئه ی فراموشی 252

ماجرای ننگین کمپ دیوید؛ اوّلین گام توطئه ی فراموشی مسئله ی فلسطین 252

فراموش نشدن مسئله ی فلسطین؛ پیامد نهضت و مقاومت اسلامی 254

پاک کردن اسم فلسطین از تاریخ و حافظه ی مردم؛ سیاست امریکا و اسرائیل 254

فراموشی مسئله ی فلسطین؛ سیاست امریکا و صهیونیستها 255

محو فلسطین از روی نقشه ی عالم؛ خواسته ی صهیونیستها 255

هدف بسیار مهمّ امریکا؛ حذف مسئله ی فلسطین از مسائل دنیای اسلام و خاورمیانه 255

ص: 499

روز قدس؛ تیری به قلب توطئه‌ی فراموشی قدس 256

سعی اسرائیلیها بر انکار ملت فلسطین 257

ترفند رژیم صهیونیستی برای انکار هویت ملت فلسطین 257

مذاکرات به اصطلاح صلح؛ توطئه‌ی در راستای فراموشی فلسطین 258

روز جهانی قدس؛ تدبیر امام (رحمه الله) در مقابل توطئه‌ی فراموشی 258

شکست استکبار در توطئه‌ی فراموشی؛ نتیجه‌ی سست نشدن مجاهدین فلسطین 258

فراموشی نام و یاد فلسطین؛ خواسته‌ی اشغالگران 259

بخش چهارم: جراحی غده‌ی سرطانی 261

فصل اول: وظیفه‌ی شرعی مسلمانان در برابر اشغال فلسطین 263

و جوب دفاع از سرزمینهای مسلمان نشین 263

دفاع از سرزمین اسلامی؛ دستور اسلام 263

وظیفه‌ی شرعی در قبال اشغال فلسطین 264

مسئله‌ی فلسطین؛ مسئله‌ی اعتقادی 264

عدم اختلاف میان فقهای اسلام در مبارزه با اشغالگران و اخراج آنها 264

و جوب عینی جهاد دفاعی در قضیه‌ی غضب فلسطین 265

دفاع از سرزمین اسلام و مردم مسلمان؛ وظیفه‌ی همگانی مسلمین 266

عدم اختلاف بین مذاهب رایج اسلامی در آزادی سرزمین اسلامی 267

و جوب دفاع از فلسطین بر همه‌ی مسلمانان همه‌ی مذاهب اسلامی 267

فصل دوم: حذف اسرائیل از نقشه‌ی جغرافیایی جهان 268

ضرورت و امکان حذف اسرائیل از نقشه‌ی جغرافیایی جهان 268

محو دوباره‌ی اسرائیل، در گرو ایمان و انگیزه‌ی اسلامی 268

محو اسرائیل؛ شعار جمهوری اسلامی و ملت ایران 269

لزوم جراحی غده ی سرطانی رژیم صهیونیستی از جسم منطقه 269

توهم وجود کشوری به نام اسرائیل روی نقشه ی جغرافیا 270

موجودیت نامشروع اسرائیل از دیدگاه جمهوری اسلامی 270

نابودی دولت غاصب؛ هدف مبارزه ی واقعی در فلسطین 271

قلع غده ی سرطانی اسرائیل؛ علاج زخم فلسطین 271

لزوم عمومی شدن شعار محو غده ی سرطانی اسرائیل در حج 271

استنقاذ فلسطین؛ یعنی محو دولت اسرائیل 272

محال نبودن از بین رفتن اسرائیل 272

از بین رفتن دولت غاصب؛ راه حل مسئله ی فلسطین 273

ص: 500

راه حلّ مسئله ی فلسطین؛ تشکیل دولت در تمام سرزمین فلسطین 273

نابودی حتمی شجره ی خبیثه ی صهیونیسم 274

ضرورت اعتقاد به زوال اسرائیل 274

نیاز پیروزی حتمی مردم فلسطین به همّت ملت‌های مسلمان 275

پیروزی حتمی ملت بیدار فلسطین در آینده ی نزدیک 276

سقوط قریب الوقوع اسرائیل 277

امکان تشکیل دولت فلسطینی فراگیر 277

نابودی حتمی حکومت یهود و صهیونیسم در فلسطین اشغالی 278

فنای دولت غاصب صهیونیستی با بیداری مردم فلسطین 279

پایان قطعی تسلّط صهیونیستها بر فلسطین 280

فلسطین؛ متعلّق به فلسطینیها 280

لزوم بازگشت مالکیت سرزمینهای اشغالی به مردم فلسطین 281

انحلال و زوال دولت صهیونیستی؛ تنها راه حلّ مسئله ی خاورمیانه 281

بازگشت سرزمین فلسطین به صاحبان اصلی آن 282

محو قطعی اسرائیل؛ نتیجه ی مبارزه ی ملت مظلوم فلسطین 282

متلاشی شدن قطعی دولت صهیونیستی 283

بیداری فلسطین در مورد امکان شکست اسرائیل 283

بازگشت حتمی سرزمین فلسطین به فلسطینیها 284

کیان اسرائیلی؛ کیان زائد و مزاحم در منطقه 284

نابودی رژیم صهیونیستی؛ در گرو به کارگیری امکانات جهان اسلام 285

سرنگونی رژیم صهیونیستی؛ پیامد عزم و مبارزه ی ملت فلسطین 286

قطع غده ی سرطانی؛ تنها علاج غده ی سرطانی اسرائیل 286

حذف واحد جعلی و تحمیلی رژیم صهیونیستی؛ منطقی ترین حرف در این باب 287

آزادی کلّ فلسطین؛ مدّعی ما 288

فلسطین، فلسطین از نهر تا بحر 288

حتمیّت قطع غده ی سرطانی 289

فصل سوم: ایستادگی و مبارزه 290

حلّ مسئله ی فلسطین در میدانهای جنگ، نه در محافل سیاسی 290

روشهای صلح آمیز برای آزادی فلسطین؛ القای خود صهیونیستها 290

آزادی کامل سرزمین قدس؛ در گرو مبارزه ی مسلّحانه ی تمام عیار 291

مبارزه از درون سرزمینهای اشغالی؛ خطر عمده و اساسی برای اسرائیل 292

مبارزه؛ فلسفه ی وجودی سازمانهای فلسطینی 292

ص: 501

مبارزه در داخل سرزمینهای اشغالی؛ عنصر فراموش شده در دوره های قبل 293

بی فایده بودن جستجوی آزادی فلسطین در گردهماییهای سران عرب 293

پیروزی بر صهیونیستها؛ تنها با مبارزه و زبان زور 264

مبارزه ی فلسطینیان و پشتیبانی عمومی دنیای اسلام؛ راه حلّ مشکل فلسطین 295

جنگ با رژیم صهیونیستی؛ تنها راه احقاق حقّ ملت فلسطین 295

مبارزه ی ملت فلسطین؛ خطری عظیم برای دشمن 296

علاج توطئه ی امریکا در دستان نیرومند مبارزان فلسطینی 296

تحقق واقعی صلح 297

پیروزی بر اسرائیل؛ در گرو زبان زور و قدرت ملت فلسطین و امت اسلامی 297

مبارزه در داخل سرزمینهای فلسطین؛ تنها راه نجات فلسطین 297

ایستادگی؛ شرط تحقق خواسته های مردم 298

ایستادگی ملت و دولت ایران؛ الگوی جوانان فلسطین 298

در راه حق بودن و جهاد؛ دو شرط پیروزی 299

انتفاضه؛ یعنی قیام در سرزمین مغضوب 299

کوبنده بودن انتفاضه و مبارزات مردم فلسطین در داخل سرزمینهای اشغالی 300

مقاومت و مبارزه ی مردمی؛ عامل شکست اسرائیل و پیروزی لبنان 300

لزوم توجه و درس آموزی از تجربه ی پیروزی لبنان در فلسطین 301

اراده، ایمان، عزم، مقاومت و ایثار؛ از عوامل مؤثر در پیروزی 302

پیروزی فلسطین؛ نتیجه ی قطعی مقاومت و مبارزه 303

ایستادگی و مبارزه؛ تنها راه بازیابی شرف، هویت و استقلال 303

تأثیر مبارزات مردم فلسطین در به چالش کشیدن امنیت اسرائیل 304

نقش جهاد در پیروزی غیرقابل تردید ملت بیدار فلسطین 305

پیروزی حتمی مردم فلسطین؛ نتیجه ی مجاهدت امروز فلسطینیها 305

انتفاضه ی برگرفته از درس حسینی؛ تنها راه گره گشا در مسئله ی فلسطین 306

انتفاضه؛ چالش امنیتی اسرائیل 307

عملیات استشهادی؛ اوج ایستادگی و شجاعت 308

حضور ملت فلسطین در صحنه؛ ضامن پیروزی 309

مذاکرات نامشروع و ناپایدار با رژیم صهیونیستی 309

مبارزه ی نابرابر جوانان فلسطینی با اشغالگران 309

سنت الهی؛ پیروزی در سایه ی مقاومت 310

در ماندگی اسرائیل در برابر عملیات استشهادی 311

مستأصل شدن دولت اسرائیل در مقابل مجاهدت فلسطینیها 312

ص: 502

- مبارزه؛ تنها راه نجات از دست دشمن اشغالگر 313
- عقب نشینی مدعیان مبارزه، به بهانه ی نوگرایی و تغییر تاکتیک 313
- آزادی غزه؛ نتیجه ی مقاومت فلسطینها 314
- مقاومت؛ تنها راه توصیه شده ی عقل و شرع 316
- احیای روح مقاومت در دنیای اسلام؛ پیامد رفتار تجاوزگرانه ی امریکا و اسرائیل 317
- مقاومت فداکارانه؛ تنها راه مقابله با گرگ وحشی صهیونیسم 317
- مجاهدت دلیرانه ی حزب الله؛ یک نمونه از ایستادگی اسلامی 317
- مقاومت و ایستادگی؛ تنها راه پیروزی 318
- شکست اسرائیل؛ با ایستادگی و همت والا 319
- نجات فلسطین با مقاومت و ایستادگی 320
- جمهوری اسلامی؛ مرکز و الهام بخش مقاومت 320
- ایستادگی؛ موجب تحسین و تجلیل هر انسان منصف 321
- مذاکره با رژیم صهیونیستی؛ مغالطه ی بزرگ 322
- عدم نجات فلسطین با در یوزگی از سازمان ملل و قدرتهای مسلط 323
- مقاومت، توحید کلمه ی فلسطینیان و کلمه ی توحید؛ راه نجات فلسطین 323
- مقاومت 22 روزه ی مردم غزه؛ تجربه ی امکان مقاومت ملتها در مقابل زورگویان 324
- مردم فلسطین و غزه؛ مقاوم ترین ملتها 325
- حفظ روحیه ی مردم؛ بزرگ ترین وظیفه ی سازمانهای فلسطین 325
- امکان بازگشت فلسطین به فلسطینها؛ به شرط ایستادگی و مقاومت 325
- مقاومت؛ تنها راه نجات فلسطین 326
- استقامت ملت مقاوم فلسطین 326

انصراف گروه های فلسطینی از مقاومت؛ همه ی سعی دشمن 327

رسمیت مقاومت در همه ی میثاقهای بین المللی 328

فصل چهارم: بیداری اسلامی 330

محو دوباره ی اسرائیل؛ در گرو ایمان و انگیزه ی اسلامی 330

اسلام؛ محور مبارزات علیه صهیونیسم 331

گسترش بیداری مسلمانها در میان کشورهای اسلامی 332

تأثیر حزب الله در اسلامی کردن مبارزه ی ضدّ صهیونیستی 333

اهمّیت بُعد اسلامی در امر مبارزه با اسرائیل 333

مبارزه با اتکا به خدا و ایمان اسلامی؛ تنها راه نجات فلسطین 334

تلاش دشمن در انکار وجه اسلامی مسئله ی فلسطین 334

نقش عنصر اسلام در نهضت فلسطین 335

ص: 503

از یاد بردن هویت اسلامی فلسطین و خیانت سران عرب؛ علت اصلی ناکامیها 336

بیداری اسلامی؛ تهدید واقعی صهیونیستها 336

نجات فلسطین، در گرو تمسک به دین اسلام 336

مبارزات زیر پرچم اسلام؛ تنها راه ریشه کنی غده ی سرطانی اسرائیل 337

وقوع بیداری اسلامی بر خلاف میل استکبار و صهیونیسم 337

اعتقاد دینی؛ ضامن پایداری حماسه و شور 338

مبارزه ی نسل جدید فلسطینی با تکیه بر اسلام و شعار اسلامی 338

تبدیل نهضت غیردینی فلسطین به یک نهضت اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی ایران 339

پیروزی بزرگ جوانان مؤمن در لبنان؛ در سایه ی عمل کردن به احکام اسلام 340

مقاومت در سایه ی اسلام؛ علاج زخم عمیق دنیای اسلام 340

مقاومت مردم و تمسک به اسلام؛ بر هم زنده ی نقشه ی جعلی و دروغین اسرائیل 341

نقش روح دینی در جوانان مبارز فلسطینی 341

در نظر نگرفتن دین و سیاسی کاری؛ بزرگ ترین آسیب گروه عرفات 342

نهضت بیداری فلسطینیان 342

لزوم اسلامی بودن نهضت فلسطین 343

سرچشمه گرفتن انتفاضه از اسلام 343

احساس خطر دشمنان از اسلامی شدن نهضت فلسطین 344

معنای صدور انقلاب اسلامی 344

بیداری امروز فلسطینیها؛ نتیجه ی پیام اسلام و صدور انقلاب 345

احساس خطر رژیم صهیونیستی از اسلامی شدن و مردمی شدن مبارزه ی فلسطینیان 348

موج بیداری اسلامی؛ یک واقعیت جدی و یک حقیقت غیرقابل انکار 348

انتفاضه ی مسجدالأقصى؛ تبلور بیداری اسلامی 348

گرایش و تمسک مردم فلسطین به اسلام؛ خطّ بطلان بر روند سازش 349

انتفاضه ی فلسطین؛ امتداد انقلاب اسلامی ایران 349

ترس صهیونیسم از قدرت بیداری اسلامی 350

قیام اسلامی در ایران؛ سرآغاز بیداری امت اسلامی 350

بیداری دنیای اسلام؛ واقعیّتی غیرقابل انکار 352

حرکت عظیم ملت فلسطین؛ نتیجه ی گرایش آنها به اسلام 352

بیداری اسلامی؛ يك حقیقت روشن 352

قدرتهای استکباری؛ دشمن شماره ی يك بیداری اسلامی 353

تلاش استکبار برای معرفی گروه های متحجّر و دهشت افکن؛ به عنوان نماد بیداری اسلامی 353

ص: 504

فراگیر شدن امواج بیداری در سراسر دنیای اسلام 355

فلسطین؛ کانون بیداری اسلامی 356

رسیدن نسل نو فلسطین به قلّه ی بیداری و آزادگی؛ محصول تجارب تلخ گذشته 356

ایستادگی ملت لبنان؛ نماد بیداری اسلامی 359

ناکارآمدی سلاحهای مدرن و مرگبار در برابر ایمان و اخلاص 359

نقطه ی اوج بیداری اسلامی؛ سر برآوردن جمهوری اسلامی در ایران 360

اعتراف صهیونیستها به عدم کارایی سلاح و قدرت نظامی در برابر بیداری اسلامی 361

بیداری دنیای اسلام؛ خطری برای جهان استکبار 362

احساس خطر شبکه ی صهیونیسم جهانی از بیداری دنیای اسلام 362

حسّاس تر شدن دنیای اسلام نسبت به مسئله ی فلسطین؛ نتیجه ی بیداری دنیای اسلام 362

ناکامی خفت آور رژیم صهیونیستی در برابر موج نیرومند بیداری اسلامی 363

عنصر معنویّت در مبارزه 363

علّت اساسی ناکامی سازمان آزادیبخش فلسطین 364

فصل پنجم: وحدت کلمه 366

وحدت کلمه؛ وادار کننده ی اسرائیل به ترك سرزمین فلسطین 366

سیاست امریکا در تبدیل اتّحاد مسلمانان به عامل اختلاف 366

اختلاف بین مسلمانان؛ عامل حدوث و بقای اسرائیل 367

القای ایران هراسی در دولتهای خلیج فارس؛ برنامه ی رسانه های خبیث صهیونیستی 368

ضرورت توجّه دولتهای منطقه به دشمنان مشترك و اقدام علیه صهیونیسم 368

مفهوم وحدت اسلامی 368

قیام دشمنان علیه اسلام، نه علیه تسنّن یا تشیّع 368

توطئه ی اختلاف بین کشورهای اسلامی، برای انحراف مبارزه ی دنیای اسلام با صهیونیستها 369

تلاش دشمن برای تفرقه در دنیای اسلام 370

مقابله با صهیونیستها؛ شعار وحدت آفرین بین ملت‌های اسلامی 371

بهره های استکبار از ایجاد اختلاف بین کشورهای منطقه: بر هم زدن وحدت دنیای اسلام، فروش اسلحه، حضور نظامی دشمنان در

منطقه، مسابقه برای ایجاد رابطه با دولت صهیونیستی 371

پراکندگی جبهه ی اسلامی؛ مایه ی دلگرمی استکبار 372

لزوم وحدت مسلمانان با وجود صهیونیستهای غاصب در قلب کشورهای اسلامی 373

اختلاف افکنی در دنیای اسلام؛ برنامه ی عوامل صهیونیستی 373

دشمنی با اسرائیل؛ عامل وحدت مسلمانان 374

ص: 505

- سرکوب ملت فلسطین؛ نتیجه ی تفرق دنیای اسلام 374
- مظلومیت ملت فلسطین؛ پیامد متحد نبودن دنیای اسلام 375
- پیروان اهل بیت؛ منادی وحدت امت اسلامی 375
- تفرق و اختلاف؛ بزرگ ترین بیماری و درد امت اسلامی 375
- پرچم مبارزه با اشغالگران فلسطین در دست شیعیان 375
- اختلاف کلمه ی مسلمین؛ علت وضعیّت فعلی فلسطین 376
- وحدت امت اسلامی؛ بزرگ ترین سد در مقابل دشمنان 376
- تبلیغات دستگاه های استکباری در راستای ایجاد اختلاف بین دولتهای اسلامی 377
- وظیفه ی مسلمانان در توجّه به موارد اتحاد و وحدت خودشان 377
- نقش ایادی صهیونیسم در اختلاف افکنی 378
- اتحاد کلمه بر محور اسلام و نفی اهداف استکبار جهانی؛ تنها راه نجات دنیای اسلام 378
- لزوم از خود دانستن قضیّه ی فلسطین توسط دنیای اسلام 379
- غفلت از دشمن اصلی دنیای اسلام؛ نتیجه ی سرمایه گذاری دشمنان برای ایجاد اختلاف 379
- ضرورت حمایت یکصدای دنیای اسلام از ملت و مسئولان فلسطینی 380
- اختلاف شیعه و سنی؛ یکی از ابزارهای دشمن علیه امت اسلامی 380
- تفرقه؛ سم مهلك دنیای اسلام 381
- تلاش استکبار جهانی و صهیونیستهای سفّاک، برای از بین بردن هویت و عزّت اسلامی در همه ی مسلمانان 382
- ضرورت و چگونگی اعتصام به حبل الله 383
- اتحاد؛ مهمترین مسئله ی کنونی دنیای اسلام 384
- ضرورت اتحاد ملتهای مسلمان و اتحاد گروه های فلسطینی 385
- پرهیز مسلمانان از نگاه قومی و مذهبی و توجّه به دشمن مشترك 385

تبیین معنای انسجام اسلامی 385

اختلاف بین مسلمانها؛ گزینه ی ایده آل رژیم صهیونیستی 386

نجات فلسطین با وحدت مردم فلسطین و پشتیبانی امت اسلامی 387

دخالت‌های امریکا در امور منطقه؛ نتیجه ی عدم اتحاد مسلمانان 388

جمعیت کفر از پریشانی ماست 389

شعله ور کردن آتش تعصبات مذهبی؛ خواسته ی سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل 389

جلوگیری از ستم بر مردم فلسطین؛ نتیجه ی وحدت در دنیای اسلام 389

نقش انقلاب اسلامی در اهتزاز پرچم وحدت اسلامی 390

اختلافهای مذهبی؛ سبب جدایی دل‌های دنیای اسلام از جمهوری اسلامی 391

دشمنی بین مسلمانان؛ خواسته ی امریکا و صهیونیستها 391

ص: 506

- دشمن به دنبال اختلاف افکنی بین فرقه و مذاهب اسلامی 393
- اختلاف جوامع اسلامی؛ موجب قدرت رژیم صهیونیستی 394
- وضعیت امروز فلسطین؛ نتیجه ی عدم وحدت امت اسلامی 394
- ضرورت اتحاد در امت اسلامی 396
- اختلاف دولتهای اسلامی در مسئله ی واضح فلسطین 398
- مخالفت با غده ی سرطانی اسرائیل؛ از مشترکات کشورهای اسلامی 400
- بخش پنجم: تقابل ایدئولوژیک 401
- فصل اول: رژیم طاغوت؛ حامی اسرائیل 404
- جلوگیری رژیم پهلوی از فکر کردن مردم درباره ی مسئله ی فلسطین 403
- حساسیت رژیم نسبت به افشاگریهای حضرت امام (رحمه الله) درباره ی اسرائیل 404
- ارتباطات حسنه با اسرائیل؛ یکی از جرایم بزرگ شاه 404
- فعالیت فوق العاده ی دفتر اسرائیل در ایران زمان طاغوت 405
- صادرات نفت ایران به اسرائیل در اوج مبارزات ملت‌های عرب با صهیونیستها 405
- خفقان در رژیم گذشته نسبت به اسرائیل 406
- تهران پیش از پیروزی انقلاب؛ محلّ تفریح صهیونیستها 406
- شکستن اعتصاب عظیم نفتی به نفع امریکا و اسرائیل توسط رژیم طاغوت 407
- اختناق عجیب در دوران پهلوی 408
- ایران قبل از انقلاب؛ پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی 408
- حافظه ی تاریخی ملت ایران و لزوم فراموش نکردن وضعیت پیش از انقلاب 409
- پشتیبانی ایران قبل از انقلاب از رژیم صهیونیستی 410
- فصل دوم: معارضه ی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی 411

مبارزه ی ما با صهیونیسم؛ مبارزه بی استراتژیک و راهبردی 411

مبارزه و معارضه با اسرائیل؛ سرلوحه ی سیاست خارجی ما 411

اداره ی کشور فلسطین توسط خود فلسطینیها؛ پیشنهاد منطقی ایران به سازمان ملل 412

پیشنهاد ایران مبنی بر اخراج اسرائیل از سازمان ملل 412

دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی در مقیاس تجاوزاتش به حقوق انسانها 413

نامشروع بودن موجودیت رژیم صهیونیستی؛ از دیدگاه جمهوری اسلامی 413

جنگال تأمین اسلحه ی ایران از اسرائیل 413

اتّهام قاچاق سلاح از رژیم صهیونیستی به ایران 414

اتّهام تأمین اسلحه از رژیم صهیونیستی؛ یک دشنام به جمهوری اسلامی 414

ص: 507

خصوصیت با اسرائیل، از مسائل درجه ی اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی 415

مبارزه ی جمهوری اسلامی با حضور غاصبانه ی دولت صهیونیستی 415

نظر منطقی جمهوری اسلامی در باب مسئله ی فلسطین 415

برگرداندن محموله ی اسرائیلی در عین نیاز به آن 417

نظام جمهوری اسلامی؛ جدی ترین مخالف رژیم صهیونیستی 417

از بین بردن رژیم صهیونیستی؛ استراتژی جمهوری اسلامی 417

نامشروع و غاصب بودن اسرائیل؛ علّت عدم ارتباط با رژیم صهیونیستی 417

دفاع از فلسطین؛ فریضه یی دینی برای ملت ایران 418

حمایت انقلاب اسلامی و ملت ایران از مسلمانان مظلوم فلسطینی 419

اتّهام ارتباط با اسرائیل؛ نشانه ی ترس استکبار از نفوذ جمهوری اسلامی 420

مقابله با دشمن صهیونیستی و دفاع از ملت فلسطین؛ جزء معتقدات انقلاب اسلامی 421

مسئله ی بیت المقدّس و ملت مظلوم فلسطین؛ جزو مسائل ملت و نظام جمهوری اسلامی 421

علّت واقعی دشمنی مستکبرین با جمهوری اسلامی 421

تعلّق حکومت فلسطین به فلسطینیها؛ نظر قطعی جمهوری اسلامی 421

نابودی اسرائیل؛ موضع مقتدرانه و همیشگی جمهوری اسلامی 423

دفاع از حقّ ملت فلسطین؛ خصوصیت حکومت اسلامی 424

نامشروع بودن دولت صهیونیستی؛ سخن قاطع ملت و دولت ایران 424

محو اسرائیل؛ موضع جمهوری اسلامی 425

اعتقاد ملت ایران درباره ی رژیم غاصب قدس و ملت جعلی اسرائیل 425

بیان صریح حرف حقّ جمهوری اسلامی در قضیه ی فلسطین؛ گناه جمهوری اسلامی 434

دعوی اصلی استکبار با نظام جمهوری اسلامی 427

سیاست جمهوری اسلامی در قبال فلسطین 428

عدم تأیید اسرائیل؛ بزرگ ترین عیب جمهوری اسلامی در نگاه امریکاییها 429

عدم تجدیدنظر در سیاست جمهوری اسلامی نسبت به رژیم صهیونیستی 429

اعتقاد صریح به نامشروع بودن اصل دولت اسرائیل 430

موضع جمهوری اسلامی در قضیه ی فلسطین؛ از علل اصلی تقابل امریکا با ایران 430

انحلال دولت اسرائیل؛ دیدگاه جمهوری اسلامی 431

قبول نکردن حکومت غاصب در سرزمین فلسطین؛ حتی برای يك ساعت 431

دفاع از کلیت دنیای اسلام؛ لازمه ی اسلامی بودن نظام 432

ایده ی روشن جمهوری اسلامی درباره ی مسئله ی فلسطین 432

مواضع ملت ایران در مورد مسأله ی فلسطین؛ همانند مواضع ملت فلسطین 433

ریشه کنی غده ی سرطانی اسرائیل؛ موضع روشن جمهوری اسلامی 433

ص: 508

- راه حلّ جمهوری اسلامی برای مسئله ی فلسطین 434
- ایستادگی ایران اسلامی بر موضع حقّ در جریان قرارداد «اسلو» 437
- تنها راه حلّ مسئله ی فلسطین؛ راه اعلام شده توسط جمهوری اسلامی 438
- حرف منطقی ما در باب مسئله ی فلسطین 438
- نقش نام فلسطین بر روی پرچم انقلاب اسلامی 440
- جدّی ترین دفاع از فلسطین از سوی انقلاب اسلامی 440
- دفاع امام (رحمه الله) از حقوق ملت فلسطین، بدون ملاحظه ی زورگویان عالم 441
- موضع نظام، انقلاب و مردم درباره ی مردم اسرائیل 442
- راهکار پیشنهادی جمهوری اسلامی درباره ی مسئله ی فلسطین؛ کاملاً منطبق بر مردم سالاری 443
- عقیدتی بودن مسئله ی فلسطین برای جمهوری اسلامی 443
- مسئله ی فلسطین؛ از اهداف اصلی جمهوری اسلامی 444
- موضع جمهوری اسلامی درباره ی فلسطین 445
- ضدّیت با صهیونیسم؛ یکی از ملاکهای مقبولیت قیامهای منطقه در نظر انقلاب اسلامی ایران 446
- طرح جمهوری اسلامی؛ منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته شده ی افکار عمومی جهانی 446
- صراحت جمهوری اسلامی در ضدّیت با اسرائیل 447
- فصل سوم: الهام بخشی انقلاب اسلامی ایران در نهضت فلسطین 448
- انقلاب اسلامی؛ مایه ی امید مسلمانان مظلوم فلسطینی 448
- تبدیل نهضت غیر دینی فلسطین به نهضت اسلامی؛ بعد از انقلاب اسلامی 449
- ایران؛ الگوی فلسطین 449
- مقاومت ملت ایران؛ عامل بیداری ملت فلسطین 449
- بیداری امروز فلسطینیها؛ معنای صدور انقلاب 450

ثبّت فضیلتها؛ با پایداری ملت ایران 450

معنویّت؛ عامل پیروزی ملت فلسطین 450

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی فلسطین 451

مجاهدت ملت ایران؛ سر مشق مبارزان فلسطینی 451

نقش انقلاب اسلامی ایران در تحرّک و پویایی منطقه و فلسطین 452

تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری ملت فلسطین 453

انقلاب اسلامی؛ سرچشمه ی بیداری اسلامی 454

علّت تبلیغات منفی صهیونیستها علیه ایران؛ خروج مسلمانان از حالت انفعال پس از انقلاب اسلامی 454

ص: 509

حضور جوانان در صحنه های پر خطر فلسطین با الگوگیری از بسیج 455

قیام ملت ایران؛ موجب بیداری و توجه مسلمانان و کشورهای اسلامی 455

ملت فلسطین و لبنان و سایر ملتها؛ تحت تأثیر ایستادگی و صلابت از پولاد محکم تر امام راحل (رحمه الله) 456

جمهوری اسلامی؛ مایه ی امید جوانان سنی فلسطین و جوانان شیعه ی لبنان 457

انقلاب اسلامی ایران؛ الهام بخش دنیای اسلام 457

بیداری ملت بزرگ ایران؛ تأثیرگذار در بیداری ملت فلسطین 458

ملت ایران؛ الگوی ملت فلسطین و سایر ملتهای اسلامی 459

جمهوری اسلامی؛ اصل و مرکز مقاومت 459

بیداری دنیای اسلام؛ تحت تأثیر نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران 460

جان گرفتن ملت فلسطین بعد از ده ها سال ناکامی؛ نتیجه ی انقلاب اسلامی ایران 460

خیانت نکردن به فلسطین؛ جرم بزرگ جمهوری اسلامی 461

فصل چهارم: روز جهانی قدس؛ لیلۃ القدر تاریخ اسلام 463

روز قدس؛ روز تجمّع آرمانهای مسلمانان جهان 464

روز قدس؛ مربوط به همه ی ملتهای مسلمان 464

روز قدس؛ از مهمترین روزها در جهان اسلام 464

روز قدس؛ مشت کوبنده یی علیه امریکا و صهیونیسم 464

روز جهانی قدس؛ تربیون ملتهای مسلمان در برابر سلطه ی رسانه یی صهیونیستها 464

روز قدس؛ لیلۃ - القدر تاریخ اسلام 465

نقش و تأثیر روز جهانی قدس 465

اراده و خواست ملتها؛ سلاحی بی جواب 466

اهمیت روز قدس 466

روز قدس؛ تیری به قلب توطئه‌ی فراموشی 467

روز قدس؛ روز آزمایش بزرگ ملت‌های مسلمان 467

حضور در راهپیمایی روز جهانی قدس؛ زنده‌کننده‌ی مسئله‌ی قدس در فضای جهان 468

نقش راهپیمایی روز قدس در زنده‌نگه‌داشتن نام و یاد فلسطین 468

روحیه‌دادن به ملت تنها و مظلوم فلسطین؛ نتیجه‌ی شعار عظیم ملت‌های مسلمان در روز قدس 469

لزوم برگزاری پرشکوه‌تر روز قدس در دنیای اسلام 469

روز قدس؛ جلوه‌ی حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام 470

روز قدس؛ یکی از برجسته‌ترین یادگارهای امام عزیز 471

روز قدس؛ روز زنده‌کردن یاد و نام فلسطین 471

ص: 510

روز قدس؛ نماد صف بندی حق در مقابل باطل 471

روز قدس؛ روز امت اسلامی 472

روز قدس؛ روز فریاد رسای مسلمانها علیه سرطان صهیونیسم 472

روز قدس؛ روز بین المللی اسلامی 472

راهپیمایی روز قدس؛ پشتوانه ی امنیت ملی 473

«اصطلاح نامه» 475

ص: 511

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

